

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ویژه‌نامه

بیکت

ویژه‌نامه پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی

به مناسبت شهادت قاندامت و معرفی رهبر جدید انقلاب

مدیر مسئول:

حجت الاسلام و المسلمین
 داود مهدوی‌زادگان

سر دبیر:

دکتر روح‌الله سلگی

دبیر شورای سیاست‌گذاری:

دکتر محمد مهدی خیرجو

سایت:

<https://irseri.ac.ir/fa>



۴ مقدمه

اولین پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی	۴
چراغ راه	۸
رهبر شهید در تربیت فرزند نیوغ داشت	۱۰
زندگی نامه آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر جدید ایران	۱۴
بیانیه مجلس خبرگان رهبری در تعیین و معرفی رهبر جدید انقلاب اسلامی	۱۸
پیام آیت‌الله سیستانی در پی شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی	۱۹
تسلیم آیت‌الله مکارم شیرازی در پی شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی	۲۰
آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای واجد جمیع شرایط لازم رهبری هستند	۲۳
پیام آیت‌الله شبیری زنجانی به رهبر انقلاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای	۲۵
تسلیم آیت‌الله جوادی آملی در پی شهادت رهبر معظم انقلاب	۲۶
تسلیم آیت‌الله سبحانی در پی شهادت ولی امر مسلمین جهان	۲۷
جهان برای بزرگترین شخصیت دینی و سیاسی به سوگ نشست	۲۸
پیام حضرت آیت‌الله مظاهری در پی انتخاب رهبر معظم انقلاب	۲۹
پیام دوست دیرین رهبر شهید در خصوص انتخاب رهبر انقلاب	۳۰
رهبری سوم انقلاب اسلامی و آینده سنت علم و فناوری ایرانیان	۳۱

۳۳ فصل اول | روایت نزدیک؛ از رهبر شهید تا رهبر جدید

خاطراتی از دقت و توجه رهبر شهید به مسائل کشور	۳۴
ویژگی‌های رهبر جدید انقلاب از زبان آیت‌الله جزایری	۳۸
روایت شبنی که خبرگان مصلحت انقلاب را امضا کردند	۳۹
صفر تا صد هشت روز پر اضطراب برای انتخاب رهبر جدید انقلاب در مجلس خبرگان	۴۲
ولایت صالح بن صالح شهید	۴۵
آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در علم و عمل شبیه‌ترین به پدر شهیدشان هستند	۴۷
شباهت‌های رهبر جدید و رهبر شهید	۵۲
ثبت نام هزار طلبه برای درس خارج آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به چه معناست؟	۵۳
رهبر جدید؛ عالم اخلاق و مجاهد علمی	۵۵
نزدیک‌ترین اندیشه به رهبر شهید	۵۶
پنج مرحله‌ای که رهبر شهید انقلاب ترسیم کردند مسیر رهبر آینده است	۶۱
از تدبیر تا جاودانگی: شهادت به مثابه نقطه عطف تمدنی در میراث رهبر شهید	۶۲

۶۷ فصل دوم | بیعت سیاستمداران و مدیران اجرایی

پیام دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی خطاب به رهبر معظم انقلاب	۶۸
پیام دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی	۶۹
بیعت چهره‌ها و احزاب سیاسی با رهبر معظم انقلاب	۷۲
پیام تسلیم وزیر علوم به بیت رهبر شهید انقلاب	۸۱
پیام رییس دانشگاه آزاد اسلامی در معرفی سومین رهبر انقلاب اسلامی	۸۲

۱۵۴	نظام انقلابی؛ برگ برنده ایران و جبهه مقاومت
۱۶۰	از جامعه‌پردازی فرهنگی تا تمدن‌سازی نوین در دوره رهبر سوم
	انقلاب اسلامی
۱۶۲	از اعجاز سلامت در مکتب امامین انقلاب تا افق‌های روشن
۱۶۴	میراث تمدنی امام خامنه‌ای <small>علیه السلام</small> ؛ از جهاد تبیین تا افق تحقق
۱۶۸	ولایت فقیه و سه نتیجه بزرگ عملکردی؛ مقاومت، اقتدار و کارآمدی
۱۷۴	رهبر شهید و خوانش تمدنی؛ پلی میان واقعیت و آرمان‌گرایی
	معماری خودباوری
۱۷۸	پدیدارشناسی ربانیت سیاسی در پهنه‌ی تاریخ ایران در مکتب
	امام خامنه‌ای شهید
۱۸۴	پارادوکس قدرت و تواضع
۱۸۷	ایران اسلامی در آستانه یک جریان تاریخی قدرتمند
۱۹۴	مهم‌ترین عناصر منظومه فکری رهبر شهید درباره آینده جهان اسلام
۲۰۲	۶ عنصر فکری رهبر شهید در باب تمدن نوین اسلامی
۲۰۸	سرمایه‌های انسانی تراز در دوره رهبر شهید؛ عیار رهبر سعید
۲۱۰	اندیشه رهبر شهید؛ از بیداری اسلامی تا شکل‌گیری تمدن
	نوین اسلامی
۲۱۴	شجاعت در مکتب امام شهید
۲۱۷	عقلانیت انقلابی؛ سیمای یک رهبر طلبه، متدین و ایران‌شناس
۲۱۹	رهبر شهید؛ فراتر از زمانه، ماندگار در تاریخ
۲۲۲	خون تازه در رگ‌های انقلاب
۲۲۷	قلبِ محبت، قدرتِ حکمران
۲۳۲	نقطه عطف تمدنی؛ از صلابت در فقدان تا نوسازی در حکمرانی
۲۳۶	از خاکریز حبیب تا فقاقت بی‌حاشیه؛ روایتی از عدل و زهد در
	متن حاکمیت
۲۴۰	نیابت الهی، تسلی‌بخش فقدان جانسوز ولی شهید
۲۴۲	شخصیت جامع الاطراف و حکیم رهبر شهید
۲۴۶	نسبت امر ملی و امر دینی در اندیشه سیاسی شهید آیت‌الله خامنه‌ای
۲۵۰	میراث تمدنی امامت پدر برای پسر
۲۵۳	امتداد مسیر در بستر سنن الهی
۲۵۶	آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای مشاور ویژه و امین رهبر شهید ما بودند
۲۵۹	خوانشی راهبردی از معماری امنیت ملی در نخستین پیام رهبر
	جدید انقلاب اسلامی
۲۶۲	چارچوبی جامع برای تفکر و عمل انقلابی
۲۷۰	طلوع دوره جدید انقلاب اسلامی و هندسه نوین قدرت
۲۷۴	فراتر از خون: مشروعیت رهبری در اسلام
۲۷۸	منظومه‌ی سیاستی امام شهید خامنه‌ای مبتنی بر بیانیه‌ی
	گام دوم انقلاب و نقش آن در انضباط حرکت عمومی جامعه

۸۳	پیام وزیران علوم ادوار در پی شهادت رهبر فقید انقلاب اسلامی
۸۴	بیعت فرزندان شهدا با رهبر معظم انقلاب
۸۶	«قائد امت؛ فدای اسلام و ایران تا بیداری جهان اسلام»
۸۷	تبریک سید حسن خمینی به رهبر معظم انقلاب
۸۹	سید محمد خاتمی: برای رهبر جدید ایران آرزوی توفیق دارم
۹۱	آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای هیچ‌چیزی از امامین انقلاب کم ندارند
۹۳	انتخابی براساس عدالت و انصاف و ضامن تدبیر برای آینده کشور
۹۴	ویژگی‌های رهبری در پرتو کتاب، عترت و قانون اساسی
۹۹	ویژگی‌های رهبر سوم انقلاب اسلامی ایران
۱۰۱	کدام شرایط رهبری از بقیه مهم‌تر است؟
۱۰۲	حکمرانی فقهی، یکی از ویژگی‌های مهم رهبر شهید
۱۰۴	جان‌شینی ولی فقیه؛ تلفیق اجتهاد، زمان‌شناسی و محبوبیت عامه
۱۰۵	پرورش در بیت جهاد و شهادت
۱۰۷	بهترین منبع شناخت رهبر جدید چیست؟
۱۰۹	آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، استمرار راه پدر شهید و
	آرمان‌های انقلاب
۱۱۱	فقاقت، زمان‌شناسی و مدیریت؛ سه ضلع رهبری جدید انقلاب
۱۱۳	مرجعیت فکری و مذهبی آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای
	سومین رهبر انقلاب اسلامی
۱۱۶	رهبری در شخصیت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای متبلور است
۱۱۸	ویژگی‌های حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای فقاقت،
	ساده‌زیستی و دقت در بیت‌المال
۱۲۰	امامین انقلاب؛ آینده‌داران بی‌نقش و نگار ولایت
۱۲۵	فقاقت، ساده‌زیستی و قدرت استنباط سه ویژگی رهبر جدید
۱۲۶	معجزه بعثت مردم در گام دوم انقلاب اسلامی
۱۲۸	آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای مشاور رهبر شهید بودند
۱۳۰	مبنای کار رهبر جدید مشی امامین انقلاب
۱۳۲	آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، منتخب حضرت بقیة الله است
	۱۳۳
	فصل سوم
	فصل جدید انقلاب از زاویه دانشگاه
۱۳۴	تبدیل همگرایی داخلی به همگرایی جهانی با شخصیت جهادی
	آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای
۱۴۰	جنگ رمضان و مردم سالاری دینی در ایران
۱۴۴	میراث بزرگ امام شهید برای تاریخ ایران
۱۴۸	تداوم ولایت و جهش نهضت در عصر جدید
۱۵۰	فقاقت، بصیرت، سلوک؛ سه سنج در معرفی شخصیت رهبر
	سوم انقلاب در سنت فقه شیعی



اولین پیام حضرت آیت الله
سید مجتبی حسینی خامنه‌ای
رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی نخستین پیام را خطاب به ملت ایران منتشر فرمودند که به شرح زیر است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا.^[1]

اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ یٰ دَاعِیَ اللّٰهِ وَرَبَّنَّیْ اَیَّاتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یٰ بَابِ اللّٰهِ وَ دِیْنِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یٰ خَلِیْفَةَ اللّٰهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یٰ حُجَّةَ اللّٰهِ وَ دَلِیْلَ اِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَیْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ. اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ یٰ مَوْلَای صَاحِبِ الرَّمَانِ.

در آغاز کلام باید به سرورم (عجل الله تعالی فرجه) به مناسبت شهادت جانسوز رهبر عظیم الشان انقلاب، خامنه‌ای عزیز حکیم تسلیمت عرض کنم و از آن حضرت دعای خیر برای یکایک ملت بزرگ ایران و بلکه همه‌ی مسلمین جهان و همه‌ی خدمتگزاران اسلام و انقلاب و ایثارگران و بازماندگان شهدای نهضت اسلامی و بخصوص جنگ اخیر و برای خود حقیرم را تقاضا نمایم.

قسمت دوم کلام من، با ملت بزرگ ایران است. ابتدائاً باید وضع و موقف خود در باب رأی مجلس محترم خبرگان را مختصراً بیان نمایم. این خادم شما سید مجتبی حسینی خامنه‌ای همزمان با شما و از طریق سیمای جمهوری اسلامی از نتیجه‌ی رأی مجلس محترم خبرگان مطلع شدم. برای بنده تکیه زدن بر جایی که محلّ جلوس دو پیشوای عظیم الشان، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید بوده، کاری سخت است؛ زیرا این کرسی سابقه‌ی جلوس کسی را دارا است که بعد از بیش از شصت سال مجاهدت در راه خدا و گذشتن از انواع لذایذ و راحتی‌ها، به گوهری تابناک و چهره‌ای ممتاز، نه فقط در عصر حاضر، بلکه در طول تاریخ حکمرانان این کشور بدل شده است. هم حیات و هم نوع مرگ او عجیب باشکوه و عزّتی ناشی از تکیه به حق بود.

من این توفیق را داشتم که پیکر ایشان را بعد از شهادت زیارت کنم؛ آنچه دیدم کوهی از صلابت بود؛ و شنیدم که مشیت دست سالمش را گره کرده بود. در مورد وجوه مختلف شخصیت ایشان اهل اطلاع باید مدتها چیزها بگویند. در این مجال اکتفا به همین مجمل نموده، تفصیل را واگذار به موقعیتهای مناسب دیگری می‌کنم. این است علت سختی تکیه بر کرسی رهبری بعد از چنین کسی. تتمیم این فاصله تنها با استعانت از حضرت حق و یاری شما مردم ممکن است.

در ادامه لازم است نکته‌ای را که ربط مستقیمی به اصل کلام بنده دارد، مورد تأکید قرار دهم؛ آن نکته این است که از جمله هنرهای رهبر شهید و سلف کبیر ایشان، وارد کردن مردم در همه‌ی عرصه‌ها و بصیرت و آگاهی دادن مستمر به ایشان، و در مقام عمل تکیه بر نیروی آنان بود. ایشان این طور معنای حقیقی جمهوریت و جمهوریت را فعلیت بخشیدند و از عمق جان هم به آن معتقد بودند. اثر واضح این مطلب در این چند روزی که کشور بدون رهبر و بدون فرمانده کلّ قوا بود، دیده شد. بصیرت و هوشمندی ملت بزرگ ایران در واقعه‌ی اخیر و پایداری و شجاعت و حضورش، دوست را به تحسین و دشمن را به حیرت واداشت. این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید.

آیه‌ای که در صدر این نوشتار آوردم، به این معنی است که هیچ آیتی از آیات الهی نیست که یا مهلتش تمام شود یا به فراموشی سپرده شود، مگر اینکه از ناحیه‌ی حضرت حق (جلّ و علا)، مثل یا برتر از آن به جایش داده شود. مناسبت استفاده از این آیه‌ی شریفه این نیست که این بنده در حدّ رهبر شهید باشم؛ چه رسد به اینکه بخواهم برتر از ایشان فرض شوم؛ بلکه جهت ذکر آیه‌ی مبارکه، توجه دادن به نقش بجا و پُررنگ شما ملت عزیز است. اگر آن نعمت عظمی از ما سلب شد، به جایش بار دیگر حضور عمارگونه‌ی ملت ایران به این نظام اعطا گشت. این را بدانید: اگر قدرت شما در صحنه ظاهر نشود، نه رهبری و نه هیچ یک از دستگاه‌های مختلف که شأن واقعی آنها خدمت به مردم است، کارایی لازم را نخواهند داشت.

برای اینکه این معنا بهتر صورت تحقق پیدا کند، اولاً باید به یاد خداوند تبارک و تعالی و توکل بر حضرتشان و توسل به انوار طیبیه‌ی معصومین علیهم السلام، چون اکسیر اعظم و کبریت احمری نگریسته شود که تضمین‌کننده‌ی انواع گشایشها و ظفر قطعی بر دشمن است. این مزیت عظیمی است که شما واجدان و دشمنانتان فاقد آن هستید.

ثانیاً؛ باید بر وحدت بین آحاد و اقشار ملت که معمولاً در مواقع مضیقه نمود خاصی پیدا میکند، خدشه‌ای وارد نشود. این امر با صرف نظر کردن از نقاط مورد اختلاف تحصیل خواهد شد.

ثالثاً؛ باید حضور مؤثر در صحنه حفظ شود؛ چه به صورتی که در این روزها و شبهای جنگ از خود نشان دادید، و چه به صورت انواع نقش آفرینی‌های مؤثر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، تربیتی، فرهنگی و حتی امنیتی. مهم این است که نقش صحیح، بدون خدشه به وحدت اجتماعی، بخوبی درک و تا حد ممکن به اجرا گذاشته شود. یکی از وظایف رهبری و بعضی مسئولین دیگر گوشزد کردن بعضی از این نقش‌ها به آحاد یا اقشار جامعه است. از این رو اهمیت حضور در مراسم روز قدس ۱۴۴۷ را یادآور میشوم که باید عنصر دشمن‌شکنی در آن مورد توجه همگان باشد.

رابعاً؛ از کمک و یاری به یکدیگر فروگذار نکنید. بحمدالله خصلت همیشگی بیشتر ایرانیان جز این نبوده و انتظار می‌رود که در این روزهای خاص که طبعاً بر بعضی از آحاد ملت سخت‌تر از بقیه می‌گذرد، این مطلب جلوه‌ی بیشتری داشته باشد. در همین مجال از دستگاه‌های خدماتی می‌خواهم که در این جهت از هرگونه یاری و اعانت به آن آحاد عزیز ملت و به ساختارهای مردمی امدادی دریغ ننمایند. اگر این جهات مراعات شود، راه وصول شما ملت عزیز به روزهای عظمت و شکوه هموار خواهد بود. نزدیک‌ترین مصداق آن میتواند باذن‌الله ظفر بر دشمن در جنگ فعلی باشد.

قسمت سوّم کلام بنده، تشکر صمیمانه از رزمندگان شجاعمان است که در شرایطی که ملت و وطن عزیزمان به طور مظلومانه‌ای مورد تهاجم رؤس جبهه‌ی استکبار قرار گرفته، با ضربات کوبنده‌ی خود راه دشمن را سد کرده‌اند و آنان را از توهّم امکان تسلّط بر مپهن عزیز و احیاناً تجزیه‌ی آن خارج نموده‌اند. برادران عزیز رزمنده! خواست توده‌های مردم، ادامه‌ی دفاع مؤثر و پشیمان‌کننده است. همچنین قطعاً همچنان از اهرم مسدود کردن تنگه‌ی هر رمز باید استفاده شود. در مورد گشودن جبهه‌های دیگری که دشمن در آن تجربه‌ی ناچیزی دارد و بشدت در آن آسیب‌پذیر خواهد بود، مطالعاتی صورت گرفته است و فعال‌سازی آن در صورت استمرار وضع جنگی و بنا بر رعایت مصالح صورت خواهد گرفت. همچنین از رزمندگان جبهه‌ی مقاومت تشکر صمیمانه دارم. ما، کشورهای جبهه‌ی مقاومت را بهترین دوستان خود میدانیم و امر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت، جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزشهای انقلاب اسلامی است. بی‌تردید همراهی اجزای این جبهه با یکدیگر، مسیر تخلص از فتنه‌ی صهیونی را کوتاه‌تر مینماید؛ همچنان که دیدیم یمن شجاع و مؤمن، دست از دفاع از مردم مظلوم غزه برنداشت و حزب‌الله فداکار علی‌رغم همه‌ی موانع به یاری جمهوری اسلامی آمده است و مقاومت عراق هم دلیرانه همین خط را در پیش گرفته است.

در قسمت چهارم، روی سخن بنده با کسانی است که در این چند روز به نوعی آسیب دیده‌اند؛ چه آنان که داغ شهادت عزیز یا عزیزانی را تجربه کرده باشند؛ چه کسانی که دچار مجروحیت شده باشند، و چه افرادی که به خانه و کاشانه یا محلّ کسب و کارشان صدمه وارد شده باشد. در این قسمت اولاً همدردی عمیق خود را با بازماندگان شهدای والا مقام اعلام میدارم. این بر اساس تجربه‌ی مشترکی است که من با این بزرگواران دارم؛ به غیر از پدرم که داغ فقدان حضرتش امری عمومی شده، همسر عزیز و باوفایم را که امیدها به ایشان داشتم، و خواهر فداکارم که خود را وقف خدمت به والدینش کرده بود و عاقبت مزد خود را گرفت و همچنین طفل خردسالش را، و همسر خواهر دیگرم را که انسانی عالم و شریف بود، به کاروان شهدا سپرده‌ام. اما آنچه صبر بر مصائب را ممکن و حتی آسان می‌سازد، توجه به وعده‌ی حتمی و قطعی الهی بر اجرای پُراج برای صابران است. لذا باید صبر کرد و به لطف و دستگیری حضرت حق (جلّ و علا) امید و اعتماد داشت.

ثانیاً این اطمینان را به همگان میدهم که ما از انتقام خون شهدای شما صرف نظر نخواهیم کرد. انتقامی که در نظر داریم، فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم‌النّسان انقلاب نیست؛ بلکه هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید میشود، خود موضوع مستقّلی برای پرونده‌ی انتقام است. البتّه مقدار محدودی از این انتقام تا به حال صورت عینی پیدا کرده است، ولی تا حدّ کامل آن حاصل نشود، همچنان این پرونده بر روی بقیه‌ی پرونده‌ها خواهد بود و بخصوص نسبت به خون اطفال و کودکانمان حساسیت بیشتری خواهیم داشت. لذا جنایتی که دشمن به طور عمدانه در مورد مدرسه‌ی شجره‌ی طیّبه‌ی میناب و بعضی موارد مشابه مرتکب شده، شأن خاصّی در این رسیدگی دارد.

ثالثاً حتماً جانبازان این حملات باید خدمات درمانی مناسبی را به طور رایگان دریافت نموده و از بعضی مزایای دیگر بهره‌مند گردند. رابعاً تا جایی که وضع فعلی اجازه دهد، باید برای جبران خسارتهای مالی وارد آمده به امکانه و اموال شخصی، اقدامات کافی تعریف شده و مورد اجرا واقع شود. دو مورد اخیر به منزله‌ی تکلیفی لازم‌الاجرا برای مسئولین محترم است که باید آن را اجرا کرده و گزارش آن را به بنده بدهند.

نکته‌ای که باید گوشزد نمایم، این است که به هر صورت، ما از دشمن غرامت خواهیم گرفت و اگر امتناع کند، به اندازه‌ای که تشخیص بدهیم، از اموالش برخوردار خواهیم داشت و اگر آن هم مقدور نباشد، به همان اندازه از اموالش را نابود خواهیم کرد.

قسمت پنجم کلام، خطاب به سران ورده‌های مؤثر در بعضی از کشورهای منطقه است. ما با پانزده کشور همسایگی خاکی با آبی داریم و همیشه مایل به ارتباط گرم و سازنده با همه‌ی آنان بوده‌ایم و هستیم، لکن دشمن از سالها قبل بتدریج پایگاه‌هایی اعم از نظامی و مالی را در بعضی از این کشورها احداث کرده تا تسلط خود بر منطقه را تأمین نماید. در هجوم اخیر، بعضی از پایگاه‌های نظامی مورد استفاده قرار گرفت که طبعاً ما همان طور که هشدار صریح داده بودیم و بدون اینکه تعرضی به آن کشورها صورت دهیم، صرفاً همان پایگاه‌ها را مورد حمله قرار داده‌ایم. از این پس باز هم بناچار این کار را ادامه خواهیم داد؛ گرچه همچنان معتقد به لزوم دوستی بین خود و آن همسایگانمان می‌باشیم. این کشورها باید تکلیف خود را با متجاوزین به وطن عزیزمان و قاتلین آحاد مردم ما معلوم کنند. من توصیه می‌کنم هر چه زودتر آن پایگاه‌ها را تعطیل کنند؛ چون لابد تا به حال فهمیده‌اند که ادعای برقراری امنیت و صلح از سوی آمریکا دروغی بیش نبوده است. این امر باعث میشود تا با ملت‌های خودشان که عموماً از همراهی با جبهه‌ی کفر و رفتار تحقیرآمیز آن ناراضی هستند، پیوند بیشتری پیدا کرده و بر ثروت و قدرتشان افزوده شود. باز تکرار می‌کنم نظام جمهوری اسلامی بدون اینکه بخواهد سلطه و استعماری را در منطقه راه بیندازد، برای اتحاد و رابطه‌ی متقابل گرم و صمیمانه با همه‌ی همسایگان آمادگی کامل دارد.

در قسمت ششم کلام، روی سخنم با رهبر شهیدمان است. رهبر! با رفتن خود داغ سنگینی بر قلوب همگان وارد کردید. شما همیشه مشتاق این عاقبت بودید تا بالاخره حضرت حق آن را در حال تلاوت قرآن کریم در صبحگاه روز دهم رمضان المبارک به شما اعطا فرمودند. مظلومیتهای زیادی را مقتدرانه و با حلم تحمل کردید و خم به ابرو نیاوردید. بسیاری قدر واقعی شما را نشناختند و شاید مدت‌ها بگذرد تا انواع حجابها و موانع کنار رود و زوایایی از آن معلوم شود. امیدواریم از قبل مقام قربی که در جوار انوار طیبه و صدیقین و شهدا و اولیا برایتان فراهم گشته، باز هم به فکر پیشرفت این ملت و همه‌ی ملت‌های جبهه‌ی مقاومت بوده باشید و برای آن وساطت نمایید؛ همچنان که در حیات دنیوی خود چنین بودید. ما با شما عهد می‌بندیم که برای اعتلای این پرچم که پرچم اصلی جبهه‌ی حق است و برای وصول به مقاصد مقدس جنابتان با تمام وجود تلاش کنیم.

در قسمت هفتم از همه‌ی بزرگوارانی که بنده را مورد حمایت خود قرار داده‌اند، از جمله مراجع عظام تقلید و شخصیت‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و از آحاد مردم که در تجمعات پُرشکوهی برای ابراز بیعت مجدد با نظام حاضر شده‌اند و همچنین از مسئولین قوای ثلاثه و شورای موقت رهبری به خاطر حُسن تدابیر و اقدامات، تشکر مینمایم.

امیدوارم الطاف خاصه‌ی الهیه در این ساعات و ایام پُر فیض شامل همه‌ی ملت ایران و بلکه همه‌ی مسلمین و مستضعفین عالم شود.

و در نهایت از سرورمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تقاضا می‌کنم در این باقیمانده‌ی از مدت لیالی و ایام قدر و ماه مبارک رمضان از درگاه حضرت حق (جل و علا) برای ملت ما غلبه‌ی قاطع بر دشمن و همچنین عزت و وسعت و عافیت، و برای رفتگان نشان مقامات و عافیت اخروی را طلب نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۱ اسفند ۱۴۰۴ مطابق با
۲۲ رمضان المبارک ۱۴۴۷

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و تحياته
سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

چراغ راه

۷ فصل اول از نخستین پیام رهبرانقلاب

نقش مردم و اهمیت وحدت

از جمله هنرهای رهبر شهید و سلف کبیر ایشان، وارد کردن مردم در همه‌ی عرصه‌ها و بصیرت و آگاهی دادن مستمر به ایشان، و در مقام عمل تکیه بر نیروی آنان بود. اثر واضح این مطلب در این چند روزی که کشور بدون رهبر و بدون فرمانده کل قوا بود، دیده شد. بصیرت و هوشمندی ملت بزرگ ایران در واقعه‌ی اخیر و پایمردی و شجاعت و حضورش، دوست را به تحسین و دشمن را به حیرت واداشت. این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید. باید بر وحدت بین آحاد و اقشار ملت که معمولاً در مواقع مضیقه نمود خاصی پیدا میکند، خدشه‌ای وارد نشود. این امر با صرف نظر کردن از نقاط مورد اختلاف تحصیل خواهد شد.

پذیرش مسئولیت رهبری

همزمان با شما و از طریق سیمای جمهوری اسلامی از نتیجه‌ی رأی مجلس محترم خبرگان مطلع شدم. برای بنده تکیه زدن بر جایی که محلّ جلوس دو پیشوای عظیم‌النّسأ، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید بوده، کاری سخت است؛ زیرا این کرسی سابقه‌ی جلوس کسی را دارا است که بعد از بیش از شصت سال مجاهدت در راه خدا و گذشتن از انواع لذایذ و راحتی‌ها، به گوهری تابناک و چهره‌ای ممتاز، نه فقط در عصر حاضر، بلکه در طول تاریخ حکمرانان این کشور بدل شده است. هم حیات و هم نوع مرگ او عجین با شکوه و عزّتی ناشی از تکیه به حق بود.

حمایت از رزمندگان و ادامه دفاع

صمیمانه از رزمندگان شجاع ایران تشکر می‌کنم که در برابر تهاجم استکبار، با ضربات کوبنده، راه دشمن را سد کرده و او را از تجاوز و تجزیه میهن ناامید ساختند. خواست مردم، ادامه دفاع مؤثر است و از اهرم مسدود کردن تنگه هرمز باید استفاده شود. گشودن جبهه‌های جدید علیه دشمن آسیب‌پذیر، در صورت لزوم بررسی شده است. همچنین از رزمندگان جبهه مقاومت قدردانی می‌نمایم. کشورهای این جبهه بهترین دوستان ما هستند و همراهی آنان، مسیر نجات از فتنه صهیونیستی را کوتاه‌تر می‌کند؛ چنانکه یمن، حزب‌الله و مقاومت عراق در دفاع از غزه و جمهوری اسلامی ایستادگی کردند.

قول انتقام و جبران خسارات

با آسیب‌دیدگان حملات اخیر همدردی میکنم؛ پدرم، همسر، خواهر و طفل خردسالم را به کاروان شهدا سپرده‌ام و صبر را با توجه به وعده الهی ممکن میدانم. به همه اطمینان میدهم از انتقام خون شهدا صرف‌نظر نخواهیم کرد؛ این انتقام فقط مربوط به رهبر نیست، بلکه هر شهید پرونده مستقلی دارد. تا حد کامل انتقام، این پرونده مفتوح است و نسبت به خون کودکان حساسیت بیشتری داریم. جانبازان خدمات رایگان دریافت میکنند و خسارتهای مالی جبران خواهد شد که انجام این دو تکلیف برای مسئولان لازم‌الاجراست. در نهایت از دشمن غرامت میگیریم و در صورت امتناع، به همان اندازه از اموالش را نابود میکنیم.

هشدار به کشورهای منطقه

خطاب به سران کشورهای منطقه، تأکید میکنم که همواره خواستار ارتباط گرم و سازنده با ۱۵ کشور همسایه بوده‌ایم. دشمن با احداث پایگاه‌های نظامی و مالی در برخی از این کشورها، در صدد تسلط بر منطقه است. در حمله اخیر، همان پایگاه‌ها را هدف قرار دادیم و بدون تعرض به کشورها، این کار را ادامه خواهیم داد. همسایگان باید تکلیف خود را با متجاوزان به وطن و قاتلان مردم ما روشن کنند. توصیه می‌کنم این پایگاه‌ها را تعطیل نمایند تا با ملت‌های خود که از همراهی با کفر ناراضی‌اند، پیوند یابند. جمهوری اسلامی بدون سلطه‌گری، آماده اتحاد و رابطه صمیمانه با همسایگان است.

تشکر از مردم، مراجع و شخصیت‌ها

از همه‌ی بزرگوارانی که بنده را مورد حمایت خود قرار داده‌اند، از جمله مراجع عظام تقلید و شخصیت‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و از آحاد مردم که در تجمعات پُرشکوهی برای ابراز بیعت مجدد با نظام حاضر شده‌اند و همچنین از مسئولین قوای ثلاثه و شورای مؤقت رهبری به خاطر حسن تدابیر و اقدامات، تشکر مینمایم. امیدوارم الطاف خاصه‌ی الهیه در این ساعات و ایام پُر فیض شامل همه‌ی ملت ایران و بلکه همه‌ی مسلمین و مستضعفین عالم شود.

دلگویه بارهبر شهید

رفتنتان داغ سنگینی بر دل‌ها نهاد. شما مشتاق این عاقبت بودید تا سرانجام در حال تلاوت قرآن در صبح دهم رمضان به شهادت رسیدید. مظلومیت‌ها را با اقتدار و حلم تحمل کردید و بسیاری قدرتان را نشناختند. امیدواریم در جوار انوار طیبه، همچنان به فکر پیشرفت ملت و جبهه مقاومت باشید. با شما عهد می‌بندیم برای اعتلای این پرچم حق و وصول به مقاصد مقدستان، با تمام وجود تلاش کنیم.



چرا خبرگان رهبری، آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای را به عنوان رهبر جدید معرفی کرد؟

رهبر شهید در تربیت فرزند نبوغ داشت

گفتاری از آیت الله سید احمد علم الهدی، امام جمعه مشهد الرضا

آیت الله سید احمد علم الهدی در مراسم بیعت با رهبر جدید انقلاب که در میدان شهدای مشهد مقدس برگزار شد، نکات قابل توجهی درباره نظریه ولایت فقیه، شیوه انتخاب ولی فقیه و رهبر جدید انقلاب، آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای بیان کرد که در ادامه گزیده این سخنان آماده است.

بزرگترین نشان انتظار فرج و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همین حضور قهرمانانه و مجاهدانه مردم است

ابتدا از احساسات پاک، عواطف ارزنده و هیجانات مخلصانه شما خواهران و برادران مومن انقلابی کمال تشکر را دارم. امیدوارم تمام عنایاتی که شما مردم در این روزها و شب‌ها و مجاهدات ارزشمندی که با حضور در اجتماعات مختلف انجام می‌دهید تا وابستگی خود را به انقلاب و ولایت نشان دهید؛ مورد لطف و نظر خاص صاحب ما حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بگیرد و خشنودی خاطر آن حضرت را به همراه داشته باشد. بزرگترین نشان انتظار فرج و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همین حضور قهرمانانه و مجاهدانه شما برادران و خواهران در عرصه‌های دفاع از انقلاب، نظام اسلامی و کشور قبه السلام است که امروز پناهگاه تمام جریان‌های مقاومت، آزادی خواهان و عدالت خواهان جهان قرار گرفته است.

بهرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

■ مقدمه

مسئله ولایت فقیه تنها یک مسأله سیاسی و اجتماعی نیست

مسئله ولایت فقیه تنها یک مسأله سیاسی و اجتماعی نیست، مسئله ولایت فقیه برای مایک مسئله فکری و اعتقادی در تداوم خط امامت است. لازمه اعتقاد شیعه به امامت ائمه معصومین علیهم السلام این است که در زمان غیبت امام معصوم حاکمیت و مدیریت آن حضرت به وسیله حجت ایشان که مجتهد جامع الشرایط است و اقامه حکم می کند، صورت بگیرد. اگر کسی به اصل ولایت فقیه معتقد نباشد، اعتقادش به امامت و وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک ناقص و ناسالم است؛ بنابراین مسئله ولایت فقیه برای ما جنبه سیاسی و اجتماعی اش، یک مسئله جنبی و فرعی است.

اعتقاد به ولی فقیه، با اعتقاد به امامت گره خورده است

ما با همان ایمان و فکری که معتقد به امامت هستیم که اعتقادش با اعتقاد به توحید آمیخته است، اعتقاد به ولایت فقیه و حجت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک نیز برای مردم ما به اعتقاد امامت گره خورده و بدون آن اعتقاد به امامت ناقص است. بنابراین خبرگان شما مردم که نماینده شما هستند و شما به آنها نمایندگی دادید تا به عنوان خبره که اولاً آنان را عادل تشخیص دادید که جز برای خدا سخنی نمی گویند و جز در راه خدا نظری ابراز نمی کنند، دوماً آن هارا خبره تشخیص دادید که می توانند رهبر فقیه جامع الشرایطی که قدرت اقامه حکم را دارد، به نمایندگی از شما مردم این رهبر را مشخص کنند و با این رهبر بیعت کنند. ایشان نیز به عنوان حجت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک اقامه حکم کند تا تمام جریان های سیاسی و اجتماعی جامعه دینی و نظام ولایی ما در سایه رهبری او انجام بگیرد.



امام شهید ما در تمام
زمینه ها از جمله تربیت
فرزند نبوغ داشت. کسی
که دارای مقام اجتهاد،
عدالت و بصیرت بالا
است و توان مدیریت
نیز در او تا اندازه ای
تشخیص داده می شود؛

چنین شخصی
نزدیک ترین افراد به امام
شهید ماست

ویژگی های کلی برای انتخاب ولی فقیه

با شهادت جانگدازی که برای امام شهید ما پیش آمد و سوز و گداز شهادتس دل های ما را رنج دیده کرد، طبیعی است که حجت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک و رهبر بعدی به وسیله نمایندگان شما مردم مشخص بشود؛ در مقام بررسی و تشخیص رهبری بعد امام شهید همه خبرگان فعالیت کردند که البته شرایطی لازم بود. رهبر باید مجتهد، عادل، با بصیرت و دارای قدرت قوی مدیریت جامعه باشد. آنچه در این زمان برای ما در کنار این خصوصیات مهم بود و توجه ما را جلب می کرد، این بود که امام شهید بزرگوار ما ریل حرکت جامعه انقلابی را تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک تثبیت فرموده بودند.

بیانیه گام دوم انقلاب مسیر را مشخص کرده است

اگر بیانیه گام دوم انقلاب را مطالعه کرده باشید، متوجه خواهید شد که مسیر و

جاده جامعه انقلابی ما تا ظهور حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشرف به وسیله رهبر شهیدمان کاملاً مشخص و معین شده است، لذا ما کسی را می‌خواستیم که علاوه بر همه این خصوصیات، این ویژگی را نیز داشته باشد که بتواند جامعه را از همان ریل و جاده‌ای که ایشان مشخص کردند، جامعه انقلابی ما را به قله فرج و ظهور برساند.

چرا خبرگان رهبری، آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای را به عنوان رهبر جدید معرفی کرد؟

در مقام تشخیص این واقعیت به این نتیجه رسیدیم که امام شهید ما در تمام زمینه‌ها از جمله تربیت فرزند نبوغ داشت. کسی که دارای مقام اجتهاد، عدالت و بصیرت بالا است و توان مدیریت نیز در او تا اندازه‌ی تشخیص داده می‌شود؛ چنین شخصی نزدیک‌ترین افراد به امام شهید ماست؛ تمام اصول فکری و اندیشه امام شهید ما را در دست دارد، تمام خط و ریل او را می‌داند به دست او تربیت شده و در کنار او رشد کرده؛ قدم به قدم در مسیر رهبری آن امام بزرگوار این شخص حضور داشته و در تمام دقایق رهبری حضور داشته به‌ترمی‌تواند از این ریل جامعه ما را ببرد و به قله ظهور و فرج برساند. الحمدلله حوزه‌های علمیه ما از مجتهدان خیره‌ای برخوردار است، از بین تمام این افراد، میوه دل امام شهید ما آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای است؛ لذا به عنوان رهبر سوم این انقلاب به شما برادران و خواهران این وجود مقدس معرفی شد و شما نیز با این احساسات گرم و هیجانات ارزشمند و عواطف آکنده از عشق اهل بیت علیهم‌السلام خوشبختانه این انتخاب را پذیرفتید. امروز با این رهبر عظیم شأن بیعت می‌کنیم که به طور کامل از تمام فرامین ایشان اطاعت کنیم و تمام دستورات را انجام بدهیم.



امام شهید ما در تمام
زمینه‌ها از جمله تربیت
فرزند نبوغ داشت. کسی
که دارای مقام اجتهاد،
عدالت و بصیرت بالا
است و توان مدیریت
نیز در او تا اندازه‌ی
تشخیص داده می‌شود؛
چنین شخصی
نزدیک‌ترین افراد به امام
شهید ماست

شکرگذاری برای نعمت ولایت

خدایا این هیجان مردم، این شکرگذاری مردم و این ایمان صادق و مخلصانه مرد و زن را شاهد هستی و خودت در قرآن فرمودی شکرگذاری نعمت، آن را افزایش می‌دهد، با توجه به شکرگذاری که مردم ما از رهبری امام خمینی رضی الله عنه داشتند، رهبر شهید ما را در برابر بینش مردم در آشیانه رهبری قرار دادی که باز هم مردم شکرگذار آن بودند و نتیجه آن امروز رهبر سوم انقلاب است که از نسل آن رهبر فرزانه و شهید می‌باشد. رهبر جدید ما با همان خصوصیت در مقابل مردم ظاهر شدند، به شکلی که امروز شمار رهبر ۸۶ ساله را در قلاب رهبر ۵۶ ساله ببینید که همان مسیر را با کمال قدرت در راه فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف پیش ببرد. خدایا با این شکرگذاری وعده خودت را محقق کن و ظهور فرج را برسان.



تداوم استکبارستیزی مهم‌ترین دغدغه خبرگان در انتخاب رهبر بود

آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی در بیاناتی دیگر به تشریح دلایل انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید انقلاب اسلامی پرداختند که در ادامه آمده است: هدف دشمن از اقدام شوم به شهادت رساندن رهبری قطع خط استکبارستیزی و منحرف کردن مسیر انقلاب بود از این رو، حفظ و تداوم این ریل‌گذاری مهم‌ترین دغدغه مجلس خبرگان در انتخاب رهبر جدید به شمار می‌رفت. این انتخاب بر اساس شایستگی‌های منحصربه‌فرد و با هدف تداوم دقیق راه و اندیشه‌های رهبر شهید اتخاذ شده است.

در این شرایط حساس، مجلس خبرگان به این نتیجه رسید که غیر از آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، هیچ فرد دیگری توانایی و شایستگی ادامه دادن این راه را با همان دقت و قدرت ندارد. ایشان شخصیتی هستند که به طور مستقیم در مکتب رهبر شهید تربیت شده و در تمامی لحظات و برنامه‌ها در محضر ایشان بوده‌اند.

تمام اندیشه‌های رهبر شهید در رهبر جدید موج می‌زند

تمامی اندیشه‌ها، افکار و دقایق مورد نظر رهبر شهید در ذهن و عقاید رهبری جدید موج می‌زند و به جرات می‌توان گفت که فرد دیگری جز ایشان از چنین ویژگی‌ای برخوردار نبود. به همین دلایل، رهبری منحصر به شخص ایشان تعلق گرفت و این تصمیم بر اساس عواطف و ارتباطات شخصی اتخاذ نشده است. ملاک اصلی برای مجلس خبرگان، انتخاب شخصیتی بود که بدون کوچک‌ترین کم و کسری و با شناخت دقیق از ریل و مسیر انقلاب، بتواند آن را ادامه دهد و به همین منظور، این انتخاب با اکثریت قاطع آزاد در مجلس خبرگان به تصویب رسید. امیدواریم ملت ایران با همان پشتیبانی، هوشیاری و بیداری همیشگی، همچون گذشته پشتیبان و حامی رهبری باشند و در تداوم این مسیر نورانی، نقش آفرینی کنند.



زندگی نامه آیت الله سید مجتبی خامنه ای

رهبر جدید انقلاب اسلامی ایران

آیت الله حاج سید مجتبی خامنه ای فرزند دوم رهبر و مرجع شهید آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، متولد سال ۱۳۴۸ در مشهد است. ایشان دروس مقدماتی حوزوی را در مدرسه مبارکه آیت الله مجتهدی تهرانی گذراند و در دوران دفاع مقدس در جمع رزمندگان اسلام در جبهه های جهاد حاضر شد. بعد از پایان جنگ تحمیلی، در سال ۶۸ برای تکمیل دروس حوزوی به قم مشرف شد و تا اوایل سال ۷۱ در قم مستقر بود. سال ۷۱ به مدت ۵ سال به تهران مراجعت فرمود و تحصیلات حوزوی را در آنجا پی گرفت. سال ۷۶ با بانوی شهیده زهرا حداد عادل ازدواج کرد و همان سال جهت تکمیل تحصیلات حوزوی و کسب فیوضات معنوی برای بار دوم به قم هجرت فرمود.

دروس سطوح عالی را از محضر حضرات آیات احمدی میانه جی، رضا استادی، اوسطی و برخی دیگر از اساتید مجترب قم بهره برد. دروس خارج فقه و اصول را از محضر والد شهیدشان آیت الله العظمی خامنه ای و علاوه بر ایشان از محضر حضرات آیات عظام

نویسندگان

حجت الاسلام والمسلمین
مقدمی شهیدانی

از حاضرین درس معظم له

حجت الاسلام والمسلمین
علی کرمزاده

از حاضرین درس معظم له

شیخ جواد تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سیدموسی شبیری زنجانی، آقا مجتبی تهرانی، شیخ محمد مؤمن قمی استفاده کرد. ایشان بیش از ۱۷ سال به طور مستمر در درس خارج مختلف حضور فعال داشته‌اند. ارائه تقریرات علمی به عربی و پیگیری نکات علمی در قالب اشکال و نقد در ارتباط خارج از درس با اساتید، توجه ویژه برخی بزرگان به ایشان را در پی داشت.

نبوغ و استعداد به همراه تلاش و پشتکار توأم با دقت و حریت علمی، منجر به تولید نوآوری‌های فراوان و متقن، در منظومه علوم و معارف حوزوی (خصوصاً فقه، اصول و رجال) گردیده است. برخورداری از مبانی فکری منظم و منسجم در مجموعه علوم مدوّن اسلامی و التزام به مبانی خود در تولیدات علمی در مسائل گوناگون، از امتیازات ایشان است. این امر و ابتکار در مبانی اساسی علمی (مانند حقیقت و ماهیت حکم شرعی، مراتب حکم، ملاکات احکام، تعدد حکم، رجوع قیود، نحوه انتقال معارف حدیثی، سیر تطوّر کتب و...) باعث ایجاد یک مکتب علمی جامع گردیده است. این مبانی علمی با توجه به تسلط ایشان بر مکاتب فقهی-اصولی فحول این علم (شیخ اعظم انصاری، آخوند خراسانی، محقق نائینی، آقاضیاء عراقی، مرحوم اصفهانی، مرحوم بروجردی و امام خمینی) سبب استحکام و غنای مضاعف شده است. اهتمام ایشان بر آثار اصحاب ائمه علیهم‌السلام و آراء قدمای امامیه و خصوصاً توجه به مسئله «ارتکاز عصر معصوم علیه‌السلام» و نقش بنیادین آن در فرایند استنباط، حائز اهمیت است.

در کنار تحصیل، به طور مستمر به امر تدریس نیز اشتغال داشت؛ در مدرسه آیت‌الله مجتهدی تهرانی تدریس برخی دروس مقدماتی حوزه را آغاز و از سال ۷۴ به تدریس معالم مشغول شد. بعد از توصیه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای پیرامون ضرورت تحول در حوزه و اهمیت کتب شهید صدر، تدریس معالم را متوقف و تدریس حلقات شهید صدر را شروع کرد. هنگام تشریف به قم در سال ۷۶، ادامه درس حلقات را به یکی از هم‌بعثی‌هایش واگذار کرد. سال ۷۷ تدریس خصوصی رسائل و مکاسب را در بیت شریف امام خمینی (قدس سره) در قم شروع کرد. مدتی بعد، درس خارج صلاّه (تسبیحات اربعه، سجود و رکوع) را به طور خصوصی با حضور برخی شاگردان سابق درس معالم و حلقات آغاز کردند.

در سال ۸۳ به تدریس حلقات و در سال‌های ۸۴ و ۸۵ به تدریس سطوح عالی (مکاسب) در یکی از مدارس قم پرداخت.

درس ایشان در سال ۸۶ به مدرسه مبارکه فیضیه منتقل شد و در سال ۸۷ درس خارج خصوصی ایشان (صلاّه) در دفتر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در قم شکل گرفت. از ابتدای سال تحصیلی ۸۸ به درخواست شاگردان سابق، درس خارج فقه عمومی ایشان در محل دفتر قم آغاز شد. بعد از یک سال، درس خارج عمومی اصول ایشان در سال ۸۹ رسماً آغاز شد و از ابتدای اصول تا ابتدای استصحاب استمرار یافت.

ایشان قبل از تدریس، سیر بحث و دیدگاه‌های علمی‌شان را مرقوم و مدون می‌کرد



بعد از توصیه آیت‌الله

العظمی خامنه‌ای

پیرامون ضرورت تحول

در حوزه و اهمیت کتب

شهید صدر، تدریس

معالم را متوقف و

تدریس حلقات شهید

صدر را شروع کرد.

و بعد از تدریس نیز مباحث فقهی-اصولی‌شان به قلم خود ایشان تنظیم می‌شود و برخی از مجلدات آن آماده نشر است.

تقریرات علمی دروس ایشان نیز از مدت‌ها قبل توسط برخی شاگردان آماده انتشار بود اما به جهت استنکاف ایشان، تاکنون انتشار عمومی نیافته و صرفاً بعد از درخواست مکرر، در دسترس برخی خواص و علمای حوزه قرار گرفته است. ایشان به سبک و سیاق علمای سلف، بین درس فقه و اصول دقایقی را به گعده صمیمانه با شاگردان اهتمام داشت و از ابتکارات ایشان آنکه در ابتدای درس فقه، دقایقی را به تفسیر قرآن کریم اختصاص می‌دادند که حاوی نکاتی ناب و بدیع بود. از دیگر نکات مهم درس ایشان، اهتمام به شاگردپروری و توجه ویژه به اشکالات شاگردان بود که در موارد متعدد، به بعد از درس نیز کشیده می‌شد و گاه برخی شاگردان در قالب گفتگوهای طولانی حضوری و غیر حضوری، سوالات و نکات خود را منتقل می‌کردند و با صبر و حوصله و علاقه، پاسخ می‌گرفتند.

از جمله نکات ویژه درس استاد، برنامه‌ریزی برای ارائه علمی برخی فروع توسط شاگردان بود که در ایجاد زمینه‌های لازم برای قدرت نقّادی و تمرین استنباط، بسیار مؤثر بود.

نوآوری در محتوا و سبک تدریس (تسلط بر آراء گذشتگان، نقّادی در مبانی علمی و نظام‌واره مسائل، بیان منظم و منطقی، آزاداندیشی فکری و حرّیت علمی، رعایت اخلاق و تواضع مثال‌زدنی و...) موجب آن شد که درس خارج ایشان در قم به مرور به یکی از پررونق‌ترین دروس خارج حوزه قم تبدیل شود و تا قبل از دوران کرونا تعطیلی دروس حضوری، بالغ بر ۴۰۰ نفر در درس خارج ایشان شرکت داشتند. در دوران کرونا درس استاد به صورت مجازی برگزار شد و پس از آن نیز به دلیل سکونت ایشان در تهران و محدودیت رفت و آمد به قم، به همین منوال ادامه یافت. در ابتدای سال تحصیلی ۱۴۰۲ بالغ بر ۱۳۰۰ نفر در درس ایشان ثبت‌نام کردند، در این شرایط و در حالی که در نخستین جلسه سال تحصیلی بالغ بر ۷۰۰ نفر در درس شرکت داشتند، ایشان به یکباره خبر تعطیلی درس‌شان را اعلان کرد و از جمع شاگردان حلالیت طلبید. این خبر برای همه شاگردان و سایرین موجب شگفتی بود و با تحلیل‌های عادی سازگاری نداشت. بعد از این ماجرا ۱۰۰۰ نفر از طلاب و اساتید قم، در نامه‌ای به محضر رهبر معظم انقلاب درخواست از سرگیری درس ایشان را مطرح کردند و برخی اعظم قم هم به طور شفاهی همین معنا را خواستار شدند، اما ایشان در دیدار خصوصی با جمعی از شاگردان قدیمی، علت تعطیلی درس را امری معنوی بر شمرده که قابل ذکر نیست و در ضمن آن بر این نکته تأکید کرد که در شرایط پسا کرونا که درس‌های بسیاری از اساتید خوب حوزه کم‌رونق یا تعطیل شده است، اینکه درس ایشان با این تعداد پرشمار برگزار شود، وجهی ندارد و از جمع حاضر خواستند که مطالبات عمومی و خصوصی برای آغاز درس را متوقف کنند. جالب آنکه به فرموده ایشان، بعد از آن نامه مکتوب



در ابتدای سال

تحصیلی ۱۴۰۲ بالغ بر

۱۳۰۰ نفر در درس ایشان

ثبت‌نام کردند، در این

شرایط و در حالی که

در نخستین جلسه

سال تحصیلی بالغ بر

۷۰۰ نفر در درس شرکت

داشتند، ایشان به یکباره

خبر تعطیلی درس‌شان

را اعلان کرد و از جمع

شاگردان حلالیت

طلبید.

هزار نفره و برخی پیغام‌های شفاهی، والد شهیدشان مسئله را با ایشان مطرح کرده و فرمودند که اگر لازم است، ایشان توصیه بفرمایند. اما بعد از اطلاع از تصمیم قاطع فرزند برومندشان، مسئله را به شخص ایشان واگذار کرده بودند. آیت‌الله حاج سید مجتبی خامنه‌ای به همان شاگردان فرمود طلاب و فضیلا حاضر در درس را به اساتید دیگر رهنمون کنید و ملاک‌هایی چون «علمیت»، «انقلابی بودن» و «سلامت نفس» را از جمله شرایط استاد طراز معرفی کردند. با اصرار دوستان و اطلاع از توصیه رهبر شهید انقلاب به ایشان مبنی بر اقدام به «حاشیه‌نگاری بر عروه»، بعد از استنکاف اولیه، تصمیم‌گیری در این کار را به آینده موکول کردند که بعد از مدتی کار علمی خود را بر این مسئله و بازنویسی دروس فقهی و اصولی خود متمرکز کردند، که تاکنون نیز ادامه دارد.

دغدغه تقویت جنبه فقاقت حوزه علمیه قم موجب شد، ضمن پشتیبانی از مؤسسات و مراکز فقهی انقلابی (با سلیق و مشرب‌های علمی مختلف)، مستقلاً به تأسیس برخی مراکز علمی و مدارس فقهی اقدام نمایند. توجه توأمان به مسائل علمی و دغدغه‌های اجتماعی و خصوصاً خدمت به محرومان، موجب شکل‌گیری برنامه‌ای جامع در این مدارس شد که در نتیجه آن، امروز طیفی از عناصر مؤمن انقلابی دلسوز و مردم‌مدار تربیت شده‌اند. احتیاط فوق‌العاده ایشان مبنی بر عدم محوریت شخص خودشان و تأکید بر تقویت حوزه مقدسه و جریان انقلابی حوزوی و محوریت داشتن خط فکری و شخصیت بی‌بدیل امام خمینی و شهید آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، پرهیز از شکل‌گیری برخی رقابت‌های رایج و...، موجب تحسین بسیاری از بزرگان و گرایش حداکثری طیف گسترده‌ای از اساتید و فضلا به این مجموعه‌ها شده است.

در کنار تحصیل و تدریس و سایر اشتغالات حوزوی، ارتباط وثیق با برخی مراجع و بزرگان و اساتید حوزوی در قم و مشهد، نیز بایسته اهمیت است. پیگیری بسیاری از مسائل و دغدغه‌های رهبر شهیدمان در تمشیت برخی امور مهم کشور، از جمله برکات این سنخ از روابط وثیق و گسترده ایشان بود که به عنوان نزدیک‌ترین یار در کنار والد و امام خویش سال‌ها امور را پیگیری و دنبال می‌کردند از جمله جنبه‌های مهم شخصیت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، ارتباط با بزرگان اخلاق و عرفان از جمله حضرات آیات بهاء‌الدینی، بهجت، کشمیری، شیخ جعفر مجتهدی و طیف گسترده‌ای از مردان معنوی بود. نکته‌ها و ناگفته‌های فراوانی از سلوک معنوی و تهذیبی ایشان و تأییدات معنوی بزرگان وجود دارد که در نزداهل معنا و اطلاع محفوظ است.

اشراف ایشان به امور اجرایی کلان کشور و ارتباط نزدیک با بسیاری از کارگزاران ارشد نظام در دوره‌های مختلف و برگزاری جلسات کاری متعدد، تجربه گرانسنگی را فراهم آورده که می‌تواند در آینده منشأ آثار و برکات فراوان باشد. مطالعات گسترده در رشته‌های مختلف دانشی، جلسات مستمر با نخبگان و دستیابی به راهکارهای بنیادین در زمینه‌های مختلف از مسائل خرد و کلان عرصه حکمرانی کشور (از جمله راهکارهای ثبات اقتصادی و ثبات در قیمت کالاهای اساسی، ساختمان‌سازی ارزان، سریع، مدرن و انبوه، تحول نظام کشاورزی و دامداری در ایران، هوش مصنوعی و حمایت از برخی پروژه‌های کلان دانش بنیان و...) سرمایه‌ای گرانسنگ برای ایران اسلامی ایجاد کرده است. ارتباط مستمر با فرماندهان نظامی و رهبران جبهه مقاومت به ویژه سیدالشهدای مقاومت سید حسن نصرالله و سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، جنبه مهم دیگری از شخصیت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای است. مجموعه این مسائل موجب دشمنی و کینه دیرینه آمریکا و رژیم صهیونی با این شخصیت ارجمند بوده و تلاش مستمر برای ترور شخصیتی و حذف فیزیکی ایشان را در پی داشته است که با عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه تمام این اقدامات خصمانه تاکنون ناکام مانده و خداوند متعال این شخصیت ارزنده را به عنوان ذخیره‌ای برای روز مبادا در کوران جنگ وجودی جبهه حق با جبهه کفر و استکبار جهانی حفظ کرده است.

بیانیه مجلس خبرگان رهبری در تعیین و معرفی رهبر جدید انقلاب اسلامی

آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله) به عنوان رهبر جدید انقلاب اسلامی توسط مجلس خبرگان رهبری تعیین و معرفی شد. مشروح بیانیه مجلس خبرگان رهبری را در ادامه بخوانید:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و آزاده ایران اسلامی سلام و درود خداوند بر شما باد.

مجلس خبرگان رهبری، ضمن عرض تسلیت شهادت قائد عظیم الشان حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه) سایر شهدای گرانقدر به ویژه فرماندهان و الامقام و جان برکف نیروهای مسلح و دانش آموزان مدرسه شجره طیبه شهرستان میناب و محکوم نمودن تجاوز وحشیانه آمریکای جنایتکار و رژیم خبیث صهیونیستی به استحضار می‌رساند این مجلس بلافاصله پس از انتشار خبر شهادت و عروج ملکوتی رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی علی رغم شرایط حاد جنگی و تهدیدات مستقیم دشمنان علیه این نهاد مردمی و مبارزان دفاتر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری که به شهادت چند تن از کارکنان و تیم حراست این مجموعه منجر شد، لحظه ای در فرآیند انتخاب و معرفی رهبری نظام اسلامی درنگ ننموده و حسب وظایف مندرج در قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان، تدابیر و تمهیدات لازم جهت برگزاری اجلاس فوق العاده و معرفی رهبر جدید را در دستور کار خود قرار داد و لذا برنامه ریزی‌های مناسب و هماهنگی‌های لازم جهت اجتماع نمایندگان محترم این مجلس که در اقصی نقاط کشور حضور دارند انجام گرفت تا علی رغم پیش بینی‌های هوشمندانه در اصل ۱۱۱ قانون اساسی برای تشکیل شورای موقت، کشور دچار خلأ رهبری نگردد. مجلس خبرگان رهبری با ارج نهادن به جایگاه والای ولایت فقیه در عصر غیبت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ و اهمیت مسئله رهبری در نظام جمهوری اسلامی، ۴۷ سال حکمرانی حکیمانه و مبتنی بر اصل عزت، استقلال و اقتدار امامین انقلاب را پاس می‌دارد و ضمن گرامیداشت یاد آن رهبران الهی و مردمی اعلام می‌دارد این مجلس پس از بررسی‌های دقیق و گسترده و استفاده از ظرفیت اصل ۱۰۸ قانون اساسی، مطابق وظیفه شرعی و اعتقاد به حضور در محضر خداوند متعال، در اجلاس فوق العاده امروز آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رَبِّهِ را بر اساس رأی قاطع نمایندگان محترم مجلس خبرگان رهبری به عنوان سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تعیین و معرفی می‌نماید. در پایان با قدردانی از اعضای شورای موقت اصل ۱۱۱ قانون اساسی، همه ملت شریف ایران به ویژه نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه را به بیعت با رهبری و حفظ انسجام، حول محور ولایت، دعوت می‌کند و استمرار لطف و عنایت حضرت باری تعالی بر این کشور و مردم بزرگ را از محضر ربوبی اش مسئلت می‌نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مجلس خبرگان رهبری | ۱۴۰۴/۱۲/۱۷

دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری



پیام آیت الله سیستانی در پی شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

با اندوهی عمیق، شهادت رهبر عالی قدر جمهوری اسلامی، حضرت آیت الله آقای خامنه‌ای (رضوان الله علیه)، را به مردم شریف ایران و عموم مسلمانان جهان تسلیت عرض می‌کنم. جایگاه رفیع آن بزرگوار و نقش منحصر به فردشان در سکان داری نظام جمهوری اسلامی طی سال‌های متمادی بر همگان آشکار است. بی‌تردید دشمنان با به شهادت رساندن ایشان و تجاوز گسترده نظامی به کشور، در پی ضربه زدن به ایران عزیز هستند. از ملت بزرگ این مرز و بوم انتظار می‌رود در این شرایط دشوار و حساس، با حفظ وحدت و انسجام ملی، اجازه ندهند متجاوزان به اهداف شوم خود دست یابند. از خداوند متعال برای آن فقید سعید علو درجات و رضوان الهی، و برای همه داغ‌دیدگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.

بیانیه دفتر معظم له علیه السلام در پی انتخاب رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران

دفتر معظم له علیه السلام در پی انتخاب رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران بیانیه ای صادر و اعلام کردند: با گرمی داشت یاد رهبر فقید جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله آقای خامنه‌ای رضوان الله علیه امید می‌رود جانشین گرمی ایشان علیه السلام در خدمت به ملت بزرگ ایران و دفع شر بد خواهان و حفظ وحدت و انسجام ملی موفق و مؤید باشند.



تسلیت آیت الله مکارم شیرازی در پی شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

امت بزرگ اسلام، حق طلبان جهان و ملت شریف و مقتدر ایران! بار دیگر دست پلیدترین دشمنان قسم خورده انسانیت از آستین کفر بیرون آمد و رهبر فرزانه انقلاب و سکان دار مبارزه با استکبار جهانی را در مسیر نورانی مکتب اهل بیت علیهم السلام به فوز شهادت رساند. رهبری بیدار و شجاع که در تمام دوران حیات خویش در مسیر انقلاب اسلامی، در برابر طوفان حوادث و مشکلات و فشارها به حق مقاومت نمود و به آرزوی دیرین خود رسید و به خیل شهیدان و امام شهیدان پیوست؛ «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ». اگرچه این ضایعه بسیار سنگین است، اما تاریخ اسلام گواه است که جهاد در راه حق همواره با ایثار خون آبیاری شده و این شهادت‌ها، بهای عزت، استقلال و مقدمه ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) خواهد بود.

در این برهه حساس و سرنوشت ساز، تذکر چند نکته اساسی خطاب به همه مردم عزیز ایران اسلامی و عموم مسلمانان جهان ضروری است:

همواره به یاد داشته باشیم که دست قدرت خدا برتر و بالاتر از همه قدرت هاست. در این ابتلائات، مبدا سستی راه یابد؛ چراکه وعده یاری خداوند تخلف ناپذیر است؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ».

۱

۲

همان گونه که قرآن کریم درباره فقدان رسول الله ﷺ هشدار می دهد که (وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً)، شهادت خادمان دین نیز نباید موجب تلزلی در اراده ها شود. این انقلاب شجره طیبه ای است که به شخص قائم نبوده و به فضل الهی و با تمسک به «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»، پرچم این نهضت هرگز بر زمین نخواهد ماند، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

۳

اکنون هنگام رسالت سنگین مجلس خبرگان رهبری فرارسیده تا طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بی فوت وقت و با قاطعیت به وظایف خود عمل نماید که تصمیم این مجلس شرعاً و قانوناً فصل الخطاب است.

۴

بر تمامی قوای حکومتی و کارگزاران نظام فرض است که با انگیزه ای مضاعف و تدبیری هوشمندانه تر، به تکالیف خود که برای چنین روزی تدبیر شده عمل نموده و امور کشور را پیش برند و اجازه ندهند در زندگی مردم و آرامش جامعه کمترین خللی ایجاد گردد.

۵

ما در میانه یک جنگ تمام عیار هستیم. نیروهای نظامی و انتظامی مقتدر که مایه دلگرمی مردم هستند، باید با صلابت و بدون کمترین مماشات، هرگونه توطئه و التهاب آفرینی دشمنان را در نطفه خفه کرده و با تدبیر به مقابله با آنان تا نابودی کامل بپردازند.

۶

رمز پیروزی ما اتحاد است. و وظیفه شرعی همه دلسوزان و آحاد ملت، صیانت از یکپارچگی صفوف و مقابله با نفوذ و شایعه پراکنی دشمنان است.

۷

ملت ایران و جهان اسلام، منتقم خون رهبر شهید انقلاب هستند. عاملان اصلی این جنایت، دولت مستکبر آمریکا و رژیم منحوس صهیونی است و این انتقام جویی و وظیفه دینی همه مسلمانان جهان است تا شر این جنایتکاران از دنیا برچیده شود.

۸

از دعا و توسل غافل نشویم که مادر ساییه امام حی و ناظر خود هستیم و او ما را تنها نخواهد گذاشت. با قلبی مالا مال از حزن اما امیدوار به نصرت الهی، دست تضرع به درگاه الهی برداشته و برای پیروزی حق دعای کنیم. در پایان، اینجانب شهادت رهبر بزرگوار انقلاب، همراهان ایشان و عده ای از کودکان و مردم مظلوم و بی گناه کشورمان را به محضر بقیة الله الأعظم (ارواحنا فداه) و عموم مسلمانان و آزادیخواهان جهان و به ویژه مردم عزیز ایران تسلیت عرض نموده، برای آن عزیزان علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر جزیل از درگاه احدیت مسألت دارم.

والسلام علی عباد الله الصالحین

قم. ناصر مکارم شیرازی | ۱۰/اسفند/۱۴۰۴

پیام آیت الله مکارم شیرازی در پی انتخاب حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران و دلدادگان انقلاب اسلامی؛

بحمد الله مجلس خبرگان رهبری در مقطع حساس کنونی، با تصمیمی به هنگام، به وظیفه شرعی و قانونی خود عمل کرد. این مجلس با بررسی شاخص ها، جناب آیت الله آقای حاج سید مجتبی خامنه ای (حفظه الله) را به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی برگزید و حجت را بر همگان تمام کرد.

اکنون شایسته است مردم عزیز و ارکان نظام، با بیعت با این انتخاب اصلح مسیر پر نور انقلاب را با اتحاد و استقامت تا پیروزی نهایی ادامه دهند.

اینجانب ضمن تسلیت مجدد شهادت رهبر فقید انقلاب، فرماندهان، مردم عزیز و کودکان و زنان مظلوم به خدمت رهبری عزیز و عموم مردم شریف ایران، این انتخاب را تبریک گفته، پیروزی، عزت و سربلندی ایران اسلامی و ذلت دشمنان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

قم - ناصر مکارم شیرازی

۱۸ اسفند ۱۴۰۴



آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای واجد جمیع شرایط لازم رهبری هستند

آیت‌الله نوری همدانی در پی انتخاب آیت‌الله حاج سیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی ایران پیامی صادر کرد و گفت: ایشان واجد جمیع شرایط لازم رهبری هستند. متن پیام آیت‌الله نوری همدانی از مراجع عظام تقلید بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت مستطاب آیت‌الله جناب آقای حاج سیدمجتبی خامنه‌ای «دامت برکاته»

سلام علیکم، با عرض تبریک و تسلیت شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی و جمعی از سرداران رشید اسلام و نیز جمعی از مردم بی‌دفاع، خداوند متعال را سپاسگزارم که خبرگان ملت، به عنوان امنای امت اسلامی، با در نظر گرفتن همه شرایط و ضوابط لازم و بی‌تردید با عنایات خاصه حضرت بقیة الله الأعظم «عجل الله تعالی فرجه الشریف»، جنابعالی را که واجد جمیع شرایط لازم برای تصدی مسئولیت خطیر رهبری، از جمله فقاقت، شجاعت، تقوا، زمان‌شناسی، مدیریت و تدبیر و نیز پایبندی عمیق به راه و مکتب امام راحل عظیم‌الشأن و رهبر شهید «رضوان الله تعالی علیهما» هستید، به عنوان رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران معرفی نمودند و بدین سان بار دیگر دشمنان این ملت را مأیوس و ناکام ساختند. اینجانب ضمن تجلیل از این انتخاب شایسته و حکیمانه مجلس خبرگان، بر ضرورت پایبندی و تبعیت کامل نسبت به اصل ولایت فقیه، به عنوان رکن اساسی و ستون استوار انقلاب اسلامی، تأکید نموده و از همه امت اسلامی، به ویژه مردم مؤمن، عزیز و انقلابی ایران و نیز مسئولان امین و خدمتگزار، درخواست می‌کنم با بصیرت و همدلی در پشت سر رهبر معظم انقلاب حرکت کرده و با حفظ وحدت و انسجام حول محور ولایت

پیام تسلیت آیت الله نوری همدانی در پی شهادت رهبر معظم انقلاب

آیت الله نوری همدانی در پیامی شهادت رهبر حکیم و شجاع انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه‌ای «رضوان الله تعالی علیه» را تسلیت گفت.

متن پیام معظم له بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

شهادت رهبر حکیم و شجاع انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه‌ای «رضوان الله تعالی علیه» پاداش یک عمر اخلاص و مجاهدت و بندگی بود که پروردگار متعال او را به آرزوی همیشگی و خواسته مستمر در دعاهایش نائل نمود.

مردی که در دوران نزدیک به چهار دهه رهبری بعد از امام راحل «رحمت الله علیه» همانند همان مقتدای خود هیچگاه برای غیر خدا کاری نکرد و تصمیمی نگرفت و سخنی بر زبان جاری نکرد.

در علم و عمل، تقوا و شجاعت ممتاز بود، هیچگاه حتی در هنگامه‌ی خطر خود را از ملت خویش جدا نکرد.

بی‌شک آمریکا جنایتکار و صهیونیست خونخوار به پایان راه خود رسیدند و این بار نیروهای مسلح قدرتمند با پشتیبانی همه جانب ملت پاسخ قطعی و فراموش ناشدنی خواهند داد، در این شرایط خاص ملت بزرگ ایران و همه آزادیخواهان با حفظ خشم مقدس خود در مقابل دشمن، توجه داشته باشند حفظ وحدت و همبستگی و پرهیز از هرگونه اختلاف واجب و ضروری است، باید با حضور در صحنه و انسجام همه اقشار مردم دشمن را ناامید کرد؛ و انشاء الله خبرگان ملت نیز به وظیفه تاریخی خود عمل خواهند کرد و دشمن خواهد دانست که مسیر انقلاب با قدرت ادامه خواهد پیدا کرد.

شهادت این رهبر بزرگ جهان اسلام را به پیشگاه حضرت بقیة الله الأعظم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» و امت اسلام و همه آزادیخواهان جهان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم.



بی‌شک آمریکا جنایتکار
وصهیونیست خونخوار
به پایان راه خود رسیدند
و این بار نیروهای مسلح
قدرتمند با پشتیبانی
همه جانب ملت پاسخ
قطعی و فراموش
ناشدنی خواهند داد

پیام آیت الله شبیری زنجانی به رهبر انقلاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای

آیت الله شبیری زنجانی در تماس تلفنی با مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم، برای موفقیت رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران دعا کرد. آیت الله سید موسی شبیری زنجانی از مراجع عظام تقلید در تماس تلفنی با حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی، مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم، ضمن تسلیت و گرمی داشت یاد رهبر شهید (رحمة الله علیه)، برای موفقیت رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران دعا کرد. وی با اشاره به اینکه کشور ایران، کشور امام زمان (سلام الله علیه) است، گفت: ان شاء الله رهبر معظم و بیت ایشان مورد عنایت خاصه آن حضرت باشند. آیت الله شبیری زنجانی، عزت اسلام و مسلمین، دفع کید دشمنان، و بازگشت امنیت و آرامش به میهن اسلامی را از خداوند متعال مسألت نمود.

پیام آیت الله شبیری زنجانی در پی شهادت امام خامنه ای

این مرجع تقلید شیعیان پیش از این در پیام تسلیت شهادت رهبر معظم انقلاب گفت: رهبر معظم انقلاب با اعتقاد به مسیر و عدم تردید در مواجهه با مشکلات، عمر گرانقدر خویش را با از جان گذشتگی و با عزت و اقتدار و پرکاری مثال زدنی در این راه گذاشت. متن پیام تسلیت حضرت آیت الله شبیری زنجانی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ | با تأثر عمیق، شهادت رهبری معظم آیت الله آقای حاج سید علی خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه) را به حوزه های علمیه و بیت مکرم و آقا زادگان گرمی و به مردم صبور و وفادار ایران و عموم مسلمانان جهان تسلیت عرض می کنم. آن بزرگوار به عنوان شاگرد برجسته و تربیت شده مکتب بنیان گذار انقلاب، با اعتقاد به مسیر و عدم تردید در مواجهه با مشکلات، عمر گرانقدر خویش را با صلابت و اراده قوی و از جان گذشتگی و با عزت و اقتدار و پرکاری مثال زدنی در این راه گذاشت. آن مجاهد، خدمات ارزنده ای انجام داد که ان شاء الله ذخیره آخرت ایشان باشد. اکنون دشمن خبیث که دست پلیدش به خون زنان و کودکان و بی گناهان، بارها آلوده شده است، در حال تجاوز و وحشیانه به میهن اسلامی و به خاک و خون کشیدن افراد بی گناه است. تاریخ این مرز و بوم، فراز و نشیب های بسیار به خود دیده است و آنچه که توانسته مکتب اسلام راستین و مردم مؤمن این دیار را پایدار نگه دارد، دست سرپرستی و عنایت اهل بیت عصمت علیهم السلام و آگاهی مردم و توکل آنان به خداوند و عمل به وظایف شرعیه بوده است. در این شرایط حساس، انتظار است مردم شریف ایران که دل در گرو محبت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دارند با وجود تفاوت سلیقه ها و یا دل گیری از برخی اتفاقات گذشته، اتحاد خویش را بیش از گذشته حفظ و تقویت نمایند و با موااسات و همدلی و با سرلوحه قرارداد مواعظ حضرات معصومین علیهم السلام، از هرگونه دوقطبی سازی در جامعه پرهیز نمایند و در حفظ امنیت و آرامش بکوشند. مسئولین و دست اندرکاران نیز باید برای عبور از شرایط دشوار و خنثی کردن توطئه دشمنان اسلام، با توکل به خداوند و دوراندیشی و تدبیر دقیق و نظارت بر دستگاه ها، به وظائف خویش و خدمت صادقانه به مردم عمل کنند. در این ایام و لیالی ماه مبارک رمضان، همه مؤمنین را به دعا و ارتباط با خداوند متعال و توسل به حضرات ائمه معصومین علیهم السلام، به ویژه استغاثه به ساحت مقدس حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) سفارش می کنم. ضمن عرض تسلیت به خانواده های داغدار از حوادث اخیر، و دعا و آرزوی سلامتی برای مجروحین و آسیب دیدگان، با تضرع و استغاثه از خداوند متعال، تعجیل در ظهور موعود ائمه حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا فداه) را مسألت دارم تا با برقراری قسط و عدل، رنج های بشریت پایان یابد.



تسلیت آیت‌الله جوادی آملی در پی شهادت رهبر معظم انقلاب

مرجع تقلید شیعیان با صدور پیامی شهادت آیت‌الله خامنه‌ای و جمعی از فرماندهان در حمله جنایتکارانه رژیم صهیونیستی و آمریکای خبیث را تسلیت گفت.

در پیام تسلیت آیت‌الله عبدالله جوادی آمده است: شهادت رهبر بزرگوار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و شهادت جمعی از فرماندهان سانحه سنگینی است.

آیت‌الله جوادی آملی در این پیام تصریح کرده است: رهبری که عمر پر برکت را در صیانت اسلام، عزت مسلمین و استقلال مملکت صرف کرد؛ توصیه مهم آن رهبر راحل، حفظ وحدت امت اسلامی، استقلال مملکت و تمامیت ارضی بود. در بخش پایانی این پیام آمده است: ارتحال آن قائد عظیم را به امت اسلامی تسلیت، علو درجه معظم‌له و صبر جمیل امت اسلامی و اجر جزیل خاندان مکرم ایشان را از خدای سبحان مسالت می‌نماییم.

پیام آیت‌الله جوادی آملی در پی انتخاب سومین رهبر انقلاب

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید در پیامی انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی توسط مجلس خبرگان رهبری را تبریک گفت. در این پیام آمده است: نظام امامت و امت از بهترین ره‌آورد‌های وحیانی است، امید است پیشوایان رحیل با رهبران الهی محشور شوند، و آنچه مجلس محترم خبرگان رهبری انتخاب کرده است حافظ غابرو جامع شئون قادم باشد.

تسلیت آیت الله سبحانی در پی شهادت ولی امر مسلمین جهان

آیت الله جعفر سبحانی مرجع تقلید شیعیان پیام تسلیتی در پی شهادت رهبر معظم انقلاب صادر کردند. متن پیام تسلیت آیت الله جعفر سبحانی به مناسبت شهادت رهبر معظم انقلاب به شرح زیر است.

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ إِنَّمَا الْحَيَاةُ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ

خبر شهادت مظلومانه رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه ای قدس سره و نیز کشتار جمعی از هموطنان مظلوم، به ویژه زنان و کودکان بی دفاع، موجی از اندوه و تأثر در میان امت اسلامی، بویژه ملت شریف ایران، بوجود آورد. اینجانب این حادثه جانگداز و مولمه را به پیشگاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، عموم امت اسلامی، به ویژه علمای اعلام و مراجع عظام، و بالأخص خانواده های محترم شهدا تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال، برای آنان علو درجات، رحمت و اسعه و رضوان الهی مسئلت داریم. حضرت آیت الله خامنه ای مصداق راستین این کلام بود که «إنما الحياة عقيدة و جهاد»؛ از دوران جوانی تا واپسین لحظات عمر شریف خویش، با قلم و بیان و جان و دل، در راه تبیین تعالیم اسلام و مدیریت حکیمانه کشور تلاش نمود تا روزی که در ماه مبارک رمضان، به فیض عظیم شهادت نائل آمد و مهمان جد بزرگوارش، مولای متقیان امام علی (ع) گردید. از خداوند متعال مسئلت داریم که خون پاک این مظلومان را بی پاسخ نگذارد و انتقام آنان را از دشمنان خبیث و منحوس و ددمنش بگیرد، و از ملت بزرگ ایران خواهانیم انسجام و وحدت کلمه را حفظ کنند خدای متعال حافظ این کشور و این نظام است. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ

پیام آیت الله سبحانی به مناسبت معرفی رهبر جدید انقلاب

آیت الله سبحانی مرجع تقلید شیعیان در پی انتخاب سومین رهبر انقلاب اسلامی نیز پیامی صادر کردند:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم اعضای مجلس خبرگان رهبری، دامت تأییداتهم

سلام علیکم ورحمة الله؛ در این شرایط حساس، اقدام آن مجلس محترم در انتخاب رهبر، کاری شایسته و درخور تقدیر و مورد تأیید می باشد. ان شاء الله امید است رهبر منتخب، در خدمت به شریعت، دیانت و کشور موفق و مؤید باشند.

جهان برای بزرگترین شخصیت دینی و سیاسی به سوگ نشست

آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی پیامی به دنبال شهادت رهبر انقلاب به شرح ذیل صادر کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم.

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

در ماه مبارک رمضان امت اسلامی، بزرگترین شخصیت دینی و سیاسی، رهبری شجاع و مرجعی بزرگ آیت الله العظمی امام خامنه ای قدس سره الشریف را از دست داد، همه مسلمانان و مستضعفان جهان با شهادت این مرد بزرگ در سوگ نشستند، رژیم سفاک آمریکا و دولت خونخوار اسرائیل با این جنایت بزرگ بدترین و کثیفترین عمل را انجام داد. قلم و زبان عاجز است از بیان گسترده ابعاد وجودی آن رهبر بزرگ، او فقیهی آگاه و آشنا به زمان، رهبری مقتدر، حاکمی زاهد و عابد و مدبّر و دلسوز، عالمی جامع الاطراف و مسلّط بر بسیاری از رشته های علمی، دارای ذهنی بسیار دقیق و نکته سنج که به مدت سی و هفت سال اندیشه های امام خمینی را تحکیم و ابعاد اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را با بیانی دقیق و محکم برای همه بیان نمود، او با توجه به نیازهای بشریت دوران معاصر در اجتهاد و فقه نگاهی جامع محور و به دنبال تشکیل تمدن نوین اسلامی بود.

این مصیبت بزرگ را به محضر مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه مراجع عظام و امت اسلامی و مردم عظیم الشان ایران تبریک و تسلیت عرض می نمایم، امید آنکه فضل و لطف خداوند متعال این ضایعه مؤلمه را جبران فرماید. انه خیر ناصر و معین.

پیام آیت الله فاضل لنکرانی در پی انتخاب آیت الله خامنه ای

متن پیام آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی رئیس مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام در پی انتخاب سومین رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای سید مجتبی خامنه ای دامت برکاته

بعد از سلام و تحیت انتخاب جناب عالی به عنوان رهبری نظام مقدس اسلامی از سوی مجلس خبرگان را تبریک عرض می نمایم ضمن تسلیت مجدد شهادت والد عظیم الشان که صفحات درخشان و پرافتخاری از رهبری و هدایت انقلاب را به یادگار گذاشتند، از خداوند متعال مسئلت می نمایم که با همان قوت در تحکیم مبانی جمهوری اسلامی و خدمت به انقلاب و ملت بزرگوار ایران و تقویت نهاد نورانی ولایت فقیه و مقابله با کفر و استکبار جهانی موفق و موید باشید انشاء الله



پیام حضرت آیت الله مظاهری

در پی انتخاب رهبر معظم انقلاب

حضرت آیت الله حسین مظاهری، زعیم حوزه علمیه اصفهان در پی انتخاب رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران پیامی را صادر کرد. متن این پیام به شرح زیر است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اینک که مجلس خبرگان رهبری در شرایط خطیر و حساس کنونی و در پی مصیبت شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای «قَدَسَ سَـَّـةَ الشَّرِيفِ»، یکی از تربیت یافتگان برجسته و شایسته آن شهید و الامقام را با رأی قاطع، به عنوان ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی ایران برگزیده‌اند، از خداوند قادر متعال، مزید توفیق و تأیید و تسدید و نفوذ کلمه جناب ایشان را در اعلاء کلمه حق و قیام به قسط و عدل و گسترش اخلاق و معنویت و صیانت از ارزش‌های حیات بخش دینی و تحکیم اتحاد ملی و انسجام اجتماعی و تثبیت آرمان‌های بنیانی انقلاب اسلامی و مقابله و مجاهده با دشمنان مهاجم و بدخواهان اسلام و ایران و برطرف ساختن سایه شوم جنگ و مأیوس نمودن مستکبران و بیگانگان و پیشرفت و آبادانی همه جانبه کشور امام زمان «ارواحنا فداه» و سر بلند ساختن ملت فهیم و باشرافت ایران اسلامی و راهبری عقلانی و خردمندانه نظام جمهوری اسلامی ایران، مسألت می‌نمایم.

«والسلام علیه و علی جمیع عباد الله الصالحین و رحمة الله و برکاته.»



مجلس خبرگان رهبری

در شرایط خطیر و

حساس کنونی و در پی

مصیبت شهادت رهبر

شهید انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله

خامنه‌ای «قَدَسَ سَـَّـةَ

الشَّرِيفِ»، یکی از تربیت

یافتگان برجسته و

شایسته آن شهید

و الامقام را با رأی قاطع،

به عنوان ولی فقیه و

رهبر جمهوری اسلامی

ایران برگزیده‌اند

پیام دوست دیرین رهبر شهید در خصوص انتخاب رهبر انقلاب

آیت‌الله سید جعفر شبیری زنجانی، دوست دیرین رهبر شهید انقلاب و برادر آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی در پی انتخاب رهبر انقلاب پیامی صادر کرد.

متن پیام آیت‌الله سید جعفر شبیری زنجانی، دوست دیرین رهبر شهید انقلاب و برادر آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی در پی انتخاب رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

یا مولای یا بقیه‌الله روحی لک الفداء

هرگز تصور نمی‌کردم روزی را درک کنم و شاهد شهادت مظلومانه و مقتدرانه رفیق دیرینم، سید علی باشم؛ عزیز و دوست هشتادساله‌ای که همچون امیرالمومنین (ع) و حسین بن علی (ع) در ماه مبارک رمضان به همراه فرزند و کودکانش به دست شقی‌ترین دشمنان، یعنی صهیونیست‌های جنایتکار، به فیض عظمای شهادت نائل آمد. شهادتی که در میان علمای اسلام کم‌نظیر است و این اندوه جانکاه، جز با نابودی کامل اسرائیل و تحقق رجعت آن سید حکیم در پرتو ظهور حضرتت، التیام نمی‌یابد.

این جانب در حالی که در حرم ملکوتی امام رضا (ع) داغدار بودم، خبر انتخاب حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای از سوی خبرگان محترم رهبری، مرا تا حدی تسکین داد. کسی که بیش از پنج دهه است او را از نزدیک می‌شناسم و به عمق معنویت، سجایای اخلاقی، زهد، علم و اجتهادش واقفم. این ویژگی‌های برجسته، به ویژه اجتهاد و تهجد؛ عشق و عاطفه به مردم؛ توسل و ارتباط خاص با امام رئوف از دوران کودکی، در گفتار و نوشتار امام شهیدمان نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

خدای سبحان را شاکرم که ثمره اخلاص آن سید مظلوم و مقتدر را در سال ۱۳۴۸، در قالب تولد سید خراسانی دیگری رقم زد؛ ذخیره‌ای برای این نظام و انقلاب که پیش از پیروزی انقلاب امام خمینی (ره) پابه عرصه وجود نهاد.

از خداوند جبار و منتقم، در این حرم مطهر رضوی، خاضعانه مسئلت دارم همان‌گونه که غیبت صغری با زعامت عثمان بن سعید و فرزندش آغاز شد، با زعامت سید مجتبی، غیبت کبری به پایان رسد و جهان به دست منجی عالم بشریت، حضرت صاحب‌الامر (عج) پراز عدل و داد گردد و انتقام مادرمان فاطمه زهرا (س) و سید الشهدا حسین بن علی (ع) و تمام مظلومان عالم را بگیرد.

در پایان، شهادت جانگداز امام شهیدمان را به امت اسلام، مستضعفان جهان، منتظران ظهور و به ویژه به سید مجتبی عزیز و فرزندان و خانواده گرمی‌شان تسلیت عرض نموده و این انتخاب شایسته را که بی‌گمان با عنایت ولی عصر (عج) بر قلب خبرگان رهبری در جوار حرم مطهر کریمه اهل بیت فاطمه معصومه (س) نقش بسته است، به امت اسلام و به شخص ایشان تبریک می‌گوییم.

در این شب‌های با فضیلت ماه مبارک رمضان، از درگاه خداوند متعال، پیروزی قاطع امت اسلام بر صهیونیست پلید و آمریکای جنایتکار و سلامتی و عافیت رهبر عزیزمان همراه با پیشرفت و اصلاح امور ایران عزیز به دست توانمند و با کفایتش را مسئلت می‌نمایم.



رهبری سوم انقلاب اسلامی و آینده سنت علم و فناوری ایرانیان



مهرداد بذریاش

وزیر سابق راه و شهرسازی

مهرداد بذریاش، وزیر سابق راه و شهرسازی، در گفتوگویی که پیش رو دارید، با تبیین میراث علمی شهید سلیمانی علم و فناوری، از نقش آفرینی رهبر سوم انقلاب در تحقق «علم در ابعاد بزرگ» و جهشی خارقالعاده در سنت علمی ایرانیان میگوید.

سوال: یکی از شاخصه‌ها و ارزش‌های بارز و اصلی منظومه راهبری رهبر شهید انقلاب، تدبیرها و تأکیدها و حمایت‌های کم نظیر ایشان در موضوع علم و فناوری بوده است. شما نتیجه عینی این حمایت‌ها و تدابیر را چگونه می‌بینید؟

دکتر بذریاش: رهبر شهید انقلاب در راهبری حکیمانه خود در واقع علمدار علم خواهی ایرانیان در سده‌های پس از انقلاب بود. درایت ایشان در تشخیص اولویت داشتن علم و فناوری و هدایت مستقیم، مستمر و مصرانه او، زیست بوم ایرانی علم، فناوری و نوآوری را انسجام داد و علم خواهی را به عرف ذهنی مردمان این سرزمین بدل کرد. او بود که به هر بهانه، در هر فرصت و مناسبت، اصحاب علم و اهالی فناوری را تکریم می‌کرد، بر صدر مینشاند و پدرا نه به نقدها، نصایح و نوگفته‌های آنان گوش دل می‌سپرد؛ از ابداعات و اختراعات آنان بازدید می‌کرد و از تحسین و تکریم مکرر مدیران و مجاهدان این عرصه فروگذار نمی‌کرد. تدبیر آن فرزانه شهید تنها در حمایت معنوی محدود نمی‌شد بلکه فراتر از آن با تجویزها و توصیه‌های قاطع، «سنت علم و فناوری ایرانی» را رواج و رونق داد تا آنجا که امروز به رغم همه محدودیت‌ها و تحریم‌ها، توان و تلاش علمی ایرانیان به مرزهای نوظهور علم و فناوری نزدیک شده و حتی در بعضی از موارد

و مصادیق، این مرزها را رد کرده و خود را به عنوان بازیگران جدیدی مطرح کرده اند. نسل‌های آینده به یقین نتایج آن فکرت و همت را بزودی خواهند دید و آرزوی آن پیشوای دین و دانش را محقق خواهند ساخت؛ آن هنگام که ایران به مرجعیت علمی در جهانی نودست یابد.

سوال: آقای دکتر همان طور که اشاره کردید نتیجه سالها تدبیر، حمایت و دغدغه رهبر شهید انقلاب، شکل‌گیری سنت علم و فناوری ایرانیان در عصر حاضر است. شما آینده این سنت را

چگونه می‌بیند؟

دکتر بذریاش: این سنت مرحله شکل‌گیری و قوام و گسترش خود را طی کرده هر چند مسائل و مشکلاتی در آن وجود دارد که باید اصلاح شوند. تکنولوژی‌ها به طرف‌ها و زمینه‌ها حساس‌اند. در واقع فناوری‌ها در پاسخ به نیازهای بومی تنظیم و طراحی می‌شوند. نخستین قدم در ارتقاء و اعتلای این سنت، حضور علم و تکنولوژی و ملزومات و مقدمات آنها از جمله نوآوری در عرصه‌های عینی زیست ملی است. اگر رشد تکنولوژی مستقل از زیست عمومی مردم و نیازهای به روز آنها باشد، پذیرش و پایداری آن نیز تضمین شده نیست. قدم دوم، شکل‌گیری اجتماعات علمی و فناورانه است. زیست بوم علم و فناوری ایران اسلامی شکل گرفته، سنتی بومی بر آن حاکم شده اما ما هنوز تا تشکیل اجتماعات علمی وسیع و موثر فاصله داریم. در یک اجتماع علمی یا تکنولوژیک، کنش‌ها نه به شیوه‌های فردی یا گروهی محدود بلکه در قواره و قالب تکاپوها و تلاش‌های جمعی گسترده و پرتعداد البته ناظر به مسائل اساسی شکل می‌گیرند. این مسائل طبق آنچه در قدم نخست گفته شد، از میان نیازها، نداشته‌ها و داشته‌های مردم همین سرزمین در پهنه‌ها و صحنه‌های مختلف برمی‌خیزند. این دو قدم اگر برداشته شوند، آن سنت علمی که میراث رهبر شهیدمان و محصول مجاهدتهای فراوان دانشمندان و فناوران ماست، ارتقایی محسوس و چه بسا شگفت‌انگیز می‌یابد.



سوال: این دو قدمی که بدانها اشاره کردید باید در زمانه رهبری رهبر سوم انقلاب یعنی آیت‌الله اقامتجوی خامنه‌ای صورت پذیرد؟ با عنایت به شناختی که از خصائل و سوابق ایشان دارید، امکان تحقق عملی این دوگام را چگونه می‌بینید؟

دکتر بذریاش: به نظر من اصلی‌ترین و بارزترین خصلت و صفت موجود در رهبر سوم انقلاب، تشابه فراوان فکری و روشی و تطبیق و تناسب عملی و علمی ایشان با پدر شهیدشان است. چه بسا ایشان از بهترین کسانی است که نقاط عطف و نکات برجسته منش و مرام رهبر شهید امت اسلامی را به خوبی آموخته و بر آن اعتقاد راسخ دارند. همین امر، مقدمتاً بر این دلالت دارد که میراث رهبر شهید ما در عرصه مدیریت علم و فناوری استمرار و ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر، طبق آنچه روایت شده، ایشان موانست و مصاحبتی جدی و موثر با اهالی زیست بوم علم و فناوری داشته و دارند. یعنی به نوعی با این شبکه آشنا بوده و با کنشگران آن از نزدیک مواجهه داشته‌اند و با این عرصه غریبه نیستند. به تعبیر سید شهیدان اهل قلم، «دیدیم که می‌شناسیمش». اگر شهید سید مرتضی آوینی این تعبیر را برای رهبر شهید انقلاب بعد از رحلت حضرت امام به کار برد، ما هم می‌توانیم همان تعبیر را برای رهبر سوم انقلاب به کار ببریم.

نخستین قدم در ارتقاء
و اعتلای این سنت،
حضور علم و تکنولوژی
و ملزومات و مقدمات
آنها از جمله نوآوری در
عرصه‌های عینی زیست
ملی است. اگر رشد
تکنولوژی مستقل از
زیست عمومی مردم و
نیازهای به روز آنها باشد،
پذیرش و پایداری آن نیز
تضمین شده نیست.



روایت نزدیک؛
از رهبر شهید تا رهبر جدید

۱



خاطراتی از دقت و توجه رهبر شهید به مسائل کشور

گفتاری از آیت الله سید احمد علم الهدی امام جمعه مشهد الرضا علیه السلام

آیت الله سید احمد علم الهدی امام جمعه مشهد الرضا در خطبه سیاسی نماز جمعه ۱۵ اسفندماه نکاتی را درباره ویژگی های شخصیتی رهبر شهید انقلاب، آیت الله سید علی خامنه ای مطرح کردند که در ادامه آمده است.

عشق جلوی شناخت را می گیرد

امروز دل ها از آکنده از غم است، قلبی آرام نیست، کلام در بیان و منطق گره می خورد؛ ما مملوک تو خدا هستیم و هرچه حکمت تو بخواهد سر راه زندگی ما قرار می گیرد؛

هم مال تو هستیم و هم به سوی تومی آییم و محکوم مشیت تو هستیم، برادران و خواهران امروز باید فکر کنیم که ما چه چیزی را از دست دادیم؛ معمولاً عشق‌ها به رهبری گاهی چنان طوفانی ایجاد می‌کند که ما متوجه نمی‌شویم که آقا چه کسی بود و رفت.

ویژگی برجسته رهبر شهید، سازندگی ایشان بود

آنچه در شخصیت رهبری برجسته‌گی داشت، قدرت و نفوذ بالای سازندگی ایشان بود، در زمانی که ایشان یک طلبه معمولی در خیابان دانش غربی که اکنون به نام آیتالله مصباح نام‌گذاری شده است، حضور داشتند؛ یک مغازه گچ فروشی بود که صاحب آن یک دربند مغازه خود را برای اقامه نماز و مسجد در نظر گرفت و از مقام معظم رهبری خواست تا در آنجا نماز را برپا کنند، بعد از مدت کوتاهی این مغازه گچ فروشی تبدیل به مهمترین پایگاه ضد نظام شاهنشاهی در مشهد شد. ایشان در تدریس خود نیز چند طلبه افغانی داشتند، وقتی فهمیدند آن‌ها استعداد خاصی دارند، سلسله نشست‌های اجتماعی برایشان گذاشتند تا اینکه جنگ با کمونیست‌ها در افغانستان شروع شد، آن‌ها در این جنگ به شهادت رسیدند، تا به این حد انسان‌سازی ایشان قوی بود.

خاطراتی از دقت و توجه رهبر شهید به مسائل کشور

در دوران رهبری نیز ایشان احساس اضطراب شدید و حالت دلواپسی برای همه مسایل کشور داشتند، جامعیت رهبری ایشان قابل توجه بود، کوچکترین مسأله در کشور از بینش ایشان دور نمی‌ماند که چرا این مسأله رخ داد، عاقبتش چه شد و به چه نتیجه رسید، در موضوع حاشیه شهر وقتی گزارش‌های خدمت ایشان ارائه کردیم، می‌گفتند این گزارش‌ها قابل قبول نیست، بروید ارزیابی کنید که عملیات شما در تحول فرهنگی و اجتماعی این منطقه شهر چه تاثیری داشته است.

ماجرای سندخواستن رهبری از آیت‌الله علم‌الهدی

مقام معظم رهبری در هر موردی دستور می‌دادند، راهکار آن را نیز بیان می‌کردند، یعنی تا راهکار مشخص نمی‌کردند، دستور خاصی در هیچ موردی صادر نمی‌کردند. ایشان در تمام جزئیات دقیق بودند، در یکی از دولت‌ها از بنده خدمت رهبری شکایت شد که فلانی در خطبه نماز جمعه به دولت این نکته را نسبت داده در حالی که چنین چیزی درست نیست، ایشان فرموده بودند من باید خودم تمام خطبه را بشنوم و بعد تصمیم بگیرم، لذا انوار خطبه بنده را از اول تا آخر گوش دادند و بعد از دفتر تلفن زدند که این نکته که شما گفتید، چه مدرکی برای آن دارید؛ بعد بنده مدرک را ارائه کردم و ایشان قبول کردند.



مقام معظم رهبری

در هر موردی دستور

می‌دادند، راهکار آن

را نیز بیان می‌کردند،

یعنی تا راهکار مشخص

نمی‌کردند، دستور

خاصی در هیچ موردی

صادر نمی‌کردند. ایشان

در تمام جزئیات دقیق

بودند

یک خطبه نماز جمعه در یک شهر و در مورد یک جمله را ایشان مورد بررسی دقیق قرار می‌دادند.

یک بحرانی در زمان رییس جمهوری ایجاد شد، روز پنجشنبه بود، شب جمعه بنده دیروقت به منزل رفتم، دیدم اهل بیت می‌گویند رییس دفتر شما کار دارند، رییس دفتر رهبری به شما گفتند تماس بگیرید، وقتی تماس گرفتم، گفتند آقا فرمودند فردا روز جمعه در این مورد هیچ حرفی نزنید، خودم می‌خواهم مدیریت کنم. دیدم خانواده گریه می‌کنند گفتم چرا گفتند برای مظلومیت آقا گریه میکنم، نماز جمعه را هم ایشان مدیریت میکردند، این جامعیت رهبری را نشان میدهد.

در بحرانی ترین حالت ها هم از عبادت غافل نمی‌شد

برادران و خواهران آقا یک حالی داشت، یک قطره اشکی مثل یک دریا ایشان طوفانی میشدند، یک قطره از بچه جوان پیرمرد از هر کی بود وقتی در محضر ایشان اشک می‌ریخت ایشان طوفانی میشدند؛ و در عبادت عبد صالح خداوند بود، در بحرانی ترین موقعیت ها از مستحبات و نوافل ایشان کم نمیشد؛ از عبادت که فارغ می‌شدند دل مشغولی ایشان مردم بود که چگونه زندگی میکنند، همیشه به ما سفارش می‌کردند جوری حرف نزنید مردم ملتهب و نگران شوند؛ آقا با این خصوصیت و کیفیت از دست دادن این کم نیست، آنچه مهم است مسیر انقلاب و نظام را ایشان مشخص کردند، در بیانیه گام دوم انقلاب تا ظهور مسیر انقلاب را ریل گذاری کردند و امروز رهبری نیاز داریم که از همین ریل گذاری جامعه را به سوی ظهور برساند، بعضی از اظهار نظرها را نپذیرید ما تابع شرع و دین هستیم و نظام ولایی هستیم حجت امام زمان را سلیقه های سیاسی تعیین نمیکنند بلکه با شرایط قطعی خودش که خبرگان مردم تعیین می‌شود، شما به نمایندگان خود رای دادید برای چنین روزی نمیشود حجت امام زمان را با خوشایند کسی و کشور استعماری تعیین کرد، یعنی این هوایی که شما انتخاب کردید عادل خبره بودند بهشان وکالت دادید تا حجت امام زمان را مشخص و تعیین کنن. و به نمایندگی شما با او بیعت کنند و بر کار او نظارت کنند.

نقشه شوم آمریکا چیست؟

غیر از این افراد کسی نمی‌تواند مشخص کند، لذا بعضی حرفها که در فضای مجازی زده می‌شود هیچ توجه نکنید هر کسی را که خبرگان انتخاب کند حجتش بر همه ما واجب است، از شما مردم خیلی متشکریم، ببینید عزیزان این مسأله در ذهن همه است این هست که چه میشود آمریکا تا اینجا شکست خورده و روی یک میلیارد دلار خرجش هست دو نقشه دارند جنگ هم تمام شود دست از سر ما بر نمی‌دارد، دشمن خداست، برای همین با ما دشمن است، چون اگر شیطان دست از دشمنی خدا برداشت او هم بر میدارد



از عبادت که فارغ

می‌شدند دل مشغولی

ایشان مردم بوده که

چگونه زندگی میکنند،

همیشه به ما سفارش

می‌کردند جوری حرف

نزنید مردم ملتهب و

نگران شوند



حضور شما در میدان ها
و خیابان ها از صدها
موشکی که ما به منافع
دشمن میزنند اثر
کشنده تری دارد؛ تا شما
مردم در این عرصه
هستید همه نقش های
دشمن شکست خورده
است

دو نقشه داشته نخست تجزیه ایران با گروهک ها که اعلام خودمختاری کنند و یکی از جاها مشهد بود، از طریق هرات نیروهای داعش و تجزیه طلب را وارد کنند حکومت طالبان همکاری نکردند نتوانستند بیایند، لذا به سراغ سیستان و پاکستان رفتند تا نیرو واردکننده از غرب هم از کردستان تا اینها بخشی از کشور را از مرکز جدا کنند، لعنت بر کسانی که به ناپاکان دل بستند، نمی فهمید می خواهند ایران را تکه پاره کنند.

نقشه دوم اغتشاشات داخلی است، شما مردم در مقابل این نقشه ها ایستادید حضور شما در میدان ها و خیابان ها از صدها موشکی که ما به منافع دشمن میزنند اثر کشنده تری دارد؛ تا شما مردم در این عرصه هستید همه نقش های دشمن شکست خورده است، برادران و خواهران این حضور و شب ها را ادامه دهید، ما عزادار هستیم و عزای ما در خیابان های معنای این حرکت ما حضور شما در خیابان میدان و مجامع است، تشکر میکنم از شما بابت این حضور.



ویژگی‌های رهبر جدید انقلاب از زبان آیت‌الله جزایری

آیت‌الله جزایری، نماینده مجلس خبرگان رهبری با اشاره به ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای، بر زهد، تقوا و آگاهی سیاسی وی تأکید کرد.

وی با بیان اینکه از نزدیک شاهد روحیه ساده‌زیستی و زهد ایشان بوده است، اظهار داشت: آنچه برای بنده بسیار قابل توجه بود، سادگی و تواضع در سبک زندگی ایشان است. حتی در ظاهر و نوع پوشش نیز می‌توان این روحیه را مشاهده کرد؛ لباسی بسیار ساده و کم‌هزینه که نشان‌دهنده بی‌اعتنایی به مظاهر دنیوی است. عضو مجلس خبرگان رهبری افزود: این روحیه زهد و تقوا، از ویژگی‌هایی است که در تربیت‌یافتگان مکتب رهبر معظم انقلاب نیز دیده می‌شود؛ افرادی که توجه اصلی خود را معطوف به خداوند و آخرت کرده‌اند و نسبت به زخارف دنیا بی‌اعتنا هستند.

آیت‌الله جزایری در ادامه با اشاره به ویژگی‌های لازم برای رهبری امت اسلامی تصریح کرد: کسی که می‌خواهد در جایگاه رهبری امت قرار گیرد، علاوه بر علم، باید از عدالت نیز برخوردار باشد. بنده شخصاً این ویژگی‌ها را در ایشان لمس و مشاهده کرده‌ام.

وی همچنین مدیر و مدبر بودن، شجاعت و آگاهی از مسائل روز سیاسی را از دیگر شاخصه‌های مهم برای چنین جایگاهی دانست و گفت: رهبر جامعه اسلامی باید شجاع باشد، از مخالفان اسلام هراسی نداشته باشد و در عین حال مدیری مدبر و آگاه به مسائل سیاسی روز باشد. این عضو مجلس خبرگان در پایان خاطر نشان کرد: «با اطمینان عرض می‌کنم که جناب آقای مجتبی‌خامنه‌ای از ویژگی‌هایی همچون تدبیر، آگاهی، شجاعت و شناخت مسائل سیاسی روز برخوردار هستند».

برسکت

به مناسبت شهادت قاندامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل اول



روایت شبی که خبرگان مصلحت انقلاب را امضا کردند

آیت الله عباس کعبی | عضو مجلس خبرگان رهبری

در آغاز سخن، شهادت قائد عظیم الشان، امام خامنه‌ای رضوان الله علیه را تسلیت عرض می‌کنم. همانطور که شهادت امام حسین علیه السلام اسلام را ماندگار کرد، شهادت این قاندامت نیز ماندگاری انقلاب اسلامی را تضمین نمود. حقیقتاً خون بر شمشیر پیروز است و این درس ماندگار کربلاست. یکی از برکات شهادت زود هنگام این امام بزرگوار این بود که خداوند متعال در سایه لطف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، دل‌های امت و ملت مؤمن و انقلابی را متوجه خلف شایسته و صالح ایشان گرداند. به ویژه در شب شهادت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام و در شب قدر که شب تقدیر و نزول فرشتگان بر صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الیه است، دل‌های خبرگان عادل و بصیر به سوی حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای (دامت برکاته) متوجه شد. ایشان به عنوان منتخب مجلس خبرگان به ملت معرفی شدند و بلافاصله در همان شب قدر، همزمان با توسل به قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام، ملت با ایشان بیعت کرد. به تدریج، اقشار گوناگون ملت، نخبگان حوزه و دانشگاه، احزاب و جریان‌های مختلف با نهضت امام شهید و شهدای و الامقام تجدید میثاق کرده و بارهبر عزیز سوم انقلاب اسلامی بیعت نمودند.



از همان ساعات اولیه اعلام خبر شهادت امام عظیم‌الشان، هیأت رئیسه مجلس خبرگان در ساعت ۸ صبح روز یکشنبه تشکیل جلسه داد و رایزنی‌ها آغاز شد. فرایند قانونی و شرعی این تصمیم بزرگ بر اساس قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی طراحی گردید و هیأت رئیسه جلسات پیوسته‌ای برگزار کرد. من شهادت شرعی می‌دهم که حتی یک لحظه راز دست ندادیم و پیوسته خبرگان به صورت فردی و گروهی در حال رایزنی و تبادل نظر بودند. مجلس خبرگان دارای کمیته‌ای منبعث از اصول ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی بود. این کمیته که بزرگانی همچون مرحوم آیت‌الله امینی، مرحوم آیت‌الله یزدی، مرحوم آیت‌الله مؤمن، مرحوم آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و دیگران عضو آن بودند، از سال‌های گذشته افرادی که در مظان رهبری بودند را رصد کرده و برای آنان از حیث شرایط احراز رهبری پرونده تشکیل می‌دادند. در مجموع، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۴۰۴، هشت کمیته سه نفره فعالیت داشتند و بیش از ۲۳ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. صدها صفحه گزارش و سند تدوین شد و پرونده‌ها به دقت مورد کنکاش قرار گرفت که این سابقه مورد توجه هیأت رئیسه و نمایندگان مجلس خبرگان بود.

ما دو فرایند را برای انتخاب در نظر گرفته بودیم: نخست، فرایند رأی‌گیری کتبی و غیرحضوری با توجه به شرایط خطرناک جنگی و تهدید مستقیم دشمن، و دوم، فرایند تشکیل جلسه حضوری. مقرر شد در صورت امکان، جلسه حضوری تشکیل شود و در غیر این صورت، برای رأی‌گیری کتبی و غیرحضوری بر اساس اصلاح آیین‌نامه، کار پیش برده شود. هر دو فرایند به صورت همزمان آغاز شد و رایزنی‌ها ادامه یافت. برخی نهاد‌های قانونی کشور نیز اصرار بر تشکیل جلسه حضوری داشتند که این دیدگاه مورد توجه قرار گرفت. با وجود نگرانی‌ها



از همان ساعات اولیه
اعلام خبر شهادت امام
عظیم‌الشان، هیأت
رئیسه مجلس خبرگان
در ساعت ۸ صبح روز
یکشنبه تشکیل جلسه
داد و رایزنی‌ها آغاز شد.

برای عدم امکان برگزاری جلسه حضوری، هر دو مسیر را پیگیری کردیم و در مورد تمامی گزینه‌های محتمل، بحث و بررسی صورت گرفت.

خبرگان محترم در کمال آزادی و با نگاه کارشناسی و بر اساس وظیفه شرعی، علاوه بر تحقیقات و گزارش‌های کمیته‌های تخصصی، خود نیز تحقیقات گسترده‌ای انجام دادند.

فرآیند پرسش و پاسخ، مباحثات علمی، مناقشات و تأملات عمیق در ابعاد مختلف تا رسیدن به تصمیم نهایی ادامه داشت. تقریباً پیش از برگزاری جلسه تاریخی، قابل پیش بینی بود که این نشست به چه نتیجه‌ای منجر خواهد شد. چندین بار تصمیم به برگزاری جلسه علنی گرفته شد، اما به دلیل شرایط ویژه و خطرناک امنیتی، لغو گردید. احتمال برگزاری جلسه در آن شب، پنجاه-پنجاه بود؛ زیرا دشمن از یک سو به دبیرخانه خبرگان حمله کرده بود و شماری از کارکنان و نیروهای حراست به شهادت رسیده بودند و روز قبل نیز ساختمان قدیم دبیرخانه را هدف قرار داده بود و تهدید کرده بود که اجازه تشکیل جلسه را نخواهد داد.

با این حال، خبرگان مصمم بودند و خوشبختانه جلسه در فضایی آکنده از معنویت، اخلاص و توسل به حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الیه تشکیل شد. در آن جلسه، مباحث جامع و کاملی مطرح و در نهایت برگه‌های رأی توزیع گردید. رأی‌گیری در مورد گزینه‌های مورد نظر با آزادی کامل انجام شد و خبرگان رأی مخفی خود را به صندوق انداختند. رأی خبرگان، رأیی قاطع بود. باید بگویم بیش از ۹۱ درصد حاضران در جلسه به ولایت حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (دامت برکاته) رأی دادند که با ذکر صلوات و شکر و حمد الهی همراه بود. در همان جلسه، خبرگان عهد بستند که همانگونه در تشخیص ولی فقیه مخلصانه عمل کردند، در حمایت و وفاداری به ایشان نیز استوار بمانند و با ایشان بیعت کردند.

به جرئت می‌توانم بگویم اکثریت نماز شکر را به جای آوردند و خدا را سپاس گفتیم. بلافاصله با انتشار خبر این انتخاب، موجی از سپاس و شکر و بیعت عمومی و ملی در کشور شکل گرفت.

بررسی‌های ما در کمیسیون‌های مختلف خبرگان نشان می‌دهد که هیچ‌گونه توصیه مشخصی از سوی رهبر معظم انقلاب (امام خامنه‌ای) در خصوص گزینه خاصی وجود نداشت. ایشان همواره شاخص‌ها را برای ما تبیین می‌فرمودند. در دیدارهایی که در کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان با ایشان داشتیم، بر مؤلفه‌هایی چون تقوای مالی، آمریکاستیزی، صهیونیسم‌ستیزی و اعتقاد عمیق به مبانی انقلاب تأکید ویژه‌ای داشتند. تمامی این موارد، علاوه بر مقبولیت عامه و نفوذ کلمه، مورد توجه ویژه خبرگان قرار گرفت.

اگر بخواهم آن شب تاریخی را توصیف کنم، باید بگویم شبی بود سرنوشت‌ساز برای اسلام، تشیع و انقلاب. فضای حاکم بر جلسه، فضایی کاملاً توحیدی و آکنده از توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و عمل به تکلیف شرعی بود. من به ملت بزرگ ایران بشارت می‌دهم که دوران امامت امام گام دوم انقلاب اسلامی، دوران گشایش، تحول در حکمرانی و عملیاتی‌سازی مهندسی حکمرانی مدنظر امام شهید خواهد بود. این دوران، عصر میدان‌داری نیروهای مؤمن، انقلابی، با نشاط، دانا و توانا و زمان به فعلیت رساندن استعدادهای درخشان و ظرفیت‌های عظیم جوانان در عرصه‌های گوناگون است.

ما خداوند متعال را بر نعمت‌های بی‌کرانش، به ویژه نعمت هدایت دل‌های خبرگان به سوی این انتخاب بزرگ و تاریخی در شب قدر انقلاب اسلامی، سپاس می‌گوییم.

عهد رهبری عزیز سوم انقلاب، عهد پیوند عظیم امت و امامت خواهد بود. از درگاه الهی مسئلت داریم که توفیق سربازی این امام گام دوم را، همانگونه که توفیق سربازی امام شهیدمان را کرامت فرمود، به ما عنایت نماید.



صفر تا صد هشت روز پیر اضطراب برای انتخاب رهبر جدید انقلاب در مجلس خبرگان

آیت‌الله محسن حیدری آل‌کثیر | عضو مجلس خبرگان رهبری

ضمن عرض تسلیت شهادت حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رهبر شهید انقلاب، حسن انتخاب مجلس خبرگان در رابطه با تعیین سومین رهبر انقلاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای را تبریک عرض می‌کنم. در خصوص انتخاب ایشان باید بگویم این امر در یک فرایندی که تقریباً هشت روز به طول انجامید صورت گرفت؛ از روز شهادت رهبر انقلاب دهم اسفند تا هفدهم اسفند که تقریباً شامگاه یکشنبه انجام شد این فرآیند در جریان بود و در طول این مدت، اگرچه جلسه عمومی برای خبرگان تا قبل از هفدهم امکان تشکیل نداشت، اما جلسات محدود و دیدارهای چند نفره‌ای برگزار شد. بحمدالله بحث و بررسی صورت گرفت البته این مایه معطلی صرفاً به دلیل بحث و بررسی نبود؛ بلکه شرایط امنیتی و جنگی کشور مانع از سرعت بخشیدن به این فرآیند شده بود. با این حال، این فرصت فراهم شد تا بررسی‌ها هرچه بیشتر انجام شود و بحمدالله مجموعه مجلس خبرگان به این نتیجه رسید.

شرایطی که قانون اساسی برای رهبر قائل شده است، مسئله صلاحیت علمی برای افتاء در ابعاد مختلف فقه که در اصل یکصد و نهم آمده است، همچنین شرط دوم عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت، و شرط سوم بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری است. خوشبختانه در میان افرادی که مطرح بودند به این نتیجه رسیدیم که این شرایط به نحو برجسته‌تر و دقیق‌تر در شخصیت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای احراز شده است. از جهت صلاحیت علمی، همه می‌دانند که ایشان تحصیلات خود را نزد اساتید بزرگ گذرانده‌اند. از جمله اساتیدی که

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل اول

ایشان نزد آنان تلمذ کرده‌اند می‌توان به آیت‌الله میرزا جواد تبریزی و علمای دیگر اشاره کرد؛ همچنین آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی، خود و صدها نفر طلبه در مکتب و درس ایشان تربیت شده‌اند. افراد شاخصی نیز به اجتهاد ایشان شهادت داده‌اند؛ از جمله آیت‌الله جزایری که نقل کرده‌اند با ایشان بحث علمی داشته‌اند و ایشان را صاحب نظر دانسته‌اند و به اجتهاد ایشان اذعان کرده‌اند. همچنین آیت‌الله عندلیب همدانی نوشته‌ای از ایشان منتشر کرده‌اند و شهادت داده‌اند که ایشان دارای مرتبه اجتهاد هستند. ایشان از مدرسین فعلی درس خارج حوزه علمیه قم محسوب می‌شوند. همچنین فرزند مرحوم آیت‌الله مؤمن، یعنی شیخ احمد مؤمنی که عضو مجلس خبرگان هستند، از پدر خود نقل کردند که آیت‌الله مؤمن، که عضو مجلس خبرگان و عضو شورای نگهبان بودند، به علمیت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای معتقد بوده‌اند. ایشان نقل کردند که آقا مجتبی حدود یک سال و دو ماه در درس آیت‌الله مؤمن شرکت کرده بودند و آیت‌الله مؤمن به علمیت ایشان اعتقاد داشتند. علاوه بر همه این موارد، بنده شخصاً جزوه‌ها و رساله‌هایی را که آقا مجتبی در ابواب مختلف فقهی، اصولی و رجالی نوشته بودند مطالعه کردم و شخصاً به اجتهاد آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای معتقد شدم. علاوه بر شنیده‌ها، خودم نیز تحقیق کردم و افراد دیگری نیز تحقیق کردند و در نهایت مسئله اجتهاد و فقهت و صلاحیت لازم برای افتاء در ابواب مختلف در مورد ایشان محرز شد. در رابطه با عدالت و تقوا نیز بحمدالله شهادت‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد و روش، منش، اخلاق و تواضع ایشان در میان حوزویان و علما زبانزد است؛ به‌ویژه زهد و تقوای مالی ایشان که مورد قبول بسیاری از بزرگان است. در رابطه با بینش صحیح سیاسی و اجتماعی و همچنین تدبیر، شجاعت و مدیریت کافی نیز باید گفت با توجه به اینکه نزدیک به ۳۷ سال در کنار پدر بزرگوارشان حضور داشته‌اند و با زیر و بم مسائل سیاسی کشور و سیاست‌های داخلی و خارجی آشنا بوده‌اند و آن‌ها را لمس کرده‌اند، همچنین با افراد مختلف، کارشناسان و مسئولان تصمیم‌گیر در نظام جمهوری اسلامی ارتباط نزدیک داشته‌اند و حضرت آقا نیز در برخی موارد مسائل مهم را به ایشان ارجاع می‌دادند کاملاً مورد وثوق هستند. از برخی فرماندهان و مسئولان ارشد نقل شده است که حضرت آقا برخی مسائل را به آقا مجتبی ارجاع می‌دادند. اگرچه ایشان کمتر در عرصه عمومی مسائل سیاسی ظهور و بروز داشته‌اند، اما کسانی که با ایشان ارتباط داشته‌اند می‌دانند که ایشان دارای بینش سیاسی بسیار بالایی هستند.

همچنین مراکز حوزوی‌ای که تأسیس کرده‌اند و ارتباطاتی که با سپاه، ارتش و محور مقاومت و رهبران محور مقاومت داشته‌اند، نشان‌دهنده پختگی ایشان از نظر سیاسی، تدبیر و مدیریت است. علاوه بر این موارد، قرائن بسیار زیادی نیز بر صلاحیت و اصلحیت ایشان برای رهبری دلالت دارد. یکی از این قرائن آن است که دشمنان اسلام و انقلاب درباره ایشان بسیار بدگویی می‌کنند. بنده در همان جلسه فوق‌العاده‌ای که منتهی به رأی‌گیری شد عرض کردم که ما تربیت شده مکتب امامین انقلاب، امام خمینی و امام خامنه‌ای هستیم و این دو بزرگوار به ما آموخته‌اند که یکی از راه‌های کشف حق از باطل، توجه به موضع دشمنان

است؛ اگر دشمنان اسلام و انقلاب از کسی بدگویی کنند، بدانید که او خوب است و اگر از کسی تمجید کنند، بدانید که او بد است. ترامپ صریحاً اعلام کرده بود که می‌خواهد در تعیین رهبر جمهوری اسلامی دخالت کند و مضمون سخنش این بود که چندین نفر مطرح هستند، اما کسی که شانس بیشتری دارد آقا مجتبی، فرزند آقای خامنه‌ای است که من او را قبول ندارم و نمی‌گذارم او رهبر شود. بنده در آن جلسه عرض کردم با توجه به اینکه دشمنان نسبت به ایشان چنین موضعی دارند، ما باید از سر مخالفت با دشمنان، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای را انتخاب کنیم. وقتی این سخن مطرح شد، اکثر آقایان حاضر در جلسه تکبیر گفتند. همچنین عرض کردم که برای تشخیص اصلح باید ببینیم مصلحت جامعه ما چیست. امروز بزرگ‌ترین مسئله ما جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران است. حتی اگر این جنگ پایان یابد، احتمالاً جنگ‌های دیگری نیز در پیش خواهد بود؛ زیرا دشمنان اسلام و انقلاب دست از دشمنی برنخواهند داشت. در چنین شرایطی، حل مسئله جنگ نیازمند همکاری نیروهای مسلح است و نیروهای مسلح از کسی فرمان می‌برند که به او اعتقاد داشته باشند. در میان افراد مطرح، کسی که نیروهای مسلح، به ویژه سپاه، به او اعتقاد داشته باشند آقا مجتبی است. بنابراین علاوه بر مسائل علمی و سیاسی و تقوایی، مصلحت کشور نیز اقتضا می‌کند که به ایشان رأی داده شود. در طول این هشت روز، ارتباطات و گفت‌وگوهایی با اعضای خبرگان انجام شد و این مباحث مطرح گردید و برای بسیاری از آنان قابل قبول بود. در پایان درباره شبهه موروثی بودن نیز باید گفت در این موضوع اساساً مسئله موروثی بودن مطرح نیست؛ زیرا موروثی بودن زمانی صدق می‌کند که فرد قبلی شخصی را به عنوان ولیعهد تعیین یا توصیه کند، یا خود شخص خواهان جانشینی باشد. در این مسئله چنین چیزی وجود ندارد. حضرت آقا صریحاً فرموده‌اند که من شخصی را در نظر ندارم و هرچه خبرگان تشخیص دهند همان خواهد شد. نه تنها درباره فرزند خود توصیه‌ای نکرده‌اند، بلکه به صورت کلی خود را از این موضوع کنار گذاشته‌اند.

این موضوع هم از سوی آیت‌الله یزدی مطرح شد، هم آیت‌الله احمد جنتی این سؤال را از ایشان پرسیدند و پاسخ همین بود، و همچنین کمیسیون تحقیق نیز این سؤال را مطرح کرده بود. بنابراین هیچ توصیه‌ای درباره فرزندشان صورت نگرفته و خود فرزند نیز هیچ تقاضایی از مجلس خبرگان نکرده است. از سوی دیگر، موروثی بودن به صورت مطلق عیب ذاتی محسوب نمی‌شود؛ زیرا در تاریخ انبیا و ائمه نیز نمونه‌هایی از آن وجود دارد. خداوند پس از حضرت ابراهیم، اسحاق و اسماعیل را قرار داد و پس از اسحاق، حضرت یعقوب و پس از یعقوب، حضرت یوسف را به پیامبری برگزید. در میان ائمه اطهار نیز پس از امیرالمؤمنین، امامان از نسل ایشان بوده‌اند. بنابراین موروثی بودن فی نفسه اشکال ندارد، بلکه اشکال در جایی است که فردی بدون اذن الهی بر مردم سلطه پیدا کند؛ مانند پادشاهان و خلفای جور. در پایان باید گفت با توجه به منزلت فقهی رهبر شهید انقلاب و اینکه ایشان از برترین فقه‌های تاریخ تشیع بودند، شایسته است شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به عنوان «شهید خامس» معرفی و در تاریخ ماندگار شوند.



امروز بزرگ‌ترین مسئله
ما جنگ آمریکا و
اسرائیل علیه جمهوری
اسلامی ایران است.
حتی اگر این جنگ
پایان یابد، احتمالاً
جنگ‌های دیگری نیز
در پیش خواهد بود؛
زیرا دشمنان اسلام و
انقلاب دست از دشمنی
برنخواهند داشت.



ولایت صالح بن صالح شهید



**حجت السلام و المسلمین
داود مهدوی زادگان**

رئیس پژوهشگاه علوم و
معارف انقلاب اسلامی

چه مبارک سحری است شب قدر نوزدهم ماه رمضان که در آن تقدیر ولایت با صالح بن صالح شهید رقم خورده است. فرعونیان عصر تاریک اندیشی به قصد خاموش کردن چراغ ولایت بزرگ مرد الهی تاریخ اولیاء الله را از سر نفرت و خصومت با دین و آیین اسلام از امت اسلام و آزادگان جهان گرفتند. اما غافل و جاهل از اینکه نور ولایت به اذن الله خاموش شدن نیست بلکه هر چقدر این دشمنی شدت یابد نور ولایت در قلب مومنین و مومنات عمیق تر و پرمایه تر می شود. پیر فرزانه عالم حکمت و سیاست را ناجوانمردانه از امت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گرفتند ولی حضرت حق نامش را تازه کرد و علم اسلام ناب محمدی را که از خمینی کبیر ره به ارث مانده است به دست خلف صالحش آیت الله سید مجتبی خامنه ای حفظه الله سپرد تا در پرتو عنایات بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد و راه رهبر شهید زنده و پرهرو بماند.

بی تردید، خبرگان محترم رهبری با چنین انتخابی که مورد اجماع و اقبال عامه هم بوده است روح امام خمینی ره و سید الشهداء انقلاب اسلامی و جمیع شهداء را شاد و مفرح کردند و شفاعت شان شامل حال آنان خواهد شد. هزاران تبریک بر این ملت که باری تعالی آنها را در شرایط سخت و نابرابر جنگی که دیوان و ددان تحمیل کرده تنهایشان گذاشت و جانشین بر حق را تعیین کرد. به یقین، فرماندهی دفاع مقدس با این انتخاب

مبارک منسجم تر و مقتدرانه تر و پیروزمندانه تر از قبل تا دفع شرّ دولت جنایتکار آمریکا و نابودی رژیم صهیونی غاصب قصاب پیش خواهد رفت. درماندگی و استیصال دشمنان ملت از همین طلوع صبح سحری مشهود و هویداست که چگونه می خواستند نور حکمت و حکومت خمینی و خامنه ای علیهما السلام را خاموش کنند ولی نا باورانه و پیچیده در حیرت دیدند که چگونه حضرت حق نور ولایی را تمام تر ساخت. از سوی دیگر نخستین پیام ولی فقیه سوم نظام اسلامی، آیت الله سید مجتبی خامنه ای حفظه الله در شرایط سخت فقدان پدری حکیم و فرزانه اما با صلابت و محکم و متین خطاب به ملت و امت مسلمان در سومین شب قدر ماه خدا منتشر شد (۲۱ اسفند ۴۰۴). این پیام چونان چراغی هدایت گر برای ملت مقاوم و داغدار امید بخش و برای دشمنان ملت و نظام اسلامی کوبنده و نا امید کننده است. همه آنچه که مردم انقلابی از رهبری جدید انتظار داشتند در این پیام آمده است. انتظار اولیه مردم مشاهده بینش و اندیشه امامین انقلاب در ادبیات انقلابی ایشان است که در این پیام با صراحت و قاطعیت دیده می شود.

همان بیان و همان لحن و گفتار امامین انقلاب در نخستین پیام رهبر معظم انقلاب مشهود است. مصداق روشنی از آیه شریفه «اشداء علی الکفار و رحماء بینکم» در این پیام است. تکریم مقام و منزلت ملت و رزمندگان اسلام در مدیریت کشور و شرایط جنگی و سخت گرفتن بر دشمنان عنود و کینه توز انتظار بحقی است که در بیان معظم له آمده است. ذکر آیه شریفه «مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِخُ مِنْ آيَةٍ» و شرح شأنیت آن در شرایط امروز بسیار بجا و لطیف است: «مناسبت استفاده از این آیه شریفه این نیست که این بنده در حد رهبر شهید باشم چه رسد به اینکه بخواهم برتر از ایشان فرض شوم؛ بلکه جهت ذکر آیه مبارکه توجه دادن به نقش بجا و پررنگ شما ملت عزیز است. اگر آن نعمت عظمی از ما سلب شد، بجایش بار دیگر حضور عمارگونه ملت ایران به این نظام اعطاء گشت.»

مردم با این پیام بر استمرار آرمان های انقلاب اسلامی که حاصل هدایت گری رهبر کبیر امام خمینی ره و خون شهدا بویژه رهبر شهید و مجاهدت علمای حوزه و دانشگاه و مردان و زنان جو امیدوار و دلشاد شدند. و طبعاً دشمنان ملت با این پیام سخت تر از گذشته نا امیدتر و بر آشفته تر شده اند. دشمن آمریکایی صهیونی در این پیام هیچ نشانی از ترس و سازش و تسلیم مشاهده نکردند. تاکید رهبری معظم انقلاب بر بسته نگه داشتن تنگه هرمز تارسیدن به اهداف دفاع مقدس یعنی اخراج و پاکسازی منطقه از حضور دشمنان اسلام و مسلمین و گرفتن انتقام و غرامت بیان صریحی بر نا امید کردن آنان است. ملت انقلابی با نخستین پیام رهبر معظم انقلاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای احساس فقدان رهبر شهید را در کنار خود نمی کند همانگونه که در زمان حکمرانی رهبری آیت الله العظمی سید علی خامنه ای علیه السلام فقدان امام خمینی علیه السلام را احساس نمی کرد. مردم امیدوار به این نکته مهم شده اند که تکیه به رهبری سوم انقلاب تکیه بر مکتب امامین انقلاب است. انشاء الله

بیرکت

به مناسبت شهادت قائد امامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل اول



آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای در علم و عمل شبیه ترین به پدر شهیدشان هستند



مهدی کلهر

اندیشمند فرهنگی و هنری

فقه شیعه پیش از غیبت کبری توجه خاصی به شناخت ضرورت‌های زمانه و شرایط دوره‌ها دارد. مدیریت جوامع بدون معرفت به زمان و زمینه حتما ناموفق خواهد بود. شیعه بخوبی درک می‌کند هم امامت حضرت علی علیه السلام درست و بجا بوده و هم امامت امام حسن مجتبی و هم امامت امام حسین علیه السلام و هم امامت امام زین العابدین علیه السلام لذا درک اصول و فروع از مهمترین مباحث اسلام ناب محمدی و تشیع علوی است.

ولایت فقیه و پویایی فقه شیعه

فقه شیعه قطعاً در اصول همانند فقه اهل سنت پای بند به جان و اصول دین هست اما تغییرات زمان‌ها را بسیار جدی در نظر می‌گیرد. از غیبت کبری بر اساس همان حدیث معروف که وظیفه سنگین فقهای شیعه برای امامت مسلمین متقبل و متحمل می‌شوند لذا فقهای شیعه فقط نقش راویان و عبارتی کتاب‌های ناطق را ندارند بلکه، فقهای شیعه هم کتاب ناطق و هم کتاب عامل و هم کتاب عادل و هم کتاب عارف به زمانه و... هستند. آنان شایستگی رهبری جوامع را در هر زمان دارند چنین فقهایی بنا بر اشراف و تسلطشان و جامعیت علم و علوم مورد نیاز هر دوران و عملشان به همان نسبت نیابت امام معصوم را بعهده می‌گیرند. مهمترین نقش فقهای شیعه پس از فقاقت عاملیت ایشان در تمام

جهات است، جامع الاطرافی در همه جنبه های زندگی مادی سیاست، اقتصاد نظامی، علمی، تربیتی و... در اولویت بحث ولایت فقیه از همان زمان مطرح شده است. ولی در دوره هایی بنا بر شرایط زمان و اقبال یا عدم اقبال عامه مردم که قطعاً یکی از اصول مسلم برای حکومت اسلامی بوده و هست، این گستره مدیریت یا سیاست تغییراتی پیدا نموده است؛ در طول زمان ها بنا بر درک و فهم عامه مردم و اقبال عامه که بسیار اساسی است در مجموع لیاقت مردم حاکمانی این مسئولیت را بعهده گرفته اند ازین جهت به زبان امروزی همه ادیان الهی و بخصوص دین مبین اسلام تا زمانیکه منحرف نشده اند دموکراتیک ترین روش ها برای مدیریت جوامع بوده اند با این نگاه اقبال مردم اساسی ترین رکن سیاست اسلامی است که در همه ادوار مدیریت ها پس از پیامبر اعظم قابل تفسیر می شود. اما بحث زنده شدن سیاست در چند قرن اخیر هم در کشورهای اهل سنت و هم در جهان تشیع به حدود چند قرن اخیر بازمی گردد اما هیچوقت در گستره جهان اسلام دین از سیاست جدا نبوده است.

بازخوانی تجربه دنیای مسیحیت

این اتفاق در دنیای مسیحیت قرون وسطی و دیکتاتوری در تمام شئون و فروع و... اروپا و مذهب کاتولیک کار را به جایی رساند که برای خلاصی از آن دگماتیسم، اصل ضرورت دین زیر سوال رفت و اومانیزم (انسان خدایی مشرکانه) جای توحید ناقص کلیسای کاتولیک سه خدایی را گرفت به هر حال بدلائل خاص خودشان کار را به جایی رساند که جامعه اروپای مسیحی به یک راه میانه، نه بی خدایی مطلق و نه تسلط بی چون چرای شریعت در تمام زوایای زندگی حتی دخالت در خواب دیدن! که بخاطر دیدن خوابی یک نفر اعدام می شد! در قرون وسطی پس جدال ها، راه میانه یعنی سکولاریزم اروپاییان رضایت دادند، دین جدا از سیاست باشد اما چنین دوره ای را جهان اسلام هرگز طی نکرده است گرچه انحرافات داشته است. اما این اتفاقات در اروپا و گستره مذهب کاتولیک روی تمام جهان و از جمله جهان اسلامی که بیش از ۸۰۰ سال پرچمدار علم، عرفان، هنر و صنعت و سیاست یعنی مدیریت جوامع بود گذشت.

اگر نتوان با این اسلام حکومت کرد، این دین نمی تواند دین آخرالزمان باشد

حضرت امام خمینی علیه السلام تعبیری دارند که می فرمایند هم ما و هم غرب در خواب بودیم. غرب بیدار شد ولی نگذاشت ما بیدار شویم. اسلام، به ویژه در قرائت شیعی، به نقطه ای رسیده است که قائل به این معناست: «اگر نتوان با این اسلام حکومت کرد، این دین نمی تواند دین آخرالزمان باشد» این مباحث فقهی در حوزه های علمیه نجف، استرآباد، اصولیون و اخباریون و اصفهان و بعدها در قم مطرح بوده و هست. این موضوعات، جدا از ارتباطات بنده با حضرت آقا، همواره جزو حوزه های مطالعاتی من بوده است.



حضرت امام خمینی (ره)

تعبیری دارند که

می فرمایند هم ما و هم

غرب در خواب بودیم.

غرب بیدار شد ولی

نگذاشت ما بیدار شویم.

پیوند دین و سیاست در اسلام

بنده نوه دو شهید هستم؛ یکی شهید راه مشروطه مشروعه که پدر بزرگ من میرزا غلامحسین شهید سعید ۱۲۸۶ و دیگری شهید مرحوم آیت الله روح الله دانیایی قزوینی که پدر بزرگ مادری بنده بودند توسط رضا خان ۱۳۱۰ و نام ایشان در تاریخ ثبت است. کتابی نیز در خصوص ایشان نگاشته شده است. تاجد هفتم پدری بنده، میرزا ابوالبرکات استرآبادی رییس علمای اصولی حوزه علمیه استرآباد، که ایشان جد میرزا مسیح مشهور و معروف دوره فتحعلیشاه قاجار هستند همگی از مراجع بوده‌اند و این پیوند سیاست با فقهت در هر دو سوی خانواده (پدری و مادری) جاری است. در تاریخ مجتهدین، و علما برخی در انزوا بوده و به سیاست کاری نداشتند؛ آنها نقش علما و مدرسین را داشته‌اند در مقابل، کسانی هم بودند که لباس روحانیت بر تن داشتند، اما بهره‌ای از فقهت و درجه اجتهاد نبرده و صرفاً کار سیاسی می‌کردند، مثل احمد کسروی‌ها و تقی زاده‌ها و ...

میرزا مسیح با بسیج عامه مردم دیپلماسی حکومتی را به چالش کشید و در مقابل روس‌ها و عهدنامه ننگین ترکمانچای ایستادگی کرد و تزار از دریافت غرامت سه کروور باقی مانده صرف نظر کرد. بنده فرزند چنین خانواده‌ای هستم و از این منظر، مشترکات فکری با حضرت آقا داریم؛ چرا که پدر و پدر بزرگوار ایشان نیز از هر دو سو هم بحث اجتهاد و فقهت را داشتند و هم در سیاست دخالت می‌کردند و سیاست را امری مجزا از اسلام نمی‌دانستند.

ما معتقدیم ریشه استواری انقلاب در پیوند دین و سیاست است؛ این نکته بسیار مهمی است؛ کسی که این ریشه‌ها را بشناسد، به راحتی درمی‌یابد که چرا با وجود تمام اتفاقات ناگوار و خطرناکی که برای هر کشور و انقلابی می‌توانست کمرشکن باشد، ما، یعنی ایران اسلامی همچنان سرپا هستیم. لذا این استواری ریشه در این دارد که اسلام از سیاست جدایی‌ناپذیر است. اگر سیاست را از اسلام جدا کنید، به همان «اسلام آمریکایی» می‌رسید که حضرت امام علیه السلام تعیین فرمودند.

سید مجتبی‌خامنه‌ای وارث همان اسلام ناب است

بنده علاوه بر ارتباطات خانوادگی و حوزوی، پدر بزرگوار آیت الله خامنه‌ای در زمانیکه ما در مشهد بودیم به منزل مارفت آمد داشتند از طریق برادرانم با خانواده آقا و حتی شخص حاج آقا مجتبی‌که ارتباطات نزدیکی داشتند و از جزئیات آگاه هستم. باید تاریخ را دانست؛ امروز سید مجتبی‌خامنه‌ای وارث ناب همان اسلامی است که با اسلام حکومتی اموی و عباسی تفاوت بنیادین دارد. بنده از دور ایشان را می‌شناسم شاید بلحاظ جامع الاطراف بودن علم و عمل شبیه‌ترین به پدر شهیدشان باشند. این یک میراث گران قدر است که از پدر و پدر بزرگ ایشان به وی رسیده و تا زمانی که جوانان ما این حقیقت را درک کنند، این مملکت آسیب نخواهد دید و ان شاء الله این پرچم به دست صاحب اصلی‌اش، امام عصر علیه السلام، خواهد رسید.

در جنگ اخیر علیه ایران شیاطین و بدخواهان قطعاً اشتباه کردند؛ و باز هم خطا خواهند کرد چون شرک و کفر در نظام معرفتی خودشان فاقد شناخت چند بعد مهم در نظام هستی هستند، یعنی دچار همان کوری‌گری و در نتیجه خری هستند.

شاید نزدیک بین خوبی باشند ولی به لحاظ دور بینی کورند. تا سقوط و فروپاشی تمدن غربی که انشاء الله چندان دور نیست چون محاسبات آنها صرفاً دنیوی بوده و یقین داشتند با این اقدامات کار تمام است، اما غلط کردند و نتیجه قطعاً برعکس شد و باز هم غلط خواهند کرد.

«شهید آیت الله سید علی خامنه‌ای» بسیار بزرگ‌تر از «آیت الله خامنه‌ای» است

بنده در زمان این حادثه ناگوار در تهران بودم و تا هفت روز پس از آن نیز حضور داشتم. اکنون نیز در میان مردم هستم و شب‌ها در خیابان‌ها تردد می‌کنم و نبض جامعه را می‌بینم که چگونه می‌تپد. حضرت آقا جمله‌ای درباره شهید سلیمانی داشتند مبنی بر اینکه «شهید سلیمانی بزرگ‌تر از سردار سلیمانی است»؛ اکنون دنیا می‌فهمد که «شهید آیت الله سید علی خامنه‌ای» نیز بسیار بزرگ‌تر از «آیت الله خامنه‌ای» رهبر ایران است. دشمنان با تمام بی‌شعوری خود اکنون با گوشت و پوست‌شان لمس می‌کنند که چه غلطی کرده‌اند، تمام علم و عرفان تمدن غرب شاخه توانایی‌های ماده هست که البته شناخت ماده در دنیای مادی مهم بوده و هست اما ماتریالیسم که همه ادیان الهی از جمله دین مبین اسلام آن را بیش از ماتریالیست‌ها قبول دارند، با تمام اهمیتش جزء کوچکی از جهان هستی است، اما جهان غیب که همه ادیان الهی به آن تکیه می‌کنند و آن را جهان باقی می‌شمارند بسیار بسیار بزرگ‌تر و مهم‌تر است که این تمدن مشرکانه غرب آن را قبول ندارد و آن را فریب و نیرنگ می‌شمارد لذا فروریزی این تمدن پیرو فرسوده غربی اجتناب ناپذیر است. ویژگی مهم حضرت شهید آیت الله خامنه‌ای در داشتن تمام خصوصیات و محاسن و جنبه‌های یک انسان بسمت کمال و حرکت بود.

بنده در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳، جریان‌ات فرهنگی کشور را به چهار دسته تقسیم کردم: ۱. فرهنگ حکومتی دنبال همان مسیر حکومت‌های اموی عباسی و...، ۲. فرهنگ سنتی با ظاهری غلیظ اسلامی ولی از درون پیرو کلتوم ننه‌ها ۳. جریان فرهنگ وارداتی غربی بخصوص روشنفکری فرانسوی ۴. فرهنگ اصیل اسلامی که در حوزه‌ها جاری بود.

تاکید امام خمینی علیه السلام بر اسلام ناب محمدی

زمانی که بنده رئیس بخش فرهنگ و هنر بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی بودم (که خود حضرت آقا در دوران ریاست جمهوری یکی از موسسین آن بودند)، نوشته‌های مرا حضرت امام خمینی علیه السلام ملاحظه می‌فرمودند،

حضرت امام خمینی علیه السلام پس از مدتی پیشنهاد دادند که به جای «فرهنگ اصیل اسلامی»، از عنوان «اسلام ناب محمدی» استفاده شود. به همین جهت است که شما در وصیت‌نامه امام آن را نمی‌بینید ولی بعدها حضرت امام روی این عنوان اسلام ناب محمدی تکیه دارند. بنده نیز از سال ۱۳۶۴ یا ۱۳۶۵ مطیعانه عنوان «اصیل» را برداشتم و «اسلام ناب» را جایگزین کردم و آقا نیز این نوشته‌ها را می‌خواندند. در این هزار و اندی سال، انحرافات ظریفی در اسلام ایجاد شده بود؛ البته از دوره صفویه که سعی شد اسلام و حکومت یکجا باشند (که خدماتی داشتند و البته انحرافات هم رخ داد) تا ۴۰۰ سال اخیر که حوزه‌ها جدی‌تر وارد عرصه شدند و توفیقات بزرگی به دست آمد، بزرگانی از تشیع در مقابل تزار روس ایستادند و در این مسیر بودند. تفاوت سید علی خامنه‌ای بسیار جوان با بسیاری دیگر در حوزه‌ها، این است

که ایشان در دامان پدری معتقد به اسلام سیاسی تربیت شدند. ایشان در جوانی کتاب سید قطب را با عنوان «آینده در قلمروی اسلام» را ترجمه می کنند و ایشان این شعر را می خوانند که همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند بجایی رسیده اند. شما چنین همتی را در فقهای همچون میرزا مسیح طهرانی، میرزای شیرازی بزرگ صاحب فتوای تحریم تنباکو، شهید سید حسن مدرس، آیت الله بروجردی، حضرت امام خمینی و... می بینید همینطور ساده زیستی اما پرهیز از زهد فروشی و زاهد نمایی و عمل به تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر. در تمام لحظات و تمام موضوعات برایشان وجود دارد.

■ خصائل کمتر توجه شده آیت الله سید علی خامنه ای

سید علی خامنه ای خصائلی داشت که کمتر به آن توجه شده است، برای زندگی مادی قانع بود و برای کسب علم و معرفت حریص. برای مادیات و انتشار علم بخشنده بود، در پرداخت زکات علم و زکات مال پیشقدم و بیش از اندازه بود، در آنچه داشت همیشه شاکر و راضی بود ولی در آنچه انجام می داد که بیش از مسئولیتش بود قانع نبود، بیش فعال، اما بی سرو صدا بود. حفظ قرآن را در عمل به قرآن می دانست تا حفظ الفاظ قرآن، در عمل به لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون، چند مورد را خودم از ایشان دیده ام.

بدون اینکه به نمایش بگذارند، از خانواده ایشان می خواهیم که حالا بخش مهمی از سیرت و صورت ایشان را که مکتوم مانده ولی برای آیندگان بسیار مفید است بیان کنند. ایشان را در تمام عمر طالب علم و محصل دیدم، آینده نگر برای هزار سال آینده بود اما در لحظه و حال زندگی میگرد و لذت می برد؛ ترکیب عجیبی بود، مصداق رحماء بینهم و اشداء علی الکفار بود؛ اهل عفو و رحمت با مومنین و محرومین و مستضعفین بود ولی در برابر کفار مورا از ماست می کشید و با کفار حربی هرگز یکی نمی شد. ایشان همچون حضرت امام خمینی علیه السلام در کسب دانش و آگاهی مشتاق بودند؛ به تعبیری ایشان دوزم مساوای بلحاظ دانش و آگاهی نداشتند، هر روز باید بیش از روز قبل بر آگاهی و معرفت ایشان افزوده می شد، این را بخوبی از سخنان ایشان در رابطه با یک موضوع در دو زمان میتوان دید.

■ ویژگی متمایز ارتباطی رهبر شهید

یک صفت بسیار متمایز ایشان که از جوانی و پیش از انقلاب داشتند قدرت جذب ایشان بود ایشان با کوچکترین مشترکاتی که در اصول و مبانی با کسی می دیدند، حتی فردی غیر مسلمان و... با او در همان اشتراک صادقانه و محرمانه همراه و همسو حرکت می کردند، پیش از انقلاب با هنرمندان، محققین، شاعران، سیاستون و... قدرت جذب ایشان بدون عدول از اصول خودشان و با حفظ حدود اگر نگویم بی نظیر واقعا کم نظیر بود.

هرگز ایشان اهل اغراق و گزافه گویی نبود، در برابر فرودستان بسیار متواضع ولی در برابر استکبار و متکبرین بسیار دلیر و شجاع، به اصول سخت پای بند بود ولی در مورد فروع بسیار همراه و نرم بودند و هرگز از تحسین کوچکترین رفتار دشمن خبیث و حتی کثیف خودش ابائی نداشت، در دشنام دادن هم انصاف و عدالت را مراعات می کرد، همچون یک ریاضی دان اندازه ها و نسبت های گناهان را محاسبه می کردند. بین شر و اشر فرق قائل بود؛ قضاوت ها و حتی تحسین و تمجیدها یا بر عکس تنبیهاات ایشان خودش یک میزان و کلاس درس بود؛ دشمنانش ناچار برایش احترام قائل بودند و بقول شاعر متعهد موسوی گرمارودی «من تمام میشوم اما صفات حسنه ایشان تمامی ندارد». خود سید علی آقا خامنه ای در جوانی غیر قابل خلاصه کردن بود چه برسد به شهید آیت الله امام خامنه ای که غیر قابل خلاصه کردن هستند.

شبهات‌های رهبر جدید

ور رهبر شهید

به عنوان یکی از حاضران درس آیت الله سید علی خامنه‌ای باید بگویم که ایشان در بُعد علمی دارای نبوغ عجیب و متفاوتی بودند. من درس‌های خارج اساتید متفاوتی را شرکت کرده بودم، اما نبوغ آقا ویژه بود. این موضوع نشانگر این موضوع بود که ایشان از همان دوران جوانی با مطالعات و تحقیقات قوی و جدی و استعداد بالا و نبوغ خاص به این درجه علمی رسیده بودند.

همه عزیزانی که درس خارج حضرت آقا را شرکت می‌کردند در نبوغ ایشان هم نظر بودند. ایشان با تمام مشغله‌هایی که داشتند در تدریس بی‌اندازه مسلط بودند. یک ویژگی خیلی خاص دیگر ایشان در تدریس و بحث علم و صبوری ایشان بود.

نکته مهم دیگر این نکته بود که معظم له در مباحث علمی خیلی آزاده بودند یعنی اگر به این نتیجه می‌رسیدند که یک طلبه ساده مطلبی که بیان می‌کند درست است، حرف ایشان را تایید می‌کردند. خاطرم هست یک بار آقای در جلسه با آقا بحث مفصل کرد، روز بعد حضرت آقا در کلاس درس فرمودند که حرفی که آن آقا دیروز می‌گفت ایشان درست بود بنده فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که حرف ایشان درست است.

در واقع پذیرفتن حرف دیگران کسر شان ایشان نبود. در رابطه با رهبر آینده ایران می‌خواهم بگویم که هر بزرگواری باشند ان‌شاءالله قاعدتا همانطور که بعد از رحلت حضرت امام حضرت آقا جای ایشان را برای ما پر کردند ان‌شاءالله رهبر بعدی را نیز خدا اراده خواهد کرد و که جای خالی حضرت آقا را برای امت اسلام پر خواهد کرد. گرچه این داغ بسیار سنگین است اما فهم مسائل مختلف کشور، جزئیات و اطلاعات جامع می‌تواند برای رهبر سوم راهگشا باشد. به نظرم مهمترین نکته‌ای که در انتخاب رهبری دارای اهمیت است شناخت کامل از شرایط مختلف کشور و جامعه است.

در رابطه با حاج آقا مجتبی آقازاده شهید بزرگوار هم لازم است بگویم اگرچه توفیق شرکت در کلاس ایشان را نداشتم اما دوستانی داشتم که شاگرد ایشان بودند، کسانی که هم کلاس درس آقا را دیده بودند هم درس حاج آقا مجتبی را، این عزیزان متفق القول معتقدند ایشان خیلی شباهت به حضرت آقا دارند، هم از نوع تدریس، هم نوع نگاه در بحث علمی و در نگاه دقیق اجتهادی. نکته مهم دیگر اینکه در زمان رهبری حضرت آقا ایشان طرف مشورت در نظام مقدس جمهوری اسلامی بودند و با توجه به درایتی که داشتند، مشورت‌هایی می‌دادند که مقام معظم رهبری به آن مشورت‌ها توجه خاص داشتند.

امیدواریم امام زمان دل‌های اعضای محترم خبرگان رهبری را به سمت انتخاب اصلح هدایت کند.

حجت‌السلام والمسلمین پاک‌نژاد

از حاضرین درس خارج فقه
آیت‌الله سید مجتبی حسینی
خامنه‌ای



ثبت نام هزار طلبه برای درس خارج آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به چه معناست؟

حجت‌الاسلام علی حدادی

از حاضرین درس خارج فقه
رهبر شهید انقلاب

ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت رهبر عزیز انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای انشاءالله این سختی و فقدان را خدای متعال به بهترین صورت جبران کند؛ وقتی عالمی در این سطح وفات می‌کند اسلام چنان ضربه می‌خورد که گویی نمی‌شود جای آن را پر کرد اما به فضل خدا امیدواریم که این ضربه و فقدان به بهترین صورت جبران شود. در سوره مریم عَلَيْهِمُ السَّلَام آیه ۱۲ داستان جناب یحیی را داریم که می‌فرماید از کودکی به جناب یحیی نبوت و مهربانی و پاکی و تقوا دادیم؛ اینها سه شاخصه مهمی است که به جناب یحیی عَلَيْهِمُ السَّلَام داده شده از این رودر مکتب اسلام بر روی سن و سال بالا نمی‌ایستد بلکه بر روی شاخصها و تخصص‌ها می‌ایستد.

این سه شاخصه اصلی در رهبر معظم تحقق داشت. آن روزی که بنا شد حکومت از وجود نازنین رسول به وجود نازنین امیرالمومنین منتقل شود از لحاظ سنی ایشان فرد جوانی در جامعه محسوب می‌شدند اما چون تخصص‌های کافی برای تصدی این منصب را داشتند چنین انتقال مسئولیتی معقول و درست بود حتی امامت که از وجود

بیرکت

به مناسبت شهادت قائدامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

■ فصل اول

مبارک حضرت رضا به امام جواد منتقل شد؛ باینکه حضرت جواد سن و سال کمی داشتند چنین کار صحیح بود یا وقتی امامت حضرت عسکری به آقا بقیه الله الاعظم سلام الله علیه منتقل شد سن و سال شان کم بود از این رو منطق اسلام روی سن و سال نمی ایستد بلکه شاخصه ها و تخصص ها را مدنظر دارد.

آنجایی که انتقال امامت از امامی به امام دیگر وجود دارد مسئله سن و سال اصلاً مطرح نیست و قرآن این را به صورت متعدد اشاره کرده و شما داستان حضرت عیسی و حضرت یحیی را در سوره مریم ع.ه.س دارید.

حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای از طلاب سخت کوش، باهوش و خوش استعداد همراه با نبوغ سرشار مدرسه آیت الله مجتهدی ع.ه.س بودند. دروسی که در سنین جوانی تدریس میکردند دروس سطوح عالی بود برای شاگردانی فاضل و موفق به تحصیل علم بود که در این اواخر وقتی ایشان در قم اعلام درس خارج کردند بیش از هزار نفر بادل و جان بسیار مشتاق ثبت نام کردند ولی ایشان به احترام سایر دروس کلا این فضای درس را پس زدند که این یک مجاهده بزرگی بود که از ایشان سرزد و انتخاب سنگین بود که از کمتر کسی سر میزند و یا شنیده می شود.

با انتخاب ایشان به عنوان رهبر جدید ناگزیر در کشور دشمن التهاب درست می کند اما آن چیزی که بتواند ضریب التهابات را کاهش دهد تبیین دقیق و واضح است به عنوان مثال مریضی داریم که عمل جراحی دارد حالا خوف کرده است اما آن چیزی که میتواند مریض را آرام می کند این است که برای مریض توضیح دهیم جراح تو یک استاد مسلم است که هر چه تاکنون عمل کرده درست بوده و بسیار حاذق است لذا این روال همه جا هست؛ درباره انتقال قدرت نیز باید گفت این بزرگواری که قرار است سکان را بدست بگیرد قابلیت های شایسته و لازم را دارد؛ چیزی که خود حقیر از قدیم از آقا مجتبی تقریباً ۲۵ سال پیش دیدم اینکه است ایشان فردی فاضل در علوم اسلامی و حوزی و در بحث های سیاسی از آن موقع تاکنون بین طلبه ها آوازه داشت و بحث های دقیق می کرد و در عین متخلق به اخلاق حسنه در رفتارهای اجتماعی بود و کسی که از بیرون ایشان را می دید اولین چیزی که احساس می کرد یک نجابت بسیار فوق العاده و قوی بود.

هرچند انتقال قدرت با فضای کنونی کشور زیر حملات سنگین دشمن صهیونیستی و امریکایی و معاندین منافق داخلی سخت است اما ما کشوری هستیم که در اوج مظلومیت، از اقتدار نیز برخوردار هستیم و این خود دلیل حقانیت نظام مقدس ماست. لذا این انتقال قدرت آسان نخواهد بود به ویژه اگر در حلقه ای اتفاق بیفتد که به حلقه آقا و آقازاده ایشان نزدیک باشد لذا ناگزیر دشمن عنود این را مستمک قرار می دهد تا جو رسانه ای درست کند بنابراین در قدم اول باید برای انتقال قدرت آمادگی برخورد با تحریکات داخل و خارجی را داشته باشیم. از خدای متعال و وجود مبارک حضرت بقیه الاعظم ارواحنا الفدا مسالت داریم در حوادث و امتحانات بزرگ همه ما را یاری کند و روح مطهر و مبارک رهبر معظم با اجداد طاهرینش محشور باشد و ایشان از ما راضی و دعاگو باشند.



حضرت آیت الله سید

مجتبی خامنه ای از

طلاب سخت کوش،

باهوش و خوش

استعداد همراه با نبوغ

سرشار مدرسه آیت الله

مجتهدی / بودند.

دروسی که در سنین

جوانی تدریس میکردند

دروس سطوح عالی بود



رهبر جدید؛ عالم اخلاق و مجاهد علمی

حجت الاسلام حیدریان

از شاگردان درس خارج
آیت الله سید مجتبی خاмене‌ای

درس‌های آیت‌الله مجتبی خاмене‌ای به‌ویژه در حوزه اصول فقه، متمایز از جریان متداول است. ایشان در هر مبحثی، صاحب‌نظر و نوآور بوده و مباحث را با نگاه جامع و تحلیلی پیش می‌برند. افزون بر جنبه علمی، به لحاظ فکری و شیوه بیان، ایشان شاگردان را به تفکر ترغیب می‌کند. آنچه در کارنامه علمی آیت‌الله خاмене‌ای جلوه‌ای ویژه دارد، فعالیت گسترده در شبکه‌سازی آموزشی و مدیریتی حوزه‌ها است. با وجود دشواری‌های سفرهای مکرر میان تهران و قم، ایشان این مسیر را «سنگر جهاد علمی» دانسته و همواره بصورت منظم کلاس‌های درس را برگزار می‌کردند. همچنین ایشان در سال‌های اخیر مسئولیت راه‌اندازی پنج مدرسه علمیه و مرکز آموزش سطوح عالی را برعهده داشته‌اند. در کنار جایگاه علمی، ویژگی برجسته آیت‌الله خاмене‌ای اخلاق پدران و تربیتی ایشان است. از نخستین روزهایی که درس خارج ایشان با جمعی محدود آغاز شد، تا هنگامی که کلاس‌ها با افزایش طلبه‌ها مواجه شد، مراقبت، توجه و دغدغه‌مندی نسبت به شاگردان کوچک‌ترین تغییری نکرد. پیگیری وضعیت علمی، خانوادگی و حتی معیشتی طلاب، یکی از نشانه‌های روحیه عمیقاً انسانی ایشان است؛ رفتاری که یادآور سیره علمای ربانی و اساتید اخلاق در تاریخ حوزه است. از جلوه‌های دیگر اخلاقی آیت‌الله خاмене‌ای، تواضع و دقت در حرمت شاگردان است. هرگاه در خلال مباحث علمی، گفت‌وگویی صمیمی یا شوخی‌ای در کلاس پیش می‌آمد، ایشان در پایان درس با نهایت احترام از حاضران طلب حلالیت می‌کردند تا مبادا حسی از رنجش در دل کسی باقی بماند؛ رفتاری که ریشه در روحیه عرفانی و تقوای شخصی ایشان دارد. بسیاری از شاگردان و آشنایان، شخصیت ایشان را در منش، وقار و شیوه تعامل، نزدیک‌ترین به سیره پدر بزرگوارشان، حضرت آیت‌الله العظمی شهید خاмене‌ای (مدظله‌العالی) دانسته‌اند. چنان‌که خود رهبر انقلاب نیز در مواردی بر هماهنگی دیدگاه و منش فکری فرزندشان تأکید فرموده‌اند.



نزدیک‌ترین اندیشه به رهبر شهید

شهادت آیت الله سید علی خامنه‌ای ضمن اینکه یک درس بزرگ برای جهان اسلام و جهان بشریت بود اما لازم است با یک منظر دیگر هم به این قضیه نگاه کنیم، این که حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای در طول عمر ۷۰ ساله مبارزاتی که داشتند دوران مختلفی را طی کردند و در همه روزهای این دوران طولانی و با برکت یک عنصر مشترکی که وجود داشته و در کلمات خود آیت الله سید علی خامنه‌ای هم به وفور این کلید واژه دیده می‌شد معنای قیام‌لله است، یعنی اینکه قرآن امر فرموده که همه انسان‌ها باید در راه خدا قیام کنند یعنی در همه حالات چه انسان به تنهایی باشد چه در جمع باید برای خدا قیام کند.

ربانی بهبهانی

از حاضرین درس خارج فقه
آیت الله سید علی خامنه‌ای

رهبر شهید مظهر قیام‌لله بود

آیت الله سید علی خامنه‌ای برای ما و برای همه کسانی که اندک شناختی هم داشتند مظهر واقعی قیام‌لله بود چه در طول دوران تحصیل ایشان چه در طول شروع

مبارزات شان در قبل از انقلاب و بعد در دوران تصدی مسئولیت های اصلی و مهم بعد از انقلاب، دوران حیات ایشان سرتاسر مجسمه قیام لله بود و از بس این ولی خدا و این مرد بزرگ وقف در این معنا و در این مفهوم بود شهادتشان نیز یک تجسمی از این مسئله قیام لله بود که خون ایشان مسئله قیام امت اسلامی را به دنبال داشت.

آیت الله سید علی خامنه ای بعد از ۴۷ سال خدمت در اصلی ترین ارکان نظام با خونشان معانی جدیدی از معنای مقاومت و قیام را به سراسر مردم جهان نشان داد. حضرت مورد تایید امام زمان علیه السلام بودند و کسی بودند که کشور و تمدن بزرگ ایران و اسلام را پیش بردند و اصلاً نیاز به شرح و توضیح از شخصی حقیری مثل بنده نیست اما در ادامه این اتفاقی که افتاد و جامعه از حضور آیت الله سید علی خامنه ای محروم شد ما باید بدانیم که چه کسی می تواند بیش از دیگران این مسیر مستحکمی که انقلاب اسلامی طی کرده را به سر منزل برساند، یعنی خبرگان عزیز ملت دنبال این بودند که به این کشف برسند که چه فردی نزدیک ترین انتخاب برای سکانداری امت اسلامی است.

رهبر شهید نهضت مردمی را به یک قدرت بزرگ منطقه ای تبدیل کرد

در جامعه سلاقی مختلف وجود دارد ما کشوری هستیم که اقوام مختلفی را در کشور داریم، ادیان و مذاهب با آزادی دارند در کشور ما زندگی میکنند از نظر سوق الجیشی و منطقه ای در شاهراه بزرگ انرژی در جهان هستیم و مناسبات اقتصادی سیاسی و امنیتی جهان همیشه بر این مدار و بر این محور جغرافیایی تنظیم می شده است. آیت الله سید علی خامنه ای با تدبیری که داشتند انقلاب اسلامی را از یک نهضت خودجوش مردمی که دستش به هیچ قدرت مادی نمی رسید تبدیل به یک قدرت بزرگ منطقه ای کردند و برای رسیدن به آن تمدن بزرگ اسلامی که انشاءالله زمینه ظهور امام زمان است ۴۷ سال بعد از انقلاب تلاش بی وقفه، طراحی و برنامه ریزی کردند و این ها مرهون ان جامعیتی بود که آیت الله سید علی خامنه ای داشتند.

جامعیت رهبر شهید

آیت الله سید علی خامنه ای با افشار مختلف با رزمنده ها که صحبت می کردند همه معتقد بودند که ایشان از همه متخصص تر است. با شعرا که دیدار داشتند شعرا میگفتند که بالاترین سهم و درک از ادبیات و نص و نظم فارسی را آیت الله سید علی خامنه ای دارند، با دانشمندان که ملاقات می کردند و دقتی که داشتند، دانشجویها و طلاب همه میگفتند که ما آنچه که در حضرت آقا می بینیم جامعیت در بین همه تخصص ها و سلاقیه ها به صورت معجزه وار است.

این موهبت را خداوند به ولی خود عطا می کند و آن کسی را که خدا انتخاب می کند رشد میدهد تا بتواند رهبری جامعه اسلامی را به دوش بکشد.

درس خارج ۷۰۰ نفری به چه معناست؟

بعد از شهادت آیت الله سید علی خامنه‌ای باید ما به سراغ فردی می‌رفتیم که بتوانیم جامعیت را در او ببینیم. از ویژگی‌هایی که در حضرت آیت الله آقا مجتبی خامنه‌ای حفظ الله تعالی وجود دارد یکی همین جامعیت است. من توفیق داشتم مدتی محضر آقا مجتبی شاگردی کردم ایشان از حیث علمی مانند پدر بزرگوارشان جدا از نبوغی که دارند ویژگی‌های علمی جدا برجسته‌ای دارند یعنی اولاً جستجوی کاملی که در بین انظار داشتند و مشخص بود که از شاگردان خودشان از آن جمعیت ۷۰۰ نفری شاگردانی که در علم جلوتر هستند، ایشان یک تنه از کل آن جمعیت در بین آرا و انظار و روایات برای رسیدن به نظر شارع داشتند قویتر و محکم‌تر بودند یعنی یک شخصی صاحب یک فحش بسیار برجسته و فحش کامل از جهت درک کلمات فقهای متقدم و متاخر و نوع نگاهی که به مسئله دارند و نگاه که در ورود و خروج به مسائل دارند در فرآیند اجتهاد کاملاً مشخص بود و برجستگی ایشان عیان بود.

ولد العالم نصف العالم

حضرت آیت الله آقا مجتبی خامنه‌ای در محضر رهبر شهید بودند و این مسئله مهمی است ما یک تعبیری داریم که ولد العالم نصف العالم، به چه معناست؟ یعنی اگر یک کسی فرزند عالم است با ادبیات علم با ورود و خروج علم با اهمیت علم با جلسات علمی انقدر مانوس بوده که یاد گرفته، در مباحث اجتهادی می‌گوییم که یکی از بهترین روش‌ها این است که شاگرد دم دست استاد مجتهد باشد از روی دستش ببیند یعنی فقط تئوری نباشد که استاد یک مطالبی را به صورت تئوری القا کند و این شاگرد این مسائل را در فضای ذهنی و آزمایشگاه خودش پیاده کند، مثلاً بهترین مکانیک آن مکانیکی نیست که از رو کتاب درس خوانده آن مکانیکی است که در مغازه مکانیکی از روی دست استاد خودش نگاه کرده و آموزش دیده است.

آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای با نگاه رهبر شهید آشناست

حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای این ویژگی را دارند که در طول دوران ریاست جمهوری حضرت آقا و دوران رهبری حضرت آقا نزدیک‌ترین فرد بودند که نحوه تعامل حضرت آقا، نگاه حضرت آقا به مسائل، اندیشه حضرت آقا و این که آقا چطور مسائل را می‌چیدند که به نتیجه می‌رسیدند، نگاه حضرت آقا در مقابل استکبار و مسئله استکبار چطور بود و جریان استکبار را چطور می‌دیدند، جریان جبهه استکباری که سیطره زده بود روی ملت ایران از سال ۱۳۳۲ به این طرف را آقا چطور می‌دید و چطور تحلیل می‌کرد و اسناد و منابعش را چطور کنار هم می‌گذاشتند و به نتیجه می‌رسید.

در واقع ما به دنبال کشف نزدیک‌ترین اندیشه و اندیشه حضرت آقا اگر باشیم کسی که



حضرت آیت الله آقا

مجتبی خامنه‌ای در

محضر رهبر شهید بودند

و این مسئله مهمی

است ما یک تعبیری

داریم که ولد العالم نصف

العالم، به چه معناست؟

یعنی اگر یک کسی

فرزند عالم است با

ادبیات علم با ورود و

خروج علم با اهمیت علم

با جلسات علمی انقدر

مانوس بوده

بتواند منطق تفکر حضرت آقا را به درستی درک کرده باشد و بتواند روی آن مسیر حرکت کند، منطق تصمیم‌گیری حضرت آقا را به درستی آموزش دیده باشد، از نزدیک تعامل حضرت آقا را در مواجهه با بزرگان کشورها گرفته تا بزرگان ملت‌ها و اقوام، در تعامل با مسئولین، در تعامل با جریان‌های سیاسی، در تعامل با گسل‌هایی که در جامعه وجود دارد هر شخص دیگری که شما بخواهید در نظر بگیرید هر چقدر هم تلاش کرده باشد در این آزمایشگاه در این فضای پر از آزمون و خطایی که آیت‌الله سید علی خامنه‌ای آن را از نزدیک دیدند چه کسی مثل آقا مجتبی این فضا را از نزدیک دیده است؟

فرض کنید روسای کشورها روسای جمهور با تمام مناقشاتی که در طول این سال‌ها اتفاق می‌افتاد با سختی‌هایی که وجود داشت با پستی بلندی‌هایی که بود با فتنه‌هایی که بود و در هر کدام از این شرایط اگر کسی غیر از آقا بود نمی‌توانست انقلاب را با سلامت از این پیچ و خم‌ها رد کند، این‌ها را چطور میتوانیم به دست کسی بسپاریم که از نزدیک این مواجهات را ندیده باشد و از نزدیک این اختلاف نظرها و روش حل مسئله‌ها را لمس نکرده باشد؟ بحران‌های بزرگ را از نزدیک ندیده باشد، فرمان جنگ‌ها، فرمان صلح‌ها، تعامل با رئیس‌جمهورها، تعامل با وزرا، جمع کردن اختلاف انظار سلیقه‌ها و... ما چطور میتوانیم به کسی که در این وزن و در این محدوده سیر نکرده اعتماد کنیم؟ نزدیکترین کسی که میتوانیم به پیدا کنیم آن شاگردی است که ۵۰ سال در این مکتب شاگردی مستقیم کرده و از روی دست حضرت آقا نگاه کرده، از جهت فقاقت و علمیت در بالاترین سطح از علمیت الحمدلله است.

■ آیا رهبر سوم انقلاب تجربه اجرایی ندارند؟

از حیث فهم مسائل ممکن است کسی این ایراد را کند که حضرت آیت‌الله آقا مجتبی خامنه‌ای تجربه مسئولیت اجرایی ندارد، خوب این شبهه هم پاسخ‌ش مشخص است، اصلاً رهبری بک مسئله مدیریت اجرایی نیست رهبری هدایت کلان است یعنی یک فقیه‌ی که زاهد باشد، به دنیا محبت و درجات دنیا نداشته باشد که اینا همه نسبت به کل بیت حضرت آقا و کسانی که حضرت آقا تربیتشان کرده ثابت شده است، اسلام‌شناس باشد و جامعیت داشته باشد و بتواند حرکت کلان انقلاب اسلامی را خارج از تحریف نگهداری کند و از اینکه انقلاب اسلامی از مسیر خودش منحرف شود محافظت کند و الا اگر قرار بر این باشد که فرد مدیریت اجرایی داشته باشد خوب این شاخص‌های رئیس‌جمهور است شما در شاخصه رهبر مدیریت اجرایی نمی‌بینید لذا اینکه ایشان سابقه اجرایی نداشته این اصلاً مسئله پسندیده نیست.

■ آیا ولایت موروثی است؟

ممکن است یک اشکال دیگر مطرح شود نسبت به انتخاب ایشان و آن مسئله شبهه موروثی شدن ولایت باشد که چون آقا مجتبی فرزند حضرت آقا هستند بعضی‌ها اشکال کنند که ولایت یک امر موروثی شده است، به این مسئله دو جواب می‌توان داد، جواب اول اینکه وقتی که ولایت ائمه‌علیهم‌السلام هم از طرف خدای متعال تعیین شد لزومی در اینکه حتماً فرزندان او پدر به پسر برسد وجود نداشت ما دو جور را داشتیم یک جا از امام حسن علیه‌السلام به برادرشان امام حسین علیه‌السلام رسید از پیغمبر اکرم به امیرالمومنین رسید که اصلاً داماد حضرت بودند یعنی فرزند هم نبودند، برادر نبودند و بعد از امام حسین علیه‌السلام هم صالح بعد از صالح به فرزندان ایشان رسید خوب این اشکال میتواند آن جا هم وارد باشد یعنی آیا حتماً و حتماً و حتماً باید نور امامت از پدر به پسر منتقل شود یا در یک خانواده باشد؟ خوب شما می‌بینید که در ماجرای انبیا الهی اینطور نبوده گاهی انبیا الهی لزوماً اجدادشان پیغمبر نبودند پس

ما هر دو جور را در تاریخ داریم. پس موروثی بودن و موروثی نبودن هیچکدام ملاک نیست، ملاک صلاحیت داشتن است. اگر خبرگان ملت به صلاحیت فردی دست پیدا کنند دیگر اینکه فرد پدرش هم یا برادرش هم رهبر بوده این دلیل نمی شود که یک فرد اصلی را کنار بگذارند و ملت اسلام را محروم کنند به جرم این که این فردی که ما به این رسیدیم که اصلح است پدرش رهبر بوده پس این نباید رهبر باشد. این اصلاً به مسئله منطقی و پسندیده ای نیست پس این شبهه موروثی بودن هم اصلاً شبهه قابل پذیرشی نیست.

مسئله بعد در مقایسه با سایر افرادی که شاید مثلاً گاهی در مظان انتخاب باشند که حتماً اگر کسی در مظان انتخاب خبرگان و امت اسلامی قرار گرفت خود این حاکی از برجستگی آن فرد خواهد بود منتها در مقایسه با سایرین به وضوح برجستگی و جامعیت حضرت آیت الله آقا مجتبی نسبت به دیگران مشخص است.

■ زیست صالحانه و دوری از حب دنیا

یک نکته مهمی هم نباید جا انداخت و برای ولی و رهبر جامعه اسلامی خیلی مسئله مهمی است زیست صالحانه و دوری از حب دنیا است من خاطر هست که دوره ای که شاگردان درس خارج آقا مجتبی به حدود ۷۰۰ نفر رسید که حب این یعنی مقدمه و دروازه مرجعیت شیعه، اگر درس خارج یه فردی از ۷۰۰ نفر طلبه که در سطح درس خارج هستند شرکت کنند و درس خود را با آن فرد پیش ببرند، در طول دوران مرجعیت شیعه این دروازه مرجعیت است و به هر کسی نمیرسد، حالا ما وجود مبارک آقا مجتبی رو در شرایطی دیدیم که طلاب کلاس درس خارج ایشان به حدود ۷۰۰ نفر رسید، ایشان یک دفعه درس را تعطیل کردند و این یک درس بزرگی به همه شاگردانشان بود که همه متعجب ماتدند که چطور میشود یک فرد این کار را بکند؟ دشمنان که به درستی آینده انقلاب و فرد صالح را تشخیص داده بودند و ۲۰ سال است که مشغول تخریب ایشان هستند در صورتی که همه کسانی که اقا مجتبی را می شناسند و با روش ایشان آشنا هستند متوجه شدند ایشان از شدت زهد و رویگردانی از دنیا داشتند جمعیت ۷۰۰ نفری را رها می کردند. کسی که اینطور به مرجعیتی که به دنبالش آمده پشت پا میزند مشخصاً در تصمیماتی که میگیرد جز خداوند را لحاظ نمیکند. کشور ما الان به یک چنین شخصیتی نیاز دارد که بتواند این قطار سرعت انقلاب اسلامی که به برکت خون شهدا به برکت نیت خیر امام راحل و به برکت مجاهدت و قیام امام شهیدمان امام خامنه ای انشاء الله بتواند انقلاب اسلامی را به ظهور آقا امام زمان متصل کند شخصیت شخیص حضرت آیت الله مجتبی خامنه ای است.

انشالله که همانطور که الان دیده می شود که خواص، شاگردان، محبین، مومنین و غیره محبت اقا مجتبی در دل هایشان افتاده و پذیرفته اند ولایت ایشان را خدا هم عنایت کند و ایشان هم مثل اجداد صالح خودشان این قطار انقلاب را با سرعت انشاء الله به قله های موفقیت و فتح قله ها و رسیدن به نقطه تمدن اسلامی و ظهور امام زمان انشاء الله منتهی کند.



شاگردان درس خارج
آقا مجتبی به حدود ۷۰۰
نفر رسید که حب این
یعنی مقدمه و دروازه
مرجعیت شیعه، اگر
درس خارج یه فردی از
۷۰۰ نفر طلبه که در سطح
درس خارج هستند
شرکت کنند و درس خود
را با آن فرد پیش ببرند، در
طول دوران مرجعیت
شیعه این دروازه
مرجعیت است

پنج مرحله ای که رهبر شهید انقلاب ترسیم کردند مسیر رهبر آینده است

حجت الاسلام محمد باقر ادیب

شاگرد مرحوم علامه عسکری و
آیت الله جاودان

شهادت ولی امر مسلمین مظلوم مقتدر حضرت آیت الله خامنه ای رضوان الله و سلام الله علیه را به محضر مبارک آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه تسلیت عرض می کنم. در این باره نکاتی قابل طرح است:

رهبر شهید ما رهبری جامع و بی بدیل با ویژگی های فوق العاده ای بودند که بیان و بنان قاصر از توصیف آن است.

۱

توصیه همیشگی رهبر حکیم و شهید بر التزام به قانون و اتحاد و همدلی بوده و هست.

۲

مسأله مرجعیت و بالاتر از آن مسأله امامت امت و ولایت فقیه فراتر از تحلیل و عقل بشری است و حقیر معتقدم دست غیب حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام بر این امور نظارت و دخالت دارد.

۳

رهبر حکیم و فرزانه ما آینده انقلاب اسلامی و وظیفه ی امت اسلامی را تا رسیدن به قله ترسیم نمودند.

۴

به خاطر دارم آن شهید بزرگوار در روزهای آغازین رهبری فرمودند راه ما راه امام خمینی رضوان الله علیه است و تا آخرین لحظات عمر شریف از این موضع عقب نشینی نکردند امروزه هم وظیفه ما پیروی از خط امام و رهبری است.

۵

رهبری آینده، علاوه بر دارا بودن ویژگی های شخصی باید در مسیر امامین امت گام برداشته و همان پنج مرحله ای که رهبر شهید انقلاب ترسیم نمودند تا رسیدن و فتح قله ادامه بدهند.

۶

وظیفه آحاد مردم و مسئولین، اتحاد و همدلی و تبعیت و پیروی از ولی فقیه منتخب خبرگان رهبری است.

۷



از تدبیر تا جاودانگی: شهادت به مثابه نقطه عطف تمدنی در میراث رهبر شهید

مرگ اندیشی همواره یکی از بن‌مایه‌های اساسی فرهنگ ایرانی اسلامی بوده است. شاید به همین دلیل است که شهادت در این جغرافیای تاریخی، هرگز معنایی پایان یافته نداشته، بلکه همواره آغازی دیگرگونه بوده است. زمانی که خبر شهادت امام آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای منتشر شد، دشمنان گمان کردند عصری به سر رسیده است. اما حقیقت آن است که با این رویداد، عصری تازه آغاز شد؛ عصری که در آن تدبیر و حکمت زیسته شده در قامت یک رهبر، به نمادی فراتاریخی تبدیل می‌گردد که خود می‌تواند موتور محرکه تمدنی برای نسل‌های آینده باشد. آنچه در پی می‌آید، کوششی است برای واکاوی ابعاد تمدنی شخصیت رهبر شهید و تحلیل چگونگی تبدیل شهادت ایشان به یک کلان‌روایت راهبردی که می‌تواند مسیر آینده جامعه ایرانی را در افق تمدن نوین اسلامی ترسیم کند.



محمد جواد استادی

پژوهشگر مطالعات فرهنگی

مؤلفه‌های تمدنی در شخصیت رهبر شهید؛ چهارچوبی برای تحلیل

۱

۱-۱. سنتز دیانت و عقلانیت؛ بنیادهستی شناختی تمدن‌سازی

در فلسفه سیاسی متأخر، یکی از معضلات بنیادین جوامع در حال گذار، گسست میان «حقیقت دینی» و «عقلانیت مدرن» است. تمدن غربی با تأکید بر عقلانیت ابزاری و طرد متافیزیک، به بحران معنا دچار شده و تمدن‌های سنتی نیز با نفی عقلانیت جدید، از کارآمدی و پیشرفت بازمانده‌اند. در چنین وضعیتی، شخصیت رهبر شهید را می‌توان به مثابه «سنتزی تاریخی» تحلیل کرد که در آن دیانت و عقلانیت نه در تقابل، که در تعاملی دیالکتیکی، بنیانی تمدنی را پدید آورده‌اند. ایشان با بهره‌گیری از سنت فکری حکمت متعالیه و فقهات پویای شیعه، از یک سو به «حقیقت قدسی» متصل بودند و از سوی دیگر، با اشراف بر پیچیده‌ترین مسائل ژئوپلیتیک و فناوری‌های نوین، «عقلانیت راهبردی» را در خدمت دیانت قرار می‌دادند. این تلفیق، نه صرفاً یک ویژگی فردی، که یک «الگوی تمدنی» است.

۱-۲. حکمت عملی و زیست متعهدانه؛ اتوس رهبری تمدنی

در نظریه‌پردازی تمدنی، یکی از مؤلفه‌های اساسی برای تداوم یک گفتمان، «صداقت وجودی» رهبران آن است. ماکس وبر از این مفهوم با عنوان «اتوس» (Ethos) یاد می‌کند و آن را وجه تمایز رهبری کاریزماتیک از رهبری بوروکراتیک می‌داند. در زیست‌نامه عملی رهبر شهید، این اتوس با وضوح هر چه تمام‌تر قابل مشاهده است. زهد و ساده‌زیستی ایشان، نه یک کنش نمایشی برای کسب مشروعیت، که حقیقتی زیسته بود که از عمق جهان بینی عرفانی ایشان نشأت می‌گرفت.

۱-۳. مردم‌مداری نخبگانه؛ حل معمای مشارکت تمدنی

یکی از مسائل بنیادین در نظریه‌های توسعه و تمدن‌سازی، چگونگی پیوند «نخبگان» با «توده‌ها» است. رهبر شهید را می‌توان مصداقی کامل از این مفهوم دانست. ایشان هم با عالی‌ترین سطوح علمی و فرهنگی در تعامل بودند و هم با ساده‌ترین اقشار جامعه پیوندی ناگسستنی داشتند. این ویژگی، از منظر تمدنی، کارکردی حیاتی دارد: مانع از شکل‌گیری «گسست معرفتی» میان خواص و عوام می‌شود در الگوی مردم‌مداری نخبگانه، توده‌ها خود را در گفتمان تمدنی سهیم می‌بینند و از آن دفاع می‌کنند.

۱-۴. مقاومت به مثابه راهبرد تمدنی؛ دیالکتیک هویت و غیریت‌سازی

در نظریه‌های پسااستعماری، «مقاومت در برابر دیگری مسلط» یکی از ارکان اصلی



یکی از مسائل بنیادین

در نظریه‌های توسعه و

تمدن‌سازی، چگونگی

پیوند «نخبگان» با

«توده‌ها» است. رهبر

شهید را می‌توان

مصداقی کامل از این

مفهوم دانست. ایشان

هم با عالی‌ترین سطوح

علمی و فرهنگی در

تعامل بودند و هم با

ساده‌ترین اقشار جامعه

پیوندی ناگسستنی

داشتند.

بازتعریف هویت تمدنی است. فرانتس فانون بر ضرورت طرد فرهنگ مسلط برای بازیابی هویت اصیل تأکید می‌کند. رهبر شهید با صورتبندی گفتمان مقاومت، آن را از یک تاکتیک مقطعی به یک «راهبرد تمدنی» تبدیل کردند. در این نگاه، مقاومت نه صرفاً برای حفظ مرزهای جغرافیایی، که برای حفظ «هویت» و «اصالت» یک تمدن ضروری است. امام شهید با ترسیم مرزهای گفتمانی میان «تمدن اسلامی» و «تمدن غربی»، عملاً به جهان اسلام جرأت داد تا برای احقاق حقوق خود بایستد و از سلطه قدرت‌های بزرگ نهراسد.

شهادت خودخواسته؛ تحلیل جامعه‌شناختی گذار از شخص به نماد

۲

۱-۲. شهادت در نظریه کنش اجتماعی؛ از کنش معطوف به هدف تا کنش معطوف به

ارزش

شهادت رهبر شهید را می‌توان در زمره «کنش عقلانی معطوف به ارزش» تحلیل کرد. ایشان نه از روی ناچاری و نه برای دستیابی به هدفی مادی، که در راه تحقق ارزش‌هایی که بدان باور داشتند، تاپای جان ایستادند. نکته قابل تأمل آنجاست که این کنش، نه در خلوت عارفانه، که در میدان مسئولیت اجتماعی رخ داد.

۲-۲. فرآیند نمادین‌شدگی؛ از سرمایه شخصی تا سرمایه فرهنگی پایدار

سرمایه نمادین، هنگامی که با سرمایه فرهنگی و اجتماعی پیوند می‌خورد، می‌تواند به شکلی پایدار درآمد و از مرگ فیزیکی فرد فراتر رود. شهادت رهبر شهید، نقطه اوج تبدیل سرمایه شخصی ایشان به سرمایه نمادین پایدار است. با شهادت، ایشان از یک «شخص تاریخی» به یک «نماد فراتاریخی» تبدیل می‌شوند. این گذار، کارکردی دوگانه دارد: نخست آنکه «میراث معنوی» ایشان را از گزند تحریفات زمانی مصون می‌دارد، و دوم آنکه «انرژی عاطفی» جمعی را برای نسل‌های آینده ذخیره می‌کند.

۳-۲. شهادت به مثابه عملیات روانی معکوس؛ وارونگی گفتمان دشمن

یکی از استراتژی‌های اصلی جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی، «شخصیت‌زدایی» از رهبران آن و «تضعیف مشروعیت» گفتمان مقاومت بوده است. رسانه‌های غربی با تکرار این گزاره که انقلاب اسلامی وابسته به افراد است و با حذف فیزیکی رهبران آن فرو می‌پاشد، تلاش کرده‌اند روحیه جامعه ایرانی را تضعیف کنند. شهادت رهبر شهید، این استراتژی را با چالش بنیادین مواجه می‌کند. واکنش دشمن به شهادت ایشان، که با ابراز شادمانی و همزمان نگرانی از آینده همراه بود، نشان‌دهنده «سرگشتگی گفتمانی» آنان است. از یک سو، با حذف فیزیکی یک رهبر قدرتمند مواجهند و از سوی دیگر، می‌بینند که این حذف، نه



شهادت رهبر شهید را
می‌توان در زمره «کنش
عقلانی معطوف به
ارزش» تحلیل کرد.
ایشان نه از روی ناچاری
و نه برای دستیابی به
هدفی مادی، که در راه
تحقق ارزش‌هایی که
بدان باور داشتند، تاپای
جان ایستادند.



به تضعیف، که به تقویت نمادین گفتمان مقاومت انجامیده است. این پدیده را می‌توان «وارونگی گفتمانی» نامید؛ جایی که کنش دشمن، دقیقاً به نتیجه معکوس منجر می‌شود.

شهادت به مثابه موتور محرکه تمدنی؛ تحلیل آینده‌پژوهانه

۳

۱-۳. بازتعریف قدرت در گفتمان پسا شهادت

تمدن غربی، قدرت را در «بقای مادی» و «انباشت ثروت» تعریف می‌کند. از این منظر، مرگ رهبران، پایان قدرت است. اما تمدن اسلامی که در بستر فرهنگ شهادت شکل گرفته، قدرت را در «بقای معنوی» و «تأثیرگذاری فراتاریخی» تعریف می‌کند. امام شهید با شهادت خود، به جهان نشان داد که قدرت حقیقی در ایمانی است که انسان را تا مرز استقبال از مرگ پیش می‌برد. این بازتعریف قدرت، می‌تواند افق‌های جدیدی را در برابر نظریه‌پردازی سیاسی در جهان اسلام بگشاید. اگر قدرت را «توانایی تأثیرگذاری بر اراده دیگران» تعریف کنیم، شهادت ایشان به وضوح نشان داد که حتی مرگ نیز نمی‌تواند این تأثیرگذاری را متوقف کند. بلکه برعکس، شهادت خود به منبعی برای تأثیرگذاری بیشتر تبدیل می‌شود.

۲-۳. نهادینه‌سازی و استمرار تدبیر در عصر نمادها

برخی تحلیل‌گران گمان می‌کنند که با شهادت رهبر، دوران تدبیر و حکمت عملی به پایان رسیده است. اما این گمان، مبتنی بر نادیده گرفتن «نهادینه‌سازی» در اندیشه و عمل ایشان است. رهبر شهید در طول نزدیک به چهار دهه رهبری، چنان ساختارها و نهادها را مستحکم کردند که امروز، جامعه می‌تواند راه خود را ادامه دهد. در نظریه نهادگرایی جدید، نهادها زمانی پایدار می‌مانند که از «شخصیت‌زدگی» خارج شده و به «رویه‌های عینی» تبدیل شوند. ایشان با



بیعت سیاستمداران
و مدیران اجرایی

۲



علی اکبر ولایتی

دبیرکل مجمع جهانی بیداری
اسلامی

پیام دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی خطاب به رهبر معظم انقلاب

در پی انتخاب رهبری سوم انقلاب اسلامی با اقدام انقلابی مجلس خبرگان رهبری دکتر علی اکبر ولایتی دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی پیامی خطاب به رهبر انقلاب به شرح ذیل صادر کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیت الله آقای سید مجتبی حسینی خامنه ای دامت برکاته

ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت امام قائدامت، حضرت آیت الله العظمی امام سید علی خامنه ای اعلی الله مقامه و عرض تبریک به مناسبت انتخاب آن جناب به رهبری جمهوری اسلامی ایران، از خداوند تبارک و تعالی سپاسگزاریم که در حساس ترین موقعیت تاریخ اسلام و ایران، به مجلس خبرگان رهبری توفیق عنایت فرمود تا در انتخاب جانشین قائد حکیم و شهیدمان، اقدام نمایند. این انتخاب شایسته، بجا و شجاعانه که با اکثریت قاطع آرای خبرگان محترم ملت صورت گرفته، موجب تسلی خاطر و اطمینان ملت غیور و بزرگ ایران اسلامی گردید. نکته بسیار مهم این است که این انتخاب نه تنها مورد اقبال قاطبه ملت بزرگ ایران قرار گرفت، بلکه پاسخی مناسب و به موقع در جهت خواسته‌ی جهان اسلام و به خصوص جبهه مقاومت اسلامی می باشد و پیروزی مهمی که در این نبرد بین حق و باطل نصیب جمهوری اسلامی شده است، موجب افزایش امید در تربیت یافتگان مکتب امامین انقلاب در کشورهای اسلامی و به ویژه محور مقاومت گردیده است.

اکنون با توجه به شناخت متقابل بین آن جناب و جبهه مقاومت اسلامی، بدین وسیله به عرض می رسد که انتخاب آن حضرت موجب خشنودی و افزایش اعتماد به نفس این جبهه گردیده و بدون تردید ستون های اصلی مقاومت شامل مجاهدین فلسطین، مقاومت اسلامی لبنان، مجاهدین جان برکف عراق، انصارالله یمن و کلیه مسلمانان جهان اعم از سنی و شیعه، با محوریت جمهوری اسلامی به رهبری و مقاومت آن حضرت، با عزمی راسخ به مبارزه خود علیه جبهه باطل ادامه خواهند داد و ان شاء الله جهتگیری این حرکت عظیم که بر اساس پیش بینی و خواست امام شهید حضرت آیت الله سید علی خامنه ای اعلی... مقامه که در ماه رمضان حدود چهار سال قبل در جمع دانشجویان موضوع تشکیل قطب اسلامی را مطرح فرمودند، قطب قدرتمند اسلامی را تشکیل دهیم و در کنار متحدین راهبردی جمهوری اسلامی ایران، روسیه و چین و همچنین همراهی کشورهای اصیل جنبش عدم تعهد همچون آفریقای جنوبی، برزیل و کوبا و...، ان شاء الله در جهت ساختن جهانی عاری از زیاده خواهی های سرمایه داری ورشکسته و فاسد به پیروزی نهایی برسیم.



با توجه به شناخت
متقابل بین آن جناب و
جبهه مقاومت اسلامی،
بدین وسیله به عرض
می رسد که انتخاب
آن حضرت موجب
خشنودی و افزایش
اعتماد به نفس این
جبهه گردیده



پیام دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در بیعت با رهبر جدید انقلاب و عرض تسلیم شهادت رهبر شهید

عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی طی پیامی با تسلیم شهادت حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای تاکید کرد که امام خامنه‌ای «حکیم مجاهد» و «نظریه پرداز میدان» بود و ایشان تا آخرین لحظه، سنگر خدمت، دفتر کار و سجاده عبادت خود را ترک نکرد و خونی که امروز بر زمین ریخت، جوهر سرخ تحقق بیانیه «گام دوم انقلاب» و شتاب دهنده حرکت به سوی «تمدن نوین اسلامی» است. متن این پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ
وَمَا تَبَدَّلُوا تَبْدِيلًا. انا لله وانا اليه راجعون

جهان اسلام و جبهه حق، در سوگ «عقل سرخ» و «تجسس حکمت و فقاہت» نشست. روح بلند و ملکوتی سلاله پاک رسول الله، معمار تمدن نوین اسلامی و دیده بان بیدار انقلاب،

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه)، پس از دهه‌ها مجاهدت خالصانه برای احیای «عقلانیت اسلامی» و استقرار «حیات طیبه»، به خیل کاروان شهیدان پیوست و ردای سرخ شهادت را بر قامت استوار خویش پوشاند. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) تنها یک رهبر سیاسی نبود؛ او «حکیم مجاهد» و «نظریه پرداز میدان» بود. ایشان نظریه متری «نظام انقلابی» را نه در کنج حجره‌ها و کلاس‌های درس، بلکه در خط مقدم نبرد با پیچیده‌ترین فتنه‌های استکبار تبیین کرد. او نشان داد که چگونه می‌توان «صلابت انقلابی» را با «ظرافت دیپلماسی» و «حکمت الهی» در آمیخت و کشتی امت را از میان طوفان‌های سهمگین، با قطب‌نمای بصیرت هدایت کرد. ما در تاریخ پرفراز و نشیب این انقلاب، داغ رؤسای جمهور شهید (شهید رجایی و شهید رئیسی) را دیده بودیم، اما امروز (سیدالشهدای رهبران انقلاب) را تقدیم محضر ولی عصر عجل الله تعالی فرجه کردیم. تاریخ و آیندگان شهادت خواهند داد که در روزگاری که بوق‌های مسموم صهیونیستی و امپراتوری دروغ، ناجوانمردانه دم از پناهگاه و اختفا می‌زدند، این «فرزند خیبر» و «مرد میدان»، تا آخرین لحظه حیات مبارکش، سنگر خدمت، دفتر کار و سجاده عبادت خود را ترک نکرد. او که پناهش «رب العالمین» بود، نیازی به پناهگاه‌های بتنی نداشت. او در قلب تهران و در میانه میدان ماند؛ نه مثل حاکمان بزدل که فرار را بر فرار ترجیح دادند، بلکه همچون جدش حسین بن علی علیه السلام در معرکه ایستاد و با خون خود ثابت کرد که رهبر الهی، در خطر و حادثه، پیشگام‌ترین فرد امت خویش است. شهادت ایشان، «برهان قاطع» و «مهر تاییدی خونین بر حقانیت مسیر انقلاب بود. اگرچه جسم مطهر این «حکیم فرزانه» از میان ما رفت، اما «منظومه فکری» و اندیشه تابناک او به مثابه یک «مکتب زاینده»، در گ‌های تمام «آزادگان جهان» و مستضعفان عالم جاری و ساری خواهد شد. خونی که امروز بر زمین ریخت، جوهر سرخ تحقق بیانیه «گام دوم انقلاب» و شتاب‌دهنده حرکت به سوی «تمدن نوین اسلامی» است. اینجانب این ثلثه عظیم و ضایعه جبران‌ناپذیر را به ساحت مقدس قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه)، مراجع عظام تقلید و ملت شریف و قهرمان پرور ایران تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تبریک از آن رو که فرماندهان به فوز عظیم نائل آمد و نظریه مقاومت را با خون خود امضا کرد. ما شاگردان مکتب این حکیم الهی، هم‌قسم می‌شویم که ذره‌ای از «منظومه فکری» و «آرمان‌های تمدنی» ایشان عقب ننشینیم. پرچی که خمینی کبیر رحمه الله برافراشت و خامنه‌ای عزیز رحمه الله با خون دل و درایت پاسداری کرد، هرگز بر زمین نخواهد ماند و به دست صاحب اصلی اش خواهد رسید.

بیعت دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین، با صدور پیامی ضمن تبریک انتخاب حضرت آیت‌الله سید

مجتبی حسینی خامنه‌ای به‌عنوان رهبر جدید انقلاب اسلامی، این انتخاب را تجلی استمرار سنت الهی ولایت و تضمین‌کننده تداوم منظومه فکری امامین انقلاب دانست و با اعلام بیعت علمی، اعتقادی و عملی خود، تأکید کرد حضور فقیهی جوان، ژرف‌اندیش و آشنا با مبانی فقه حکمرانی و نظام‌سازی دینی در رأس نظام اسلامی، افق‌های تازه‌ای را برای پیشبرد حکمرانی آینده و تحقق آرمان‌های تمدن نوین اسلامی خواهد گشود.

مشروح این پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

اندیشمندان، نخبگان و ملت خردمند ایران اسلامی؛

در منطق توحیدی و حکمت متعالیه اسلام، «ولایت» حقیقتی است که در کالبد زمان جاری است و خورشید هدایت امت، هرگز در محاق خلأ و حیرت فرو نمی‌رود. اقدام عالمانه، متقن و الهام‌یافته مجلس محترم خبرگان رهبری در انتخاب فقیه مجاهد، عالم ژرف‌اندیش و متفکر نواندیش، جناب مستطاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله) به‌عنوان ولی فقیه و سومین رهبر نظام اسلامی، تجلی روشن همین سنت قطعی الهی و مایه سکینه قلوب مؤمنین گردید.

اینجانب به‌عنوان طلبه‌ای که سالیان متمادی از عمر علمی خویش را صرف تتبع، تدوین و واکاوی «منظومه فکری امامین انقلاب» نموده‌ام، از زاویه یک پژوهشگر حوزوی و دانشجویی برای این حقیقت شهادت می‌دهم که مکتب انقلاب اسلامی، یک «هندسه معرفتی» به هم پیوسته است.

حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، با برخورداری از شخصیتی مستقل، اصیل و عمیقاً علمی، پیش و بیش از آنکه فرزند رهبر شهید و عظیم‌الشانمان باشند، شارح، حافظ و وارث حقیقی این هندسه معرفتی و مکتب فکری شمرده می‌شوند.

تلمذ طولانی و مجتهدانه ایشان در عالی‌ترین سطوح فقه و اصول، تسلط کم‌نظیر بر مبانی «فقه حکمرانی» و «نظام‌سازی دینی و انقلابی» و درک عمیق و میدانی از پیچیدگی‌های حکمرانی در جهان معاصر، از ایشان شخصیتی ساخته است که پیونددهنده «حکمت نظری» و «عقلانیت عملی» در اداره جامعه اسلامی است. حضور فقیهی جوان، اما پخته و مجرب در رأس هرم حاکمیت، در حقیقت بزرگ‌ترین تجلی اراده نظام برای تحقق آرمان‌های «بیانیه گام دوم» و دمیدن روح نوآوری در کالبد حکمرانی است.

اشبه‌الناس بودن این عالم وارسته به رهبر شهید عزیزمان — چه در زیست زاهدانه و منش اخلاقی، و چه در شجاعت، صلابت و دشمن‌شناسی — سرمایه‌ای عظیم برای استمرار مسیر تمدن‌سازی است.

لذا در این نقطه عطف تاریخی، ضمن عرض تبریک این انتخاب مبارک به محضر حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه) و ملت بصیر ایران، مراتب بیعت قاطع، اعتقادی و علمی خود را با ولی فقیه زمان، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (مد ظله العالی) اعلام می‌دارم.

عهد می‌بندم که در مسیر اعتلای «حکمرانی فرهنگی و علمی کشور» و در جبهه جهاد تبیین، با تمام بضاعت فکری و اندیشه‌ای، سربازی وفادار در رکاب آن زعیم عالی‌قدر باشم. دوام توفیقات و تأییدات الهی را برای ایشان در مسیر هدایت امت تا طلوع خورشید ولایت عظمی مسئلت دارم.



بیعت چهره‌ها و احزاب سیاسی با رهبر معظم انقلاب

با حمله وحشیانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و شهادت ولی امر مسلمین جهان آیت الله سید علی خامنه‌ای، قائم امت ایران مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر جایگاه والای ولایت فقیه در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اهمیت حیاتی مسئله رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از بررسی‌های دقیق و گسترده و با استناد به اصل ۱۰۸ قانون اساسی، و با التزام به وظیفه شرعی و اعتقاد به حضور در محضر خداوند متعال، در جلسه‌ای فوق العاده، آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رحمته الله علیه را با رأی قاطع نمایندگان، به عنوان سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد.

بر این اساس چهره‌ها و احزاب سیاسی طی پیامی بیعت خود را با رهبر معظم انقلاب اعلام کردند.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: رجاء و ائق داریم در سایه تفضلات حضرت حق، حضرت تعالی با تعهد به آرمان‌های اسلامی و التزام به راه نورانی امامین انقلاب و پشتیبانی ملت غیور، می‌توانید تمام مساعی جمیله‌ی خویش را، در ادای این امانت الهی به احسن وجه انجام دهید و نظام مقدس اسلامی را به اهداف متعالی خود

۱

بیرکت

به مناسبت شهادت قائدامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل دوم



آیت الله شب زنده دار

دارا بودن ارکان تصدی

برای موفقیت یک

عالم، فقاقت،

زهد و نصحیت

(دلسوزی) رکن

است. به طور قاطع

شهادت می دهم که

آیت الله سید مجتبی

خامنه ای هر سه

رکن را دارا هستند؛

ایشان مجمع فضائل

زیادی بوده و در کنار

والدشان از ارکان

جلسات مهم بودند.

برسانید.

۲ جامعه اسلامی مهندسین: در میانه غم و اندوه جانکاه شهادت مظلومانه رهبر حکیم انقلاب اسلامی، شهید امام خامنه ای (قدس سره الشریف) و شهادت تعدادی از فرماندهان رشید اسلام و جنایات بیشرمانه تروریست های آمریکایی و صهیونی در هدف قراردادن ملت شریف ایران و جنایات تلخی چون موشکباران مدرسه شجره طیبه میناب، خبر مسرت بخش انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای توسط مجلس محترم خبرگان به رهبری جمهوری اسلامی ایران، دلپایمان را تسلی داد.

۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام: با عنایت حضرت حق و در سایه توجهات حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام ملت سرافراز ایران، از وجود رهبری فقیه، جامع الشرایط و وارسته، عادل و سیاستمدار برخوردار شد.

۴ جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی ایران: ما با اعتقاد راسخ به اصل ولایت مطلقه فقیه و در تداوم مسیر نورانی امامین انقلاب «رضوان الله تعالی علیهما» نگاه نافذ و حکیمانه ای حضرت عالی را در تمام امور خرد و کلان، فصل الخطاب قلمداد نموده و اعلام می داریم که در فرآیند تحقق فرامین تان، از هیچ کوششی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فروگذار نخواهیم کرد.

۵ دیده بان شفافیت و عدالت: هر چند شهادت امام المسلمین و رهبر عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در جنگ تحمیلی رمضان بدست جانی ترین حاکمان فاسد آمریکا ورژیم صهیونیستی غم جانکاهی را بر قلب ملت ایران، مسلمانان و آزادیخواهان جهان نشان داد اما انتخاب فرزند صالح او توسط مجلس خبرگان در شرایط خطیر جنگ و تهدید خارجی و توطئه برخی جریانات فرصت طلب و منحرف داخلی، دل پر آشوب و غم زده همه را تسلی داد.

۶ حزب آبادگران جوان ایران اسلامی: انتخاب شایسته ایشان غروب دردناک رهبر عزیز و آقای شهیدمان را برای ملت ایران و امت اسلامی تحمل پذیر ساخت و دل رنج دیده امت اسلامی را تسکین بخشید.

۷ خانه احزاب ایران با تبریک انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای بعنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران، اطمینان دارد این انتخاب حکیمانه، استمرار مسیر انقلاب، عزت ملی و اقتدار نظام اسلامی را تضمین خواهد کرد.

۸ بنیاد ملی عفاف و حجاب: در اوج تلاطم طوفان ها و داغی که از رفتن رهبر شهیدمان بر قلبمان سنگینی می کند و شرارتی که آتش افروزان و جنگ طلبان جزیره اپستین بر منطقه تحمیل کرده اند، دست عنایت خداوند از ید با کفایت خیرگان رهبری در غدیری دیگر، طلوع خورشیدی از سلاله پاکان را به تمام دلسوختگان از هجران امام شهید نوید داد

۹ جمعیت حامیان انقلاب اسلامی: با افتخار و سرور تمام انتخاب حضرت آیت الله آقا سید مجتبی حسینی خامنه ای مدظله العالی را به عنوان سومین رهبر گرانقدر انقلاب اسلامی، در آغوش کشیده و با تمام وجود با این خلف صالح و شایسته و شجاع خمینی ره و خامنه ای عزیز بیعت می کند.

۱۰ جمعیت جانبازان انقلاب اسلامی: ایران اسلامی، سحرگاه ۱۸ اسفند در فضای ملکوتی نخستین شب قدر ماه مبارک رمضان، در فضای نجاکنندگان جوشن کبیر با اعلام خبر منتشره خبرگان حال و حیاتی دوباره یافت، امامت و رهبری حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای دل ها و محافل را سرشار از بهجت، نور و سرور کرد.

۱۱ بیش از ۳ هزار نفر از هنرمندان متعهد و انقلابی: اکنون که صدای چکاچاک شمشیرها در نبرد تاریخ ساز حق و باطل به اوج رسیده، داغ سنگین رهبر شهیدمان که بزرگ پرچمدار ایران و اسلام بود دل ها را مجروح ساخته و چاوش پیروزی ایران عزیز بر فرعون های زمان گوش ها را می نوازد، مزده اعطای لوای قدسی و الهی رهبری و ولایت فقیه بر قامت شما جان رفته را به کالبد مردم ایران و مسلمانان جهان بازگرداند.

۱۲ شورای عالی حوزه های علمیه: این انتخاب در شرایطی حساس و در میانه تهدیدات سنگین دشمنان قسم خورده اسلام و ایران از آمریکای جنایتکار و رژیم نامشروع صهیونیستی صورت پذیرفت که نمایندگان خبرگان، با شجاعت و بدون توجه به فشارها و توطئه های استکبار جهانی و بمباران متعدد مراکز مرتبط با مجلس خبرگان رهبری در تهران و قم، به وظیفه شرعی و ملی خود طبق اصول قانون اساسی عمل کردند.

۱۳ انجمن قلم ایران: هنگامی که زمانه، در سوگ فقدان غمبار رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله العظمی حسینی خامنه ای علیه السلام، به قبض گرفتار آمده بود، در پرتو عنایات حضرت حق، از دل تاریکی، ماهی تابان (آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای) آسمان تیره شب زده را روشن ساخت.

۱۴ انجمن صنفی مدیران رسانه: از درگاه خداوند متعال، علو درجات برای رهبر شهید، سربلندی و توفیقات روزافزون رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله سید



بیش از ۳ هزار نفر از

هنرمندان متعهد و

انقلابی: اکنون که

صدای چکاچاک

شمشیرها در نبرد

تاریخ ساز حق و باطل به

اوج رسیده



مجتبی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، و تعجیل در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم را مسئلت می‌نماییم.

۱۵ حزب آزادی: در این شرایط دشوار و خطیر که کشور عزیزمان ایران اسلامی در مقابل تجاوزات وحشیانه آمریکای جنایتکار و رژیم خون‌آشام صهیونی قرار گرفته است از درگاه خداوند قادر متعال مسئلت داریم جنابعالی در راهبری نظام و حفظ انسجام و اقتدار ملی و تمامیت ارضی کشور، توفیق روزافزون عنایت فرماید.

۱۶ اعضای شورای انقلاب فرهنگی: اکنون در آستانه پایان گرفتن سال ۱۴۰۴ که ملت قهرمان و همیشه در صحنه ایران اسلامی، یکی از ماندگارترین روزها و تاریخی‌ترین لحظات انقلاب شکوهمند اسلامی خود را تجربه می‌کند، بار دیگر عظمت و شکوه نظام مقدس جمهوری اسلامی در تداوم مسیر ولایت و امامت بیش از پیش در برابر چشمان جهانیان آشکار گشت

۱۷ بیش از ۲۲۰ نفر از اهالی رسانه، اصحاب قلم و فعالان عرصه اطلاع‌رسانی کشور: انتخاب خردمندان و به موقع مجلس خبرگان رهبری، ضمن ترمیم خلأ ناشی از فقدان رهبر حکیم انقلاب، امیدوار دل‌های امت اسلامی زنده کرد.

۱۸ بنیاد سعدی: انتخاب حضرت‌عالی از جانب مجلس خبرگان، به زعامت و رهبری ملت رشید ایران و پذیرش این مسئولیت خطیر در این مرحله سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، بدون تردید نویدبخش آینده‌ای روشن برای این مرز و بوم و امت مسلمان است.

۱۹ علی‌کیهانیان دبیرکل جمعیت حامیان انقلاب اسلامی: در شرایطی که ستون پنجم همراه جریان متخاصم فعال هستند مجلس خبرگان رهبری با شجاعت و مقتدرانه نسبت به معرفی جانشین رهبر شهید انقلاب اقدام کرد.

محمد حسین شفیعی‌ها دبیر ائتلاف بزرگ پیروان ولایت: چنین استنباط می‌شود که تعیین رهبری جدید ما که مبتنی بر قانون اساسی کشور انجام شد و استقامت و پایداری مردم عزیز در این جنگ تحمیلی ویرانگر آمریکا و اسرائیل بدنیا بار دیگر شجاعت و عظمت ایران و مردمش را ثابت کرد و بی شک این مقاومت و استقلال خواهی مجدداً موجی را در کشورها راه خواهد انداخت و بساط حکومت‌های وابسته را تهدید خواهد کرد.

۲۰

محمد علی امانی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی: ما به بیعتی که با امام علیه السلام بستیم، پایبند بودیم و تمام توان خود را برای آن گذاشتیم. پس از رحلت حضرت امام علیه السلام، همین مبنا و مشی را در پیش گرفتیم و در محضر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بودیم. امروز نیز در سال ۱۴۰۴، با توجه به شرایط پیش آمده، با همان اصول و آرمان‌ها، در محضر امام جوانان، حضرت آیت‌الله حاج سید مجتبی خامنه‌ای، با همان ظرفیت و اقتدار در خدمتشان هستیم.

۲۱

حجت الاسلام والمسلمین سید علی خمینی: انتخاب حضرت‌تعالی به عنوان سومین قائد انقلاب و رهبر جمهوری اسلامی ایران، در این برهه حساس، محکم‌ترین سلی بر صورت مستکبران عالم بود.

۲۲

محمد مخبر مشاور و دستیار رهبر شهید انقلاب: انتخاب مجلس خبرگان رهبری تصدیق جامعی بر دارا بودن شرایط و تسلط آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به علوم اصول، فقه، فلسفه، تفسیر و علوم دیگر است.

۲۳

سید پرویز فتاح، رئیس ستاد اجرایی فرمان امام: بی تردید این مسئولیت خطیر، ادامه مسیر نورانی رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای (رضوان‌الله تعالی علیه) و صیانت از میراث عظیم جهاد، مقاومت، عزت و استقلالی است که ایشان برای ملت بزرگ ایران و امت اسلامی به یادگار نهادند.

۲۴

محمود احمدی نژاد: حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای انتخاب حضرت‌تعالی توسط اعضاء محترم مجلس خبرگان به مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران را تبریک گفته و مزید توفیقات آن جناب را از خداوند منان مسئلت دارم.

۲۵

علی لاریجانی نماینده رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی: انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر، دشمنان عنود و جنگ طلب را مأیوس و ملت حق طلب و حق شناس ایران را امیدوار ساخت.

۲۶



حجت الاسلام و
المسلمین سید علی
خمینی: انتخاب
حضرت‌تعالی به عنوان
سومین قائد انقلاب و
رهبر جمهوری اسلامی
ایران، در این برهه
حساس، محکم‌ترین
سلی بر صورت
مستکبران عالم بود.

علیرضا زاکانی شهردار تهران: انتخاب الهی حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (دام ظلّه العالی) به رهبری امت توسط خبرگان شجاع و آگاه ملت، مرهمی آرامش بخش و روح افزا بر زخم فراق و استمرار راه امام راحل و رهبر شهید است؛ رهبری مؤمن، فقیه، انقلابی، شجاع، دشمن شناس، ساده زیست و در یک کلام شبیه ترین به امام شهید.

۲۷

حجت الاسلام والمسلمین احمد رضا عابدی، رئیس دیوان عدالت اداری: سپاس بیکران خداوندی را که در این بحران اندوه، مشیتش، هدایت غیبی را بر ما ارزانی داشت و در دل تاریکی فقدان، نوری دیگر تابیدن گرفت.

۲۸

مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران: بدون شک، سوابق علمی، شجاعت، بصیرت، تدبیر و اشراف حضرتعالی بر مسائل راهبردی کشور، پشتوانه‌ای عظیم برای استمرار مسیر عزت و اقتداری است که امامین انقلاب بنیان نهاده‌اند.

۲۹

سعید جلیلی عضو شورای عالی امنیت ملی: بار دیگر دشمنان اسلام و ایران مایوس شدند و خبرگان ملت وظیفه دینی و قانونی خود را در حساس ترین شرایط به بهترین شکل با انتخاب آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله) انجام دادند

۳۰

الیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت و دبیرکل حزب «همبستگی ایران اسلامی» طی پیامی به مناسبت انتخاب حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای گفت: «امروز بعد از انتشار انتخاب خبرگان و معرفی سومین رهبر انقلاب آقا مجتبی خامنه‌ای و ظهور جلوه وفاق و انسجام ملی، یکی از تاریخی ترین صحنه‌های جنگ رقم خورد که مهمترین فرق ما با دشمن آمریکایی. صهیونی است؛ مردم بدون هراس از موشک و جنگنده‌ها پیام بیعت سر دادند.»

۳۱

«جبهه تحول خواهان انقلاب اسلامی» طی بیانیه‌ای ضمن تبریک انتخاب حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی این انتخاب مدبرانه را مایه امید، ثبات و انسجام بیش از پیش ملت با بصیرت ایران اسلامی دانست و افزود: «خدا را شاکریم که در این لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، مجلس شجاع و محترم خبرگان رهبری با انتخاب مدبرانه و هوشمندانه‌ی خود و سپردن پرچم هدایت به دستان باکفایت حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله)، مایه امید، ثبات و انسجام بیش از پیش ملت با بصیرت ایران اسلامی گردید.»

۳۲

«حزب ندای ایرانیان» با صدور پیامی ضمن تبریک به رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «انتخاب آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای با رأی قاطع مجلس خبرگان رهبری به عنوان رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران، نشان داد با ظرفیت‌های قانون اساسی هیچ بن بست‌ی در ادامه مسیر پرفراز و نشیب کشور وجود ندارد و ایران همچنان مصمم و راسخ، ایستاده و مسیر پیش روی ایرانیان، روشن و امیدبخش است.»

۳۳



«علی مطهری» فعال سیاسی در پیامی درباره انتخاب آیت الله مجتبی خامنه ای به عنوان سومین رهبری نظام اسلامی نوشت: «در شرایط امروز که تمام کفر در مقابل تمام اسلام قرار گرفته و به ایران هجوم آورده و قصد تجزیه آن را دارند، انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای به عنوان جانشین امام شهید ما توسط مجلس خبرگان رهبری، خونی تازه بر پیکر جامعه و نیروهای مسلح ما تزریق کرد تا ملت ایران با قدرت بیشتر و اراده قوی تر پوزه ترامپ قمارباز و فاسد و نتانیا هوی خونخوار را به خاک بمالند و نقطه عطفی را در تاریخ خاورمیانه برای آغاز انقراض کشور جعلی اسرائیل و ظهور قطب اسلامی در جهان پدید آورند.»

۳۴

«حجت الاسلام و المسلمین سید یاسر خمینی» با انتشار پیامی به مناسبت انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد: «توفیق رهبر انقلاب در رهبری نظام و تقویت وحدت و انسجام ملی و رفع تمام مشکلات را از خداوند متعال خواستارم.»

۳۵

خانواده آیت الله هاشمی رفسنجانی طی پیامی ضمن محکوم کردن حملات رذیلانه و ددمنشانه آمریکایی- صهیونیستی، و تسلیت شهادت حضرت آیت الله خامنه ای و همه شهدای جنگ تحمیلی اخیر، انتخاب حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای به عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران توسط مجلس خبرگان رهبری را تبریک گفتند.

۳۶



«حجت الاسلام و
المسلمین سید یاسر
خمینی» با انتشار پیامی
به مناسبت انتخاب
آیت الله سید مجتبی
خامنه ای به عنوان رهبر
جمهوری اسلامی ایران
تاکید کرد: «توفیق
رهبر انقلاب در رهبری
نظام و تقویت وحدت و
انسجام ملی و رفع تمام
مشکلات را از خداوند
متعال خواستارم.»

۳۷

ناطق نوری، در پیامی ضمن تسلیت شهادت رهبر شهید انقلاب، انتخاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای توسط مجلس خبرگان به عنوان سومین رهبر نظام اسلامی ایران را تبریک گفت و افزود: «۳۸ - در این روزهای دشوار، که ایران عزیز، مظلومانه و شجاعانه در برابر دشمنان قسم خورده خود، همچون کوه استوار ایستاده است، و مردم سرافراز ایران، هوشمندانه و خالصانه، صفحاتی نورانی از شور و حماسه را در تاریخ این مرز و بوم خلق می‌کنند، از خدای متعال برای حضرت مستطاب عالی، در جهت راهبری کشور به سوی توسعه و اصلاح امور آن در سایه وحدت ملی، توفیق الهی مستلث دارم.»

۳۸

محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور در تماس تلفنی با استانداران برخی استان‌ها تأکید کرد: «حضور مردم در خیابان‌ها برای سوگواری رهبر شهید انقلاب، بیعت با آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای و محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی و آمریکا نشان می‌دهد ملت ایران در بزنگاه‌های تاریخی هوشیارانه در صحنه‌اند. وی همچنین با تأکید بر اهمیت حضور مردم در خیابان‌ها در این روزها و شب‌ها، از استانداران خواست با تمام ظرفیت از تجمعات مردمی بیعت حمایت کنند، چرا که حضور آگاهانه مردم همواره پشتوانه اصلی امنیت و اقتدار ایران بوده است.»

۳۹

محسن اسماعیلی معاون راهبردی و امور مجلس رئیس جمهور ضمن حضور در راهپیمایی روز جهانی قدس خاطر نشان کرد: «این دفاع ملی در برابر تجاوز نظامی و شناختی دشمن در حقیقت جنگ اثبات حقانیت انقلاب اسلامی است و امروز با آن که ملت ایران داغدار شهادت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی هستند، با حضور شکوهمند خود با آرمان‌های انقلاب اسلامی و سومین رهبر انقلاب اسلامی تجدید بیعت کردند و موجبات ناامیدی سردمداران جنایت پیشه آمریکا و رژیم کودک‌کش تل‌آویو را فراهم کردند.»

۴۰

سعید محمد دبیرکل «جبهه همدلی ملی ایرانیان» با صدور پیامی ضمن تبریک انتخاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید انقلاب اسلامی گفت: «اینجانب ضمن تبریک این رخداد بزرگ و مبارک به ملت شریف و انقلابی ایران، بیعت و تبعیت خویش با رهبری فرزانه حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای را اعلام نموده و همان‌گونه که پیروی از امامین انقلاب اسلامی را وظیفه الهی می‌دانستم، پیروی از منویات و رهنمودهای رهبر معظم جدید انقلاب را نیز تکلیف شرعی و انقلابی خود می‌دانم.»

۴۱

«خانه کارگر» ضمن صدور بیانیه‌ای در مورد انتخاب سومین رهبر انقلاب اسلامی عنوان کرد: «با قلبی سرشار از امید و تجدید عهد، خبر انتخاب حکیمانه آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای مدظله‌العالی به جانشینی مقام معظم رهبری را که خجسته‌ترین خبر برای همه آزادگان و انقلابیون ایران عزیز است با خرسندی فراوان استقبال کردیم. ضمن عرض تبریک به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ملت بصیر و رشید ایران و مسلمین جهان بایستی اذعان کرد این انتصاب، هبه‌ای ارزشمند از سوی خداوند متعال و تجلی اراده الهی در هدایت و رهبری امت شریف ایران است.»

۴۲

سید محمد اتابک وزیر صمت با صدور پیامی ضمن تبریک انتخاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی انتخاب معظم‌له به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی را

مهر اطمینان و تضمینی بر استمرار راه ناورانی انقلاب اسلامی و تداوم مسیر عزت، استقلال و پیشرفت ملت ایران برشمرد.

محمدجعفر قائم پناه معاون اجرایی رئیس جمهور ضمن حضور در راهپیمایی عظیم روز جهانی قدس عنوان کرد: «ملت ما در این روزها و شب‌های سرنوشت‌ساز، شعار استقلال و عزت را نه فقط با زبان، بلکه با تمام وجود و روحشان فریاد می‌زنند. بیعت مردم با رهبر سوم انقلاب موجبات ناامیدی آمریکا و رژیم تل‌آویو شد.»

۴۳

«حزب کارگزاران سازندگی» در پیامی خطاب به آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای نوشت: «امید است در شرایط سخت امروز که سایه منحوس جنگ و جنایت بر سر ملت ما آوار شده و زندگی مردم را دچار آسیب‌های جدی کرده است، حضور جنابعالی در این جایگاه، موجب تجمیع توان همه نیروهای ملی و مدنی، زمینه برون‌رفت هرچه سریع‌تر از بحران‌ها و مخاطرات پیش‌رو و هدایت کشور به سمت توسعه و رضایتمندی گسترده اجتماعی و استقرار امنیت پایدار و ارتقاء منزلت جهانی ایران گردد.»

۴۴

محمود واعظی قائم مقام «حزب اعتدال و توسعه» پیام تبریکی خطاب به سومین رهبر انقلاب اسلامی منتشر کرد و عنوان نمود: «انتخاب شایسته رهبر در این شرایط خطیر و حساس می‌تواند پشتوانه‌ای مهم برای هدایت مدبرانه نظام، صیانت از منافع ملی و پیشبرد اهداف متعالی ملت بزرگ ایران باشد.»

۴۵

عبدالرضا رحمانی فضلی فعال سیاسی اصلاح طلب و سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین با صدور پیامی خطاب به سومین رهبر انقلاب اسلامی ضمن بیعت با معظم له افزود: «بی‌تردید سوابق علمی، تقوای مثال‌زدنی، شناخت عمیق از مبانی انقلاب اسلامی و سال‌ها حضور در متن تحولات نظام، سرمایه‌ای ارزشمند برای ادامه مسیر ناورانی انقلاب و صیانت از آرمان‌های بلند امام راحل و رهبر شهیدمان خواهد بود.»

۴۶

مصطفی کواکبیان دبیرکل «حزب مردم سالاری» طی پیامی ضمن اشاره به انتخاب سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران توسط مجلس خبرگان رهبری، این تصمیم را حاصل درایت و سرعت عمل این مجلس دانست.

۴۷

ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (امنا) و حزب عدالت طلبان ایران اسلامی سیاسی طی پیامی بیعت خود را با رهبر معظم انقلاب اعلام کردند.

۴۸



ائتلاف مردمی نیروهای
انقلاب اسلامی (امنا)
و حزب عدالت طلبان
ایران اسلامی سیاسی
طی پیامی بیعت خود
را با رهبر معظم انقلاب
اعلام کردند.



پیام تسلیت وزیر علوم به بیت رهبر شهید انقلاب

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در پیامی، شهادت رهبر معظم انقلاب را به بیت ایشان تسلیت گفت.

حسین سیمایی در پیام تسلیت خود به بیت مکرم رهبر شهید انقلاب نوشت:
«برادران مگرم، حضرات آیات و حجج اسلام آقایان سید مصطفی، سید مجتبی، سید مسعود و سید میثم حسینی خامنه‌ای»

سَلَامٌ عَلَیْكُمْ یَمَا صَبْرْتُمْ

شهادت پر افتخار والد معظم، رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی شهید سید علی خامنه‌ای (اعلی الله مقامه)، والده مومنه و صابره، همسر مکرمه جناب آیت‌الله حاج سید مجتبی، داماد محترم و نوه دردانه را به محضر بافضیلتان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم.

بی‌تردید داغ فقدان آن رهبر شجاع با خصال ممتاز، سرد شدنی نیست؛ به ویژه آنکه تازه شود با غمی دگر.

از خداوند متعال برای شهدای بزرگوار بیت رفیع شهید خامنه‌ای، رحمت و اسعه الهی، حشر با شهدای صدر اسلام، و همنشینی با سالار شهیدان ﷺ و برای شما اخوان معظم که خلف صالح آن شهید سرافراز هستید و سایر بازماندگان، صبر جمیل و اجر جزیل خواهانم.

«إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

پیام رییس دانشگاه آزاد اسلامی در معرفی سومین رهبر انقلاب اسلامی

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در پیامی با تبریک انتخاب حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی توسط مجلس خبرگان رهبری، این انتخاب را «مرهمی آرامش بخش بر دل‌های عزادار» ملت ایران خواند و بر تبعیت از ایشان به عنوان «وظیفه واجب قطعی شرعی و ملی» تأکید کرد.



بیژن رنجبر

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی

مشروح بیژن رنجبر رئیس دانشگاه آزاد اسلامی را در ادامه بخوانید:

باسمه تعالی

خدای راسپاس که ملت شریف ایران را شایسته بهره‌مندی از حکومت مشروع دینی قرار داد و پرچم نظام جمهوری اسلامی، این یادگار بی‌بدیل حضرت امام خمینی رحمته الله علیه را در سرزمین مردمان غیرتمند ایرانی برافراشت.

شکر ملت ایران در قبال این نعمت عظیم باعث امتداد آن به دست حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای رحمته الله علیه شد.

اکنون سرخی خون آن شهید سعید چراغ راه آینده ملت غیور ایران است. ملتی که شهید عزیزمان در آخرین توصیفات خویش به درستی اشاره کرد که آنان درس‌های شیعه‌گری خود را خوب می‌دانند. خدای راسپاس که خبرگان منتخب ملت با انتخابی دقیق و شایسته حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رحمته الله علیه را به عنوان ولی فقیه کشف کرده و آن را چون مرهمی آرامش بخش بر دل‌های عزادار پیر سفر کرده ملت ایران قرار داد.

ملت ایران امروز از نعمت رهبری مؤمن، انقلابی، مردمی، شجاع، مدیر و مدبر، آگاه به زمان، دشمن شناس و ساده‌زیست برخوردار شده است.

به عنوان بخش بزرگی از جامعه دانشگاهی اعلام می‌کنیم در ادامه مسیر با استعانت از خدای متعال در همراهی و تبعیت از این ولی فقیه زمان، تفاوتی بین معظم له با امام خمینی عزیز و امام خامنه‌ای شهید قائل نیستیم و این تبعیت را وظیفه واجب قطعی شرعی و ملی و در راستای درس‌های شیعه‌گری خود می‌دانیم.

از خداوند متعال برای خویش توفیق تبعیت از حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رحمته الله علیه و برای ایشان عافیت و طول عمر با عزت می‌طلبیم.



خدای راسپاس که

خبرگان منتخب ملت

با انتخابی دقیق و

شایسته حضرت آیت

الله سید مجتبی

حسینی خامنه‌ای رحمته الله علیه

را به عنوان ولی فقیه

کشف کرده و آن را چون

مرهمی آرامش بخش بر

دل‌های عزادار پیر سفر

کرده ملت ایران قرار داد.

پیام وزیران علوم ادوار در پی شهادت رهبر فقید انقلاب اسلامی

بیانیه وزیران علوم ادوار جمهوری اسلامی ایران در پی شهادت رهبر فقید انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت بزرگ ایران،

ما، وزیران علوم ادوار جمهوری اسلامی ایران، با اندوهی عمیق و قلبی آکنده از تأثر، شهادت رهبر فقید انقلاب حضرت آیت العظمی خامنه‌ای قدس سره و جمعی از هم‌میهنان عزیزمان به ویژه دختران عزیز مینابی در پی حمله تجاوزکارانه به سرزمین ایران را تسلیت می‌گوییم و این اقدام که آشکارا مغایر با اصول انسانی و نقض صریح حقوق بین‌الملل و نیز حقوق بین‌المللی جنگ است را با قاطعیت محکوم می‌کنیم.

تهاجم به ایران، تنها حمله به یک جغرافیا نیست؛ حمله به تاریخ و تمدنی است که با دانش، فرهنگ، ایثار و کوشش نسل‌های پی‌درپی این ملت ساخته شده است. دستاوردهای ایران، حاصل رنج‌ها و مجاهدت‌های میلیون‌ها شهروند و ثمره دهه‌ها تلاش متخصصان، استادان، دانشجویان و فرزندان برخاسته از دانشگاه‌های این سرزمین است؛ کشوری که با علم بنا شده و با عقلانیت باید از آن پاسداری شود.

ما بر ضرورت حراست از تمامیت ارضی کشور و صیانت از جان تک‌تک شهروندان ایرانی تأکید می‌کنیم. هیچ هدفی بالاتر از حفظ ایران و امنیت مردم آن نیست و هیچ اختلافی نباید ما را از این مسئولیت سرنوشت‌ساز غافل سازد. امروز بیش از هر زمان دیگر، ایران نیازمند انسجام اجتماعی، همبستگی ملی و پرهیز از هرگونه تفرقه است.

دانشگاه همواره کانون خرد جمعی، گفت‌وگو و همگرایی بوده و خواهد بود و جامعه علمی کشور وظیفه خود می‌داند که در این بزنگاه، در کنار ملت و برای ایران بایستد.

ایران را با علم ساخته‌ایم، با رنج و تلاش حفظ کرده‌ایم و اگر ویرانی بر آن تحمیل شود، آن را دوباره با اراده ملی و توان فرزندان این سرزمین خواهیم ساخت. آینده ایران نه در ویرانی، که در بازسازی، نه در کینه، که در همدلی، و نه در تفرقه، که در وحدت رقم خواهد خورد.

ما همه را به حفظ آرامش، تقویت سرمایه اجتماعی و گردآمدن زیر نام بلند «ایران» فرامی‌خوانیم؛ نامی که فراتر از گرایش‌ها و تفاوت‌ها، خانه مشترک همه ماست. خداوند، ایران، خانه ما و نیاکان و نسل‌های آینده ما را از هر شری حفظ کند!

وزیران علوم ادوار جمهوری اسلامی ایران

حسن عارفی، محمد مهدی فرهادی، سید محمد رضا هاشمی گلپایگانی، محمد مهدی زاهدی، کامران دانشجو،

رضا فرجی دانا، منصور غلامی، محمد علی زلفی گل، حسین سیمایی



بیعت فرزندان شهدا بارهبر معظم انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز که در وادی عشاق؛ خورشید فروزان ولایت در آسمان فقاقت و رهبری امت اسلام به فوز عظیم شهادت نائل آمده اند و جهان اسلام در غم فراق پیشوای خود فرورفته است، با قلبی آکنده از اندوه شهادت رهبر کبیر و اسوه مقاومت، حضرت امام سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه)، که میراث‌دار اصیل مکتب امام راحل (قدس سره) بودند و با اعتقاد راسخ به ادامه‌ی مسیر عزت‌مندانه انقلاب اسلامی، ما فرزندان شهدایی که شمع محفل هستی خویش را در راه صیانت از این نظام مقدس تقدیم نموده‌ایم، با استناد به اصل مترقی ولایت فقیه و بر اساس حکم نافذ مجلس خبرگان رهبری، انتخاب شایسته حضرت آیت الله العظمی سید مجتبی خامنه‌ای را محضر حضرت ولی الله الاعظم (عج الله تعالی فرجه الشریف)، عموم مسلمانان جهان، مردم غیور ایران، علما و مراجع عظام تقلید؛ تبریک عرض می‌نمائیم.

جایگاه رفیع رهبری انقلاب اسلامی، بر اساس قواعد محکم شرعی و نظارت دقیق نهاد منتخب ملت برقرار گردیده است. این منصب، مبتنی بر احراز کامل و قاطع شرایطی

برسکت

به مناسبت شهادت قائدامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل اول



ما فرزندان شهدا با

استناد به اصول

انقلاب و قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران؛

با پیروی از سیره نورانی

امام راحل (قدس سره)

ومیراث گرانبهای شهید

عالی مقام، آیت الله امام

سید علی خامنه ای

(رضوان الله تعالی

علیه)، بیعت خود را با

حضرت آیت الله العظمی

سید مجتبی خامنه ای

به عنوان "ولی فقیه"،

"ولی امر مسلمین

جهان" و "فرمانده کل

قوا" اعلام می داریم.

چون علمیت فقهی، عدالت، تدبیر سیاسی و شجاعت لازم برای هدایت جامعه در خط مقدم مقابله با جبهه کفر و نفاق است. خبرگان رهبری، به عنوان عالی ترین مرجع تشخیص صلاحیت، با بررسی موشکافانه تمام جوانب، نظر قاطع خود را بر شایستگی ذاتی و اکتسابی حضرت آیت الله العظمی سید مجتبی خامنه ای (دامت برکاته) برای ایفای این نقش حیاتی بیان نموده اند.

ما فرزندان شهدا با استناد به اصول انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ با پیروی از سیره نورانی امام راحل (قدس سره) و میراث گرانبهای شهید عالی مقام، آیت الله امام سید علی خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه)، بیعت خود را با حضرت آیت الله العظمی سید مجتبی خامنه ای به عنوان "ولی فقیه"، "ولی امر مسلمین جهان" و "فرمانده کل قوا" اعلام می داریم.

ما فرزندان شهدا با تبعیت کامل از اوامر ولی امر جدید، اعلام می داریم که با همان شور و اشتیاقی که پدرانمان در برابر دشمن ایستادند، امروز در برابر فتنه های داخلی و خارجی ایستاده و مطیع رهبری جدید بوده و از آرمان های انقلاب و امام شهیدمان با تمام قوا پاسداری خواهیم کرد. این بیعت، تکرار عهد خونین پدران ما با آرمان های اسلام ناب محمدی (ص) و مبانی نظری انقلاب اسلامی است.

از ذات اقدس باری تعالی مسئلت داریم که به برکت خون شهدا، سایه رهبری مقام عظمای ولایت را مستدام بدارد.

برخی از اسامی امضاکنندگان به شرح زیر است:

- ریحانه سادات رئیس السادات (فرزند شهید رئیسی) - زینب سلیمانی - مهدی چمران - محمد مهدی همت - وهب همدانی - علی کشوری - سمیه بروجردی - مهرداد بذریاش - محدثه نجفی رستگار - سید ناصر نامجو - سید محسن اندرزگو - سید سلمان جهان آرا - سید سجاد رحیم صفوی - سید محمد صادق موسوی - سید شهاب الدین حداد عادل - روح الله سلگی - مهدی فخری زاده - علی ایرلو - علی ساجدی - محمد کلانتری - فرزندان شهید شوشتری - رضا شفیع خانی - مرتضی نظر نژاد - محمد علی پورجعفری - مهدی محمد باقری - فرزندان شهید کاظمی - لیلیا زین الدین - خانواده شهید صنیع خانی - همسر شهید مهدی باقری - خانواده شهید حاجی زاده - خانواده شهید برونسی - خانواده شهید سلامی - خانواده شهید دستواره - خانواده شهید رضایی نژاد - خانواده شهید طهرانی مقدم -

خانواده شهید احمدی - داوود کریمی روشن - محمد رضا طهرانچی - خانواده شهید فریدون عباسی - مجتبی نوروزی - روح اله اکبری
خانواده شهید دقایقی - خانواده شهید صیاد شیرازی - خانواده شهید خرازی - همسر شهید چیت ساریان - خانواده شهید محمود کاوه
مادر شهید مهدی ربانی - خانواده شهید باقری - خانواده شهید طوسی

«قائد امت؛ فدای اسلام و ایران تا بیداری جهان اسلام»

علی منتظری رئیس جهاد دانشگاهی در پیامی شهادت مظلومانه رهبر فرزانه انقلاب، امام سیدعلی خامنه‌ای را داغی ستیغ بر دل امت اسلامی دانست و گفت؛ اما میراث ماندگار ایشان در اعتلای ایران و پاسداری از راه امام راحل علیه السلام، چراغ راه آزادگان جهان باقی خواهد ماند. مشروح این پیام در ادامه آماده است:

شهادت قائد امت و رهبر فرزانه انقلاب امام سیدعلی خامنه‌ای غمی جانسوز و جانکاه بر دلها نشاند. او را مظلومانه شهید کردند، اما چه باک که او با انتخاب مرگی سرخ ایران و جهان را بیدار کرد. او خود را فدای اسلام و ایران کرد تا نشان دهد چه شیرمردانی رفته‌اند تا ایران و اسلام جاوید بماند. او با انتخاب آگاهانه و هوشمندانه خویش رفت تا امت اسلامی را احیا و تشت رسوایی هرزگان و وطن فروشان را عیان کند.

رهبر عزیز ما مظلومانه شهید شد، اما چه باک که مردانه ایستاد و سرافراز چون سرو در مقابل دشمن زبون سرسوزنی کوتاه نیامد تا میراث گرانقدر امام راحل عظیم الشان را با تمام وجودش حفظ نماید. داغ شهیدان وطن را به جان خرید، اما نگذاشت ذره‌ای از ایمان مردم و ایران عزیز آسیب ببیند. می‌گفت از ایران بخوان. او مظهر شجاعت و اقتدار ملت و زندگی سراسر پربارش نمونه یک رهبر وفادار بود. او را مظلومانه شهید کردند اما چه باک که میراث او سالیان سال توشه راه مردم آزاده ایران و جهان اسلام خواهد بود. رهبر شهید ما در دوران زعامت خود در کنار همه زحماتی که برای اعتلای ایران کشید در میراث برجسته برای ما به یادگار گذاشت. اولین اینکه با تمام وجودش در حفظ راه و خط امام راحل کوشید تا انقلاب دچار انحراف و گم کردن راه نشود. چون باغبانی دلسوز همیشه مراقب بود مبادا راه نورانی امام فراموشی و یا دچار دگردیسی شود. در این راه اگرچه تنها بود اما علی وار ایستاد و جانفش خویش را فدا کرد. دوم اینکه او مولفه‌های عزت ایران قوی را نشان داد و برای آن از هیچ کوششی فرو نگذاشت. او اقتدار علمی و اقتدار دفاعی ایران را چنان معماری کرد که خیزشی بزرگ را در گسترش علم و تواناییهای دفاعی رقم زد. او قله‌ها را نشان داد و ضمن اشاره به پاره‌ای از کاستی‌ها و سوء مدیریت‌ها، اما جوانان و پژوهشگران و دانشمندان کشور را بسیج کرد و اجازه نداد کاستی‌ها مانع راه پر فروغ انقلاب شود. همه را به پیش خواند و خود نیز در پیش نورافشانی کرد. تجربه ما در جهاد دانشگاهی یک نمونه از ده‌ها و صدها نمونه بی نظیر و یا کم نظیر از دستاوردهای بزرگ دوران رهبری این رهبر فرزانه و حکیم است.

... و اکنون ما مانده ایم و فراغ او. حتی هنوز فرصت نیافته ایم که در سوگش جانانه مویه کنیم و بگرییم. ای کاش می‌شد دوباره فقط برای لحظه‌ای او را در حسینیه دلها می‌دیدیم و می‌گفتیم ای آقای ما هر روز بیشتر از روز گذشته دلتنگ شما و صدای دلنشین شما هستیم. می‌گفتیم ای رهبر عزیز دست ما را بگیر و ما را تنها مگذار. امروز آقا سید مجتبی‌ای شما به شایستگی علمدار ما شده است. او را یاری کن. ما هم قول می‌دهیم در کنار رهبر عالیقدر خود باشیم و راه نورانی شما را تحت زعامت ایشان ادامه دهیم.

جهاد دانشگاهی

علی منتظری ۲۶ اسفند ۱۴۰۴



تبریک سید حسن خمینی به رهبر معظم انقلاب



سید حسن خمینی

یادگار امام با صدور پیامی، انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران را به وی تبریک گفت.

متن پیام سید حسن خمینی بدین شرح است:

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای سید مجتبی خامنه ای (دامت برکاته)

ضمن عرض تسلیت شهادت والد ماجدتان که اسوه جهاد و شهادت بود و هنوز دل‌های همه ما داغدار آن وجود شریف است، انتخاب جنابعالی را به عنوان رهبری جمهوری اسلامی تبریک عرض می‌نمایم.

بی تردید خدای متعال نصر و پیروزی وعده داده شده را نصیب مردم ایران می‌کند و مسیر نورانی اسلام ناب محمدی (ص) که بارهبری امام عظیم الشان و رهبر عزیز شهیدمان تاکنون پیموده شده است، با هدایت شما و همکاری همه مسئولین پیموده خواهد شد. امروز آنچه مهم است، حفظ ایران عزیز و جمهوری اسلامی در مقابل تجاوز و وحشیانه رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار است و لازم به گفتن نیست که مردم شریف ایران باید تنها و تنها وجهی هم‌ت خود را مصروف این امر خطیر کنند و چنان‌که تاکنون در صحنه‌های مختلف از کیان نظام اسلامی حمایت کرده‌اند، این امر مهم را سرلوحه‌ی عملکرد خود قرار دهند.

سید حسن خمینی ۱۸ اسفند ۱۴۰۴

در پیام تبریک به آیت الله سید مجتبی خامنه ای سید علی خمینی: پیام روشن انتخاب شما این است که راه رهبر شهید ادامه دارد

حجت الاسلام و المسلمین سید علی خمینی با صدور پیامی انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای به رهبری جمهوری اسلامی ایران را تبریک گفت.
متن پیام حجت الاسلام و المسلمین سید علی خمینی به شرح زیر است:
حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای حفظه الله تعالی
سلام علیکم ورحمت الله و برکاته

انتخاب حضرت تعالی به عنوان سومین قائد انقلاب و رهبر جمهوری اسلامی ایران، در این برهه حساس، محکم ترین سیلی بر صورت مستکبران عالم بود. پیام روشن انتخاب شما به دشمنان نظام اسلامی این است که ایران بزرگ، بدون کوچک ترین تردیدی، مسیر خود را طی خواهد کرد و راه رهبر شهید را ادامه خواهد داد. همچنین قبول این مسئولیت سنگین، در این زمانه حساس، خصوصاً از جانب شما که داغدار چندین مصیبت عظیم هستید، خود جهادی بزرگ بود. تجربه گرانقدر شما در همراهی با رهبر شهیدمان، در کنار استعداد خدادادی و فضل اکتسابی، توشه مبارکی است که ان شاء الله نظام و ملت از آن بهره مند خواهند شد. اینجانب ضمن تعزیت مجدد شهادت والد ماجدان و سایر بستگان و دوستان و یارانان، انتخاب خبرگان محترم را خدمت شما و ملت عزیز ایران تبریک عرض می کنم و از خداوند متعال، طول عمر و دوام توفیقاتتان را خواستارم.

پیام خانواده آیت الله هاشمی رفسنجانی در رابطه با انتخاب رهبری نظام جمهوری اسلامی

اطلاعیه خانواده آیت الله هاشمی رفسنجانی که به امضای محسن هاشمی رفسنجانی رسیده است:

بسم الله الرحمن رحیم

ضمن محکوم نمودن حملات رذیلانه و ددمنشانه آمریکایی/ صهیونیستی، و تسلیت شهادت مظلومانه مردم، کودکان معصوم، و حضرت آیت الله خامنه ای، فرماندهان و نیروهای مسلح، انتخاب سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران توسط مجلس خبرگان رهبری در حساس ترین شرایط را تبریک عرض میکنیم. امیدوارم با توجه به شرایط خطیر و پیچیده کنونی، با استفاده از عقلانیت، انسجام ملی، تقویت، و از تفرقه پرهیز گردیده تا با حفظ تمامیت ارضی کشور عزیزمان ایران، به سمت اتمام جنگ، و حل مشکلات مردم، رشد و توسعه کشور، و تامین منافع ملی گام برداریم.

سید محمد خاتمی:

برای رهبر جدید ایران آرزوی توفیق دارم

رئیس جمهور اسبق برای رهبر جدید انقلاب اسلامی آرزوی توفیق کرد.

متن کامل پیام حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی بدین شرح است:

بنام خدا

ایران عزیز همچنان در میانه جنگی تجاوزکارانه و خانمان سوز ایستاده است. رژیم جنگ افروز اسرائیل و دولت سلطه گر ترامپ استقلال، تمامیت ارضی، یکپارچگی ملی، توسعه و امنیت همه جانبه و پایدار ما را با تمام توان هدف قرار داده اند. بمب و موشک و آتش و دود زمین و آسمان و خانه و مدرسه و خیابان و بیابان ما را در بر گرفته و ویرانگری به بار می آورد. آنها به دنبال این بودند و هستند که از ایران چیزی باقی نماند!

نیروهای مدافع میهن قهرمانانه می جنگند و مردم صبور ایران در میانه تخریب و مرگ، تاب آورانه زندگی می کند و دولت نیز با تمام توانش وضعیت جنگی را مدیریت می کند. در عین حال این وضع دشوار نه شایسته ایران است و نه حق ایرانیان صلح طلب و آمانخواه! فرصت هایی از دست رفته و مخاطرات و تهدیدهایی مزمز در سایه این جنگ ظالمانه به فعلیت رسیده اند. اما باید چاره ای برای امروز و فردای ایران اندیشید! خطرهای نزدیک را با تدبیر و خرد و عزت و مصلحت دور کرد و آینده را متناسب با خواست عموم ملت و تحولات جدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سامان داد. همراه با اقتدار نظامی، همراهی و همدلی همه گروه ها و طبقات اجتماعی و جریان های سیاسی کشور، ضرورت پیش روی نظام حکمرانی است.

همه باید به یکپارچگی سرزمینی ایران، به رضایت و مشارکت عموم مردم، به گشودن افقی امیدبخش برای آینده کشور و به دفع شر دشمنان ملک و ملت بیش و پیش از هر چیز بیاندیشند و حساسیت های کنونی میهن عزیزمان را دریابند.

انتخاب رهبری سوم جمهوری اسلامی ایران در میانه جنگ تمام عیاری که علاوه بر خرابی سرزمینی و کشتار بیگناهان به همپاشی ساختار حکمروایی رادنبال می کند، امید و انتظارات به حقی راد در میان ملت به وجود آورده است که آینده کشور باید بر اساس نیازها و ضرورت های حیاتی امروز بنا شود و ملت و نخبگان ایران نیز از کمک به تحقق این مهم دریغ ننمایند.

برای رهبر جدید و منتخب جمهوری اسلامی ایران و همه خدمتگزاران صدیق این آب و خاک و در این مقطع خطیر و سخت آرزوی توفیق دارم.

سید محمد خاتمی

۱۹ اسفند ۱۴۰۴، ۲۰ رمضان ۱۴۴۷



پیام تبریک دکتر روحانی به آیت الله سید مجتبی خامنه ای

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های یازدهم و دوازدهم، در پیامی انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای به رهبری انقلاب اسلامی را تبریک گفت. متن پیام دکتر روحانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای (دامت برکاته)

سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبی الدار

شهادت رهبر عالیقدر و والد معظم و دیگر اعضای بیت مکرم را تسلیت و انتخاب حضرتعالی توسط مجلس خبرگان را به رهبری انقلاب اسلامی، تبریک می‌گوییم. از درگاه خداوند متعال مسألت دارم؛ در این شرایط خطیر و حساس که کشور آماج تهاجم متجاوزین قرار گرفته است، جنابعالی را در راهبری نظام، تقویت وحدت، انسجام و اقتدار ملی، حفظ تمامیت ارضی ایران، حرکت در مسیر پیشرفت و توسعه کشور و تأمین عدالت و رفاه برای مردم صبور و فداکارمان توفیق عنایت فرماید.

حسن روحانی



حجت الاسلام والمسلمین
دکتر حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران در
دوره‌های یازدهم و دوازدهم



آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای

هیچ چیزی از امامین انقلاب کم ندارند



سپهر خلجی

رئیس شورای اطلاع‌رسانی
دولت شهید رئیسی

نکته نخست این است که باید انتخاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای از سوی مجلس خبرگان رهبری را در استمرار مسیر حرکت تکاملی انقلاب اسلامی تحلیل کرد. در بررسی موضوع مسیر تکاملی انقلاب، باید به این واقعیت تاریخی توجه داشت که اکثر انقلاب‌های جهان به مرور زمان و با از دست رفتن رهبران بنیان‌گذار، دچار تغییرات رویکردی و محتوایی شده‌اند. در واقع، غالب انقلاب‌ها با چنین سرنوشتی مواجه گشته و به تدریج با قدرت گرفتن جریان‌های تجدیدنظرطلب یا جریاناتی که تنها پوسته انقلابی را حفظ کرده اما انقلاب را از محتوا تهی می‌کنند، به انحراف کشیده شده‌اند. بسیاری انتظار داشتند انقلاب اسلامی نیز با فقدان بنیان‌گذاران و عناصر اصلی برپاکننده نظام، دچار چنین سرنوشتی شود؛ اما به حمد الهی این اتفاق رخ نداد و مسیر حرکت انقلاب، سیر تکاملی خود را طی کرد. ما پس از حضرت امام علیه السلام، شاهد حضور شخصیتی

مبارز، انقلابی و فقیه بودیم که آرمان‌های انقلاب را حفظ کرده و اهداف آن را پیش بردند. در انتخاب رهبر سوم مجلس خبرگان نیز این مسیر تکاملی در حال طی شدن است. با شهادت امام عزیزمان، رهبر سوم جمهوری اسلامی واجد ویژگی‌های امامین انقلاب در پابندی به آرمان‌ها و حفظ دستاوردهاست. اگر بخواهیم بدون اغراق سخن بگوییم، ایشان در رویکرد انقلابی و صلابت در مسیر، هیچ از دور رهبر پیشین کم ندارند و یقیناً مسیر حرکت نظام در این دوره با قدرت بیشتری تداوم خواهد یافت. بدین ترتیب، نگرانی دلسوزان مبنی بر انحراف مسیر به سمت اهداف تجدیدنظرطلبان یا پشیمان‌شدگان از انقلاب مرتفع گشت و می‌توان مدعی بود که انقلاب اسلامی با این انتخاب، در مسیر تعالی قرار گرفته است.

■ استحکام ساختاری نظام در برابر تهدیدات چندلایه

این انتخاب را باید در بستر شرایط پیچیده بین‌المللی و منطقه‌ای مورد توجه قرار داد. پس از شهادت امام عزیزمان، شرایط تغییر کرد؛ پیش از آن نیز دشمنان آمریکایی و صهیونیستی به صراحت رهبر شهید ما را تهدید کرده و با وقاحت تمام از قصد خود برای ضربه به کادر حاکمیتی جهت اثرگذاری بر حرکت کلی انقلاب سخن می‌گفتند. با این حال، این طراحی‌ها محقق نشد. ساختار پیش‌بینی شده در قانون اساسی، از جمله مجلس خبرگان و سایر سازوکارهای تثبیت حاکمیت، نشان داد که جمهوری اسلامی از کارآمدی لازم برخوردار است و می‌تواند در زمان مقتضی، بهترین انتخاب را متناسب با نیاز کشور انجام دهد.

ما این تجربه را یک بار در سال ۱۳۶۸ و پس از رحلت حضرت امام علیه السلام داشتیم و اکنون برای دومین بار پس از شهادت امام عزیزمان تکرار کردیم. با این تفاوت که شرایط امنیتی و تهدیدات فعلی، بسیار پیچیده‌تر و چندلایه‌تر از سال ۱۳۶۸ بود؛ اما مجلس خبرگان توانست به وظیفه قانونی و انقلابی خود عمل کرده و انقلاب را در همان مسیر طراحی شده توسط امامین انقلاب به پیش ببرد.

از سوی دیگر پیش از جنگ تحمیلی سوم در محیط بین‌المللی، شاهد اقدامات مداخله‌جویانه آمریکا بودیم که نمونه آن در ربودن رئیس‌جمهور قانونی ونزولارخ داد. این اقدامات نوعی اعتماد به نفس کاذب در هیئت حاکمه آمریکا ایجاد کرده بود تا تصور کنند می‌توانند الگوی تغییر ساختار را در جمهوری اسلامی نیز اعمال کنند؛ اما این طراحی با شکست مواجه شد. برآورد تیم جنایتکار آمریکا و صهیونیست‌ها این بود که با یک حمله بهت‌آفرین و رعدآسا ظرف دو روز، ساختار را دچار تغییرات اساسی کنند؛ اما مشخص شد بنیانی که حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری در طول قریب به نیم قرن پایه‌گذاری کرده و تداوم بخشیده‌اند، چنان استحکامی دارد که حتی در شرایط رویارویی با قدرت‌های بزرگ نظامی، ساختار خود را حفظ، به‌روزرسانی و امتداد می‌دهد. این دستاوردی بزرگ و اتفاقی بسیار مهم در تاریخ انقلاب اسلامی است.



ساختار پیش‌بینی شده
در قانون اساسی، از
جمله مجلس خبرگان و
سایر سازوکارهای تثبیت
حاکمیت، نشان داد
که جمهوری اسلامی از
کارآمدی لازم برخوردار
است و می‌تواند در
زمان مقتضی، بهترین
انتخاب را متناسب با نیاز
کشور انجام دهد.

انتخابی براساس عدالت و انصاف و ضامن تدبیر برای آینده کشور

انسیه خزعلی | معاون امور زنان و خانواده در دولت شهید رئیسی

تعیین جانشین رهبر شهید و انتخاب رهبری جدید توسط مجلس خبرگان در فاصله ای کوتاه، نشان دهنده استحکام نظام جمهوری اسلامی و وجود یک سیستم محکم، قوی و پایدار است. این موضوع اثبات کرد که یک شبکه منسجم در ایران اسلامی شکل گرفته است که دشمن هرگز نمی تواند به فروپاشی آن طمع کند؛ چرا که با حذف یا به شهادت رساندن بخشی از این ساختار، اجزای دیگر از هم گسیخته نخواهند شد. این ثبات، محصول سبک مدیریتی و سازماندهی هوشمندانه ای است که رهبر معظم انقلاب در طول این سال ها بنا نهاده اند.

انتخاب خبرگان براساس شرایط لازم

مجلس خبرگان در میان کاندیداهای موجود که واجد شرایطی همچون فقاقت و تسلط بر احکام بودند، به بررسی سایر ویژگی های لازم برای اداره کشور پرداختند. صفاتی نظیر دور بودن از ذخایر دنیوی، ساده زیستی و شجاعت در برابر قدرت های بین المللی، از جمله مواردی بود که رسیدن به جمع بندی درباره آن ها دقت بالایی می طلبید و بحمدالله خبرگان توانستند یکی از بهترین گزینه های مطرح را انتخاب کنند.

ویژگی های آیت الله سید محنتی حسینی خامنه ای

در این انتخاب پاک دستی ایشان کاملاً مشهود است؛ چرا که با وجود دسترسی به منابع و امکان بهره مندی از زخارف دنیا، همواره پرهیزگاری پیشه کرده اند. همچنین برخورد مستدل و منطقی در مسائل، گشاده رویی در امور اجتماعی، شنیدن نظرات مختلف و انتخاب عقلانی ترین راه، از ویژگی های مسجل ایشان است. شجاعت آیت الله سید محنتی خامنه ای نیز چه در دوران حضور در جبهه ها و چه در همراهی با پدر بزرگوارشان و پذیرش این مسئولیت خطیر که به نوعی قرار دادن خود در معرض خطر مقابله با امپریالیسم جهانی و صهیونیسم است نشان دهنده صفات خاص رهبری است. علاوه بر این، ایشان از دوران کودکی شاهد مبارزات، زندان ها و تبعیدهای پدر بوده و در دوران انقلاب، جنگ تحمیلی و ریاست جمهوری رهبر عزیزمان، تجربیات بی نظیری را از نزدیک کسب کرده اند. این همراهی مستمر با مسائل کلان کشور، تجربه ای گران بهاست که در اداره مملکت یاری گرایان خواهد بود.

پاسخ به شبهه موروثی بودن

در خصوص شبهه موروثی بودن، باید توجه داشت که نظام موروثی زمانی است که حاکم، فرزند خود یا ولیعهدی را حتی در سنین کودکی تعیین کند و امکانات خاصی در اختیار او بگذارد. اما در سیره رهبری، همواره محدودیت های جدی برای فرزندان وجود داشته و هرگز اجازه استفاده از امکانات دولتی به آن ها داده نشده است؛ ایشان نیز همچون سایر مردم زندگی کرده اند. در سلوک رهبری، هیچ گاه نگاه مبنی بر ایجاد امتیاز برای فرزندان وجود نداشته است. اما اینکه مجلس خبرگان فردی را انتخاب کند که از قضا فرزند رهبر شهید است، در حیطه اختیارات قانونی این مجلس است. مجلس خبرگان امتیازات را می سنجند و اگر فردی به واسطه توانمندی های خود حائز امتیازات بیشتری باشد، انتخاب او عین عدالت و انصاف و ضامن تدبیر برای آینده کشور است. هیچ کس نمی تواند امتیازات ویژه و شایستگی های آیت الله سید محنتی خامنه ای را در این مسیر کتمان کند.



ویژگی‌های رهبری در پرتو کتاب، عترت و قانون اساسی

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت خطیر رهبری نظام اسلامی، امامت و ولایت امر از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است که در فصول و اصل‌های متعدد به موضوع ولایت فقیه پرداخته شده است از جمله مقدمه قانون اساسی، اصل پنجم و فصل هشتم (از اصل ۱۰۷ تا ۱۱۲). برای نمونه در اصل پنجم ویژگی‌های ولی فقیه اینگونه بیان شده است: «در زمان غیبت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد».

و در اصل ۱۰۹ قانون اساسی شرایط و صفات رهبر به این صورت تبیین شده است:

۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف

۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام

۳- بینش سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری»

در پاسخ به این پرسش که اگر چند شخصیت علمی، سیاسی و مدیریتی در مظان این مسئولیت بسیار مهم قرار گیرند، تکلیف خبرگان چیست و کدام خصلت باید معیار رجحان قرار گیرد؟ در پایان این اصل چنین مقرر شده که: «در صورت تعدد واجدین شرایط



سید محمد حسینی

وزیر سابق ارشاد

فوق شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد، مقدم است». دلیل این نکته را چنین می توان توضیح داد که در نظام اسلامی تکیه گاه قوانین و مقررات احکام الهی است، و با توجه به سرعت تحولات جهانی در عرصه های گوناگون، قطعاً رهبری نظام که نظراتش در موارد اختلافی مبنای تصمیم گیری و اجرا قرار می گیرد به هر میزان از احاطه و اتقان علمی جامعتری به ویژه نسبت به مسائل مستحدثه در حوزه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین المللی برخوردار باشد، نتایج بهتری عاید جامعه خواهد شد.

■ آیا هر فقیهی می تواند بر پیچیدگی های دنیای فعلی برآید؟

و نیز در جهان پیچیده کنونی که قدرت های شیطانی با اتکا به زور، زر و تزویر می کوشند تا با لطایف الحیل از جمله بهره گیری از قدرت نظامی، فناوری های نو همچون هوش مصنوعی، دست نشاندهی سازمان ها و مجامع بین المللی و نیز سیطره بر رسانه های جهانی، سرستیز با نظام مستقل، الگو و الهام بخش ایران اسلامی دارند و مع الأسف در داخل کشور نیز شیفتگان، همراهان، زمینه سازان و توجیه گرانی دارند، درک این اوضاع و نحوه مواجهه با آن نیازمند کیاست و فراست خاصی است که از عهده هر فقیه و مدیری بر نمی آید، لذا دقت در شناسایی بهترین فرد و معرفی وی، آثار و برکات فراوانی به همراه دارد و برون رفت از چالش ها، استمرار نظام اسلامی، غلبه بر خصم تبهکار، رشد و پیشرفت کشور، تحقق ایران قوی و زمینه سازی ظهور به این تصمیم حساس و سرنوشت ساز گره خورده است.

■ نگاهی گذرا به اصل ۱۱۰ قانون اساسی

نگاهی گذرا به اصل ۱۱۰ قانون اساسی که وظایف و اختیارات متنوع و بسیار مهم رهبری را بر شمرده، نشان می دهد که ولی فقیه باید از شرح صدر، توان فکری و علمی، قدرت و جسارت تصمیم گیری های سخت و اجرایی، روحیه نظارتی و پیگیری و شناخت کافی نسبت به چهره های شاخص و تاثیرگذار فقهی، علمی، فرهنگی، سیاسی و نظامی کشور داشته باشد تا در گزینش افراد شایسته برای مناصب عالی کشور خللی ایجاد نشود.

برای نمونه چند از این مسئولیت ها یادآوری می شود:

■ «تعیین سیاست های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت» که سندی بالادستی برای امور مختلف از جمله تدوین برنامه های ۵ ساله، بودجه سالانه، قانون گذاری و اجرا محسوب می شود و نیازمند آینده پژوهی است و با توجه به اختلاف دیدگاهها در کشور، تعیین بهترین سیاستها حائز اهمیت است که خوشبختانه در موارد متعددی این سیاستهای کلی از سوی امام خامنه ای شهید ابلاغ شده و شورای عالی نظارت در مجمع تشخیص نیز عهده دار رصد و اظهار نظر برای عدم تخلف از این سیاستها شده است. و البته در مواردی نیز مجمع تشخیص مصلحت، سیاستهایی را پیشنهاد کرده مثل سیاستهای کلی فرهنگی که رهبر حکیم انقلاب تایید نکرده و مجدد به مجمع ارجاع داده است.

■ «فرماندهی کل نیروهای مسلح» که خود به تنهایی وظیفه ای سنگین محسوب می شود و اگر فردی از قبل شناخت کافی در این امر که امنیت و تداوم انقلاب به آن وابسته است، نداشته باشد، ایران فردا درگیر معضلات جدی خواهد شد.

■ یکی از مسئولیت های سرنوشت ساز فرمانده کل قوا «اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها» هست که نیازمند شناخت شخصی و بهره گیری از نظرات صائب مشاوران فهیم، شجاع و امین، اشراف اطلاعاتی نسبت به توانمندی نظامی، تاب آوری جامعه، ظرفیت های پشتیبانی و اقتصادی، طراحی های دشمن و نیز اعتماد بنفس و تصمیم گیری

خردمندانه، شجاعانه و به هنگام است.

■ وظیفه غامض دیگر «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه» است که به دلایل مختلف از جمله نداشتن روحیه کار جمعی، در مقاطع مختلف این اختلاف نظرها منجر به نزاع و تنش می شود و برای کشور هزینه و تبعات منفی دارد.

انجام این مهم تنها با حکمت و درایت، ارائه رهنمودهای قبلی مثل تأکید بر جلسات منظم برای تفاهم و همفکری، شفاف کردن وظایف هر قوه برای پیشگیری از بروز این معضل هست و علیرغم همه تدابیر اگر اصطکاک و تنش ایجاد شد، لازم است که رهبری نظام از چنان جایگاه رفیعی برخوردار باشد که راهکار و کلامش فصل الخطاب و پایان بخش منازعات باشد.

■ دیگر اختیارات و وظایفی که در این اصل ذکر شده مثل «حل معضلات نظام» یا «عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور» نشانگر نقش بی بدیل و اهمیت والای مقام رهبری در نظام اسلامی است و در طول ۴۷ سال گذشته امامین انقلاب در پرتو الطاف الهی نگذاشته اند نظام اسلامی به بن بست برسد، در حالیکه از زمان شکل گیری دولت موقت تاکنون در مقاطعی برخی سیاستمداران غریبگرا و نا آشنا با ابعاد اجتماعی و حکومتی اسلام، ساز به بن بست رسیدن کشور را به صدا درآورده و تنها نسخه غیر شفافبخش آنان تسلیم شدن در برابر نظام سلطه بوده است.

■ انتخاب رهبر از نگاه قرآن و روایات

از منظر آیات و روایات نیز پرداختن به این موضوع مجال مفصلی می طلبد که خوشبختانه خبرگان قانون اساسی که غالباً از عالمان ربّانی، مجاهدان و عباد صالح بودند، به آن مفاهیم و آموزه ها توجه داشتند. در این جا به شکل موجز چند مورد از باب تذکار اشاره می شود که «فذكر ان الذکری تنفع المؤمنین».

پس از معرفی حضرت طالوت به عنوان حاکم و فرمانده جنگ با جالوت، جمعی که معیارهای ظاهری و مادی از جمله طبقه اجتماعی و ثروت مدنظرشان بود، معترض شدند و پیامبر آن زمان، رمز و راز این گزینش و انتخاب خدایی را قدرت علمی (و فکری) و جسمی (اجرایی) بیان می کند (زاده بسطة فی العلم و الجسم) و در عمل هم ثابت شد که طالوت بواسطه برخورداری از این دو خصلت ارزنده، عامل موفقیت هایی همچون پیروزی بر لشکر جالوت شد.

مؤید و مکمل این دو ویژگی درماجراها، توطئه ها، زندانی شدن و رهاگشتن حضرت یوسف به خوبی تبیین شده است. وقتی پادشاه مصر به پایی، منزلت، معرفت، شایستگی و تخصص، تعهد و امانتداری حضرت یوسف پی برد خطاب به او گفت: اِنَّکَ الیومَ لَدَیْنَا مَکِیْنٌ امینٌ. این اذعان بیانگر این است که حاکم باید از اعتبار، جاذبه، پایگاه و جایگاهی در جامعه برخوردار باشد که بتواند پذیرش عمومی و قدرت حل مسائل را داشته باشد. بر این مبنا یوسف پیامبر برای خدمت به مردم و عبور دادن جامعه از خطر جدی خشکسالی و گذر



از منظر آیات و روایات نیز
پرداختن به این موضوع
مجال مفصلی می طلبد
که خوشبختانه خبرگان
قانون اساسی که غالباً از
عالمان ربّانی، مجاهدان
و عباد صالح بودند، به
آن مفاهیم و آموزه ها
توجه داشتند.



از بحران قحطی به دو ویژگی خویش اشاره کرد که ضامن برنامه ریزی دقیق و حساب شده و اجرای قوی برای حفظ دارایی و محصولات کشاورزی و مصرف تدریجی مردم بود و لذا فرمود: «اجعلنی علی خزائن الارض ائی حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ». و گذشت زمان مهر تابید بر این صیانت و پاسداری و نیز دانایی و تدبیر گذاشت.

نکته قابل توجه و درس آموز از داستان حضرت یوسف به عنوان احسن القصص قرآن این است که مدیریت امور در شرایط عادی شاید از عهده عده‌ای برآید اما در بحران‌ها و کوران حوادث دشوار و در شرایط کشوری مثل ما که به تعبیر امام شهیدمان آمریکا در صدد بلعیدن ایران هست و شیطان بزرگ تمام ظرفیت‌های خود را علیه ما بکار گرفته است، مجال آزمون و خطا در مورد افراد را نداریم و این منصب خطیر چنین اقتضایی حتی در دوران عادی هم ندارد، بنابراین ضرورت فوری جامعه است که فردی عالم، منزه، آشنا به زوایای حکمرانی، هرچه سریعتر به جامعه معرفی شود تا با حمایت گسترده مردمی بتواند بر مشکلات فائق آید و آینده درخشانی فراروی امت اسلامی ترسیم و در راه تحقق آن مجاهدت نماید. مشابه دو امتیاز و خصلتی که حضرت یوسف بر شمرده در خصوص اوصاف بارز حضرت موسی از زبان دختر حضرت شعیب نیز ذکر شده که روح الامین از جانب خداوند بر پیامبر نازل و تایید کرده است یعنی: «القوی الامین» که هریک از این دو ویژگی، در بردارنده اوصاف و قابلیت‌های متعددی باشد.

ویژگی‌های رهبر از زبان امیرالمومنین علی علیه السلام

سخن گفتن در این باره پایانی ندارد لذا به ذکر چند روایت از امیر المؤمنین امام علی علیه السلام بسنده می‌شود. امام همامی که درخشان‌ترین حکومت را در تاریخ اسلام بر پا کرد به گونه‌ای که حکومت علوی برای همیشه بهترین راهنما و الگو برای پیروان آن حضرت هست و اگر والیان و حکمرانان مطابق معیارهای آن حضرت برگزیده شوند سعادت دنیا و آخرت مردم تأمین می‌شود. در خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه (تحقیق صبحی صالح) چنین آمده است: فاعلم ان افضل عبادالله امامٌ هُدی و هدی فاقام سنهٔ معلومه و امانت بدعهٔ مجهوله. بدان که برترین بندگان نزد خداوند امام و رهبر عادل است که خود هدایت یافته است و دیگران را هدایت می‌کند. سنت‌های معلوم (و حسنه) را به پامی دارد و

بیست

به مناسبت شهادت قائدامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

■ فصل دوم

بدعت‌های ناشناخته را از بین می‌برد. لازمه این ویژگی، حکمت و شناخت صحیح، قدرت اقامه برهان و استدلال و نیز موعظه‌ی حسنه برای اقناع افکار عمومی و درایت و شجاعت لازم در برابر فضا‌سازیهایی فرصت طلبان و بیماردلان است؛ که امام خمینی قدس سره با زبان قابل فهم مردم و ذکر دلایل متقن عموم جامعه را علیه غم‌جنگ نرم و شناختی دشمن با انقلاب همراه ساختند و با صلابت و اقتدار در برابر بدعت‌ها و انحرافات ایستادند، تا اصالت و حقانیت انقلاب و مسیر درست نظام اسلامی بر مبنای موازین شرعی و منافع ملی حفظ شود. نکته دیگری که مولی‌الموحدین امام‌المتقین خود عامل به آن بودند و بر امامان و حاکمان عادل فرض دانسته‌اند، زهد و ساده‌زیستی است که امام‌راحل و امام‌شهیدمان مصداق‌اتم و اکمل آن در زمانه پر زرق و برق، جاذبه‌ها و زخارف دنیایی بودند و این توقع وجود دارد که سومین رهبر انقلاب اسلامی نیز از چنین ویژگی برخوردار باشد تا کوچکترین شائبه‌ای در مورد حیف و میل بیت‌المال و سوء استفاده از موقعیت به اذهان خطور نکند و حتی مخالفان و دشمنان نیز ناگزیر اذعان کنند که رهبر نظام اسلامی به زیور ساده‌زیستی و عدم دلبستگی به تعلقات دنیایی آراسته است.

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ی ۲۰۹ این وظیفه را چنین بیان می‌کند: «ان الله تعالی فرض علی ائمة العدل ان یقدروا علی انفسهم بضعة الناس» خداوند بر رهبران عادل واجب کرده که در زندگی شخصی بر خود سخت بگیرند و همچون طبقه ضعیف جامعه زندگی کنند).

آخرین موردی که اشاره می‌شود فرمان امام به مالک اشتر است که بند بند این دستورالعمل زرین و جاویدان باید مورد عنایت قرار گیرد که تنها به ذکر یک فراز از آن اکتفا می‌شود و در این فراز هم بر اهلیت و اصالت خانوادگی و رشد و نمو فرد در بیت صالح و شایسته تاکید می‌شود. چون نقش پدر و مادر در تربیت فرزندان قابل مقایسه با دیگر عوامل تربیتی نیست و شاید دلیل اینکه سلسله‌ی امامان شیعه از خاندان مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودند و یا در خصوص انبیاء تاکید شده که نشأت گرفته از اصلاط و ارحام مطهره هستند و پدران آن بزرگواران نیز موحد بوده‌اند بخاطر تبلور آثار این خصوصیت در فرزندان است. حضرت خطاب به مالک اشتر که عازم مصر بود و در راه توسط عوامل معاویه به شهادت رسید و در واقع خطاب به همه دلدادگان و پیروان خود در طول تاریخ ویژگیهایی را مطرح می‌کنند که معیار فضیلت و کمال است از جمله: صاحبان مکارم و شرافت و خانواده‌های شایسته و سوابق نیکو، دلاور مردان، شجاعان، اهل سخاوت و بخشش، و جوانمردان که جامع بزرگواری و شعبه‌هایی از خوبی و احسان هستند.

آری امیر مؤمنان فرمود:

ثُمَّ الْوَسْقُ بِذَوِي الْأَحْسَابِ وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالسُّوَابِقِ الْحَسَنَةِ ثُمَّ أَهْلُ النَّجْدَةِ وَالشُّجَاعَةِ وَالشُّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ وَجَمَاعٌ مِنَ الْكِرْمِ وَشُعْبٌ مِنَ الْعُرْفِ...

ختمه مسک کلام را به دعا برای توفیق رهبر سوم انقلاب اختصاص می‌دهیم که ادامه دهنده راه امامین انقلاب باشند و به فضل الهی پرچم پرافتخار انقلاب اسلامی را به صاحب اصلی آن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بسپارند.



ختمه مسک کلام را به

دعا برای توفیق رهبر

سوم انقلاب اختصاص

می‌دهیم که ادامه

دهنده راه امامین

انقلاب باشند و به فضل

الهی پرچم پرافتخار

انقلاب اسلامی را به

صاحب اصلی آن امام

زمان عجل الله تعالی

فرجه الشریف بسپارند.

ویژگی‌های رهبر سوم انقلاب اسلامی ایران



حجت‌الاسلام سالک

نماینده ادوار مجلس

موضوع مهم در انتخاب رهبر آینده و ویژگی‌هایی که باید از رهبر شهید به ارث ببرند، توانایی مدیریت است. مدیریت بر اساس یک جهان بینی کلان که قدرت حل مسائل و بحران‌های مختلف را داشته باشند؛ حتی مهم‌تر از حل بحران توانایی پیش بینی آن است. نکته دیگر اینجاست که این حل مسئله باید مبتنی بر مبانی معرفتی از نگاه قرآن و اسلام باشد. دیگر ویژگی مورد نیاز شجاعت در برابر فشارهای مختلف است؛ فردی در چنین جایگاهی باید بتواند، مَرّ قانون را رعایت کند و چه در مسائل داخلی چه در مسائل جهانی و بین المللی، شجاعانه برخورد کند و تسلیم نشود؛ چراکه فشارهای دشمن زیاد خواهد بود. دیگر ویژگی مورد نیاز برای رهبر آینده؛ داشتن روحیه مردمی فوق العاده قوی برای ارتباط گیری با گروه‌های مختلف مردمی از جمله جوانان است. آقا رحمت الله علیه، صاحب صفات و فتونی بود که از قبل از انقلاب تا زمان حال در ایشان شکل گرفته بود؛ در واقع نمی‌توان گفت کدام ویژگی در ایشان برجسته تر بود؛ بلکه ویژگی مهم ایشان ترکیبی از مجموعه خصوصیات در وجود این مرد بزرگ بود. این به معنی جامعیت ایشان است. ایشان در دوره‌ای در زندان‌های شاه بودند و سر تسلیم فرود نیاوردند و محکم ایستادند و این تجربه فوق العاده ایشان بود. از طرف دیگر ایشان در دشمن شناسی هم بسیار قوی بودند. مجموع این ویژگی‌ها در طول سالیان در ایشان شکل گرفت و محصول یک بازه زمانی کوتاه نبود. ما نمی‌توانیم کسی را پیدا کنیم که در عین حال که رهبر است، ادیب، شاعر، کتاب‌خوان، اهل سینما و انواع هنرها باشد. دیگر ویژگی مورد نیاز رهبر جدید این است که بر مبانی فقهی مسلط باشد؛ در غیر این صورت افراد مختلف ممکن است در این حوزه سنگ اندازی کنند. چنانچه ما کسی را پیدا نکردیم که به مبانی فقهی مسلط باشد، صرفاً باید به دنبال فردی که با توانایی مدیریت بالا باشیم و بر بُعد مدیریتی او حساب باز کنیم اما مشخص است که تسلط فقهی در کنار توانایی مدیریت نیاز رهبر آینده است.

لزوم تسلط فقهی

علت تاکید بر تسلط فقهی به این موضوع برمی‌گردد که وضعیت کشور ما در جهان کم نظیر است و کسی که در جایگاه رهبری قرار می‌گیرد، در واقع در جایگاه ستون خیمه اسلام قرار می‌گیرد و باید به مبانی فقهی مسلط باشد. حداقل این موضوع این است سیاستمدار دینی باشد؛ یعنی به همان معنی که آقا بودند. در بُعد سیاست، گاهی سیاست در افراد سیاست زدگی است، آقا اهل سیاسی کاری و سیاست زدگی نبودند اما سیاستشان عین دیانتشان بود و مبلّغ آن بودند. یعنی دین شناس بودند و در عین حال زمان شناس و مکان شناس. ضمن اینکه آقا یک سیاستمدار بین المللی هم بودند. در نقطه مقابل اگر فردی سیاست زده باشد و بخواهد سیاسی کاری کند به ناچار تابع سیاست‌های شیطانی

این مطلب قبل از معرفی رهبر جدید انقلاب اسلامی نوشته شده است

پرسکت

به مناسبت شهادت قائدامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل دوم



و غیرشیطانی دنیا قرار می‌گیرد که برای یک شخصیت در جایگاه رهبری جامعه، سخت و خطرناک است.

لزوم ارتباط‌گیری بانسل جدید

موضوع دیگر در خصوص رهبر آینده بحث زبان و ارتباط‌گیری بانسل جدید است. نمی‌شود با ادبیات ۵۰ سال قبل جامعه را اداره کرد؛ بلکه باید ادبیات روز در جریان باشد و این از ویژگی‌های شناخت زمان و مکان است. کما اینکه خود حضرت آقا می‌فرمودند که مخاطب‌شناسی مهم است. ایشان در هر یک از دیدار با دانشجویان، شعرا، سیاستمداران بین‌المللی و... به نحوی خاص عمل می‌کردند. برای دانشجویان چند ساعت زمان می‌گذاشتند و جواب مطالباتشان را می‌دادند. از طرف دیگر برخی از چهره‌های سیاسی جهانی مانند پوتین که به راحتی زیر بار حرف کسی نمی‌روند، در برابر رهبر شهید تسلیم و متواضع بودند. آقا به تعبیری سیاستمداری بودند که دور روز جلوتر از همه سیاست‌های دنیا نظریه می‌دادند؛ یعنی قدرت نظریه پردازیشان در مسائل سیاسی بی‌نظیر بود. امام خمینی رحمت‌الله هم همین‌طور بودند.



انس امامین انقلاب باقرآن

علت این موضوع به انس عمیق امامین انقلاب با مبانی دینی و تسلطشان به مسائل قرآنی برمی‌گشت. اگر فردی بخواهد فرمایشات حضرت آقا را مستندسازی کند متوجه می‌شود که اکثر فرمایشات ایشان مستند به آیات قرآن بوده است. بنده زمانی که نیروی قدس مشغول فعالیت بودم، به دستور خود ایشان به مدت دو سال فرمایشات ایشان و امام رامستندسازی می‌کردم و از انطباق صحبت‌ها با آیات قرآن می‌کردم. در واقع نمی‌توان هیچ فرمایشی از ایشان را در هیچ زمینه‌ای خارج از مبانی قرآنی پیدا کرد. این تسلط خاص ایشان بر تفسیر قرآن، نهج البلاغه، روایات و تاریخ بود. امیدواریم مجلس خبرگان انشاءالله بتواند فردی را که جانشین برحق ایشان است، پیدا کند.

بنده زمانی که نیروی
قدس مشغول فعالیت
بودم، به دستور خود
ایشان به مدت دو سال
فرمایشات ایشان و امام
رامستندسازی می‌کردم
و از انطباق صحبت‌ها
با آیات قرآن به شگفت
می‌آمدم.



کدام شرایط رهبری از بقیه مهم‌تر است؟



حجت‌الاسلام
مجتبی مصباح

فرزند آیت الله مصباح یزدی

ولایت فقیه استمرار ولایت رسول الله و نیابت از ولایت حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه برای اداره جامعه اسلامی است و بنابراین، ولی فقیه کسی است که در مجموع، ویژگی‌ها و شرایط او برای اداره جامعه اسلامی به ویژگی‌های آن حضرت نزدیک‌تر باشد. این شرایط از سویی به فهم عمیق دین مربوط می‌شود که از آن به شرط فقاہت یاد می‌کنیم. یعنی کسی می‌تواند متولی امور مسلمین باشد که چارچوب‌های دینی را درباره اداره جامعه بداند، و به همین مناسبت به او ولی فقیه گفته می‌شود.

شرط دوم، فهم شرایط جامعه است؛ زیرا لازمه حکمرانی توانایی تطبیق کلیات بر مصادیق است و این مستلزم درک عمیق مصادیق نیز هست، و این همان شرطی است که از آن به شرط آگاهی به شرایط زمان تعبیر می‌کنیم.

شرط سوم، مربوط به ویژگی‌های خلقی و شخصیتی است؛ و به این معناست که کسی شایستگی این سمت را دارد که از نظر اخلاقی در چنان حدی از رشد و قدرت معنوی و روحی باشد که بر نفس خود مسلط باشد و از هوی و هوس دوری‌گزیند و فریفته مطامع دنیوی و ترجیح منافع فردی و حزبی و مانند آنها نباشد و تحت تأثیر القانات دیگران قرار نگیرد و قاطعیت لازم را در بیان و دنبال کردن مصالح جامعه داشته باشد. البته ممکن است برخی افراد تنها در برخی از این شرایط بر دیگران ترجیح داشته باشند، اما ولی فقیه باید حد نصاب این شرایط را داشته باشد، و طبیعتاً آن شرایطی که بیشتر دخیل در امر اداره جامعه اسلامی است، اهمیت بیشتری دارند. و به نظر می‌رسد با فرض احراز اصل شرط اول، شرایط دوم و سوم از نظر مراتب موجب ترجیح می‌شوند. بنابراین، در میان کسانی که اصل قدرت فقاہت و اجتهاد را دارند، کسی که فهم او نسبت به شرایط اجتماعی و سیاسی بهتر و تقوا و عدالت و قاطعیتش بیشتر است ترجیح دارد. ویژگی‌های دیگر در صورتی که موجب اقتدار بیشتر نظام اسلامی و پذیرش بیشتر در میان مسلمانان جهان باشد نیز، موجب ترجیح می‌شود.



حکمرانی فقهی، یکی از ویژگی‌های مهم رهبر شهید

حجت‌الاسلام نواب | عضو جامعه روحانیت مبارز

مهمترین ویژگی مقام معظم رهبری که ایشان را منحصر به فرد می‌کرد، مجموعه صفاتی بود که اگر هر کدامش در یک شخصیت وجود داشته باشد، آن فرد شخصیت میرزی می‌شود. صفاتی از جمله دیانت، تقوا، سلامت نفس در بُعد تقوای ایشان. در بُعد علمی و فقهی، ایشان یک شخصیت اصولی و رجالی بودند و بر علوم حدیث کاملاً مسلط بودند؛ از طرف دیگر ایشان با علوم جدید یعنی با تمام رشته‌های دانشگاهی و ضرورت‌های دانشگاهی آشنا بودند. موضوع دانشگاه از همان دوران ریاست جمهوری‌شان برای ایشان موضوعیت داشت و به فکر دو نیاز اساسی دانشگاه یعنی متن و استاد بودند؛ بر همین اساس سازمان «سمت» را برای برطرف کردن نیاز دانشگاه به متن راه انداختند و دانشگاه «تربیت مدرس» را برای تربیت استاد تاسیس کردند. این‌ها اقدامات زمان ریاست جمهوری ایشان است.

کارنامه رهبر شهید

در دوران رهبری ایشان هم شاهد توجهشان به مسئله استقلال و رشد علمی کشور بودیم. بُعد دیگر شخصیت ایشان رویکرد فرهنگی‌شان بود. ایشان فردی بودند که توأمان هنر آیینی، دینی و سنتی ما را در کنار هنرهای مدرن حفظ می‌کردند و پیش می‌بردند. درک ایشان از سینما و ارتباطشان با کارگردانان در طول ۴۰ سال یک ویژگی منحصر به فرد بود. ضمن اینکه ایشان علاوه بر فهم هنر، درک عمیقی از مسئله تبلیغات، رسانه، فضای مجازی و آی‌تی داشتند. ایشان حدود یک دهه قبل به موضوع هوش مصنوعی اشاره کردند و تاکید کردند به این موضوع توجه کنید؛ پیش از آنکه آمریکایی‌ها اروپایی‌ها برای آن یک سازمانی درست کنند و بخواهند برای ما تعیین تکلیف کنند. در واقع «به روز بودن»، مهمترین ویژگی ایشان در عرصه‌های فرهنگی و علمی به شمار می‌آمد. بُعد دیگر شخصیت ایشان مسئله نظامی‌گری‌شان بود. من یک بار سال ۵۴ به

بیعت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل دوم



آیت‌الله اعرافی

تداوم بیعت و اطاعت

ضمن تسلیم

شهادت والد معظم،

انتخاب جناب عالی

را تبریک می‌گویم.

مطمئناً ملت شریف

ایران در بیعت

و اطاعت از ولی

فقیه، همانند دوران

امام علیه السلام و رهبر شهید،

پیشگام خواهند بود

و حوزه‌های علمیه

نیز در این مسیر

همراهی می‌کنند.

منزل ایشان رفته و ایشان از من درباره وضعیت پادگان شهر بنده، شهرضا پرسید. ضمن اینکه ایشان از سال‌های مبارزه با رژیم شاه و حضور در زندان‌های نظامی، بارده‌های نظامی آشنا شدند. دیگر ویژگی مهم ایشان ارتباطشان با همه اقشار جامعه از روحانی و بازاری گرفته تا شاعر و هنرمند و دانشجو در طول سالیان بود. یکی از مهمترین ویژگی‌های ایشان که باید در رهبر بعدی هم وجود داشته باشد، همین ارتباط گسترده با آحاد جامعه است. رهبر جدید باید بتواند با همه اقشار جامعه ارتباط برقرار کند؛ کما اینکه رهبر شهید حتی با انواع شخصیت‌های سیاسی حتی فردی مانند فروهر ارتباط داشتند. بنابراین می‌توانیم «هنر ارتباط» را مهمترین ویژگی رهبر شهید بدانیم. برای مثال در دیدارها و نمازهایی که می‌خواندند، پس از نماز با تک‌تک افراد احوال‌پرسی می‌کردند و از روند کار افراد می‌پرسیدند؛ از نویسنده درباره کتابش می‌پرسیدند؛ از دکتر آشتیانی درباره روند پیشبرد مسئله علمی‌شان یعنی درمان ناباروری می‌پرسیدند و... در واقع با هر مخاطبی از جنس کار خاص آن مخاطب ارتباط می‌گرفتند. دیگر وجه شخصیت ایشان، بُعد قرآنی‌شان بود. ایشان از جوانی بحث و ارتباطات قرآنی داشتند. هم در سطح قرائت و هم لایه‌های عمیق‌تری مانند جلسات تفسیر ایشان فعال بودند و با فعالان قرآنی ارتباط داشتند. همانطور که می‌دانیم ایشان قبل از انقلاب، جلسات قرآنی در مسجد کرامت مشهد داشتند و آثاری از ایشان در زمینه قرآنی وجود دارد که نشان‌دهنده عمق ایشان در مسئله قرآن است. در سایر رشته‌های علمی مانند علم رجال هم بی‌نظیر بودند؛ ایشان یک بار برای کنگره شیخ مفید یک پیغام ۵۰ صفحه‌ای ارسال کردند که بعد از خواندن آن پیام افراد حاضر در جلسه اذعان کردند که ایشان یک مجتهد تمام‌عیار است.

ویژگی‌های سیاسی رهبر شهید

همه آنچه تا اینجا بدان اشاره شد، مجموعه ویژگی‌های ایشان به جز بُعد سیاسی‌شان بود. بعد سیاسی ایشان به تنهایی یک دایره وسیعی بود. ایشان فردی کاملاً سیاست‌فهم بودند؛ در نقطه مقابل سیاست‌بازی. نکته قابل توجه درباره ایشان این بود که زیاد فرصت سفر به دنیا را پیدا نکرده بودند اما شناختشان از دنیا به واسطه مطالعات گسترده، فوق‌العاده بود. مهمترین ویژگی ایشان که باید به رهبر جدید به ارث برسد، درک فقهی ایشان است. ایشان به فقه اهل تسنن هم مسلط بودند و فقه‌تشان گسترده بود. رهبر جدید باید مانند ایشان «حکمرانی فقهی» بلد باشند و درک عمیقی از مسائل سیاسی کشور و جهان داشته باشند. مهمترین ویژگی ایشان جامعیتشان بود و مهمترین صفت مورد نیاز درباره رهبر آینده هم همین جامعیت در بُعد حکمرانی است تا از عرصه فرهنگی گرفته تا نظامی را دربرگیرد. در پایان باید این نکته را به یاد داشت که آقا مجموعه صفاتی داشتند که هر کسی اگر فقط یک مورد از آن صفات را داشته باشد، فرد ممتازی در آن حوزه می‌شود. برای مثال اگر فردی مانند آقا هنرشناس باشند، شخصیت مبرز در عرصه فرهنگی می‌شوند. جمع شدن مجموع این ویژگی‌ها در شخصیت ایشان بسیار مهم بود. در مسیر انتخاب رهبر جدید چنین صفات و مسیری طی شده است.

جانشینی ولی فقیه؛ تلفیق اجتهاد، زمان شناسی و محبوبیت عامه

حجت الاسلام پوردهب | نماینده ولی فقیه در کردستان

در مسئله انتخاب رهبر جدید، باید عرض کنم که بحث انتخاب رهبری از مسائل بسیار مهم است و باید چند مؤلفه را حتماً در نظر بگیریم. فرد منتخب باید حداقل صاحب اجتهاد و فرد مجتهدی باشد، عالم باشد و صاحب سبک در درس و سخن و ایراد مطالب و اگر ترجیح بر این است کرسی درس داشته باشد.

ممکن است کسی بگوید مثلاً مقام معظم رهبری در زمان امام چنین نبوده است؛ مقام معظم رهبری تا دوره انقلاب فعالیت فرهنگی و علمی زیادی داشتند، دوره انقلاب، هشت سال ریاست جمهوری، مسائل جنگ و... را گذرانده بودند؛ اکنون نیز می‌تواند فردی که در این سمت قرار می‌گیرد، فرد فقیه، عالم به روزگار و دارای بصیرت بسیار بالا و آگاهی‌های لازم باشد. به همه اینها مسئله مقبولیت عامه را نیز باید ضمیمه کرد چراکه ممکن است گزینه‌های متفاوتی داشته باشیم ولی یک گزینه نهایتاً از مقبولیت‌های بسیار بالاتری برخوردار است.

ارتباط با نسل جدید، حرف‌های نو و سبک جدید در رهبری، خصوصاً در جهان امروز بسیار مهم است؛ مقام معظم رهبری فردی بودند که سبک جدیدی را در مسئله رهبری و ارتباط با آحاد مردم ایجاد کردند و باید بگوییم که واقعاً بعد از امام عزیز (رحمت‌الله علیه)، سبک مقام معظم رهبری در مسئله رهبری جهان اسلام و رهبری ایران کاملاً حرکتی رو به جلو و پیشرفته بوده است که در ارتباط با دانشمندان، جوانان، شعرا و هنرمندان وجود داشته است. مسئله شجاعت و تصمیم‌های شایسته و نافذ که مورد قبول تمام تحلیل‌گران، ولو مخالف هم باشد ویژگی مهم دیگری است که در شخص مقام معظم رهبری بوده و باید در رابطه با بزرگواری که قرار است در جای ایشان قرار بگیرد هم وجود داشته باشد.

از سوی دیگر موضوع سن و سال در موقعیت رهبری هم دقت لازم می‌خواهد. بالاخره خود مقام معظم رهبری هم در سن ۵۰ سالگی رهبری را بر عهده گرفتند و در طی ۳۶ سال نظام را به شایستگی پیش بردند.

در وضعیت جنگی فعلی شجاعت و تصمیمات شجاعانه گرفتن بسیار مهم است؛ در سال ۶۸ وقتی رهبر انقلاب مسئولیت را بر عهده گرفتند، یک سال از جنگ گذشته بود و البته زمان بسیار حساسی بود و شاید پذیرش یک رهبری به جز امام قدری برای مؤمنین و مؤمنات مشکل بود، اما ایشان به شایستگی از این مسئولیت خطیر برآمدند.

محبوبیت و مقبولیت که از سلوک فرد و جایگاهش در نزد مردم بدست می‌آید نیز مهم است؛ امام (رحمت‌الله علیه) در طی ۱۱ سال رهبری، انقلاب را به یک نقطه‌ای رساندند. رهبر معظم انقلاب از آن نقطه با سرعت خیلی زیاد انقلاب را پیش بردند و با تمام اتفاقاتی که افتاد، به یک نقطه بسیار شایسته‌ای رساندند. از این رو شخص جدید و جانشین رهبر شهید باید بتواند انقلاب را از این نقطه‌ای که تحویل می‌گیرد، پیشرفت بیشتر برساند.

رهبر جدید فقط نباید مدیریت کند، بلکه باید بتواند هدایت کند؛ همان‌طور که در این دوران در زمینه تکنولوژی، مسائل علمی، بحث‌های سیاسی، کنش‌ها و رفتارهای رو به جلویی داشتیم در تعاملات جهانی هم کاملاً حرکت رو به جلویی داشتیم.

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل دوم



پرورش در بیت جهاد و شهادت



حجت الاسلام والمسلمین
علی عباسی

رئیس جامعه المصطفی
العالمیه

بحمد الله اعضای محترم مجلس خبرگان به وظیفه شرعی و قانونی خود عمل کردند و در سریع‌ترین زمان ممکن، با توجه به شرایط خاص و جنگی که کشور در آن قرار داشت، این موضوع را پیگیری کردند و به سرانجام رساندند.

علی‌رغم اینکه در ابتدا به دلیل ملاحظات امنیتی، امکان برگزاری جلسه حضوری فراهم نبود و مسئولان امنیتی موافق تجمع نبودند، بررسی‌های اولیه، جمع‌آوری پیشنهادهای و به تعبیری رأی‌گیری استمزاجی به صورت غیرحضوری انجام گرفت. در نهایت، در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، جلسه به صورت حضوری تشکیل شد و رأی نهایی در آنجا اخذ شد که نتیجه آن نیز به اطلاع ملت شریف رسید.

خبرگان امت، آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای را با رأی قاطع و بسیار جدی انتخاب و معرفی کردند تا خدای نکرده خلأ رهبری در کشور ایجاد نشود. گرچه داغ فقدان رهبر شهیدمان همچنان بر دل‌های ما سنگینی می‌کند و ان شاء الله تا انتقام ایشان را نگیریم از پای نخواهیم نشست، اما انتخاب و معرفی رهبر جدید، التیامی بر قلوب مومنین و ملت ایران است که با همت اعضای محترم خبرگان انجام پذیرفت.

نسبت به شخصیت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای، مجلس خبرگان بر اساس وظایفی که قانون اساسی بر عهده‌اش نهاده است، بایستی شرایط و صفات رهبری را احراز می‌کرد. در میان گزینه‌های مطرح، شروطی نظیر فقاها، اجتهاد، مدبر بودن و توانایی اجرایی در کمال دقت بررسی و در ایشان احراز و تأیید شد. از جهت فقاها و اجتهاد، ایشان قریب به ۲۰ سال است که دروس خارج ارائه می‌کنند و شاگردان فراوانی در قم و تهران داشته‌اند. مرتبه فقاها و اجتهاد ایشان امری است که برای اساتید و اهل فن کاملاً محرز و مشخص بود.

آشنایی ایشان با امور کشور نیز بی‌نظیر است؛ چرا که ایشان مشاور امین حضرت آقا بودند و در طی این سال‌ها، هر چند مسئولیت رسمی و ظاهری نداشتند، اما به عنوان امین و مشاور ایشان، در جریان تقریباً تمامی مسائل کشور از مباحث سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تا مسائل نظامی و امنیتی قرار داشتند.

به معنای واقعی کلمه، ایشان آشناترین شخص به مسائل کشور از این جهت به حساب می‌آمدند. ویژگی‌های اخلاقی ایشان از جمله مدیریت، تدبیر، تقوا، پارسایی و زهد، زبانزد کسانی است که ایشان را از نزدیک می‌شناسند. اعضای خبرگان نیز با توجه به شناخت نزدیکی که داشتند، به این نتیجه رسیدند که تمامی صفات لازم برای رهبری، بیش از حد انتظار در شخصیت ایشان وجود دارد؛ به همین جهت با وجود گزینه‌های دیگر، بر بیعت با ایشان اتفاق نظر داشتند.

از سوی دیگر حضور پرشور مردم در خیابان‌ها در این روزها و شب‌ها، نشان از مقبولیت ایشان دارد. همچنین امتحانی که خدای متعال برای ایشان رقم زد، یکی از ویژگی‌های مهم برای کسی است که می‌خواهد پیشوای جامعه باشد؛ کسی که می‌خواهد دیگران را به جهاد و شهادت دعوت کند، خود باید از خاندان جهاد و شهادت باشد.

ایشان با ابتلا به داغ شهادت والد بزرگوار، مادر، همسر و خواهرشان، نشان دادند که در بیت جهاد و شهادت پرورش یافته‌اند. خود ایشان نیز از سنین نوجوانی به عنوان رزمنده در دوران دفاع مقدس حضور داشتند و در همان زمان نیز به مقام جانبازی نائل آمدند. در حوادث اخیر نیز به همین شکل عمل کردند و خداوند ایشان را برای هدایت جامعه حفظ فرمود.

زهد، پارسایی و بی‌اعتنایی ایشان به مظاهر دنیوی، علی‌رغم موقعیت خاصی که داشتند، از گذشته زبانزد بوده است. تمامی این صفات برای جایگاه رهبری لازم و ضروری هستند و ما خداوند متعال را برای این نعمت شکرگزاریم.



حضور پرشور مردم
در خیابان‌ها در این
روزها و شب‌ها، نشان از
مقبولیت ایشان دارد.
همچنین امتحانی
که خدای متعال برای
ایشان رقم زد، یکی
از ویژگی‌های مهم
برای کسی است که
می‌خواهد پیشوای
جامعه باشد؛ کسی که
می‌خواهد دیگران را به
جهاد و شهادت دعوت
کند، خود باید از خاندان
جهاد و شهادت باشد.

بهترین منبع شناخت رهبر جدید چیست؟



عباس سلیمی نمین

پژوهشگر تاریخ معاصر

آنچه پیش از بررسی ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران باید به آن توجه داشت، بحث تجربه سالیان متمادی ملت ایران در ارتباط با تلاش‌های غرب برای سرکوب استقلال این مرز و بوم است. این تجربیات امروز در عملکرد مردم کاملاً تجلی پیدا کرده است. ما پیش از این نیز شاهد بودیم که ساختار سیاسی چگونه در برابر ضربات ایستادگی می‌کند؛ به عنوان مثال در ابتدای دهه ۶۰ رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و مقامات مختلف ما را به شهادت رساندند و پیش از آن نیز با انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی، بسیاری از شخصیت‌های برجسته را از ما گرفتند، اما بلافاصله با توجه به ساختار قانونی، این ضربات ترمیم شد. اما آنچه در جنگ اخیر به خوبی قابل درک است، این حقیقت است که مردم جایگاه خود را در ساختار سیاسی کاملاً بازشناخته‌اند و با قدرت از آن پشتیبانی و از نقش تعیین‌کننده خود در ساختار سیاسی مراقبت می‌کنند.

مردم خلا کوتاه مدت نبود رهبری را پر کردند

در دوران اخیر شاهد بودیم که خلایی ایجاد شد و به ویژه پس از به شهادت رساندن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تا زمانی که مجلس خبرگان رهبر جدید را انتخاب کرد، وقفه‌ای پیش آمد. در این وقفه، مردم بر اساس فهم سیاسی بسیار بالای خود عمل کردند و این خلأ را کاملاً پر نمودند. این واقعیت در بیانیه رهبر جدید ایران نیز به خوبی منعکس شد که تأکید داشتند در شرایطی که ما رهبری (منسجم) نداشتیم، شما ملت کاملاً دقیق عمل کردید و از جایگاه خود در نظام جمهوری اسلامی دفاع نمودید. این مطلب حائز اهمیت بسیاری است و نشان‌دهنده درک سیاسی بالای مردم است که امروزه به مسئله اصلی دشمن تبدیل شده است؛ چرا که مردم دقیقاً متوجه کارکرد دشمن شده‌اند و می‌دانند آن‌ها چه اهدافی را دنبال می‌کنند.

طرح‌های تکراری تجزیه طلبانه

از سوی دیگر تجربه مقابله با طرح‌های تجزیه طلبانه بسیاری از اقداماتی که امروز صورت می‌گیرد، تکراری است. تلاش برای تجزیه ایران از همان ابتدای پیروزی ملت در سال ۱۳۵۷ آغاز شد. پس از آن، صدام در زمان حمله به ایران رسماً اعلام کرد که باید جزایر و خوزستان از ایران تجزیه شوند؛ همچنین تحرکاتی که در سایر نقاط از جمله کردستان، سیستان و بلوچستان و دیگر مناطق صورت می‌گرفت، تجربه‌ای را به ملت ایران منتقل ساخت و فهم سیاسی ملت را ارتقا داد.

بنابراین در جنگ اخیر ملت ایران کاملاً واقف است که برای استفاده از تجربیات گذشته و خنثی کردن تحرکات دشمن و ایادی اش باید چگونه عمل کند.

قوت قانون اساسی مشخص شد

در این میان، ساختار محکم و دقیقی که بر اساس قانون اساسی بنیان گذاشته شده است نیز کمک شایانی می‌کند. همان طور که اشاره شد، در روزهایی که برخی بخش‌های مهم فرماندهی نداشتند (از جمله ستاد کل نیروهای مسلح و سپاه پاسداران به واسطه فقدان رهبری)، این بخش‌ها در کنار ملت ایران با وقوف کامل به وظایف خود، چنان دقیق عمل کردند که به دشمن شوک وارد شد. دشمن هرگز تصور نمی‌کرد با چنین وظیفه‌شناسی از سوی ملت ایران مواجه شود. تصور آن‌ها این بود که با هدف قرار دادن رهبری و وارد کردن شوک جدی از طریق به شهادت رساندن نزدیک به ۲۰۰ خردسال، جامعه ما را دچار از هم‌گسیختگی خواهند کرد تا به اهداف شوم خود برسند، اما هیچ‌کدام از این تصورات جامه عمل به خود نپوشید.

بهترین منبع شناخت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای

درباره رهبری آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای نیز معتقدم بهترین منبع برای شناخت جامع ایشان، همان اولین بیانیه صادره از سوی ایشان است. این بیانیه گویای همه ابعاد شخصیتی ایشان بوده و باعث تعجب محافل سیاسی شد؛ چراکه نشان داد نویسنده آن وجوه شخصیتی گوناگونی دارد. ایشان از یک سو با شدت در برابر خصم می‌ایستد و از سوی دیگر در برابر مردم متواضع است و اعتقاد جدی به نقش مردم در نظام سیاسی دارد. در این بیانیه اذعان شد که رهبری بدون حمایت مردم هرگز نمی‌تواند کاری را پیش ببرد. این نکته بسیار مهمی است که شاید برخی عامدانه به آن توجه نکنند؛ در حالی که ایشان تأکید داشتند هم در ایامی که رهبری نبود ملت ایران رهبر واقعی بودند و هم امروز در برابر مشکلات جدی، رهبری بدون مردم قادر به انجام کاری نخواهد بود لذا این تأکید بر نقش مردم در دیدگاه ایشان بسیار کلیدی است.

قاطعیت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای در مقابل بیگانگان مهاجم

از سوی دیگر، قاطعیت ایشان در برابر بیگانه مهاجمی که قصد تعدی به حقوق ملت و تضعیف ایران را دارد، بسیار برجسته است. ایشان مسیر تأمل برانگیزی را ترسیم کردند که اگر کسی به منافع ملت ضربه بزند، ما چه مسیری را طی خواهیم کرد؛ مسیری که در آن اگر بتوانیم غرامت می‌گیریم و اگر نتوانیم، به همان میزان که به ما ضربه زده شده، ضربه متقابل خواهیم زد. البته در کنار این بیانیه که محل قضاوت عمومی است، بنده شناخت دیرینه‌ای از ایشان دارم و ایشان را شخصیتی بسیار متواضع، عالمی فرهیخته و خودساخته می‌دانم. کارهایی که به سفارش ایشان در سال گذشته در قم صورت گرفت برای ما بسیار درس آموز بود. اگرچه این‌ها تجربیات فردی بنده است، اما همان طور که عرض شد، نخستین بیانیه ایشان می‌تواند برای تمام عرصه‌های جامعه منشأ شناخت دقیق باشد.



درباره رهبری آیت‌الله
سید مجتبی‌خامنه‌ای
نیز معتقدم بهترین
منبع برای شناخت
جامع ایشان، همان
اولین بیانیه صادره از
سوی ایشان است. این
بیانیه گویای همه ابعاد
شخصیتی ایشان بوده
و باعث تعجب محافل
سیاسی شد

آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای، استمرار راه پدر شهید و آرمان‌های انقلاب



حسین مظفر

عضو مجمع تشخیص
مصلحت نظام

ساختار تعیین رهبری در نظام سیاسی ما کاملاً مشخص و مدون است. تمام تلاش خبرگان بزرگوار بر این بود که فرآیند و روند پیش‌بینی شده در این ساختار به دقت رعایت شود که خوشبختانه این امر محقق شد؛ بدین معنا که اعضای محترم هم به صورت شفاهی و مجازی آرا را مورد بررسی قرار دادند و البته به آن هم اکتفا نکرده و به صورت حضوری اجتماع کردند. از گذشته نیز کمیسیون و کمیته تحقیق مربوطه در مجلس خبرگان، امور را دنبال کرده و افرادی را که در مظان رهبری بودند، شناسایی کرده بودند.

خبرگان رهبری شایستگی عمومی افراد را مدام بررسی می‌کند

بنابراین، این انتخاب اخیر به هیچ عنوان فی‌البداهه نبوده است؛ بلکه مجموعه افرادی که شایستگی‌های عمومی را دارا بوده و در مظان رهبری قرار داشتند، مورد بررسی دقیق قرار گرفتند. در نهایت، این فرآیند منجر به انتخاب سلاله‌ای پاک از سلاله‌های مطهر، یعنی فرزند رهبر عزیز و شهیدمان، آقا مجتبی خامنه‌ای شد. به نظر بنده، ایشان مصداق بارز «صالح بعد صالح» و تجلی بخش این آیه قرآن هستند که می‌فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»؛ خداوند بهتر می‌داند که رسالت، امامت و مأموریت الهی خود را به چه کسی واگذار کرده و زمینه‌های آن را برای چه کسی فراهم آورد.

خوشبختانه این انتخاب صورت گرفت و اعتقاد من بر این است که این شخصیت بزرگوار، به واسطه همراهی با پدر بزرگوار و شهیدشان، تجربیات گران‌بها و دستاوردهای عظیمی در ابعاد مختلف و زمینه‌های گوناگون در دوران زعامت امام شهیدمان به دست آورده‌اند. ایشان خود جوانی زیرک، باهوش و تیزهوش هستند.

بنده این توفیق را داشتم که علاوه بر ارادت قلبی دیرینه، از نزدیک با ایشان همسفر حج باشم و با یکدیگر مأنوس شویم. عشقی که من به این خاندان دارم، به سال‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد و احساسم این است که ایشان بهترین گزینه ممکن بودند که هم دل یاران انقلاب را شاد کردند و هم استمرار بخش آرمان‌های رهبر شهیدمان شدند.

خامنه‌ای جوان شد

با انتخاب ایشان، نام «خامینی و خامنه‌ای» همچنان بر فراز تاریخ ایران، درخشان‌تر و پرآوازه‌تر از گذشته طنین‌انداز شد.

ایشان خود یک مجاهد و رزمنده هستند که در بسیاری از امور سرپرستی‌هایی بر عهده داشته‌اند. آن قدر متواضع بوده‌اند که نه پشت دوربین آمدند، نه مصاحبه‌ای انجام دادند و نه اظهار وجودی کردند؛ به همین جهت هیچ‌کس نمی‌تواند ادعایی علیه ایشان داشته باشد. تمام کارنامه ایشان مثبت و درخشان است و برای ملت ما افتخار بزرگی است که با حضور ایشان، نام خامنه‌ای زنده شد و همان‌گونه که گفته شد، «خامنه‌ای جوان شد».

ان‌شاءالله آرمان‌های امام عزیز و امام شهیدمان همچنان بر فراز تاریخ و جهان با صدایی رساتر، برافراشته‌تر و پرخروش‌تر خواهد بود.

بی سابقه‌ترین بیعت تاریخی

از سوی دیگر این انتخاب، رعب و وحشت بسیاری بر دل دشمنان افکند و آرزوی بدخواهان و ناکامانی را که می‌خواستند انقلاب ابتر بماند و ادامه پیدا نکند، به گور برد. خوشبختانه این موضوع شادی بزرگی در کشور ایجاد کرد. ملتی که اکنون در خیابان‌ها حضور یافته و این‌گونه حمایت می‌کنند، بی سابقه‌ترین بیعت تاریخی را رقم زده‌اند.

این بیعت بزرگ در کنار زمینه‌های شخصیتی و وراثتی ایشان، می‌تواند پشتوانه‌ای عظیم برای موفقیتشان باشد. اعتقاد دارم پیروان تمام گرایش‌ها و سلاقی مختلف، همان‌گونه که تاکنون ابراز وفاداری کرده‌اند، باز هم استوارتر از همیشه بر پیمان و وثیق خود باقی بمانند، بیعت خود را آشکار کنند، «اما و اگرها» را کنار بگذارند و با قطع دندان طمع دشمنان، مسیر سربلندی و عزت کشور را تحت حمایت رهبر عزیز، جدید، جوان و پرنشاطمان رقم بزنند.

سرعت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در رسیدن به اجتهاد و فقاقت

در خصوص شاخصه‌های علمی و فقهاتی ایشان نیز باید عرض کنم که ایشان از همان دوران کودکی دروس طلبگی را در قم آغاز کردند و نزد اساتید مختلف تلمذ نمودند. ایشان در کنار بهره‌مندی از محضر پدر بزرگوارشان، به دلیل تیزهوشی مفرط، به سرعت به درجه اجتهاد نائل شده و فقیه گشتند.

ایشان بیش از بیست سال است که تدریس درس خارج را آغاز کرده‌اند؛ شوخی نیست، کسانی که در حوزه‌های علمیه درس خارج تدریس می‌کنند، به آن مرتبه از فقاقت رسیده‌اند که با تمام معارف دینی آشنایی کامل دارند.

از نظر مسائل سیاسی نیز ایشان پرتجربه‌ترین فرد در تاریخ انقلاب هستند، چرا که سال‌ها در کنار رهبری حضور داشته و تمام فراز و فرودها را می‌شناسند. ایشان دشمن‌شناس، ژرف‌اندیش و انسانی با طمأنینه و آرام هستند. آرامش ایشان برای جامعه ما سکینه به ارمغان می‌آورد، اما در برابر دشمنان، طوفانی خشمگین هستند. ما نیز این کلام قرآن را خطاب به دشمنان می‌خوانیم: «قُلْ مَوْتُوا بِعَيْظِكُمْ»؛ بگواز خشم خود بمیرید و آرزوی خود را به گور ببرید.



این انتخاب، رعب و
وحشت بسیاری بر دل
دشمنان افکند و آرزوی
بدخواهان و ناکامانی
را که می‌خواستند
انقلاب ابتر بماند و ادامه
پیدا نکند، به گور برد.
خوشبختانه این موضوع
شادی بزرگی در کشور
ایجاد کرد. ملتی که
اکنون در خیابان‌ها
حضور یافته و این‌گونه
حمایت می‌کنند، بی
سابقه‌ترین بیعت
تاریخی را رقم زده‌اند.



فقاہت، زمان شناسی و مدیریت؛ سه ضلع رهبری جدید انقلاب



سیدرضا اکرمی

فعال سیاسی

خوشبختانه درباره شخصیت علمی و فقهی مقام معظم رهبری جدید نکات برجسته‌ای وجود دارد. ایشان از درایت و دانش بالایی برخوردارند و در عرصه تحصیل و تدریس، جایگاه رفیعی در میان علما دارند. لازم است تأکید شود که به برخی شباهت مطرح شده در جامعه نباید بها داد؛ چراکه این شباهت معمولاً بهانه جویانه است و هدفی جز ایجاد ابهام ندارد. رهبر جامعه باید ویژگی‌های متعددی داشته باشد؛ از جمله تدبیر، توان مدیریتی، کفایت، زمان شناسی و آگاهی نسبت به شرایط مسئولیت.

انتخاب آیت‌الله سیدمحتبی خامنه‌ای توسط نخبگان و خبرگان نشان‌دهنده توجه به تمام جوانب علمی، فقهی و رفتاری ایشان است. ایشان نه تنها عالمی عادل هستند، بلکه فردی متقی، زمان شناس و دارای کفایت لازم برای رهبری ملت ایران و سایر ملت‌ها به شمار می‌آیند.

اگر ولایت موروثی بود چرا فرزند اول رهبر شهید انتخاب نشد؟

توده مردم نیز به شایستگی ایشان توجه دارند؛ به گونه‌ای که شعارها و رفتارهای مردم



نشان دهنده احترام و باور به رهبر جدید است. همان گونه که مردم به رسول اکرم ﷺ، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و سایر ائمه احترام می گذارند، انتخاب رهبر توسط خبرگان نیز انتخابی مبتنی بر شایستگی و صلاحیت است.

بنابراین، طرح موضوع موروثی بودن اساساً قابل استناد نیست چراکه اگر موروثی بودن ملاک بود، باید فرزند اول رهبر شهید انتخاب می شد. در حالی که این انتخاب بر پایه شایستگی علمی، فقهاتی و مدیریتی صورت گرفته است. ایشان در حوزه علمیه و همچنین در دفتر رهبری، تدریس گسترده ای داشته اند و صدها نفر از شاگردان ایشان تحت آموزش بوده اند. تمامی کسانی که با ایشان محشور بوده اند، صلاحیت، درایت و کفایت ایشان را تأیید می کنند. کشور ما از نخبگان فراوان و استعدادهای بالایی برخوردار است. نمونه این ظرفیت را می توان در عملکرد کشور در جنگ ها و دفاع از دستاوردهای ملی مشاهده کرد. از روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی تا امروز، پیشرفت های نظامی چشمگیری حاصل شده است از جمله ساخت موشک های نقطه زن و پهپادها. این دستاوردها نشان دهنده ظرفیت بالای کشور و همچنین توان مدیریتی رهبر جدید در هدایت این ظرفیت ها است.

انتخاب رهبر سوم نیز با عقل، علم و درایت انجام شد

لازم است دعا کنیم که جنگ ها به پایان برسد و در شرایط آرامش، مقام معظم رهبری جدید بتوانند توانمندی ها و درایت خود را بیش از پیش نشان دهند. حتی در همین ده تا دوازده روز اخیر نیز امور کشور به شکل شایسته ای اداره شده است.

همان گونه که امام خمینی رحمه الله فرمودند، انقلاب قائم به شخص نیست و این ارزشمندان و نخبگان هستند که آن را پیش می برند. انتخاب رهبر سوم نیز با عقل، علم و درایت انجام شد و ان شاء الله با مدیریت ایشان، استعدادها و ظرفیت های کشور به شکلی برجسته تر به نمایش گذاشته خواهد شد.



طرح موضوع موروثی

بودن اساساً قابل

استناد نیست چراکه

اگر موروثی بودن

ملاک بود، باید فرزند

اول رهبر شهید انتخاب

می شد. در حالی که

این انتخاب بر پایه

شایستگی علمی،

فقهاتی و مدیریتی

صورت گرفته است.



مرجعیت فکری و مذهبی آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای سومین رهبر انقلاب اسلامی



کازم انبارلویی

عضو شورای مرکزی حزب
موتلفه اسلامی

امروز هیچ قدرتی در جهان قادر به درهم کوبیدن سازه مستحکم انقلاب اسلامی نیست. اگر از ما بپرسند که بر چه اساسی چنین ادعایی می‌کنیم، پاسخ می‌دهیم که تاریخ پنجاه سال اخیر ایران را مطالعه کنید؛ چه اتفاق سهمگینی بایستی رخ می‌داد که تاکنون به وقوع نپیوسته است؟ حقیقت این است که هر چقدر بیشتر تحت فشار و ضربات قدرت‌های جهانی قرار بگیریم، قدرتمندتر از گذشته قد علم می‌کنیم. اکنون ما در چنین مقطع حیاتی و سرنوشت‌سازی به سر می‌بریم.

ما اطمینان داریم که در این نبرد علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی پیروز خواهیم شد و آن جایگاهی که پس از این پیروزی در سطح منطقه و جهان ظهور خواهد کرد، تجلی یک ابرقدرت معنوی و یک ابرقدرت واقعی خواهد بود.

ما امروز از رهبری بهره‌مند هستیم که در تراز مرجعیت فکری و مذهبی قرار دارند و این دقیقاً همان نکته کلیدی است که در نهضت مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت از وجود آن بی‌بهره بودیم. این جایگاه، همان سد پولادینی است که امام خمینی علیه السلام درباره آن فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد و گرفتار

دیکتاتوری نشوید». اکنون ما در سایه نظام حکمرانی عدل و علم زندگی می‌کنیم. شخصی که در رأس حکومت ما قرار گرفته است، برجسته‌ترین صفاتش عدالت، علمیت و دانش وافر است که با آگاهی به مقتضیات زمان، شجاعت و تدبیر در امور پیوند خورده است.

خبرگان رهبری رهبر جدید را کشف کرد نه انتخاب

زمانی که در شب قدر ماه مبارک رمضان اعلام شد مجلس خبرگان تشکیل شده است، در حقیقت ایشان را «کشف» کردند، نه اینکه انتخاب کرده باشند. وقتی این خبر اعلام می‌شود، مردم با وضعیتی وصف‌ناپذیر استقبال کرده و آن را می‌پذیرند. اکنون ما دارای ولی امری هستیم که به لحاظ کاریزمای شخصیتی، پدر، مادر و همسرشان به شهادت رسیده‌اند و خودشان نیز در حال حاضر مجروح هستند. این موارد بر صلاحیت‌های مندرج در قانون اساسی که اعضای مجلس خبرگان به حق تشخیص داده‌اند، افزوده شده است.

آیا رهبر جدید سابقه اجرایی ندارد؟

در همین زمینه شبهاتی وارد می‌کنند از جمله فقدان سابقه اجرایی ایشان است. گاهی سابقه اجرایی به معنای حضور فرد در یک منصب علنی مانند نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری یا مناصبی از این دست تعریف می‌شود که به آن سابقه می‌گویند. اما گاهی فردی در معرض تمامی این مناصبی اجرایی قرار دارد و در کنار پدرشان به عنوان یک مشاور عالی، چه در زمینه نیروهای مسلح و چه در بدنه دولت جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند. سید مجتبی خامنه‌ای گرچه منصبی رسمی در دفتر امام شهید ما نداشتند، اما در کنار ایشان در حقیقت بیش از سه دهه در جریان تحولات اجرایی، مسائل نظامی و شناخت شخصیت‌های اجرایی کشور و نحوه مدیریت کلان بوده‌اند. این گونه نبوده است که ایشان صرفاً یک استاد برجسته حوزه در مقام تدریس باشند، بلکه در زمینه‌های مختلف اجرایی نیز حضور فعال داشته‌اند.

زندگی ساده زیستانه در مقابل تهمت‌های اقتصادی

یکی دیگر از مسائلی که به عنوان شبهه، بیشتر در رسانه‌های ضدانقلاب مطرح می‌شود، موضوعاتی نظیر میزان سرمایه‌گذاری ایشان در اروپا، ثروت شخصی، امپراتوری نفت و املاک است. همگان می‌دانند که ایشان نیز مانند پدر بزرگوارشان ساده‌زیست بوده‌اند. یکی از شرایطی که پدر شهیدشان بارها به مجلس خبرگان به عنوان شرایط رهبری آینده یادآور می‌شدند، همین مسئله ساده‌زیستی ایشان است. خبرگان نیز یکی از دلایل برجسته در انتخاب ایشان را همین زهدطلبی دانسته‌اند. نه تنها ایشان، بلکه دیگر فرزندان رهبری، زندگی بسیار ساده‌ای دارند. از طرف امام شهید، دامادها نیز گویا همگی از ورود به فعالیت‌های اقتصادی منع می‌شدند و خود ایشان نیز به همین صورت عمل کرده‌اند؛ یعنی ساده‌زیست‌ترین طلبه کشور آقا مجتبی عزیزی هستند که انتخاب شده‌اند.



زمانی که در شب قدر ماه
مبارک رمضان اعلام شد
مجلس خبرگان تشکیل
شده است، در حقیقت
ایشان را «کشف» کردند،
نه اینکه انتخاب کرده
باشند. وقتی این خبر
اعلام می‌شود، مردم با
وضعیتی وصف‌ناپذیر
استقبال کرده و آن را
می‌پذیرند.

مردم به زودی از توانایی رهبر جدید مطلع خواهند شد

در مورد این شبهه که ایشان شناختی از مسائل جهانی ندارند هم باید گفت کسانی که در درس خارج ایشان شرکت می‌کنند یا با ایشان حشر و نشر دارند، مجموعه‌ای عظیم از اطلاعات علمی و توانایی‌های اجتماعی و سیاسی را در ایشان مشاهده می‌کنند. ان شاء الله پس از آنکه ایشان در انظار ظاهر شوند و مردم به صورت چهره به چهره با ایشان روبرو گردند، از سطح اطلاعات علمی و آگاهی ایشان نسبت به مسائل جهانی و منطقه‌ای مطلع خواهند شد. این‌ها نوعاً شبهاتی است که درباره ایشان مطرح می‌گردد.

اما باید بگوییم این ما امروزه با کشورهایی در حال ستیز هستیم که پس از جنگ جهانی دوم، هیچ قدرتی جرئت شلیک حتی یک گلوله به سمت آن‌ها را نداشته است؛ اما اکنون پایگاه‌های آمریکا در منطقه و مراکز حیاتی در تل‌آویو و حیفا تحت تأثیر اقتدار ما قرار گرفته‌اند.

این دستاوردها تنها مربوط به سازه نظامی نیست، بلکه در بخش‌های اجرایی و سیاسی نیز کشور در مدت کوتاهی به ثبات رسید. اکنون شرایط به گونه‌ای مدیریت شده است که این منصب به کسی رسیده که هیچ‌کس در ایران مدعی رقابت با او نیست؛ یعنی همگان بر این تصمیم اجماع نموده و توافقی شگرف در کشور حاصل شده است تا ایشان مسیر امام خمینی علیه السلام و پدر شهید بزرگوارشان را ادامه دهند. اطمینان داریم که ایشان در رکورد حکمرانی، برگ زرین دیگری را پس از امام و ابوی شهیدشان ثبت خواهند کرد.

باید افتخار کنیم در دوران خمینی و خامنه‌ای بودیم

ما باید افتخار کنیم که در عصری زندگی می‌کنیم که هم دوران نورانی امام خمینی علیه السلام و هم دوران امام شهیدمان را درک کرده‌ایم. اکنون در حال عبور از یک پیچ و گردنه تاریخی هستیم که ورق تازه‌ای در تاریخ ایران می‌گشاید و باید خطوط تاریخ معاصر ما را با خط طلایی بنگارند؛ دورانی که زعامت آن بر عهده آقا مجتبی، فرزند شهید امام خامنه‌ای است. در خصوص کارکرد رهبری در ثبات سیاسی و امنیت ملی، باید گفت وقتی بر اساس مکانیزم‌های قانون اساسی و با رأی مجلس خبرگان، نخبگان و مراجع عالی قدر داخل و خارج از کشور، سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان شاخص حکمرانی به مردم معرفی می‌شوند، نخبگان، دانشگاہیان و روشنفکران نیز با ایشان همراه می‌گردند. از نظر امنیت ملی، ما در داخل هیچ‌گونه اختلاف و مشکلی نداریم و ایشان در جایگاهی رفیع قرار دارند که به راحتی می‌توانند کشور را اداره کنند.

چرا نهضت امام خمینی علیه السلام موفق تر از تجربه های قبلی است؟

در صد سال اخیر، سه نهضت در ایران به وقوع پیوست؛ نخست نهضت مشروطه که به دلیل فقدان چنین جایگاه رهبری، ظرف یک سال سرنگون شد و از دل آن دیکتاتوری رضاخان پدید آمد که به مراتب بدتر از دوران قاجار بود. نهضت دوم، ملی شدن صنعت نفت بود که باز هم به دلیل نبود رهبری واحد، پس از یک سال شکست خورد و به دیکتاتوری محمدرضا پهلوی منتهی شد. اما در نهضت امام خمینی علیه السلام این اتفاق رخ نداد؛ با وجود اینکه حوادثی به مراتب سهمگین‌تر، از جمله ده‌ها کودتا و جنگ خارجی بر آن تحمیل شد، این نظام تکان نخورد؛ زیرا ما از نعمتی به نام ولایت برخوردار بودیم.

امروز هم نظام ما با داشتن چنین رهبری ادامه مسیر را تا ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و سپردن پرچم ایران توسط ولی فقیه به دستان مبارک امام زمان ادامه خواهد داد.



رهبری در شخصیت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای متبلور است

آن شناختی که بنده نسبت به حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای دارم و الحمدلله توفیق داشتم که خدمتشان برسم، در چند بُعد می‌توان در حقیقت خصوصیات و ویژگی‌های ایشان را دسته‌بندی کرد.

ویژگی‌های شخصی

یک بُعد شخصی ایشان است؛ شخصیتی بسیار متقی، متواضع، خوش‌برخورد و بسیار تیزبین دارند. وقتی گزارش می‌دهند و ایشان گوش می‌کنند، خیلی دقیق هستند و بسیار نکته‌سنج می‌باشند. ساده‌زیست بوده و نسبت به مسائل اخلاقی بسیار مقید هستند؛ همچنین در رفتارشان انضباط و دقت دارند. ایشان شاگرد علمای بزرگی بوده‌اند از جمله پدر بزرگوارشان و شخصیت‌های دیگر که مورد تأیید بسیاری از فقها، مجتهدین و مدرسین قم بودند و خوبی خود را در خبرگان نشان دادند. حال اینکه اکثریت بالای خبرگان که مجتهدین متقی هستند، نسبت به ایشان عنایت داشتند.



لطف‌الله فروزنده

عضو شورای مرکزی جمعیت
ایثارگران

ویژگی‌های علمی

ویژگی‌های علمی ایشان است که بسیار روان و خوش بیان مطالب و مسائل را بیان می‌کردند و بسیار تیزبین و دقیق بودند. به هر حال مجتهدی هستند که نسبت به مسائل روز کاملاً شناخت دارند مخصوصاً مسائل حکمرانی و مسائل کلان کشور.

ویژگی‌های مدیریتی

در بُعد مدیریتی، اولاً ایشان در کنار رهبر عزیز، امام شهیدمان بودند و این مسئله خیلی مهمی است. یک مشاور امین بودند و دیدگاه‌ها و نظرات مفصلی داشتند؛ خودشان بخشی از کارها را به اذن ایشان اداره می‌کردند. خیلی نسبت به مسائل دانش بنیان حساس بوده و پیگیری می‌کردند.

دشمن شناسی و اقبال عمومی

مسئله دیگر این است که به مسائل جهانی و تکنیک‌های جدید کاملاً آشنا هستند. دشمن را خیلی خوب می‌بینند و مسلط هستند، نیروهای نظامی با ایشان ارتباط دارند و نسبت به ایشان ارادت دارند. همه مردم دیدند که لطف الهی این بود و مردم به شدت مطالبه می‌کردند و وقتی ایشان انتخاب شدند، بسیار خوشحال شدند. از طرفی دیگر همه مقامات و مسئولین استقبال کردند از این رهبری و مهم‌تر از آن اینکه دشمن ناامید شد. دشمن امیدوار بود که با زدن رهبر شهید ما، کشور دچار مشکل شود در حالی که با انتخاب حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای، یک انسجام بیشتری فراهم شد و دشمن ناامید گردید.

اگر بخواهیم شخصیت ایشان را بشناسیم، باید ببینیم دشمن چه می‌گوید و چقدر دشمن ناراحت و به اصطلاح مضطرب است از این انتخابی که انجام شده است.

از نظر علمی وقتی شخصیت ایشان مورد تأیید علمای بزرگ قرار می‌گیرد وقتی متخصصین ایشان را تأیید می‌کنند از علمای بزرگ قم، چه مراجع، چه مدرسین بزرگ و چه اعضای خبرگان ایشان را تأیید می‌کنند، این حکایت از مقام علمی و فقهاتی بالای ایشان دارد.

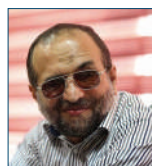
رهبر سوم انقلاب ما سال‌ها درس خارج تدریس می‌کردند که این موضوع خیلی مهم است، کلاس درس خارج ایشان شلوغ بود و نزدیک به هفتصد نفر به طلبه داشتند و در محضر ایشان تلمذ می‌کردند. ایشان فقیهی هستند که کاملاً به مسائل کشور آشناست. از نظر مبانی اصولی هم آن‌هایی که اهل فن هستند می‌گویند در علم رجال در اصول و در فقه، ایشان بسیار مسلط، صاحب نظر، نوآور و خوش فکر هستند. این نشان می‌دهد که چهره علمی قابل قبول و منحصر به فردی دارند چون ما هیچ‌کسی را نداریم که این قدر نزدیک به آقا باشد، نسبت به مسائل کشور مسلط باشد، با همه‌ی ارکان کشور ارتباط داشته باشد و مسئولین و مردم ایشان را بپذیرند.

مقبولیت عمومی که ایجاد شد، حکایت از شخصیت ایشان دارد. من فکر می‌کنم این یک مسأله جدی و اساسی است که رهبری در ایشان متبلور است. پس از این انتخاب امید و نشاط در جامعه ایجاد شد رهبر شهید ما فرمودند ما در فراز تراز قله هستیم، نزدیک قله هستیم و ان شاء الله ایران پیشرفته، ایران همراه با عدالت است. یک نکته مهمی در سیره ایشان رسیدگی به محرومین بود. توجه ویژه‌ای به محرومین، توجه به عدالت و توجه به جوانان داشتند. میدان دادن به جوانان و حمایت از آن‌ها از ویژگی‌های مدیریتی ایشان بود.



ویژگی‌های حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای فقاہت، سادہ زیستی و دقت در بیت المال

از جمله نکاتی که مهم در رابطه با آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای فعالیت‌های علمی ایشان در حوزه علمیه است. در دوره‌ای ایشان همزمان اداره دو جلسه علمی را بر عهده داشتند؛ موضوعی که در میان علمای قم چندان رایج نیست و کمتر پیش می‌آید فردی به طور همزمان مدیریت دو جلسه علمی را بر عهده داشته باشد. در کنار این مسئله، برخی از مراجع و علمای برجسته بر هوش و ذکاوت ایشان، به ویژه در حوزه علم رجال و همچنین در مباحث درس خارج فقه تأکید کرده‌اند. در این زمینه مقایسه‌هایی نیز صورت گرفته و گفته شده است که ایشان در این حوزه‌ها تبحر قابل توجهی دارند. برخی این توانایی را ادامه همان استعداد علمی می‌دانند که در شخصیت امام شهید انقلاب نیز وجود داشت و ایشان از آن بهره فراوان برده‌اند.



مجتبی شاکری

فعال سیاسی و عضو شورای
مرکزی جمعیت ایثارگران انقلاب
اسلامی

آشنایی رهبر جدید با مکاتب و جریان‌های فکری جدید

نکته دیگر درباره شخصیت علمی ایشان، آشنایی با مکاتب و جریان‌های فکری جدید است. در میان علما و مراجع کمتر پیش می‌آید که فردی فرصت کافی برای مطالعه و تسلط بر مکاتب فلسفی و فکری معاصر، به ویژه مکاتب غربی، داشته باشد. با این حال، درباره آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای گفته می‌شود که علاوه بر تسلط بر مباحث فقهی و اصولی، با برخی مکاتب فلسفی و فکری جدید نیز آشنایی دارد و در حوزه فقه، فلسفه و کلام صاحب نظر است؛ موضوعی که از نگاه برخی ناظران، برجستگی ویژه‌ای به شمار می‌آید.

سبک زندگی شخصی

در کنار ویژگی‌های علمی درباره سبک زندگی شخصی ایشان لازم بگویم آقا سیدمحتبی سال‌ها در غرب تهران در خانه‌ای ساده و معمولی زندگی می‌کردند. حتی فردی که چندان علاقه‌ای به ایشان نداشته، در یکی از جلسات با اشاره به همین موضوع گفته بود که با وجود اختلاف نظر، نمی‌توان از تهذیب و سادگی زندگی ایشان چشم‌پوشی کرد. در همان جلسه نیز گفته شده است که ایشان شخصاً خرید مایحتاج خانه مانند میوه و نان را انجام می‌دادند.

فعالیت در گمنامی

از دیگر نکاتی که درباره ایشان باید بازگو شود، مأموریت‌هایی است که در سال‌های گذشته در دفتر رهبری بر عهده داشته‌اند. بسیاری از این مأموریت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار بوده، اما ماهیتی گمنام داشته است؛ به این معنا که ایشان در برخی امور مهم نقش آفرینی می‌کردند، اما نامی از ایشان در میان نبود. در این زمینه فهرستی از مأموریت‌هایی که از سوی رهبر انقلاب به ایشان واگذار شده، نزد برخی از مسئولان دفتر وجود دارد. در برخی پرونده‌های مهم کشور نیز نظر ایشان مورد توجه قرار می‌گرفته است. این موضوع نیز از جمله نکاتی است که به گفته نزدیکان، در سال‌های گذشته وجود داشته است. در کنار فعالیت‌های علمی و مدیریتی، خاطراتی نیز از حضور ایشان در دوران دفاع مقدس نقل شده است. از جمله روایت‌هایی که نقل شده این است که ایشان به همراه برادر خود در گردان حبیب حضور داشته‌اند، فرماندهان آن زمان در ابتدا اطلاعی از نسبت خانوادگی آنان نداشتند و بعدها متوجه می‌شوند که این دو نفر از فرزندان رهبر انقلاب هستند و از سمت رهبری تأکید شده که آنان مانند سایر رزمندگان در کنار نیروها حضور داشته باشند و ایشان نیز کاملاً هماهنگ با دیگران فعالیت می‌کردند. در جبهه اصطلاحی با عنوان «شهردار شدن» وجود داشت که به نیروهایی گفته می‌شد که در خدمت‌رسانی و پشتیبانی از رزمندگان نقش داشتند. گفته می‌شود ایشان نیز در برخی از این مسئولیت‌ها حضور داشته و در برخی عملیات‌ها نیز مشارکت داشته‌اند.

حساسیت نسبت به بیت المال

در کنار این موارد، روایت‌هایی نیز درباره حساسیت ایشان نسبت به رعایت مسائل شرعی و بیت‌المال مطرح شده است. برای نمونه نقل شده است که در یکی از جلسات، ایشان برای طلاب چای آورده بودند و طلاب از ایشان پرسیده بودند که آیا این چای از بیت است یا از مال شخصی ایشان. گفته می‌شود ایشان توضیح داده بودند که حتی قند و چای نیز از مال شخصی خودشان تهیه شده و از بودجه بیت برای چنین مواردی استفاده نمی‌کنند. این روایت به عنوان نشانه‌ای از دقت و حساسیت ایشان نسبت به بیت‌المال مطرح می‌شود. یکی از شبهاتی که گاه در فضای عمومی مطرح می‌شود، بحث موروثی بودن رهبری است. در پاسخ به این شبهه باید گفت که انتخاب رهبر در نظام جمهوری اسلامی بر اساس سازوکاری مشخص و قانونی انجام می‌شود و مجلس خبرگان نقش اصلی را در این فرآیند بر عهده دارد. مجلس خبرگان متشکل از نمایندگانی است که از سوی مردم در سراسر کشور انتخاب می‌شوند. اعضای این مجلس از میان علما و فقهای هستند که در مرتبه اجتهاد قرار دارند یا نزدیک به اجتهاد هستند و صلاحیت علمی آنان احراز شده است. از این رو، تصمیم و نظر آنان در انتخاب رهبر بر پایه معیارهای فقهی و علمی شکل می‌گیرد. بر همین وقتی مجموعه‌ای از فقهای مجتهد و منتخب مردم درباره موضوعی به جمع‌بندی می‌رسند، این تصمیم بر پایه بررسی‌های علمی و فقهی اتخاذ شده و از اعتبار لازم برخوردار است. بنابراین طرح موضوع موروثی بودن نمی‌تواند معیار دقیقی برای تحلیل این انتخاب باشد.



امامین انقلاب؛

آینه داران بی نقش و نگار ولایت

در رابطه با رهبر شهید انقلاب آیت الله سیدعلی خامنه‌ای مهمترین صفتی که از به عنوان یک محب و مرید ایشان به ذهنم می‌رسد این بود که ایشان ذوب در ولایت الله و ولایت آقا امام زمان بودند. وقتی کسی به این مقام برسد ماهم در وجود ولایی او ذوب می‌شویم چون حس می‌کنیم که دقیقا او ذوب در ولایت رب العالمین و اهل بیت علیهم السلام است.



مجید شاه حسینی

رئیس فرهنگستان ادب و هنر

امامین انقلاب ذوب در ولایت الله و اهل بیت علیهم السلام بودند

شهید آیت الله صدر در عراق به دوستانشان گفته بود در امام خمینی ذوب شوید که او در اسلام و در اهداف آن ذوب شده است. این ذوب در ولایت بودن یک لقلقه زبان نیست یک سلوک بسیار دشوار است که آدم‌ها وقتی به آنجا می‌رسند هیچ نفسانیتی از خود ندارند، پس چنین فردی شایسته تبعیت است یعنی بری بودن از نفس. غایت این را مادر امامین انقلاب دیدیم هم امام راحل هم مقام معظم رهبری این بری بودن از نفس و ذوب بودن در ولایت الله و ولایت اهل بیت علیهم السلام را داشتند. از نظر من این تنها شاخص و مهمترین شاخص است که اگر

کسی این را داشته باشد شما دیگر اصلاً لازم نیست راجع به چیزهای دیگری در رابطه با او صحبت کنید، چرا که آنچه می‌گوید انگار امام زمان گفته و همه چیز در بهترین حالت ممکن است. اینکه بگوییم جسارت داشته باشد، سیاست داشته باشد، احاطه‌اش به مسائل روز این‌گونه باشد، قدرت ارتباط‌گیری و رسانه‌ای داشته باشد، همه این‌ها ذیل آن تعریف می‌شود، من کلی‌ترین صفت را گفتم اما صفات دیگری که به دیگران در شناخت بیشتر مقام معظم رهبری کمک می‌کند این است که ذیل این ذوب بودن در ولایت‌الله ایشان بسیار با اخلاق بودند، خلیق بودند و این اخلاق ایشان حتی توسط دشمنان ایشان مورد تایید بود.

حس خلق رهبر شهید، همه را شرمنده می‌کرد

خلق حسنه ایشان کاملاً محسوس بود و شاید گاهی مخالفان ایشان را شرمنده می‌کرد، آن جایی که حتی می‌گفتند اگر من راهم قبول ندارید بیاید در انتخابات رای بدهید، این دیگر آخر رواداری اخلاقی ایشان بود که رهبر کشور می‌تواند در مقابل کسانی داشته باشد که قدر ایشان را نمی‌دانند یا کم می‌دانند. بعد از اخلاق قاعدتاً موهبتی به نام عقل و تدبیر ایشان که زبان زد حتی دشمنان مقام معظم رهبری بود، در تصمیم‌ها اتصال ایشان به ولایت‌الله باعث شده بود که به یک مرکز داده عظیم معرفتی متصل باشند. عقل ایشان زمینی نبود، عرشی بود و این موضوع به ایشان کمک می‌کرد که در همه مقولات مادی، مدیریتی، حکومتی و حاکمیتی بهترین تصمیم‌ها را بگیرند تصمیماتی که بعداً به اذعان خیلی از افراد بهترین تصمیمی بود که در آن لحظه گرفته می‌شد. فرزند همین عقلانیت بصیرت ایشان بود، قدرت تحلیل و بصیرت ایشان زبان زد بود وقتی دشمنان دریایی از تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای را علیه ایران عزیز ما اعمال می‌کردند، شاهد بودیم که مقام معظم رهبری با یک سخنرانی کوتاه همه آن عملیات رسانه‌ای را نقش بر آب می‌کردند، این بصیرت هم ذیل همان عقل تعریف می‌شود.

امداد تاریخی از امام زمان عجل‌الله فرجه

اتصال و ارتباط ایشان به آقا امام زمان را می‌دانستیم و زمان‌هایی در قالب مدلی از رجز می‌دیدیم، در دو مقطع در سال‌های ۷۸ و در سال ۸۸ یک بار در سخنرانی حسینیه امام خمینی بار دیگر در نماز جمعه تهران ایشان مستقیماً در حضور مردم به حالت فرع با آقا امام زمان سخن گفتند که ای سید ما و مولای ما و سالار ما... آن‌جا این صحبت‌های یک جنسی از رجز بود. آدم‌ها می‌توانند شب در نماز شب سر سجاده با امام زمان استغاثه کنند، حالا دعای آن‌ها مستجاب می‌شود یا نمی‌شود ولی اینکه کسی در حضور مردم با آقا امام زمان سخن گوید و از ایشان کمک بخواهد و بلافاصله هم کمک شود و فتنه‌های بزرگ را از کشور دور کنند. ما می‌بینیم نایب امام زمان بودن اینگونه است که شما جسارت این را داشته باشید در حضور مردم با آقا امام زمان سخن گوید و از ایشان استمداد بطلبید و مدد بشوید، مثلاً آیت‌الله خوانساری معروف در آن سال خشکسالی در حضور مردم نماز باران خوانند، بار اول نمی‌بارد باران نمی‌بارد نوبت دوم به ایشان گفته می‌شود آقا این بار هم نماز بخوانید و باران نگیرد حیثیت شما زیر سوال می‌رود، آیت‌الله خوانساری می‌فرماید که نفس من لازم است گاهی وقت‌ها از سرکشی دست بردارد و خاضع شود برای مصالح مردم. اینکه شما در نماز جمعه و در سخنرانی علنی با آقا امام زمان سخن بگویید و امداد شوید خیلی مقام بالایی است که ایشان داشتند.

هنرشناسی رهبر شهید

بحث هنر و هنرشناسی مقام معظم رهبری بسیار به مقولات هنری ورود داشتند، هنرمندان را می شناختند و حافظه دقیق هنری در کتاب هایی که مطالعه کرده بودند داشتند، به معنای واقعی کلمه فرهیخته بودند، زبان فرهیختگان را می دانستند، فرهیختگان با یک ملاقات ساده شیفته ایشان می شدند و ایشان را به عنوان یک رهبر فرزانه میدیدند که جامع الاطراف است و در همه مقولات هنری ورود جدی دارد، کتاب هایی را خوانده که متخصص همان رشته هنری ان را خوانده بود، این موضوعات گاهی وقت ها شرمسار میکرد هنرمندان و فرهیختگان را.

شجاعت

شجاعت دیگری نعمتی است که از همان ذوب در ولایت بودن ایشان می آید. وقتی شما ذوب در ولایت الله و ولایت اهل بیت باشید شجاع هم هستید وقتی دل همه می لرزد دل شما نمی لرزد وقتی دیگران منفصل اند شما متصلید و این اتصال شما را محکم می کند.

تحلیل های ایشان معمولاً درست ترین تحلیل بود پیشگویی های ایشان قطعاً دقیق ترین پیشگویی ها بود به دلیل همین نعمت اتصال به اهل بیت و به همه این ها بیفزایید بر رحمت و شفقت و مهربانی با کودکان که اینطور همزبانی با کودکان، فرزندان شهدا، دختران به سن تکلیف رسیده ای که خدمت رهبر مشرف شدند.

ضرورت دقیق بودن در قبال بیت المال از دیگر ویژگی های رهبر شهیدمان بود، ایشان بسیار سختگیر بودند به صفت جدشان آقا امیرالمومنین بر روی بیت المال بسیار دقت داشتند، چند باری که با مسئولین نهادهای انقلابی و دینی خدمت ایشان شرف یاب شدیم میزان حساسرسی و حساب کشی و دقت ایشان از مسئولین زبازد بود و گاهی گله داشتند که چرا دقیق مصرف نمی کنید این مقوله بیت المال را، این نشان می داد که در بحث بیت المال ایشان با کسی تعارف نداشتند و بسیار دقیق عمل می کردند.

رهبر شهید همیشه جویای احوال مخالفان بود

گاهی احوال مخالفان را می پرسیدند یا کسانی که زمانی با ایشان در سنگر مبارزه همراه بودند ولی بعد از ایشان جدا شده بودند خانه نشین شده بودند، افرادی که شیطنت نمی کردند ولی با ایشان هم نبودند دوبار لا اقل ما خدمت ایشان رسیدیم و احوال چنین افرادی را از من پرسیدند که اگر این فرد را میشناسی سلام من را به او برسان، وقتی سلام ایشان به آن فرد رسیده می شد، می گریست که مگر



گاهی احوال

مخالفان را

می پرسیدند یا کسانی

که زمانی با ایشان در

سنگر مبارزه همراه بودند

ولی بعد از ایشان جدا

شده بودند خانه نشین

شده بودند، افرادی که

شیطنت نمی کردند ولی

با ایشان هم نبودند



ایشان هنوز من ریادش هست. این‌ها صفاتی بود که ایشان حتی در قبال مخالفین غیر معاند که شیطنت نمی‌کردند ولی همراهی هم نمی‌کردند داشتند.

یک انسان رسانه کامل

احاطه به رسانه داشتن، شخصیت رسانه‌ای داشتن، فصیح بودن، بلیغ بودن این‌ها همه از آن دسته صفاتی بود که از ایشان یک انسان رسانه کامل ساخته بود، انسان رسانه را ما معادل واژه قرآنی رسول می‌دانیم و انگار همه این صفات به ایشان هبه شده بود، البته سلوک سخت ایشان، زحمات ایشان، مطالعات ایشان و سیر علمی که داشتند را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت ولی انگار همه این‌ها در یک سلوک رحمانی ضریب گرفته بود و به نوعی به معنای اتم رسیده بود. همه صفات حسنه ایشان که قطعاً در کسب آن‌ها زحمت فراوان کشیده بودند و سلوک سختی را گذرانده بودند با نعمت اتصال به حضرت رب و ذوب در ولایت الله و ولایت آقا امام زمان و اهل بیت علیهم السلام ضریب گرفته بود جوری ارتفاع گرفته بود که یک سالک عادی هرگز نمی‌توانست به آن برسد.

خالی بودن از هوای نفس حضرت آقا مثال زدنی است، انگار هوای نفس نداشتند حتی از دوره جوانی شان که میخوانیم از این هوای نفس کاملاً بری بودند.

جناحی نبودند

در مسائل اجتماعی جناحی نبودند و جناحی نمی‌اندیشیدند حتی آن دوره که در حزب جمهوری اسلامی

بودند چنین نگاهی نداشتند بعد از دوران حزب هم دیدیم دوستانی داشتند مانند مرحوم هاشمی که تفکرات دیگری داشتند، آقا احترام رفاقت را نگه می داشتند ولی مسائل جناحی اصلا به ایشان ورود نداشت، چرا که اصل حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، اصل رسالت رهبر جمهوری اسلامی ایران را بی هیچ تعارفی اعمال می کردند و فرا جناحی کامل عمل می کردند.

مردمداری و احترام به رای مردم بسیار برایشان مهم بود گاهی وقتا حتی مردم در برخی انتخابات انتخاب های اشتباهی انجام می دادند ولی ایشان به احترام رای مردم با آن انتخاب غلط هم مدارا می کردند تا زمانی که مردم خودشان پی ببرند که این انتخابی که کرده اند انتخاب نادرستی بوده و در واقع مردم انتخاب نادرست خود را بر رهبری تحمیل فرموده اند.

نگاه به فرجام انقلاب، خود انقلابی بودن مهمترین صفت است ما اگر رهبری داشته باشیم که انقلابی نباشد اصلا دیگر از انقلاب چیزی نمی ماند حاکم عادی انقلابی بودن، روح انقلابی داشتن و مدام ما را به سمت جلوسوق دادن، آینده نگر بودن و اینکه انقلاب اسلامی ایران فرجامی ست که باید به آن فرجام برسیم. ایشان معتقد بودند باید برویم و به مقصد برسیم اصلا در این منزل های میان راهی نباید ماند هدف فقط رفاه و آسایش نیست رسالتی است که انقلاب اسلامی دارد و ان انشاالله اتصال به ظهور حضرت حجت است.

■ بیانیه گام دوم انقلاب وصیت نامه راهبردی رهبر شهید است

هنوز وصیت نامه ایشان را توفیق نداشتیم ولی بخوانیم اما وصیت نامه ای که برای همه ما ارسال فرمودند بیانیه گام دوم بود این حکم وصیت نامه راهبردی معظم له است در بیانیه گام دوم کاملاً آرمان های بلند ایشان را برای آینده می بینیم. انقلاب اسلامی ایران فقط یک مرحله گذار است برای رسیدن به ظهور حضرت حجت و هر چه که ما در آن مسیر گام برداریم بیشتر نصرت خواهیم شد. گویا مقام معظم رهبری در آن مقام ذوب در ولایت الله و اهل بیت که بودند، داشتند دست ما و همه جامعه را می کشیدند و به آن مقام بالا می بردند.

وقتی آدم در ارتفاع نوری ایشان قرار می گرفت خیلی از شبهات و سوالات دیگر وجود نداشت. ارتقا دادن جامعه مهمترین صفت رهبر است ایشان فقط برای حل و فصل مشکلات جاری نیست، مشکلات جاری تمام شدنی نیست.

این صفات الهی که در حضرت آقا بود مدام تقویت می شد، مدام به قول برخی عرفا در هر ملاقات نورانیت ایشان انگار بیشتر می شد یعنی در هر جلسه عنایت هایی می شد.

رهبر جدید، آیت الله سید مجتبی خامنه ای نیز این مسیر را ادامه خواهند داد.



هنوز وصیت نامه ایشان

را توفیق نداشتیم ولی

بخوانیم اما وصیت

نامه ای که برای همه ما

ارسال فرمودند بیانیه

گام دوم بود این حکم

وصیت نامه راهبردی

معظم له است در بیانیه

گام دوم کاملاً آرمان های

بلند ایشان را برای آینده

می بینیم.

فقاہت، سادہ زیستی و قدرت استنباط

سه ویژگی رہبر جدید

سید محمد سادات | رئیس شورای هماہنگی تبلیغات اسلامی کردستان

چہرہ رہبر جدید انقلاب برای بخش قابل توجہی از افکار عمومی ہنوز بہ طور کامل شناختہ شدہ نیست. بر اساس روایت کسانی کہ از نزدیک با ایشان آشنایی داشتہ اند، یکی از ویژگی ہای برجستہ آیت اللہ سیدمجتبی خامنہ ای در حوزہ علمی، شیوہ خاص تدریس ایشان بودہ است. در کلاس ہای درس، ایشان از شاگردان خود می خواستند برای مباحث مطرح شدہ تکلیف تہیہ کنند، کنفرانس ارائه دہند و مطالب خود را ہمراہ با منابع و مستندات ارائه کنند. این شیوہ آموزشی در فضای سنتی حوزہ نوعی روش بدیع بہ شمار می آمد و باعث می شد شاگردان درگیر مطالعہ و تحقیق عمیق تر شوند. از نظر علمی نیز ایشان احاطہ قابل توجہی بر آرای فقہا داشتہ اند و در علوم حوزوی، بہ ویژه علم رجال و درایہ، تسلط بالایی از خود نشان می دادند. ہمچنین قدرت استنباط فقہی از دیگر ویژگی ہایی است کہ در درس ہای ایشان مورد توجہ شاگردان قرار گرفتہ است؛ بہ گونه ای کہ مباحث مطرح شدہ در کلاس ہای ایشان ہموارہ عمیق و در عین حال جذاب توصیف شدہ است. آنچه دربارہ شیوہ تدریس و ویژگی ہای علمی ایشان گفتہ می شود، عمدتاً مربوط بہ حدود پانزدہ یا شانزدہ سال قبل است. طبیعی است کہ با گذشت این سال ہا و با استمرار تدریس دروس طولانی در حوزہ، مباحث علمی ایشان عمیق تر و پربارتر شدہ و شمار شاگردان ایشان نیز افزایش یافته است.

در کنار این ویژگی ہای علمی، برخی از شبہات نیز در فضای عمومی مطرح شدہ است؛ از جملہ اینکہ گفتہ می شود ایشان تجربہ مسئولیت اجرایی نداشتہ اند یا اینکہ انتخاب ایشان بہ نوعی جنبہ موروثی داشتہ است. در پاسخ بہ این شبہات تأکید می شود کہ معیارہای رہبری در اندیشہ اسلامی همان شرایطی است کہ در روایات برای نایب امام زمان عجل اللہ تعالی فرجه بیان شدہ است؛ یعنی فردی کہ حافظ دین باشد، بر نفس خود مسلط باشد، از دنیاگرایی فاصلہ بگیرد و در مرتبہ اجتناب قرار داشتہ باشد. بر اساس این معیارہا، گفتہ می شود بسیاری از این ویژگی ہا در شخصیت آیت اللہ سیدمجتبی خامنہ ای قابل مشاہدہ است. ایشان سال ہای طولانی در سایہ تربیتی مقام معظم رہبری پرورش یافته اند و در رفتار شخصی خود نیز نشانہ هایی از سادہ زیستی، زہد، صیانت نفس و پرهیز از تعلقات دنیوی دیدہ می شود. در این میان یکی از مهم ترین خطرہایی کہ ہموارہ برای خواص جامعہ مطرح شدہ، دنیاطلبی است؛ زیرا دنیاپرستی می تواند زمینہ ساز انحرافات بعدی شود. در مقابل، گفتہ می شود آیت اللہ سیدمجتبی خامنہ ای سال ہای طولانی در اوج سادہ زیستی زندگی کردہ اند و ہمین ویژگی، بخشی از سرمایہ اخلاقی ایشان برای پذیرش مسئولیت ہای بزرگ تر بہ شمار می آید. از سوی دیگر، امیدواری ہایی نیز دربارہ آیندہ مدیریت کشور مطرح می شود. گفتہ می شود با حضور مشاوران امین و ہمراہان کارآمد، می توان انتظار داشت دوران مسئولیت ایشان با پیشرفت و شکوفایی ہمراہ باشد و مسیر انقلاب اسلامی با قدرت ادامہ پیدا کند. دشمنان انقلاب تصور می کردند با شہادت رہبر عزیز انقلاب می توانند نظام جمهوری اسلامی را دچار فروپاشی کنند. با این حال، چنین اتفاقی رخ نداد و ساختار نظام دچار خلل نشد لطف خداوند متعال، بینش رہبری و صلابت نیروہای مسلح موجب شد انقلاب اسلامی از این مرحلہ عبور کند. نظام جمهوری اسلامی یک نظام سیستماتیک است و ہر بخش آن بر اساس قانون و وظایف مشخصی دارد. بہ عنوان نمونہ، حتی در استان حساسی مانند کردستان نیز خللی در ادارہ امور کشور مشاہدہ نشد.



معجزه بعثت مردم در گام دوم انقلاب اسلامی

دکتر سید نظام الدین موسوی | سخنگوی دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی

در اندیشه سیاسی اسلام، پایایی و پویایی نظام‌های سیاسی، وابستگی مستقیمی به پیوند بین مشروعیت الهی حاکمیت و مقبولیت مردمی آن دارد. شهادت امام خامنه‌ای (ره) نه تنها یک فقدان عظیم در سپهر سیاسی ایران و جهان اسلام به شمار می‌آید، بلکه به مثابه آزمونی بزرگ برای سنجش عمق استراتژیک و نهادینگی نظامی بود که ایشان در طول قریب ۳۷ رهبری خود معماری کرده بودند.

بویژه آنچه در پی این واقعه هولناک و در بزنگاه انتقال قدرت رخ داد، تجلی معجزه مردم‌داری و بلوغ مردم‌سالاری دینی بود که نشان داد پیوند امت و امامت در ایران ماهیتی فراساختاری و هویتی دارد و مقبولیت مردمی در امتداد مشروعیت الهی ولایت فقیه، ضامن حفظ و استمرار نظام اسلامی است.

یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای گفتمانی و عملی امام شهید ما، بازتعریف نقش توده‌ها از پیروان منفعل به کنشگران آگاه و تاریخ‌ساز بود. ایشان مردم‌سالاری دینی را نه یک

بیرکت

به مناسبت شهادت قائد امت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل دوم

تاکتیک سیاسی، بلکه حقیقتی برخاسته از بطن فقه و کلام شیعه می دانستند که در آن، حضور آگاهانه مردم شرط بسط ید حاکم اسلامی است.

شکوه حضور پرشور، شجاعانه و آگاهانه ملت در بحرانی ترین و سخت ترین شرایط پس از شهادت ایشان، محصول همین نگاه اجتهادی و اعتماد متقابل بود. این حضور حماسی به گونه ای رقم خورد که تبلور عینی کلام حکیمانه و پیشین امام شهید در مواجهه با شرایط سخت بود؛ آنجا که به صراحت فرمودند: در حوادث بزرگ خداوند مردم ایران را مبعوث می کند.

این تعبیر ژرف نشان می دهد که بیداری و اراده جمعی ملت ایران در دفاع از آرمان ها، رگه هایی از یک برانگیختگی الهی و قدسی را در خود جای داده است که محاسبات مادی و سکولار اندیشکده های غربی همواره از درک آن عاجز مانده اند.

این حماسه عظیم و بعثت عمومی، بلافاصله پس از گذار ساختاری قدرت، از سوی رهبر جدید، حضرت آیت الله مجتبی خامنه ای، مورد تأیید و تبیین تحلیلی قرار گرفت. ایشان در بازخوانی نقش بی بدیل ملت در عبور از این پیچ تاریخی، با عبارتی کلیدی و جامعه شناسی تصریح کردند که در این حوادث، مردم رهبر بودند.

این گزاره اوج تکریم جایگاه ملت در نظام ولایی است و نشان می دهد که در مکتب انقلاب اسلامی، هدایت و راهبری جریانات در زمان بحران، به دلیل بصیرت نهادینه شده، به صورت خودجوش توسط خود مردم اعمال می شود. در کنار این حضور حماسی، عملکرد نهادین، قانونی و سریع مجلس خبرگان رهبری در انتخابی هوشمندانه و مبتنی بر موازین فقهی، شایسته عالی ترین تقدیرهاست؛ انتخابی که نشان دهنده استحکام درونی نظام و کارآمدی نهادهای بنیادین جمهوری اسلامی در لحظات خظیر تاریخی است.

متعاقب این انتخاب تاریخی، صدور دو پیام مستحکم، جامع و عمیق از سوی حضرت آیت الله مجتبی خامنه ای تا این تاریخ، کارکردی بسیار حیاتی در مدیریت ادراک عمومی جامعه داشت. این دو پیام که حاوی خطوط اصلی سیاست های کلان نظام و تأکید بر استواری مبانی انقلاب بود، بلافاصله موجب نشاط مؤمنین شد و دلشان نسبت به تداوم مسیر روشن رهبری شهید نهضت انقلاب قرص گردید.

ادبیات به کاررفته در این پیام ها، نشان دهنده تسلط کامل بر شرایط حاضر و امتداد بی وقفه گفتمان رهبری شهید است. این گفتمان که مانیفست اصلی آن در بیانیه گام دوم انقلاب تبلور یافته، نقشه راه نظام برای ورود به دومین مرحله از خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی است.

بر اساس این رویکرد تحلیلی و با تکیه بر سرمایه عظیم مقبولیت مردمی، پس از این استقامت تاریخی و بعثت عمومی، مرحله توقف یا عقب گرد بی معناست؛ بلکه حرکت نظام با شتابی مضاعف به سمت رسیدن به قله سعادت و پیروزی ادامه خواهد یافت. رسیدن به قله در این چارچوب، استعاره ای از غلبه نهایی بر اراده دشمن، تثبیت قدرت همه جانبه و در نهایت، تحقق تمدن نوین اسلامی است. ان شاء الله.



این گفتمان که
مانیفست اصلی آن
در بیانیه گام دوم
انقلاب تبلور یافته،
نقشه راه نظام برای
ورود به دومین
مرحله از خودسازی،
جامعه پردازی و
تمدن سازی است.



آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای مشاور رهبر شهید بودند

بنده این توفیق را داشتم که جلسات متعددی در محضر رهبر شهیدمان باشم، زمانی که راجع به تاریخ شفاهی ایشان کار می‌کردیم بیش از ۱۶۰ جلسه خدمت ایشان بودم. در این تجربه‌ها به این موضوع ایمان پیدا کردم که خداوند بزرگوار ایشان را برای رهبری تربیت کرده بود، وقتی سیر زندگی ایشان را از همان کودکی می‌بینید، سیر و رشد ایشان را می‌بینید تا همین الان که هنوز هم روح بزرگشان در میان ماست می‌توانید این موضوع را درک کنید.



محسن مومنی شریف

نویسنده و مدیر اسبق حوزه
هنری انقلاب اسلامی

شخصیت جامع رهبر شهید

خداوند یک ابعاد جامع به ایشان عطا کرده بود و تعبیر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه لیاقت رهبری داشتند. در حوزه‌های مختلف اولاً مردم را خیلی خوب میشناختند، در حوزه دینی نواندیش بودند، آیات قرآن را که تلاوت می‌کردند و می‌شنیدند برداشت‌هایی داشتند که آدم حیرت می‌کرد. با قرآن انقدر مونس بودند که در همه جا از آن الهام می‌گرفتند، در رهبریشان در کارهایشان.

تسلط ویژه بر تاریخ

تسلط ویژه‌ای به تاریخ اسلام داشتند به ویژه به فقه تسلط خوب و عالی داشتند، نگاهشان یک نگاه متفاوت بود، برای مسائل روز جامعه در فقه اسلامی راه حل پیدا می‌کردند، به تاریخ اسلام به ویژه به تاریخ ائمه علیهم السلام به شدت تسلط داشتند و باز هم بخاطر آن ذوقی که خداوند به ایشان عطا فرموده بود و آن قدرت فهمی که خداوند به او عنایت کرده بود از تاریخ اسلام برداشت‌های روز و نویی داشتند که به درد جامعه امروز ما می‌خورد.

■ غرب شناسی رهبر شهید

از همه این‌ها فراتر، دنیا را می‌شناختند از همان نوجوانی با مطالعه کتاب‌هایی در حوزه غرب، به شناخت مهمی از غرب دست یافته بودند. به یاد دارم یکبار خدمت حضرت اقا بودیم، از یک رمان آمریکایی نام بردن که راجع به جنگ‌های داخلی آمریکا بود رمان شمال به جنوب، فرمودند من این قدر که از طریق این رمان جامعه آمریکا را شناختم از کتاب‌های دیگر این شناخت را پیدا نکرده بودم. در بین مردم زندگی کرده بودند، ساده زیست بودند، هیچ موقع زندگی‌شان از طبقه متوسط مردم بالاتر نرفت بلکه زندگی ایشان در بعضی بخش‌ها مانند زندگی اقشار بسیار مستضعف جامعه بود با خیلی ویژگی‌های منحصر به فرد دیگر که در فرصت‌های آتی باید راجع به آن‌ها صحبت کرد.

■ خاطراتی از پرکاری رهبر شهید

پرکاری ایشان که در آن سن و سال بیش از ۱۰ ساعت در روز کار می‌کردند بسیار قابل توجه بود، زمانی که مسئولیت داشتم پیش می‌آمد خدمت حضرت آقا صبح یک نامه میدادم تا غروب به من اطلاع می‌دادند که ایشان پاسخ داده، همیشه تعجب می‌کردم زیرا ما که در کار کوچکتی بودیم خودمان اینطور نبودیم گاهی نامه که به دستمان می‌رسید چند روزی زمان می‌برد اما هر زمان به محضر ایشان نامه فرستادم، سریع پاسخ می‌دادند. از دیگر ویژگی رهبر شهیدمان این بود که وقتی خدمتشان نامه کسی داده می‌شد با روی گشاده نامه را می‌گرفتند، همان‌جا مطالعه می‌کردند. در ماجرای ۸۸ چندین بار خدمتشان نامه بردم برای آزاد کردن هنرمندانی که حالا به هر دلیل گرفتار شده بودند همان‌جا سرپایی مطالعه می‌کردند و دستور میدادند، دستورات حکیمانه.

■ تداوم رهبر شهید با آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای

در آخر باید بگوییم همان‌طور که خداوند حضرت آقا را برای رهبری تربیت کرده بود، رهبر آینده را نیز برای این رسالت بزرگ تربیت کرده است. ما معتقدیم رهبری جامعه اسلامی به گونه‌ای است که خداوند اذهان را به شخصی که این ویژگی‌ها را داشته باشد. جناب حضرت آیت الله آقا مجتبی خامنه‌ای را در همین ادامه رهبری حضرت آقامی بینم شخصیتی که من از ایشان می‌شناسم یک شخصیت کاملاً متواضع، کاملاً ساده زیست در عین حال نسبت به مسائل کشور و مسائل بین‌الملل بسیار باهوش، یکی از مشاوران مقام معظم رهبری در طول این سال‌ها بودن که نامی از ایشان هرگز مطرح نبود ولی در تصمیم‌گیری‌های ایشان نقش موثری داشتند. در فقه هم استادی هستند که شاگردان زیادی دارند، کلاس‌های خارج فقه ایشان از آن کلاس‌های جذابی بودند برای طلاب فاضل اما از آن زمانی که احساس کرده بودند استقبال از این جلسات باعث تعطیلی کلاس درس اساتید دیگر شده تصمیم گرفته بودن جلسات را تعطیل کنند که این موضوع به خوبی نشان از سلامت نفس یک نفر دارد. ایشان کسی هستند در محضر مقام معظم رهبری امام شهید بزرگ شده‌اند، امام شهید ایشان را تربیت کرده‌اند.



مبنای کار رهبر جدید مشی امامین انقلاب

رهبر باید جوان‌ترین حالت را می‌داشت تا از استمرار حکمرانی برخوردار شود؛ انتخاب آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای مویدهمین نکته است. از سوی دیگر مسیر انقلاب اسلامی تاکنون به نحوی جلوآمده که ما در یک نقطه اوج در تقابل و جنگ علنی با استکبار و صهیونیسم بین‌المللی هستیم. طبیعتاً آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای که سکان هدایت کشور و خیمه‌گاه اصلی حق و مبارزه با باطل جهانی را برعهده دارد، از یک توانمندی و هوش و ذکاوت و اطلاعات مفید امنیتی و نظامی برخوردار است و میتواند خوب تحلیل کند، میدان را بشناسد و تشخیص درست دهد به هر حال او فرمانده کل قواست.



سید محمد هاشمی

ریاست سازمان اوج

بهرکت

به مناسبت شهادت قائد امت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل دوم



مسئله بعدی لزوم

جوانگرایی یا نو کردن

است حالاً لزوماً جوان

هم شاید نباشد ولی نو

کردن سازوکار مدیریت

کشور مهم است، لذا

آنچه مربوط به نهاد

رهبری است می تواند

نگاه متفاوتی ایجاد

و پالس متفاوتی به

جامعه نیز بدهد و

این در ابعاد نظامی تا

فرهنگی تعیین کننده

است.

مهم ترین ویژگی رهبر جدید در حال حاضر یعنی در این چند روز در این یکی دو ماه و شاید تا یکی دو سال آینده جلوه فرمانده کل قوا بودن است لذا این فرمانده کل قوا بودن را باید بتواند ادا کند.

بنابراین باید یک اشراف کامل ولو اجمالی داشته باشد و از سوی دیگر فرماندهان میدانی نظام هم باید به آن جایگاه ایشان اعتنا کنند.

البته طبیعتاً نمی توانیم آیت الله مجتبی خامنه ای را با کسی که ۳۷ سال رهبری کرده مقایسه کرد و باید به ایشان زمان بدهیم.

ماموریت های رهبر جدید

نکته دوم درک درست از شرایط اجتماعی کشور است؛ کشور در یک شرایط اجتماعی خاصی است و قبل از این هم با رویدادهای پیاپی اجتماعی مواجه شده است، بنابراین آیت الله مجتبی خامنه ای باید نگاه نو و ایده پردازی متناسب با حکمرانی اجتماعی داشته باشد و بعضی از تصمیمات خاص را از منظر ولایت و رهبری داشته باشد. این تصمیمات می تواند به یک معنا به انفتاح و به یک معنا منجر به همبستگی بیشتر اجتماعی شود.

از سوی دیگر ضمیر ناخود آگاه مردم در یک حالت انتظار است تا ببینند رهبر جدید چه خواهد کرد از این رو باید صبر، انتظار و طمانینه داشت.

مسئله بعدی لزوم جوانگرایی یا نو کردن است حالاً لزوماً جوان هم شاید نباشد ولی نو کردن سازوکار مدیریت کشور مهم است، لذا آنچه مربوط به نهاد رهبری است می تواند نگاه متفاوتی ایجاد و پالس متفاوتی به جامعه نیز بدهد و این در ابعاد نظامی تا فرهنگی تعیین کننده است.

ویژگی دیگر نگاه پویای فقهی به کشور و حکمرانی است؛ آیت الله سید مجتبی خامنه ای نگاه فقهی پویا و در هم تنیده با میدان و اجرا دارد، در غیر این صورت ممکن است بن بست هایی را در حکمرانی داشته باشیم که در اول انقلاب کسانی که مجتهد بودند اما در مقابل تصمیمات و ابتکارات امام می ایستادند و عملاً کشور را به بن بست می بردند.

نکته دیگر این است که حتی الامکان رهبر باید جوان ترین حالت را داشته باشد تا بتواند سالیانی با طراوت و تدبیر کشور را اداره کند چرا که بخشی از حکمرانی و مدیریت به یک استمراری در مدیریت و رهبری بازمی گردد.

مسئله بعدی این است که مایک نظام قوام گرفته ای داریم حدوداً ۱۱ سال رهبری امام و ۳۷ سال رهبری حضرت آقا از این رو مهم است که مبنای نگاه فقهی رهبر جدید بر مبنای نگاه این دو عزیز است؛ اگر چه باید نوگرایی هایی داشته باشد که این که حضرت آقا نسبت به امام نوگرایی هایی داشتند و این اساساً امر مذمومی نیست. اما مبنای کار باید مشی امامین انقلاب باشد.



آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای، منتخب حضرت بقیه الله است

حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان در واکنش به معرفی آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای بعنوان رهبر سوم در جمهوری اسلامی نوشت: خبرگان، ولی فقیه را کشف می‌کنند و انتخاب نتیجه کشف است. ولی فقیه نماینده حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداء) است و نماینده حضرت توسط خود ایشان انتخاب می‌شود و خبرگان با هدایت آن وجود شریف، نماینده مورد نظر حضرتش را کشف کرده و معرفی می‌کنند.

از این روی حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای، منتخب حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء است که با هدایت حضرتش در میدان کشف خبرگان عزیز قرار گرفته است.

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی
آن شب قدر که این تازه براتم دادند



فصل جدید انقلاب
از زاویه دانشگاه

۳



تبدیل همگرایی داخلی به همگرایی جهانی با شخصیت جهادی آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای

گفتگو با دکتر محمد سهیلی | پژوهشگر حوزه سیاست و عضو اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری

انقلاب اسلامی ایران، با وجود تاریخی کمتر از ۵۰ سال، وقایعی را به خود دیده است که شاید کمتر انقلاب و کمتر ملتی دیده باشد؛ از جنگ تحمیلی هشت ساله، ترورهای خیابانی توسط گروهک‌های منافق، تحریم‌های گسترده که اقتصاد را مسدود می‌کند، یا آشوب‌هایی که هر چند سال تکرار می‌شوند، همه را به خود دیده و همچنان استوار و سربلند، بر تارک تاریخ، خودنمایی می‌کند. این انقلاب بزرگ، دشمنی‌های بزرگی هم دیده است؛ از هدف قراردادن هواپیمای مسافربری، کمک‌های جهانی به جبهه دشمن بعثی بگیرد تا تأسیس شبکه‌های رایگان و متعدد فارسی زبان برای دست‌کاری روانی مردم ایران، همه و همه در راستای همین دشمنی‌های بزرگ تعریف می‌شود و حالا این دشمنی به قدری وقیح شده که در یک سال دوباره خاک کشورمان را مورد تعرض قرار می‌دهد و وقاحت را به آنجا رسانده که به خود اجازه ترور و به شهادت رساندن رهبر

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم

معظم و عزیز ملت ایران را داده است. اما ملت ایران، همان روز که خیر شهادت رهبر خود را شنید، شعار «خدای او زنده است» را سرداد و در مسیر پیشین به راه خود ادامه می‌دهد؛ اما مصمم‌تر و مطمئن‌تر از گذشته. جریان تاریخی ملت ایران، به رهبری جدید نیاز دارد؛ رهبری که علاوه بر ادامه راه امامین انقلاب، افق‌های پیش روی مقاومت اسلامی در برابر شیاطین جهان را مدنظر قرار دهد. انتخاب رهبر سوم انقلاب اسلامی، به گفته نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، انجام شده و دبیرخانه این مجلس، به زودی نام رهبر جدیدمان را اعلام خواهد کرد. اما مسئله مهم این است که تبعیت از رهبر جدید ایران، وظیفه همه ما است. دکتر محمد سهیلی، پژوهشگر حوزه سیاست و عضو اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری خراسان رضوی در گفتگو با ما، ضمن تشریح ویژگی‌های رهبری آینده انقلاب اسلامی، بر اهمیت تبعیت مردم از رهبر سوم انقلاب تأکید کرده و مسیر روشنی را برای آینده ایران، ترسیم می‌کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح گفت‌وگوی ما با این پژوهشگر علوم سیاسی است:

سوال: کشور ما در شرایط فوق‌العاده حساسی قرار دارد؛ از یک سوء دشمنی جهان‌خوار پشت‌مرزهای کشور منتظر هر تعلل یا غفلت ماست که با تجزیه ایران، انتقام مقاومت مردم را بگیرد و از سوی دیگر، مجلس خبرگان رهبری در شرف تعیین سومین رهبر انقلاب اسلامی است. در این شرایط، انتخاب رهبری شایسته برای جهان تشیع و اندیشه مقاومت به چه موضوعاتی بستگی دارد و آیا جریان انتخاب رهبری جدید، می‌تواند منجر به اعتماد عمومی و جهانی نسبت به ایشان شود؟

انتخاب رهبری آینده در بستری دموکراتیک و با رأی غیرمستقیم مردم

سهیلی: سازوکارهای تصمیم‌گیری‌های کلان در فلسفه سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد. درباره تصمیماتی که عموم مردم می‌توانند درباره آن اظهار نظر کنند، تصمیمات معمولاً با یک رویکرد دموکراتیک و با استفاده از دموکراسی مستقیم، گرفته می‌شوند. یعنی تا حد ممکن با آرای مردم، تصمیمات اتخاذ می‌شوند. یعنی حتی در مسائل شهری و... هم این موضوع مطرح است که ما بتوانیم در حد امکان مستقیماً از آرای مردم استفاده کنیم. اما نظر عموم مردم لزوماً در مسائل تخصصی و خاص منجر به انتخاب بهترین گزینه نمی‌شود، چراکه ممکن است مردم از شناسایی تک‌تک افراد یا ابعاد آشنا نباشند، یا از ویژگی‌هایی که برای شایستگی تشخیص در مسائل خاص لازم است، بی‌بهره باشند. در این گونه موارد مجموعه‌ای از خبرگان، می‌توانند تصمیم بهتری را انتخاب کنند.

براساس قانون اساسی ما، انتخاب رهبری به صورت غیرمستقیم براساس آرای مردم انجام می‌شود؛ یعنی ابتدا مردم افرادی را انتخاب می‌کنند که آن افراد، به انتخاب رهبری بپردازند. برای انتخاب رهبر جدید، لازم است اتفاق نظر جامع صورت بگیرد.



براساس قانون اساسی
ما، انتخاب رهبری
به صورت غیرمستقیم
براساس آرای مردم
انجام می‌شود؛ یعنی
ابتدا مردم افرادی را
انتخاب می‌کنند که آن
افراد، به انتخاب رهبری
بپردازند. برای انتخاب
رهبر جدید، لازم است
اتفاق نظر جامع صورت
بگیرد.

تقریباً شبیه انتخاب مرجع تقلید است که فضیلتی حوزه علمیه مشخص می‌کنند که چه کسی اعلم است و مردم هم براساس رأی فضلا، اعلم را انتخاب می‌کنند. ممکن است که مردم درباره فرد خاصی اتفاق نظر داشته باشند یا مجموع فضلا، افراد متعددی را انتخاب می‌کنند.

■ خبرگان حتماً از سال‌های گذشته درباره موضوع رهبری بعدی تأمل کرده است

باتوجه به اینکه درباره انتخاب رهبر، باید اتفاق نظر جامعی صورت گیرد و این فرد در واقع باید آرای تمام ملت را داشته باشد، انتخاب رهبری حساسیت خاصی دارد. طبیعی است که مجلس خبرگان سال‌های گذشته روی این موضوع بارها تأمل کرده و گزینه‌های مختلف را بررسی کرده باشد. حساسیت انتخاب رهبری از این جهت دپگری نیز مورد بررسی است. فردی که انتخاب می‌شود، صرفاً برای دوره‌ای چند ساله، این سمت را به عهده نمی‌گیرد، یعنی باید توانایی داشته باشد که مصالح نظام را در یک زمان گسترده و طولانی ترسیم کند.

■ جنگ امروز اساس نظام ابرقدرت‌های پوشالی را به خطر انداخته

آنچه به این انتخاب و جاهت می‌بخشد، تبعیت مردم است. به همین منظور در شرایط فعلی، جانشینی رهبر شهید، بسیار اهمیت دارد. در شرایط جنگی قرار داریم که در آن اساس نظام ابرقدرت‌ها و آمریکا که خود را برترین قدرت دنیا می‌دانند، در خطر قرار گرفته است و به همین دلیل، پیش از آنکه نظر مجلس خبرگان به طور رسمی اعلام شود، گروه‌های مختلف مردم وفاداری خود را اعلام کرده و بیان می‌کنند که هر تصمیمی که مجلس خبرگان بگیرد، مورد احترام و قبول است.

■ اهمیت اعتماد مردم به انتخاب خبرگان

در تاریخ هم این امر قبلاً نشان داده شده است که در آن زمانی که ما یک مرجع اصلی را انتخاب می‌کردیم که بتواند تشیع را در برابر جهانیان نمایندگی کند، یا اکنون که براساس قانون اساسی ولی فقیه را انتخاب می‌کنیم، این مسئله همیشه مطرح بوده است که باوجود عدم شناخت دقیق همه مردم از ابعاد علمی، شخصیتی و معرفتی کسی که به عنوان رهبر و ولی فقیه انتخاب می‌شود، اما چون خبرگان، ویژگی‌های رهبری را پیشاپیش در فرد شناسایی می‌کنند، بعداً، این افراد در عمل بسیار موفق ظاهر شده و توانسته‌اند که تشیع را در پیچ و خم‌های تاریخ هدایت کنند. در همین راستا، انتخاب پیشین خبرگان رهبری براساس قانون اساسی، نشان داد که انتخاب خبرگان توانسته است رهبر خوبی را برای کشور انتخاب کنند؛ همان طور که در انتخاب رهبر شهید، ما اثر انتخاب خبرگان را در ۳۷ سال گذشته، مشاهده کردیم.



باتوجه به اینکه درباره

انتخاب رهبر، باید

اتفاق نظر جامعی

صورت گیرد و این فرد در

واقع باید آرای تمام ملت

را داشته باشد، انتخاب

رهبری حساسیت

خاصی دارد. طبیعی

است که مجلس خبرگان

سال‌های گذشته

روی این موضوع بارها

تأمل کرده و گزینه‌های

مختلف را بررسی کرده

باشد.



در شرایط حاضر هم، این مسائل کاملاً صدق می‌کند؛ موضوع انتخاب رهبر و پیچیدگی‌ها و شاخص‌هایی که رهبر باید داشته باشد، یک وجه قضیه است و اعتماد و وفاداری مردم وجه دیگر آن است. این دو موضوع مکمل یکدیگر هستند که انشاءالله آینده کشور را نیز تضمین خواهد کرد.

سوال: در شرایط امروز، رهبر سوم انقلاب اسلامی، باید در چه ویژگی‌هایی شاخص دارد؟ قانون اساسی در این زمینه چه پیش‌بینی‌هایی دارد؟

سهیلی: ویژگی‌هایی که در قانون اساسی برای رهبری انقلاب اسلامی برشمرده شده است، بر مبنای وظایفی است که رهبری بر اساس قانون اساسی باید به عهده بگیرد. به دلیل اینکه حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت دینی است، رهبری آن را باید کسی به عهده بگیرد که احاطه کامل به مسائل دینی داشته باشد و از همین جهت، رهبر باید اجتهاد را دارا باشد.

■ قانون اساسی وظایف خطیر و ظرفی را به عهده رهبر انقلاب می‌گذارد

رهبری جمهوری اسلامی ایران همچنین علاوه بر وظیفه دینی خود، با انتخاب رئیس قوه قضائیه، آن را هدایت می‌کند، همچنین با انتخاب رئیس سازمان صداوسیما، بر رسانه‌های کشور اشراف دارد، فرمانده کل قوا است و قوای مسلح را زیر نظر دارد و همچنین تصمیم‌گیری درباره صلح یا ادامه جنگ و مسائلی از این قبیل، به رهبری سپرده شده است. بنابراین طبیعی است که رهبری ایران اسلامی باید در کنار دانش و آشنایی با شرایط روز و کشور و جهان، باید از ویژگی‌های وجودی مانند شجاعت، انصاف، عدالت و عقلانیت برخوردار باشد. احراز این ویژگی‌ها و فضایل وجودی و اخلاقی در یک فرد، یک کار بسیار ظریف و تخصصی است که مجلس خبرگان رهبری، این وظیفه را به عهده داشته و



باتوجه به موضوع، افرادی که در گذشته، به انحاء مختلف با مسائل کشور یا منطقه مواجه بوده‌اند یا در معرض طرح این مسائل و گزینه‌ش مصالح کشور بوده‌اند، این افراد آشنایی مقدماتی برای تصدی رهبری دارند. انشاءالله انتخاب مجلس خبرگان هم نشان می‌دهد که این شایستگی‌ها، در حد بسیار زیادی در یک فرد نمود پیدا کرده و مدنظر قرار گرفته است.

ولی فقیه سمبل وحدت ملی است

سوال: به نظر می‌رسد که در خطیرترین برهه از تاریخ انقلاب اسلامی قرار داریم؛ در حال جنگ با دشمن سرسختی هستیم که تلاش می‌کند جامعه را به آشوب بکشد و از طرف دیگر، همسایگان طماع را علیه ما برانگیزد. اهمیت وحدت حول ولی فقیه و رهبری جدید، چقدر می‌تواند باعث شکست دشمن و ادامه مسیر ملت ایران باشد؟

سهیلی: ولی فقیه، از جهت، وحدت بین قوای سه‌گانه را برقرار می‌کند که مسئله بسیار مهمی است. ولی فقیه همچنین سمبل وحدت ملی است. ممکن است در کشور جناح‌بندی‌ها و سلايق سیاسی مختلف داشته باشیم، ولی زمانی که لازم است این رویکردها در یک سطح واحد همگرا شود، این نقش راهبردی معظم ایفا می‌کنند. علاوه بر آن، در سال‌های اخیر، یعنی بعد از انقلاب اسلامی، شأنی که حتی در قانون اساسی تصریح نشده، اما مدنظر بوده، نقش جهادی ولی فقیه است. یعنی بسیاری از مجموعه‌های انقلابی در دنیا و به‌ویژه مقاومت در منطقه، وجه شرعی و حجیت رفتار خود را بر مبنای پیروی از ولی فقیه قرار داده‌اند. این موضوع حساسیت انتخاب رهبری آینده را افزایش می‌دهد و ما هرچقدر این همگرایی داخلی را داشته باشیم، کمک می‌کند همگرایی داخلی ما، تبدیل به همگرایی منطقه‌ای و حتی جهانی



ولی فقیه، از جهت،

وحدت بین قوای

سه‌گانه را برقرار

می‌کند که مسئله

بسیار مهمی است.

ولی فقیه همچنین

سمبل وحدت ملی

است. ممکن است در

کشور جناح‌بندی‌ها و

سلايق سیاسی مختلف

داشته باشیم، ولی

زمانی که لازم است این

رویکردها در یک سطح

واحد همگرا شود، این

نقش راهبردی معظم ایفا

می‌کنند.

شود. بنابراین اثرگذاری نقش ولی فقیه در منطقه و جهان از پذیرشی که در کشور شاهد آن خواهیم بود، تبعیت می‌کند. به همین دلیل موضوع انتخاب رهبری آینده و تبعیت مردم از ایشان، حساسیت بالایی دارد. طبیعی است که این یک فرایند است. به این صورت که از یک نقطه و اقبال عمومی آغاز می‌شود و به تدریج عمق و گسترش پیدا می‌کند. به همین جهت بسیار مهم است که نقطه شروع از قوام و اعتبار لازم برخوردار باشد.

ادامه مکتب فکری امام راحل در مسیر انقلاب اسلامی

سوال: رهبر جدید ملت ایران و همه آزادی خواهان جهان از طرف خبرگان رهبری انتخاب شد. به نظر شما انتخاب

آقاسیدمجتبی خامنه‌ای، چطور می‌تواند شرایط منطقه با سمت توسعه اندیشه مقاومت در جهان سوق دهد؟

سهیلی: انتخاب آیت الله حاج سیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید انقلاب اسلامی، علاوه بر سوابق علمی ارزشمند ایشان، تضمینی است برای اینکه سیره علمی رهبر شهید ادامه پیدا کند. فراتر از اینکه ایشان به لحاظ اخلاقی، شبیه رهبر شهید شباهت دارند، عملاً نیز در زندگی خود، مشابه پدر بزرگوارشان بوده‌اند به این صورت که ایشان به عنوان یک بسیجی ساده در دفاع مقدس شرکت می‌کنند، پس از آن به درس حوزه می‌پردازند و تا جایی پیش می‌روند که پس از دوران کرونا، درس خارج ایشان با حضور جمع زیادی از طلاب برگزار می‌شد، اما ایشان درس خارج را ترک می‌کنند تا شائبه کم‌تعداد بودن درس خارج دیگر علمای حوزه علمیه، برطرف شود. در واقع این سجایا اخلاقی ایشان نشان می‌دهد که سیره عملی رهبر شهید انقلاب را تحقق می‌بخشند. موضوع مهم دیگر در انتخاب آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب، این است که مکتب فکری که امام راحل پایه‌گذاری کردند و اصول و مبانی آن را در وصیت نامه سیاسی الهی شان مطرح کردند، همان اصول و مبانی فکری راهبر شهید در ۳۷ سال رهبری ایران اسلامی، دنبال کردند و اکنون با انتخاب فرزند رهبر شهید، این مکتب فکری استمرار پیدا کرده و تعمیق خواهد شد و انشاءالله در دهه‌های آینده شاهد گسترش این مکتب فکری در جهان و در پی آن، گسترش اندیشه مقاومت در جهان خواهیم بود. همچنین این مکتب فکری انشاءالله در آینده بتواند پایه‌های شکل‌گیری نظام‌های اسلامی و نظام‌های مبتنی بر مقاومت و آزادی بخشی را در کشورهای مختلف ایجاد کند.

انتخاب آیت الله مجتبی خامنه‌ای خون تازه‌ای در رگ‌های مقاومت می‌دمد

پیوند ولایت فقیه و مرجعیت در شخصیت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای، یک هم‌افزایی ارزشمند برای آینده ایران است؛ اگرچه جایگاه ولایت فقیه و مرجعیت به طور جداگانه نیز، اهمیت بسیاری دارد. با این حال، این موضوع نویدبخش این است که دو جریان قوی که آینده اسلام و تشیع را رقم می‌زند، در قالب یک شخصیت واحد به می‌پیوندد. همچنین این انتخاب می‌تواند خون تازه‌ای در رگ‌های مقاومت در منطقه تزریق کند و باعث هم‌افزایی برای حرکت‌های انقلابی در سراسر جهان خواهد شد.

این نکات نشان می‌دهد که انتخاب آیت الله حاج سیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر ایران، بسیار مدبرانه بوده است. خواست خداوند این بود که رهبر شهید ما، برای انقلاب اسلامی، فداکاری کرده و بحمدالله ثمره این فداکاری، انتخاب بسیار مدبرانه خبرگان رهبری بوده است. مادر آغاز یک دوران جدید هستیم؛ یک جهت‌گیری ارزشمند و تأثیرگذاری فراتر از آنچه در گذشته در منطقه رخ داده، صورت خواهد گرفت و جایگاهی که ایران پس از دفاع مقدس در جنگ رمضان در منطقه به دست می‌آورد، مؤید این است که ما یک آینده روشن و درخشان را پیش رو داریم انشاءالله.

جنگ رمضان و مردم سالاری دینی در ایران

یکی از راه‌های آزمودن هر سازه‌ای در هر رشته و علمی تخصصی، قرار دادن آن در شرایط سخت و بحرانی یا به اصطلاح زیر فشار و ضربه بردن آن است. این علم در خصوص سازه‌های مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی نیز صادق است.

سازه مردم سالاری دینی ایران و سه بحران پیاپی

در سه بحران نسبتاً پی در پی سازه مردم سالاری دینی ایران زیر ضربه رفته و در شرایط سخت و بحرانی قرار گرفت: شهادت ناگهانی رئیس جمهور رئیسی، شهادت غافلگیرانه سران نظامی و علمی کشور در جنگ دوازده روزه تحمیلی و بالاخره جنگ رمضان که در آن علاوه بر تعداد زیادی از سران و فرماندهان کشوری و لشگری، رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به شهادت رسید. اکنون در این نوشتار سوال این است که در چنین شرایطی عکس العمل یا عملکرد سازه مردم سالاری دینی ایران که در سال ۱۳۵۷ بنیان آن گذاشته شده چگونه بوده است؟ این سازه زیر فشار و ضربه‌های از این بحران‌ها خصوصاً فاجعه و ابر بحران جنگ رمضان چه بوده است؟ نوع عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در این بحران به چه ارزیابی‌ها و قضاوت‌هایی در خصوص آن منجر شده است؟ نوع مواجهه نظام مردم سالاری دینی ایران با این ابربحران به چه نوع تحلیل و تبیین از ماهیت این نظام سیاسی انجامیده است؟ با توجه به نتیجه آزمون صورت گرفته اکنون و بر اساس واقعیت‌های میدانی و براساس ذهنیت‌های احیاناً برساخته‌های رسانه‌ای و روشنفکری چه نامی از انواع نظامی و سیاسی، شایسته نامیدن نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه ایران است؟ یک نظام شخص محور سلطانیستی یا دیکتاتوری، استبدادی، پوپولیستی، فاشیستی، توتالیتر آنگونه که برخی متاسفانه آن را می‌گفتند یا یک نظام نهادینه جمهوری، مبتنی بر حاکمیت قانون، دولت مدرن، چند پایه، رقابتی مشارکت‌جو و مردمی؟ آنگونه که واقعیت ایجاب می‌کند.

برای پاسخ به این سوال بایستی به سراغ عینیت‌های اتفاق افتاده و وقایع فراروی دیدگان برویم، هست‌های میدان چنین نشان می‌دهد که چه در واقعه حذف ناگهانی رئیس جمهور به عنوان رئیس حکومت و چه در ترور غافلگیرانه و ناجوانمردانه مقام معظم رهبری به عنوان رئیس دولت، نظام سیاسی جمهوری اسلامی فرو نپاشید، آنی که معمولاً در نظام‌های سیاسی متکی بر یک فرد، متوقع بوده است و این یعنی این که با این رویداد و در قالب چنین قاعده‌ای اساساً نظام سیاسی ایران شخص محور یا استبدادی، تمامیت خواه



محمد باقر خرمشاد

استاد تمام علوم سیاسی
دانشگاه علامه طباطبائی

و سلطانی و دیکتاتوری نبوده است؟ چه این که اگر اینها می بود، بایستی در پس چنین ضربه‌ها و بحران‌هایی براساس قاعد و تجارب و سوابق علمی موجود و شناخته شده، نظام سیاسی از هم میپاشید. این همانی بود که برخی در داخل آن را برساخته و دائماً به القآن می پرداختند.

حال براساس آن چه که پس از حذف رئیس دولت و رئیس حکومت در ایران آن هم به واسطه یک مداخله و حمله خارجی سهمگین که طبیعتاً سیاست و حکومت را از حالت عادی خارج کرده و منجر به شرایط اضطراری می شود، بایستی به قضاوت نشست. به رغم چنین شرایط اضطراری و غیرعادی وقایع و روند امور در این سال‌ها، ماه‌ها و روزهای اخیر چنین نشان داد که نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه ایران؛

۱ یک نظام نهادینه است.

نهادگرایی و نهادینه بودن به فرایندی گفته می شود که در آن ساختارها، قوانین و رویه‌های آنقدر مستحکم، شفاف، جاافتاده و پذیرفته شده هستند که از افراد و اشخاص فراتر می روند. در این نظام‌ها، قدرت در نهادهایی مانند مجلس از جمله مجلس خبرگان، قوه قضاییه، قوه مجریه و مجمع تشخیص مصلحت نظام تجلی یافته، توزیع شده و تعیین کننده است و نه در یک شخص خاص. در ایران جمهوری اسلامی با حذف فرد اول چه فرد اول حکومت و رئیس جمهور و چه فرد اول دولت رهبری، این سازوکارهای قانون و تشکیلاتی بودند که برای جانشین و ادامه حیات نظام به صورت خودکار و از پیش تعیین شده فعال شده و ایفای نقش نمودند. ساختارها، قوانین و رویه‌های موجود بودند که به صورت طبیعی امر جانشینی را بدون هیچگونه ابهام و تردید و نزاعی حل کرده و به سرانجام رسانیدند.

۲ یک نظام مبتنی بر حاکمیت قانون است.

پایبندی به اصول و قواعد در ایران جمهوری اسلامی بحران زده، جنگ زده و ترور زده تا جایی بود که نه تنها نظام فرو نپاشید، بلکه به واسطه نمایش خیره کننده حاکمیت قانون، دقیقاً همان اتفاقی افتاد که قانون اساسی پیش بینی کرده بود، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر. وقایع نشان داد که در جمهوری اسلامی هیچکس حتی رئیس دولت فراتر از قانون نبوده و تداوم دولت به تداوم حیات یک فرد وابسته نیست. این قانون اساسی و سایر قوانین است که چارچوبی برای انتقال قدرت و تداوم کارکرده دولت فراهم کرده است. در ایران بدون رهبر روزهای اولیه جنگ زمان، بخش‌های دیگر حاکمیت با ایفای نقش و وظیفه خود تداوم و استقرار نظام را ممکن ساخت.

۳ یک نظام جمهوری در مفهوم کلاسیک آن است.

براساس دیدگاه تاریخی یکی از دلایل پیدایش اندیشه جمهوری خواهی در روم باستان، جلوگیری از فروپاشی دولت با مرگ یک حاکم (شاه) بود، امری که بایستی بدان مسئله جانشینی در ایران، از دوره باستان تا دوره معاصر را افزود، به گونه‌ای که این دوران‌ها دائماً مملو از آشوب و خشونت‌ها و ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌ها بوده است. در یک جمهوری به معنای امور عمومی، کشور به عنوان یک نهاد عمومی و متعلق به همه شهروندان در نظر گرفته می شود و نه یک ملک شخص حاکم، نهادی که در آن نمایندگان مردم تعیین کننده حاکمان، اعم از رئیس دولت و رئیس حکومت هستند. در ایران این روزها یکی از علل اساسی تاب آوری و مقاوم بودن نظام در برابر خلا قدرت ناشی از

فقدان یک رهبر، همین جمهوری بودن آن بوده است. در بحران جنگ رمضان جمهور مردم به عنوان لنگر کشتی نظام عمل کرده و به رغم نبود ناخدا، از غرق شدن و فروپاشی آن جلوگیری کرد.

یک دولت مدرن در تعبیر وبری آن است.

۴

ماکس وبر ویژگی دولت مدرن را در انحصار مشروع اعمال زور فیزیکی در یک قلمرو میدانست و چنین تاکید میکرد که این انحصار در اختیار یک تشکیلات اداری دیوان سالاری و مستقل از اراده یک شخص خاص است. وقتی نظام سیاسی ایران با ترور رهبرش فروپاشید، یعنی این که جامعه ایرانی به مرحله دولت مدرن با تشکیلات اداره عقلانی - قانونی، رسیده است؛ رست برخلاف گذشته که بیشتر یک دولت سنتی یا پدر سالار (شاه) بود که بر وفاداری شخصی به شاه استوار شده بود.

وسواس و عملکرد مجلس خبرگان برای رعایت همه جوانب و در انتخاب رهبر، زیر تهدیدهای آشکار آمریکا و رژیم صهیونیستی اعم از گفتارهای کلامی رئیس جمهور آمریکا (ترامپ) و بمبارانهای عینی و عملی ساختمان های مجلس خبرگان در تهران و قم و تهدید به ترور فرد نمایندگان این جلس توسط نخست وزیر رژیم صهیونیستی (نتانیا هو)، در چنین قالبی قابل تحلیل است.

آنکه ولی فقیه جانشین را تعیین کرد فقهای منتخب از جانب مردم مجلس خبرگان بود. و نه صها فقیه دیگر موجود در ایران نه حتی مراجع تقلید که دارای درجات فقهی اعلا بوده و آیات عظام محسوب می شوند. اینگونه بود چون قانون چنین خواسته و تعیین کرده بود، درست عکس آنچه که در دیماه ۱۳۵۷ با خروج شاه از ایران اتفاق افتاد که منجر به فروپاشی نظام شاهنشاهی پهلوی شد.



نظام چند پایه یا پلورالیستی بهره مند از پشتوانه اجتماعی گسترده است.

۵

در چنین نظامی اگر رهبر حذف شود، گروه های و ائتلاف های اجتماعی، نهادهای مدنی، گروه های ذی نفوذ، احزاب و سمن ها (سازمان های مردم نهاد) به حیات خود ادامه می دهند و با حمایت از ساختار قدرت، مانع از سقوط نظام می شوند. این دقیقاً همانی بوده که در ایران دوره جنگ رمضان اتفاق افتاد. در این راستا آنچه که در جنگ رمضان و پس از ترور رهبر معظم انقلاب اتفاق افتاد، عبارت بود از این که قدرت گروه های اجتماعی متفاوت و متنوع (پلورالیسم) پشت سر نظام بحران زده جمهوری اسلامی قرار گرفت و ضمن تجلیل و تکریم رهبر شهید، به صورت عینی نشان داد که ایشان صرفاً نماد یا راس این ائتلاف بوده است و چون نهادهای مدنی و گروه های اجتماعی منشأ قدرت محسوب می شوند، همان ها در قالب روندهای قانونی پیشی بینی شده، رهبر بعدی را تعیین کرده و خلاء قدرت را بدین وسیله پر نمودند.

آنچه که در جنگ رمضان

و پس از ترور رهبر

معظم انقلاب اتفاق

افتاد، عبارت بود از این

که قدرت گروه های

اجتماعی متفاوت و

متنوع (پلورالیسم) پشت

سر نظام بحران زده

جمهوری اسلامی قرار

گرفت

مضاف بر این اساس سلسله مراتب روحانیت شیعه و سنت انتخاب مرجع تقلید توسط آحاد شیعیان، که نظام ولایت فقیه ایران نیز برخاسته از آن است، بر نوعی پلورالیسم شفاف و دموکراسی خالص بنا شده است. آنچه که جایگاه هر عالم دینی در سلسله مراتب روحانیت شیعه را تعیین می‌کند، مدارج علمی و عملی او مقبول افتادن تدریجی ایشان در میان جامعه علمی و مردمی شیعی است و نه پروپاگاندا و لابی‌های مرسوم در دنیای معاصر، هیچ مرجع تقلیدی برای احراز این جایگاه و مقام حتی خود را نامزد نمی‌کند تا چه رسد به تبلیغ و احیانا فضا سازی‌های رسانه ای و خبری.

معمولا در هر مقطع تاریخی، مراجع تقلید مختلفی موجود بوده‌اند که خودم مردم بر اساس رویه‌ها، سنت‌ها و روندهای خاصی به انتخاب مرجع تقلید خود مبادرت می‌ورزیده‌اند.

بر اساس یک قاعده و اصل پذیرفته شده و عمومیت یافته، هیچ مرجع تقلیدی در ملامع به نفی و طرد و رد نظر علمی فقهی فقیه دیگر نمی‌پردازد، او فقط نظر و حکم و فتوای خود را ارائه می‌دهد و هر مقلدی نیز به تبعیت از نظر فقهی مرجع تقلید خود می‌پردازد، بدون اینکه متعرض مقلدان و مراجع تقلید دیگر شود. این امر در عمل منجر به رواج نوعی پلورالیسم از یکسو و تساهل و تسامح (درون مذهبی) از سوی دیگر شده است. مکانیسم انتخاب ولی فقیه یا فقیه ولایت‌دار از میان انبوه فقهای موجود توسط مجلس خبرگان که همگی فقیه هستند، الهام گرفته از سنت تاریخی و ریشه دار انتخاب مرجع تقلید توسط آحاد شیعی بوده است که در آن انسان شیعی با مشورت‌گیری از روحانی مسجد محله و متدینین شناخته شده در شهر (خبرگان) به انتخاب مرجع تقلید خود مبادرت می‌ورزیده است.

علل پایداری و تداوم نظام مردم سالاری دینی

این سنت و قاعده بود که در جریان نوشتن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ساختارمند شد و به واسطه آن مردم ایران در هر جغرافیا و منطقه‌ای، فقیهی را به عنوان نماینده خود در مجلس خبرگان انتخاب می‌کنند تا آنان به هنگامه لزوم دست به انتخاب فقیهی با خصوصیات، ویژگی‌ها و شرایط خاص نمایند و ولایت امت یا ملت را به او بسپارند و اینگونه است که بر اساس یک مکانیسم انتخابی بومی، طبیعی و مبتنی بر سنت تاریخی شیعی و البته در چارچوب‌های قانونی و ساختارمند ولی فقیه انتخاب می‌شود.

بر این اساس یکی از علل پایداری و تداوم نظام مردم سالاری دینی یا نظام مبتنی بر ولایت فقیه در ایران، بناشدن آن بر باورهای ارزش‌ها و سنت‌های کهن و بومی ایرانی شیعی بوده است. این نظام به گونه‌ای با فرهنگ و تمدن ایرانی سازگار است که در زیست بوم ایران، ایرانیان با آن احساس بیگانگی نمی‌کنند.

مردم سالاری دینی در واقع محل تلاقی مطالبات دوگانه تاریخی معاصر ایرانیان در سیاست است؛ دموکراسی و دین خواهی، به رغم همه فراز و فرودهای مردم سالاری دینی تاکنون توانسته است به گونه‌ای متوازن این دو خواسته سیاسی اجتماعی فرهنگی تاریخی ایرانیان جمع کرده و میان آن‌ها نوعی سازگاری و همزیستی ایجاد نماید.

لذا اگر قرار باشد که هم دموکراسی در ایران ارتقا یابد و هم دین، چاره‌ای جز تعیین نقطه عزیمت از مردم سالاری دینی نیست. ارتقاء هر یک از این دو نیاز اجتماعی سیاسی باید بگونه‌ای صورت گیرد که به ضعف و حذف دیگری نیانجامد. به نام تاریخ و تجربه، دموکراسی بدون دین و دین بدون دموکراسی در ایران شدنی نیست، یا چنین امری ناشدنی است چون تجربه تاریخ و سنت و زیست بوم ایران آن را بر نمی‌تابد. به همین جهت عاقلانه و شایسته به نظر می‌آید که دموکراسی خواهان (ناب)، انتظارات خود را مرزهای دین و دین نیز انتظارات خود را با مرزهای دموکراسی تنظیم نمایند. در این حالت هر مقدار از دموکراسی و دین که باقی بماند مطلوب خواهد بود. اینجا ایران است.



میراث بزرگ امام شهید برای تاریخ ایران

دکتر شهریار زرشناس

در پی ظهور و تاسیس عالم غرب مدرن و نظام جهانی سلطه برآمده از آن و نیز دست درازی ایده نظام جهانی سلطه به سرزمین‌ها و مردمان و اقوام مختلف، عالم ایرانی اسلامی نیز از اوایل قرن نوزدهم در معرض تهاجم و فشار استیلاگرانه تمدن سلطه‌گر غرب مدرن قرار گرفت.

تلاش دنیای مدرن برای انقطاع میان ایرانیان و عالم ایرانی-اسلامی

استعمار و سرمایه‌داری متروپل مدرن استیلاجو و نظام سلطه جهان‌خوار برآمده از آن به منظور تبدیل ایران به یک کشور تحت سلطه و اقماری (نظیر کاری که تقریباً همزمان با ایران، با دیگر ملت‌ها و سرزمین‌ها از برزیل، آرژانتین و مکزیک و پرو تا فیلیپین، اندونزی، چین، هند، کره و... انجام داده بود) کوشید تا با مسخ هویت و تغییر ساختارهای کلان فرهنگی-اقتصادی-سیاسی - اجتماعی به تدریج نوعی انقطاع میان ایرانیان و عالم ایرانی-اسلامی به وجود آورد. پروژه استعمار و غرب مدرن این بود که با کم رنگ کردن

مولفه‌های عالم ایرانی اسلامی به تدریج ایران و ایرانیان را گرفتار نحوی خود باختگی و از خودبیگانگی فرهنگی اجتماعی نماید و نوعی صورت بندی (formation) کلان تاریخی فرهنگی شبه مدرن (تجدد مآبی) را جانشین آن نماید.

■ نقشه غرب؛ استیلاي شب مدرنیته بر عالم ایرانی اسلامی

در واقع استعمار غرب مدرن به دنبال آن بود تا از طریق اعمال فشار گسترده تمام عیار به تدریج عالم ایرانی-اسلامی را کنار زده و دچار استحاله نماید و به جای آن نوعی شبه مدرنیته را بر ایران مستولی نماید. جوهر و بن مایه اصلی تاریخ معاصر ایران (که تقریباً از اوایل قاجاریه آغاز می‌گردد) همانا کوشش برنامه‌ریزی شده و سیستماتیک و تمام عیار نظام جهانی سلطه برای حاکم کردن شبه مدرنیته بر ایران بوده است.

■ رژیم پهلوی، نقطه عطف پروژه شبه مدرنیزاسیون ایران

استکبار جهانی به دنبال آن بود تا به واسطه حاکم کردن شبه مدرنیته، ایران را به یک کشور وابسته و تحت سلطه و تضعیف شده بدل نماید تا بتواند آن را به طور کامل غارت نماید. نظام جهانی سلطه در مواجهه با بسیاری دیگر از مردمان و سرزمین‌ها در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین نیز به دنبال همین امر بوده است. در فرایند پیشبرد پروژه شبه مدرنیزاسیون ایران، روی کار آوردن رژیم پهلوی یک نقطه عطف بود.

با روی کار آمدن این رژیم، معماری تمام عیار فرماسیون شبه مدرنیته در ایران آغاز گردید. ره آورد این شبه مدرنیته برای ایران چه بوده است؟ ره آورد آن تبدیل ایران به یک کشور تحت سلطه و اقماری و وابسته و گرفتار فقر و فاصله طبقاتی شدید و اقتصاد سرمایه‌داری دفورمه بحران زده رکودی-تورمی و اسیر از خودبیگانگی هویتی فرهنگی و در یک عبارت کوتاه بلعیدن ایران بوده است.

■ انقلاب اسلامی فصل‌رهایی از سیطره شبه مدرنیته

به سبب همین نتایج فاجع بار سیطره شبه مدرنیته بر ایران بود که ملت ایران با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ برای رهایی از خود از سیطره نكب بار آن کوشید.

انقلاب اسلامی ایران، فصل نوینی را در تاریخ ایران رقم زد، فصل عبور از تونل وحشت شبه مدیرنیته، فصل تاسیس دولت ملت ایرانی بر پایه مولفه‌های هویتی عالم ایرانی اسلامی (و نه بر پایه تقلید از ناسیونالیسم سکولار شورونیستی)، فصل رسیدن ایران به استقلال و توانمندی.

با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران حرکت در مسیر رهایی از سیطره شبه مدرنیته و وابستگی به نظام جهانی و نتایج تلخ و فاجعه بار آن را آغاز نمود.

در دهه اول انقلاب و دوران رهبری امام راحل، سنگ بنای جامعه نوین مستقل نیرومند ایران انقلابی گذاشته شد، پس از آن و با آغاز رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای شهید و در دوران حدودا سی و هفت ساله ولایت ایشان، واقعیت دولت-ملت ایران معاصر، ذیل آرمان‌گرایی انقلاب اسلامی عملاً معماری گردید و عینیت یافت.

از امام شهید موازیث متعددی برای ایران به جا مانده است، اما شاید اصلی‌ترین میراث حضرت امام شهید برای امروز و برای تاریخ ایران؛ همانا معماری دولت-ملت ایران انقلابی بر پایه نظام امت-امامت و ذیل ایده بنیادین ولایت فقیه است.

در دوران رهبری امام خامنه‌ای، جامعه ایران برای اولین بار در تاریخ خود در هیئت یک دولت-ملت فعالیت و عینیت یافت.

این ظهور ایران به صورت یک دولت-ملت دارای مولفه‌ها و خصایصی است که آن را از صورت‌های جعلی و تقلیدی به اصطلاح دولت-ملت‌های سکولاریستی ملهم از ایدئولوژی‌های غربی مدرن متمایز می‌کند.

رئوس اصلی دولت ملت ایران، پس از انقلاب که توسط رهبر شهید تدوین تئوریک و معماری گردیده و تحقق یافته از این قرار است:

■ نظم دولت-ملت مبتنی بر مولفه‌های هویتی عالم ایرانی-اسلامی

نظم دولت-ملت مبتنی بر مولفه‌های هویتی عالم ایرانی-اسلامی (مولفه‌هایی نظیر خود اشراقی، عدالت محوری، آرمان حکومت دین دار پارسا و...) است. حال آن که پروژه‌های دولت-ملت استعمار ساخته که در ایران پیش از انقلاب و نیز هم اکنون در برخی کشورهای تحت سلطه دنبال شده و می‌شود، تماماً در تقلید از ایدئولوژی‌های غربی مدرن تکوین یافته و از این رو صبغه‌ای سطحی و جعلی داشته و دارند.

حال آنکه پروژه دولت-ملتی که تحت رهبری امام خامنه‌ای تدوین و معماری شد، به سبب تکیه داشتن بر مولفه‌های عالم ایرانی اسلامی، اصیل و بومی فلذا پایدار و ماندگار است.

■ نظم دولت-ملت برآمده از آرمانگرایی انقلاب

نظم دولت-ملت برآمده از آرمانگرایی انقلاب که توسط رهبر شهید صورت بندی نظری و تحقق عملی یافته است؛ مبتنی بر درک خاصی از مفهوم ملت است؛ درکی که مفهوم ملت ایران در این نظم دولت ملت بر پایه نظام امام-امت (و نه در تقابل با آن) پدیدار می‌گردد. یعنی بر خلاف تبلیغات و القائات تئورسیین‌های فرمانیست غربی و روشنفکران سکولاریست و شبه مدرنیست‌های ایرانی و مقلد آن‌ها، هیچ تقابلی بین مفهوم ملت ایران در نظم دولت-ملت برآمده از انقلاب اسلامی با نظام امامت-امت وجود ندارد، زیرا مفهوم ملت ایران در پروژ دولت ملت بعد از انقلاب ایران (که امام شهید آن را معماری نمود) به دلیل تکیه داشتن بر مولفه‌های عالم ایرانی اسلامی و نیز به این سبب که رکن بنادین هویت ایرانی از دیرباز ولایت مداری بوده است، همین مفهوم امت می باشد. از همین رو است که نظم دولت ملت ایران پس از انقلاب مبتنی بر ولایت فقیه و تجسم نظام امامت-امت می باشد.

■ نظم دولت-ملت مبتنی بر استقلال

نظم دولت-ملتی که توسط آیت الله خامنه‌ای شهید تدوین و معماری گردیده است،



نظم دولت-ملت برآمده

از آرمانگرایی انقلاب

که توسط رهبر شهید

صورت بندی نظری و

تحقق عملی یافته است؛

مبتنی بر درک خاصی از

مفهوم ملت است؛ درکی

که مفهوم ملت ایران در

این نظم دولت ملت بر

پایه نظام امام-امت (و

نه در تقابل با آن) پدیدار

می‌گردد.



برخلاف پروژه‌های سکولاریستی دولت-ملت‌های شبه مدرن که بر پایه وابستگی قرار داشتند، برپایه استقلال قرار دارد و تحقق ایران مستقل و مقتدر را (که هم اکنون عملاً تحقق یافته) دنبال می‌کرده است. در واقع این نظم دولت ملت امامت محور تضمین کننده استقلال و اقتدار و توانمندی ایران است، امری که امروزه به وضوح جلوه‌ای از ظهور و بروز آن را در دفاع مقدس تمدنی پیروزمند ایرانیان مشاهده می‌کنیم.

این نظم دولت-ملت امامت محور که امام شهید آن را معماری کرده و فعلیت بخشید، روحی انقلابی دارد و مبتنی بر ایده ایران انقلابی است و در مقام ظهور نیز از دل انقلاب اسلامی پدیدار گردیده است.

ایران در تاریخ معاصر خود، از زمانی که تحت سیطره شبه مدرنیته قرار گرفت تا وقوع انقلاب اسلامی، همیشه تحت سلطه و تضعیف و تحقیر شده بوده و روی استقلال و اقتدار و عزت ران دیده بود. با پیروزی انقلاب اسلامی روح استقلال طلبی و عزت خواهی در ایران پدیدار و فراگیر و بدل به خواست و اراده همگانی و ملی می‌گردد و پس از آن در دوران رهبری امام شهید است که اراده همگانی و ملی در هیئت یک نظم و نظام و صورت بندی تمدنی و یک ساختمان و ساختار فراگیر تاریخی، اجتماعی-سیاسی معماری می‌گردد و فعلیت می‌یابد.

بدین سان و زیر سایه هدایت و زعامت خامنه‌ای شهید، ایران برای اولین بار در تاریخ خود دارای یک نظم و نظام تمدنی دولت ملت مستقل نیرومند امامت محور می‌گردد که در عین اسلامی و انقلابی بودن در مواجهه تحولی-انتقادی با مدرنیته غربی و شبه مدرنیته ایرانی و ناظر به مقتضیات آن قرار دارد.

این نظم دولت-ملت اسلامی انقلابی و ولایت محور تضمین کننده استقلال و اقتدار ایران و ایرانیان و تجسم عزت و سربلندی آنان است. معماری این نظم و نظام تمدنی که کاری سترگ و بزرگ و بسیار دشوار بوده است؛ شاید بزرگ‌ترین میراث حضرت آیت الله امام خامنه‌ای شهید برای تاریخ این مرز و بوم و مردمان این سرزمین است. میراث گرانبگر و گوهری گران بها که باید آن را شناخت و قدر نهاد و با تمام وجود و از عمق جان پاس داشت.

از «حکمت علوی» و «خون حسینی» تا «امتداد فاطمی»:

تداوم ولایت و جهش نهضت در عصر جدید

تاریخ، در لحظات نادر خود، نه با رفت و آمد اشخاص، بلکه با «تحول در مرتبه حضور حقیقت» تعریف می‌شود. گاه انسانی در بستر یک امت، چنان با حقیقت درهم تنیده می‌شود که وجود او دیگر یک فرد نیست، بلکه به «ظهور یک معنا» بدل می‌شود؛ و در این مرتبه، حتی غیبت ظاهری او نیز، نه فقدان، بلکه شکلی دیگر از حضور است. رهبر شهید ما، حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، از این سنخ بود؛ حکیمی الهی که توانست در زمانه‌ای پیچیده، نسبت میان ایمان، عقل و قدرت را از نو صورت‌بندی کند و انقلاب اسلامی را از سطح یک رخداد سیاسی، به افق یک «پروژه تمدنی زنده» ارتقاء دهد.

از این منظر، شهادت ایشان را نمی‌توان در قالب یک ضایعه صرف تحلیل کرد. این واقعه، «انتقال از ظهور به بقا» است؛ گذار از حضور در قامت یک رهبر، به حضور در قامت یک «منشأ تاریخی ماندگار». او رفت، اما نه برای آنکه از صحنه تاریخ حذف شود، بلکه برای آنکه در عمق آن، ریشه بدواند. و آنچه این بقا را تضمین می‌کند، میراثی است که از خود برجای گذاشت؛ میراثی که می‌توان آن را در قالب سه گوهر درهم تنیده و تمدن‌ساز فهم کرد: گوهر علوی، گوهر حسینی و گوهر فاطمی. گوهر علوی، تجلی عقلانیت توحیدی در میدان حکمرانی است؛ همان منظومه فکری و معارفی که ایشان در طول دهه‌ها، با تأمل، مجاهدت و تجربه تاریخی، صورت‌بندی کرد. این میراث، نه مجموعه‌ای از بیانات پراکنده، بلکه یک «دستگاه معرفتی منسجم» است که در آن، سیاست به مرتبه حکمت عملی ارتقاء می‌یابد. در این دستگاه، انسان صرفاً واحدی اقتصادی یا زیستی نیست، بلکه موجودی در مسیر تعالی است؛ جامعه، میدان تنازع منافع نیست، بلکه بستر اقامه قسط است؛ و دولت، ابزار سلطه نیست، بلکه امانتی برای تحقق عدالت است. ایشان با این نگاه، مفاهیمی بنیادین را از سیطره تفسیرهای تقلیل‌گرایانه رها ساخت؛ پیشرفت را از مدار مصرف‌زدگی و تقلید، به افق تعالی و خوداتکایی کشاند؛ استقلال را از انزوا جدا کرد و به معنای «توان ایستادن در برابر اراده‌های مسلط» ارتقاء داد؛ و مقاومت را از یک واکنش، به یک «راهبرد فعال تمدن‌ساز» تبدیل نمود. این گوهر علوی، همچون نهج البلاغه‌ای برای عصر ما، می‌تواند چراغ راه امت باشد؛ به شرط آنکه فهم شود، به نظام تصمیم‌گیری راه یابد و در ساختارهای عینی حکمرانی ترجمه گردد.

اما هیچ عقلانیتی، هرچقدر ژرف و منسجم، بدون «روح»، در تاریخ جاری نمی‌شود. آنچه



دکتر سید یاسر جبرائیلی

استادیار علوم سیاسی
پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی

اندیشه را از سطح نظریه به سطح «نیروی محرک تاریخ» ارتقاء می‌دهد، عنصر ایثار است؛ همان حقیقتی که در عالی‌ترین مرتبه خود، در عاشورا تجلی یافت. اینجاست که گوهر حسینی این میراث، معنا پیدا می‌کند. شهادت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در این افق، یک حادثه صرف نیست، بلکه یک «فعل تاریخی احیاگر» است؛ خونی که بر زمین ریخته نشد، بلکه در متن تاریخ جاری شد. این خون، پرده‌ها را کنار زد، مرزها را شفاف کرد و تقابل دو منطق را عریان ساخت؛ منطق سلطه که بر حذف و ارباب استوار است و منطق حقیقت که بر ایستادگی و فداکاری بنا شده است. شهادت ایشان، بار دیگر نشان داد که این نهضت، ریشه در حقیقتی دارد که با حذف رهبران، نه تضعیف، بلکه تعمیق می‌شود. این گوهر حسینی، روح جامعه را بیدار می‌کند، رخوت را می‌شکند و حرکت تاریخی را شتاب می‌بخشد. در این معنا، خون ایشان، نه پایان یک فصل، بلکه آغاز فصلی تازه از «حیات فعال تاریخی» است. و اما گوهر فاطمی؛ لطیف‌ترین و در عین حال تعیین‌کننده‌ترین لایه این میراث. اگر گوهر علوی، عقلانیت را نمایندگی می‌کند و گوهر حسینی، روح ایثار را، گوهر فاطمی «تداوم و امتداد حقیقت» را در تاریخ تضمین می‌کند. در سنت شیعی، حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، نه صرفاً یک شخصیت تاریخی، بلکه «محور بقای ولایت» هستند؛ آن حلقه‌ای که اجازه نمی‌دهد حقیقت، در میان طوفان حوادث، گسسته شود. فاطمی بودن، یعنی حامل بودن، پاسداری کردن و منتقل ساختن؛ یعنی ایستادن در نقطه‌ای که سرنوشت تاریخ در آن رقم می‌خورد. در این افق، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، نه صرفاً به عنوان یک فرد، بلکه به مثابه «تجلی گوهر فاطمی» قابل فهم است؛ امتداد یک خط، استمرار یک مکتب و حامل میراثی که از حکمت و شهادت، توأمان تغذیه می‌کند. ایشان هم از حیث نسب، به آن شجره طیبه متصل است و هم از حیث سیر تاریخی، در بطن همان مجاهدت‌ها و تجربه‌ها شکل گرفته است. این پیوستگی، اهمیت رهبری ایشان را از سطح یک انتخاب سیاسی، به مرتبه یک «تصمیم در تراز تداوم ولایت» ارتقاء می‌دهد. انتخاب ایشان از سوی مجلس خبرگان رهبری، در این چارچوب، نه یک جابه‌جایی، بلکه تثبیت یک «خط ممتد حکمی-انقلابی» است؛ خطی که در آن، رهبری، پاسداری از جهت و هدایت حرکت در پیچ‌های تاریخی است. اکنون، انقلاب اسلامی در آستانه مرحله‌ای نو قرار گرفته است؛ مرحله‌ای که می‌تواند از «تداوم» به «تکامل» و از «بقا» به «جهش تمدنی» عبور کند. این جهش، زمانی محقق خواهد شد که این سه گوهر، در نسبت با یکدیگر فعال شوند؛ گوهر علوی، به عنوان نقشه راه عقلانی؛ گوهر حسینی، به عنوان موتور حرکت و انگیزش تاریخی؛ و گوهر فاطمی، به عنوان ضامن امتداد و تحقق عینی در زمان. در چنین افقی، امید، نه یک احساس، بلکه یک «ادراک از امکان تاریخی» است؛ اعتمادی ریشه‌دار به مسیری که نشان داده است می‌تواند در سخت‌ترین شرایط، خود را بازتولید کند و پیش برود. در دوره رهبری حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، این ظرفیت وجود دارد که پیوند میان معارف انقلاب اسلامی و ساختارهای حکمرانی، به سطحی عمیق‌تر و کارآمدتر ارتقاء یابد؛ به گونه‌ای که اصول، نه مانع کارآمدی، بلکه شرط تحقق آن باشند. در این مسیر، پیشرفت، از سطح شاخص‌های صرفاً مادی فراتر خواهد رفت و به یک «پیشرفت متوازن» بدل خواهد شد که در آن، عدالت، معنویت و اقتدار، در نسبت با یکدیگر معنا می‌یابند و سعادت ملی، در افق یک تمدن نوین اسلامی، صورت عینی پیدا می‌کند. از این رو، آنچه امروز بر عهده ماست، نه صرفاً سوگواری، بلکه «فهم میراث و تبدیل آن به کنش» است. اگر گوهر علوی را به درستی دریابیم، اگر گوهر حسینی را پاس بداریم و اگر گوهر فاطمی را در ساختارهای واقعی جامعه به فعلیت برسانیم، آنگاه این شهادت، نه یک فقدان، بلکه یک «سرمایه تاریخی» خواهد بود؛ سرمایه‌ای که می‌تواند یک ملت را به سطحی نواز خودآگاهی، انسجام و حرکت برساند. در این صورت، تاریخ آینده، از این لحظه، نه به عنوان پایان یک عصر، بلکه به عنوان آغاز «عصر تداوم ولایت و تکامل نهضت» یاد خواهد کرد؛ عصری که در آن، حکمت باقی می‌ماند، خون به حرکت معنا می‌بخشد، و حقیقت، در امتداد خویش، راهی تازه به سوی آینده می‌گشاید.



فقاہت، بصیرت، سلوک؛ سه سنجہ در معرفی شخصیت رہبر سوم انقلاب در سنت فقہ شیعی

در سنت اندیشه سیاسی شیعه، ارزیابی یک شخصیت دینی صرفاً بر پایه جایگاه اجتماعی یا شهرت عمومی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای ریشه‌دار در میراث اجتهادی حوزه‌های علمیه سنجیده می‌شود. فقهای شیعه در طول قرن‌ها بر این نکته تأکید کرده‌اند که رهبری دینی هنگامی معنا می‌یابد که علم، بصیرت و اخلاق در وجود یک شخصیت جمع شود. از این منظر، سه سنجہ اساسی برای شناخت چنین شخصیتی قابل طرح است: فقاہت علمی، بصیرت راهبردی و سلوک اخلاقی.



دکتر روح‌الله سلگی

معاون پژوهشگاه علوم و
معارف انقلاب اسلامی

فقاہت؛ پشتوانه علم و اجتهاد

نخستین معیار در سنت فقہ شیعی، عمق علمی و تربیت اجتهادی است. در نگاه فقهی، فقیه کسی است که با منابع اصلی دین — قرآن، سنت و میراث استنباطی فقها — انس داشته باشد و بتواند در مواجهه با مسائل نوپدید، پاسخ‌هایی مبتنی بر اجتهاد ارائه کند. در معرفی شخصیت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای بسیاری از حوزویان بر پرورش علمی او در بستر علمی حوزه‌های علمیه و اهتمام او به مباحث فقهی و اصولی تأکید کرده‌اند.

بصیرت

به مناسبت شهادت قائدامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



حجت الاسلام سید حسن
خمینی

نصرت نصیب مردم شد

ضمن عرض

تسلیم شهادت والد

ماجدتان که اسوه

جهاد بود، انتخاب

جنابعالی را به عنوان

رهبری تبریک عرض

می نمایم. بی تردید

خدای متعال نصرت

را نصیب مردم ایران

می کند و مسیر

نورانی اسلام ناب با

هدایت شما پیموده

خواهد شد.

این تربیت حوزوی، نه فقط یک سرمایه علمی، بلکه نوعی پشتوانه معرفتی برای فهم مسائل کلان جامعه به شمار می آید؛ پشتوانه ای که در سنت روحانیت شیعه همواره شرط لازم برای ایفای نقش های بزرگ دینی و اجتماعی بوده است.

بصیرت؛ فهم زمانه و تشخیص لحظه ها

فقه شیعه همواره بر مفهومی کلیدی تأکید کرده است: شناخت زمانه. بسیاری از فقهای برجسته تصریح کرده اند که فقیه، اگرچه در متون دینی تبحر دارد، اما برای هدایت جامعه باید از تحولات اجتماعی و سیاسی عصر خود نیز آگاه باشد. در روایت هایی که از سال های حضور آیت الله سید مجتبی خامنه ای در فضای سیاسی و اجتماعی ایران نقل می شود، به آشنایی نزدیک او با روندهای تصمیم گیری و تحولات کلان کشور اشاره شده است. چنین تجربه ای می تواند به شکل گیری نوعی بصیرت راهبردی بینجامد؛ بصیرتی که در آن قدرت تحلیل، تشخیص اولویت ها و درک پیچیدگی های محیط منطقه ای و جهانی به هم پیوند می خورند. در جهان پرتحول امروز، این توانایی یکی از سرمایه های مهم برای هدایت جامعه به شمار می رود.

سلوک؛ اخلاق و سادگی در زیست فردی

در سنت روحانیت شیعه، شخصیت دینی تنها با دانش و قدرت تحلیل تعریف نمی شود؛ بلکه سلوک فردی و سبک زندگی نیز بخشی از معیار ارزیابی است. بسیاری از فقها بر این باور بوده اند که عالم دینی باید در زندگی شخصی خود نشانه هایی از تواضع، ساده زیستی و پرهیز از تجمل را حفظ کند. در توصیف شخصیت آیت الله سید مجتبی خامنه ای بارها به سبک زندگی کم حاشیه، پرهیز از جلوه گری رسانه ای و گرایش به سادگی اشاره شده است. چنین سلوکی، افزون بر ارزش اخلاقی، کارکرد اجتماعی نیز دارد؛ زیرا اعتماد عمومی هنگامی شکل می گیرد که جامعه میان گفتار و رفتار شخصیت دینی هماهنگی ببیند.

رهبری در تراز شایستگی؛ پاسخ مستدل به ادعای وراثت سیاسی

از سوی دیگر با وجود این ابعاد خاص شخصیتی آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای، برخی غرض ورزانه شایعاتی مطرح میکنند که مهم ترین آن شائبه وراثت سیاسی در امر ولایت فقیه است که به طور مستدل پاسخ های زیر را می توان مطرح کرد.

۱. تمایز بنیادین میان وراثت سیاسی و انتخاب نهادی

در نظام های سیاسی موروثی، انتقال قدرت بر پایه «حق نسب» و پیوند خونی

صورت می‌گیرد؛ به این معنا که صرف انتساب خانوادگی منشأ مشروعیت سیاسی تلقی می‌شود.

اما در جمهوری اسلامی ایران، مطابق قانون اساسی، تعیین رهبر از طریق نهاد انتخابی یعنی مجلس خبرگان رهبری انجام می‌گیرد. در این چارچوب، نسبت خانوادگی نه منشأ مشروعیت است و نه مانع قانونی؛ بلکه معیار، احراز شرایط علمی، فقهی، تقوایی و مدیریتی در فرد منتخب است. بنابراین حتی اگر فردی از خاندان رهبر پیشین باشد، تا زمانی که فرآیند انتخاب از مسیر قانونی و نهادی طی شود، اساساً مفهوم «موروثی شدن» موضوعیت ندارد.

۲. نبود سازوکار ولیعهدی در ساختار جمهوری اسلامی

یکی از شاخصه‌های اصلی نظام‌های سلطنتی، تعیین جانشین از سوی حاکم در زمان حیات است؛ سازوکاری که معمولاً در قالب تعیین «ولیعهد» ظهور می‌یابد. در حالی که در چارچوب نظریه ولایت فقیه چنین اختیاری برای رهبر پیش‌بینی نشده و رهبر شهیدمان هم بارها از تعیین رهبری چه در جلسات رسمی و چه غیررسمی پرهیز داشته‌اند لذا تعیین رهبر صرفاً در صلاحیت خبرگان منتخب مردم قرار دارد. از این رو، طرح نام هر شخصیتی. از جمله آیت الله سید مجتبی‌خامنه‌ای. تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که در فرآیند بررسی خبرگان و بر اساس معیارهای قانونی و فقهی مورد ارزیابی قرار گیرد، نه بر مبنای انتصاب شخصی یا توصیه خانوادگی.

۳. تفاوت «نسب خانوادگی» با «مبنای مشروعیت»

در تحلیل‌های علوم سیاسی، وجود رابطه خویشاوندی میان دو رهبر لزوماً به معنای موروثی بودن نظام سیاسی نیست. در بسیاری از نظام‌های انتخابی جهان نیز ممکن است چند عضو از یک خانواده در مناصب عالی قرار گیرند، اما مشروعیت آنان از سازوکار انتخابی و شایستگی فردی ناشی می‌شود، نه از نسبت خانوادگی.

بنابراین اگر فردی از خانواده رهبر پیشین واجد شرایط علمی و مدیریتی باشد، حذف او صرفاً به دلیل پیوند نسبی، نه تنها منطقی نیست بلکه با اصل شایسته‌سالاری نیز ناسازگار خواهد بود.

۴. معیارهای فقهی و معرفتی در انتخاب رهبر

در فقه سیاسی شیعه، معیار رهبری «فقاہت، عدالت، تدبیر و توانایی اداره جامعه» است؛ ملاک‌هایی که در چارچوب نظریه ولایت فقیه توسط خبرگان مورد احراز قرار می‌گیرد. در این منظومه فکری، نسبت خانوادگی نه دلیل اثبات صلاحیت است و نه دلیل نفی آن. آنچه تعیین‌کننده است، احراز مجموعه‌ای از ویژگی‌های علمی، اخلاقی و مدیریتی است که فرد را برای هدایت جامعه اسلامی شایسته می‌سازد.



در فقه سیاسی شیعه،

معیار رهبری «فقاہت،

عدالت، تدبیر و توانایی

اداره جامعه» است؛

ملاک‌هایی که در

چارچوب نظریه ولایت

فقیه توسط خبرگان مورد

احراز قرار می‌گیرد. در

این منظومه فکری،

نسبت خانوادگی نه

دلیل اثبات صلاحیت

است و نه دلیل نفی آن.



۵. ناسازگاری با قاعده کلاسیک ارشدیت در وراثت

در اغلب نظام‌های سلطنتی، انتقال قدرت تابع قاعده «ارشدیت» است؛ یعنی قدرت به طور خودکار به فرزند ارشد منتقل می‌شود. این قاعده از مهم‌ترین نشانه‌های ساختارهای موروثی به شمار می‌آید. در حالی که در جمهوری اسلامی چنین منطقی اساساً قابل تطبیق نیست؛ زیرا اولاً در جمهوری اسلامی هیچ قاعده‌ای برای انتقال قدرت بر مبنای نسب یا ترتیب تولد وجود ندارد، و ثانیاً فرد مورد بحث نیز فرزند ارشد خانواده محسوب نمی‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که طرح ادعای وراثت، از نظر تحلیلی با الگوهای شناخته شده نظام‌های موروثی سازگار نیست.

۶. استقلال نهادی خبرگان در تشخیص اصلح

وظیفه اصلی مجلس خبرگان رهبری تشخیص «فرد اصلح» برای رهبری جامعه اسلامی است. اعضای این مجلس، که خود از میان فقها و مجتهدان منتخب مردم هستند، موظف‌اند بدون ملاحظه روابط شخصی یا فشارهای سیاسی، صرفاً بر اساس معیارهای شرعی و قانونی به بررسی گزینه‌ها بپردازند. از این منظر، نسبت خانوادگی نه امتیاز ویژه محسوب می‌شود و نه مانع بررسی؛ بلکه تنها صلاحیت‌های واقعی فرد است که می‌تواند در فرآیند انتخاب تعیین‌کننده باشد.

۷. منطق مقاومت در برابر عملیات روانی دشمن

طرح ادعای «موروثی شدن» بخشی از جنگ روایت‌ها و عملیات روانی علیه ساختار سیاسی جمهوری اسلامی است. هدف از چنین ادعاهایی ایجاد تردید در افکار عمومی نسبت به سازوکارهای قانونی نظام است. در حالی که واقعیت حقوقی و نهادی نظام نشان می‌دهد که انتقال رهبری نه بر اساس پیوندهای خانوادگی، بلکه بر مبنای انتخاب خبرگان و احراز شرایط شرعی و مدیریتی صورت می‌گیرد.



نظام انقلابی؛ برگ برنده ایران و جبهه مقاومت

ما در این ۴۷ سال شاهد توفیقات و پیروزیها و نصرت‌های زیادی بوده ایم که آخرین آن نصرت مواجعه با استکبار جهانی و لشکرکشی ایالات متحده امریکا و رژیم سفاک و کودک کش صهیونی علیه ایران به همراه همه دشمنان این ملت از سلطنت طلب و منافق و تجزیه طلب می باشد. اکنون جهان به وضوح شاهد پیروزی این ملت و این جبهه حق است. امام شهید ما را به جهاد تبیین سفارش می فرمودند اینک این پرسش مطرح است که رمز و راز این توفیقات چیست و برگ برنده ما (ایران و جبهه مقاومت) کدام است؟

نظام انقلابی اصطلاحی است که در بیانیه گام دوم امام شهید بکار برده شد.

در پاسخ به اینکه مزیت نسبی و امتیاز و برگ برنده ما چیست می توان به مزیت‌های بسیاری اشاره کرد از جمله:



حسن خیری

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی
استان قم

۱

برگ برنده ما تجهیزات و قدرت نظامی است. بلاشک این هست. ما به اعتبار دستور و فرمان الهی "واعداوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم" از جایگاه بسیار خوبی به لحاظ بازدارندگی نظامی قرار داریم. قدرت موشکی و پهپادی و اشراف نظامی و اطلاعاتی و انسجام پدافندی و آفندی ما قدرتی بی نظیر برای ما به ارمغان آورده است اما همه قصه این نیست. چراکه در مقابل، دشمنان ما از ادوات جنگی پیشرفته تری برخوردارند اما از ما شکست خورده اند.

۲

برگ برنده ما تاریخ بیش از شش هزار ساله ما است ما یک ملت هستیم. ایرانی هستیم و حاضریم جان و تمام هستی و امکانات مان را فدای میهن مان کنیم. چنانکه در طول تاریخ این فداکاری برای وطن اتفاق افتاده است. لذا در طول تاریخ اتفاقاتی افتاده که کمر ایران را خم کرده اما نتوانسته کمر ایران را بشکند. به رغم تکثر قومی و دینی و مذهبی احساسات تعلق ایرانی عمیق در مردم وجود دارد. در دفاع های مقدس و در مواجهه با فتنه ها و توطئه ها، همه ایرانی ها از هر قوم و مذهب و زبان و... حضور داشته و دارند و ایران را حفظ کرده اند. این احساس تعلق و هویت ملی در بسیاری از کشورها نیست در رژیم صهیونی که کشور هم نیست چه برسد به اینکه ملت باشد. چون آنها غاصب اند و تعلق هویتی ندارد.

اما این برگ برنده هم تمام قصه نیست. این ویژگی در طول تاریخ بوده و به رغم حفظ این کشور ولی در جنگ های مختلف از جمله در دویست سال اخیر پیش از انقلاب اسلامی هر وقت جنگی بر این کشور تحمیل شده گوشه ای از آن کنده شده است و از مساحت سرزمینی این کشور کاسته شده است. در دوران پهلوی ها شاهدیم بدون هر گونه دردسری بحرین از ایران جدا می شود کوه های آرات به ترکیه واگذار و حق آبه ایران در رود هیرمند و جغرافیای ایران جابجایی می شود و...

نمونه این هویت ملی در کشورهای دیگر هم وجود داشته و تجربه شده است چنانکه در زمان جمال عبدالناصر در مصر برای مقابله با رژیم صهیونی آنهم در اوائل شکل گیری آن که هنوز به قوت امروز هم نبود با شعار عرب گرایی و ناسیونالیست عرب همه عرب ها جمع شدند و به جنگ رژیم رفتند ولی شش روز دوام نیاوردند و شکست خوردند. پس همه نقطه قوت را نمی توان در تعلق هویتی جستجو کرد؛ گرچه بسیار مهم و زیرساختی است.

۳

موقعیت سوق الجیشی و پهناور بودن کشور ما نیز بی تردید برگ برنده ماست اما همه قصه این هم نیست.

۴

آیا برگ برنده ما مسلمان بودن و شیعه بودن ماست؟ تردیدی نیست که این از مزایای اساسی و عناصر کلیدی توفیقات ما است. اما آیا به صرف شیعه بودن کافی است تا شاهد این همه توفیقات در طول این ۴۷ سال عمر شریف انقلاب اسلامی باشیم. قطعاً جواب مثبت نخواهد بود. عده ای می گویند که پیش از انقلاب هم مساجد باز بود و مردم نماز می خواندند و روزه می گرفتند و عزاداری می کردند و ما این همه دشمن هم نداشتیم. با مروری بر آنچه بر این کشور گذاشته معلوم می شود که صرف شیعه بودن کافی نبوده و باید عناصری از مکتب اهل بیت فعال شود تا آن وقت بتوان حقیقت شیعه را مشاهده کرد. ما در این کشور به رغم اینکه شیعه بودیم نظام شوم پهلوی به خود اجازه می داد کاپیتولاسیون را بر کشور تحمیل کند و اتباع امریکا از صیانت قضایی برخوردار شوند و ایران اجازه مجازات مجرمان امریکایی را نداشته باشد. ما در این کشور تجربه کردیم که مقدرات ما دست انگلیس و امریکا بود و سفارتخانه های کشورهای دیگر برای ما تصمیم می گرفتند و نمونه آن جلسه روسای کشورهای شوروی و انگلیس و امریکا در سفارت انگلیس بدون حضور شاه بود. در خاطرات شهید طیب آمده که افسری که کلت به کمر بسته بود سراسیمه و مضطرب به قهوه خانه ای که شهید طیب در آن حضور داشت وارد شد و درخواست کمک کرد که

نظامی‌های امریکایی زن مرابردند و طیب می پرسد چرا از اسلحه ات استفاده نکردی می گوید حق استفاده از اسلحه ندارم. آن شهید با دوستانش می روند و آن زن رانجات می دهد. اینگونه امور بسیار است و نویسنده از بیان آن شرم دارد. پس صرف شیعه بودن کافی نیست همانطور که امروز بعد از ایران آذربایجان کشور شیعه نشین است اما جنگ شناختی کاری کرده که گفته می شود در نظرسنجی ها اکثر آنها اسرائیل را بر ایران ترجیح می دهند.

پس برگ برنده ما چیست؟ برگ برنده ما نظام انقلابی است که در متن مکتب اهل بیت و شیعه شکل می گیرد. آنچه بر مدار رابطه امام و امت استوار می شود. این آن چیزی است که ملت ایران را ملت امام حسین علیه السلام می کند. عناصر کلیدی نظام انقلابی کدام است؟ ما ملت امام حسین علیه السلام هستیم یعنی چه؟

این مؤلفه ها در عبارت نظام انقلابی که امام شهید ما در گام دوم انقلاب بدان اشاره می کنند نهفته است.

اما برخی از مؤلفه های نظام انقلابی:

نظام انقلابی نظامی است برخاسته از رابطه امام و امت که امامین انقلاب اسلامی در طول ۴۷ سال آن را تبیین کرده اند. نظامی است که تحقق بخش توحیدمداری و تکلیف محوری مطابق فقه جواهری و ترسیم کننده نظام ولایت فقیه است که محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مبنای آن تدوین گردیده است. ما در این نوشتار به بعضی از مؤلفه های آن اشاره می کنیم.

■ مؤلفه اول: همراهی امام و امت:

نظام انقلابی امام مدار و مردم پایه است. یعنی معتقد است به حاکمیت خدا از مجرای امامت و ولایت با پشتوانه اعتقاد و خواست و اقدام مردمی. مردم معتقد به حاکمیت خدا و گوش به فرمان دستورات الهی اند. لذا مردم سالاری دینی یک ایدئولوژی معتقد به اطاعت پذیری از دستورات الهی است که در روح ملت تبلور می یابد. این ویژگی نظام و انقلاب و کشور را در این چهل و هفت سال پیش برده و به قله نزدیک کرده است.

در این نظام امام خود معتقد و مطیع دستورات الهی و پیشرو در اقدام و عمل انقلابی است. امام خمینی پیشرو بود در اعتقاد به این نظام و جانفشانی در این مسیر. فرزند خود را در این راه تقدیم کرد. تبعید و زندانی شد و در شادی و غم همراه مردم بود. از زندگی بسیار ساده برخوردار بود. هیچ امتیازی برای خود قائل نبود. همچون تک تک مردم بیش از یک رأی نداشت.

امام شهید ما پیشرو خطر کردن و جانفشانی در این مسیر بود. زندان و شکنجه و تبعید را تجربه کرد. در جهاد تبیین حضور داشت. جانباز انقلاب شد. اولین روحانی بود که لباس رزم پوشید به عنوان نماینده امام در شورای عالی امنیت حضور داشت. از زندگی ساده برخوردار



نظام انقلابی امام مدار

و مردم پایه است.

یعنی معتقد است

به حاکمیت خدا از

مجرای امامت و ولایت

با پشتوانه اعتقاد

و خواست و اقدام

مردمی. مردم معتقد به

حاکمیت خدا و گوش

به فرمان دستورات الهی

اند. لذا مردم سالاری

دینی یک ایدئولوژی

معتقد به اطاعت پذیری

از دستورات الهی است

که در روح ملت تبلور

می یابد.

بود به نحوی که خبرگزاریهای خارجی در زمان حیات دنیایی ایشان، سرآستین نخ نما و ریش ریش شده او را در دنیا به نمایش گذاشتند از سادگی او همین بس که بسیاری می گفتند تعجب می کنیم چگونه آقا زندگی می کند. آیت الله جوادی آملی نقل می کردند وقتی جلسه طول کشید و ناهار آوردند امام به فرزندشان گفتند شما بروید منزل ناهار بخورید این ناهار از بیت المال است. همان طور که امام علی علیه السلام نسبت به بیت المال حساس بودند و چراغ بیت المال را خاموش کردند و چراغ شخصی خودشان را روشن کردند و این باعث تعجب طلحه و زبیر شد و فهمیدند نمی توان از ایشان توقع بی جا داشت. امام شهید به دکتر حداد عادل فرموده بودند که به دخترخانم شان (عروس شان که همراه ایشان شهید شدند) بگویند زندگی ایشان بسیار ساده است به نحوی که به جز کتاب های ایشان اثاثیه منزلشان بیش از یک وانت بار نیست.

اعتقاد عموم مردم از مسلمان و غیر مسلمان به ایشان همین بس که در منزل شهید ارمنی وقتی شیرینی تعارف کردند آن خانم ارمنی گفت این شفا است و دیگر مریض نخواهم شد.

امام ما همه خوبیها را در کارنامه خود داشت و یک چیز کم داشت و آن هم مدال شهادت خود به همراه دختر و نوه و عروس و داماد بود که بدان هم دست یافت. سالها برای توفیق شهادت دعا کرد و می فرمود از اینکه در بستر بمیرم بدنام می لرزد.

چنین شخصیتی به ثارالله می پیوندند و مرگ او هم چراغ راه هدایت و کشتی نجات و الگوی حکمرانی اسلامی در طول تاریخ می شود.

این رابطه امام و امت بود. این امام باعث شد فقدانش همه را به خیابان ها بکشاند و از آرمانهای او حفاظت کنند. از انقلابی و کسانی که تاکنون حتی انقلابی نبودند. مکشفه ها و کم حجاب ها همه اشک ریختند و حسرت خوردند چرا زودتر او را نشناختند.

در کجای تاریخ غیر مکتب شیعه با نظام انقلابی و رابطه امام و امت می توان این صحنه ها را دید.

مؤلفه دوم: ولایت پذیری و ولایت مداری

دیدیم اولاً مردم با شهادت رهبر خویش برنگشتند بلکه به اصولی که رهبرشان مطرح کرده بود پای بند ماندند حضور مردمی و پاسداری از نظام و مایوس کردن دشمن. هم نیروهای نظامی و مسئولان به وظایف خود عمل کردند و نگذاشتند خلأ رهبری اخلاقی ایجاد کند و هم مردم دشمن را مایوس کردند. هنوز دو ساعت نگذشته بود که حملات شدید علیه رژیم صهیونی و امریکا شروع شد. مردم هم متحدتر از گذشته در خیابان ها و مساجد و حسینیه ها حضور یافتند. که تا امروز هم ادامه دارد. هم دشمن را مایوس کردند و هم از توطئه اغتشاشگران و نفوذی ها پیشگیری کردند.

ثانیاً مردم با گوشت و پوست و استخوان خود خلأ رهبری و نیاز به آن را احساس کردند دیدند ولی فقیه است که می تواند با حضور و گفتار خویش آرامش بدهد. لذا اعلام رهبری را از مجلس خبرگان مطالبه کردند و وقتی رهبری جدید اعلام شدند همه به آرامش رسیدند و با ایشان بیعت و اعلام وفاداری کردند.

خدا را شکر مجلس خبرگان با عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه بهترین گزینه را معرفی کردند حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای رهبر انقلاب مان تربیت شده امام شهیدمان است فقیه و متخلق و مردمی و مدیر و مدبر است. همین بس که تا پیش از انتخاب ایشان به عنوان رهبر هیچ کجا نامی از ایشان نبود و ناشناس بودند. این لطف خداوند است که به ما ارزانی داشته است. هم دوستان خوشحال و هم دشمنان مایوس شدند.

مؤلفه سوم: استمرار راه و مرام انقلاب اسلامی و پاسداری از آن

این ویژگی و مؤلفه، عنصری است که در برخی مقاطع تاریخی به گواه آیات الهی و تاریخ رعایت نگردید و پیامدهای آن را مسلمانان دیدند. به عنوان مثال:

در جنگ احد برگشت به گذشته جاهلی به عنوان نقطه ضعف برخی مسلمانان فراری از جنگ بیان شده است. آنگاه که شایعه شد پیامبر خدا شهید شدند عده ای روحیه خود را باختند و فرار کردند و آیه نازل شد "افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم" اگر رسول خدا از دنیا رفت یا کشته شد آیا شما به مرام گذشته تان برمی گردید؟

همین طور اکثر مردم پس از ارتحال رسول خدا ﷺ به جای اینکه بر دین خدا استوار باشند و مرام اسلام را پاسداری کنند و به دستور خدا که در غدیر خم ابلاغ شده بود پای بند باشند به مرام جاهلیت برگشتند و بزرگترین ضربه را به اسلام وارد کردند.

پیروی راه و مرام نظام انقلابی ویژگی و شاخص مهم نظام انقلابی است که در ایران اسلام وجود داشته و دارد. این ملت پس از ارتحال امام امت بنیانگذار انقلاب اسلامی دور حجت خدا و نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه که مجلس خبرگان معرفی کرد جمع شدند و با تمام وجود از امام شهید اطاعت کردند به نحوی که هر دو امام ما از مردم راضی بودند و بارها خدا را بابت امت یکپارچه و با بصیرت شکر کردند. در این شهادت هم مردم منتظر نظر مجلس خبرگان ماندند و با اعلام نظر مجلس خبرگان با ولی فقیه و امام خویش اعلام بیعت کردند. به نحوی که دشمنان مأیوس شدند. و به این آیه شریفه عمل کردند که:

اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم.

لذا دشمنان خشمگین شدند و مصداق این آیه شدند که:

ورد الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی المؤمنین القتال.

آری با اعلام ولی فقیه مردم احساس راحتی و آرامش کردند و نگرانی های آنها مرتفع گردید. "و اعتدنا لها رزقا کریماً"

چرا که مؤمنان بر این باورند که وقتی حکم خدا آمد تکلیف آنها مشخص است:

"و ما کان لمؤمن و لا مؤمنه اذا قضی الله ورسوله امران یكون لهما الخیره من امرهم

"النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم"

در این صورت:

"و بشر المرمنین بان لهم من الله فضلا کبیرا."

این بصیرت مردمی دین خدا را نصرت می بخشد و چنین است که خداوند دو عامل خود خداوند و دیگری مردم مؤمن را نصرت بخش رسول خویش می خواند و می فرماید:

"و هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین"

و این مضمون همان است که امام شهید ما خطاب به دشمنان فرمود اگر دست از پا خطا کنید خداوند جامعه را مبعوث می کند و مردم پاسخ شما را می دهند و چه زیبا صدر بیانیه



در این شهادت هم

مردم منتظر نظر مجلس

خبرگان ماندند و با اعلام

نظر مجلس خبرگان با

ولی فقیه و امام خویش

اعلام بیعت کردند. به

نحوی که دشمنان

مأیوس شدند.

مقام معظم رهبری حضرت آیه الله سید مجتبی خامنه ای با این آیه شریفه مزین گردید که "ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها" و در تفسیر ایشان آن آیه ای که با شهادت امام شهید مثل یا برتر از آن به مردم ارزانی شد عبارت بود از اتحاد و بعثت مردم پس از شهادت امام عزیزشان. این مضامین جایگاه مردمی نظام انقلابی در اندیشه امامان انقلاب را آشکار می سازد.

در این نظام انقلابی مردم معتقدند "بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین" و "وان ینصرکم الله فلا غالب لکم"

مؤلفه چهارم: مؤلفه تألیف قلوب مؤمنین و تشتت قلوب دشمنان آنها
امروز شاهد شکل گیری سپر پولادین اتحاد مقدس هستیم این موهبت طبق آیه شریفه بخاطر لطف و خواست و قدرت خداوند است خداوند به پیامبرش خطاب می کند و می فرماید:

"الف الله بین قلوبهم و لو انفت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و لکن الله الف بین قلوبهم"
اتحاد و همبستگی حقیقی با پیوند توحیدی حاصل می شود تمام پیوندهای دیگر اگر رنگ خدایی نداشته باشد به ظاهر پیوند و اتحاد است و در حقیقت تشتت است چون از قلوب متشتت نشأت می گیرد. قرآن می فرماید: "قلوبهم شتی ذلک بانهم قول لایعقلون".

این اتحادیه های عرب و اروپا و ایالات متحده و ضد انقلاب اعم از منافقین و تجزیه طلب ها و سلطنت طلب ها همه از قلوب متشتت ناشی می شود و نمی تواند سپر پولادین تولید کند. تنها حبل الله است که وحدت ایجاد می کند "واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا".

امروز این اتحاد بحمدالله در ایران اسلامی زیر لوای مکتب امام حسین علیه السلام صورت پذیرفته و این ملت ملت امام حسین علیه السلام است. تا این اتحاد مقدس هست هیچ تندبادی نمی تواند این درخت تنومد را تکان بدهد. این اتحاد امت اسلامی بی تردید باعث آزادی قدس شریف و نزدیک شدن ظهور آقا امام زمان عجل خواهد شد. امت ما همچون سربازان فداکار امام زمان عمل می کنند.

■ مؤلفه پنجم: عبرت گیری از تجربه ها: بر این اساس باید تا آخر دشمن را دنبال کرد "و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه".

در گذشته جنگ آغاز می شد و پس از اینکه دشمن ناتوانی خود را می دید اعلام آتش بس می کرد و کشور را در خوف و رجا و بیم و امید قرار می داد. دشمن تجدید قوا کرده و مجدد حمله را شروع می کرد. اما امام شهید ما این بار هشدار دادند که اگر جنگی را علیه کشور ما شروع کنید دیگر منحصر در کشور ما نخواهد شد و کل منطقه را در بر خواهد گرفت و همه کسانی که در این آتش افروزی نقشی داشته اند باید پاسخ مناسب دریافت کنند.

بر این اساس جنگ منطقه ای شد و الان دشمن دارد تلاش می کند ایران آتش بس را بپذیرد اما دیگر بارها اتمام حجت شده و هشدارها داده شده است. این وضعیت نه جنگ و نه صلح باید پایان بپذیرد. باید برای همیشه شر دشمنان از منطقه ریشه کن شود. باید ریشه نحس صهیونی کنده شود. پایگاههای امریکایی باید در منطقه برچیده شود. تحریم ها برداشته شود. این چه سیاستی است که ایران اجازه دهد نفت منطقه صادر شود و کشورهای دیگر متخاصم و مطیع استکبار از منافع آن برخوردار باشند و ایران در تحریم باشد. در حالی که ایران می تواند جلو آنها را بگیرد تا تحریم ها برداشته شود. حکام نالایق منطقه باید بفهمند دیگر ایران اجازه چنین کاری را نخواهد داد. باید پایگاههای امریکایی را در منطقه تعطیل کنند



از جامعه‌پردازی فرهنگی تا تمدن‌سازی نوین در دوره رهبر سوم انقلاب اسلامی

تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد که انتقال قدرت و زعامت در نظام‌های غیرالهی همواره با شکاف و کشمکش و اخلاف همراه بوده است. در جمهوری اسلامی ایران، شهادت امام قائد خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه)، پایان یک عصر نبود، بلکه نقطه عزیمت به مرحله‌ای جدید بود که پیش‌تر در بیانیه گام دوم انقلاب مفهوم‌سازی شده بود. در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی و مطالعات فرهنگی، تبیین نقش حضرت آیت‌الله العظمی سید مجتبی خامنه‌ای (مد ظله العالی) در مقام رهبر سوم انقلاب از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد وظیفه خطیر راهبردگذار از جامعه در حال شدن به تمدن نوین اسلامی بردوش ایشان است.



دکتر حمیدزندی

قائم‌مقام مرکز ملی فضای
مجازی

بیانیه گام دوم به مثابه مانیفست گذار تاریخی

در اندیشه سیاسی اسلام و در پارادایم انقلاب اسلامی، حرکت به سوی کمال مطلوب، حرکتی خطی و تصادفی نیست، بلکه فرآیندی غایت‌شناختی است. بیانیه گام دوم انقلاب، که به قلم حکیمانانه رهبر شهید به رشته تحریر درآمد و بخش آخر یا بند هفتم در باب سبک زندگی به طور کامل توسط آن امام شهید بیان نشد، در واقع دکترین بقا، بسط و تعالی

جمهوری اسلامی در دهه‌های پیش رو است. این متن راهبردی، یک سه‌گانه دیالکتیکی و تکاملی را پیشنهاد می‌دهد: خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی.

اکنون، با آغاز دوران رهبری حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای، نظام اسلامی وارد مرحله تحقق میدانی و عملیاتی این بیانیه شده است و نبرد اخیر نیز حول همین اصل می‌چرخد که ایران از عرصه دولت‌سازی عزم تمدن‌سازی به عنوان یک رقیب برای ابرقدرت‌ها را کرده است و دشمن این را به خوبی رصد کرده و تشخیص می‌دهد. رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای، با برخورداری از عمق علمی و فقهی، و شناخت انضمامی از ساختارهای پیچیده‌ی اجتماعی و سیاسی امروز، رسالت معمارگونه‌ی خود را در پیاده‌سازی این سه‌گانه بزودی آغاز خواهند کرد. نخستین حلقه در زنجیره تکاملی بیانیه گام دوم، «خودسازی» و تمرکز بر مقولات فرهنگی، معنویت و اخلاق است. در جامعه‌شناسی فرهنگی، هیچ ساختار کلانی بدون نهادینه شدن ارزش‌ها در سطح کنشگران خرد، پایدار نمی‌ماند. رهبر شهید، معنویت و اخلاق را جهت‌دهنده‌ی همه حرکت‌ها و نیاز اصلی جامعه می‌دانستند.

در منظومه فکری رهبر سوم انقلاب نیز بنا به شواهد و مشاهدات در جلسات، این رویکرد فرهنگی با درک دقیقی از جنگ شناختی و تقابل با هژمونی فرهنگی غرب دنبال می‌شود. ایشان به خوبی واقف‌اند که زیربنای هر کنش تمدنی، انسان‌تراز انقلاب است. از این رو، ارتقای بینش سیاسی، اخلاقی و ایمانی جامعه به -ویژه نسل جوان- در کانون توجه ایشان قرار خواهد داشت. راهبرد فرهنگی رهبر جدید، نه یک انفعال تدافعی، بلکه یک تهاجم فکری فعال برای مصون‌سازی اپیستمولوژیک (معرفت‌شناختی) جامعه در برابر روایت‌سازی‌های نظام سلطه است. در متن پیام‌های ایشان نیز این نگاه مخفی نیست. از طرفی گذر از سطح فرد (خودسازی) به سطح ساختار (جامعه‌پردازی)، پیچیده‌ترین مرحله در حکمرانی است. در بیانیه گام دوم، جامعه‌پردازی مستلزم تحقق عدالت، مبارزه با فساد، استقلال اقتصادی، و ترویج «سبک زندگی اسلامی-ایرانی» است. حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای، با رویکردی آسیب‌شناسانه و واقع‌بینانه، فرآیند جامعه‌سازی را بر محور مشارکت بی‌قید و شرط و فعالانه‌ی مردم در پیام اول خویش بازطراحی کرده‌اند. در نگاه ایشان، جمهوریت یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه مشارکت توده‌ها در فرآیندهای حکمرانی و اقتصادی حتی تا حد رهبری است. در این مرحله از جامعه‌پردازی، رهبر انقلاب با تأکید بر موااسات، تکافل اجتماعی و وحدت ملی، در حالی ترمیم گسست‌های احتمالی و تقویت سرمایه اجتماعی نظام خواهند بود.

و در نهایت آرمان‌نهایی بیانیه گام دوم، ایجاد «تمدن نوین اسلامی» و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی حضرت صاحب‌الامر (ارواح‌نافداه) است. تمدن‌سازی نیازمند دو بال است: سخت‌افزار شامل اقتصاد، علم، فناوری، و اقتدار نظامی و نرم‌افزار شامل سبک زندگی، اخلاق، و قوانین الهی.

رهبر شهیدمان با پایه‌گذاری نهضت علمی، بستر سخت‌افزاری این تمدن را فراهم آوردند. امروز، رهبر سوم انقلاب اسلامی با نگاهی تمدنی و فرائطه‌ای، می‌تواند به خوبی و با شناختی که منویات رهبری شهید داشتند، ضمن پیوند زدن این ظرفیت‌های داخلی به معادلات قدرت جهانی ایران فردا را شکوفا و بالنده کند.

شهادت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، پایان راه نبود، بلکه مَهر تأییدی با خون، بر حقانیت مسیری طی شده بود. بیانیه گام دوم انقلاب، به عنوان میراث و منشور ماندگار ایشان، اکنون در دستان معماری مدبر، عالم و جوان‌گرا قرار دارد. تحلیل رویکردهای حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای نشان می‌دهد که ایشان فرآیند حکمرانی را نه اداره روزمره‌ی کشور، بلکه یک حرکت جوهری و تمدنی می‌دانند. در این دوران جدید، جمهوری اسلامی به پشتوانه‌ی خون ذبح اعظم و شهدا با راهبردی استراتژیک رهبر سوم خود، گام‌های نهایی را برای تبدیل شدن به یک الگوی موفق، مقتدر و الهام‌بخش تمدنی در جهان پساغربی محکم‌تر از همیشه برمی‌دارد باذن الله.



از اعجاز سلامت در مکتب امامین انقلاب تا افق‌های روشن

«وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

(و هر کس انسانی را از مرگ برهاند، گویی همه مردم را زنده کرده است. مائده/۳۲)

با الهام از این پیام حیات بخش قرآنی، در روزهایی که ایران اسلامی داغدار عروج ملکوتی و شهادت قهرمانانه رهبر عظیم الشان خویش است و همزمان با دلی قرص و اراده‌ای پولادین، زعامت و ولایت خلف صالح ایشان، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای را به آغوش کشیده است، بر خود فرض می‌دانم به عنوان عضوی از جامعه پرافتخار پزشکی کشور، نگاهی به مسیری طی شده و افق‌های پیش رو بیندازم. این مسیر پرفروغ با دم مسیحایی معمار کبیر انقلاب آغاز شد، با حکمت و درایت رهبر شهیدمان به قله‌های اقتدار رسید و اکنون در دستان معماری جوان و باصلابت، آماده فتح سنگرهای جدید است. جامعه پزشکی همواره با اعداد، شاخص‌ها و جان انسان‌ها سروکار دارد و مستندات علمی به وضوح گواهی می‌دهند که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ساختار سلامت ایران ساختاری بیمار، وابسته و به شدت ناعادلانه بود. حضور پزشکان خارجی در دورافتاده‌ترین روستاهای کشور و مرگ و میرهای دردناک ناشی از بیماری‌های ساده و اخبار آزمایشات غیرانسانی برخی شرکتهای داروسازی غربی روی مردم مستضعف کشور، تصویر تلخ آن روزگار را شکل می‌داد. با وقوع انقلاب اسلامی و تغییر رویکرد حکمرانی از سرمایه‌سالاری به مردم‌باوری و مستضعف‌نوازی، یک تحول بنیادین در نظام سلامت رخ



دکتر غلامرضا کردافشاری

استاد دانشکده طب سنتی
دانشگاه علوم پزشکی تهران

بیرکت

به مناسبت شهادت قائد امامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



آیت الله صادق
آملی لاریجانی

مرهمی بر تآلمات روحی مردم

[این انتخاب به موقع](#)

[در حساس ترین](#)

[برهه تاریخی و](#)

[هنگامه نبرد با](#)

[تروریست ها، مرهمی](#)

[بر تألمات روحی](#)

[مردم و تأکیدی](#)

[بر لزوم استمرار راه](#)

[نورانی امام راحل و](#)

[شهدا بود.](#)

داد که پایه گذار دستاوردهای شگرفی در سال های بعد شد.

مهندسی اجتماعی و پزشکی انقلاب اسلامی

در امتداد این تحول و با هدایت های امام راحل علیه السلام و سپس راهبری داهیانۀ قائد شهیدمان، معماری بی نظیر شبکه بهداشت و درمان کشور و تأسیس هزاران خانه بهداشت در صعب العبورترین مناطق ایران شکل گرفت. این مهندسی اجتماعی و پزشکی دستاوردهایی را رقم زد که بارها مورد تحسین رسمی سازمان جهانی بهداشت و نهادهای بین المللی قرار گرفت. به عنوان یک متخصص، وقتی به کارنامه انقلاب اسلامی تحت زعامت امام کبیر و رهبر شهیدمان نگاه می کنیم، ارتقای چشمگیر شاخص های کلان سلامت را می بینم که چیزی شبیه معجزه است. متوسط عمر ایرانیان که پیش از انقلاب به زحمت به پنجاه و پنج سال می رسید، امروز با افتخار مرز هفتاد و هفت سال وارد کرده است و در کنار این جهش امید به زندگی، کاهش حیرت انگیز آمار مرگ و میر نوزادان، کودکان زیر پنج سال و مادران باردار، ایران را به یکی از موفق ترین کشورهای جهان در تحقق اهداف توسعه هزاره تبدیل کرد.

علاوه بر این موفقیت ها، بیماری های مهلکی چون فلج اطفال، مالاریا، سل و وبا که روزگاری جان هزاران هموطن را می گرفت، با برنامه های جامع واکسیناسیون ملی ریشه کن یا به طور کامل مهار شدند. در نتیجه این تلاش ها، کشوری که روزی محتاج پزشک عمومی وارداتی بود، با ارتقای سطح تخصص و تربیت صدها هزار پزشک و دانشمند، امروز در لبه تکنولوژی های پیچیده ای چون جراحی های پیشرفته قلب، پیوند اعضا، سلول های بنیادی، درمان ناباروری و تولید داروهای نو ترکیب ایستاده و به قطب گردشگری سلامت منطقه تبدیل شده است. این دستاوردهای عظیم به ویژه در دوران زعامت رهبر شهید در حالی رقم خورد که کشور تحت بی سابقه ترین تحریم های اقتصادی و تروریسم دارویی قرار داشت. با این حال، تأکید مستمر آن حکیم فرزانه بر اقتصاد دانش بنیان و تکیه بر توان نخبگان داخلی باعث شد تا داروها و تجهیزات تحریمی به دست توانای دانشمندان خودمان در شرکت های دانش بنیان تولید و بومی سازی شود.

رهبر جدید و ادامه رهبر شهید

اکنون پرچم این نهضت حیات بخش در دستان باکفایت سومین رهبر انقلاب اسلامی قرار گرفته است. حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای با اشراف کامل به نیازهای استراتژیک کشور، قطعاً ادامه دهنده و تکامل بخش این مسیر نورانی خواهند بود. بدون شک در دوره رهبری ایشان که از خداوند متعال طول عمر باعزت و توفیق خدمات بزرگ را برایشان مسألت داریم، می توان کارهای بس بزرگی انجام داد و راه رهبر شهید را با صلابت بیشتری طی کرد.



میراث تمدنی امام خامنه‌ای رحمة الله؛ از جهاد تبیین تا افق تحقق

در رثای سیدالشهدای انقلاب

در ایامی که روح بلند امام و مقتدای ما، حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، پس از عمری مجاهدت خستگی‌ناپذیر در راه اعتلای کلمه‌الله، به دست شقی‌ترین دشمنان بشریت، آمریکای جنایتکار و رژیم غاصب صهیونیستی، به ملکوت اعلی پیوسته است و به سید و سالار شهیدان اقتدا کرد. شهادت این امام حکیم و عبد صالح خدا، اگرچه داغی جانسوز بر دل ملت ایران و همه آزادگان جهان نهاد، اما چنانکه سنت الهی است، خون پاک او، شجره طیبه انقلاب اسلامی را بیش از پیش آبیاری نمود و افق‌های جدیدی را در مسیر تکاملی آن گشود. او به حق، «سیدالشهدای انقلاب اسلامی» است؛ شهیدی که با خون خود، آخرین و بزرگ‌ترین درس «جهاد تبیین» را برای ما به یادگار گذاشت و حقانیت راهی را که چهل سال با صلابت پیموده بود، اثبات نمود.



عبدالحسین خسروپناه

دبیر شورای عالی انقلاب
فرهنگی

اکنون که ایران اسلامی در میانه «جنگ رمضان»، این دفاع مقدس در برابر استکبار جهانی، قرار دارد و بیرق زعامت امت به دست خلف صالح و برومندش، حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای (دامت برکاته) سپرده شده، بازخوانی منظومه فکری آن امام شهید، نه یک ضرورت صرفاً علمی، بلکه یک نیاز راهبردی برای فهم «امتداد» و نیل به «تحقق میدانی» آن میراث گران سنگ است. این یادداشت می‌کوشد تا با مروری بر معماری فکری امام راحل، نشان دهد که چگونه رهبری جدید، ضامن استمرار آن مسیر نورانی و مجری تحقق یافته‌ترین آرمان‌های آن است.

بخش اول: منظومه هویت؛ میراث جاودان امام خامنه‌ای

جوهر اصلی اندیشه امام خامنه‌ای علیه السلام را می‌توان در یک کل به هم پیوسته و سیستماتیک تحت عنوان «منظومه هویت ایرانی-اسلامی در برابر غرب استکباری» صورت‌بندی کرد. این منظومه، چنانکه در پژوهش‌های متعدد تبیین شده، دارای سه رکن اصلی «ارکان هویت»، «تحلیل منظومه تهدید» و «راهبردهای مواجهه» است که همگی در افق غایی «تمدن نوین اسلامی» معنا می‌یابند.

۱ ارکان هویت ملی-اسلامی: پایه‌های یک تمدن بدیل

از منظر امام شهید، هویت یک مفهوم صرفاً فرهنگی یا سیاسی نیست، بلکه زیربنای یک تمدن است. این هویت از شبکه‌ای منسجم از مؤلفه‌ها تشکیل شده است:

ایمان و معنویت: روح حاکم بر کالبد جامعه و پشتوانه اصلی کرامت، عدالت و استقلال.

عدالت و کرامت انسانی: روح ساختار جمهوری اسلامی که معیار اصلی ارزیابی حکمرانی است.

استقلال و عزت: «منش جمعی» ملت ایران و پاسخ به این سؤال بنیادین که «ما کیستیم و چگونه باید باشیم».

امید و پیشرفت: سرمایه راهبردی و موتور محرکی که انرژی اجتماعی را به نوآوری و عمل جمعی بدل می‌کند.

مردم‌سالاری دینی: صورت‌بندی هویتی و الگوی منحصر به فرد حکمرانی که در آن، مردم سرچشمه قدرت و دین، ضابطه عدالت است.

فرهنگ ایثار و شهادت: موتور بازتولید هویت و سازنده تاب‌آوری اخلاقی جامعه در برابر سخت‌ترین بحران‌ها.

زبان فارسی و حافظه تاریخی: زیرساخت بیان هویت و سامانه ایمنی آن در برابر جنگ روایت‌ها.

خانواده محوری و وزن مسلمان: زیربنای تولید و بازتولید هویت و کانون اصلی انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر.

این ارکان، اجزایی پراکنده نیستند، بلکه یک سیستم زنده و پویا را تشکیل می‌دهند که در تقابل با یک منظومه دیگر معنا و ضرورت می‌یابد.

۲ تحلیل منظومه تهدید: شناخت «غرب استکباری»

امام خامنه‌ای با بصیرتی بی‌نظیر، «غرب» را نه یک جغرافیای سیاسی، بلکه یک «نظم سلطه محور» با ماهیتی «استکباری» تحلیل می‌کردند که هدف اصلی آن، «هویت‌زدایی» و سلطه بر ملت‌هاست. تهدیدهای این جبهه نیز یک منظومه پیچیده و چندلایه است:

تهدیدهای نرم: تحریف و جنگ روایت‌ها (وارونه کردن حقایق)، تهاجم فرهنگی و سبک زندگی غربی (تغییر آرام باورها و ارزش‌ها) و سکولاریسم سیاسی (حاشیه‌نشین کردن دین).

تهدیدهای سخت و اجتماعی: تحریم‌های اقتصادی و علمی (فلج‌سازی اقتصاد و توقف پیشرفت)، ایجاد تفرقه قومی و مذهبی (گسستن وحدت ملی) و ترویج فساد و بی‌اعتمادی (فرسایش سرمایه اجتماعی).

شهادت ایشان، اوج کینه‌ورزی این جبهه استکباری در برابر هویتی مستقل و تمدن‌ساز بود.

راهبردهای کلیدی: از صیانت تا تمدن‌سازی

۳

در برابر این تهدیدات، امام شهید مجموعه‌ای از راهبردهای کنشی و آینده‌نگر را طراحی و تبیین نمودند که هدفشان نه فقط حفظ وضع موجود، بلکه حرکت به سوی افق‌های متعالی بود:

جهاد تبیین: به‌عنوان خط مقدم جبهه، راهبردی برای بازسازی مستمر حافظه تاریخی و خنثی‌سازی جنگ شناختی دشمن.

فرهنگ مقاومت: یک انتخاب عقلانی و دینی برای رسیدن به «بازدارندگی» فعال در همه عرصه‌ها.

اقتصاد مقاومتی: الگویی بومی و دانش‌بنیان برای تبدیل فشارها و تهدیدها به فرصت جهش و خوداتکایی.

نهضت تولید علم و فرهنگ بومی: راهبردی بنیادین برای تبدیل هویت به قدرت سخت و نرم و رسیدن به مرجعیت علمی.

تمامی این منظومه در خدمت یک هدف غایی قرار داشت: ساختن «تمدن نوین اسلامی» به‌عنوان یک الگوی بدیل و الهام‌بخش برای بشریت.



بخش دوم: فصل امتداد؛ تحقق میدانی میراث در زعامت رهبر جدید

شهادت امام خامنه‌ای، اگرچه امت را از نعمت وجود ظاهری ایشان محروم ساخت، اما منظومه فکری ایشان را به یک میراث قطعی و نقشه‌راهی غیرقابل‌تردید تبدیل کرد. اکنون، در دوران زعامت حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، فصل جدیدی از حیات انقلاب اسلامی آغاز شده که می‌توان آن را فصل «امتداد» و «تحقق میدانی» آن میراث نامید. رهبری جدید با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، پاسخگوی دقیق‌ترین اقتضائات این دوران است.

تحقق یک مطالبه راهبردی: حرکت به سوی جوان‌سازی حاکمیت

۲

یکی از پرتکرارترین و راهبردی‌ترین مطالبات امام شهید، به‌ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب، «چرخش نخبگانی» و «جوان‌سازی حاکمیت» برای تحقق «دولت جوان حزب‌اللهی» بود. ایشان این امر را ضرورت قطعی پیشرفت کشور می‌دانستند. انتخاب خبرگان امت و

شهادت امام خامنه‌ای،
اگرچه امت را از
نعمت وجود ظاهری
ایشان محروم ساخت،
اما منظومه فکری
ایشان را به یک میراث
قطعی و نقشه‌راهی
غیرقابل‌تردید تبدیل
کرد. اکنون، در دوران
زعامت حضرت آیت‌الله
سید مجتبی خامنه‌ای،
فصل جدیدی از حیات
انقلاب اسلامی آغاز شده

سپردن این امانت سنگین به دست شخصیتی جوان، دانشمند و انقلابی، خود بزرگ‌ترین گام در تحقق این آرمان امام شهید است. حضور رهبری جوان در رأس هرم حاکمیت، یک پیام روشن دارد: دوران گذار به نسل جدید مدیران و تصمیم‌گیران انقلاب، نه یک شعار، بلکه یک واقعیت انکارناپذیر است و ایشان با ویژگی‌های ذاتی خود، بهترین الگو و قوی‌ترین پیشران برای عملیاتی کردن این مطالبه بنیادین در تمام لایه‌های مدیریتی کشور خواهند بود.

۲ از اشباع نظر تا تحقق میدانی میراث راهبردی

بسیاری از اندیشه‌ها و راهبردهای عمیق امام شهید، به دلیل وجود موانع داخلی و خارجی، در عرصه نظر و تبیین باقی ماند و به مرحله تحقق کامل میدانی نرسید. امروز، حکمرانی کشور با درجه بالایی از «اشباع نظری» و غنای راهبردی مواجه است. چالش اصلی، نه تولید فکر جدید، بلکه «اجرای سازی» میراث نظری موجود است. رهبری جدید، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، شخصیتی شناخته شده در عرصه‌های عملیاتی و اجرایی هستند. توانمندی ایشان در مدیریت بحران‌ها و راهبردی میدانی که در همین روزهای سخت «جنگ رمضان» نمونه‌ای از آن را شاهد بوده‌ایم، نشان می‌دهد که دوران جدید، دوران تبدیل آن راهبردهای نظری به عمل قاطع در عرصه میدان است. زمان آن است که «اقتصاد مقاومتی»، «جهاد تبیین» و «فرهنگ مقاومت» از سطح کلان‌گفتمان به برنامه دقیق عملیاتی در زندگی مردم و ساختار حکمرانی تبدیل شود.

۳ امتداد، نه تجدید نظر: حرکت تکاملی ولایت در دوران جدید

ولایت در جمهوری اسلامی، یک مسیر تکاملی و مرحله‌ای به سوی جامعه توحیدی است؛ نه یک منصب ریاستی که با تغییر افراد، رویکردها نیز دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شود. در مسیر ولایت، «تجدید نظر» در اصول و اهداف وجود ندارد، بلکه سخن از «امتداد» مسیر به اقتضای زمان است. هر رهبری، متناسب با ویژگی‌های دوران خود، مرحله جدیدی از این حرکت تکاملی را راهبری می‌کند. دوران پس از شهادت امام خامنه‌ای علیه السلام، با اقتضانات جدیدی در سطح منطقه‌ای و جهانی روبروست. این دوران نیازمند رهبری است که ضمن تسلط کامل بر مبانی نظری امام راحل و امام شهید، از دانش، تجربه و توان عملیاتی لازم برای مواجهه با چالش‌های پیچیده این عصر برخوردار باشد. ویژگی‌های علمی، فقهی، راهبردی و عملیاتی رهبر معظم جدید، ایشان را به بهترین گزینه برای راهبری این مرحله حساس از تکامل انقلاب اسلامی تبدیل کرده است؛ مرحله‌ای که در آن، صیانت از میراث گذشته و شجاعت برای اقدام در میدان‌های جدید، توأمان مورد نیاز است.

نتیجه‌گیری:

دوران امام خامنه‌ای علیه السلام، یک دوران پربرکت از تبیین و نظریه‌پردازی و اکنون نقطه آغازی بر دوران تحقق و پیاده‌سازی آن میراث است. منظومه فکری ایشان، مبتنی بر «هویت» و معطوف به «تمدن»، امروز به مثابه قانون اساسی نانوشته انقلاب، در دستان ماست. رهبری جدید، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، نه تنها حافظ این امانت، بلکه بهترین مجری برای تبدیل آن به یک واقعیت ملموس هستند. ایشان با جوانی، دانش و شجاعت خود، پرچم دار فصلی نوین از تاریخ انقلاب اسلامی خواهند بود که در آن، آرمان‌های امام شهید، یک به یک در عرصه میدان محقق خواهد شد و مسیر حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی با صلابت و سرعتی بیشتر از گذشته ادامه خواهد یافت. و ما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم.



ولایت فقیه و سه نتیجه بزرگ عملکردی؛ مقاومت، اقتدار و کارآمدی

نظام سیاسی برآمده از انقلاب مقدس و کبیر اسلامی، یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران، یک نظام مردم سالار دینی است که دینی بودن محتوا و مردمی بودن شکل آن از ویژگی‌های اساسی آنست. در این نظام، که با وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی مستقر گردید، اصل ولایت مطلقه فقیه دارای یک جایگاه محوری در پیشبرد نظام به سمت اهداف عالی خود، که این اهداف منتج از آموزه‌های عمیق، ناب و جامع دین مبین اسلام است، می‌باشد.

در این یادداشت، با در نظر داشتن مجموعه شرایط لازم اعتقادی و تقوایی، حقوقی، مدیریتی و سیاسی در انتخاب رهبری انقلاب و نظام اسلامی که در قانون اساسی و بعنوان وظیفه خبرگان رهبری در کشف و انتخاب آن آمده است و نیز تجربه و کارنامه موفق این مقام عالی در راس نظام جمهوری اسلامی تاکنون، پس از بیان برخی از ارجحیت‌های نظام مبتنی بر ولایت فقیه بر سایر نظامها، به سه نتیجه قطعی این نظام، که هم اکنون آشکارا در مقابل دیدگان همگان قرار دارد، اشاره می‌شود.

دکتر ملکوتیان

استاد تمام علوم سیاسی
دانشگاه تهران

بترتیبی های نظام مبتنی بر ولایت فقیه بر دیگر مردم سالاری ها

نظام مبتنی بر اندیشه و اصل ولایت فقیه، از جنبه های مختلفی بر سایر نظام های مردم سالار، به ویژه مردم سالاری های لیبرال، برتری دارد. این برتری ها را میتوان هم در مبانی فکری فلسفی تشکیل نظام اسلامی دید؛ که می دانیم هر نظامی دارای فلسفه و تفکری خاص است و این تفکر و فلسفه همواره زیربنا در تحولات مربوط به آن و همراه آن نظام است، هم در ویژگی های لازم برای گزینش مقامات عالی نظام و هم در نتایج و برون داده های نظام اسلامی.

۱ | خدامحوری در مقابل انسان محوری (اومانیسیم)

برخلاف نظام مردم سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه، که اصل اساسی آن خدامحوری و انجام وظیفه الهی و تکلیف محوری دینی است، سایر مردم سالاری ها، با توجه به مبنا قرار گرفتن مادیگرایی و پذیرش سیطره کمیت (از جمله در انواع دانش و نظامات اجتماعی سیاسی)، با ابتنا بر انسان محوری یا اومانیسیم شکل می گیرند و اومانیسیم نیز در نهایت خود را در اندیشه سکولاریسم یا جدایی سیاست از دیانت نشان می دهد که پس از شروع دوره به اصطلاح رنسانس در غرب پدیدار گشته و سیطره پیدا نمود. جالب است بدانیم که غربیان با این افکار تک بعدی، به انسانی ابتر و ناقص یعنی انسانی که فقط تعریف مادی از آن می شود، پناه بردند و بدین ترتیب، از معنویت خواهی و اخلاق که بخش جدائی ناپذیر وجود انسان است دور شده و نتیجه این امر نیز، ایجاد نظام های سیاسی اقتصادی و اجتماعی خودخواه و نفع پرستی بوده و هست که در داخل، به ایجاد جوامعی تحت سلطه صاحبان زر و زور و تزویر انجامیده که جامعه را از پیوند با معنویت و آگاهی از آغاز و انجام جهان باز داشته و تحت قدرت بی حد و حصر پلیس سرکوبگر خود قرار داده و به انسان ها می گوید که این مادی گرایی صرف، آخر جامعه غربی است و اگر از زندگی خود رضایت ندارند می توانند با خودکشی به زندگی خود خاتمه دهند و در محیط بین الملل نیز، فقط به منافع استعماری و یک جانبه نگر خود می اندیشند که علیرغم ادعاهای تبلیغاتی بزرگ، در آن اثری از اعتقاد واقعی به عدالت و حقوق انسان ها و رعایت حقوق دیگران نیست؛ نظام هایی ظالم که با استعمار ملل دیگر باعث عقب ماندگی و تضعیف آنها شده و ده ها و صدها سال بر آنها سلطه یافته اند. اما نظام برخوردار از اندیشه و عمل ولایت فقیه، که مبتنی بر خداگرایی است، منافع همگان و همه ملت ها را در نظر دارد و بدلیل متکی بودن بر آموزه های عدالت طلبانه دین مبین اسلام و وظایف دقیق تعیین شده در آن چه از نظر فردی و چه اجتماعی سیاسی، برای پیشرفت و خیر و سعادت انسان ها در تلاش است.

۲ | جامعیت آرمانی در مقابل آرمان تک بعدی

دین مبین اسلام که با ارسال حضرت خاتم النبیین ﷺ توسط حضرت حق صورت گرفت، دینی کامل و جامع و اتمام نعمت الهی بر بشر است. به طوری که هم اهداف، ارزش ها و آرمان های منتج از آن و نیز نظام برآمده از آن این جامعیت را نشان می دهد. در آرمان های این نظام، ما از یکسو ابتنا بر اصل ولایت فقیه را داریم که به تعبیر حضرت امام ادامه ولایت انبیاست و وظیفه اجرای اوامر الهی در حکومت و نیز وظیفه حفظ این جامعیت را بر عهده دارد و از سوی دیگر از آرمان های معنویت خواهی، استقلال طلبی، برابری و عدالت، آزادی، استکبار ستیزی و دفاع از محرومان و مستضعفان، پیشرفت علمی فناوری و ... برخورداریم که همگی منتج از آموزه های دین مبین است. در حالی که در نظام های برآمده از افکار لیبرالی - مثلا دموکراسی های غربی - آرمانها اساسا فاقد جامعیت بوده و تک بعدی اند و تنها بر یکی از مفاهیم آنها مادی مانند آزادی یا عدالت یا استقلال تاکید می کنند که البته به آن ها نیز وفادار نیستند.



نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و پیشرفت سیاسی

۳

واژه پیشرفت همانگونه که از ظاهر آن نیز برمی آید، بیشتر یک مفهوم کیفی است و نمی توان آن را از طریق شاخص های اساسا کمی که در مفاهیمی مانند توسعه - که غربی ها معمولا از آن در بیان رشد سیاسی استفاده میکنند - ، بدست آورد. در این مفهوم در حقیقت یک معنای تکاملی نهفته است.

در جهان غرب، دموکراسی لیبرال، که تاکنون برای جهان نتیجه ای جز جهانخواری و استعمارگری مداوم و در اشکال گوناگون آن و برای کشورهای مظلوم نیز، نتیجه ای جز عقب ماندگی نداشته است، مزورانه و با عوام فریبی به عنوان آخرین مرحله پیشرفت سیاسی نگریسته می شود.

اما همانگونه که در بالا آمد، نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، برتری های ویژه ای بر دموکراسی های لیبرال دارد که از برتری در مبانی انسان شناسی و هستی شناسی که مبنا ی تشکیل یک حکومت است آغاز شده و تا برتری در برون دادها و عملکردها و از جمله دوری از استبداد و استعمار و سلطه طلبی و در نظر داشتن عدالت بین المللی را شامل می شود.

هم چنین، در این رابطه باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که در حالی که در انتخاب مقامات و رهبران سیاسی در نظام لیبرال دموکراسی، تنها به داشتن شرایط ظاهری مانند سن، سواد و عدم خیانت به کشور اکتفا می شود، در انتخاب رهبران و مسئولان نظام اسلامی، تنها داشتن شرایط ظاهری کافی نیست، بلکه به مواردی کیفی مانند برخورداری از پرهیزگاری، سابقه خوب، توان مدیریتی و صفات و خصال نیکو نیز توجه می گردد.

این امر باعث ورود نیروهای مطمئن تر و دارای اعتقاد عمیق تر و استوارتر به درون خواص



از برتری در مبانی

انسان شناسی و هستی

شناسی که مبنا ی

تشکیل یک حکومت

است آغاز شده و تا

برتری در برون دادها و

عملکردها و از جمله

دوری از استبداد و

استعمار و سلطه طلبی

و در نظر داشتن عدالت

بین المللی را شامل

می شود.

سیاسی که در آینده آن تاثیر بسزایی دارد می شود و ثبات بهتری را نیز برای نظام پدید می آورد. بنابراین با در نظر داشتن شرایط کیفی و کمی ویژه‌ای که برای انتخاب مقامات عالی در نظام مبتنی بر ولایت فقیه بیان گردیده است و با توجه به اینکه این نظام مبتنی بر شناخت درست از انسان و استعدادها و نیازهای اوست و نیز نظامی است که از طرف خداوند تجویز گردیده است که او تنها وجودی است که آگاهی و شناختی کامل از مجموعه موارد مرتبط به این امر دارد، بنابراین قطعاً بالاترین مرحله پیشرفت سیاسی را باید در چنین نظام سیاسی جامع نگری دید.

سه نتیجه قاطع، آشکار و آینده‌ساز

همانگونه که تجربه تشکیل و تداوم نظام جمهوری اسلامی به خوبی نشان می دهد، نظام مبتنی بر اصل ولایت فقیه نظامی است مقاوم در برابر چالش‌ها، مقتدر و توانمند، و کارآمد. این سه نتیجه و ویژگی، حاکی از وجود یک نظام سرزنده، فعال و پویا و روبه جلو است که به خوبی آینده کشور را نیز می سازند.

نظام مقاوم در برابر چالش‌ها

۱

رهبر عزیز و شهیدمان در باره عملکردهای ولایت فقیه فرموده اند که فقیه باید در این مقام به تکالیف و وظایفی که شرع مقدس تعیین کرده عمل نماید و اگر کوچک‌ترین تخطی از آن صورت پذیرد، حتی قبل از اقدام نهاد نظارتی مسئول یعنی شورای نگهبان، به خودی خود از آن مقام عزل می شود.

بدین ترتیب، رهبری نظام اسلامی یا ولایت امر، باید همواره با تکیه بر مبانی، اصول و آرمان‌ها و ارزش‌های دین مبین اسلام عمل نماید. در این میان، اصل استقامت و ایستادگی در برابر سلطه گران و استکبار جایگاه ویژه‌ای دارد که از طریق گسترش روحیه انقلابی و به تعبیر امام شهیدمان - انقلابیگری - ممکن است؛ همانطور که حضرت ایشان بطور مداوم بر گسترش مقاومت منطقه‌ای و جهانی در برابر دشمن - که به تشکیل محور قدرتمند مقاومت در برابر آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی انجامید -، بهره‌گیری از اصول و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در برابر تحریم‌های ظالمانه دشمن، توجه به اقتدار درونزا و ایستادگی در مقابل همه چالش‌ها، فتنه‌ها و جنگ‌های ایجاد شده توسط مستکبران با به صحنه آمدن ملت مقاوم و بزرگ و الهی ایران تاکید بسیار می نمودند.

بدین صورت بود که با رهبری‌های داهیان و مبتنی بر انجام وظیفه الهی ایشان، ملت ایران توانست در همه نقشه‌ها و فتنه‌ها و جنگ‌های تحمیلی دشمن پیروز میدان باشد و تداوم انقلاب را بخوبی تضمین نماید.

ما در این سال‌های پس از پیروزی انقلاب، ظرفیت عظیمی از توان مقابله با چالش‌ها در صحنه انقلاب اسلامی را دیده‌ایم. برای درک اهمیت این موضوع، کافی است توجه کنیم که به اعتراف دشمن آمریکائی، تاکنون هیچ ملتی در دنیا به اندازه ملت ایران تحت تحریم و فشار از سوی آنها قرار نگرفته است و سردمدار فعلی نظام سلطه - ترامپ مغرور و مستکبر - نیز که انتظار تسلیم ایران اسلامی در مقابل لشکرکشی خود در منطقه را داشت، به اطرافیان خود گفته است که چرا ایرانیان از اینهمه لشکرکشی ناوگانی آمریکا در منطقه نمی ترسند؟! (در حالیکه کشورهای دیگر تاکنون در مقابل این لشکرکشی‌ها عموماً تسلیم می شدند و حتی فقط طرح لشکرکشی و نه عملی شدن آن، باعث تسلیم آنها می شد).

مقاومت جانانه ۸ ساله کشور در جنگ تحمیلی عراق علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی که در آن، کشور ما واقعا تنها بود، حل توطئه‌هایی مانند فتنه سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۴۰۱، جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی کنونی یا جنگ رمضان، که مشترکاً توسط آمریکا و رژیم صهیونی صورت گرفته و ایران اسلامی توانست با ده‌ها موج حمله مقتدرانه، پایگاه‌ها

و مراکز آمریکا در منطقه و مراکز رژیم صهیونیستی در داخل سرزمین‌های اشغالی را به ویرانه‌ای تبدیل و کنترل تنگه راهبردی هرمز را به دست گیرد - که در نتیجه آن تاکنون قیمت جهانی نفت به ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسیده و این امر می‌تواند جهان غرب را به سوی بحران بزرگ اقتصادی در آینده ببرد - و این امر آنها را از کرده خود به شدت پشیمان نموده و به سوی در خواست آتش بس بدون قید و شرط از طریق میانجی‌های پی‌اپی برده، همگی حاکی از وجود یک نظام حق طلب و مقاوم در برابر استکبار و توانمندی بی‌نظیر آن در حل چالش‌ها و فتنه‌هاست.

نظام مقتدر و توانمند

۲

اکنون بر کسی پوشیده نیست که انقلاب اسلامی که توانسته است به عمر یک نظام مستبد، وابسته و عقب مانده - رژیم پهلوی - که هیچ قدرتی از خود نداشت و به عنوان عامل و ژاندارم آمریکا در منطقه عمل می‌کرد، پایان دهد و به جای آن یک نظام مردم سالار اسلامی، مستقل و در مسیر پیشرفت کامل را بنا نهد، در تولید قدرت نیز بسیار موفق بوده و به درجه بالایی از اقتدار منطقه‌ای و جهانی دست یافته است، که همگان و حتی خیلی از دشمنان بر آن اعتراف دارند.

این تولید قدرت، هم در قدرت نرم افزاری رخ داده است؛ یعنی حضور دائمی مردم در عرصه انقلاب و اراده و ایستادگی آن‌ها، گسترش پیام‌ها و الگوهای منتج از انقلاب اسلامی مانند مردم سالاری دینی، استقلال طلبی، مبارزه با استعمار و استکبار جهانی و مقاومت در برابر سلطه بیگانه و... هم در قدرت فناورانه و سخت افزاری؛ مانند تولید انواع تسلیحات فوق پیشرفته زمینی دریایی و هوایی شامل انواع موشک - مافوق صوت، نقطه زن، خوشه‌ای، رادارگریز - و انواع پهپاد - دردها نوع -، رادارها، ضد هوائی، زیردریایی و... در این رابطه باید همواره در نظر داشت که همانطور که امام شهیدمان حضرت ایه الله خامنه‌ای فرموده اند، آنچه در تولید قدرت ملی بسیار اهمیت دارد، اراده و ایستادگی یک ملت است که باید همواره مورد توجه دولتمردان باشد.

بطور کلی باید گفت که آنچه اکنون در موضوع قدرت ایران اسلامی می‌بینیم، ایجاد یک قدرتی بلامنازع و بزرگ است که قادر است شدیدترین تهدیدها را خنثی و پایه‌ها و بنیادهای ایجاد یک نظام عدلانه منطقه‌ای و جهانی را بنا نهد.

این اقتدار و توانمندی، که مبتنی بر رعایت فرامین دینی و با رهبری‌ها و نقش ولایت امر در نظام اسلامی ایجاد شده است و رهبر شهیدمان در توصیف این قدرت فرموده اند که «این درخت عظیم، این شجره طیبه، شجره طوبی، روز به روز اقتدار پیدا کرده، این بنای مستحکم هر روز مستحکم تر از گذشته، خودش را به رخ می‌کشد.» چنین قدرت انقلاب و نظام اسلامی، که همواره نیز در حال گسترش است، انشاء الله خواهد توانست همچنان در سایه نقش آفرینی مستقیم ولایت امر، ذلت و نیستی قدرت‌های مستکبر عالم را برای جهانیان به ارمغان بیاورد.



بطور کلی باید گفت که
آنچه اکنون در موضوع
قدرت ایران اسلامی
می‌بینیم، ایجاد یک
قدرت بلامنازع و بزرگ
است که قادر است
شدیدترین تهدیدها
را خنثی و پایه‌ها و
بنیادهای ایجاد یک
نظام عدلانه منطقه‌ای و
جهانی را بنا نهد.

در هر دو نتیجه بدست آمده بالا، نقش قاطع امامین انقلاب در اجرای وظایف مطروحه در اصل ولایت فقیه کاملاً آشکار است. نیز همین عامل است که به صورت های مختلف کارآمدی نظام اسلامی را بگونه آشکاری بالا برده است؛ در زیر به چند مورد در این زمینه اشاره می شود:

۱- اینکه نظام اسلامی مبتنی بر یک فلسفه و تفکر زیربنائی منسجم و قوی و یک فلسفه وجودی مبتنی بر فطرت و ماهیت واقعی بشر و نیازهای اوست، این امر بگونه ای اساسی باعث کارآمدی نظام شده و آن را افزایش میدهد.

۲- گفتیم که نظام اسلامی توانمندی حل فتنه ها و چالش های مختلف که توسط دشمنان ایجاد میشود را دارد؛ حال باید تاکید کنیم که با حل هر فتنه و چالش، که با در نظر داشتن منشا خارجی آنها بسیار برنامه ریزی شده نیز هستند، با توجه به تجربیات کسب شده، بر کارآمدی و قدرت سازندگی انقلاب نیز افزوده می شود.

۳- کارآمدی همواره با پیشرفت های علمی فناوری و تولید قدرت ارتباط مستقیم دارد؛ امری که ما اکنون نمودهای متعدد آن دورا به خوبی مشاهده میکنیم. از جمله، اکنون کسی نمی تواند پیشرفت های ایران اسلامی در برنامه هسته ای، نانو، فضا و ماهواره، تسلیحات، دانش پزشکی از جمله سلول های بنیادی، زیست فناوری و بسیاری زمینه های علمی و فناوری دیگر را تکذیب کند. هم چنین توضیح دادیم که نظام اسلامی در موضوع تولید قدرت نیز بسیار موفق بوده است.

۴- با وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مبتنی بر ولایت فقیه، مجموعه ای از تغییرات ساختاری در داخل کشور و نیز محیط های منطقه ای و بین المللی صورت پذیرفت که از آنها تحت عنوان دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی یاد می کنیم.

در این رابطه می توان به دستاوردهای سیاسی از جمله سقوط نظام مستبد پادشاهی و تشکیل نظام مردم سالار جمهوری اسلامی، دستاوردهای اقتصادی مانند زیر و رو کردن ساختار اقتصادی وابسته به نظام سرمایه داری، آمدن مستضعفان به مرکز توجه دولت، اقدامات جهاد سازندگی در روستاها و...، و دستاوردهای فرهنگی اجتماعی از طریق ساقط شدن فرهنگ غربگرا و وابسته کشور و استقرار فرهنگ خودکفائی، اعتماد بنفس و فرهنگ «ما می توانیم»، گسترش فرهنگ شرکت در مراسم دینی و... در اثر پیروزی انقلاب اشاره نمود. در حیطه منطقه ای و جهانی نیز باید به بازتاب های گسترده و متعدد انقلاب اسلامی تاکید نمود. این تغییرات و دستاوردها که حاکی از حجم بالای کارآمدی نظام می باشد، همگی تحت زعامت و راهبری امامین انقلاب محقق شده اند.

۵- کارآمدی مفهومی است که مستقیم بر آینده تحولات کشور و انقلاب نیز اثر می گذارد. همانطور که رهبر شهید انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای فرمودند، همه شاخص های موجود حاکی از تداوم و پیوستگی انقلاب است و آینده انقلاب بسیار روشن و امید بخش است.

در این یادداشت مختصر، به نقش و اثرگذاری اندیشه و عمل ولایت مطلقه فقیه در سه موضوع کلیدی مقاومت، اقتدار و کارآمدی نظام مبتنی بر ولایت فقیه پرداخته شد.

آشکار است که این نتایج که در دوره نظام جمهوری اسلامی تاکنون و در زمان زعامت حضرت امام علیه السلام و رهبر شهید انقلاب بدست آمده است، با توجه به رعایت دقیق شرایط رهبری انقلاب و نظام از سوی شورای محترم نگهبان در انتخاب رهبری و جامعیت و توانمندی های رهبر جدید انقلاب و نیز تداوم سیره آن دو حکیم فرزانه در رهبری جدید انقلاب حضرت آیه الله سید مجتبی خامنه ای علیه السلام، همچنان قدرتمندانه تداوم خواهد یافت.

رهبر شهید و خوانش تمدنی؛ پلی میان واقعیت و آرمان‌گرایی

جواد طلوع رضائی صفار

دانشجوی دکتری رشته
مطالعات نظری تمدن دانشگاه
باقرالعلوم قم

همواره این پرسش برای انسان مطرح بوده است که چگونه می‌توان با جهان خشن و بی‌رحم سیاست مدارا کرد و در عین حال آرمان‌های والا برای بنای تمدنی برتر را در دل پروراند؟ مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دقیقاً به همین پرسش پرداخته و راهی برای پاسخگویی به آن یافته‌اند؛ مسیری که نه در زمره روایت‌های صرفاً قهرمانانه می‌گنجد و نه در چارچوب محاسبات خشک و فاقد روح دیپلماتیک، بلکه بیانگر نوعی توازن ظریف و هوشمندانه است.

■ قرائت نوین از تمدن توسط رهبر شهید انقلاب

ایشان در واقع گونه‌ای «قرائت نوین» از تمدن را ارائه می‌دهند. تمدنی که صرفاً به مجموعه‌ای از بناهای تاریخی و آثار هنری محدود نمی‌شود، بلکه شیوه‌ای از زندگی، یک باور و مسیری برای ساختن جهانی بهتر را شامل می‌گردد. این تمدن نیز قرار نیست به صورت آماده از آسمان نازل شود، بلکه باید با دست‌ان خود، با تلاش و کوشش و البته با اندکی آرمان‌گرایی، ساخته و پرداخته شود.

اما این آرمان‌ها چگونه با واقعیت‌های تلخ جهان امروز سازگار می‌شود؟ در اینجاست که رهبر انقلاب باری‌گر ما بوده‌اند. ایشان تأکید کرده‌اند که نباید فریب آرمان‌گرایی‌های بی‌پایه را خورد و نباید خویشتن را از واقعیت‌ها دور نگه داشت. باید با چشمانی باز به جهان نگریست، باید دریافت که هستیم، در کجا قرار داریم و از چه توانمندی‌هایی برخورداریم. در عین حال، ایشان خاطرنشان کرده‌اند که نباید در برابر واقعیت‌ها تسلیم شد و نباید آرمان‌های والا را رها کرد. باید با همین واقعیت‌ها دست و پنجه نرم کرد، با همین محدودیت‌ها مبارزه نمود و برای دستیابی به آرمان‌ها، هر اقدامی که از ساحت امکان خارج نیست، به انجام رساند. در همین راستا بود که رهبر انقلاب اصطلاح جدیدی را مطرح کردند: «واقع‌گرایی هوشمندانه». معنای این مفهوم چیست؟ یعنی هم واقعیت‌ها را مشاهده کنیم و هم آرمان‌ها را از یاد نبریم. یعنی با عقل و منطق تصمیم‌گیری کنیم، اما دل را نیز به آرمان‌ها بسپاریم.

■ رهبر انقلاب چگونه این مسیر را عملی کردند؟

رهبر انقلاب به سان معماری ماهر عمل کردند. طرحی را ترسیم، اصولی را مشخص و سپس ساخت و ساز را آغاز نمودند. این فرآیند ساخت و ساز، هم شامل اقدامات بزرگ و

بیرکت

به مناسبت شهادت قائد امامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



آیت الله کیوانی

سپردن امانت به شایسته ترین

شاکر خدای

متعال هستم که

قلوب مومنین و

خبرگان را به سوی

خلف صالح رهبر

شهیدمان هدایت

فرمود و امانت عظیم

پرچم نظام را از باب

سپردن سخت ترین

مسئولیت به

شایسته ترین فرد،

به دستان باکفایت

شما سپرد.



چشمگیر بود و هم فعالیت های کوچک و جزئی را در بر می گرفت.

۱- در عرصه اقتصاد: رهبر انقلاب همواره بر ضرورت ایستادن بر پای های خویش تأکید داشته اند. ایشان تصریح کرده اند که نباید در انتظار کمک های خارجی ماند و باید با بهره گیری از امکانات موجود، اقتصادی قوی و مستقل بنا نهاد. به همین دلیل، بر تولید داخلی، دانش بومی و نوآوری تأکید می ورزند. برای نمونه، برنامه هسته ای کشور، هم به مثابه دفاع از منافع ملی است و هم مصداقی از پیشرفت علمی.

۲- در عرصه سیاست خارجی: رهبر انقلاب فرموده اند که باید با تمامی کشورها رابطه برقرار کرد، اما نه به هر بهایی. ایشان تأکید کرده اند که باید منافع ملی را در اولویت قرار داد و نباید اجازه تعرض به حریم کشور را داد. به همین جهت، سیاست «نه شرقی، نه غربی» را مطرح ساختند؛ به این معنا که باید مستقل بود و به هیچ یک از قطب های قدرت وابستگی نداشت.

۳- در عرصه فرهنگ: رهبر انقلاب تصریح کرده اند که باید فرهنگ اصیل خود را پاس داشت و نباید اجازه داد فرهنگ های بیگانه جایگزین آن شوند. ایشان بر لزوم ترویج ارزش های اسلامی و ایرانی و آشنایی نسل های آینده با این ارزش ها تأکید دارند. به همین دلیل، بر تولید محتوای فرهنگی داخلی، حمایت از هنرمندان بومی و توجه ویژه به حوزه آموزش و پرورش تأکید می ورزند.

۴- در عرصه علم و فناوری: رهبر انقلاب خاطر نشان کرده اند که باید دانش را به سمت حل مسائل کشور سوق داد. ایشان بر ضرورت تولید دانش بومی و پرهیز از وابستگی به کشورهای خارجی تأکید دارند. به همین منظور، بر پژوهش های علمی، نوآوری و فناوری های نوین توجه ویژه ای معطوف داشته اند.



قرائت تمدنی رهبر انقلاب: نگاهی نوبه جهان

رهبر انقلاب، در حقیقت، نگاه نوینی به جهان دارند؛ نگاهی که فراتر از مسائل صرفاً سیاسی و اقتصادی است. این نگاه در پی یافتن ریشه‌های عمیق‌تر مشکلات و دستیابی به راه‌حل‌های پایدار و ماندگار است.

ایشان معتقدند که مشکلات امروز جهان، ریشه در پاره‌ای باورهای ناصواب دارد؛ باورهایی که موجب جدایی انسان از خویشتن و طبیعت گشته و جنگ، خشونت، فقر و گرسنگی را به امری عادی تبدیل کرده است.

از دیدگاه ایشان، راه‌حل این معضلات، بازگشت به ارزش‌های انسانی است؛ ارزش‌هایی که در تمامی ادیان و فرهنگ‌ها مشترک هستند. ارزش‌هایی نظیر عدالت، اخلاق، مهرورزی، صلح و آزادی.

رهبر انقلاب بر این باورند که تمدن اسلامی می‌تواند این ارزش‌ها را به جهان عرضه کند. تمدنی که صرفاً دارای مجموعه‌ای از قوانین و مقررات نیست، بلکه خود یک سبک زندگی است؛ سبکی مبتنی بر اخلاق و معنویت.

اهمیت این قرائت تمدنی چیست؟

این قرائت تمدنی رهبر انقلاب از آن رو حائز اهمیت است که به ما یاری می‌رساند تا جایگاه خود و مقصد نهایی را دریابیم. به ما کمک می‌کند تا تشخیص دهیم چه اقداماتی را باید انجام دهیم و از چه کارهایی باید پرهیز کنیم.

این قرائت تمدنی به ما امید می‌بخشد. به ما نشان می‌دهد که حتی در سخت‌ترین شرایط



رهبر انقلاب، در حقیقت،

نگاه نوینی به جهان

دارند؛ نگاهی که فراتر از

مسائل صرفاً سیاسی

و اقتصادی است.

این نگاه در پی یافتن

ریشه‌های عمیق‌تر

مشکلات و دستیابی

به راه‌حل‌های پایدار و

ماندگار است.

نیز می‌توانیم در پی آرمان‌های بزرگ باشیم و به اهداف خود نائل آییم. این قرائت تمدنی، الهام‌بخش و انگیزه‌آفرین است و ما را به تلاشی بیشتر و عملکردی بهتر ترغیب می‌کند. رهبر انقلاب با تلفیق واقع‌گرایی سیاسی و آرمان‌گرایی تمدنی، مسیری را برای ساخت جهانی بهتر به ما نمایانده‌اند؛ مسیری که نه آسان است و نه سریع، اما بی‌تردید شایسته پی‌گیری است.

بایسته است از رهبر خود بیاموزیم که چگونه با واقعیت‌ها مدارا کنیم و در عین حال، آرمان‌های والا را از یاد نبریم. باید از ایشان فراگیریم که چگونه با عقل و منطق تصمیم بگیریم، اما دل را نیز به آرمان‌ها بسپاریم. باید از رهبر خود یاد بگیریم که چگونه تمدنی برتر بنا کنیم؛ تمدنی که بر پایه عدالت، اخلاق، مهرورزی، صلح و آزادی استوار باشد.

این است میراثی که رهبر انقلاب برای ما به یادگار نهاده‌اند. میراثی که باید از آن پاسداری کنیم و به نسل‌های آینده منتقل سازیم. میراثی که می‌تواند جهان را به مکانی بهتر مبدل کند.

اما مهم‌ترین پرسش این است: مهم‌ترین چالش پیش روی ما برای تحقق این قرائت تمدنی چه می‌تواند باشد؟ به نظر می‌رسد که این شکاف نسلی که این روزها به کرات از آن سخن به میان می‌آید، صرفاً یک اختلاف نظر سطحی میان نسل جوان و بزرگسال نیست. این پدیده، عمیق‌تر از این حرف‌هاست؛ به تعبیری، گویی هر نسلی زبانی نو فراگرفته و در فهم دقیق گفتار طرف مقابل ناتوان است.

در گذشته، همه گرد یک سفره جمع می‌شدند و از مجموعه‌ای از داستان‌ها و باورهای مشترک برخوردار بودند که همگان به آن اعتقاد داشتند. این روایت‌ها، همانند یک نقشه راه، به ما نشان می‌دادند که چگونه زندگی کنیم و چه اموری از اهمیت بیشتری برخوردارند. اما امروزه، این نقشه راه مفقود شده است. هر نسلی می‌کوشد تا خود نقشه‌ای نو ترسیم کند؛ نقشه‌ای که با دنیای پیرامونش سازگار باشد.

این دگرگونی، ناشی از تحولات شگرف جهان ماست. فناوری، شبکه‌های اجتماعی، همه و همه با سرعتی شگفت‌انگیز در حال تغییرند. نسل‌های جوان‌تر در جهانی کاملاً نوین رشد یافته‌اند؛ جهانی آکنده از اطلاعات و امکانات. آنان دیگر همچون گذشته به سخنان بزرگ‌ترها گوش فرامی‌دهند. خود می‌خواهند کشف کنند، خود می‌خواهند بیاموزند.

اما این تحول، خالی از چالش نیست. هنگامی که هر کس در پی ترسیم نقشه راه خود است، امکان گم کردن مسیر اصلی وجود دارد. ممکن است یکدیگر را درک نکنیم و حتی به ستیز با هم برخیزیم.

راه‌حل این معضل چیست؟

نخست، باید به یکدیگر گوش فرادهم؛ نه صرفاً شنیدن الفاظ، بلکه تلاش برای درک احساسات و چرایی طرز فکر طرف مقابل.

دوم، باید ارزش‌های مشترک خود را بازشناسی کنیم. ارزش‌هایی که همه ما به آنها باور داریم، نظیر صداقت، مهربانی و عدالت. این ارزش‌ها می‌توانند همچون پلی، ما را به یکدیگر نزدیک‌تر سازند.

سوم، باید به هم احترام بگذاریم، حتی اگر با دیدگاه یکدیگر موافق نباشیم. باید به یاد داشته باشیم که هر کس شیوه تفکر و سبک زندگی خاص خود را دارد.

چهارم، باید بیاموزیم که با یکدیگر یاد بگیریم. نسل‌های جوان‌تر می‌توانند ما را با دانش نوین خود در زمینه فناوری و شبکه‌های اجتماعی آشنا کنند و ما نیز می‌توانیم آنان را با میراث کهن خود در زمینه تاریخ و فرهنگ آشنا سازیم.

این اقدامات، ساده و آسان نیستند. اما اگر در آرزوی ساختن جهانی بهتر هستیم، باید تلاش لازم را به عمل آوریم. باید بیاموزیم که یکدیگر را درک کنیم، به هم مهر بورزیم و در کنار هم گام برداریم.



معماری خودباوری

چگونه رهبر شهید انقلاب «زبان توانستن» را به پلتفرم پیشرفت ایران تبدیل کرد؟

نظام‌سازی رهبر شهید انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در طول ۳۷ سال گذشته را باید فراتر از مدیریت‌های کلان معمول، به مثابه تلاش برای طراحی و تثبیت یک «منظومه زبانی بومی و ملی» برای پیشرفت ایران تحلیل کرد. در لایه هستی‌شناختی، بزرگ‌ترین دستاورد این دوران، خلق یک دستگاه فکری نو بود که توانست مفهوم پیشرفت را از قید الگوهای تحمیلی رها کرده و آن را بر مدار عاملیت ایرانی بازتعریف کند. در شرایطی که بحران‌های پیرامونی و فشارهای بین‌المللی می‌توانست ایران را به یک کنشگر منفعل و دنباله‌رو تبدیل کند، نگاه راهبردی ایشان بر ساخت یک پلتفرم ملی متمرکز شد که هدف آن، باورپذیر کردن توانمندی‌های درونی در تمامی عرصه‌ها در ذهن جوانان و نخبگان ایران بود. نسلی که حتی دوران سخت جنگ و دوران قبل از انقلاب را ندیده بودند، اما باورمندانه این دستگاه زبانی و اندیشه‌ای را پذیرفتند و بدان عامل شدند.

رهبر شهید انقلاب با درک این واقعیت که بستر، محتوا را می‌بلعد، تمرکز خود را بر تغییر بستر ذهنی نخبگان و جامعه قرار دادند. ایشان با استفاده از «زبان آفرینش‌گری و تاسیس»، توانستند منظومه‌ای زبانی خلق کنند که در آن، واژگانی چون «جنبش



مصطفی‌زمانیان

عضو هیئت علمی دانشکده
حکمرانی دانشگاه تهران

پیشرفت

به مناسبت شهادت قائد امت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم

نرم افزاری»، «بومی سازی» و «خودکفایی»، از سطح شعار خارج شده و به یک واقعیت پدیدار شده در زیست بوم پیشرفت ایران تبدیل شوند. این پلتفرم زبانی و اندیشه ورزی، خاصه در سه حوزه کلیدی دفاعی، نهادسازی و فناوری، چنان با قدرت عمل کرد که توانست آینده‌ی پیش فرضی که در آن ایرانی راضیعف و وابسته تصویر می‌کرد را در هم شکسته و آینده‌ای متمایز را اعلام و ابراز نماید.

در حوزه دفاعی، ایشان موفق شدند قدرتی را تأسیس کنند که ریشه در دانش و اراده‌ی بومی دارد. این دستاورد، فراتر از ابزارهای نظامی، به معنای تولید یک زبان اقتدار بود که به دشمنان نشان داد ایران دیگر یک دستور کار سیاست‌گذاری برای دیگران نیست، بلکه خود خالق بستر امنیت در منطقه است. این توانمندی دفاعی، در واقع تکیه‌گاهی شد تا سایر بخش‌های توسعه بتوانند در فضایی سرشار از اعتماد به نفس رشد کنند.

در حوزه نهادسازی، ایشان با خلق منظومه زبانی و گفتمانی جدید و تقویت نهادهای انقلابی و مردمی در کنار ساختارهای رسمی، مدلی از حکمرانی را پیش بردند که در آن مشارکت نخبگانی و عاملیت آحاد مردم اصل بنیادین است. این نهادسازی، فضایی گشوده ایجاد کرد که در آن استعدادهای ایرانی، خود رانه در حاشیه، بلکه در متن پیشرفت کشور بازشناسی کردند.

در حوزه فناوری نیز، پافشاری راهبردی ایشان بر مرجعیت علمی و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان، منجر به تولید باور به توانستن در پیچیده‌ترین سطوح تکنولوژی شد. ایشان با تغییر نحوه پدیدار شدن دانش در ذهن جوان ایرانی، نشان دادند که دستیابی به قله‌های علم، نه یک آرزوی دور، بلکه یک دسترسی ممکن و در دسترس است. این منظومه زبانی، چنان در عمق جان جامعه نخبگانی ریشه دوانده که امروز ایران مقتدر، به یک باور عمومی و یک حقیقت غیرقابل انکار تبدیل شده است.

دفاع از کارنامه ۳۷ ساله ایشان از منظر توسعه، دفاع از هوشمندی یک معمار توسعه و پیشرفت است که با اولویت بخشیدن به اولویت دادن به خلق منظومه زبانی و اندیشه‌ای در پیشرفت، مسیر پیشرفت را برای نسل‌های آینده ایران تضمین کرد. ایشان ثابت نمودند که پیشرفت واقعی، تنها زمانی رخ می‌دهد که یک ملت به داشته‌های خود باورمند باشد و آینده‌اش را با دست‌ان خردمند خو» ترسیم کند. آنچه امروز شاهد آن هستیم، یک نظام ساختاریافته پیشرفت است که با تکیه بر این منظومه زبانی بومی و ملی، راه خود را به سوی افق‌های روشن باز می‌کند.

این میراث گرانسنگ، یعنی پلتفرم ملی پیشرفت و آبادانی و استقلال، همان سرمایه‌ی پایه‌ای است که رهبری آینده ایران با درایت و هوشمندی از آن محافظت خواهد کرد. این دستاورد، نه یک نقطه پایان، بلکه یک سکوی پرتابی است که رهبر آینده کشور با تکیه بر آن و با استفاده از این منظومه زبانی و فکری منسجم، گام‌های بلندتری را برای تحقق عدالت، کارآمدی و رفاه در عصر جدید برخواهد داشت؛ چرا که پاسداری از این میراث خودباوری، ضامن تداوم عاملیت و شکوه ایرانی در جهان فرداست.



این میراث گرانسنگ،

یعنی پلتفرم ملی

پیشرفت و آبادانی

و استقلال، همان

سرمایه‌ی پایه‌ای است

که رهبری آینده ایران

با درایت و هوشمندی

از آن محافظت خواهد

کرد.



پدیدارشناسی رbanیت سیاسی در پهنه‌ی تاریخ ایران در مکتب امام خامنه‌ای شهید

شهادت رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نه فقط پایان یک دوره، بلکه آغاز بازخوانی عمیق‌تر معنای رهبری دینی در جهان معاصر است. این نوشتار با رویکردی پدیدارشناختی، می‌کوشد تا تجربه‌ی زیسته‌ی ایشان را نه به عنوان مجموعه‌ای از وقایع، بلکه به عنوان گشودگی معنایی در فهم رابطه‌ی میان رbanیت (معنویت) و سیاست (کنش تاریخی) درک کند. در این تحلیل، رbanیت سیاسی به عنوان یک صورت‌بندی نواز سنت نبوی، در تلاقی عرفان خراسانی و فقه سیاسی خمینی علیه السلام شکل گرفته و تجلی آن را در سطوح سه‌گانه‌ی شهود اخلاقی، عقلانیت انقلابی و سلوک جمعی می‌توان رصد کرد. در این میان، شهادت خود، نه صرفاً پایانی بر عمل، بلکه امضای نهایی تجربه‌ی توحید در قامت یک رهبری تاریخی است؛ تجربه‌ای که وحدت میان قدرت و قداست را نه در تئوری، بلکه در عمل زیسته ممکن ساخت.

زینب صفایی

پژوهشگر و عضو انجمن علمی
پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها

معجزه وحدت در رهبر شهید

۱

تاریخ گاه در قامت یک شخص، ممکن‌ها را به متعین‌ها تبدیل می‌کند. رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای، در دوران معاصر نماد یکی از این ممکن‌های سترگ بود: وحدت میان عرفان ناب و سیاست کنش‌گر. در جهانی که این دو، غالباً در دو قطب مخالف گریز از دنیا و تسلیم در برابر قدرت قرار گرفته‌اند، او پیوندی نامتعارف اما مستحکم میان این دو برقرار کرد. این پیوند، حاصل صرف یک نبوغ سیاسی یا عرفانی نبود؛ بلکه تجلی یک جهان بینی بود که در آن سیاست، نه ابزار منفعت، بلکه صحنه‌ی عبودیت تلقی می‌شد. شهادت او، این تجلی را نه خاموش بلکه ابدی ساخت؛ گویی آخرین گام در تجربه‌ی توحید بود که عمری در آن کوشید. این یادداشت، خود را نه به توصیف صرف، بلکه به گشودن معنای این وحدت بی سابقه در تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام، متعهد می‌داند؛ تلاشی برای فهم منطق درونی این ربانیت سیاسی.

ربانیت سیاسی، بازآفرینی پیوند گمشده در سنت نبوی

۲

مفهوم ربانیت در میراث اسلامی، گرچه به معنای ارتباط عمیق با خدا و تربیت نفوس است، اما در طول تاریخ غالباً در دو سوی افراط و تفریط گرفتار آمده: یا به انزوای عرفانی و رهبانیت گرایید یا در ورطه‌ی سیاست سکولار گم شد. امام خامنه‌ای رضوان الله علیه، با الهام از سنت دیرین «کُونُوا رَبَّانِيِّينَ»، (آیه ۷۹، سوره آل عمران) و با پیوند آن با تجربه‌ی ولایت فقیه امام خمینی (رحمه الله علیه)، کوشید تا این پیوند گسسته را دوباره برقرار سازد. ربانیت سیاسی در نگاه ایشان، به معنای سیاست معنوی و سیاست مبتنی بر معنا بود. یعنی سیاستی که از نیت الهی نشأت می‌گیرد، با عقلانیت انقلابی تدبیر می‌شود و هدفش تربیت تاریخی امت است. این عرفان کنش‌گرا، در اوج اقتدار سیاسی، ترس از خدا را به عنوان شاخصه‌ی اصلی رهبری دینی معرفی می‌کرد؛ «آنچه که انسان را در رأس قدرت حفظ می‌کند، ترس از خداست.» (اشاره‌ی مفهومی به مضامین پرتکرار ایشان). این ترس نه از جنس وحشت، بلکه از جنس شکستن غرور قدرت و بندگی محض بود.

منطق سه وجهی رهبری، از شهود عبادی تا سلوک جمعی

۳

تحلیل تجربه رهبری ایشان، نیازمند درکی چندوجهی است. این منطق کنش، در سه سطح درهم تنیده عمل می‌کرد:

الف. سطح شهود اخلاقی (وجدان عبادی تصمیم)

هر تصمیم سیاسی برای ایشان، ابتدا با چشم دل و دیده بان درون سنجیده می‌شد. معیار، رضایت الهی بود. این بدان معنا نیست که او امور را با احساسات صرف پیش می‌برد؛ بلکه عقل سیاسی ایشان، در بستر تقوای سیاسی و صداقت باطن، به کار می‌افتاد. تصمیم سیاسی برای ایشان، تکلیف بود، نه مصلحت صرف. این همان «عقلانیت متعهد» است



تاریخ گاه در قامت یک

شخص، ممکن‌ها را

به متعین‌ها تبدیل

می‌کند. رهبر شهید

آیت‌الله خامنه‌ای، در

دوران معاصر نماد یکی

از این ممکن‌های سترگ

بود: وحدت میان عرفان

ناب و سیاست کنش‌گر

که از «تکلیف‌گرایی واقع‌بینانه» سخن می‌گوید.

ب. سطح عقلانیت انقلابی (سامانه استدلالی کنش)

عقلانیت انقلابی نزد ایشان، بازتعریفی از عقلانیت ابزاری مدرن بود. این عقل نه تنها ابزار محاسبه‌ی قدرت، بلکه ابزار تحقق آرمان بود. عقلانیت انقلابی، یعنی واقع‌بینی همراه با آرمان‌گرایی؛ فهم معادلات پیچیده‌ی قدرت، بدون قربانی کردن اصول اخلاقی و اهداف تمدنی. ایشان در مواجهه با بحران‌ها، از تکیه بر عقل جمعی و تحلیل منطقی سخن می‌گفت. اما این عقل، همواره در چارچوب معنای الهی هستی عمل می‌کرد. این سطح، «سیاست دانایانه» و «عمل حساب‌شده» را نمایندگی می‌کند.

ج. سطح سلوک جمعی (سیاست به مثابه‌ی تربیت اجتماعی)

رهبری ایشان، صرفاً مدیریت سیاسی نبود؛ بلکه «پداگوژی تاریخی» بود. هدف تنها شکست دشمن یا تأمین رفاه نبود؛ بلکه بالندگی معرفتی و اخلاقی امت بود. او در مواضع متعدد، بر بصیرت‌افزایی عمومی و افزایش آگاهی تاریخی جامعه تأکید داشت. بدین صورت سیاست، خود به صحنه‌ی تزکیه‌ی جمعی بدل شد؛ مسجد سیاست و میدان عبادت اجتماعی. این همان مردم‌باوری ریشه‌داری است که اقتدار را از زور به جاذبه‌ی معنوی تبدیل می‌کرد.

۴ وحدت عدالت و عرفان، دوروی یک سکه‌ی الهی

در طول تاریخ، عدالت غالباً با قدرت سیاسی و عرفان با انزوای معنوی پیوند خورده است. اما در منظومه‌ی فکری رهبر شهید، این دو نه در تقابل، بلکه در وحدت ارگانیک قرار گرفتند. ایشان عدالت را نه صرفاً امری اجتماعی، بلکه شأنی از شئون ربوبیت و تجلی توحید در جامعه می‌دانست. عدالت بدون معنویت، به اقتدارگرایی بی‌رحمانه بدل می‌شود و معنویت بدون عدالت، به انزوای خودخواهانه. این پیوند، «حکمرانی عادلانه» را نه یک وظیفه‌ی سیاسی، بلکه یک فریضه‌ی عبادی می‌ساخت. این دیدگاه، تئوری‌های سیاسی مبتنی بر قرارداد اجتماعی یا منافع ملی را به چالش می‌کشید و بنیان مشروعیت حکومت را بر میثاق عبودیت و مسئولیت الهی قرار می‌داد. ملت عادل، در این نگاه، ملت عابد است.



در طول تاریخ، عدالت غالباً با قدرت سیاسی و عرفان با انزوای معنوی پیوند خورده است. اما در منظومه‌ی فکری رهبر شهید، این دو نه در تقابل، بلکه در وحدت ارگانیک قرار گرفتند.

۵ تواضع در برابر خلق، سرچشمه اقتدار الهی

اگر بخواهیم رمز اعتماد تاریخی جامعه به رهبر شهید را در یک واژه خلاصه کنیم، شاید تواضع بهترین باشد. اما این تواضع، نه ضعف، بلکه نشانه‌ی قدرت درونی بود. ایشان اقتدار را نه توان تحمیل، بلکه جاذبه‌ی معنوی می‌دید. «آنچه دل‌ها را به هم پیوند می‌زند، حقیقت و صفاست، نه زور و تبلیغات.» این تواضع در برابر مردم، ریشه در عبودیت محض داشت. ایشان خود را خادم مردم و امانت‌دار خدا می‌دانست. این نگرش، شکاف میان رهبر و امت را پر می‌کرد و پیوندی عمیق‌تر از مناسبات سیاسی صرف، یعنی پیوند عاطفی و

ایمانی را شکل می‌داد. مردم باوری ایشان، نه یک تاکتیک، بلکه جلوه‌ی محبت الهی در رفتار سیاسی بود.

شهادت امضای جاودانه زیست توحیدی

۶

و اما شهادت. این واقعه نه پایان یک سیر، بلکه تکمیل وجودی آن بود. شهادت در فرهنگ اسلامی، «لقاء الله» است؛ تجربه‌ی نهایی وصال. رهبر شهید، که عمری از فنای فی‌الله و مقابله با نفس سخن گفته بود، با شهادت، خود را در فرایند فناء کامل معنا بخشید. قدرت برای ایشان، همواره محدودیت و فناپذیری را در خود داشت. ایشان که در اوج قدرت سیاسی بود، از کوتاهی عمر دنیا و مسئولیت آخرت غافل نبود. شهادت، این «پارادوکس وجودی قدرت و فنا» را نه در سطح نظری، بلکه در سطح تجربه‌ی زیسته حل کرد. ایشان با شهادت، قدرت سیاسی را در فناء جاودانه‌ی حقیقت ذوب کرد؛ گویی اثر انگشت الهی بر تارک تاریخ ایران شد.

میراث فکری؛ از نظام‌سازی تا تمدن‌سازی

۷

اگر بخواهیم اندیشه‌ی ایشان را در ترازوی تاریخ اندیشه بسنجیم، ایشان فراتر از نظام‌سازی سیاسی، «تمدن‌سازی اسلامی» را در افق پیش رو قرار داد. میراث ایشان را می‌توان در چهار محور پیوسته خلاصه کرد:

معنویت بویا: احیای ایمان نه به عنوان عقیده‌ی فردی، بلکه به عنوان بنیان تمدنی.

عقلانیت راه‌گشا: ارائه‌ی چارچوبی برای عقلانیت اسلامی که قادر به پاسخگویی به چالش‌های پیچیده‌ی عصر مدرن باشد؛ عقلانیت متعهد به غایات الهی.

عدالت پیشرو: پیوند توسعه‌ی مادی با شکوفایی معنوی و اخلاقی؛ پیشرفت همراه با عدالت.

افق جهانی: تبدیل انقلاب اسلامی از یک پدیده‌ی ملی به حرکتی تمدنی با ظرفیت جهانی.

ایشان سیاست را نه پایان، بلکه آغاز فرهنگ نوین اسلامی می‌دانست؛ فرهنگی که در آن شکوه قدرت و قداست معنا در هم تنیده می‌شود.

افق آینده در پروژه بازسازی ربانیت

۸

پس از رهبر شهید امام خامنه‌ای رحمه‌الله علیه، چالش اصلی جهان اسلام، بازسازی «الگوی رهبری ربانی» است. این الگو، نه تکرار یک فرد، بلکه احیای منطق درونی آن است:

تصمیم‌گیری اخلاقی: هرکنش سیاسی باید از چراغ وجدان الهی آغاز شود.

اقتدار معنایی: قدرت بدون پشتوانه‌ی معنوی، لغزنده و پایدار نیست.

جامعه‌ی معناگرا: مردم‌سالاری دینی تنها در بستری از باور عمیق ایمانی معنا می‌یابد.

تمدن حقیقت‌محور: اسلام نوین، نه تقلید از غرب، بلکه بازآفرینی اصول توحیدی در مقیاس جهانی است.

رهبر شهید امام خامنه‌ای رضوان الله علیه، پروژه‌ی «وحدت میان حقیقت و قدرت» را نه در عرصه تئوری، بلکه در صحنه‌ی عمل به انجام رساند. او نشان داد که در عصر سکولاریسم و نسبی‌گرایی، هنوز هست انسانی که، در عین در دست داشتن قدرت عظیم، بنده‌ی خالص خدا باقی بماند. یاد ایشان، نه یاد یک سیاستمدار، بلکه یاد نایب‌عام ولایت معصوم، در تاریخ معاصر است. ایشان با شهادت خود، اثر انگشت جاودانه‌ی خود را بر تارک تاریخ ایران نهاد؛ و پس از ایشان، مسئله‌ی اصلی جهان اسلام، نه چگونه کسب قدرت، بلکه چگونه قداست بخشیدن به قدرت است. این میراث، دعوتی است به بازتولید معنا در قلب سیاست معاصر.

پارادوکس قدرت و تواضع

چگونه سلوک معنوی رهبر شهید، امنیت‌ترین نوع «اقتدار سیاسی» را ساخت؟



سعید سپاهی

تحلیلگر امنیت شناختی

در معماری اندیشه سیاسی و نظریه‌های حکمرانی، همواره یک معمای بنیادین وجود داشته است: چگونه می‌توان «قدرت» را در اوج خود نگه داشت، بدون اینکه صاحب آن قدرت، دچار استبداد، خودبینی و در نهایت سقوط شود؟ تاریخ پر است از رهبرانی که با شعارهای عدالت و خدمت بر سر کار آمدند، اما در دام «حباب قدرت» گرفتار شدند و از مسیر حق منحرف گشتند. اما در معارضه با این تجربه تلخ تاریخ، شخصیت «رهبر شهید امام خامنه‌ای علیه السلام» به عنوان یک پدیده استثنایی و الگوی بی‌بدیل می‌درخشد. ایشان نه تنها در بیش از سه دهه تصدی مقام رهبری، از فساد قدرت در امان ماندند، بلکه میزان نفوذ و محبوبیت خود را در دل‌ها روزافزون کردند. رمز این پایداری و کارآمدی، در تلفیقی بی‌نظیر از «اقتدار سیاسی» و «تواضع معنوی» نهفته است. این یادداشت بر آن است تا با واکاوی سیره و اندیشه رهبر شهید، نشان دهد که چگونه زهد و تواضع ایشان، نه یک عادت شخصی صرف، بلکه یک ضرورت راهبردی و امنیتی برای مدیریت جامعه و تثبیت استقلال ملی بوده است.

«زهد حاکمیتی»؛ ابزاری برای استقلال تصمیم‌گیری

برخلاف تصور رایج که زهد را به ترک دنیا تقلیل می‌دهد، در منظومه فکری رهبر شهید، زهد به معنای «عدم وابستگی» به قدرت و ثروت است. این عدم وابستگی، بالاترین ضمانت برای استقلال ملی است. رهبر شهید در تحلیلی عمیق از استقلال، فراتر از تعاریف سیاسی رایج، به یک بُعد وجودی می‌پردازد و می‌فرماید: «استقلال یعنی آزادی یک ملت؛ وقتی ما از استقلال حرف می‌زنیم، یعنی از آزادی یک ملت حرف می‌زنیم که آزادانه بتواند کار خودش را انجام دهد» (بیانات در دیدار بسیجیان، ۶/۹/۱۳۹۸). این آزادی عمل در سطح کلان حکمرانی، تنها زمانی محقق می‌شود که رهبر، وام‌دار هیچ قدرت بیگانه و هیچ گروه ذی‌نفوذ داخلی نباشد.

سبک زندگی ساده و دوری از تجملات‌گرایی که رهبر شهید در طول عمر خود پیشه کردند، در واقع یک «استراتژی دفاعی» بود. ایشان با این سلوک، به مدیران و مسئولین آموختند که وقتی رهبر از امکانات مادی استفاده نمی‌کند، هیچ‌کس نمی‌تواند با وعده یا تهدید مالی، اراده او را منحرف کند. این استقلال وجودی بود که به ایشان اجازه داد در برابر فشارهای سهمگین جهانی بایستد. همان‌طور که خودشان در سال ۱۴۰۴ فرمودند: «ما در این قضیه و در هر قضیه‌ی دیگری، تسلیم فشار نشدیم

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



آیت‌الله سیفی مازندرانی

خلف صالح وشخصیت بی‌بدیل

دست تقدیر الهی

سکان رهبری را به

دست باکفایت

خلف صالح امام

شهید سپرد، ایشان

که سال‌ها رموز

رهبری را نزد والد

مکرم فراگرفته

و از مقبولیت

عامه برخوردارند،

شخصیتی بی‌بدیل

برای عهده‌داری این

مقام هستند.

و نخواهیم شد» (بیانات در سخنرانی تلویزیونی، ۱۴۰۴/۰۷/۰۱). این تسلیم‌ناپذیری، ریشه در توکل و زهدی داشت که ایشان را از هرگونه وابستگی می‌رهاند.

تواضع؛ مکانیزم «پایش اجتماعی» و درایت سازمانی

یکی از خطرناک‌ترین آفات قدرت، «حباب قدرت» است؛ حالتی که رهبر از واقعیت‌های جامعه و دردهای مردم دور می‌افتد. رهبر شهید با بهره‌گیری از «تواضع اخلاقی»، این خطر را خنثی کردند. ایشان با هم‌سطح شدن با مردم و شنیدن مستقیم حرف‌های آنان، یک سیستم هوشمند پایش اجتماعی ایجاد کردند. در دیدار با معلمان استان فارس در سال ۱۳۸۷، ایشان با صراحت به مسئولان هشدار دادند که از «گفتمان عدالت‌خواهی» دست نکشند اما مراقب باشند «انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنند» (بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۸۷/۲/۴). این توصیه نشان‌دهنده ذهنیت دقیق ایشان بود؛ تواضع به معنای چشم‌پوشی از خطاها نیست، بلکه به معنای شنیدن صدای حق بدون تعصب شخصی است. این سبک رهبری، اعتماد تاریخی جامعه را شکل داد و حفظ کرد. مردم وقتی می‌دیدند رهبرشان در همان خانه ساده زندگی می‌کند و با همان صمیمیت با آنان سخن می‌گوید، دریافته‌اند که «امنیت ملی» و «عدالت اجتماعی» برای ایشان یک شعار نیست، بلکه یک باور عمیق است. رهبر شهید در سال ۱۳۸۷ در اجتماع زائران حرم رضوی، دو شاخص اصلی برای دهه چهارم انقلاب را «پیشرفت» و «عدالت» عنوان کردند و فرمودند: «نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۸۷/۱/۱). تحقق این توازن دشوار، تنها از دست یک رهبری برمی‌آید که هم در عرصه‌ی مدیریت کلان «اقتدار» داشته باشد و هم در عرصه‌ی اخلاق شخصی «تواضع».

شاگردی و استادی؛ الگوی پیشرفت مستقل

شخصیت ربانی-سیاسی رهبر شهید، تنها در عرصه اخلاق خلاصه نمی‌شد، بلکه در عرصه علم و مدیریت نیز یک الگوی عملی ارائه داد. ایشان با نگاهی واقع‌گرایانه اما استقلال‌طلبانه، مسئله «یادگیری از غرب» را روشن کردند. در دیدار معلمان استان فارس در سال ۱۳۸۷، ایشان ماجرای «شاگرد-استادی» را تشریح کردند و فرمودند: «ما از یاد گرفتن از غربی‌ها و غیر غربی‌ها خجالت نمی‌کشیم... منتها دو نکته این‌جا وجود دارد... بالاخره این ماجرای «شاگرد، استادی» تا ابد نباید طول بکشد. ما باید خودمان استاد بشویم» (بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۸۷/۲/۱۲).

این عبارات کلیدی، نشان‌دهنده عقلانیت انقلابی رهبر شهید است. ایشان با این نگاه، مسیر پیشرفت علمی کشور را هموار کردند، اما با شرطی مهم: حفظ استقلال علمی. ایشان می‌دانستند که دشمنان ایران، پیشرفت علمی ایران را تهدیدآمیز

می بینند، چون «انحصارطلبند؛ چون سلطه طلبند؛ چون ایران را طعمه فرض کرده اند» (بیانات در جمع ایثارگران و خانواده های شهدای استان فارس، ۸۷/۰۲/۱۳). بنابراین، رهبر شهید با ترکیب تواضع در یادگیری (شاگردی) و عزت در تولید علم (استادی)، الگویی از «پیشرفت در سایه استقلال» را پایه گذاری کردند که امروز به یکی از ارکان امنیت ملی تبدیل شده است.

از «خط عادلانه میانه» تا «تمدن نوین اسلامی»؛ چشم انداز سیره عملی

سیره رهبر شهید در مدیریت بحران ها و تعارضات اجتماعی، نیز مبتنی بر همان منطق تواضع و عدالت بود. ایشان در دیدار کارگران و کارآفرینان در سال ۱۳۸۷، نقش دولت را در تعارض سرمایه و کار، ایجاد «یک خط عادلانه میانه» دانستند و فرمودند: «نه آن ها به این ها تعرض کنند، نه این ها از کار آن ها کم بگذارند؛ هیچ کدام به حقوق یکدیگر تعرض نکنند» (بیانات در دیدار گروهی از کارگران و کارآفرینان، ۸۷/۲/۴). این دیدگاه میانه رو و عادلانه، حاصل روحیه ای بود که در سایه سلوک معنوی شکل گرفته بود؛ روحیه ای که به دنبال حذف مخالف نبود، بلکه به دنبال ایجاد توازن و صفا در جامعه بود. در نهایت، شخصیت رهبر شهید باید در چارچوب چشم انداز «تمدن نوین اسلامی» فهمیده شود. ایشان معتقد بودند که زیرساخت اصلی هر تمدنی، نیروی انسانی است و برای ساختن این تمدن، نیازمند نسلی هستیم که «خودساخته است، دارای هویت است؛ هویت ایرانی-اسلامی محکم و عمیقی دارد، دانا، دانشمند، کارآمد، ماهر» است (بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۸۷). رهبر شهید خود، تجسم زنده این نسل بود. ایشان با سلوک خود نشان داد که یک رهبر می تواند هم «دانا و دانشمند» باشد و هم «پارسا و متواضع».

نتیجه گیری

مرور سیره و اندیشه رهبر شهید امام خامنه ای علیه السلام، این حقیقت را آشکار می کند که «تواضع»، ضعف نیست، بلکه قوی ترین ابزار برای «اقتدار پایدار» است. ایشان با جمع میان سلوک معنوی و کنش سیاسی، نشان دادند که امنیت ملی و استقلال، تنها با موشک و سلاح به دست نمی آید، بلکه نیازمند پشتوانه ای «اعتماد مردمی» و «پاک دلی مسئولان» است. همان طور که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب تأکید کردند: «استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آمد صد ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷). حفظ این دستاورد، در گرو این است که نسل امروز و آینده، نه تنها از اندیشه های «عقلانیت انقلابی» و «استقلال طلبی» رهبر شهید بیاموزند، بلکه از سلوک اخلاقی و تواضع ایشان نیز الگو بگیرند. تنها در این صورت است که می توان به شکوفایی تمدن نوین اسلامی و تحقق سال های «نوآوری و شکوفایی» امیدوار بود.



مرور سیره و اندیشه

رهبر شهید امام

خامنه ای علیه السلام، این

حقیقت را آشکار می کند

که «تواضع»، ضعف

نیست، بلکه قوی ترین

ابزار برای «اقتدار پایدار»

است. ایشان با جمع

میان سلوک معنوی و

کنش سیاسی، نشان

دادند که امنیت ملی و

استقلال، تنها با موشک

و سلاح به دست نمی آید،

بلکه نیازمند پشتوانه ای

«اعتماد مردمی» و

«پاک دلی مسئولان»

است.



ایران اسلامی در آستانه یک جریان تاریخی قدرتمند

زعامت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای بر جهان تشیع مبتنی بر سنت‌های فقهی، الهیاتی و تاریخی است

عباس عالی زاده

پژوهشگر اجتماعی

روزگار باشکوهی بر ایران ما می‌گذرد؛ پس از ۴۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، ایرانیان، پرصلابت و مقتدر در برابر دشمن دیرباز خود و سگ دست آموزش قد علم کرده‌اند. دشمن زبون ایرانیان، تا آنجا خود را حقیر کرد که رهبر ما، سیدعلی خامنه‌ای را به شهادت رساند و با همین اقدام، ایرانیان را بیشتر از گذشته گردهم آورد تا با او مقابله کنند. جریان جنگ هر روز قوی‌تر از قبل ادامه دارد و درحالی‌که دشمنی صهیونی، عملاً توان مقابله خود را از دست داده، ساعتی نیست که آوارگان صهیونیستی، از ترس جان، به پناهگاه‌ها فرار نکنند.

ایرانیان یک آزمون بزرگ را هم از سر گذراندند؛ ۹ روز از شهادت رهبری عظیم‌الشان ایران نگذشته بود که مجلس خبرگان، رهبر جدید را اعلام کرد و به این ترتیب، آرزوهای



دشمنان ایران را به باد داد. انتخاب رهبر جدید انقلاب اسلامی، ایران را در مسیر تاریخی جدیدی قرار داد که هم ادامه مسیر پیشین است و هم با یاری خداوند، پایه‌های حکومت شیعی را مستحکم‌تر از قبل خواهد کرد. این موضوع را کارشناسان و پژوهشگران دینی و تاریخی به گواه نشانه‌های بسیاری که در جامعه و در تاریخ ایران اسلامی وجود دارد، بیان می‌کنند.

عباس عالی زاده، پژوهشگر اجتماعی در پاسخ به دغدغه برخی از مردم درباره درایت، عدالت، علم رهبر جوان جمهوری اسلامی، حضور آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای در جایگاه رهبری شیعیان را، نشانه‌ای از مسیر درست تاریخی ایران می‌داند. او جریان رهبری شیعه از جنبه‌های مختلف فقهی، الهیاتی، تاریخی و اجتماعی بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که این جریان در تاریخ ایران بی سابقه نبوده و نشانه‌هایی از توسعه قدرت تشیع در آینده را تبیین می‌کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح گفت‌وگوی ما با این پژوهشگر اجتماعی است:

نوبت توسعه قدرت اندیشه انقلاب در جهان است

اگر به تاریخ اجتماعی-سیاسی ایران نگاهی بیندازیم، به نظر می‌رسد ایران امروز در مقام توسعه قدرت خود قرار دارد. شاید مهم‌ترین مثال تاریخی آن، دوران صفویه باشد. تاپیش از فروپاشی نظام سلطنتی در ایران، حکومت‌هایی که در ایران روی کار آمده‌اند، تلاش کرده‌اند تا از صفویه الگوگیری کنند چراکه این حکومت در زمان خود، توفیقات تاریخی داشته است از جمله اینکه مورخین معمولاً تأسیس دولت-ملت ایران را به این حکومت نسبت می‌دهند. به لحاظ توسعه تاریخی نیز این حکومت، شامل دوره می‌شود؛ یک دوره



عباس عالی زاده،
پژوهشگر اجتماعی
در پاسخ به دغدغه
برخی از مردم درباره
درایت، عدالت، علم
رهبر جوان جمهوری
اسلامی، حضور آیت الله
سیدمجتبی خامنه‌ای
در جایگاه رهبری
شیعیان را، نشانه‌ای از
مسیر درست تاریخی
ایران می‌داند.

شاه اسماعیلی است، که دوره تأسیس به شمار می‌رود، دوره شاه طهماسبی دوره تثبیت این حکومت است و دوره شاه عباسی که مربوط به دوره شاه‌عباس اول است که دوره تمدنی و توسعه تاریخی محسوب می‌شود که معمولاً هم شکوفایی صفویه در حوزه معماری، هنر و... به این دوره مرتبط است.

به لحاظ تاریخی اگر این سه‌گانه تأسیس، تثبیت و توسعه تاریخی-تمدنی را به رسمیت بشناسیم، جمهوری اسلامی دوره تأسیسی خود را در دوره حضرت امام خمینی علیه السلام تجربه کرده است و دوره تثبیتی خود را دوره رهبر شهید تجربه کرده است که در دوره تثبیت مثلاً در دوره شاه طهماسب، صلح طولانی مدت این دوره است که از این جهت با دوره زعامت رهبری شهید شباهت دارد. دوره شاه عباسی نیز جنگ‌های تعیین‌کننده همراه بوده است. اصلاً شروع دوره سلطنت شاه‌عباس با جنگ‌های ایران با عثمانی و ازبک‌ها بوده و پس از آن، اولین نبردهای ایران با دولت‌های استعمارگر در این دوره بوده که منجر به اخراج پرتغالی‌ها از خلیج می‌شود.

در دوره حاضر، باتوجه به نقشی که رهبر شهید در تأسیس نهادهای تعیین‌کننده و ساخت قدرتمند جمهوری اسلامی در منطقه و جهان داشتند، برای ما یادآور دوره تثبیت شاه طهماسبی و اکنون در آغاز دورانی شبیه دوران شاه عباسی هستیم. همان‌طور که الان به واسطه تثبیت قدرت ایران توسط رهبری شهید، جمهوری اسلامی در مقابله مستقیم با ابرقدرت‌های مادی جهان از جمله آمریکای جنایت‌کار، اسرائیل و ناتو قرار دارد و می‌توان گفت که همه عده و عده دشمنان در مقابل ما صف آرایی کرده است. جمهوری اسلامی با اتکا به قدرت و توان معنوی و مردمی خود و تجربه عظیم تاریخی، می‌تواند یادآور آغاز دوران شکوهمند شاه‌عباس صفوی است که انشاءالله همزمان با دوران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جوان باشد.

تبیین مشروعیت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای

ایده مشروعیت رهبری آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای مبتنی بر سه‌گانه؛ مشروعیت الهیاتی، مشروعیت فقهی-حقوقی و اجتماعی-تاریخی رهبری در ایران قابل بررسی است. چه در دوران ایران باستان، چه در دوران پس از اسلام و چه با روی کار آمدن جمهوری اسلامی، همیشه در ایران دغدغه الهی بودن رهبر، وجود داشته است. در دوره باستان این الهی بودن رهبری با بهره‌مندی از فزایدی، به دست می‌آمد؛ عنصری که فرامادی است و در اختیار هرکسی نیست. بنابراین هیچ‌وقت ایرانیان در طول تاریخ، در مقام مشروعیت بخشی به رهبر جامعه، این عنصر الهیاتی را فراموش نکرده‌اند. در آثار تاریخی باقیمانده، آثار ادبی مانند شاهنامه، متون اخلاقی و آموزنده که برای سلاطین نوشته می‌شده، همیشه عنصر تأیید شدن رهبر از یک مقام معنوی یا خداوند، عنصر ثابتی بوده است و این امر را هم در دوره پیش از اسلام و هم پس از اسلام مشاهده می‌کنیم.

اهمیت نظر ولایت فقیه در مشروعیت الهیاتی در جمهوری اسلامی

نکته دیگر اینکه مشروعیت الهیاتی در جمهوری اسلامی با نظریه ولایت فقیه تأمین می‌شود که در واقع نظام امت-امامت را بازسازی می‌کند. اگر در ابتدای دوره صفویه، رابطه مرید و مراد مطرح بوده، پس از آن با ورود علمای جبل عاملی، حضور علما برای مشروعیت بخشی موضوعیت پیدا می‌کند و در ادامه روند تاریخی تشیع، بحث مرجع-مقلد مطرح می‌شود، در جمهوری اسلامی با نظریه ولایت فقیه، بحث امت-امامت پیگیری می‌شود که مصداق مدنظر ما یعنی جانشینی رهبری شهید توسط حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای هم، مبتنی بر ایده الهیاتی بوده است. بنابراین یک سنت چند هزار ساله در این موضوع مطرح است.

وجه الهیاتی سیاست در تاریخ ایران؛ از دوران باستان تا امروز

در بحث فقهی-حقوقی، استمرار ولایت فقیه در انتخاب رهبری، در قانون اساسی و در قالب اصل ۱۰۷ خود را نشان می‌دهد که مجلس خبرگان وظیفه انتخاب رهبری را به عهده دارد. ایده حضور یک امام عادل در مستند تصمیم سازی در جامعه، استمرار ایده حضور افراد بهره‌مند از فز ایزدی در نظام سلطنتی ایران باستان است که در کنار این ایده، حضور علما را داریم. همین طور در دوره صفوی حضور علمایی مانند شیخ بهایی، میرداماد و... در کنار مقام شاه، برای تأمین همین دغدغه بوده است که همیشه باید یک وجه الهیاتی وجود داشته باشد. علما و افراد صاحب فتوا در کنار دولت حضور داشتند که تعیین کنند چه چیزی حلال است و چه چیزی حرام.

اصل ۱۰۷ قانون اساسی به دغدغه الهیاتی بودن حاکمیت پاسخ می‌دهد

در جمهوری اسلامی نیز، دغدغه الهیاتی بودن حاکمیت با اصل ۱۰۷ قانون اساسی و انتخاب رهبر در چارچوب مجلس خبرگان، که این مجلس نیز توسط مردم انتخاب می‌شوند، تأمین می‌شود. درباره حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز می‌دانیم که این جلسات چطور تشکیل شده و نظر دو سوم اعضای مجلس تأمین شده است و با رأی مجلس خبرگان، که منتخب مردم هستند، مردم سالاری نیز تأمین شده است.

رویکرد دیگر، اجتماعی-تاریخی است. به لحاظ تاریخی هر حکومتی یک دینامیستی برای تعیین رهبر دارد که فراتر از چارچوب خشک مصرح در قانون است. مثلاً نظام‌های سلطنتی، سعی می‌کردند تربیت شاه یا سلطان یا مدیر آینده در دربار و براساس اصولی صورت بگیرد که فرد توانمندی تربیت شود. هر زمان که این چارچوب تربیتی تضعیف می‌شد، یک پادشاه سست‌عنصر و شهوت ران بر جامعه حکومت می‌کرد که باعث تضعیف سلسله می‌شد. یکی از دلایل فروپاشی دولت صفوی نیز از نظر مورخان این نکته است که دربار از این لحاظ تضعیف شد و شاه‌عباس، به جای تربیت شاهزاده‌ها در چنین نظام اخلاقی، ترجیح می‌داد که اینها افراد سست‌عنصری بار بیایند و در عیش و نوش زندگی کنند.

ایده الهیاتی حکومت دینی مدت زمان حکومت رهبری را تعیین می‌کند

در نظام جمهوری اسلامی، ایده پیشینی جمهوری اسلامی، ایده مرجع مقلد بوده است که در این نظام سیاسی به ایده امت-امامت توسعه پیدا می‌کند که کاملاً ریشه تاریخی دارد؛ حکومت شخص رسول الله ﷺ و حکومت امیرالمومنین علیؑ و امام حسن علیؑ نیز در همین راستا تعریف می‌شود. در واقع مبتنی بر این ایده است که ما رهبری را مادام‌العمر می‌دانیم؛ اینطور نیست که حکومت رهبری در یک زمان معین تعریف شده باشد و به این



در نظام جمهوری

اسلامی، ایده پیشینی

جمهوری اسلامی، ایده

مرجع مقلد بوده است

که در این نظام سیاسی

به ایده امت-امامت

توسعه پیدا می‌کند که

کاملاً ریشه تاریخی دارد



ترتیب، هر زمان که محرز شود رهبری از عدالت خارج شده، حتی یک دقیقه صلاحیت حضور در این جایگاه را ندارد؛ همچنان که مرجع چنین ویژگی را دارد. ایده الهیاتی پیشینه ماست که مدت زمان حکومت رهبرمان را تعیین می‌کند. بنابراین برخلاف تصور دیگران که دوره حکومت رهبری که الزاماً بیشتر از دوره رئیس‌جمهور است، اینطور نیست، رهبری اگر از دایره عدالت خارج شود، یک ساعت هم اجازه حکومت ندارد.

■ شیوه‌های دینی تربیت رهبران در تفکر شیعی-ایرانی

شناخت جایگاه رهبری در ایران از لنز تاریخی-اجتماعی نیز قابل بررسی است به این صورت که ببینیم مراجع دینی ما در چند قرن اخیر در چه قالبی تربیت و پذیرش می‌شدند. یکی از جایگاه‌های تربیت رهبران در جهان تشیع، بیوت علما بوده است. این جریان هم در یک سنت تاریخی رخ داده است؛ موضوعی نبوده که از سوی بزرگان دینی به آن امر شود. یک دینامیست زیستی الهی در یک تناسب معتدل و طبیعی و تاریخی محقق می‌شده است. همچنان که امام خمینی علیه السلام و رهبر شهید ما، در چنین مکانیسمی تربیت شده‌اند، اکنون هم شاهدیم که رهبر جوان جمهوری اسلامی در چنین جریانی تربیت شده‌اند. این نکته‌ای است که کمتر به آن توجه می‌شده که یک روال طبیعی در طول تاریخ تشیع بوده است.

جایگاه حضرت آیت الله سید مجتبی در بیت رهبر شهید نیز مورد توجه است. معمولاً در بیوت علما این‌گونه است که رتق و فتق امور به عهده فرزندان ارشد عالم دینی صورت می‌گیرد. با توجه به جایگاه بیت رهبر شهید که در مقام زعامت شیعه و جهان اسلام بودند، طبیعتاً مسئولیت حضرت آیت الله سید مجتبی، در جایگاه انجام امور بیت رهبری، اهمیت بیشتری داشته است. این امر نیز مبتنی بر یک سنت اجتماعی تاریخی و کاملاً طبیعی در جهان تشیع بوده است و این ویژگی ایشان است که بخشی از دغدغه پرسش‌کنندگان درباره تجربه مسئولیت‌های اجرایی ایشان را پوشش می‌دهد. ایشان در مقام معتمد رهبر شهید، طبیعتاً در مقام پوشش دادن سازوکارهای بیت رهبر شهید، نه تنها با

مسائل ایران که با مسائل جهان نیز، مرتبط بوده‌اند. همچنین تعاملات نزدیک ایشان با رهبران جبهه مقاومت، بزرگان حوزه نشانه‌ای از تجربیات ایشان برای پذیرش زعامت رهبری شیعیان جهان است. همچنین اظهاراتی از رهبر شهید باقی مانده و مستندات آن در فضای مجازی موجود است مبنی بر اینکه رهبر شهید می‌گفتند که آیت الله سیدمجتبی، نزدیک‌ترین شتم سیاسی را در بیت به ایشان داشته‌اند، یا اینکه رهبری شهید ما تأکید کرده‌اند که سخن آیت الله آقا مجتبی، سخن ایشان است.

در واقع جایگاه مدیریتی ایشان مبتنی بر این سنت اجتماعی تاریخی بوده که جایگاهی کاملاً تعریف شده و تثبیت شده در جهان تشیع است.

اولین بار نیست که پسر یک رهبر دینی جانشین پدر می‌شود

نکته دیگر مشروعیت رهبر جوان این است که آیا به لحاظ تاریخی اولین بار است که شاهدیم که زعیماً شیعیان، فرزند زعیماً پیش از خود است؟ نمونه‌های پیشینی زیادی در این زمینه داریم؛ نمونه مشهور آن مربوط به نواب خاص حضرت حجت عزله الله تعالی هستند؛ جناب عثمان بن سعید و محمد بن عثمان که پدر و پسر هستند یا شیخ توسی و جناب ابوعلی توسی، جناب علامه حلی و صدرالمحققین و موارد دیگر که همه پدر و پسر بوده‌اند و به مقام جانشینی پدر رسیده‌اند. اینجا هم شاهد چنین اتفاقی هستیم که به لحاظ مشروعیت تاریخی اتفاق جدیدی نبوده است.

تربیت مدیریتی آقا سیدمجتبی زیر نظر آقا سید علی خامنه‌ای شهید

اینجا نکته‌ای وجود دارد که شیوه جانشینی برخی علما به جای پدرشان را از شیوه موروثی بودن نظام سلطنتی را متمایز می‌کند، این است که در نظام سلطنتی جانشینی فرزند به جای پدر، تعیین قطعی دارد و فرزند ارشد باید جانشین شاه یا ملکه سابق شود همان طور که در زمان مرگ ملکه انگلیس شاهد بودیم که شاهزاده چارلز جانشین مادر خود شد. اما در شیوه‌های جانشینی بیوت مراجع و علما، ارشدیت فرزند، ملاک نیست. همچنین نگاه مشروعیت الهیاتی ما را رهنمون می‌کند که انتخاب رهبری یک دینامیست دینی دارد که معمولاً کسی نمی‌تواند قطعیت داشته باشد که رهبر آینده کیست. حتی در زمان رحلت امام خمینی رحله نیز اینطور بوده است. یعنی عده‌ای تصور داشتند که کسی قرار است رهبر بشود که پس از مدتی به واسطه عدم صلاحیت یا خروج از عدالت و تقوا از این جایگاه خلع خواهد شد. حتی در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، افراد دیگری غیر از رهبر شهید بودند که جامعه تصور می‌کرد که اگر برای امام را حل اتفاقی بیفتد، این افراد ممکن است جانشین ایشان باشند؛ مثل آقا سیدمصطفی خمینی، امام موسی صدر، اما اراده الهی تاریخی به این سوء چرخید که فردی جوان مثل آیت الله سیدعلی خامنه‌ای بین اطرافیان حضرت امام خمینی رحله رهبری انقلاب را به عهده بگیرند. حتی در جریان اتفاقی که باعث شهادت



تعاملات نزدیک ایشان با رهبران جبهه مقاومت، بزرگان حوزه نشانه‌ای از تجربیات ایشان برای پذیرش زعامت رهبری شیعیان جهان است.

آیت الله رئیسی رخ داد، بسیاری از رسانه‌های خارجی قبل از آن، احتمال می‌دادند که رهبر بعدی جمهوری اسلامی، رئیس جمهور شهید باشد، اما دینامیست تاریخی و دست پنهان الهیاتی در جهان تشیع به‌گونه‌ای می‌چرخد که به تعبیر بیت معروف حافظ «در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود، کاین شاهد بازاری و آن پرده نشین باشد». این دست غیبی است که فراتر از اراده فرد است و قطعاً با اراده امام معصوم، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیک این اتفاق می‌افتد که به تعبیر حافظ کسی که قرار است از پرده غیب بیاید، پنهان باشد تا دشمن نداند کیست گزینه اصلی. همان طور که در مقام عصمت، شاهدیم که در میان اطرافیان امام هادی علیه السلام تصور می‌کردند، سید محمد، فرزند ارشد ایشان امام خواهد شد، ولی با فوت نابهنگام ایشان، امام حسن عسکری امام می‌شوند و معادلات سیاستمداران زمان به هم می‌ریزد و ذخیره الهی به این صورت به امامت می‌رسند.

ویژگی‌های رهبری از نگاه سنت اجتماعی تاریخی تشیع

در همین سنت اجتماعی تاریخی، جامعه نیز این را ایجاد کرده که رهبر جامعه باید ویژگی‌هایی مانند عدالت، تقوا، زهد، شهرت گریزی و... داشته باشد که این ویژگی‌ها را در رهبر انقلاب اسلامی، آقا سیدمجتبی خامنه‌ای شاهدیم. اطلاعات کمی از ایشان در فضای مجازی موجود است و اگر به تصاویری که از پوستره‌های این روزها دقت کنید، متوجه می‌شوید که تعداد این عکس‌ها آن قدر زیاد نیست که پوستره‌های متنوعی داشته باشیم. همین مسئله ساده نشان می‌دهد که شخصیت ایشان از خودنمایی به دور است.

از دیگر ویژگی‌های رهبر جوان انقلاب اسلامی که ایشان را از فضای رفاه طلبی جدا می‌کند، می‌توان به حضور ایشان از ۱۷ سالگی در فضای جبهه و جهاد اشاره کرد که براساس گفته‌های فرماندهان جنگ، ایشان در پنج عملیات در دوران دفاع مقدس علیه دشمن بعثی حضور داشته‌اند و جانباز شده‌اند. همچنین رزومه علمی ایشان کامل است و هیچ شک و شبهه‌ای در آن وجود ندارد.

همچنین اظهاراتی از مجتهدین وجود دارد مبنی بر اینکه ایشان می‌توانند مورد تقلید باشند و مستندات آن در فضای مجازی وجود دارد. در اجتهاد حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای تردیدی نیست و مستندات آن به راحتی قابل دسترسی است. ایشان از درس علمای برجسته اخلاق مانند مرحوم بهجت، مرحوم سیدجعفر مجتهدی نیز استفاده کرده‌اند. درس خارج ایشان دو سال قبل با حضور تعداد بسیاری از طلاب مواجه شد که به جهت ویژگی اخلاقی رهبر جوان انقلاب تعطیل شد تا دروس سایر اساتید آسیبی نبیند.

نقش رهبر جوان در تربیت نسل آینده رهبران تشیع

مثلی از مدرسه آیت الله مجتهدی، مدرسه مشکات و مدرسه معصومیه قم در حال حاضر در میان حوزه‌های علمیه، وظیفه نیروسازی برای جریان اجتهادی کشور را به عهده دارند که حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای در شکل گیری این جریان تربیتی و تکوین آن نقش دارند. این هم یکی از جریان‌های مدیریتی جامعه است که توسط ایشان و با همکاری ایشان صورت گرفته و ادامه دارد.

این نکته را هم اشاره کنم که عدم حضور رهبر جوان انقلاب اسلامی در میان رسانه‌های جمعی و فضای مجازی را باید متناسب با شرایط جنگی توضیح داد چراکه باید از این ذخیره الهی مراقبت شود و انشاءالله به زودی پیام‌های ایشان به مردم ابلاغ خواهد شد. ما به فضل الهی در آغاز یک دوره درخشان از دوران تاریخی اسلام هستیم که این دوران، یک ویژگی خاص دارد و آن مردم سالاری دینی است.

مهم‌ترین عناصر منظومه فکری رهبر شهید درباره آینده جهان اسلام^۱

علیرضا احمدی قره‌زاغ

پژوهشگر و نویسنده

در بررسی اندیشه‌های رهبر شهید درباره آینده جهان اسلام، می‌توان مجموعه‌ای از اصول و عناصر کلیدی را شناسایی کرد که در کنار یکدیگر چارچوبی منسجم برای فهم مسیر تحولات جهان اسلام ارائه می‌دهند. این منظومه فکری بر پایه بازگشت به اسلام اصیل، تقویت هویت و وحدت امت اسلامی، مقابله با سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی و تلاش برای تحقق عدالت، معنویت و پیشرفت در جوامع اسلامی شکل گرفته است. در این نگاه، آینده جهان اسلام نه در تقلید از الگوهای بیرونی، بلکه در اتکا به ظرفیت‌های درونی، بیداری ملت‌ها و همکاری میان کشورهای اسلامی تعریف می‌شود. بر همین اساس، مهم‌ترین عناصر این منظومه فکری را می‌توان در چهارده محور اساسی مورد بررسی قرار داد که هر یک بخشی از نقشه راه حرکت جهان اسلام به سوی عزت، استقلال و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را تبیین می‌کنند.

اسلام ناب محمدی؛ مبنای هویت و حرکت جهان اسلام

۱

یکی از بنیادی‌ترین عناصر در منظومه فکری رهبر شهید، تأکید بر مفهوم «اسلام ناب محمدی» است. در این نگاه، اسلام ناب دینی است که همزمان به معنویت، عدالت اجتماعی، آزادی انسان و مبارزه با ظلم توجه دارد. اسلام ناب نه تنها مجموعه‌ای از آموزه‌های عبادی و فردی است، بلکه نظامی جامع برای سامان‌دهی زندگی فردی و اجتماعی انسان به شمار می‌رود.

رهبر شهید بر این باور است که یکی از مشکلات اصلی جهان اسلام در دوران معاصر، فاصله گرفتن از حقیقت اسلام و جایگزینی آن با برداشت‌های تحریف‌شده یا سطحی بوده است. در این چارچوب، از مفهومی با عنوان «اسلام آمریکایی» یاد می‌شود؛ قرائتی از اسلام که در آن دین به ابزاری برای توجیه سلطه قدرت‌های خارجی یا حفظ وضع موجود تبدیل می‌شود.

اسلام ناب در مقابل چنین قرائتی قرار دارد و مسلمانان را به عدالت‌خواهی، مقاومت در برابر ظلم و دفاع از کرامت انسانی فرامی‌خواند. از این رو بازگشت به اسلام اصیل و احیای تعالیم قرآن و سنت پیامبر اسلام، شرط اساسی برای احیای هویت امت اسلامی و شکل‌گیری آینده‌ای عزتمند برای جهان اسلام محسوب می‌شود.

بیداری اسلامی و بازگشت به هویت تاریخی

۲

یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل رهبر شهید از آینده جهان اسلام، مفهوم

۱. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (KHAMENEI.IR)

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



آیت الله دکتر
احمد عابدی

تقویت روحیه رزمندگان اسلام

انتخاب بجا و

شایسته را تبریک

گفته و ضمن بیعت،

این انتخاب را قدمی

بلند در تقویت روحیه

رزمندگان و جبهه

مقاومت و تسریع در

پیروزی کامل دانسته

و برای سربلندی

کشورمان دعا

می کنیم.



«بیداری اسلامی» است. بیداری اسلامی به فرآیندی اشاره دارد که در آن ملت‌های مسلمان به تدریج از وضعیت انفعال و وابستگی خارج شده و به هویت دینی و تاریخی خود بازمی‌گردند. در این نگاه، بیداری اسلامی صرفاً یک حرکت سیاسی نیست، بلکه نوعی تحول فکری و فرهنگی در جوامع اسلامی محسوب می‌شود. در این تحول، مسلمانان به این درک می‌رسند که اسلام می‌تواند چارچوبی جامع برای حل مسائل فردی و اجتماعی آنان ارائه دهد و نیازی به الگوهای تحمیلی خارجی نیست.

نشانه‌های این بیداری را می‌توان در افزایش گرایش نسل جوان به ارزش‌های اسلامی، شکل‌گیری حرکت‌های مردمی در کشورهای مختلف اسلامی و رشد توجه به هویت دینی مشاهده کرد. رهبر شهید معتقد است که این بیداری اگر با آگاهی و برنامه‌ریزی همراه شود، می‌تواند زمینه‌ساز تحولات عمیق در ساختار سیاسی و فرهنگی جهان اسلام گردد.

استقامت و پایداری در مسیر بیداری

۳

یکی از ویژگی‌های اساسی حرکت‌های بزرگ تاریخی، نیاز به صبر و استقامت در برابر فشارها و موانع است. رهبر شهید در منظومه فکری خود بر اهمیت استقامت در مسیر بیداری اسلامی تأکید می‌کند.

به باور او، قدرت‌های سلطه‌گر همواره تلاش می‌کنند با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها، جنگ‌های نیابتی و عملیات رسانه‌ای، حرکت‌های استقلال طلبانه را متوقف کنند. در چنین شرایطی اگر ملت‌ها دچار تردید یا عقب‌نشینی شوند، دستاوردهای آنان به سرعت از بین خواهد رفت.

از این رو استقامت به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت حرکت‌های اسلامی مطرح می‌شود. تجربه بسیاری از جنبش‌های مقاومت در جهان اسلام نشان داده است که ایستادگی در برابر فشارها می‌تواند در نهایت به تقویت روحیه استقلال و اعتماد به نفس ملت‌ها منجر شود.

شناخت ماهیت نظام سلطه

۴

یکی از عناصر مهم در منظومه فکری رهبر شهید، تأکید بر شناخت دقیق ماهیت نظام سلطه در عرصه بین‌المللی است. در این تحلیل، نظام سلطه مجموعه‌ای از قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای است که تلاش می‌کنند بر روند تحولات جهانی کنترل داشته باشند و منافع خود را بر سایر ملت‌ها تحمیل کنند. جهان اسلام در دو قرن اخیر یکی از مهم‌ترین اهداف این نظام سلطه بوده است. استعمار مستقیم در گذشته و سلطه غیرمستقیم در دوران معاصر از جمله ابزارهایی بوده‌اند که برای کنترل منابع و ظرفیت‌های جهان اسلام مورد استفاده قرار گرفته‌اند. رهبر شهید معتقد است که بدون شناخت دقیق این ساختار سلطه، نمی‌توان راهبرد مناسبی برای مقابله با آن طراحی کرد. آگاهی از شیوه‌های نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قدرت‌های بزرگ می‌تواند به ملت‌های مسلمان کمک کند تا استقلال واقعی خود را حفظ کنند.

وحدت امت اسلامی؛ شرط قدرت و پیشرفت

۵

وحدت اسلامی یکی از محوری‌ترین مفاهیم در منظومه فکری رهبر شهید است. از دیدگاه او، تفرقه و اختلاف میان مسلمانان یکی از مهم‌ترین عوامل ضعف جهان اسلام در دوران معاصر بوده است. اختلافات مذهبی، قومی و سیاسی در بسیاری از موارد به ابزاری برای دخالت قدرت‌های خارجی تبدیل شده و مانع شکل‌گیری قدرت واحد اسلامی شده است. در چنین شرایطی، تأکید بر مشترکات میان مسلمانان و تلاش برای تقویت همبستگی میان ملت‌های اسلامی اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. در این نگاه، وحدت اسلامی به معنای یکسان‌سازی مذاهب یا فرهنگ‌ها نیست، بلکه به معنای همکاری و همگرایی برای حفظ منافع مشترک امت اسلامی است. چنین وحدتی می‌تواند ظرفیت عظیم جمعیتی و اقتصادی جهان اسلام را به نیرویی مؤثر در عرصه جهانی تبدیل کند.

مقابله با تفرقه افکنی و جریان‌های افراطی

۶

در ادامه بحث وحدت اسلامی، رهبر شهید به نقش جریان‌های افراطی و تکفیری در ایجاد تفرقه میان مسلمانان اشاره می‌کند. این جریان‌ها با سوءاستفاده از مفاهیم دینی،



وحدت اسلامی یکی از
محوری‌ترین مفاهیم
در منظومه فکری رهبر
شهید است. از دیدگاه
او، تفرقه و اختلاف
میان مسلمانان یکی از
مهم‌ترین عوامل ضعف
جهان اسلام در دوران
معاصر بوده است.

خشونت و درگیری میان مسلمانان را ترویج می‌کنند و چهره اسلام را در سطح جهانی مخدوش می‌سازند. در تحلیل رهبر شهید، بسیاری از این جریان‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در خدمت راهبردهای قدرت‌های استکباری قرار دارند. هدف آنان منحرف کردن توجه جهان اسلام از مسائل اصلی مانند سلطه خارجی و مسئله فلسطین و تبدیل آن به درگیری‌های داخلی است. از این رو مقابله فکری، فرهنگی و سیاسی با این جریان‌ها از مهم‌ترین وظایف نخبگان و اندیشمندان جهان اسلام محسوب می‌شود.

نقش نخبگان در هدایت فکری جامعه

۷

نخبگان فکری، فرهنگی و دینی نقش مهمی در شکل دهی به آینده جهان اسلام دارند. رهبر شهید معتقد است که این گروه‌ها به دلیل جایگاه اجتماعی و فکری خود می‌توانند نقش مهمی در جهت دهی به افکار عمومی ایفا کنند. وظیفه اصلی نخبگان، روشن‌گری و تبیین واقعیت‌های جهان اسلام و آگاه‌سازی مردم نسبت به چالش‌ها و فرصت‌های موجود است. آنان باید با تحلیل‌های دقیق و علمی، زمینه شکل‌گیری فهم مشترک در میان ملت‌های مسلمان را فراهم کنند.

نقش جوانان در تحولات آینده

۸

نسل جوان در منظومه فکری رهبر شهید به عنوان موتور محرک تحولات اجتماعی شناخته می‌شود. جوانان به دلیل روحیه آرمان‌خواهی، انرژی و انگیزه بالا می‌توانند نقش مهمی در پیشبرد حرکت‌های اصلاحی و استقلال طلبانه ایفا کنند. در بسیاری از حرکت‌های بیداری اسلامی، حضور فعال جوانان عامل اصلی پویایی این حرکت‌ها بوده است. بنابراین سرمایه‌گذاری بر آموزش، آگاهی‌بخشی و توانمندسازی نسل جوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

معنویت و اصلاح اخلاقی جامعه

۹

در منظومه فکری رهبر شهید، معنویت اسلامی و اصلاح اخلاقی جامعه جایگاهی بنیادین و کلیدی دارد، چنان‌که بدون آن هیچ‌گونه تحول سیاسی، اقتصادی یا حتی اجتماعی عمیق و پایدار ممکن نیست. رهبر شهید تصریح می‌کند که معنویت، به معنای ارتباط حقیقی انسان با خداوند، نه یک امر صرفاً فردی یا عرفانی، بلکه عنصری استراتژیک در زندگی جمعی مسلمانان است. جامعه اسلامی در صورتی می‌تواند به سمت پیشرفت و عدالت حقیقی حرکت کند که ارزش‌های اصیل اخلاقی همانند صداقت، عدالت، امانت‌داری، عفت و شجاعت در ساختار فردی و اجتماعی نهادینه شود. معنویت، مسئولیت اجتماعی را تقویت و انسان‌ها را به نوعی تعهد درونی دعوت می‌کند که بالاتر از قوانین مکتوب و مجازات بیرونی قرار می‌گیرد؛ یعنی عامل درونی‌کننده هنجارها، ضامن اخلاق عمومی و سازوکار اصلی نظارت مردم بر مردم نیز خواهد بود. رهبر شهید با اشاره به دوران صدر اسلام، بر این باور است که پیروزی‌های اولیه مسلمانان محصول معنویت عمیق، خلوص و اخلاص بود؛ شکست‌ها عمدتاً با افول روحیه معنوی و رواج دنیاطلبی و ریاکاری رخ داد. اصلاح اخلاقی نیز امری فراگیر و ضروری در ساختن جامعه‌ای سالم، پویا و پیشرو تلقی می‌شود. هیچ جامعه‌ای بدون ریشه‌دار بودن رفتار اخلاقی قابل اعتماد نیست و در فرهنگ اسلامی، اصلاح اخلاقی نه یک توصیه فردی، بلکه وظیفه جمعی است. اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، حمایت از فضیلت و مقابله با منکرات اجتماعی، بخش مهمی از این اندیشه را شکل می‌دهد. در معماری کلان جهان اسلام، بحران اخلاقی (فساد اداری، دروغ‌گویی، خیانت در امانت، رواج شایعه و...) به عنوان موانع اصلی توسعه و پیشرفت تلقی می‌شوند و رهبر شهید بر این باور است که اولویت‌دهی



به اصلاح اخلاقی راه‌باژکن حل بسیاری از بحران‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. از منظر راهبردی، بازگشت به معنویت و اخلاق اصیل باید از طریق خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها و الگوسازی از چهره‌های اخلاقی در ساحت عمومی پیگیری شود. بدون این وجه، دستیابی به تمدن نوین اسلامی، شعاری بیش نخواهد بود.

عدالت اجتماعی و دفاع از مستضعفان

۱۰

عدالت اجتماعی از اصول محوری در منظومه فکری رهبر شهید است؛ به طوری که او قوام هر نوع نظام اسلامی را به حاکمیت "عدالت" و "صالح بودن ساختارها و افراد" منوط می‌داند. وجه کلان نظری این است که عدل جزو مهمترین اهداف بعثت انبیا و نظام اسلامی است؛ «لیقوم الناس بالقسط». از این رو اسلام ناب، اساساً بای عدالتی، نظام‌های طبقاتی، تبعیض و ویژه‌خواری در تضاد ماهوی است.

رهبر شهید معتقد است تازمانی که فاصله‌ها و شکاف‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در جامعه اسلامی وجود داشته باشد، سخن گفتن از پیشرفت و معنویت و وحدت، شعاری و کم‌اثر خواهد بود. عدالت اجتماعی باید شامل توزیع عادلانه ثروت و امکانات، مبارزه با فقر، حمایت حقیقی از محرومان، مقابله با رانت، روابط ناسالم اقتصادی، رشوه و سلطه اصحاب ثروت باشد؛ هم عدالت فرصت‌ها و هم عدالت نتایج مورد توجه است.

یکی از خلاقیت‌های تحلیلی رهبر شهید، طرح مفهوم "دفاع از مستضعفان" به مثابه رسالت جهانی امت اسلامی است. امت اسلامی تنها مسئول عدالت‌خواهی در درون خود نیست بلکه باید صدای مظلومان عالم باشد و نسبت به همه مناطق محروم جهان احساس مسئولیت کند. این موضوع بعد داخلی (فقرزدایی)، توانمندسازی محرومان، حمایت از



عدالت اجتماعی از

اصول محوری در

منظومه فکری رهبر

شهید است؛ به طوری که

او قوام هر نوع نظام

اسلامی را به حاکمیت

"عدالت" و "صالح بودن

ساختارها و افراد" منوط

می‌داند.

قشر کارگر، روستایی، کارآفرینی اجتماعی، مبارزه با اشرافی‌گری در حکومت) و جنبه بین‌المللی (حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، تعاون با ملت‌های تحت ستم) دارد. در عملیاتی‌سازی این رویکرد، رهبر شهید بر ضرورت شفافیت اقتصادی، عدالت در دسترسی به خدمات (بهداشت، آموزش، اشتغال) و فراهم کردن زمینه رشد شایستگان، اخراج فاسدان و مقابله بی‌ملاحظه با ظلم تأکید داشت. او ضعف عدالت را عامل واگرایی مردم و تهدید مشروعیت حکومت‌ها معرفی می‌کرد و معتقد بود نخبگان فکری، رسانه‌ها و جنبش‌های اجتماعی باید همواره دولت‌ها را به تحقق عدالت ترغیب کنند.

محوریت مسئله فلسطین

۱۱

مسئله فلسطین در منظومه فکری رهبر شهید، صرفاً یک موضوع منطقه‌ای یا مسئله‌ای ملی-عربی نیست، بلکه "شاخص اصلی صف‌بندی جبهه حق و باطل" و "معیار سنجش صداقت جریان‌ها و دولت‌ها" تعریف می‌شود. ایشان فلسطین را قلب تپنده جهان اسلام و محور وحدت امت می‌شمارد؛ مسئله‌ای که ظرفیت بسیج نیروهای مسلمان را در سطح وسیع داراست و بی‌توجهی به آن، نشانه انحراف از مسیر اصیل بیداری اسلامی است. رهبر شهید، بررسی موضوع فلسطین را با رویکردی راهبردی انجام می‌دهد: اولاً: این سرزمین نخستین قبله مسلمین و جایگاه متعالی‌ترین ارزش‌های معنوی مسلمانان است؛ بنابراین اشغالگری در آن، صرفاً تصرف خاک یا تغییر مرز نیست، بلکه تعرض به هویت و حیثیت امت اسلامی است. ثانیاً: حمایت از آرمان فلسطین یک مسئولیت الهی و وجدانی است و معیار صدق ادعای آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی جوامع است (حتی برای دین‌باوران غیرمسلمان). ثالثاً: مسئله فلسطین، آزمون مهم امت اسلامی در مقابله با استکبار جهانی و پروژه عادی‌سازی روابط است؛ بی‌تفاوتی نسبت به آن به معنای شکست پروژه بیداری اسلامی و تضعیف روحیه مقاومت در برابر استکبار است. رهبر شهید، وحدت امت اسلامی حول محور فلسطین را مهم‌ترین راهبرد مقابله با نفوذ سلطه‌گران می‌داند و تأکید دارد چنانچه مسلمانان حول محور فلسطین به اشتراک عملی دست یابند، بخش زیادی از فرصت‌های سلطه از بین می‌رود. همچنین حمایت عملی از گروه‌های مقاومت، تبیین و بزرگ‌داشت مسئله فلسطین در رسانه‌ها، افشای ماهیت رژیم صهیونیستی و تحریم همه‌جانبه آن از ابزارهای عینی دفاع از فلسطین برشمرده می‌شود. به عقیده ایشان، رژیم صهیونیستی نه تنها مساله مردم فلسطین، بلکه پروژه‌ای فراتر و تهدیدی برای کل جهان اسلام است و غفلت یا مصالحه بر سر آن سرآغاز عقب‌نشینی در همه مواضع راهبردی دیگر خواهد بود.

همکاری اقتصادی میان کشورهای اسلامی

۱۲

از منظر رهبر شهید، جهان اسلام پهنه‌ای است ثروتمند با تنوع خیره‌کننده منابع انرژی، مواد اولیه، نیروی انسانی جوان و بازار گسترده؛ اما متأسفانه بخش زیادی از این ظرفیت‌ها معطل یا در خدمت کشورهای استعماری قرار گرفته‌اند. اوریشه عقب‌ماندگی اقتصادی جهان اسلام را از سویی در تفرقه و فقدان اعتماد متقابل، از سوی دیگر در استراتژی سازمان یافته قدرت‌های جهانی برای وابسته نگه داشتن کشورهای اسلامی می‌داند. وی بارها یادآور می‌گردد که بدون همکاری اقتصادی مؤثر و تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای، هیچ کشوری از جهان اسلام قادر به مقاومت پایدار در برابر استثمار اقتصادی نخواهد بود. مقدمات این ائتلاف اقتصادی، شناخت ظرفیت‌های مکمل، شفاف‌سازی اطلاعات، ایجاد زیرساخت‌های حمل‌ونقل و مالی مشترک (مانند بانک‌های اسلامی یا واحد پول

مشترک)، تسهیل تجارت داخلی، حذف تعرفه‌های گمرکی، حمایت از پروژه‌های مشترک تحقیقات علمی و صنعتی می‌باشد.

رهبر شهید صراحت داشت که:

مصرف‌گرایی الگوی غالب؛ الگوهای توسعه رایج عمدتاً مبتنی بر خام‌فروشی و واردات کالاهای مصرفی هستند؛

نیاز به اقتصاد مقاومتی؛ تأکید بر توسعه زیرساخت‌های دانش بنیان و صنایع راهبردی؛

اهمیت انرژی و حمله به وابستگی فناوری؛ جهت جلوگیری از تحریم و سلطه اقتصادی غربی؛

ضرورت دیپلماسی اقتصادی فعال؛ با هدف متنوع‌سازی بازارها و رهایی از سیستم مالی استعماری.

موانع همکاری اقتصادی نیز ریشه در بی‌اعتمادی تاریخی دولت‌ها، منافع گروه‌های ذینفع، فشار خارجی، جنگ‌های نیابتی و تشنیت هویتی دارد. راهبرد ایشان، تقویت بخش خصوصی، توسعه مناطق آزاد اقتصادی مشترک، شبکه‌سازی بین شرکت‌های مسلمان، ایجاد بلوک نفتی و صنعتی اسلامی و نوسازی نظام آموزشی برای تربیت نیروی انسانی کارآمد بود. رهبر شهید توسعه پایدار جهان اسلام را در گرو جهش همکاری اقتصادی و عبور از حالت "بازار منابع استعماری" به "تولیدکنندگان ثروت و فناوری" قلمداد می‌کرد.

احیای هویت فرهنگی و تمدنی

۱۳

در نگاه رهبر شهید، مسئله فرهنگی و هویتی در سطحی فراتر از مشکلات سیاسی و اقتصادی قرار دارد و بحران هویت در شمار عمیق‌ترین تهدیدات برای بقای جهان اسلام است. او ریشه بسیاری از شکست‌ها و ناکامی‌های جوامع مسلمان را در نفوذ گفتمان غرب زده، پذیرش بی‌چون و چرای سبک زندگی غربی و سرخوردگی جمعی می‌داند که احساس «عقب افتادگی تاریخی» را در برخی ذهن‌ها تثبیت کرده است.

رهبر شهید احیای هویت فرهنگی اسلامی را واجد چند ساحت اصلی می‌داند:

بازشناسی میراث و دستاوردهای تمدنی؛ پرداختن به تمدن‌سازی اسلامی، بازخوانی تاریخ علم، احیای زبان عربی-فارسی، توجه به هنر و معماری اسلامی، بازگویی دستاوردهای علمی و حقوقی تمدن اسلامی و مقایسه آن با عصر مدرن؛

تزیق روحیه اعتماد به نفس به مسلمانان؛ تبیین این که غرب با اتکا به عقلانیت ابزاری و معنویت زدوده دچار بحران‌های هویتی و اخلاقی است، و مسلمانان با تکیه بر سنت و معاصرگرایی هوشمندانه می‌توانند همگام با تمدن مدرن (و گاهی فراتر از آن) حرکت کنند؛ دفاع از هویت دینی در برابر تهاجم نرم؛ نقش مهم رسانه، آموزش و خانواده در مصون‌سازی نسل جوان در برابر شبیخون فرهنگی، تهاجم ارزش‌های غربی و جدایی دین از امور اجتماعی.

رهبر شهید معتقد است که "اعتماد به نفس ملی و دینی" مقدمه تحقق همه پیشرفت‌های



در نگاه رهبر شهید،
مسئله فرهنگی و
هویتی در سطحی فراتر
از مشکلات سیاسی و
اقتصادی قرار دارد و
بحران هویت در شمار
عمیق‌ترین تهدیدات
برای بقای جهان اسلام
است.

اجتماعی و تمدنی است. غفلت از این مسئله موجب نفوذ سبک زندگی مصرفی، فردگرایی افراطی، ابتذال اخلاقی و شکاف اجتماعی خواهد شد. الگوسازی از چهره‌های برجسته تمدنی (دانشمندان، فقیهان، هنرمندان مسلمان) و تمرکز بر تولیدات فرهنگی بومی (کتاب، فیلم، جشنواره، دانشگاه اسلامی) از راهکارهای عملی احیای هویت برشمرده شده‌اند. بر همین اساس "تحول فرهنگی" یکی از اولویتهای نظام‌سازی دینی و کلید گشایش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود.

حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی

۱۴

یکی از آرمان‌های عالی منظومه فکری رهبر شهید تحقق "تمدن نوین اسلامی" است، مفهومی که فراتر از تشکیل حاکمیت اسلامی یا دولت ملی معنا پیدا می‌کند و به معنای تولید نظام تمدنی با مختصات اسلامی - ملتزم به آموزه‌های وحیانی، متکی به دانش معاصر، نیازمحور، عدالت‌گستر و معنویت‌محور - در جهان معاصر است. رهبر شهید بر این باور است که تمدن اسلامی تاریخی، در گذشته دستاوردهای عظیمی در دانش، هنر، مدیریت اجتماعی، اخلاق، اقتصاد و حقوق به نام دین و عقلانیت خلق کرده و این قابلیت همچنان وجود دارد تا با حرکت جمعی، تمدنی نوین و پاسخ‌گو به نیازهای امروز جهان ساخته شود. ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی عبارت‌اند از: تلفیق معنویت، اخلاق و مدیریت عقلانی با ایجاد تعادل میان دنیا و آخرت، پیشرفت مادی و رشد معنوی؛ تقدم عدالت و کرامت انسان بر منفعت‌گرایی با حاکمیت ارزش‌مداری در سیاست، اقتصاد و فرهنگ؛ پیشتازی در دانش و فناوری؛ حرکت به سمت مرجعیت علمی و تولید هوشمندانه دانش جدید؛ ارتباط سازنده با جهان: گفتگو با تمدن‌های دیگر، پذیرش عناصر مثبت تمدن غربی بدون شبیه‌سازی؛ نهادینه کردن مشارکت مردمی و عدالت توزیعی؛ جلوگیری از استبداد و اشرافی‌گری. حرکت به سمت این تمدن، فرآیندی مرحله‌ای و تصویرگر سیری منطقی است: خودسازی فردی و جمعی؛ جامعه‌سازی (الگوی زندگی اسلامی در سطح اجتماعی)؛ دولت‌سازی اسلامی (حاکمیت عدالت و عقلانیت)؛ امت‌سازی (شبکه وحدت میان ملت‌های مسلمان)؛ تمدن‌سازی (تازه‌آفرینی در علم، هنر، نظم اجتماعی و روابط بین‌الملل). رهبر شهید، «تمدن جدید اسلامی» را پاسخی هم به بحران معنوی و ارزشی غرب و هم به مشکلات عقب‌افتادگی شرق اسلامی می‌داند. تحقق آن مستلزم تربیت کادر تمدنی، تولید فکر و الگو، تحول در آموزش و علوم انسانی، تقویت شبکه‌های نخبگی و اراده جمعی در جهان اسلام است. در این مسیر، نبرد نرم، مقاومت فرهنگی و اقتصادی، و تعامل با نیروهای جوان و خلاق از لوازم غیرقابل چشم‌پوشی خواهند بود.

نتیجه‌گیری

بررسی عناصر منظومه فکری رهبر شهید درباره آینده جهان اسلام نشان می‌دهد که این منظومه بر مجموعه‌ای از اصول به هم پیوسته استوار است. احیای اسلام ناب، بیداری اسلامی، استقامت در برابر نظام سلطه، تقویت وحدت میان مسلمانان، نقش‌آفرینی نخبگان و جوانان، گسترش معنویت و عدالت اجتماعی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی از مهم‌ترین ارکان این منظومه به شمار می‌روند. در این چارچوب، آینده جهان اسلام نه در وابستگی به قدرت‌های خارجی، بلکه در اتکا به ظرفیت‌های درونی امت اسلامی تعریف می‌شود. اگر ملت‌های مسلمان بتوانند با آگاهی، همبستگی و برنامه‌ریزی این مسیر را دنبال کنند، جهان اسلام می‌تواند بار دیگر به یکی از کانون‌های اصلی تمدن و پیشرفت در جهان تبدیل شود و الگویی از پیشرفت مبتنی بر عدالت، معنویت و کرامت انسانی ارائه دهد.



۶ عنصر فکری رهبر شهید در باب تمدن نوین اسلامی

در تاریخ امت اسلامی، لحظاتی پدید می‌آیند که یک انسان فراتر از نقش شخصی یا سیاسی خود، به نماد یک مسیر تاریخی تبدیل می‌شود. در دوران معاصر، رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای از جمله چهره‌هایی بود که با پیوند میان ایمان، عقلانیت و سیاست، منظومه‌ای فکری پدید آورد که هدف آن نه صرفاً اداره یک انقلاب، بلکه هدایت مسیر تمدن اسلامی در قرن جدید بود.

این منظومه، بر پایه اندیشه قرآنی و تجربه تاریخی اسلام بنیان نهاده شده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه، ۳۳). نگاه ایشان به آینده جهان اسلام، تحقق همین وعده الهی در بستر عقلانیت و مقاومت امت است. رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، از آغاز رهبری خود همواره بر «هویت تاریخی امت» و «افق تمدن نوین اسلامی» تأکید داشتند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷) نوشتند: «تمدن نوین اسلامی با دو بخش زندگی دنیایی

قدرت‌الله غلمانی

دکتری قرآن و علوم سیاسی

و معنوی بشر سروکار دارد؛ نظام‌سازی اسلامی در ایران مقدمه‌ی ساخت آن تمدن است. این نگاه، نقطه عزیمت منظومه فکری او درباره آینده جهان اسلام بود: ایمان، عدالت و علم در کنار مقاومت.

در این یادداشت، عناصر اصلی منظومه فکری ایشان در باب آینده جهان اسلام را در شش محور بررسی می‌کنیم: ۱. تمدن نوین اسلامی، ۲. عقلانیت انقلابی، ۳. عدالت و پیشرفت، ۴. مقاومت، ۵. وحدت امت اسلامی، ۶. معنویت و انسان‌سازی.

تمدن نوین اسلامی؛ بازسازی هویت امت در افق قرآنی

۱

در قلب اندیشه رهبر شهید، مفهوم تمدن نوین اسلامی قرار دارد. ایشان تمدن اسلامی را نه بازگشت به گذشته بلکه خلق نظامی نوین بر پایه ایمان و علم می‌دانستند؛ نظامی که بتواند انسان معاصر را از بند مادیت و سلطه رها سازد. رهبر شهید در دیدار نخبگان (۲۷/۷/۱۴۰۱) تصریح کردند: «تمدن نوین اسلامی یعنی جامعه‌ای که علم، اخلاق و عدالت در آن باهم پیش می‌روند؛ این هدف نهایی انقلاب اسلامی است.» ایشان تمدن نوین اسلامی را ادامه مسیر انبیاء می‌دانستند: «ما در گام دوم انقلاب باید تمدن اسلامی را پایه‌ریزی کنیم؛ این وعده الهی است که دین حق بر همه ادیان غلبه خواهد کرد.» (سخنرانی نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹).

به باور ایشان، تمدن نوین اسلامی با تحول در معرفت انسان آغاز می‌شود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱). تغییر جهان اسلام مستلزم خودآگاهی امت و احیای ایمان در سطح عقلانی و اجتماعی است.

ایشان سه رکن برای این تمدن قائل بودند: ۱. اقتدار علمی: علم بومی اسلامی به عنوان پایه استقلال فکری و قدرت نرم امت؛ ۲. عدالت اجتماعی: مقابله با ظلم ساختاری و نابرابری جهانی بر اساس آموزه قرآن: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰). ۳. معنویت و اخلاق: بازگرداندن روح الهی به مناسبات انسانی: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹). آیت الله خامنه‌ای تأکید داشتند: «پیشرفت علمی، اگر به اخلاق و عدالت متصل نشود، به استکبار جدید منتهی می‌شود.» (دیدار دانشگاهیان، ۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در نگاه ایشان، مرحله نهایی انقلاب اسلامی بود؛ حرکتی از درون جامعه مؤمن برای ساخت جهانی عادلانه و معنوی.

عقلانیت انقلابی؛ توازن ایمان و خرد

۲

رهبر شهید از جمله کسانی بود که به روشنی نشان داد انقلاب اسلامی با عقلانیت تولد یافته است. ایشان مفهوم عقلانیت انقلابی را برای توضیح نوعی توازن میان آرمان و واقعیت معرفی کردند؛ عقلانیتی که از ایمان برمی‌خیزد و در خدمت عدالت و پیشرفت قرار می‌گیرد. در قرآن، عقلانیت و ایمان دوروی یک حقیقت‌اند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۱۹۱). یعنی ایمان حقیقی با تفکر و تعقل



رهبر شهید از جمله
کسانی بود که به روشنی
نشان داد انقلاب
اسلامی با عقلانیت
تولد یافته است.
ایشان مفهوم عقلانیت
انقلابی را برای توضیح
نوعی توازن میان آرمان
و واقعیت معرفی کردند

همراه است. ایشان مفهوم «عقلانیت انقلابی» را نخستین بار در سال‌های نخست دهه ۱۳۹۰ به کار بردند و فرمودند: «عقلانیت انقلابی یعنی دانستن اینکه کی باید حرکت کرد و کجا باید ایستاد؛ نه جوگیری و نه انفعال.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۴/۶/۱۳۹۲). در سخنرانی دیگری (۲۹/۸/۱۳۹۸) تأکید کردند: «گاهی بعضی خیال می‌کنند انقلابی بودن با عقلانیت سازگار نیست؛ در حالی که عقلانیت بی‌روح انقلاب، عقل مادی است، و انقلاب بدون عقل، هیجان است. ما هر دو را لازم داریم.» این تعریف از عقلانیت، همان است که قرآن به عنوان تعقل مؤمنان مطرح می‌کند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الْبَرَكَاتِ» (آل عمران، ۱۹۱). عقلانیت انقلابی در کلام ایشان، چارچوب سیاست دینی معاصر را تبیین می‌کند.

ایشان عقلانیت انقلابی را در برابر دو خطر تعریف کردند: ۱. عقلانیت منفعل و محافظه‌کار که مصلحت‌گرایی را جای آرمان می‌نشانند؛ ۲. هیجان انقلابی بدون بصیرت که واقعیت را نادیده می‌گیرد. راه اصیل از نظر ایشان، همان عقلانیت مؤمنانه است که در خدمت پیشرفت امت قرار دارد. این نگاه باعث شد ایشان دائماً بر پویایی انقلاب و تحول مستمر در ساختار فکری و مدیریتی نظام اسلامی تأکید کنند. به تعبیر قرآنی: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹)؛ جهاد در راه حقیقت مستلزم عقل و بصیرت است، نه صرف هیجان.

عدالت و پیشرفت؛ دو بال تمدن اسلامی

۳

در منظومه فکری رهبر شهید، عدالت و پیشرفت دو ساخت جدایی‌ناپذیر بودند. ایشان بارها تأکید کردند که جامعه اسلامی اگر در عدالت ناکام بماند، در ایمان نیز دچار ضعف می‌شود، زیرا هدف دین اقامه قسط است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). رهبر شهید در پیام به همایش عدالت (۱۷/۱۷/۱۳۸۹) فرمودند: «عدالت، هدف غایی بعثت پیامبران است، و پیشرفت حقیقی جز با عدالت ممکن نیست.» این سخنان منطبق با آیهی «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) است که خودشان بارها در تفسیر عدالت به آن استناد کرده‌اند.

ایشان عدالت را نه صرفاً در توزیع اقتصادی، بلکه در ساخت فرصت‌ها، کرامت انسانی و دسترسی برابر به رشد می‌دانستند. از دید ایشان، پیشرفت حقیقی آن است که با عدالت همراه باشد؛ رشد علمی بدون عدالت، نوعی توسعه نامتوازن و استعمار جدید است. در بیانیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) نیز تصریح کردند: «الگوی پیشرفت ما باید عدالت محور باشد؛ علم باید در خدمت عدالت، و اقتصاد باید در خدمت کرامت انسانی قرار گیرد.»

بر این اساس، مدل پیشنهادی ایشان یعنی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تلاشی عملی برای تحقق تمدن نوین اسلامی در قالب یک نظام مستقل معرفتی و علمی بود. در این نگاه، علم در خدمت انسان و عدالت است، نه ابزار قدرت یا ثروت. ایشان بر اصل قرآنی رشد متوازن تأکید می‌کردند: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران، ۱۴۰)؛ تاریخ محل



در منظومه فکری

رهبر شهید، عدالت و

پیشرفت دو ساخت

جدایی‌ناپذیر بودند.

ایشان بارها تأکید

کردند که جامعه اسلامی

اگر در عدالت ناکام

بماند، در ایمان نیز دچار

ضعف می‌شود، زیرا

هدف دین اقامه قسط

است

گردش قدرت و امتحان عدالت است، و امت مؤمن باید در این چرخه با حفظ تقوا پیش برود. ایشان نگاه تک بعدی به پیشرفت را نقد می‌کردند: «پیشرفت به سبک غربی یعنی فاصله طبقاتی، تجمل و تحقیر طبقات ضعیف. ما پیشرفت همراه با عدالت را می‌خواهیم.» (دیدار کارآفرینان، ۱۳۹۴).

مقاومت؛ منطق بقاء امت اسلامی

۴

رهبر شهید، مقاومت را جوهره حیات امت اسلامی می‌دانستند. در اندیشه ایشان، مقاومت نه واکنش سیاسی بلکه رویکرد وجودی امت مؤمن است؛ ایستادگی عقلانی در برابر سلطه و بی‌عدالتی جهانی. آیت‌الله خامنه‌ای مقاومت را «گریزه بقاء ملت مؤمن» می‌نامیدند: «مقاومت یعنی ایستادگی عاقلانه در مقابل زورگویان جهانی؛ همان چیزی که قرآن فرموده است: فَلَا تَهْتَبُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ.» (سخنرانی روز قدس، ۱۳۹۹).

قرآن چنین منطقی را با فرمان «فَلَا تَهْتَبُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» (محمد، ۳۵) تأیید می‌کند؛ یعنی جامعه مؤمن باید عزت خود را حفظ کند. در نگاه ایشان، مقاومت تنها با سلاح نیست؛ مقاومت فرهنگی، علمی و اقتصادی بخشی از مبارزه تمدنی اسلام است. ایشان محور مقاومت را شبکه‌ای از ملت‌های بیدار معرفی کردند که هدف نهایی آن احیای کرامت انسان و نفی سلطه ظالمان است. در پیامی به ملت فلسطین (۱۴۰۲) نیز فرمودند: «مقاومت تنها راه ملت‌ها برای حفظ کرامت است و تجربه نشان داده هر جا ایستادگی بوده، پیروزی هم بوده است.»

ایشان می‌فرمودند که مقاومت باید با واقع‌بینی و برنامه‌ریزی همراه باشد؛ این همان منطق قرآنی است که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰). مقاومت یعنی آماده‌سازی دائمی توان امت برای حفظ آزادی و ایمان. ایشان بارها تأکید کردند: «مقاومت، منطق ضعف نیست؛ منطق قدرت است.» (دیدار اعضای سپاه پاسداران، ۱۳۹۷). این خط فکری، امتداد آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) است و مبنای گفتمان مقاومت در سیاست جهانی اسلام گردید. در اثر این نگاه، گفتمان مقاومت از مرز ایران فراتر رفت و به مفهوم جهانی تبدیل شد؛ این فلسفه استمرار حیات اسلام در برابر تمدن مادی غرب بود.

وحدت امت اسلامی؛ شرط تحقق آینده

۵

هیچ تمدنی بدون وحدت زیست نمی‌کند، و هیچ امتی با تفرقه قدرت نمی‌یابد. رهبر شهید وحدت امت اسلامی را نه شعار سیاسی، بلکه اصل قرآنی حیات امت می‌دانستند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳). از آغاز دوران رهبری، وحدت امت اسلامی یکی از پایدارترین مضامین سخنان ایشان بود. در پیام به کنگره جهانی بیداری اسلامی (۱۳۹۰) فرمودند: «دشمن برای نابودی اسلام، به تفرقه میان شیعه و سنی دل بسته است؛ و ما باید بر حبل‌الله واحد چنگ بزنیم.» ایشان ریشه تفرقه را در غفلت از مشترکات قرآنی و در نفوذ استبداد و استعمار معرفی کردند. وحدت در نگاه ایشان یعنی مدیریت اختلاف‌ها در چارچوب عدالت و ایمان؛ یعنی امت اسلامی باید تنوع فرهنگ‌ها و زبان‌ها را به سرمایه تبدیل کند، نه ابزار دشمنی. ایشان در کنفرانس وحدت اسلامی (۱۴۰۱) فرمودند: «امت اسلامی اگر بر مشترکات قرآنی تمرکز کند، به قدرتی می‌رسد که هیچ قدرت جهانی یارای مقابله با آن ندارد.»

رهبر شهید بر گفت‌وگوی عالمان، تبادل دانشگاهی، همکاری اقتصادی بین کشورهای مسلمان و هم‌افزایی



نخبگان تأکید داشتند تا وحدت به امری واقعی بدل شود. ایشان هشدار می دادند که تفرقه مذهبی بزرگترین خطر برای امت است، زیرا دشمنان اسلام دقیقاً بر همین نقطه تمرکز کرده اند. همچنین برگفت وگو وهم افزایی فرهنگی میان ملت های مسلمان تأکید داشتند: «اختلاف طبیعی است؛ مهم این است که اختلاف، ابزار دشمن نشود.» (دیدار علمای اهل سنت، ۱۳۹۵). در همه این سخنان، استناد اصلی همان آیه معروف «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ...» (آل عمران، ۱۰۳) است. در این نگاه، وحدت امت مقدمه ورود به مرحله تمدن سازی است؛ امت متحد می تواند نقشه جهانی اسلام را ترسیم کند، و این همان وعده قرآن است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ» (انبیاء، ۹۲)

معنویت و انسان سازی؛ بنیاد تحول جهانی

۶

در اندیشه رهبر شهید، هر تحول سیاسی و اجتماعی باید به تحول در انسان منجر شود. ایشان معتقد بودند تمدن اسلامی اگر بخواهد پایدار بماند، باید بر انسانی بنا شود که با خدا در ارتباط است و از بند نفس و سلطه آزاد گشته است. ایشان در دیدار جوانان و نخبگان (۱۳۹۸) فرمودند: «اگر معنویت از جامعه گرفته شود، علم و پیشرفت تبدیل به ابزار ظلم می شود. معنویت باید روح جامعه باشد.» در خطبه نماز عید فطر (۱۳۸۸) تصریح کردند: «ترکیه، اساس همه حرکت های فردی و اجتماعی است؛ بدون ترکیه، علم و سیاست بی روح می شود.» و استناد کردند به آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس، ۹). قرآن ترکیه نفس را شرط فلاح امت است.

ایشان نسبت میان سیاست و تربیت را بازتعریف کردند؛ سیاست اسلامی از دیدگاه ایشان باید «خدمت برای رشد انسان ها» باشد، نه صرفاً مدیریت قدرت. از همین رو، ایشان بر



در اندیشه رهبر شهید،

هر تحول سیاسی و

اجتماعی باید به تحول

در انسان منجر شود.

ایشان معتقد بودند

تمدن اسلامی اگر

بخواهد پایدار بماند، باید

بر انسانی بنا شود که با

خدا در ارتباط است و از

بند نفس و سلطه آزاد

گشته است.

تربیت نسل مؤمن، هنرمند متعهد، جوان آگاه و دانشمند مسئول تأکید می‌کردند. در این نگرش، معنویت یعنی حضور خدا در قلب تمدن؛ جامعه‌ای بدون معنویت اگرچه پیشرفته باشد، به فساد و بحران می‌انجامد. این آموزه با آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) در پیوند مستقیم است؛ آرامش و رشد حقیقی تنها با یاد خدا ممکن می‌شود. در پیام به هنرمندان (۱۳۹۳) نیز فرمودند: «انسان مؤمن، هنرمند انقلابی، استاد دانشگاه، همه باید خودسازی را اصل بدانند؛ زیرا تمدن اسلامی از انسان‌های مؤمن ساخته می‌شود، نه از ماشین‌ها.» بنابراین معنویت در منظومه فکری ایشان، راهبرد تربیت تمدنی است؛ همان ترکیب ایمان و مسئولیت اجتماعی. ایشان معنویت را نه انزوا، بلکه فعلیت ایمان در رفتار اجتماعی می‌دانستند؛ عارف واقعی در نگاه ایشان همان انسان مسئول در برابر مظلومان و عدالت‌خواه در برابر طاغوت است.

واقع‌گرایی سیاسی در کنار آرمان‌گرایی تمدنی

۷

ویژگی ممتاز اندیشه رهبر شهید، توان جمع میان واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی بود. او نه در خیال آرمان‌ها غرق شد، نه در واقع‌گرایی تسلیم گردید؛ بلکه سیاست را صحنه تحقق تدریجی آرمان‌های الهی دانست. بر اساس قرآن، پیامبران نیز چنین بودند: «قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف، ۵۹). دعوت به توحید در قالب عمل اجتماعی و سیاسی. در سخنرانی به مناسبت سالگرد رحلت امام خمینی (۱۴۰۲) رهبر شهید فرمودند: «آرمان‌گرایی یعنی نگاه بلند داشتن و واقع‌گرایی یعنی دانستن محدودیت‌ها. سیاست اسلامی جمع این دو است.» ایشان نمونه این جمع را در رفتار پیامبر اکرم دانسته و فرمودند: «پیامبر در مدینه با همه قبایل پیمان بست اما از آرمان توحید دست برنداشت؛ این همان واقع‌گرایی آرمان‌خواه است.» (درس ولایت، ۱۳۹۱).

ایشان واقع‌گرایی سیاسی را لازمه اداره امت می‌دانستند و از محاسبه دقیق قدرت و دشمن سخن می‌گفتند، اما اساس تصمیم‌گیری را ایمان و آرمان عدالت الهی می‌دانستند. در نگاه ایشان، آرمان‌گرایی بدون برنامه شکست می‌خورد، و واقع‌گرایی بدون ایمان از مسیر الهی منحرف می‌شود. در جای دیگری هشدار دادند: «واقع‌گرایی به معنای تسلیم در برابر واقعیت‌های فاسد نیست؛ بلکه شناخت آن‌ها برای اصلاح است.» (دیدار مدیران اجرایی کشور، ۱۳۸۹). این توازن فکری، ستون مرکزی اندیشه سیاسی رهبر شهید بود و مانع تبدیل انقلاب به تجربه‌ای صرفاً احساسی یا صرفاً تکنوکراتیک شد. این تلفیق، محور عقلانیت تمدنی ایشان بود و سبب شد در دوران بحران جهانی، سیاست اسلامی را به عنوان یک مدل انسانی معرفی کنند.

منظومه فکری رهبر شهید درباره آینده جهان اسلام، مجموعه‌ای منسجم از باورها و راهبردهاست که بر بنیاد قرآن و تجربه تاریخی امت اسلامی بنا شده است. وی تمدن اسلامی را به عنوان افق نهایی حرکت انقلاب معرفی کرد؛ تمدنی که با علم، عدالت، معنویت و مقاومت ساخته می‌شود و انسان محور آن است، نه قدرت. از نظر ایشان، آینده جهان اسلام روشن است، زیرا وعده الهی قطعی است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج، ۴۰). اما تحقق این وعده منوط به تلاش آگاهانه امت، تقویت عقلانیت انقلابی، و حفظ وحدت و معنویت است. بیانات ایشان در بیانیه گام دوم چنین خلاصه می‌شود: «ما در آغاز راه تمدن نوین اسلامی هستیم؛ جوانان مؤمن و دانا مأمور ساختن این آینده‌اند.» این منظومه ما را فرامی‌خواند به بازسازی جهان بر مدار ارزش‌های الهی تا انسان معاصر، پس از قرن‌ها سلطه مادیت، دوباره طعم آزادی، عدالت و کرامت را بچشد. آینده‌ای که در اندیشه رهبر شهید تصویر شده، همان وعده قرآن است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵).

سرمایه های انسانی تراز در دوره رهبر شهید؛ عیار رهبر سعید

مجید بیسه، دکتری تخصصی مدیریت منابع انسانی دانشگاه علامه طباطبائی ره؛
پژوهش گر و مدرس دانشگاه

در ادبیات علمی حوزه رهبری رایج است که جانشین پروری و تربیت سرمایه های انسانی توان مند، نه تنها از وظایف حساس، بلکه از حیاتی ترین و راهبردی ترین مسؤولیت های یک رهبر تراز است. چرا اینقدر مهم است؟ دلایل متعددی وجود دارد:

۱. پایداری و تداوم سازمان:

هیچ سازمانی نمی تواند برای همیشه به یک فرد یا یک گروه خاص متکی باشد. برنامه ریزی برای جانیشینی تضمین می کند که وقتی یک رهبر یا نیروی کلیدی سازمان را ترک می کند (چه به دلیل بازنشستگی، چه تغییر شغل، یا حتی اتفاقات پیش بینی نشده)، خلأ بزرگی ایجاد نشود و فرآیندها و چشم انداز سازمان با اختلال مواجه نگردد. این یعنی اطمینان از بقاء و رشد بلندمدت سازمان.

۲. رشد و تعالی سرمایه های انسانی:

تربیت نیرو به معنای واقعی کلمه، سرمایه گذاری روی ارزشمندترین دارایی سازمان یعنی انسان هاست. رهبران با شناسایی استعداد های بالقوه، فراهم کردن فرصت های یادگیری، مربیگری و تفویض اختیار، به رشد حرفه ای این افراد کمک می کنند. این کار باعث می شود که سازمان همیشه از وجود نیروهای ماهر و آماده برای پذیرش مسؤولیت های بالاتر برخوردار باشد.

۳. افزایش تعهد و انگیزه کارکنان:

وقتی کارکنان احساس کنند که سازمان برای پیشرفت آن ها ارزش قائل است و مسیری برای رشد و ارتقای شغلی آن ها ترسیم شده، انگیزه و تعهدشان به شدت افزایش می یابد. این امر به کاهش نرخ جابجایی نیروهای مستعد کمک کرده و فضایی مثبت و سازنده در محیط کار ایجاد می کند.

۴. تقویت فرهنگ یادگیری و نوآوری:

فرآیند جانشین پروری و تربیت نیرو، همواره نیاز به ارزیابی، باز خورد و آموزش دارد. این پویایی، سازمان را به سمت یک فرهنگ یادگیری مداوم سوق می دهد که در دنیای پرشتاب امروز، لازمه نوآوری و سازگاری با تغییرات است.

۵. ایجاد مزیت رقابتی:

سازمانی که رهبران آن به فکر تربیت نسل بعدی خود هستند، در بلندمدت مزیت رقابتی چشم گیری کسب

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



حجت الاسلام
سیدهاشم حیدری

کشف نام نائب امام زمان

سپاس خدای راکه
عقل‌ها و دل‌ها را گرد

آورد و رأی خبرگان
را در کشف نام نائب

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام
وَ وَجَّهَ الشَّرِيفَ ،

یعنی ولی امر
مسلمانان، امام قائم
حضرت آیت‌الله سید
مجتبی خامنه‌ای،
وحدت بخشید.



می‌کند. این سازمان‌ها نه تنها در مواجهه با چالش‌ها مقاوم‌ترند، بلکه آمادگی بیشتری برای بهره‌برداری از فرصت‌های جدید دارند. بنابراین، در کنار هدایت روزمره و تصمیم‌گیری‌های عملیاتی، نگاه بلندمدت یک رهبر به پرورش انسان‌هایی که قرار است آینده سازمان را بسازند، نشان‌دهنده عمق دیدگاه و مسؤلیت‌پذیری اوست.

جمع‌بندی؛ خوانش از نگاه مبانی و اصول انقلاب اسلامی

از این رو، از رهگذر این معارفی که در حوزه سازمان و رهبری بطور اجمالی و تحلیلی بدان‌ها پرداخته شد می‌توان چنین نتایجی گرفت:

۱. تداوم نظام اسلامی که امامین انقلاب اسلامی بر پایه معارف قرآنی پایه‌گذاری و معماری نموده‌اند در گرو بهره‌مندی از سرمایه‌های انسانی تراز با افق تمدنی انقلاب اسلامی است.

۲. شواهد و مصادیق موفقیت‌های میدانی در عرصه نبرد انقلاب اسلامی با دشمن آمریکایی - صهیونی با وجود فقدان ظاهری رهبر شهید گواه چنین ادعایی ست که نظام اسلامی در مدت عمر شریف خود توانسته است چنین سرمایه‌های انسانی در تراز تمدنی شناسایی و پرورش دهد؛ گویی که دست نامرئی در حال حکمرانی و راهبری نبرد تمدنی در سطوح راهبردی و عملیاتی ست که خودی‌ها و غیرخودی‌ها نیز به آن معتقدند؛ دست نامرئی که مزیت رقابتی جبهه رزمندگان اسلام بر جبهه مستکبرین جهان است و بیان‌گر ایمان و عزم و اراده راسخ پیروان و سربازان نسبت به دفاع از آرمان مشترک و چشم‌انداز ترسیم‌شده توسط فرمانده و رهبری شهید و جان‌فداست.

مزیت رقابتی‌ای که در دوران رهبر شهید متمایزترین عنصر تعیین‌کننده و تضمین‌کننده برای پیروزی‌ها و موفقیت‌ها در نبردهای سخت، نیمه سخت و نرم است (یاذن الله تعالی).



اندیشه رهبر شهید؛ از بیداری اسلامی تا شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

تحولات جهان اسلام در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که ملت‌های مسلمان در حال تجربه مرحله‌ای تازه از خودآگاهی تاریخی هستند؛ مرحله‌ای که در آن تلاش برای بازیابی هویت اسلامی، رهایی از سلطه قدرت‌های بزرگ و حرکت به سوی استقلال همه‌جانبه به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری و سیاسی تبدیل شده است. در این میان، اندیشه رهبر شهید با طرح مفاهیمی چون بیداری اسلامی، نفی سلطه شرق و غرب و استقلال طلبی، چارچوبی منسجم برای فهم این تحولات و ترسیم آینده جهان اسلام ارائه می‌دهد. در این نگاه، بیداری اسلامی یک رخداد مقطعی نیست، بلکه آغاز مسیری تمدنی است که می‌تواند امت اسلامی را از وضعیت پراکندگی و وابستگی به سوی شکل‌گیری تمدنی نوین و الهام‌بخش رهنمون سازد.

شادی ورشوچی

دکتری کلام اسلامی

سه محور بنیادین در اندیشه رهبر شهید

اندیشه رهبر شهید درباره آینده جهان اسلام بر سه محور بنیادین استوار است: بیداری اسلامی، نفی سلطه شرق و غرب و استقلال طلبی. این سه مفهوم در منظومه فکری او نه

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم

به صورت مفاهیمی جداگانه، بلکه به عنوان اجزای یک نظام فکری منسجم مطرح می شوند که هدف نهایی آن بازسازی هویت اسلامی و حرکت به سوی شکل گیری تمدن نوین اسلامی است. در این چارچوب، بیداری اسلامی نقطه آغاز یک تحول عمیق تاریخی تلقی می شود؛ تحولی که از درون جوامع اسلامی آغاز شده و آنان را از وضعیت انفعال و وابستگی به سمت خودآگاهی، مقاومت و استقلال سوق می دهد. بیداری اسلامی در این نگاه، صرفاً یک حرکت سیاسی یا واکنش مقطعی به تحولات منطقه ای نیست، بلکه فرایندی عمیق و چندبعدی است که ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را دربرمی گیرد. این بیداری زمانی تحقق می یابد که ملت های مسلمان به هویت اصیل خود بازگردند و ارزش های اسلامی را به عنوان مبنای سامان دهی زندگی فردی و اجتماعی خود بازشناسی کنند. در چنین شرایطی، جامعه اسلامی از حالت تقلید و وابستگی خارج می شود و با تکیه بر منابع فکری و معنوی خود، مسیر پیشرفت و عزت را دنبال می کند. در حقیقت، بیداری اسلامی نوعی احیای اعتماد به نفس تاریخی در میان مسلمانان است؛ اعتمادی که آنان را قادر می سازد در برابر سلطه و فشارهای بیرونی ایستادگی کنند و سرنوشت خود را به دست گیرند.

انقلاب اسلامی؛ الگوی جهانی

ریشه های این بیداری را می توان در تاریخ مبارزات اسلامی و مقاومت های مردمی علیه استعمار و استبداد جست و جو کرد، اما در دوران معاصر انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در این روند به شمار می آید. این انقلاب نشان داد که یک ملت می تواند با اتکا به ایمان دینی، رهبری الهی و حضور گسترده مردم، نظامی را بنیان نهد که نه در مدار قدرت های غربی قرار گیرد و نه در وابستگی به بلوک های شرقی گرفتار شود. تجربه انقلاب اسلامی به تدریج الهام بخش ملت های دیگر شد و امید تازه ای برای بازیابی هویت و استقلال در جهان اسلام پدید آورد. از این منظر، انقلاب اسلامی صرفاً یک تحول داخلی نبود، بلکه الگویی عملی برای ملت هایی بود که به دنبال رهایی از سلطه و وابستگی بودند.

بیداری اسلامی در تداوم انقلاب اسلامی

در کنار این تحول سیاسی، بیداری اسلامی دارای بعدی عمیق در حوزه فرهنگ و اندیشه نیز هست. یکی از مهم ترین چالش های جوامع اسلامی در دوران معاصر، نفوذ فرهنگی و فکری قدرت های بزرگ بوده است. این نفوذ به تدریج نوعی خودباختگی فرهنگی در برخی جوامع ایجاد کرد و آنان را به مصرف کنندگان الگوهای بیگانه تبدیل ساخت. در چنین شرایطی، بیداری اسلامی به معنای بازگشت به خود و بازیابی اعتماد به نفس فرهنگی است. این بیداری می کوشد جامعه اسلامی را از دو آسیب مهم، یعنی غرب زدگی و شرق زدگی، رهایی بخشد و راهی مستقل بر پایه ارزش ها و تعالیم اسلامی پیش روی آن بگشاید. در این مسیر، تولید اندیشه بومی، تقویت فرهنگ اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی از اهمیت



تجربه انقلاب اسلامی
به تدریج الهام بخش
ملت های دیگر شد و
امید تازه ای برای بازیابی
هویت و استقلال در
جهان اسلام پدید آورد.

ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه رهبر شهید، اصل نفی سلطه است. این اصل بر آن تأکید دارد که جامعه اسلامی نه باید سلطه‌گر باشد و نه سلطه‌پذیر. سلطه در جهان معاصر تنها به معنای اشغال نظامی یا حضور مستقیم قدرت‌های خارجی نیست، بلکه می‌تواند در قالب‌های پیچیده‌تری همچون فشار اقتصادی، تحریم، نفوذ فرهنگی و سلطه رسانه‌ای نیز اعمال شود. به همین دلیل، مقابله با سلطه نیازمند رویکردی جامع است که همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را دربرگیرد.

استقلال طلبی در مقابل سلطه غرب و شرق

سلطه غرب در دهه‌های اخیر از طریق ابزارهای گوناگونی اعمال شده است. جنگ‌های نیابتی، تحریم‌های اقتصادی و تلاش برای نفوذ فرهنگی از جمله روش‌هایی بوده‌اند که برای حفظ برتری و اعمال فشار بر جوامع مستقل به کار گرفته شده‌اند. چنین اقداماتی در بسیاری از موارد موجب تضعیف اقتصاد، افزایش شکاف‌های اجتماعی و تزلزل هویت فرهنگی در کشورهای هدف شده است. با این حال، تجربه مقاومت برخی ملت‌ها نشان داده است که ایستادگی در برابر این فشارها می‌تواند به تقویت توان داخلی و افزایش خوداتکایی منجر شود. هنگامی که جامعه‌ای تصمیم می‌گیرد مسیر مستقل خود را دنبال کند، ناگزیر به تقویت ظرفیت‌های درونی خود روی می‌آورد و همین امر می‌تواند زمینه پیشرفت‌های جدید را فراهم آورد. در کنار سلطه غرب، وابستگی به قدرت‌های شرقی نیز می‌تواند شکل دیگری از سلطه را ایجاد کند. الگوهای سیاسی و اقتصادی مبتنی بر تمرکز قدرت، ماتریالیسم و نادیده گرفتن ارزش‌های معنوی نیز قادرند استقلال و هویت جوامع اسلامی را تضعیف کنند. از این رو، راهبرد اساسی در اندیشه مورد بحث، پرهیز از وابستگی به هر دو قطب قدرت جهانی و تلاش برای ایجاد الگویی مستقل بر پایه ارزش‌های اسلامی است. این رویکرد به جهان اسلام اجازه می‌دهد تا با تکیه بر توانایی‌های خود و همکاری میان کشورهای مسلمان، مسیر توسعه و پیشرفت را بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی طی کند.

در این میان، نظام اسلامی به عنوان چارچوبی برای تحقق عملی این آرمان‌ها مطرح می‌شود. نظامی که بر پایه مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی و هدایت الهی شکل گرفته باشد، می‌تواند زمینه‌ای برای مقاومت در برابر سلطه و تحقق استقلال فراهم آورد. چنین نظامی نه تنها ساختار سیاسی جامعه را سامان می‌دهد، بلکه ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی را نیز در حیات اجتماعی تقویت می‌کند و به جامعه امکان می‌دهد در مسیر پیشرفت گام بردارد. استقلال طلبی در این منظومه فکری جایگاه محوری دارد. استقلال به معنای رهایی از هرگونه وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و شرط اساسی پیشرفت پایدار به شمار می‌آید. ملتی که نتواند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی خود مستقل باشد، در برابر فشارهای خارجی آسیب‌پذیر خواهد بود. همچنین اقتصادی که بر پایه وابستگی شکل گرفته باشد، در برابر تحریم‌ها و بحران‌های جهانی دچار تزلزل می‌شود. از این رو، استقلال



نظامی که بر پایه

مردم‌سالاری دینی،

مشارکت مردمی و

هدایت الهی شکل

گرفته باشد، می‌تواند

زمینه‌ای برای مقاومت

در برابر سلطه و تحقق

استقلال فراهم آورد.

چنین نظامی نه تنها

ساختار سیاسی جامعه

را سامان می‌دهد، بلکه

ارزش‌های فرهنگی و

اخلاقی را نیز در حیات

اجتماعی تقویت می‌کند

باید در همه ابعاد زندگی اجتماعی تحقق یابد. استقلال سیاسی به معنای آن است که یک کشور بتواند سیاست داخلی و خارجی خود را بر اساس منافع و ارزش‌های خود تعیین کند، نه بر اساس خواست قدرت‌های خارجی. چنین استقلالی مستلزم اعتماد به توان داخلی و اراده ملی است. در عرصه اقتصادی نیز استقلال با تقویت تولید داخلی، کاهش وابستگی به منابع محدود و گسترش همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای همسوی تحقق می‌یابد. اقتصادی که بر پایه توان داخلی بنا شود، در برابر فشارهای خارجی مقاوم‌تر خواهد بود و می‌تواند زمینه رفاه و پیشرفت جامعه را فراهم آورد. در کنار این دو بعد، استقلال فرهنگی و علمی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. فرهنگ و علم از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده هویت و قدرت یک جامعه هستند. اگر جامعه‌ای در حوزه فرهنگ و علم وابسته باشد، به تدریج در سایر حوزه‌ها نیز وابسته خواهد شد. بنابراین تقویت تولید علمی، گسترش پژوهش‌های بومی و حمایت از خلاقیت‌های علمی و فرهنگی از الزامات اساسی استقلال به شمار می‌آید. پیشرفت‌های علمی در حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد که اتکا به ظرفیت‌های داخلی می‌تواند مسیرهای تازه‌ای برای توسعه و پیشرفت بگشاید.

■ تربیت نسل جوان آگاه و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ راهکار مقابله با چالش‌ها

با وجود این ظرفیت‌ها، مسیر بیداری اسلامی و استقلال‌طلبی با چالش‌های متعددی نیز روبه‌روست. فشارهای اقتصادی، جنگ‌های نیابتی، تفرقه‌های مذهبی و تلاش برای ایجاد ناامنی از جمله عواملی هستند که می‌توانند حرکت جوامع اسلامی را با دشواری مواجه کنند. افزون بر این، نفوذ فکری و فرهنگی نیز ممکن است به تدریج باورها و ارزش‌های جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و اراده جمعی را تضعیف کند. مقابله با این چالش‌ها نیازمند آگاهی، وحدت و تلاش مستمر در عرصه‌های مختلف است. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای عبور از این چالش‌ها، تقویت وحدت میان مسلمانان و افزایش همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان کشورهای اسلامی است. وحدت می‌تواند ظرفیت‌های پراکنده جهان اسلام را به نیرویی مؤثر تبدیل کند و زمینه‌ای برای حل بسیاری از مشکلات مشترک فراهم آورد. همچنین توجه به آموزش، تربیت نسل جوان آگاه و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در استمرار مسیر بیداری اسلامی داشته باشد.

■ شکل‌گیری تمدنی نوین بر پایه ارزش‌های اسلامی

در نهایت، افق این اندیشه به شکل‌گیری تمدنی نوین بر پایه ارزش‌های اسلامی می‌انجامد؛ تمدنی که در آن عدالت، معنویت، پیشرفت علمی و کرامت انسانی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. چنین تمدنی می‌تواند الگویی تازه برای جهان معاصر ارائه دهد و نشان دهد که پیشرفت مادی و تعالی معنوی می‌توانند در کنار یکدیگر تحقق یابند. حرکت به سوی این هدف نیازمند ایمان، تلاش، آگاهی و همبستگی ملت‌های مسلمان است. بدین ترتیب، بیداری اسلامی، نفی سلطه و استقلال‌طلبی سه مرحله از یک مسیر واحد به شمار می‌آیند. بیداری اسلامی آگاهی و خودشناسی را به وجود می‌آورد، نفی سلطه چارچوب مقاومت در برابر فشارهای خارجی را شکل می‌دهد و استقلال‌طلبی ابزارهای لازم برای ساختن آینده‌ای مستقل و پیشرفته را فراهم می‌سازد. حاصل این فرایند، شکل‌گیری جامعه‌ای است که با تکیه بر هویت اسلامی و توانایی‌های خود، مسیر پیشرفت و عزت را دنبال می‌کند و گامی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی برمی‌دارد.



شجاعت در مکتب امام شهید

بی‌شک یکی از ویژگی‌های شاخص امام شهیدمان شجاعت بود. چیزی که دوست و دشمن بر آن صحنه می‌گذاشتند و می‌گذارند. در این نوشته قصد داریم نگاهی بیندازیم به این ویژگی ممتاز در اندیشه و زیست ایشان.

محمد حسام غفوری

پژوهشگر اجتماعی

تعریف شجاعت

امام شهید شجاعت را چنین تعریف می‌کنند: «خسته نشدن، ناامید نشدن، خود را کم ندیدن، قوه‌ی خود را ناچیز ندیدن و دشمن را بزرگ نکردن. این معنای شجاعت است»

کارآمدسازی کمالات بشری با شجاعت

در منظومه فکری ایشان کمالات بشری در سایه شجاعت امکان بروز و ظهور پیدا می‌کنند. به عبارتی دیگر انسان هر چه کمال هم در خود جمع کند اما شجاع نباشد کاری از پیش نخواهد برد.

«اگر امام همه‌ی خصوصیات را که شما می‌دانید - یعنی علم، تقوا و معرفت - می‌داشتند، ولی این یکی (شجاعت) را نمی‌داشتند، هیچ کار نمی‌شد؛ نه این انقلاب پیروز می‌شد، نه در این جنگ می‌توانستیم کاری انجام دهیم، نه می‌توانستیم حمله‌ی دشمن را دفع کنیم، نه می‌توانستیم در طول زمان حیات امام در مقابل عربه‌های امریکا و دیگران

برکت

به مناسبت شهادت قائمات
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



حجت الاسلام
احمد مروی

تربیت یافته مکتب رهبر شهید

انتخاب شایسته

عالمی وارسته،

اسلام شناسی

متعهد و آگاه به

مسائل جهانی که

تربیت یافته مکتب

رهبر شهید است،

مرهمی بر دردها و

تضمین کننده تداوم

مسیر نورانی امام علیه السلام

و امام شهید بود.

بایستیم. همین یک خصوصیت به همه‌ی خصوصیات دیگر امام جان داد. عالم، عارف، انسان خوب و آدم باخدا خیلی هست؛ اما وقتی شجاعت نباشد، همه‌ی اینها مثل اجناسی است که در انبار می ماند تا یک وقت غارت شود یا بیوسد یا از بین برود! وقتی شجاعت وجود دارد، همه‌ی اینها به عناصر مؤثر و کارآمد تبدیل می شود: علم، دنیا را روشن می کند؛ عرفان، عطر معنویت را به همه‌ی جامعه می بخشد؛ آرمانهای الهی و معارف صحیح و سیاست اسلامی، همه‌ی دنیا را به خودش متوجه می کند و برای دنیا شعار می شود و نهضت بیداری اسلامی به راه می افتد. این به برکت شجاعت است. امروز هم ما به شجاعتی که امام به فضل پروردگار از آن برخوردار بودند، احتیاج داریم.»

شجاعت به معنای بی تدبیری نیست!

از تأکیدات امام شهید جدا نبودن شجاعت از خرد است؛ به این معنا که اساساً شجاعت اگر با خرد همراه نباشد نمی توان شجاعت نامیدش. ایشان منش انقلاب اسلامی را «شجاعت همراه با تدبیر» می دانند.

«خرد خیلی مهم است. عقل گرایی در تصمیم گیری ها بسیار حائز اهمیت است. تصمیم، خردمندانه و شجاعانه. خردمندی را به معنای ترس و گریز و عقب نشینی نباید معنا کرد. خردمندی همراه با شجاعت. انبیاء خردمندترین انسانها بودند. در روایتی از پیغمبر اکرم است که: «ما بعث الله نبیا ولا رسولا حتی یتکمل العقل»؛ هیچ پیغمبری را خدا مبعوث نکرد، مگر آن وقتی که عقل او کامل شده باشد. اما همین پیغمبر، بیشترین جهاد را، بیشترین مبارزه را، بیشترین خطرپذیری را میکند؛ یعنی شجاعت با عقل مداری باید همراه باشد.»

شجاعت به مثابه دستاورد انقلاب اسلامی

در کنار عناصری مثل آزادی خواهی، استقلال و عزت «شجاعت» از جمله عناصری است که از نظر امام شهید حاصل انقلاب اسلامی ایران بوده است. شاهد مثال این شجاعت صراحت ملت ایران در استفاده از شعارهایی نظیر «مرگ بر آمریکا» است. این شجاعت ملت و مسئولان از ایران الگویی جهانی ساخته است که آزادگان جهان به آن تأسی می کنند.

«دستاورد بزرگی که انقلاب اسلامی به مردم ما داد، مردم را زنده کرد؛ آنها را به هوش آورد و شجاعت و قدرت و عزتشان داد.» «ملت و حکومت ایران به فضل پروردگار شجاعند؛ لذا آزادانه و بدون هیچ قید و بندی، احساسات خود را علیه آمریکا ابراز می کنند و «مرگ بر آمریکا» را جزو شعارهای اصلی خود قرار داده اند.»

شجاعت نیاز کشور در حوادث

از نظر امام شهید، شجاعت عنصری است که کشور را در وقت گرفتاری حفظ می کند:

«برای یک ملت یکی از اساسی ترین مسائل این است که مردان شجاع و کارآمدی داشته باشد؛ برای این که از او در روز حادثه دفاع کنند.»

مصادیق شجاعت در زندگی امام شهید

زندگی ایشان مشحون از مصادیق شجاعت است که در ادامه به چند مورد از آن اشاره می شود. از سال ها قبل از پیروزی انقلاب ایشان در کانون مبارزات با رژیم شاهنشاهی قرار داشتند. ایشان با نگاهی بدیع به قرآن طاغوت را نفی و لزوم حکومت اسلامی را اثبات می کردند. همین مسئله منجر شده بود به دستگیری های متعدد ایشان، تبعید و شکنجه. بازجویان ساواک سیدعلی خامنه ای را به ماهی تشبیه می کردند که از دست بازجو می گریزد. آن چنان که در کتاب هایی مثل «شرح اسم» ترسیم می شود آیت الله خامنه ای شجاعت را با تدبیر تلفیق می کرده اند. همین مسئله باعث شده بود مأموران رژیم شاه نتوانند ایشان را به راحتی متهم کنند. در سال های منتهی به پیروزی انقلاب که مبارزات شدت گرفته بود، امام شهید در صف اول مردم ایران حاضر بودند. ایشان در سال های پیروزی در مناصب مختلفی خدمت کردند. تهران هنوز هم خطبه های آتشین خامنه ای جوان را به یاد می آورد. خطبه هایی شجاعانه که متکی بر ایمانی صادقانه بود. ایمانی که از قلبی مطمئن برمی خاست و چطور می شد آن خطبه های ماندگار را بدون ایمانی خالص به یادگار گذاشت؟! امام خامنه ای در سال های جنگ تحمیلی در لباس سربازی در جبهه ها حاضر شد. روزهایی سرشار از سلحشوری در کنار مردان بزرگی مثل شهید چمران. مشهور است انسان هر چه پیرتر می شود محافظه کارتر می شود. این مثل اما درباره مردان بزرگی مثل خامنه ای مصداق ندارد. سال های انتهایی حیات امام شهید به راستی مملو از معجزات است. «نماز جمعه نصر» را به خاطر آورید که در گرامیداشت رزمندگان جبهه مقاومت، حزب الله و رأس همه سیدحسن نصرالله برگزار شد. ایشان پس از نماز مدتی را به تبرک جستن به تربت پاک سیدالشهدا اختصاص دادند و حتی مسئولان خوش و بوشی صمیمانه کردند! چیزی که تعجب ناظرین را برانگیخته بود.

هم چنین شب عاشورای امسال که رهبر شهید ناگهان در مراسم حاضر شدند و در آن شب تاریخی به حاج محمود کریمی فرمودند «ای ایران بخوان» در روزهای منتهی به جنگ رمضان نیز می توان چنین مصادیقی یافت. از جمله حضور ایشان در مرقد امام راحل در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و همینطور برنامه های تلاوت قرآن در ماه مبارک رمضان.

این زندگی سلحشورانه با عزت و شرافت به اتمام رسید. کسی بهتر از فرزند برومند ایشان رهبر جوان انقلاب بهتر این موضوع را وصف نکرده است: «من این توفیق را داشتم که پیکر ایشان را بعد از شهادت زیارت کنم؛ آنچه دیدم کوهی از صلابت بود و شنیدم که مشت دست سالمش را گره کرده بود.»

زندگی ایشان نشان می دهد که ایشان آینه شجاعت بودند گویا شجاعت در وجود ایشان ملکه شده بود. شجاعتی که نه تنها برای ملت ایران که برای جهان الگو شده است.



آن چنان که در

کتاب هایی مثل «شرح

اسم» ترسیم می شود

آیت الله خامنه ای

شجاعت را با تدبیر تلفیق

می کرده اند. همین

مسئله باعث شده بود

مأموران رژیم شاه نتوانند

ایشان را به راحتی متهم

کنند. در سال های

منتهی به پیروزی انقلاب

که مبارزات شدت گرفته

بود، امام شهید در صف

اول مردم ایران حاضر

بودند.

عقلانیت انقلابی؛ سیمای یک رهبر

طلبه، متدین و ایران شناس

معصومه جمشیدی

پژوهشگر

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (سوره یوسف، آیه ۱۰۸) بگو: این راه من است؛ من و پیروانم با بصیرت و آگاهی به سوی خدا دعوت می‌کنیم. برای فهم شخصیت و شیوه رهبری رهبر شهید، شاید یکی از دقیق‌ترین کلیدواژه‌ها «عقلانیت انقلابی» باشد. عقلانیتی که نه در قالب محاسبات خشک سیاسی خلاصه می‌شود و نه در شور و هیجان صرف انقلابی باقی می‌ماند؛ بلکه ترکیبی از ایمان دینی، شناخت تاریخی، آگاهی فرهنگی و درک عمیق از جامعه و جهان است. در این چارچوب، رهبر شهید را می‌توان نمونه‌ای از رهبری دانست که میان هویت دینی، تعلق ملی و فهم تاریخی پیوندی عمیق برقرار کرد.

هویت طلبگی و دینداری عمیق رهبر شهید

نخستین ویژگی در این منظومه شخصیتی، هویت طلبگی و دینداری عمیق او بود. رهبر شهید پیش از آنکه یک سیاستمدار باشد، یک طلبه و عالم دینی بود؛ کسی که سال‌ها در سنت علمی حوزه‌های علمیه با فقه، تفسیر، حدیث و اندیشه اسلامی زیست کرده بود. این پیشینه باعث شد که نگاه او به سیاست، صرفاً نگاه مدیریتی یا قدرت‌محور نباشد، بلکه سیاست را در چارچوب مسئولیت اخلاقی و دینی تعریف کند. در چنین نگاهی، قدرت نه هدف، بلکه ابزاری برای تحقق عدالت، استقلال و کرامت انسانی است.

تعلق عمیق به تاریخ ایران

در کنار این هویت دینی، عنصر مهم دیگری که در شخصیت رهبر شهید برجسته بود، تعلق عمیق او به ایران و تاریخ این سرزمین بود. او ایران را صرفاً یک جغرافیا نمی‌دید؛ بلکه آن را حامل یک میراث تمدنی بزرگ می‌دانست. شناخت دقیق او از تاریخ ایران، از دوره‌های کهن تا تحولات معاصر، نشان می‌داد که درک او از مسائل سیاسی و اجتماعی بدون توجه به زمینه تاریخی این سرزمین شکل نمی‌گیرد. این نگاه تاریخی سبب می‌شد که او پیوستگی میان هویت ایرانی و هویت اسلامی را نه یک تعارض، بلکه یک ظرفیت تمدنی بداند. در همین راستا، علاقه عمیق رهبر شهید به تاریخ، یکی از عناصر مهم در شکل‌گیری عقلانیت انقلابی او بود. تاریخ برای او صرفاً روایت گذشته نبود، بلکه منبعی برای فهم مسیر آینده به شمار می‌آمد. مطالعه تجربه‌های تاریخی ملت‌ها، شناخت فراز و فرود تمدن‌ها و تأمل در سرنوشت جوامع مختلف، به او امکان می‌داد که تحولات زمانه را

در یک چارچوب گسترده‌تر تحلیل کند. این نگاه تاریخی نوعی بصیرت راهبردی ایجاد می‌کرد که در بسیاری از تصمیم‌های کلان سیاسی قابل مشاهده بود.

ادبیات راهی برای پیوند با روح فرهنگی جامعه ایران

در کنار تاریخ، علاقه او به ادبیات فارسی نیز بخش مهمی از شخصیت فرهنگی او را شکل می‌داد. ادبیات برای رهبر شهید صرفاً یک ذوق شخصی نبود، بلکه راهی برای پیوند با روح فرهنگی جامعه ایران محسوب می‌شد. آشنایی عمیق او با شعر فارسی، از فردوسی و سعدی تا حافظ و شاعران معاصر، نشان می‌داد که او ادبیات را بخشی از هویت تاریخی و معنوی جامعه می‌داند. این پیوند با ادبیات، به سخن و بیان او نیز عمق و غنا می‌بخشید و ارتباط او با نسل‌های مختلف جامعه را آسان‌تر می‌کرد.

شناخت از اندیشه اسلامی و فلسفه

از سوی دیگر، شناخت او از اندیشه اسلامی و فلسفه نیز در شکل‌گیری عقلانیت انقلابی نقش مهمی داشت. رهبر شهید نه تنها با متون کلاسیک اسلامی آشنا بود، بلکه تلاش می‌کرد مفاهیم دینی را در مواجهه با مسائل جدید جهان معاصر بازخوانی کند. این رویکرد باعث می‌شد که اندیشه دینی در نگاه او حالتی پویا و زنده داشته باشد؛ اندیشه‌ای که می‌تواند به پرسش‌های جدید پاسخ دهد و در برابر چالش‌های زمانه موضعی فعال اتخاذ کند.

عقلانیت انقلابی در رهبر شهید چگونه شکل گرفت؟

ترکیب این عناصر گوناگون، طلبگی و دینداری، ایران‌شناسی، تاریخ‌دانی، علاقه به ادبیات و آشنایی با فلسفه، شخصیتی را شکل داد که در آن عقلانیت و آرمان‌خواهی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. چنین شخصیتی می‌تواند هم‌زمان به سنت وفادار باشد و در عین حال به آینده بیندیشد؛ هم از میراث تاریخی الهام بگیرد و هم به ضرورت‌های جهان جدید توجه داشته باشد. به همین دلیل، عقلانیت انقلابی در شخصیت رهبر شهید را می‌توان حاصل پیوند میان چند لایه هویتی دانست: لایه دینی که ریشه در سنت اسلامی دارد، لایه ملی که به تاریخ و فرهنگ ایران متصل است، و لایه فکری که از مطالعه و تأمل در اندیشه و تجربه بشری شکل گرفته است. این پیوند چندلایه، الگویی از رهبری را پدید آورد که در آن ایمان، فرهنگ و سیاست در یک مسیر مشترک قرار می‌گیرند.

در نهایت، بازخوانی این شخصیت نشان می‌دهد که عقلانیت انقلابی تنها یک مفهوم نظری نیست، بلکه شیوه‌ای از زیستن و اندیشیدن است؛ شیوه‌ای که در آن یک رهبر می‌تواند هم طلبه‌ای متدین باشد، هم ایران‌شناسی آگاه به تاریخ و فرهنگ این سرزمین، و هم اندیشمندی علاقه‌مند به فلسفه و ادبیات. چنین ترکیبی است که به رهبری معنا و عمق می‌بخشد و آن را از سطح مدیریت روزمره فراتر می‌برد.



ترکیب این عناصر
گوناگون، طلبگی و
دینداری، ایران‌شناسی،
تاریخ‌دانی، علاقه به
ادبیات و آشنایی با
فلسفه، شخصیتی را
شکل داد که در آن
عقلانیت و آرمان‌خواهی
در کنار یکدیگر قرار
می‌گیرند. چنین
شخصیتی می‌تواند
هم‌زمان به سنت وفادار
باشد و در عین حال به
آینده بیندیشد



رهبر شهید؛ فراتر از زمانه، ماندگار در تاریخ

مقدسه کرمانچی

پژوهشگر

در تاریخ ملت‌ها، گاهی شخصیتی پدید می‌آید که از مرزهای روزمره‌ی سیاست فراتر می‌رود و به تبلور نوعی ایمان جمعی بدل می‌شود. برای ملت ایران، «رهبر شهید» چنین جایگاهی داشت؛ او از یک مقام سیاسی بالاتر بود، چراکه سیاست در دستانش به عبادت تبدیل می‌شد و عبادت در رفتار او رنگ تدبیر و مسئولیت می‌گرفت. ترکیب نادر «ربانیت و سیاست» در وجود او تجسم یافت؛ پیوندی که نه فقط در سخن بلکه در تصمیم و سیره آشکار بود.

■ شخصیتی میان قداست و واقعیت

آنچه در رهبر شهید برجسته بود، تعادلی کم‌نظیر میان دو افق متضاد به ظاهر ناسازگار است: معنویت عارفانه و واقع‌گرایی سیاسی. در روزهای سخت تصمیم‌گیری، او همواره بر توکل و تدبیر توأمان تکیه داشت. نه سیاست را از اخلاق جدا می‌دانست و نه معنویت را گسسته از واقعیت. از این منظر، «رهبری ربانی» در اندیشه و رفتار او به معنای سیاست‌ورزی بر بنیاد ایمان بود؛ سیاستی که از دل ذکر و شب‌زنده‌داری برمی‌خاست و در میدان سخت مذاکره و تصمیم‌جلوه می‌کرد.

سکوت‌های سنجیده‌اش به اندازه خطابه‌های آتشینش معنا داشت. به‌گونه‌ای می‌زیست که مردم معنویت را در چهره‌ای خسته اما استوار می‌دیدند؛ انسانی که درس تقوا را نه در کلاس، بلکه در میدان اداری کشور و مواجهه با بحران می‌آموخت.

اقتدار در پوشش تواضع

یاد کسانی که او را از نزدیک دیده بودند، از نخستین لحظه‌ها توصیف مشترکی دارد: «ساده، مؤدب و بی‌تکلف». اما همین انسان فروتن، در لحظه‌ی تصمیم‌گیری چنان قاطع و استوار بود که طوفان‌ها را در برابر خود متوقف می‌کرد. اقتدارش از قدرت نمی‌آمد، از ایمان می‌جوشید. هنگامی که سخن از «وظیفه» می‌گفت، هیچ ملاحظه‌ی شخصی یا سیاسی در گفتارش نبود. همین صداقت بی‌پیرایه اعتماد عمومی را آفرید؛ اعتماد، نه به عنوان واکنش عاطفی، بلکه به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی که ستون وحدت ملی شد.

در نظام اسلامی، «ولی» باید هم محور عشق باشد و هم مدار نظم؛ جمع این دو در وجود رهبر شهید ممکن شد. او می‌دانست اقتدار بی‌عدالت به استبداد می‌انجامد و تواضع بی‌قدرت، به ضعف. راه میانه‌ی او، اقتدار متواضعانه بود؛ یعنی تصمیم‌گیری با قاطعیت اما بدون تکبر، فرمان دادن با محبت نه از سر سلطه.

سیاسی‌ترین عارف زمانه

در فضای سیاست جهانی، کمتر رهبری توانسته است معنویت را در بالاترین سطح کنش سیاسی زنده نگه دارد. آیت‌الله خامنه‌ای در نگاه بسیاری از تحلیل‌گران، هم سیاست‌مداری مقاوم بود و هم سالکی که سیاست را میدان مسئولیت الهی می‌دید. در جلسات سخت و مذاکرات حساس، تکیه‌ی او نه بر ابزار قدرت بلکه بر یقین قلبی به وعده‌ی الهی بود؛ و این ایمان، نوعی آرامش در بحران پدید می‌آورد که اطرافیان را نیز مطمئن می‌کرد.

او نه گوشه‌نشین زهد بود و نه اهل نمایش عرفان. زندگی ساده‌اش، خانه‌اش، معاشرتش با مردم، و حتی لحن کلامش، همه یادآور این معنا بود که تقوا یعنی زیستن در میان مردم بی‌آنکه رنگ دنیا گرفت. در او «سیاست» ابزار تحقق عدالت بود نه ابزار قدرت‌طلبی.

اعتماد تاریخی جامعه

در ذهن مردم ایران، رابطه با رهبر شهید چیزی فراتر از رابطه‌ی سیاسی بود. احساس می‌کردند او «از خودشان» است، نه فراتر از آنها. این احساس، ثمره‌ی سال‌ها صداقت، پایبندی به اصول و همدلی واقعی با مردم بود. در اوج بحران، وقتی جامعه خسته و مردد می‌شد، صدای مطمئن او دوباره آرامش را بازمی‌گرداند.

اعتماد، اگرچه مفهومی ساده به نظر می‌رسد، اما در سیاست نادرترین سرمایه است. و این سرمایه نه با تبلیغ که با سلوک ساخته می‌شود؛ او این سلوک را داشت.



در فضای سیاست
جهانی، کمتر رهبری
توانسته است معنویت
را در بالاترین سطح
کنش سیاسی زنده
نگه دارد. آیت‌الله
خامنه‌ای در نگاه
بسیاری از تحلیل‌گران،
هم سیاست‌مداری
مقاوم بود و هم سالکی
که سیاست را میدان
مسئولیت الهی می‌دید.

رهبری مبتنی بر معنویت اجتماعی

رهبر شهید باور داشت که معنویت اگر در جامعه متجلی نشود، به انزوا می‌انجامد. از نظر او، «ربانیت» تنها در خلوت نمی‌ماند بلکه باید در مدیریت جامعه ظهور کند. همین نگاه بود که تفاوت بنیادین میان او و رهبران صرفاً سیاسی را رقم زد. هر تصمیم کلان نظام، از زاویه‌ی اخلاقی و الهی بررسی می‌شد. حتی در مواجهه با دشمنان نیز تأکید می‌کرد که هدف، «هدایت» است نه «نفرت». بدین ترتیب، سیاست در نگاه او ابزار تربیت بود؛ وسیله‌ای برای رشد انسان‌ها در مسیر مسئولیت و آگاهی. وقتی از «جهاد تبیین» سخن می‌گفت، دقیقاً همین را می‌خواست: سیاستی تبیینی، روشنگر و اخلاقی که مردم را از تماشاگر به کنشگر تبدیل می‌کند.

میان مردم بودن

گزارش‌های متعدد از سفرها و دیدارهای مردمی او نشان می‌دهد که هیچ دیواری میان رهبر و مردم نبود. او در میان مردم تنفس می‌کرد، گفت‌وگو می‌کرد و دردشان را می‌شنید. در سخنانش از طبقات مختلف جامعه یاد می‌کرد، از مادران شهدا تا کارگران و دانشجویان. همین حضور مداوم در متن جامعه، رهبری را از حالت رسمی به رابطه‌ی قلبی بدل کرد. در واقع، رهبری ربانی از نظر او به معنای روحانی بودن در مقام سیاست نبود، بلکه سیاسی بودن از سر روحانیت بود؛ تفاوتی ظریف اما تعیین‌کننده.

جمع عرفان و عقلانیت

در رفتار او، عقلانیت و عرفان دوروی یک سکه بودند. عرفان مسئولیت‌گریز نبود و عقلانیت، خشک و حسابگرانه نمی‌شد. ترکیب این دو، مکتب خاصی در مدیریت اسلامی پدید آورد که شاید بتوان آن را «مدیریت با بصیرت معنوی» نامید.

او در مواضع کلان جهانی نیز بر همین اساس حرکت کرد: نه انفعال در برابر قدرت‌های بزرگ، و نه ماجراجویی بی‌محاسبه؛ بلکه مقاومت آگاهانه و مصلحت‌اندیشانه. این همان عقلانیت ایمانی بود که مرز سیاست و سلوک را از میان برداشت.

از شخصیت تا الگو

با شهادت رهبر انقلاب اسلامی، ملت ایران نه تنها یک انسان بزرگ، که الگویی الهام‌بخش از دست داد. اما میراث او، میراثی زنده است. او نشان داد که در جهان مدرن نیز می‌توان رهبر بود بی‌آنکه رنگ دنیا گرفت؛ می‌توان سیاست‌مدار بود بی‌آنکه معنویت را قربانی کرد.

در زمانه‌ای که سیاست‌ورزی در جهان با منافع، قدرت و شهرت گره خورده است، یاد او به ما یادآور می‌شود که سیاست می‌تواند عبادت نیز باشد. این بزرگ‌ترین درسی است که از او برای نسل‌های آینده باقی مانده است.

رهبر شهید برای ملت ایران تنها نماد یک نظام سیاسی نبود؛ او مظهر پیوند «ایمان و تدبیر» بود. او نشان داد که اداره‌ی جامعه بدون تهذیب درونی ممکن نیست و معنویت حقیقی از دل مسئولیت اجتماعی سر برمی‌آورد.

اکنون که تاریخ، صفحه‌ی تازه‌ای از حیات انقلاب اسلامی را می‌گشاید، بازخوانی شخصیت ربانی-سیاسی او ضرورتی دوچندان دارد. او تجسم این حقیقت بود که می‌توان در عین مردانگی، متواضع بود؛ در عین قدرت، اهل اشک؛ و در عین سیاست، سالک راه خدا.



خون تازه در رگ‌های انقلاب

تبیین شاخص‌های رهبری انقلابی از «شجاعت» تا «مردم‌باوری

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حضرت آقا بحث شجاعت ایشان بود. در تمام انسان‌ها وقتی جوان هستند شجاعتشان در اوج است ولی همین که پا به سن می‌گذارند محافظه‌کار می‌شوند ما خیلی از نیروهای انقلابی را داشتیم که در اوایل جوانی و سال‌های اولیه انقلاب اهل شجاعت بودند ولی همین که پا به سن گذاشتند وارد فضای محافظه‌کاری شدند و از شغارهای انقلاب عقب‌نشینی کردند. اما یکی از شخصیت‌های استثنایی تاریخ که در اوج سن بالا و پیری مانند جوان‌ها در اوج شجاعت و استکبار ستیزی بودند مقام معظم رهبری بود. صحبت‌های او آخر عمر شریف ایشان با صحبت‌های دوره جوانی ایشان را مقایسه کنید هیچ تفاوتی ایجاد نشده و حتی در جنگ ۱۲ روزه بود بعد جنگی که رخ داد ایشان از روی شجاعت و مقاومتی که داشتند حتی حاضر نشدند وارد مخفیگاه و مکان‌های امن غیرمتعارف شوند.

شاخص شجاعت برای رهبر و جایگزین بعدی بسیار اصل مهمی است چراکه علم و دانش به تنهایی قطار انقلاب را به حرکت نمی‌اندازد، یک رهبر شجاع چالش‌ها را به جان

میثم رستمی

استاد حوزه و دانشگاه و مدیر
اندیشکده مستعدان

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



حجت الاسلام
حامد کاشانی

اجتهاد مسلم و روحیه ولایی

اجتهاد مسلم همراه

با روحیه ولایی و

تواضع مثال زدنی

از نکات برجسته‌ای

است که آیت الله

سید مجتبی

خامنه‌ای بر سر

سفره اهل بیت علیهم السلام

فراگرفته و از والد

ماجد به ارث برده‌اند.

می‌خرد تا در بلند مدت بتواند یک امنیت و یک منفعت جمعی و ملی را برای کشور به ارمغان بیاورد.

مردمداری و مردم دوستی رهبر شهید

شاخص مهم دیگر در رهبر شهید مردم‌داری و مردم دوستی بود. ما در سیاستمدارها معمولاً دو دسته را می‌بینیم یک دسته آدم‌های پوپولیست، یعنی یک مردم‌گرایی که همراه با عوام فریبی است مثلاً شعارهایی می‌دهند که مردم خوششان بیاید و به ضرر کشور باشد، کارهایی می‌کنند که مردم عوام تحسینشان می‌کنند ولی چند سال بعد به ضرر همان مردم خواهد شد، یک عده سیاستمداران هم نخبه‌گرا هستند یعنی اساساً با مردم کاری ندارند و روی صحبتشان با نخبه‌هاست، تصمیمات و توجیهاتشان برای نخبه‌هاست و مردم رو به حساب نمی‌آورند اما مقام معظم رهبری بین این دو رویکرد سیاسی ایستادند هم مردم‌گرایی و مردم دوستی داشتند که در عین حال عوام فریبی نبود و تصمیماتی که می‌گرفتند فقط به خاطر اینکه عوام دوست داشته باشند نبود. در عین مردم‌داری به شهرهایی که مسافرت کردن معمولاً مردمی که آن‌جا بودند عاشق مقام معظم رهبری بودند از سیستان بگیرد تا شهرهای مرزی تا شهرهای دیگر به خاطر نوع منش ایشان و باوری که به مردم داشتند ولی در عین حال تصمیماتی که بود تصمیمات پوپولیستی نبود. مثلاً سال ۹۸ وقتی کارشناسان گفتند که باید این اتفاق در زمینه بنزین انجام شود حضرت آقا فرمودند من از نظر کارشناسان حمایت می‌کنم. توصیه‌ای که ایشان به دولت‌ها می‌کردند مثلاً در دولت مرحوم شهید رئیسی فرمودند در عین اینکه مردم‌داری دارید از نظرات کارشناسان باید استفاده کنید در تصمیماتی که می‌گیرید.

مردم؛ پدافند بسیار قوی برای حفظ نظام جمهوری اسلامی

یک تفاوت اساسی که مقام معظم رهبری با خیلی از سیاستمداران داخلی و خارجی داشتند این بود که یک بحثی حدود ۲۰،۳۰ سال پیش مطرح شده بود که ضامن بقای جمهوری اسلامی چیست و چطور می‌توان نظام جمهوری اسلامی را حفظ کرد مثلاً با موشک حفظ کنیم با هواپیما حفظ کنیم با ناو حفظ کنیم و اینجا نظرات مختلفی بود آن چیزی که مقام معظم رهبری خندق انقلاب می‌دانستند یک پدافند بسیار قوی برای حفظ نظام جمهوری اسلامی مردم بودند. در جنگ احزاب مسلمانان برای اینکه در مقابل همه دشمنان بتوانند پیروز شوند و دشمن نتواند اقدام تهاجمی انجام دهد خندق کردند آن خندق شد یک پدافند خیلی خوب برای مدینه پیغمبر. این خندق در نگاه مقام معظم رهبری مردم هستند یعنی ایشوچان فرموده بودند تا وقتی مردم پای کار نظام و انقلاب باشند و تا وقتی مردم نظام انقلاب اسلامی را بخواهند هیچ براندازی و



سقوطی تصور ندارد.

حالا دشمن بیاید و رهبر عزیز ما رو شهید کند رهبران انقلاب ما را شهید کند ولی وقتی مردم پاکار نظام باشند دوباره این سیستم جان میگیرد و پیش می‌رود. بنابراین مردم در نگاه مقام معظم رهبری جایگاه بسیار بلند و ویژه‌ای دارند یکی از ارکان اصلی حفظ نظام جمهوری اسلامی و حفظ اسلام در کشور است و این شاخص در بعضی از مسئولین ما به این پرننگی دیده نمی‌شود. مردم در تعریف مقام معظم رهبری یعنی آحاد ملت ایران در سرتاسر کشور. صحبت‌های مختلف ایشان وقتی می‌فرمودند مردم نوع مردمی که در همین جامعه زندگی می‌کنند نه یک طایفه خاص این‌ها همه انقلابی‌اند همه حافظ نظام و بسیجی هستند و با همین نگاه هم یک عفو رهبرانه و پدران‌ه‌ای داشتند نسبت به کسانی که خطا می‌کردند، در اغتشاشات شرکت می‌کردند. تا همین اواخر که برخی از این افرادی که فریب خورده بودند را ایشان پذیرفتند شهید اعلام شوند و مثل بقیه شهدا با آن‌ها برخورد شود.

جهاد علمی در کنار رهبری

شاخص دیگر حضرت آقا بعد علمی ایشان بود. سالیان سال در کنار مسئولیت‌هایی که داشتند و مسئولیت خطیر رهبری درس و بحثشان تعطیل نشد و تا قبل از همین دوران کرونا هر روز جلسه علمی و درس خارج ایشان برگزار می‌شد. فضلا و طلاب مستعد تهران و حتی شهرهای دیگر در درس خارج آقا شرکت می‌کردند.

حضرت آقا ذهن بسیار قوی و نقادی داشتند، فهم مطالبشان عالی بود یعنی به سرعت مطالب را متوجه می‌شدند منتقل به منظور می‌شدند نظر فقها را و دقت‌های فقها را به سرعت و به دقت شگفت‌آوری متوجه می‌شدند و در عین حال قدرت نقادی بالایی داشتند نقد‌هایی که ایشان به بزرگان در درس خارج داشتند هم فراوان است هم قابل توجه بزرگان، وقتی نقدها را برخی دیگر از فقها و بزرگان درس خارج می‌دیدند تحسین می‌کردند



مردم در تعریف مقام
معظم رهبری یعنی آحاد
ملت ایران در سرتاسر
کشور، صحبت‌های
مختلف ایشان وقتی
می‌فرمودند مردم نوع
مردمی که در همین
جامعه زندگی می‌کنند
نه یک طایفه خاص
این‌ها همه انقلابی‌اند
همه حافظ نظام و
بسیجی هستند و با
همین نگاه هم یک
عفو رهبرانه و پدران‌ه‌ای
داشتند

ایشان را. ایشان در دوزمینه واقعاً متبحر و متمایز از سایر فقها بودند یکی زمینه رجال بود و دیگری زمینه درایه و فهم متون، فهم آیات و روایات استظهار از آیات و روایات چون هم نوآوری‌های خیلی خوبی داشتند هم دقت و نکته سنجی‌های بسیار لطیفی که در درس‌های دیگر انسان کمتر مشاهده می‌کند. ساختار ذهنی ایشان ساختار منطقی بود. برای همین کلاس درسشان هم که برقرار بود، کاملاً روند منطقی داشت. یک موضوع شناسی خوب، یک حکم شناسی خوب، یک دسته‌بندی خوب از روایات، یک دسته‌بندی خوب از مضامین روایات، این روند کلی درس خارج ایشان بود که خب عمومیت ندارد در درس‌های خارجی که وجود دارد. یک ویژگی دیگر مقام معظم رهبری در بحث علمی این بود که در موضوع شناسی، چند بعدی نگاه می‌کردند و موضوع را بسیط و یک بعدی در نظر نمی‌گرفتند. برای همین در بعضی از مسائل موضوع شناسی، پیچیده و عمیق بود و موضوعات روز و مسائل مستحدثه را به خوبی درک، تحلیل و حکم آن را استخراج می‌کردند.

■ شاخص‌های مدیریتی رهبر شهید

برخی از شاخص‌های مدیریتی ایشان را هم به اختصار بگویم یکی سعه صدر ایشان بود. تاب ایشان نسبت به تحمل مخالف زیاد بود. در رابطه با رفتار با مخالفین ایشان خودشان شخصاً ورود می‌کردند و نمی‌گذاشتند برخوردی با آن‌ها صورت بگیرد تا جایی که مطلع می‌شدند. خیلی‌ها را وقتی از مقام معظم رهبری سوال می‌کردند، ایشان اجازه برخورد نمی‌داد و تا جایی که امکان داشت و به اطلاعشان می‌رسید، نسبت به مخالفین خودشان مدارا می‌کردند و با سعه صدر برخورد می‌کردند. حتی معروف است یکی از والیبالیست‌هایی که در اغتشاشات ۱۴۰۱ خیلی مواضع مناسبی نگرفت، ایشان یک پیام تسلیت یا تبریک برای اتفاقی که برای آن بازیکن افتاد ارسال کردند. خلاصه سعه صدر ایشان زیانزد بود.

ویژگی دوم توجه به نظرات کارشناس‌ها بود. یعنی ایشان اهل مشورت بودند، اهل استبداد رأی نبودند. در خاطرات پارسونز، سفیر وقت انگلستان زمان شاه، می‌گفت کسانی که دور و بر شاه بودند جرأت نمی‌کردند نسبت به نظر شاه که نظری دارد خلاف آن را مطرح کنند و همه تحسین می‌کردند، در حالی که مقام معظم رهبری به شدت به نظرات کارشناس‌ها توجه می‌کردند. کارشناس‌های مختلف از جناح‌های مختلف ادعان داشتند وقتی ایشان گوش می‌دادند، یادداشت برداری می‌کردند، بعداً هم اونا رو ارجاع می‌دادند برای تصمیم‌گیری و هر جا هم که خودشان می‌خواستند تصمیم بگیرند، این حلقه‌های مشورتی رو فعال می‌کردند؛ یعنی یک نمونه عملی «و شاورهم فی الأمر» که خدای متعال به پیغمبر دستور داد، ایشان تون زندگی داشتند.

شاخص مدیریتی دیگر ایشان بحث انصاف بود. اهل انصاف بودند. در یکی از روزهای درسی که ایشان درس داشتند، به نکته‌ای حالا راجع به منطق یا ادبیات عرب، به نکته‌ی علمی گفتند و بعد یکی از طلاب کلاس اشکال کردند که آقا این نکته درست نیست. فردای آن روز مقام معظم رهبری در شروع درس آمدند و گفتند: «من قبل اینکه درس را شروع کنم به نکته‌ای بگویم آن نکته‌ای که دیروز گفتم اشتباه بود و حق با آن دوستی بود که به ما اشکال کرد.» خب این اوج انصاف یک رهبری را نشون می‌دهد که می‌توانست به راحتی از کنارش عبور کند، به روی خودش نیارود، اما همین اشتباهی را که در یک نکته‌ی کوچک علمی بود، این را هم اصلاح و عذرخواهی می‌کند و تذکر می‌دهد که نکته دوست ما درست بود. یک شاخص مدیریتی دیگر حضرت آقا که به طرز شگفت‌انگیزی عجیب بود، بحث دوراندیشی ایشان بود. واقعاً به نسبت مسئولین دیگر، هم‌ترازان و نفرات دیگر از مسئولین، این دوراندیشی در مقام معظم رهبری خیلی مشهود بود. نکاتی که بعضاً ده سال، بیست سال گذشته ایشان برای آینده می‌فرمودند یا تصمیم‌گیری‌هایی که

می‌کردند در ظرف دهه‌های بعد خودش را نشان می‌داد، این از شاخص‌های ایشان بود. نمونه‌اش همین بحث موشکی زمانی که ما از همه جهت تحریم بودیم، جنگ تمام شد [و] باید امنیت خودمان رو فراهم می‌کردیم؛ اینکه دست فرمان نیروهای نظامی ما به چه سمتی رود خیلی مهم بود. مثلاً اگر این دست فرمان به سمت تولید هواپیمای جنگنده می‌رفت، خب ما از جهت تکنولوژی خیلی عقب مانده‌تر از دنیا می‌ماندیم و الان به این تکنولوژی که دنیا رسیده بود قطعاً نمی‌رسیدیم با تحریم‌های تکنولوژی و فناوری. اما ایشان روی بحث موشکی دست گذاشتند که هم از جهت فناوری نسبت به آن هواپیما پیچیدگی‌های تکنولوژیک را نداشت، هم از جهت هزینه ارزان‌تر و با توجه به شرایط کشور، ما توانستیم در صنعت موشکی جزو پیشگامان دنیا شویم. و این همان دوراندیشی مقام معظم رهبری بود.

ایمان و باور به سنت‌ها و وعده‌های الهی

آخرین شاخص هم در مقام معظم رهبری مشهود بود، ایمان و باور به سنت‌ها و وعده‌های الهی بود. صحبت‌های ایشان مملو بود از ایمان، باور به وعده‌های الهی و سنت‌های الهی در کنار واقع‌بینی، در کنار مشورت، در کنار مدیریت، در کنار دوراندیشی. اما هیچ‌کدام از این‌ها را جایگزین وعده‌های الهی و ایمان به باورهای الهی و ایمان به وعده‌های الهی ایشان نمی‌کردند. برای همین در کمتر سخنرانی از آقا سراغ دارید که سنت‌های الهی را در صحبت‌هایشان اشاره نکرده باشند و به آن تکیه و اعتماد نکرده باشند.

جوانگرایی با رهبر جوان

امروز که آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید معرفی شدند، نکاتی هم درباره رهبری جدید به طور عام مطرح است. مقام معظم رهبری در زمان خودشان جلسات متعددی با جوان‌ها داشتند. زبان جوان زمان خودشان را درک می‌کردند. حتی در همین سنین بالا هم ایشان یک روحیه جوان‌گرایی و روحیه دل‌جوایی خودشان را داشتند. برای همین ارتباطشان با نسل جوان ارتباط خیلی قوی‌ای بود. انسان احساس نمی‌کرد با یک کسی که در دهه‌های پیش زندگی کرده صحبت می‌کند. شکاف بین جوان و مسئولین در بین جوانان و مقام معظم رهبری وجود نداشت. رهبری جدید هم باید همین شاخص را داشته باشد. راه ارتباط با جوانان، زبان آن‌ها، اینکه آن‌ها چه خواسته‌هایی دارند، با چه زبانی آن‌ها را هدایت کند تا بتواند هر چه بیشتر ارتباط بین ولایت فقیه و جوانان و مردم را پررنگ کند، قوی‌تر کند و شکاف نسلی بین رهبر جدید و جوانانی که هستند، دهه هشتادی، دهه نودی، وجود نداشته باشد. این نیازمند این است که رهبر جدید به مثابه رهبری که بود، در زمان خودش با جوانان خودش و تا همین قبل شهادتشان ارتباطات تنگانی که با جوانان داشتند، این ارتباطات پررنگ شود، خواسته‌های نسل جدید را ببیند و هم بر اساس آن هدایت و رهبری کند؛ یعنی بر اساس واقعیتی که وجود دارد بین طیف‌های جوانان که این نیاز به سعه صدر و ارتباطات مستمر با جوانان دارد.



آخرین شاخص هم
در مقام معظم رهبری
مشهود بود، ایمان و باور
به سنت‌ها و وعده‌های
الهی بود. صحبت‌های
ایشان مملو بود از
ایمان، باور به وعده‌های
الهی و سنت‌های الهی
در کنار واقع‌بینی،
در کنار مشورت، در
کنار مدیریت، در کنار
دوراندیشی.



قلبِ مَخت، قدرتِ حکمران

بازخوانی شخصیت ربانی - سیاسی رهبر شهید

دکتر نصیبه سادات حسینی

دکترای مطالعات زنان

این یادداشت می‌کوشد با تکیه بر مفهوم «اخبارت» در قرآن و تبیینی که مرحوم علی صفایی حائری از این مفهوم ارائه کرده است، به بررسی یکی از فضیلت‌های عمیق اخلاقی و معنوی در سنت اسلامی بپردازد و بازتاب آن را در عرصه رهبری دینی تحلیل کند. در گام نخست، این نوشتار می‌کوشد با رجوع به آیات قرآن و اندیشه‌های تربیتی مرحوم علی صفایی حائری، معنای دقیق اخبارت و ابعاد این فضیلت را روشن کند و سپس به زمینه‌ها و مسیر شکل‌گیری آن بپردازد؛ مسیری که در آن تجربه‌های زندگی، رنج‌ها و انکسارهای درونی می‌توانند انسان را از اتکای به خویش به تکیه بر خدا برسانند. در ادامه، برای فهم عینی‌تر این مفهوم، نشانه‌ها و جلوه‌های اخبارت در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام بررسی می‌شود؛ دو الگویی که در سنت اسلامی، جمع میان قدرت، عدالت، فروتنی و آرامش درونی را در عالی‌ترین سطح نشان داده‌اند. در نهایت، با تکیه بر این چارچوب مفهومی، این یادداشت می‌کوشد برخی ابعاد شخصیتی رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران، امام سیدعلی حسینی خامنه‌ای را از منظر این فضیلت اخلاقی مورد بررسی قرار دهد و نشان دهد که چگونه می‌توان نشانه‌های اخبارت را در نسبت میان معنویت، مسئولیت و رهبری مطالعه کرد.

مفهوم اخبات

در ادبیات قرآنی، واژه «اخبار» از آن مفاهیم ژرف و کمتر فهم شده‌ای است که تنها با ترجمه‌هایی مانند فروتنی یا تواضع به درستی بیان نمی‌شود. اخبار حالتی از فرود آمدن دل در برابر حقیقت است؛ آرامشی عمیق که از شناخت خداوند و جایگاه انسان در برابر او پدید می‌آید. انسانی که به اخبار می‌رسد، نه گرفتار اضطراب قدرت می‌شود و نه در پی اثبات خویش به دیگران است؛ زیرا دل او در برابر حق آرام گرفته است. چنین انسانی قدرت را میدان تفاخر نمی‌بیند، بلکه آن را مسئولیتی می‌فهمد که باید در مسیر حق و عدالت به کار گرفته شود.

مرحوم علی صفایی حائری در آثار خود، به ویژه در نوشته‌هایی که به تربیت و سلوک انسان مؤمن می‌پردازد، اخبار را حالتی می‌داند که از «شناخت» آغاز می‌شود و به «آرامش» می‌انجامد. در نگاه او، محبت کسی است که حقیقت را شناخته و در برابر آن فرو آمده است؛ نه از سر ضعف، بلکه از سر بصیرت. از همین رو، اخبار با نوعی طمأنینه درونی همراه است؛ طمأنینه‌ای که انسان را در دل بحران‌ها آرام نگه می‌دارد، در برابر مردم فروتن می‌کند و در برابر مسئولیت‌ها استوار می‌سازد. در چنین حالتی، دل انسان نرم می‌شود، قدرت رنگ خدمت می‌گیرد و رهبری معنایی تازه پیدا می‌کند.

اما در سخن گفتن از تقرب به خدا، همواره نسخه‌های گوناگونی ارائه می‌شود. گاه گفته می‌شود راه نزدیکی به خدا خدمت به خلق است؛ گاه بر انجام واجبات و ترک محرمات تأکید می‌شود؛ و گاه عبادت‌ها، مجاهدت‌های اخلاقی یا ریاضت‌های معنوی به عنوان راه اصلی معرفی می‌شوند.

بی‌تردید همه این‌ها در جای خود ضروری و ارزشمندند، اما قرآن در میان این راه‌ها بر حقیقتی عمیق‌تر انگشت می‌گذارد: اخبار.

قرآن هنگامی که از انسان‌های نزدیک به خدا سخن می‌گوید، آنان را «مخبتین» می‌نامد. در سوره حج آمده است: «وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ»؛ و بشارت بده به مخبتان. سپس نشانه‌های آنان را برمی‌شمارد: کسانی که وقتی نام خدا برده می‌شود دل‌هایشان می‌لرزد، در برابر سختی‌ها شکیباهستند، نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان داده شده انفاق می‌کنند. در آیه‌ای دیگر نیز می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ». در این آیه، ایمان و عمل صالح با اخبار به سوی پروردگار پیوند خورده است؛ گویی این اخبار است که ایمان و عمل را به مقصد می‌رساند.

از این منظر، اخبار تنها یک صفت اخلاقی ساده نیست، بلکه حالتی درونی از آرام گرفتن دل در برابر خدا است؛ حالتی که در آن انسان از ادعا، تکبر و خودبینی فاصله می‌گیرد و در برابر حقیقت الهی فرو می‌نشیند. محبت کسی است که دلش به خدا تکیه دارد، در برابر او نرم و فروتن است و همین فروتنی او را آماده شنیدن، اطاعت کردن و حرکت در مسیر حق می‌کند.

مرحوم صفایی حائری در کتاب «اخبار» به همین حقیقت اشاره می‌کند: انسان زمانی به



اخبار با نوعی طمأنینه

درونی همراه است؛

طمأنینه‌ای که انسان را

در دل بحران‌ها آرام نگه

می‌دارد، در برابر مردم

فروتن می‌کند و در برابر

مسئولیت‌ها استوار

می‌سازد. در چنین

حالتی، دل انسان نرم

می‌شود، قدرت رنگ

خدمت می‌گیرد و

رهبری معنایی تازه پیدا

می‌کند.

راه رسیدن قدم می‌گذارد که دلش در برابر خدا فرو بنشیند. در این حالت، انسان دیگر به اعمال خود تکیه نمی‌کند و با خدا معامله نمی‌کند؛ بلکه به او اعتماد می‌کند و در برابر او آرام می‌گیرد. چنین انسانی نه گرفتار غرور عمل می‌شود و نه از کمبودهای خود مأیوس؛ زیرا تکیه‌گاه او خداست.

چرا قرآن بر اخبات تأکید می‌کند؟

از همین جا روشن می‌شود که چرا قرآن بر اخبات تأکید می‌کند. خدمت به خلق، عبادت، جهاد با نفس و انجام واجبات همه راه‌ها و ابزارهای حرکت‌اند، اما آنچه انسان را به وصل می‌رساند حالتی است که دل در آن به خدا آرام گرفته باشد. اگر این آرامش و فروتنی درونی نباشد، اعمال ممکن است به خودنمایی یا عادت تبدیل شوند؛ اما هنگامی که اخبات در دل انسان شکل بگیرد، همه اعمال رنگ بندگی می‌گیرند.

به همین دلیل می‌توان گفت پاسخ قرآن به پرسش از راه تقرب روشن است: هر کس نسخه‌ای برای نزدیکی به خدا پیشنهاد می‌کند، اما قرآن از «مخبت» سخن می‌گوید؛ از انسانی که دلش در برابر پروردگار فرو آمده و به او آرام گرفته است. واصلان در نگاه قرآن، مخبتان‌اند؛ آنان که با فروتنی آگاهانه و آرامش درونی، دل خود را به خدا سپرده‌اند و از همین نقطه به قرب الهی رسیده‌اند.

«اخبات» روحی آرام و فروتن است که از شناخت عمیق انسان نسبت به خدا برمی‌خیزد. نشانه‌های آن در رفتار و سیره انسان‌های کامل آشکار می‌شود؛ کسانی که قدرت و رحمت را در تعادل به کار می‌گیرند. این حالت در پیامبر اکرم و امام علی علیه‌السلام به زیباترین وجه جلوه دارد؛ زیرا آنان در عین اقتدار و شدت در برابر دشمن، در برابر مردم و خانواده سرشار از محبت و نرمی بودند.

زندگی پیامبر و امیرالمؤمنین علیه‌السلام از زاویه اخبات

در نگاه تربیتی قرآن و نیز در تبیین علی صفایی حائری، اخبات حالتی دفعی و ناگهانی نیست، بلکه نتیجه مسیری درونی است که انسان در آن از تکیه‌گاه‌های ظاهری عبور می‌کند و به تکیه بر خدا می‌رسد. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری این حالت، رنج‌ها و بلاهایی است که انسان در طول زندگی با آن روبه‌رو می‌شود. این سختی‌ها اگر با بصیرت و ایمان همراه شوند، غرور و اتکای انسان به خویش را می‌شکنند و دل را برای خشوع و فروتنی در برابر خدا آماده می‌کنند. از همین رو در زندگی پیامبر اکرم و امام علی نیز می‌توان رنج‌ها و دشواری‌هایی را دید که به عنوان زمینه‌های تربیتی، راه را برای پیدایش چنین روحی آماده ساخته‌اند.

پیامبر اسلام از آغاز زندگی با دشواری‌های فراوان روبه‌رو بود. او در کودکی طعم یتیمی را چشید و پیش از آنکه به بلوغ برسد، پدر و مادر خویش را از دست داد. دوران نوجوانی او با کار و تلاش برای گذران زندگی همراه بود و در جامعه‌ای پر از تبعیض و خشونت رشد یافت. پس از بعثت نیز سال‌های طولانی آزار و تمسخر، محاصره اقتصادی، هجرت از وطن و جنگ‌های پی‌درپی را تجربه کرد. این رنج‌ها و فشارها زمینه‌ای فراهم ساختند تا شخصیت پیامبر در بستر صبر، توکل و بریدن از اتکای به قدرت‌های ظاهری شکل گیرد و دل او بیش از پیش متوجه خدا شود.

زندگی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز از آغاز با سختی و مجاهدت همراه بود. او در کودکی در شرایط دشوار اقتصادی مکه رشد کرد و در همان سال‌های نخستین، مسئولیت‌های سنگینی را در کنار پیامبر بر دوش گرفت. در جوانی در دشوارترین میدان‌های نبرد اسلام حضور یافت و بار دفاع از جامعه نوپای مسلمانان را بر عهده داشت. پس از رحلت پیامبر نیز سال‌های طولانی سکوت و خانه‌نشینی، همراه با تلخی‌های اجتماعی و سیاسی، بخشی از مسیر زندگی او

شد. حتی در دوران خلافت نیز با شورش‌ها، نافرمانی‌ها و فتنه‌های سخت روبه‌رو بود. این مجموعه از تجربه‌های دشوار، زمینه‌هایی فراهم کرد که روح او در کوره صبر، معرفت و توکل پرورش یابد.

در چنین بستری است که جلوه‌های اخبات در رفتار و سیره این دو شخصیت بزرگ آشکار می‌شود. پیامبر اسلام در میدان نبرد استوار و قاطع بود. هنگامی که باید با ستم و شرک رویارو می‌شد، با صلابت می‌ایستاد و در برابر تحقیر انسان و حق هیچ سازشی نمی‌پذیرفت. اما همین پیامبر، در میان مردم چهره‌ای سرشار از مهر داشت؛ میان کودکان می‌نشست، بر زمین می‌خوابید، به دست خود غذا می‌خورد و با یتیمان و نیازمندان با مهربانی رفتار می‌کرد. این جمع میان اقتدار و لطافت، از دلی برمی‌خاست که در برابر خدا آرام گرفته بود.

امیرالمؤمنین نیز چنین بود. در میدان جنگ، شمشیر او آتش عدالت بود و هیچ ترسی در دلش راه نمی‌یافت. اما همان‌علی که هیبتش دشمنان را می‌لرزاند، در میان مردم و در زندگی شخصی چهره‌ای سرشار از عطوفت داشت. شب‌ها بر دوش خود نان و خرما برای نیازمندان می‌برد، با یتیمان همدل می‌شد و بی‌نام و نشان اشک می‌ریخت. این جمع میان صلابت در برابر باطل و مهربانی در برابر انسان‌ها، نشانه روحی است که در برابر خدا فروتن شده است.

■ اخبات توازی میان صلابت و رحمت

از این رو، اخبات را می‌توان توازی میان صلابت و رحمت دانست؛ حالتی که در آن انسان در برابر خدا نرم و خاشع است و همین خضوع درونی به او قدرتی می‌دهد تا در برابر ظلم و باطل با استواری بایستد. پیامبر اکرم و امام علی هر دو در مقام رهبری اجتماعی، چنین توازی را نشان دادند. آنان در برابر مردم چهره‌ای انسانی و مهربان داشتند و در برابر دشمنان حق، استوار و بی‌تزلزل بودند.

در نگاه نهایی، اخبات نه در کناره‌گیری از زندگی و نه در نرمی مطلق معنا می‌شود، بلکه در همین هماهنگی میان دلی خاشع و اراده استوار آشکار می‌گردد. انسان مخبت کسی است که دلش در برابر خدا آرام گرفته و همین آرامش، رفتار او را به ترکیبی از عدالت، قدرت و رحمت تبدیل می‌کند؛ چنان‌که در سیره پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به روشن‌ترین صورت دیده می‌شود.

■ اخبات در شخصیت و شیوه رهبری امام شهید

با این معنایی که از اخبات گفته شد، می‌توان این ویژگی را به صورت روشن و کامل در شخصیت و شیوه رهبری امام شهید، سید علی خامنه‌ای مشاهده کرد. اخبات در این معنا تنها یک توضع ظاهری یا رفتار اجتماعی ساده نیست، بلکه کیفیتی عمیق درونی است که در آن انسان با شناخت خداوند و جایگاه خود در برابر حقیقت، قدرت را نه امتیازی برای



با این معنایی که

از اخبات گفته شد،

می‌توان این ویژگی

را به صورت روشن و

کامل در شخصیت و

شیوه رهبری امام شهید،

سید علی خامنه‌ای

مشاهده کرد. اخبات در

این معنا تنها یک توضع

ظاهری یا رفتار اجتماعی

ساده نیست، بلکه

کیفیتی عمیق درونی

است

برتری جویی، بلکه امانتی الهی و مسئولیتی سنگین می‌داند.

رهبر شهید، سیدعلی خامنه‌ای نیز در طول زندگی خود با سختی‌ها و حوادث بسیاری روبه‌رو بوده است. در دوران پیش از انقلاب، به دلیل فعالیت‌های سیاسی و مذهبی چندین بار توسط ساواک بازداشت، زندانی و تحت فشار قرار گرفت و مدتی نیز به تبعید فرستاده شد. پس از انقلاب نیز در سال ۱۳۶۰ هدف یک سوء قصد قرار گرفت که در اثر انفجار بمب به شدت مجروح شد. او همچنین فقدان آیت‌الله روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی، را تجربه کرد؛ رخدادی که نقطه عطفی مهم در زندگی سیاسی و مسئولیت‌های او به شمار می‌آید. این رویدادها بخشی از فراز و نشیب‌های مهم زندگی او را شکل داده‌اند. این ابتلائات در کنار ابتلائاتی که هر فردی در زندگی شخصی اش مواجه است و ترکیب آن‌ها با ایمان و استواری رهبر شهید در طول سالیان، از شخصیت ایشان، یک انسان به تمام معنا محبت ساخت.

نخستین جلوه این اخبات را می‌توان در نسبت میان قدرت و فروتنی در شخصیت او دید. با وجود قرار داشتن در عالی‌ترین جایگاه سیاسی کشور، او بارها در سخنان خود از تعبیرهایی چون «طلبه‌ای کوچک» یا «خادم مردم» استفاده کرده است. این نوع بیان، صرفاً یک تعارف زبانی نیست، بلکه نشان‌دهنده نگرشی است که در آن قدرت با احساس بندگی و مسئولیت همراه است. در چنین نگاهی، جایگاه رهبری نه نقطه‌ای برای خودنمایی، بلکه عرصه‌ای برای انجام تکلیف تلقی می‌شود؛ و همین نگاه است که اقتدار را با فروتنی درونی پیوند می‌زند.

جلوه دیگر اخبات در تأکید مستمر بر عدالت و حق محوری دیده می‌شود. در دیدگاه او، قدرت زمانی معنا پیدا می‌کند که در خدمت عدالت قرار گیرد. تأکید بر مبارزه با فساد، حمایت از محرومان و ضرورت رعایت عدالت اجتماعی نشان می‌دهد که در این نگاه، معیار اصلی اداره جامعه «حق» است، نه منفعت شخصی یا گروهی. چنین رویکردی بیانگر همان تسلیم آگاهانه در برابر حقیقت است که در تعریف اخبات مطرح می‌شود.

رابطه با مردم نیز در این چارچوب معنای خاصی پیدا می‌کند. دیدارهای گسترده با اقشار مختلف جامعه و توجه به سخنان و دغدغه‌های آنان، نشان‌دهنده نگاهی است که در آن رهبر خود را فراتر از مردم نمی‌بیند، بلکه خود را در کنار آنان و مسئول در برابر آنان می‌داند. این نوع رابطه، برآمده از روحیه‌ای است که قدرت را ابزار خدمت می‌بیند و نه وسیله سلطه؛ و همین نگاه، یکی از نشانه‌های مهم دل نرم شده در برابر حقیقت است.

یکی دیگر از جلوه‌های اخبات در شخصیت او، آرامش و استقامت در مواجهه با بحران‌هاست. در دوره‌های مختلف سیاسی و تاریخی، شرایط دشوار و فشارهای متعددی بر کشور وارد شده است، اما شیوه مواجهه او با این وضعیت‌ها غالباً بر پایه صبر، ثبات و نگاه بلندمدت استوار بوده است. این آرامش در تصمیم‌گیری و پایداری در مسیر، ریشه در نوعی اعتماد عمیق به حکمت الهی و احساس مسئولیت در برابر مأموریتی بزرگ دارد؛ همان طمأنینه‌ای که در مفهوم اخبات توصیف می‌شود.

در کنار همه این ابعاد، پیوند عمیق با معنویت و معارف دینی نیز بخش جدایی‌ناپذیر از شخصیت اوست. پیشینه حوزوی، تدریس علوم اسلامی، انس با قرآن و توجه جدی به ادبیات عرفانی و شعر فارسی نشان می‌دهد که نگاه او به رهبری از یک بنیان معنوی و عبادی سرچشمه می‌گیرد. در چنین نگاهی، سیاست از معنویت جدا نیست و مسئولیت اجتماعی امتدادی از بندگی خداوند محسوب می‌شود.

بر این اساس، مفهوم اخبات، شامل فروتنی در عین قدرت، حق محوری و عدالت‌طلبی، رابطه خادمانه با مردم، آرامش و استقامت در بحران‌ها و پیوند عمیق با معنویت، به صورت کامل در سیره گفتاری و عملی سیدعلی خامنه‌ای جلوه‌گر است و این ویژگی‌ها در کنار یکدیگر تصویری از رهبری ارائه می‌دهند که قدرت را در چارچوب بندگی و مسئولیت الهی معنا می‌کند.



نقطه عطف تمدنی؛ از صلابت در فقدان تانوسازی در حکمرانی

در مقطعی که تاریخ معاصر ایران زیر فشار سنگین ترین آزمون های خود قرار گرفته است، بار دیگر عقربه عقلانیت ایمانی بر مدار «تداوم» ایستاد. واقعه شهادت مظلومانه و در عین حال مقتدرانه حضرت آیت الله خامنه ای به دست رژیم صهیونیستی، فراتر از یک تلاطم سیاسی یا جابه جایی در سطوح قدرت، در واقع یک «آزمون عیار» برای تمدنی بود که تاب آوری اش را نه از ابزارهای مادی، بلکه از پیوند ناگسستنی میان امت و امامت وام می گیرد.



امین صبحی

تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی
ورسائه

■ ارکان ماندگاری در عبور از بحران

اگر بخواهیم نبض اتفاقات اخیر را دقیق تر لمس کنیم، آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می کند سرعت بهت آور بازسازی ساختار هدایت جامعه در لایه های میدانی و مردمی است. این پویایی نشان داد که سازمان تنومند جمهوری اسلامی، نه بر اراده های فردی میرا، که بر بنیان هایی اصیل و الهی بنا شده است. دقیقاً همین ریشه دار بودن است که در برابر طوفان تهدیدهای دشمن، نه تنها بقای نظام را تضمین می کند، بلکه از دل هر فقدان، نیرویی تازه برای حرکت به سوی افق های بلندتر می سازد. جمهوری اسلامی از میان روزهای پرتلهایی که پشت سر گذاشت، با قامتی افراشته عبور کرد.

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



آنچه در صحن مجلس

خبرگان پس از شهادت

جان سوز امام خامنه‌ای

گذشت، بیش از آنکه

یک انتخاب صرف

باشد، یک «کشف» بود؛

بازشناسی فقیهی که

بیشترین قرابت هویتی

واندیشه‌ای را با مکتب

امامین انقلاب دارد.

تقارن این بیعت با شب

نوزدهم ماه مبارک

رمضان، پیوندی عمیق

میان تقدیر سیاسی

ایران رقم زد

این تجربه تلخ اما باصلابت، خط بطلانی بود بر انگاره‌های خامی که این ساختار را «فردپایه» می‌پنداشتند. واقعیت جاری در رگ‌های جامعه نشان داد که ما با یک منظومه مستحکم روبرو هستیم؛ جایی که شهادت رهبر، به جای تزریق انفعال یا فروپاشی، انباشت عظیمی از سرمایه اجتماعی را به جریان انداخت. این جوشش که محصول درهم‌تنیدگی سلحشوری فرماندهان و حضور به‌هنگام مردم بود، اتاق‌های فکر متجاوز را در بن‌بستی محاسباتی گرفتار کرد. دشمن بر این باور واهی بود که با حذف فیزیکی فرمانده کل قوا، قاعده هرم فرو می‌پاشد و مسیر غارت هموار می‌شود، اما آن‌ها از درک یک حقیقت عاجز بودند: ظرفیت‌های نهفته در قانون اساسی و بصیرت نهادهای انقلابی، اجازه نداد این راهبرد مبتنی بر آشوب، حتی یک گام به پیش برود.

انتقال قدرت بدون گسست

در مدل «امت و امامت» که زیر چتر مفهوم متعالی ولایت فقیه تعریف می‌شود، انتقال قدرت هرگز به معنای گسست یا خلأ حاکمیتی نیست؛ بلکه یک «نقطه عطف تمدنی» است. در این مدل، ولایت فقیه در نقش ناخدایی ظاهر می‌شود که اجازه نمی‌دهد تلاطم‌های سیاسی، ثبات جامعه را در طوفان‌ها به مخاطره بیندازد. تاریخ چهل ساله انقلاب اسلامی گواهی می‌دهد که این کشتی از میان سهمگین‌ترین بحران‌ها عبور کرده است. هر بار که نقشه‌ای برای غرق کردن این مسیر طراحی شد، درایت ولی فقیه و آن نقشه‌راهی که برای مردم و مسئولان ترسیم شده بود، جامعه را به ساحل آرامش رساند. این بار نیز، دشمن به جای مشاهده سقوط، با بازتولید قدرتی مواجه شد که ریشه در باوری فراتر از مناسبات مادی دارد.

ابطال انگاره‌های موروثی

آنچه در صحن مجلس خبرگان پس از شهادت جان سوز امام خامنه‌ای گذشت، بیش از آنکه یک انتخاب صرف باشد، یک «کشف» بود؛ بازشناسی فقیهی که بیشترین قرابت هویتی و اندیشه‌ای را با مکتب امامین انقلاب دارد. تقارن این بیعت با شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، پیوندی عمیق میان تقدیر سیاسی ایران رقم زد، اما فراتر از این فضای معنوی، این انتخاب پاسخی صریح و عملی به شبهاتی نظیر «موروثی بودن» بود که سال‌ها از سوی برخی کژاندیشان ترویج می‌شد. در منطق حکمرانی فقهاتی، تنها خط‌کش موجود، «شایستگی» است و نسب‌نامه، کمترین وزنی در ترازوی مستقل خبرگان ندارد. استقلال رای نمایندگان ملت در این مجلس نشان داد که برخلاف تبلیغات بیرونی، ملاک‌های تخصصی و فقهی بر هر ملاحظه دیگری ارجحیت دارد.

تقوایی در تراز مسئولیت

مستندات تاریخی و سیره عملی رهبر فقید انقلاب گواهی می‌دهد که ایشان در طول دوران حیات خویش، نه تنها توصیه‌ای برای فرزندان خود نداشتند، بلکه همواره آن‌ها را از ورود



به مناصب رسمی و دولتی منع می‌کردند تا استقلال عمل خبرگان در «روز واقعه»، حتی در حد یک توصیه هم مخدوش نشود. در چنین بستری، انتخاب آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید، در حقیقت پرده‌برداری از یک ظرفیت ملی بود که به دلیل «تقوای سیاسی» سال‌ها از نگاه عموم پنهان مانده بود. ایشان در دهه‌های گذشته، عامدانه از هرگونه نمایش تبلیغاتی پرهیز کردند؛ تا جایی که حتی تعطیلی کرسی درس پررونق‌شان در حوزه علمیه نیز، ریشه در همین پارسایی داشت. ایشان با وجود استقبال چشمگیر طلاب، برای جلوگیری از هرگونه خلل در توازن دروس حوزه و فرار از کانون توجهات غیرضروری، تدریس را متوقف کردند. این سلوک، اکنون به عنوان بزرگ‌ترین گواه بر استقلال شخصیتی و پارسایی سیاسی ایشان برای زعامت در پیشگاه تاریخ ثبت شده است. انتخابی که محصول «تشخیص مستقل» بود، نه «توصیه‌ی موروثی».

از زیست شخصی تا حکمرانی مردمی

یکی از برجسته‌ترین ابعاد شخصیتی این فقیه عالی‌قدر، ساده‌زیستی ریشه‌دار و پرهیز آگاهانه از زخارف دنیا است. حساسیت و سواس‌گونه ایشان بر تفکیک دقیق بودجه شخصی از بیت‌المال، فراتر از یک توصیه اخلاقی، در حقیقت زیربنای درک بی‌واسطه از درد عامه مردم است. کسی که خود را در حصار اشرافیت محصور نکرده باشد، می‌تواند نبض جامعه را به درستی لمس کند. این قربانیت زیستی با توده مردم، موتور محرک گام‌های عملی ایشان در مسیر رفع تنگناهای معیشتی و اعتلای ایران سربلند خواهد بود؛ چرا که در این نگاه، قدرت نه طعمه‌ای برای تفاخر، بلکه امانتی برای خدمت است.

فقاقت ناظر به اداره

نکته کلیدی در کارنامه علمی رهبر جدید، عبور از فقاقت انتزاعی و رسیدن به «فقاقت



انتخاب آیت‌الله مجتبی

خامنه‌ای به عنوان

رهبر جدید، در حقیقت

پرده‌برداری از یک

ظرفیت ملی بود که به

دلیل «تقوای سیاسی»

سال‌ها از نگاه عموم

پنهان مانده بود. ایشان

در دهه‌های گذشته،

عامدانه از هرگونه

نمایش تبلیغاتی پرهیز

کردند

ناظر به اداره» است. این ویژگی ممتاز، به ایشان این توانمندی را بخشیده تا در عین تسلط همه جانبه بر متون اصیل و سنتی، درکی عمیق و به روز از علوم و ابزارهای نوین حکمرانی داشته باشند. این نگاه نوآورانه، دقیقاً همان حلقه‌ی مفقوده‌ای است که می‌تواند بر کالبد نیمه جان دیوان سالاری فرسوده، روحی تازه بدمد. تسلط بر سازوکارهای مدرن در کنار ریشه‌های استوار فقهی، این امکان را فراهم می‌سازد تا بخش‌های مختلف کشور با مدیریت چابک و تحول‌خواه ساماندهی شوند و ساختارهای صلب و ناکارآمد، جای خود را به حکمرانی عالمانه و گره‌گشا بدهند.

تولد در گام دوم

انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در اسفند ۱۴۰۴، فراتر از یک تصمیم ساختاری، پاسخی قاطع و راهبردی به جنگ شناختی دشمن و تضمینی برای پویایی نظام در چله دوم انقلاب است. این اقدام، با جوان‌سازی ریل حکمرانی، بن‌بست‌های قدیمی را شکسته و جانی تازه به تصمیم‌گیری‌های خلاق در سطوح کلان بخشیده است. حضور رهبری که نبض زمانه را می‌شناسد و با زبان و دغدغه‌های نسل جوان آشناست، نه تنها شکاف‌های نسلی را ترمیم می‌کند، بلکه قطب‌نمای حکمرانی را به سمت «اقتدار هوشمند» تنظیم خواهد کرد؛ اقتداری که در آن، تکنولوژی، تخصص و تعهد در کنار هم معنای یابند.

افق‌های روشن پیش‌رو

این تدبیر حکیمانه، موجی از امید و ثبات را به بدنه جبهه مقاومت تزریق کرده و پیام روشنی به بدخواهان صادر کرد: قطار انقلاب با شتابی مضاعف در مسیر عزت، مصلحت و حکمت در حرکت است. تحت زعامت ایشان، مدل حکمرانی از حالتی واکنشی به رویکردی «پیش‌دستانه و مبتکرانه» تغییر وضعیت خواهد داد. بدون شک، آینده‌ای که با این نگاه تحول‌خواه ترسیم می‌شود، نویدبخش ایرانی مقتدر، پیشرو و سربلند است که در آن، نوآوری و اصالت، ضامن عبور از تندبادها و رسیدن به قله‌های فتح‌نشده خواهد بود.

تثبیت گفتمان در شطرنج جهانی

انتخاب رهبر جدید در میانه‌ی توفان‌های سهمگین منطقه‌ای، پیش از آنکه یک جابه‌جایی داخلی باشد، بیانیه‌ای صریح و معنادار خطاب به نظام بین‌الملل است. پیام روشن این انتصاب به دوستان و دشمنان ایران این است: «ایران مقتدر» نه تنها با حذف فیزیکی رهبران خود به زانو در نمی‌آید، بلکه هوشمندانه از دل بحران‌ها، ابزاری برای «تثبیت گفتمان» و «نوسازی ساختاری» می‌سازد. این حرکت، خط بطلانی بر تصور انفعال بود و نشان داد که مسیر پیش‌رو، تلفیقی از عمل‌گرایی هوشمندانه و آرمان‌خواهی سازش‌ناپذیر است.

رمز امنیت پایدار و اقتدار جبهه مقاومت

در این پارادایم جدید، امنیت پایدار ملی و قدرت فزاینده جبهه مقاومت، نه در گرو تغییرات زیگزاگی و چرخش‌های ناگهانی، بلکه در گرو «استمرار هویت انقلابی» تعریف می‌شود. این مسیر، تداوم همان «قیام‌الله» است که اکنون با تکیه بر خرد جمعی مجلس خبرگان، جایگاه ایران را در شطرنج پیچیده‌ی جهانی مستحکم‌تر از پیش رقم خواهد زد. این انتصاب نشان داد که ساختار سیاسی ایران به چنان بلوغ و ثباتی رسیده است که می‌تواند در حساس‌ترین مقطع تاریخی، با تکیه بر ریشه‌های خود، شاخسارهای نوین و مقتدری را به سوی آینده بگشاید و معادلات بدخواهان را در نطفه خفه کند.

از خاکریز حبیب تافقاهت بی حاشیه؛ روایتی از عدل وزهد در متن حاکمیت

تبیین شایستگی های حجت الاسلام سید مجتبی خامنه ای برای
رهبری جامعه ایران در پرتو شرایط قانون اساسی

در شرایط حساس کنونی که انقلاب اسلامی در آستانه یک انتقال تاریخی قرار گرفته، انتخاب شایسته ترین فرد برای جیگاه رهبری یک الزام بنیادین است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول پنجم و یکصد و نهم، شرایط و صفات رهبری را به صورت شفاف تبیین کرده است: فقاقت (صلاحیت علمی برای افتاء)، عدالت و تقوا، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، شجاعت، و مدیریت و تدبیر. آیت الله سید مجتبی خامنه ای، با وجود پرهیز از حضور در مناصب رسمی، از جمله شخصیت هایی هستند که می توان به شایستگی کم نظیر ایشان برای استمرار راه انقلاب اسلامی پی برد.



محمد جواد استادی

پژوهشگر مطالعات فرهنگی

چارچوب قانونی رهبری در جمهوری اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان میثاق ملی و عالی ترین سند حقوقی کشور، شرایط رهبری را با دقت و ظرافت ویژه ای تعیین کرده است. بر اساس اصل یکصد و نهم، رهبر باید دارای سه شرط اساسی باشد: اول، صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛ دوم، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ و سوم، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. همچنین اصل پنجم بر آگاهی به زمان به عنوان یک ویژگی کلیدی تأکید دارد. در صورت تعدد واجدین شرایط، آن کس که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد، مقدم است. این یادداشت با اتخاذ همین چارچوب قانونی، به بررسی تطبیقی ویژگی های آیت الله سید مجتبی خامنه ای می پردازد.

صلاحیت علمی و فقاقت (شرط افتاء در ابواب مختلف فقه)

۱

۱-۱. تحصیل در محضر استادی برجسته حوزه

نخستین و مهم ترین شرط رهبری، دارا بودن صلاحیت علمی برای افتاء و اجتهاد در ابواب مختلف فقه است. در مورد آیت الله سید مجتبی خامنه ای، نباید جایگاه علمی را با معیارهای مرسوم و پرحاشیه سنجید. ایشان مسیر علم را نه برای کسب عناوین، که برای تعمیق معرفت دینی پیموده اند. ایشان سال ها در حوزه علمیه قم از محضر

برجسته‌ترین اساتید بهره برده‌اند؛ از جمله آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (که بر جنبه‌های فلسفی و معرفتی تأکید داشت)، آیت‌الله سید محسن خرازی (عضو فقهای شورای نگهبان) و آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی (از ارکان فقه سنتی). این تنوع اساتید، نشان‌دهنده جامعیتی است که هم فلسفه و کلام را در بر می‌گیرد و هم فقه جواهری را.

۲-۱. تدریس درس خارج: نشانه‌عینی استمرار اجتهاد

شاهد عملی بر استمرار این مسیر، سال‌ها تدریس ایشان در سطوح عالی حوزه (درس خارج) است. تدریس درس خارج، که بالاترین سطح آموزش در حوزه‌های علمیه و نشانه‌ی قدرت استنباط و اجتهاد است، توسط ایشان در قم ادامه دارد. غلامعلی حداد عادل، پدر همسر ایشان، در گفتگویی صریح تأکید کرده است که اوقات ایشان «به مطالعه فقه و فقهات» می‌گذرد و سال‌هاست که در قم «درس خارج تدریس می‌کند». این وجه از شخصیت ایشان، پاسخی روشن به نیاز ذاتی نظام اسلامی به رهبری فقیه و آشنا به منابع دینی است. همانگونه که حداد عادل تأکید می‌کند، کار ایشان «فقهات است و عبادت» و این دوری از جنجال، نشان از اصالت و عمق شخصیت علمی او دارد.

۳-۱. جامعیت در فقهات و آشنایی با مسائل مستحدثه

آنچه شرط «صلاحیت علمی برای افتاء در ابواب مختلف فقه» را تکمیل می‌کند، آشنایی با مسائل مستحدثه و پیچیده جهان امروز است. حضور مستمر ایشان در کنار رهبر شهید انقلاب و اشراف بر مسائل روز کشور، این توانایی را به ایشان داده است که فقه پویای جواهری را با نیازهای متحول جامعه اسلامی پیوند زنند. این جامعیت، همان چیزی است که یک فقیه را برای اداره جامعه در عصر حاضر آماده می‌سازد.

عدالت و تقوا (شرط لازم برای رهبری امت اسلام)

۲

۲-۱. زندگی زاهدانه و به دور از تجمل

عدالت و تقوا، علاوه بر ملکه‌ای درونی، در سبک زندگی و رفتار اجتماعی تجلی می‌یابد. در این بُعد، غلامعلی حداد عادل با صراحت هرگونه اتهام‌افزایی را رد کرده و تصویری شفاف از زندگی ایشان ارائه می‌دهد. به گفته وی، خانه آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای «حول و حوش ۷۰ متر» است و زندگی ایشان «به مراتب از زندگی یک کارمند متوسط شهرستانی ساده‌تر» است. او حتی از محدودیت جابری پذیرایی مهمان می‌گوید و تأکید می‌کند که در طول سال‌ها، «صدای بلند او را نشنیده و گناهی از او ندیده است». این توصیفات، تصویری از یک زندگی زاهدانه و همراه با تقوا و به دور از تجمل‌گرایی شایع را ترسیم می‌کند که برای رهبر جامعه اسلامی یک اصل اساسی است.

۲-۲. پرهیز از حاشیه‌ها و حضور خالصانه

یکی از مظاهر تقوا برای یک شخصیت حوزوی، پرهیز از حاشیه‌سازی و خودنمایی است. آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در طول دهه‌ها، علی‌رغم حضور طبیعی در کنار امام شهید و امکان حضور در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری، هرگز به دنبال مناصب رسمی و جایگاه‌های تشریفاتی نرفته است. این پرهیز، نشان‌دهنده خلوص نیت و دوری از قدرت‌طلبی دنیوی است؛ ویژگی‌ای که برای «عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام» در قانون اساسی، حیاتی و ضروری است.



۳ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر و مدیریت

۱-۳. شاگردی در مکتب عملی مدیریت بحران

برجسته‌ترین ویژگی آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در این بُعد، سال‌ها «شاگردی در مکتب عملی» در کنار رهبر معظم انقلاب است. حضور مستمر در کنار رهبر شهید فرصتی بی‌بدیل برای شکل گرفتن شخصیتی ممتاز در ایشان گردید. این جایگاه، فرصتی استثنایی برای آموختن «چگونگی تصمیم‌گیری در پیچ‌های تاریخی» از نزدیک‌ترین استاد ممکن فراهم آورده است.

۲-۳. نفوذ در بدنه انقلابی و شبکه‌سازی ارزشی

«بینش صحیح سیاسی و اجتماعی» بدون شناخت بدنه اجتماعی و نهادهای مؤثر کشور، ناقص است. پیشینه جهادی ایشان در دوران دفاع مقدس در اینجا نقشی کلیدی ایفا می‌کند. حضور در گردان «حبیب بن مظاهر» از لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله و شرکت در عملیات‌هایی چون بیت‌المقدس و مرصاد، نه فقط یک تجربه شخصی، که زمینه‌ساز شکل‌گیری یک «شبکه انسانی ارزشی» شد. پیوند ایشان با حلقه‌ای از نیروهای انقلابی که در سخت‌ترین شرایط جنگی شکل گرفته، نشان‌دهنده نفوذ معنوی ایشان در بدنه مؤمن و انقلابی نظام است؛ نفوذی که نه از روی منصب، که بر پایه اعتماد و همراهی در میدان‌های سخت شکل گرفته است.

۴ شجاعت (برای رهبری در میدان‌های سخت)

۱-۴. شجاعت فیزیکی: حضور در خط مقدم دفاع مقدس

شجاعت مندرج در قانون اساسی، صرفاً یک ویژگی اخلاقی نیست، بلکه در میدان عمل باید به اثبات رسیده باشد. آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای این شجاعت را در جوانی و جوانی، در سخت‌ترین شرایط ممکن، یعنی جبهه‌های جنگ تحمیلی به اثبات

رسانده است. عضویت در گردان خط‌شکن حبیب بن مظاهر و حضور در عملیات‌های بیت المقدس (با مسئولیت تخریب میدان مین) و مرصاد، گواهی بر این مدعاست. این تجربه، نه یک دوره کوتاه، که سال‌ها حضور مستمر در خطرناک‌ترین میدان‌ها بوده است.

۲-۴. شجاعت سیاسی: ایستادگی در مواضع انقلابی

شجاعت، تنها به میدان جنگ محدود نمی‌شود. شجاعت در تصمیم‌گیری، ایستادگی در برابر فشارهای داخلی و خارجی، و دفاع از گفتمان انقلاب اسلامی در پیچ‌های تاریخی، وجه دیگر این ویژگی است. نقش ایشان در پشتیبانی از تفکر و جریان‌های انقلابی در مقاطع مختلف، نشان‌دهنده شجاعت سیاسی و توانایی ایستادگی در برابر موج‌ها و فشارهاست.

۵ آگاهی به زمان (شرط کلیدی اصل پنجم)

۱-۵. اشراف بر مسائل راهبردی اقتصادی و بین‌المللی

«آگاهی به زمان» که در اصل پنجم قانون اساسی بر آن تأکید شده، به معنای شناخت دقیق از تحولات داخلی و بین‌المللی است. در این بُعد، نکته اثباتی مهم آن است که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایشان، به نوعی گواه بر «مطلع بودن» ایشان از جریان‌های اصلی مالی، اقتصادی و امنیتی کشور است. این آگاهی، به معنای توانایی ترسیم نقشه راه درست برای عبور از تحریم‌ها و هدایت هوشمندانه جریان‌های اقتصادی در مسیر منافع ملی است.

۲-۵. شناخت تهدیدات و فرصت‌های پیش‌رو

حضور مستمر در کنار رهبری و اشراف بر فضای بین‌المللی، به ایشان دیدی راهبردی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن و شناخت فرصت‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی داده است. این «آگاهی به زمان» همان چیزی است که یک رهبر را برای هدایت جامعه در پیچ‌های تاریخی آماده می‌سازد.

۶ تقدم در بینش فقهی و سیاسی (ملاک برتری در قانون اساسی)

قانون اساسی در انتهای اصل یکصد و نهم تأکید می‌کند که اگر واجدین شرایط متعدد باشند، «شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است». با توجه به آنچه گذشت، مشخص است که آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای از این امتیاز ویژه برخوردارند. امتیازی که به دقت مورد تأکید و دریافت اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری نیز قرار گرفت و منجر به انتخاب قاطع ایشان به عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی گردید. «بینش فقهی قوی‌تر» در ایشان با سال‌ها تدریس درس خارج و بهره‌گیری از اساتید برجسته متبلور است. «بینش سیاسی قوی‌تر» نیز با دهه‌ها حضور در فضای تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و نقش هماهنگ‌کننده در بیت رهبری به اثبات رسیده است. بررسی تطبیقی شخصیت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای با شرایط رهبری در قانون اساسی، تصویری روشن و مستند از شایستگی‌های ایشان ترسیم می‌کند. در شرایط حساس کنونی که انسجام و تداوم راه انقلاب اسلامی یک ضرورت حیاتی است، انتخاب چنین شخصیتی نه یک تغییر مسیر، که تداوم یک مکتب و استمرار راه روشنی است که با خون هزاران شهید و رهبری‌های حکیمانه امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای (دام‌ظله) آبیاری شده است. ایشان سرمایه‌ای هستند که می‌توانند با تکیه بر این میراث‌گران‌بها و بیاری نخبگان متعهد و کارآمد، کشتی انقلاب را در طوفان‌های سخت پیش‌رو، به سلامت به ساحل مقصود هدایت کنند.



نیابت الهی، تسلی بخش فقدان جانسوز ولی شهید

درد و داغ شهادت رهبر معظم انقلاب، آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، به مثابه فقدانی فراتر از یک رهبر سیاسی، اینبار با نگاهی به تاریخ قدسی ولایت معنا می‌یابد. حزن و اندوه این مصیبت عظیم، اما با خبری جان تازه بخش فروکش کرد: دست لطف امام غایب عَلَيْهِ السَّلَام، عقل ایمانی خبرگان را به سوی آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهنمون ساخت تا بر کرسی کریمانه ولایت فقیه تکیه زند؛ هدیه‌ای غیبی که انقباض ناشی از شهادت مظلومانه نایب امام عصر را به تسکینی الهی بدل ساخت.

درد و داغ وصف ناپذیر شهادت رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، بر جان مان سنگینی می‌کند و جگرمان را می‌سوزاند. هوای دل و دیده‌مان، بارانی است و هنوز، فراق را باور نکرده‌ایم. حزن هجرت سرخ ایشان بر ما غالب گردیده و وجودمان، آتش گرفته و مصیبت زده است. پس از رحلت امام خمینی، هیچ واقعه‌ای این چنین عظیم و تلخ نبود و هستی مان را در این حجم بی‌کرانه، گرفتار غم و ماتم نکرد. نباید این امر ناگوار را چونان فقدان یک رهبر سیاسی یا پدر معنوی انگاشت؛ بلکه حقیقت، بسی فراتر از این قاب هاست. این خون مظهر که بر زمین ریخته شد و آن پیکر مقدس که زخم‌های فراوان پذیرفت، متعلق به "نایب امام عصر" - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بود که در سی و شش سال گذشته، "ولی" ما به‌شمار می‌آمد. باید این داستان جانسوز را از زاویه "ولایت" خواند و معنا کرد. اگر "رحلت طبیعی ولی اول"، آنچنان تلخ و مصیبت بار بود، "شهادت مظلومانه ولی ثانی"، بسی ناگوارتر و تحمل ناپذیرتر است؛ چراکه دشمن کمین کرده ناجوانمرد، دست



مهدی جمشیدی

عضو هیئت علمی گروه فرهنگ پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

بیرکت

به مناسبت شهادت قائداًت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



آیت الله تحریری

تداوم مسیر تا نابودی کامل استکبار

شکرگزاریم که خداوند

امانت ولایت را به

دوش خلف صالح

سپرد. ایشان با توکل

به خدا و توسل به

ائمه علیهم السلام، و امت

باتبعیت کامل

از ایشان، مسیر

امامین انقلاب را

تا نابودی کامل

صهیونیسم و آمریکا

ادامه خواهند داد.

تعذی و تعرض به سوی کسی دراز کرد که به سبب برعهده داشتن نیابت امام غایب – علیه السلام – و جاهت معنوی متمایز و اعتبار دینی خاص داشت و ولی امر مسلمین جهان انگاشته می شد. آنچه که شدت انقباض و حزن برآمده از این فاجعه خونبار و جانگداز را فروکاست و همچون نسیم صبح گاهی، روح غم زده ما را تسکین داد، این خبر است که دست لطف و توجه امام غایب – علیه السلام – عقلی ایمانی مجتهدان مجلس خبرگان را به سوی آیت الله سیدمجتبی خامنه ای – حفظه الله تعالی – رهنمون ساخت و ایشان بر کرسی کریمانه ولایت فقیه نشست. از آنجا که ولایت فقیه، به معنی نیابت امام غایب است، ایشان که صاحب ولایت کلیه الهیه و تصرفات تکوینی است، به دیده مرحمت و عنایت به آن می نگرد و مجال نمی دهد که نااهلان و نامحرمان به آن راه یابند و شیعه در سطح زعامت، دچار آفت گردد. اگر انقلاب اسلامی، هدیه الهی و تحفه غیبی بود و رویدادها و تحولات آن، ریشه در تقدیر قدسی داشتند و نه تدبیر عرفی، پس ولی فقیه و حتی برگزیدن ایشان نیز بی نصیب از "تنبّهات ملکوتی" و "توجهات غیبی" نیست و این، الهام و القای امام معصوم – علیه السلام – است که دل ها و ذهن ها را سمت و سو می دهد. این تاریخ قدسی، خودبنیاد و خودسر نیست و به دست باد حوادث سپرده نشده است که بی حساب و بی قاعده، زمام زعامت شیعه به هر کسی و انهداده شود. بر عالم انقلابی، نظم نهران شده آسمانی حاکم است و اراده غیبی، صورت بندی مسیر و مدار آن را برعهده دارد. در سال شصت و هشت، "خامنه ای جوان" از همگان به "خمینی بنیان گذار"، شبیه تر بود و اینک، "خامنه ای جوان" نسبت به "خامنه ای شهید"، چنین وضع و منزلتی دارد. ملاک و معیار برگزیدن، شباهت معنایی و قرابت هویتی است نه امر دیگر. ولایت، خویشاوندی و خاندانی نیست، بلکه بسته و پیوسته به تبار باطنی است و بس. باید شبیه ترین فقیه به انگاره امامت شیعی را که رأی و نظر امام غایب – علیه السلام – به نصب وی تعلق گرفته است، کشف و عیان کرد تا جامعه زعامت به تن کند و در حوادث واقعه، هادی و هویت ساز شیعیان باشد. روشن است که آیت الله سیدمجتبی خامنه ای – حفظه الله تعالی – هم مجتهد جامع الشرائط و فقیه مسلم هستند و فضل و فرهیختگی ایشان بر علمای حوزه پوشیده نیست، و هم منزه و مهذب اند و به تقوا و تواضع شناخته می شوند. افزون بر این، ایشان به سبب "همراهی دیرینه" و "انس مستمر" با رهبر شهید و تدبیرهای ایشان، یک سیاست مدار زمانه آگاه و خوش فهم هستند که چند دهه، چونان ناظر در صحنه، مماس با واقعیت سیاسی در لایه های عالی و راهبردی بوده اند. این مصاحبت و مؤانست، موجبات کمال و پختگی و وزانت را در ایشان فراهم ساخته و عقل فقهی ایشان را به تدبیر عینی پیوند زده است. ولایت فقیه، منصب و موقعیتی است که محتاج تکوین چنین ترکیب کم یابی است. اینک به فضل و لطف الهی، مقام ولایت به این ذخیره و اندوخته انسانی که اوصاف و ارکان یادشده را در خویش جمع کرده، منتقل گردیده است. براین اساس، دست بیعت ایمانی به سوی ایشان دراز می کنم و عهد موّدت و اطاعت می بندم.



شخصیت جامع الاطراف و حکیم رهبر شهید

چهره‌های شاخص، قهرمانان و رهبران بزرگ دنیا معمولاً یا به معنویت و اخلاق شناخته می‌شوند یا به بهره‌مندی از مواهب ظاهری و اقتدار دنیایی و کمتر کسی پیدا می‌شود که هم بهره‌ای از معنویت و اخلاق داشته باشد هم کنشگر سیاسی موفقی باشد، هم در فکر عمران و آبادانی دنیا. در بین رهبران بزرگ دنیا تاریخ کمتر رهبری را نشان می‌دهد که جامع معنویت، فضیلت اخلاقی و اقتدار سیاسی باشد. اما رهبر شهید ما حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای یکی از استثناها در این زمینه است. ویژگی برجسته رهبر شهید، جمع میان سلوک معنوی، نگاه تمدنی و کنش سیاسی بود؛ ترکیبی که در سنت رهبری اسلامی کمتر در چنین مقیاسی قابل مشاهده است. در حالی که اهل معنویت، توجه به خدا و آراسته به فضائل اخلاقی بود، دغدغه مدنیت داشت و برای برپایی تمدن اسلامی طرح و نقشه داشت و در عین حال در متن سیاست حاضر و کنشگر سیاسی تمام عیار بود. ذو ابعاد بودن و همه‌جانبه‌نگری رهبر شهید انقلاب در طول قریب به ۳۷ سال رهبری و بیش از ۴۰ سال حضور ایشان در مناصب مهم، به شکل‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. این ویژگی سبب شده است که ایشان همواره به ابعاد گوناگون امور در کشورداری توجه داشته باشد و هیچ کدام را فدای دیگری نکنند. این ویژگی موجب شده است پیشرفت در منظر او تعریف متفاوتی داشته باشد، او نه به توسعه تک بعدی



یارعلی کرد فیروزجایی

پژوهشگر فلسفه و حکمت

برسکت

به مناسبت شهادت قائدات
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



توجه به رشد علمی

کشور دیگر نمود

همه جانبه نگری رهبر

شهید انقلاب است،

ایشان با اعتقاد راسخ

به اینکه علم، قدرت

می آورد، در دیدار

با نخبگان علمی،

حوزویان و دانشگاهیان

همیشه آنان را به تولید

علم، نظریه پردازی و

جابه جاکردن مرزهای

دانش و معرفت توجه

می دادند

دنیوی و سکولار باور داشت و نه به دین باوری عزلت گزینانه، بلکه در صدد احیای تمدن اسلامی ای بود که همزمان هم سعادت دنیا را رقم بزند هم سعادت آخرت را تضمین کند. او هم به رفاه بشر در دنیا می اندیشید هم به عدالت، هم با فساد مبارزه می کرد هم با ظلم و تبعیض، هم به علم و دانش بشری عنایت داشت هم به معرفت و حیانی و آسمانی. در اینجا محض نمونه به برخی از وجوه شخصیت ذو ابعاد رهبر شهید اشاره می شود:

نگاه توحید باورانه و معنوی

قبل از هر چیز ایشان به عنوان یک روحانی و مرجع تقلید، هم خود زیست معنوی و موحدانه داشتند هم دیگران را به آن دعوت و توصیه می کردند. نگاه توحید باورانه و مومنانه ایشان به خلوت عبادت و رفتار شخصی محدود نبود، بلکه در همه امور چنین نگاهی داشتند؛ در احکام صادره برای نصب افراد به مسئولیت های مختلف و بیاناتی که در دیدار با مسئولان، دانشجویان، نظامیان، ورزشکاران و دیگر اقشار مختلف داشتند، سفارش به تقوا، توجه به خدا، عمل مخلصانه و توسل به اهل بیت علیهم السلام و درک فرصت های معنوی موج می زد.

توجه به رشد علمی

توجه به رشد علمی کشور دیگر نمود همه جانبه نگری رهبر شهید انقلاب است، ایشان با اعتقاد راسخ به اینکه علم، قدرت می آورد، در دیدار با نخبگان علمی، حوزویان و دانشگاهیان همیشه آنان را به تولید علم، نظریه پردازی و جابه جاکردن مرزهای دانش و معرفت توجه می دادند؛ هم خودشان از مراکز علمی و نهادهای دانش بنیان حمایت ویژه داشتند و هم مسئولان را به این مهم توجه داده و می فرمودند: نکند از کاروان پیشرفت علمی دنیا عقب بمانیم. تاکید بر علوم پایه در دیدارها با نخبگان و دانشگاهیان و توصیه به لزوم ورود به عرصه های علمی تازه، مانند نانو، شبیه سازی، هوش مصنوعی و علوم شناختی، فیزیک کوانتوم و دانش هسته ای گواه بر اهتمام جدی ایشان به پیشرفت علمی است.

توجه به زیرساخت های حیاتی اقتصادی و عمرانی

توجه به زیرساخت های اقتصادی و امور زیربنایی در عمران کشور از دیگر نشانه های دید جامع شهید آیت الله خامنه ای است؛ توجه به زیرساخت هایی که شرط لازم توسعه اقتصادی اند و سازندگی زیربنایی که رفاه بلندمدت مردم را فراهم و زمینه ساز استقلال کشور باشد هرگز از ذهن ایشان دور نشد.

اینکه امروز، پس از شهادت آن رهبر فرزانه، می بینیم ایران اسلامی یک تنه و بدون حمایت قدرت های بین المللی مقابل ابرقدرت اتمی دنیا ایستاده و از خود دفاع می کند و نه تنها منفعل نشده بلکه او را بیچاره کرده است، به برکت زیرساخت های فراهم شده در دوره



زعامت این رهبر دوراندیش می باشد.

حتی زیرساخت‌های اداری و دیوانسالاری کشور طوری طراحی شده که در شرایط شهادت رهبر و فرماندهان عالی رتبه هم امور کشور پیش می رود هم دفاع جانانه و تحسین برانگیزی از کشور شکل می گیرد.

توجه به بعد امنیتی و نظامی

توجه به بعد امنیتی و نظامی دیگر نمود همه جانبه نگری رهبر شهید انقلاب است. در بعد نظامی تدبیر ایشان به گونه ای بود که با کمترین هزینه نظامی علیرغم تحریم های گسترده نیازهای نظامی کشور برآورده شد به گونه ای که نه تنها استقلال کشور در این زمینه برآورده شد، بلکه برخی از محصولات آن وارد بازارهای جهانی شده است. شاهد این موفقیت آن است که در شرایط جنگی پس از شهادت آن زعیم الهی، کشور روی پای خود ایستاده و محکم و استوار از خود دفاع می کند و با وجود هزینه دادن، که طبیعت هر جنگی است، همان که بود (جمهوری اسلامی) می ماند نه اینکه دچار نابودی و فروپاشی شود یا به عقب برگردد.

توجه به بصیرت سیاسی مردم و فرهنگ عمومی

رهبر شهید در بعد سیاسی، اجتماعی فرهنگی نیز تدبیری اندیشید که مردم بینش عمیقی در مسائل گوناگون پیدا کنند و با بصیرتی مثال زدنی با امور و حوادث مختلف مواجه شوند و تا آنجا که ممکن است صاحب تحلیل باشند. حضور جسورانه و شجاعانه مردم در ایام پس از شهادت رهبرشان که پاسدار میدان نظام اسلامی در مقابل بدخواهان و مزدوران بیگانه



زیرساخت‌های اداری
و دیوانسالاری کشور
طوری طراحی شده که
در شرایط شهادت رهبر
و فرماندهان عالی رتبه
هم امور کشور پیش
می رود هم دفاع جانانه
و تحسین برانگیزی از
کشور شکل می گیرد.

شده‌اند، به روشنی تدبیر داهیان رهبر شهید را در عرصه افکار عمومی نشان می‌دهد.

طراحی اقتصاد مقاومتی

یکی از اموری که رهبر شهید تاکید ویژه‌ای بر آن داشتند اقتصاد بود. او با تشخیص درست این نکته که دشمن با تمرکز بر اقتصاد و راه اندازی کارزار اقتصادی و اعمال تحریم همه جانبه برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی، سیاست اقتصاد مقاومتی را طراحی کردند و از فعالان اقتصادی خواستند با این رویکرد در عرصه اقتصاد وارد شوند تا بتوانند نقشه‌های دشمن را خنثی کنند.

■ فضیلت اخلاقی حکمت به مثابه منشاء ذو ابعاد بودن شخصیت رهبر شهید

آن چه که موجب شد شخصیت ایشان میان معنویت و تواضع اخلاقی، روحیه تمدن‌سازی و اقتدار سیاسی جمع کند و جامع ابعاد گوناگون باشد فضیلت اخلاقی حکمت است، این فضیلت موجب می‌شود انسان شخصیت ذو ابعاد پیدا کند و حق همه جوانب را نگه داشته باشد و از افراط و تفریط در جهات مختلف بپرهیزد.

حکمت در اینجا به معنای فلسفه یا هستی‌شناسی نیست، بلکه حکمت به معنای فضیلت نفسانی مربوط به عقل انسان است؛ عقل از یک سو ما را به ماورای عالم طبیعت متصل می‌کند و به ملکوت هستی و عالم معنا توجه می‌دهد و از سوی دیگر ما را در تدبیر زندگی دنیایی و عمران و آبادانی دنیا رهبری می‌کند و از جانب سوم تدبیر زندگی دنیوی و بهره‌مندی از تمتعات دنیایی را به گونه‌ای هدایت می‌کند که اولاً از عالم معنا غافل نشویم، ثانیاً به دیگران ظلم نکنیم. با عقل است که نیازهای خود را تدبیر و برآورده می‌کنیم، اگر در استفاده از آن کوتاهی کنیم و در مقام چاره‌اندیشی برای رفع نیازها نباشیم، همیشه وابسته به دیگران خواهیم بود و در تامین مسکن، غذا، پوشاک، امنیت و... همه چیز محتاج دیگران خواهیم بود، در این صورت اگر دیگران به هر دلیلی نیازهای ما را برآورده نکنند در مانده و تباه خواهیم شد، و هر گاه آنها بخواهند ما را نابود خواهند کرد. و اگر افراط کنیم، از ظلم و تضییع حقوق دیگران سر در می‌آوریم. انسان حکیم نه دست روی دست می‌گذارد و به دیگران تکیه می‌کند تا همیشه محتاج آنها باشد (نفی تفریط) و نه تمامیت خواهی است که همه چیز را برای خود می‌خواهد و به حقوق دیگران تجاوز می‌کند (نفی افراط). حکیم خردمندی است که بر اساس خرد تدبیر می‌کند تا به بهترین وجه ممکن در دنیا زندگی کند، زندگی‌ای که منتهی به سعادت معنوی و اخروی می‌شود.

در صورتی که نه افراط و نه تفریط داشته باشیم، آراسته به وصف حکمت خواهیم بود؛ یعنی هم با عقل خود نیازهای زندگی در دنیا را برآورده می‌کنیم هم به سوی سعادت معنوی و اخروی، یعنی قرب الهی، حرکت می‌کنیم. یک رهبر وقتی حکیم است که از روی خرد و عقلانیت، نیاز جامعه در ابعاد مختلف معنوی، نظامی، اجتماعی، حکومتی، اداری، اقتصادی و... را بشناسد و در صدد تهیه نقشه راهی برای برآوردن نیازها باشد و برای تأمین آنها تدبیر کند تا کشور بتواند روی پای خود بایستد، نیازهای خود را برآورد، در مقابل دشمنان و متجاوزان از موجودیت خود دفاع کند و باقی بماند و پیشرفت کند، پیشرفتی همه جانبه که بالاخره به سعادت دنیا و آخرت ختم می‌شود. همه جانبه‌نگری رهبر شهید ما و جامعیت شخصیت او از فضیلت حکمت ایشان برخاسته بود، او رهبر حکیم بود. او نه معنویت و اخلاق را پیش پای توسعه قربانی کرد، نه از پیشرفت عمرانی و اقتصادی کشور غافل ماند؛ نه استبداد و دیکتاتوری پیشه کرد نه از حق مردم در مقابل زیاده خواهان کوتاه آمد؛ نه به مشکلات اقتصادی کشور بی‌اعتنا بود نه از لزوم پیشرفت و ارتقاء تجهیزات نظامی غفلت کرد. رهبر شهید ما رهبری عقیف، شجاع و حکیم بود که با اقتدا به مولایش حسین بن علی (علیهما السلام) دست رد بر دعوت شهروندان جزیره بدنام اِپستین زد، آنها را رسوا کرد و شکست داد و جاودانه تاریخ شد.



نسبت امر ملی و امر دینی در اندیشه سیاسی شهید آیت الله خامنه‌ای

در تاریخ اندیشه سیاسی ایران، بحث نسبت امر ملی و امر دینی همواره یکی از مهمترین مباحث بوده و بخش زیادی از تأملات متفکران سیاسی را به خود اختصاص داده است. آنچه در این بحث مورد نزاع قرار گرفته این است که منافع ملی ایران را از چه راهی باید تأمین کرد؟ و امر دینی چه جایگاهی در این فرآیند دارد؟ دیدگاه‌هایی که در پاسخ به این پرسش اساسی مطرح شده‌اند را به شرح زیر می‌توان صورت بندی کرد:

محمد عرفان خانی

پژوهشگر

دیدگاه باستان‌گرایانه میرزا ابوالحسن فروغی و مشیر الدوله پیرنیا: ۱

روح ملیت ایرانی را نه در دوره اسلامی بلکه در گذشته باستانی باید جست‌وجو کرد. زیرا آثار مشترک گذشته، تاریخ و افتخارات قدیم عاملی قوی و مؤثر برای تقویت وحدت ملی و پیروان، تأمین منافع ملی است. طبق این دیدگاه، مرجع و محور اساسی در تأمین منافع ملی، پیشینه باستانی ایرانیان

است که راه سعادت ملی را پیش روی آنها قرار می دهد.

از منظر فروغی، پیرنیا و جریان ایرانشهری سید جواد طباطبایی به عنوان نسل متأخر روشنفکری باستان گرا، ایرانیان از کهن ترین ایام شهودی از وضع ملی خود پیدا کرده بودند و به پشتوانه این آگاهی ملی، نظریه مشروطه را تدارک دیده و راه تأمین منافع ملی ایران را یافتند.

دیدگاه تجددگرایان ضد سنت شامل احمد کسروی و سید حسن تقی زاده:

۲

باید خودآگاهی باستانی و خودآگاهی دینی را ترک گفت و در ساحت تجدد غربی به دنبال تأمین منافع ملی بود. چراکه تنها با پذیرش کامل الزامات تجدد غربی می توان به تحقق منافع ملی نزدیک شد و این مهم جز با ترک سنت و دین ممکن نخواهد بود. تقی زاده در راستای الزام به ترک فرهنگ ملی- مذهبی و پذیرش بی قید و شرط تمدن غربی می گفت:

«ایرانی باید از فرق سر تا نوک پا غربی شود. ایرانی باید جسماً و روحاً باطناً و ظاهرراً فرنگی شود. تقی زاده ریشه مشکلات کشور را در استبداد می دانست و راه علاج استبداد را نیز در استقرار ساختارهای اجتماعی تجدد و نفی کامل هرگونه دریافت سنتی از مفهوم دولت، قانون، مدنیت و... یافت.

دیدگاه بازگشت به خویشتن جلال آل احمد و علی شریعتی:

۳

اسلام و امر دینی تکیه گاهی مطمئن برای پیشبرد اهداف مترقی و تأمین منافع ملی هستند. چون خوانش متحرک و انقلابی از امر دینی، قدرتمندترین نیروی تحقق عدالت اجتماعی است که به عنوان مظهر اصلی منافع ملی شناخته می شود.

شریعتی راه علاج ناکارآمدی روش مبارزه مسلحانه جریان مجاهدین خلق و روش مبارزه سیاسی جریان جبهه ملی را در بازسازی امر دینی به عنوان ابزار روشنگری سیاسی می دانست. بدین ترتیب شریعتی احیای امر دینی را تبدیل به یگانه راه مبارزه کارآمد با نظام سیاسی و تنها راه الزام حاکمیت به تأمین منافع ملی کرد.

دکتر شریعتی معتقد بود:

اسلام تنها فرهنگ و تمدنی است که الان زنده است. البته اسلام را باید از خوانش های تکراری و ناآگاهانه ای که بزرگترین عامل انحطاط است، پاک کرد و به صورت اسلام آگاهی بخش مترقی معترض، و به عنوان یک ایدئولوژی آگاهی دهنده و روشنگر مطرح کرد»

دیدگاه جریان ملی مذهبی شامل مهندس مهدی بازرگان و عزت الله سبحانی:

۴



- شریعتی راه علاج
- ناکارآمدی روش
- مبارزه مسلحانه جریان
- مجاهدین خلق و روش
- مبارزه سیاسی جریان
- جبهه ملی را در بازسازی
- امر دینی به عنوان ابزار
- روشنگری سیاسی می
- دانست. بدین ترتیب
- شریعتی احیای امر
- دینی را تبدیل به یگانه
- راه مبارزه کارآمد با نظام
- سیاسی و تنها راه الزام
- حاکمیت به تأمین
- منافع ملی کرد.

امر دینی دارای جایگاهی ویژه و منحصر به فرد در فرآیند تأمین منافع ملی است. به این دلیل که توانایی هدایت اراده عمومی ایرانیان به سمت تأمین منافع ملی، امتیاز انحصاری نهاد دین است و به این اعتبار، امر دینی نقشی بی بدیل و حیاتی در تضمین منافع ملی ایران دارد.

مهندس بازرگان از اعتقادات مذهبی به عنوان یگانه محرک اراده ملی ایرانیان یاد می کرد و معتقد بود سایر محرکات مطرح، فاقد چنین قابلیت هستند:

محرک بعضی ممکن است، ناسیونالیسم، بعضی دیگر، عواطف انسانی و یا تعصبات نژادی و محرک بعضی ها سوسیالیسم باشد... ولی برای ما و برای عده ای از هم فکران ما و شاید اکثریت مردم ایران، محرکی جز مبانی و معتقدات مذهبی اسلامی نمی توانست وجود داشته باشد.»

مهندس سحابی نیز اعتقادات دینی را نیرویی برای بهبود و تداوم فعالیت سیاسی قلمداد می کرد و علت ترک جبهه ملی و تأسیس نهضت آزادی از سوی جریان ملی مذهبی را همین نکته می دانست:

«جبهه ملی بیشتر فعالیت سیاسی لائیک داشت و مستقل از فکر دینی بود، ولی ما معتقد بودیم که اگر فعالیت سیاسی می کنیم از روی وظیفه دینی است و بنابراین، فعالیت سیاسی را وابسته به عقاید دینی می دانستیم.»

البته جریان ملی مذهبی از هر نوع قرائت دینی که در آن، ایران صرفاً ابزاری برای خدمت به اسلام بوده و خدمت به ایران فاقد موضوعیت باشد، برائت می جست.

مهندس بازرگان خدمت به ایران از راه اسلام و خدمت به اسلام از راه ایران را دو مسیر جداگانه می دانست و مسیر نخست را به عنوان خط مشی جریان ملی مذهبی و رمز راهبردی این جریان با پیروان خط امام مطرح می کرد.

عزت الله سحابی نیز در مواجهه با ایدئولوژی دینی اتحاد اسلام، امر دینی را در تضاد با منافع ملی می دید و حکم به تقدم امر ملی می کرد.

بازرگان همچنین مدعی بود که در قرآن گزاره ای مبنی بر الزام و اجبار به نگاه فراملی برای تبلیغ اسلام و جایگاه ابزاری وطن در فرآیند ترویج دین وجود ندارد و از این رو راهبرد خدمت به ایران از راه اسلام، علاوه بر توانایی تأمین منافع ملی، واجد مشروعیت دینی است و هیچ تعارضی با تعلیمات قرآن ندارد.

بازرگان به زعم خود از موضع اسلام و ایران مقابل هرگونه نگاه غیر ملی به امر سیاسی می ایستاد و نگران نقض منافع ملی ایران از جانب نیروهای اسلام گرا و غیر ملی جمهوری اسلامی بود.

از این رو جریان ملی مذهبی هرگاه احساس می کرد که کنش سیاسی جمهوری اسلامی بر پایه راهبرد خدمت به اسلام از راه ایران شکل گرفته، به عناد و مخالف با سیاست های حاکمیت می پرداخت.

مخالفت شدید مهندس بازرگان و مهندس سحابی با تسخیر سفارت آمریکا و یا اعلام



مهندس بازرگان خدمت

به ایران از راه اسلام

و خدمت به اسلام از

راه ایران را دو مسیر

جداگانه می دانست

و مسیر نخست را به

عنوان خط مشی جریان

ملی مذهبی و رمز

راهبردی این جریان با

پیروان خط امام مطرح

می کرد.

مخالفت نهضت آزادی با تداوم دفاع مقدس در همین راستا قابل تحلیل است. در میان این صورت‌های فکری، امام شهید خامنه‌ای در قامت مهم‌ترین نیروی فکری گفتمان انقلاب، با الهام از تجارب تاریخی، تفسیر جدیدی از نسبت امر ملی و امر دینی ارائه کرد. در منظومه فکری ایشان، گرایش به امر دینی نه تنها مانع تأمین منافع ملی نیست بلکه متضمن میهن دوستی و حفظ الزامات تأمین منافع ملی از جمله تمامیت ارضی است. اگرچه ظاهراً اندیشه سیاسی رهبر شهید انقلاب در امتداد دیدگاه جریان بازگشت به خویشتن و دیدگاه جریان ملی مذهبی مطرح شده ولی در واقعیت، تفاوت‌های بنیادینی با این دو دیدگاه دارد. آیت‌الله خامنه‌ای برخلاف شریعتی، امر دینی را فارغ از دوگانه‌های کاذبی مثل دوگانه اسلام ابوذری و اسلام ابوعلی یا دوگانه تشیع صفوی و تشیع علوی می‌فهمد و هیچ نسبتی با نگاه‌گزینشی شریعتی به امر دینی برقرار نمی‌کند. افزون بر این، طرح راهبردی شریعتی مبنی بر تأمین قدرت ملی از راه اشتراک جغرافیایی و ادغام ملل اسلامی در حکومتی واحد، در تعارض کامل با نگرش سیاسی امام خامنه‌ای است. امام خامنه‌ای بارها تأکید کرده‌اند که مداخله در سرنوشت ملت‌های اسلامی و ادغام آنها در سایر کشورها، هرگز مدنظر جمهوری اسلامی نیست و مثلاً در مسئله فلسطین، سرنوشت این ملت باید با اراده خود آنها تغییر کند. اعلام بی‌اطلاعی رهبر انقلاب از عملیات طوفان الاقصی و یا تأکید ایشان بر برگزاری رفتارنام در فلسطین، بر اساس همین تلقی شکل گرفته است. در باب تفاوت دیدگاه امام شهید با دیدگاه جریان ملی مذهبی نیز باید یادآور شد که از نظر ایشان تفکیک مسیر خدمت به ایران از مسیر خدمت به اسلام، پنداری باطل بوده و به گواه تجربه تاریخی دفاع مقدس، خدمت به اسلام نه به منزله ترک مسیر خدمت به ایران بلکه عامل اصلی قرارگرفتن در مسیر خدمت به میهن است. در آزمون تاریخی دفاع مقدس، این جوانان مؤمن انقلابی بودند که از روی تعهد دینی، مسئولیت حفظ و حراست ایران را پذیرفتند و پیوندی لایزال میان اسلام و ایران برقرار ساختند. در حالی که مدعیان میهن دوستی پس از مدت‌ها سرزنش پیروان خط امام و محکوم کردن آنها به نقض منافع ملی، با بی‌شرمی از مسئولیت حفظ ایران شانه خالی کردند. رهبر شهید انقلاب در این باره می‌فرمود: از اوّل انقلاب، یک گروهی سعی میکردند گرایش به ملت‌ت را و نام ایران را و بزرگداشت ایران را در مقابل گرایش اسلامی و انقلابی قرار بدهند و تفکیک کنند بین مسئله‌ی ملت‌ت و مسئله‌ی اسلامیت. جنگ، دفاع مقدس و شهدای عزیز ما این وسوسه‌ی باطل را به طور واضح و به صورت عملی ابطال کردند. امتحان بزرگ جنگ پیش آمد، به مرزهای کشور حمله شد، ایران مورد تهاجم قرار گرفت، آن هم نه فقط تهاجم یک دولت و یک همسایه، [بلکه] یک تهاجم بین‌المللی به معنای واقعی کلمه که مکزک این را عرض کرده‌ایم؛ آن کسانی که ادعا میکردند طرف‌دار ایران هستند، از ترس درون خانه‌های خودشان خزیدند و حاضر نشدند یک قدم برای دفاع از مرزهای کشور بردارند، بعضی‌هایشان هم که گذاشتند رفتند از کشور؛ همان کسانی که مدعی طرف‌داری از ایران و ایرانی‌ت بودند! چه کسی از مرزها دفاع کرد؟ بچه مسلمان‌ها، نماز شب‌خوان‌ها، چیت‌سازبان‌ها، سلگی‌ها، لشکر انصارالحسین؛ اینها دفاع کردند، اسلام دفاع کرد از مرزهای ایران. اسلامیت و ایرانی‌ت دو قطب متضاد نیستند، یک حقیقتند. هر کسی طرف‌دار اسلام شد، هر کسی سرباز اسلام شد، از هر ارزشی - از جمله ارزش میهن و وطن - به طور طبیعی دفاع میکند. حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيْمَانِ؛ این از ایمان است.»



میراث تمدنی امامت پدر برای پسر

تحلیل آنچه در جریان جنگ رمضان اتفاق افتاد یا با آغاز این جنگ به چشم آمد و به ظهور رسید، در کنار همه رویکردهای ممکن، و با توجه به عظمت حوادث، بی شک رویکردی تمدنی را می‌طلبید که بتواند در یک نگاه کلان، همه عوامل کوچک و بزرگ صحنه را در یک قاب هماهنگ و منسجم نشان دهد. این تحلیل از سوی دیگر باید همچنین توان داشته باشد تا ضمن بازنشانی عوامل میدان، نگاهی هم به آسمان و نوع ارتباط آن با زمین داشته و حقایقی از این دست را نیز در معادله وارد کند.



محمدهادی همایون

استاد گروه فرهنگ و تمدن
دانشگاه امام صادق علیه السلام

الگوی پنج مرحله‌ای امام شهید

بر این اساس تحلیل تمدنی را می‌توان از الگوی پنج مرحله‌ای خود امام شهید آغاز کرد، الگویی که بیان می‌دارد در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی تاکنون دو مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را پشت سر گذاشته، و سه مرحله دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی را همچنان پیش رو داریم.

در خصوص مرحله نخست از این سه مرحله‌ی باقی‌مانده، منظور امام شهید از دولت اسلامی، همیشه بیش از آن که ناظر بر سازوکارهای اسلامی و انقلابی در اداره حاکمیت باشد، متوجه اخلاق و رفتار اسلامی و انقلابی کارگزاران نظام اسلامی بود. حد نهایی این

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم

تصویر آنجا تحقق می‌یافت که کارگزاران نظام می‌توانستند حلقه واسط درستی باشند میان منویات امام و خواسته‌های امت. واقعیت این است که ما در دوره‌هایی از انقلاب اسلامی از دولت‌ها و دولتمردانی برخوردار بودیم که نه تنها نمی‌توانستند این نقش ترجمانی را به درستی ایفا کنند، که در بیشتر موارد در رابطه مستقیم میان مردم و رهبری هم اختلال ایجاد می‌کردند.

شاهد بودیم که حمایت‌های امام شهید از همه دولت‌های منتخب مردم در ادوار مختلف و توجه دائم دادن به همه برای لزوم حمایت از اقدامات دولتمردان، در کنار تذکر دائمی به مسؤولان، نهایتاً شرایطی را ایجاد کرد که الگوی یک دولت مردمی ساده زیست و با دولتمردانی دغدغه‌مند و تلاشگر، به عنوان الگوی غالب و مورد پذیرش همه واقع شد، به نحوی که بر خلاف برخی دوره‌های قبل، دیگر دولت‌ها نمی‌توانستند و نمی‌توانند با زیست‌اشرفی و فاصله گرفتن از مردم، جایگاهی برای خود دست و پا کنند. این دست‌آورد بزرگ با ورود به جنگ رمضان صورت پیشرفته دیگری نیز به خود گرفت، و آن تزریق نگاه انقلابی و جهادی امام و امت به مدیران جامعه به عنوان یک کل بود، هرچند که غالباً در نگاه شخصی و به عنوان بخشی از مردم، این رویکرد در این گروه در طول زمان دیده می‌شد. اما آنچه در اینجا مهم است و می‌تواند ما را به این باور برساند که در حال گذر از مرحله دولت اسلامی نیز هستیم، بروز این نگاه مردمی، جهادی و انقلابی در کلیت دولت اسلامی است. شاید همین ظهور پاک دولت اسلامی است که در باطن عالم اقتضای بروز و ظهور اوج خباثت دولت‌ها و حاکمیت‌های حزب شیطان را داشته است، به نحوی که جهانیان را به این باور برساند که آنچه تاکنون از جباران تاریخ شنیده بودند، همه گرتنه‌برداری‌های ناقص و ابتدایی بوده از آنچه در این آخر زمان در یک جا متراکم شده است. فرعون و نمرود و دیگر جباران تاریخ، همه پیروان این گروه نابکار جمع شده در آخرالزمان بوده‌اند. افول قدرت پوشالی نظامی، اقتصادی، و حتی رسانه‌ای تمدن غرب در همین چارچوب قابل تحلیل است. ظهور حق همیشه در دل خود ظهور باطل را نیز به همراه دارد.

معرفی امام مردمی و تمدن‌ساز به مردم

اما آنچه در این مرحله در اوج قرار دارد، ظهوری است که در این دوره رهبری، از یک امام مردمی و تمدن‌ساز به مردم ایران، جهان اسلام، و سپس همه جهانیان هدیه شد. قرن‌ها بود که جهان در انتظار دیدن چنین انسان‌هایی بود که بتوانند الگوی کامل آنچه باشند که خداوند برای حضور بشر در زمین اراده کرده است. با ظهور امام خمینی و سپس ادامه مسیر در امام شهید، این تصویر به تمامه به رخ همه عالم کشیده شد. در طول سالیان و حوادث، ستاره‌های درخشان عالم علم و جهاد و مقاومت یکی پس از دیگری رخ در نقاب کشیدند تا ضمن حضور پرحیات شهیدانه در آن اردوگاه ملکوتی قیام ظهور، خود را به عنوان یک حجاب البته نورانی از جلوی این تصویر مشعشع کنار بکشند تا فرصت نورافشانی را برای این چهره ملکوتی فراهم کنند. در همین چند صباح کنار رفتن حجاب‌ها



افول قدرت پوشالی
نظامی، اقتصادی، و
حتی رسانه‌ای تمدن
غرب در همین چارچوب
قابل تحلیل است.
ظهور حق همیشه در
دل خود ظهور باطل را
نیز به همراه دارد.

بود که دیدیم گروههایی به خیل عاشقان ایشان پیوستند که با شهادت ناباورانه شان، داغ ادامه طولانی مسیر با این شخصیت الهی به عنوان یک غصه دائم برگوشه دلشان نشست، تا ظهور و رجعت. کنار رفتن حجاب پرنور ایشان نیز با شهادتشان، بی شک مقدمه ای است برای ظهور نور مطلق و آن یگانه تاریخ.

در آخرین سخنرانی رهبر شهید چه نکته تمدنی وجود داشت؟

اما معجزه بزرگتر این دوره ویژه مرحله جامعه اسلامی بود. امام شهیدمان اعتقاد داشتند که ابتدا باید دولت اسلامی شکل بگیرد و سپس جامعه اسلامی از دل آن ظهور کرده و شکوفا شود. در آخرین سخنرانی های خود نیز افاق این تعالی را تعیین کرده و شخصیت ابوذرا به عنوان شاخص برای یکایک افراد امت و جامعه اسلامی مطرح نمودند. اما در آخرین دیدار خود به حقیقت بزرگی در مورد این مردم اشاره کردند و آن تعبیر مبعوث شدن آنان از سوی خداوند برای تمام کردن کار بود، حقیقتی که چند روز بعد و با شهادت ایشان عملیاتی شد و معجزه بزرگ تاریخ را آفرید. این امت به یک باره چنان رشدی را در پی شهادت امامشان از خود نشان دادند، که خود تبدیل به امام شدند، همان حقیقتی را که در قالب دعای قرآن کریم^۱، سالیانی بود که از خداوند خواسته بودند. این مردم توانستند نشان دهند که در شرایط جنگی نهایی و آخرالزمانی، در حالی که امامشان به شهادت رسیده، به چنان رشدی رسیده اند که می توانند کشور را و انقلاب اسلامی و پیام مقاومت را بر سر دست گرفته و آن را تا تحویل به امام جدید و بلکه پس از آن نیز توفنده نگه دارند. جهادهای شبانه این امت و حضور حماسی در میدان های شهر، پدیده ای است که بی شک خداوند به آن در برابر ملائکه فخرها می کند^۲. این همان امت و قومی است که خداوند بارها در قرآن کریم با ذکر ویژگی های ایشان آنان را ستوده^۳ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بارها ذیل آن و به بهانه حضور سلمان فارسی در جمع اصحاب، به مکان جغرافیایی شکل گیری شان توجه داده اند.

با ظهور طوفانی دو پدیده دولت اسلامی و جامعه اسلامی، به نظر می رسد اینک در میانه میدان نهایی تمدن اسلامی ایستاده و به معجزه خون امام شهیدمان می نگریم که چگونه ما را از تنگناهای ظاهری خارج کرده و وسعت جهان را در برابر دیدگانمان گشوده است. آری، انقلاب اسلامی و تمدن اسلامی در حال جهانی شدن و نفوذ در دل های جهانیان است. جهان در حال قطب بندی میان دو جبهه حق و باطل است. به تعبیری یکی از مؤمنان غرب نشین، مردم جهان طرفدار انقلاب اسلامی ایران، و دولت مردانشان دشمن این مردمند.

این تعالی معنای حکمرانی، و این قوم و این امت در مسیر جهانی شدن، بزرگترین میراثی است که دو امام زمینه ساز ظهور، برای امام بعدی از خود به یادگار گذاشته اند. امام حاضر ما با چنین میراثی از گذشتگان و با افاق بلند ایام الله ظهور، رجعت، و قیامت، مأموریت خود را آغاز نموده است.

۱. و حیل بینهم و بین ما
بیشهون کما فعل باشیاعهم
من قبل، سبأ ۵۴
۲. واجعلنا للمتقین اماماً،
فرقان ۲۴
۳. انی اعلم ما لا تعلمون، بقره ۳۰
۴. مانده ۵۴، فتح ۲۹، مجادله
... ۲۲



امتداد مسیر در بستر سنن الهی

واکاوی قرآنی نخستین پیام رهبری

دکتر احمد صادقی

پژوهشگر

در نگاه توحیدی به تاریخ، تحولات جوامع بشری تصادفی یا صرفاً تابعی از معادلات قدرت‌های مادی نیست؛ بلکه تاریخ بر اساس سنت‌های الهی اداره می‌شود. در اندیشه متفکران انقلاب اسلامی قرآن کریم پرده از قوانین ثابتی برمی‌دارد که موتور محرک تاریخ‌اند. در شرایطی که فقدان رهبر عظیم‌الشأن انقلاب علیه‌السلام، تقاطع فشارهای بین‌المللی و شرایط جنگی، فضایی خطیر را رقم زده است، نخستین پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در جایگاه رهبری، صرفاً یک بیانیه سیاسی نیست؛ بلکه تطبیق دقیق شرایط کنونی کشور با سنن الهی و نشان دادن راه برون‌رفت از طریق اتصال به این قوانین تکوینی است. این یادداشت در پی آن است تا منطق این آغاز را از منظر الهیات اجتماعی اسلام تحلیل کند.

سنت «ابتلاء»: بستر فعلیت یافتن ظرفیت‌های امت

۱

اولین مفهوم بنیادینی که از خلال متن پیام قابل استخراج است، نگاه توحیدی به مسئله بحران و مفهوم سنت ابتلاء یا آزمون الهی است. در منطق قرآن، سختی‌ها، جنگ‌ها و حتی



فقدان رهبران الهی، نه نشانه رهاشدگی امت، بلکه سنت قطعی خداوند برای رشد جامعه است. در دستگاه محاسباتی ولایت فقیه، جنگ و فشارهای خارجی به عنوان یک بن بست تفسیر نمی شود، بلکه به مثابه کوره‌ای حرارتی برای خالص سازی و ارتقای ظرفیت‌های وجودی یک ملت فهم می‌گردد. در نخستین پیام رهبر انقلاب، با پرهیز از نگاه‌های مادی که بحران را نقطه پایان می‌پندارند، ایشان بر مفهوم صبر و استقامت تأکید می‌کند؛ صبری که در نگاه مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبایی، نه تنها انفعال نیست، بلکه صبر به نوعی مقاومت فعلا نه و حفظ انسجام درونی معنا می‌شود تا با سرافرازی در برابر ضربات بیرونی و آزمون الهی عبور کنیم.

سنت نصرت و جایگاه مردم در تحقق اراده الهی

۲

یکی از دقیق‌ترین فرازهای پیام رهبری، تبیین نسبت میان اراده مردم و یاری خداوند است. در نگاه رهبر انقلاب، جمهوریت یک روکش وارداتی و غربی نیست، بلکه ریشه در ضرورت حضور مردم برای اقامه قسط دارد (لِيُقَوِّمَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ)؛ یعنی سنت نصرت الهی یک امر ماورایی و منقطع از واقعیت‌های اجتماعی نیست. خداوند یاری خود را مشروط به حرکت جمعی امت کرده است (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ). در این نگاه، تأکید بر حضور مردم، وحدت ملی و نقش آنان در اقتدار کشور، یک تعارف سیاسی نیست؛ بلکه اعتراف به این حقیقت قرآنی است که تحقق اراده خداوند در زمین، منوط به عاملیت و پایداری مردم است. رهبر انقلاب در این پیام، پیوند امت و امامت را به عنوان تنها مجرای دریافت نصرت الهی در دوران جنگ و بحران معرفی می‌کند.



سنت خداوند بر این
است که برکات خود را بر
جامعه‌ای نازل کند که
در آن اخلاق، رحمت و
موااسات (رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)
جاری باشد.

سنت تقابل حق و باطل و منطق قرآنی مقاومت

نگاه ولی فقیه زمان، به مسئله جنگ و جبهه مقاومت، کاملاً منطبق بر سنت قرآنی تقابل ذاتی حق و باطل است. در منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی، جبهه استکبار علیرغم برخورداری از هیمنه ظاهری و تسلیحاتی، به دلیل فقدان اتکال به حق، دچار پوکی درونی است و مشمول سنت‌هایی چون استدراج؛ یعنی گام به گام به سمت نابودی رفتن در عین احساس قدرت و املاء - مهلت دادن الهی برای پر شدن پیمانہ - می‌باشد. از این رو، رویکرد این پیام به بازدارندگی، یک رویکرد ترکیبی است. در عین تأکید بر ضرورت عقلی و شرعی آمادگی دفاعی، نقطه اتکای اصلی را «ایمان به وعده تخلف ناپذیر الهی» و «گسترش جبهه حق» می‌داند. پیام منطقه‌ای این بیانیه، تصویری روشن از آینده‌ای ارائه می‌دهد که در آن، بر اساس سنت قطعی زوال باطل (إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)، مقاومت مؤمنانه به دفع نفوذ بیگانگان و تثبیت امنیت پایدار منجر خواهد شد.

تداوم مکتب در سایه هدایت عامه و استمرار ولایت

مسئله گذار و آغاز یک دوره جدید از رهبری، در ادبیات این پیام با مفهوم «تداوم» گره خورده است. در اندیشه شیعی، زمین هرگز از هدایت خالی نمی‌ماند. جایگاه این پیام در امتداد مکتب امام خمینی علیه السلام و رهبر شهید، نشان دهنده استمرار یک خط سیر الهی است. تأکیدات پیام بر حفظ اصول و مبانی، به مخاطب نشان می‌دهد که ولایت فقیه، قائم به شخص نیست، بلکه قائم به فقه، عدالت و مسیر توحیدی است. اشخاص تغییر می‌کنند، اما سنت هدایت و هندسه کلی حرکت نظام اسلامی به سوی اهداف عالی خود، بدون خلل ادامه می‌یابد. این همان نقطه آرامش بخشی است که پیام رهبری با ادبیاتی معنوی به جامعه تزریق می‌کند؛ اینکه کشتی انقلاب در پناه همان خدایی است که پیش از این، آن را از طوفان‌ها عبور داده است.

عدالت و مواسات؛ شرط نزول برکات الهی

بخش پایانی و بسیار مهم پیام توجه به خانواده شهدا، آسیب دیدگان جنگ و لزوم جبران خسارات است. در الهیات اجتماعی اسلام، جامعه‌ای که در آن به محرومان و آسیب دیدگان رسیدگی نشود، پیوند خود را با رحمت الهی قطع کرده است. دستورات و تأکیدات رهبری در این خصوص، فراتر از یک وظیفه بروکراتیک برای نهادهای دولتی، یک فریضه دینی برای تحقق تکافل اجتماعی و همبستگی و مسئولیت‌پذیری متقابل است. سنت خداوند بر این است که برکات خود را بر جامعه‌ای نازل کند که در آن اخلاق، رحمت و مواسات (رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ) جاری باشد.

جمع‌بندی

نخستین پیام سومین رهبر انقلاب، منشوری مبتنی بر واقع بینی مؤمنانه است. این پیام به صراحت بیان می‌کند که اگرچه کشور در شرایط خطیر و درگیر با فشارهای سنگین بین‌المللی است، اما تازمانی که «اراده ملی» در امتداد «سنن الهی» قرار گیرد و امت بر مدار ولایت و مقاومت حرکت کند، بن بستی وجود نخواهد داشت. پیام ایشان دعوتی است برای بازخوانی تحولات روزمره در آینه قوانین ثابت خداوند؛ قوانینی که پیروزی نهایی جبهه حق را مشروط به استقامت، بصیرت و همبستگی مؤمنان تضمین کرده است.



آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای مشاور ویژه و امین رهبر شهید ما بودند

اگرچه شهادت جانگداز امام شهید ما حضرت آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای نائب برحق امام عصر ارواحنا فدا و عجل‌الله تعالی‌بسیار جانشوز و تسکین‌ناپذیر است اما باید گفت که نظام ولایی قائم به شخص نیست یعنی اینگونه نیست که با رفتن یک فرد ولو اینکه در رأس نظام و با سوابق درخشان مدیریتی و رهبری باشد نظام از بین خواهد رفت و یا آسیب جدی ببیند؛ این برداشت غلط دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی است که در زمان حیات حضرت امام رضوان‌الله‌علیه هم مطرح می‌شد و غربی‌ها و برخی از جریان‌های سیاسی داخلی که با ولایت زاویه داشتند بر این باور بودند که امام به لحاظ شخصیت‌کاریماتیک و بلند و تاثیرگذار که داشتند توانستند انقلاب را پیش ببرند و به پیروزی برسانند و دولت اسلامی تشکیل دهد اما با رفتن امام از دنیا این نظام برپا نمی‌ماند و کسی قادر نخواهد بود مانند او راه امام را ادامه دهد.



محمد حسین رجبی دوانی

پژوهشگر تاریخ اسلام

■ بازخوانی تجربه رحلت امام خمینی رحمة الله و تداوم انقلاب اسلامی

من به خوبی به خاطر دارم حضرت امام رضوان‌الله‌و سلام‌الله‌علیه وقتی که این مطالب

بیرکت

به مناسبت شهادت قائدامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



شیخ حسین انصاریان

نویدبخش تداوم مسیر

ضمن عرض تسلیت

مجدد شهادت،

انتخاب خبرگان

نویدبخش تداوم

مسیری است که

امام راحل و رهبر

شهید پایه گذاری

نموده اند. امیدوارم

خداوند تفضلات

خاص خود را شامل

حال این ملت شریف

بگرداند.

و تحلیل‌ها و نظرات را از غربی‌ها می‌شنید می‌فرمود که این احمق‌ها فکر می‌کنند که این انقلاب و نظام قائم به شخص است و با رفتن شخص موثر نظام فرو می‌پاشد؛ ما دیدیم در آن برهه وقتی که حضرت امام رضوان الله علیه با آن شخصیت عظیم رحلت کرد چگونه به لطف خداوند نظام استوار باقی ماند و با رهبری رهبر شهید عزیز و حکیم ما نه تنها خللی در ارکان نظام پدید نیاورد بلکه نظام با استواری کامل از طریق رهبری هوشمندان، مدبرانه و خردمندانه رهبر شهید به حیات خود با قدرت ادامه داد و تمام توطئه‌ها و فتنه‌هایی را که هر یک از آنها کافی بود یک حکومت مقتدری را در هم بشکند با صلابت و قدرت به شکست کشانیدند.

این مهم در این نکته باید مورد بررسی قرار گیرد که نظام ما بر اساس ولایت استوار شده که استمرار امامت در عصر غیبت است و ولی فقیه به نیابت از امام عصر علیه الصلاة و السلام و ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت می‌کند بنابراین این حکومت و این نظام با سایر نظام‌ها حتی نظام‌های مدعی دموکراسی و انتخاب بر مبنای رای مردم کاملاً متمایز است چرا که حکومت صالحان است و اگر یک صالحی که بر جامعه به عنوان ولی فقیه حکومت می‌کند از دنیا برود یا شهید شود اگر چه ظلم بزرگی است ولی صالح بعد از صالح جایگزین می‌شود و این حرکت استمرار پیدا می‌کند. بنابراین نظامی که بر مبنای امامت امت برقرار است با رفتن یک امامی که رهبری جامعه را به نیابت از امام زمان علیه السلام در دست دارد دچار گسست و فروپاشی نمی‌شود به ویژه آنکه ما باور داریم که صاحب اصلی این نظام خود امام عصر ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه هستند و در حقیقت رهبری نظام هم با عنایت و نصب امام زمان علیه السلام تعیین می‌شود و مجلس خبرگان در حقیقت نگاه و نظر امام عصر ارواحنا فداه را کشف می‌کنند و نایب او را برای حکومت معرفی می‌کنند. بنابراین باز هم تاکید می‌کنم اگر چه شهادت رهبر انقلاب مصیبت بزرگی است اما به لطف خداوند و عنایات امام زمان علیه السلام نظام مبتنی بر ولایت در عصر غیبت با این مصیبت‌ها و ضربه‌ها آسیب نمی‌بیند و به حرکت خود به لطف خداوند ادامه می‌دهد.

چرا آیت الله مجتبی خامنه‌ای گزینه مناسبی برای رهبری سوم انقلاب است؟

اما در مورد شخص رهبر جدید انقلاب و امام امت خامنه‌ای دوم حفظ الله تعالی باید عرض کنم که بنده شناختی از معظم له نداشتم اما از همان موقعی که خبر شهادت جانگداز امام شهیدمان را شنیدیم در کنار داغدار بودن و مصیبت زدگی امید آن را داشتم که فرزند شایسته و خلف صالح امام شهید بر جای او تکیه زند. یکی اینکه من به رغم عدم توفیق زیارت و آشنایی با معظم له از افراد موثق و مورد اعتماد که با حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظ تعالی همنشین بودند و جلساتی داشتند شنیدیم که اولاً نزدیک‌ترین فرد از نظر شخصیتی به رهبر عزیز شهید

ما از هر جهت بوده و هستند و ثانیاً یکی از عزیزان نقل می‌کرد که از رهبر شهیدمان شنیده بودند که فرموده بود که آقای سید مجتبی در بین فرزندان از نظر شخصیتی نزدیکترین به من است.

نکته دوم اینکه خبرگان که نمایندگان ما هستند و وظیفه دارند بر اساس تکلیف شرعی و قانونی خود فرد اصلح را معرفی کنند بر مبنای اصولی و شرایطی که در قانون اساسی آمده شرایط را بررسی کرده‌اند و معظم له را شایسته و دارای تمام آن ویژگی‌ها تشخیص دادند و لذا این‌ها که خود فقیهان مبرز هستند و در این مسئله خبره هستند، شکی نیست و آنها با اکثریت قاطع آرا تشخیص دادند و لذا خیال ما از این حیث کاملاً آسوده است.

از سالها پیش یعنی از ۲۰ سال قبل حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظ الله تعالی مشغول به درس خارج فقه هستند و می‌دانیم کسی که درس خارج در حوزه می‌گوید باید فقیه مبرز و مسلط در ابواب فقهی باشد.

دوم ذکر شده است که عدالت و تقوای لازم باید در کسی که به رهبری می‌رسد وجود داشته باشد این عزیزان چنین ویژگی را در معظم له کاملاً سراغ دارند که برگزیده‌اند از تقوای ایشان همین نکته بس که به رغم اقبال گسترده از درس خارج ایشان به یاد داریم که حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظ الله تعالی درس خارج خود را تعطیل کرد چرا که استقبال گسترده از درس خارج ایشان باعث شده بود که درس خارج سایر فقها تحت شعاع قرار بگیرد و خلوت شود و لذا این از تقوای بالای معظم له است که برای جلوگیری از آسیب دیدن درس سایر اساتید حوزه درس خود را تعطیل کرده است و یک نمونه واضح از تقوای بالای ایشان است.

نکته سوم در مورد بینش صحیح سیاسی و اجتماعی تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری است که باید در منتخب خبرگان وجود داشته باشد که باز اکثریت قاطع خبرگان دقیقاً بر مبنای برداشت و استنباط و بررسی سوابق به این نتیجه رسیدند.

بنده که در کنار گود هستم و در این عرصه حضوری ندارم اما می‌دانم معظم له مشاور و مشاور ویژه و امین رهبر شهید ما و رابط رهبری در دوران زعامت پدر با دستگاه‌های مختلف حاکمیتی بوده‌اند و در مسائل گوناگون و در تصمیمگیری‌های رهبر شهید ما بسیار موثر بودند. این امر نشان دهنده وجود تسلط و بینش معظم له در سطح بالا است که این مهم از نخستین پیام رهبر عزیز جدید ما کاملاً هویدا است با اینکه در یک موقعیت سخت یعنی زمانی که داغ دیده پدر، همسر، خواهر و برخی دیگر از عزیزان خود بودند و کشور در حالت جنگی قرار دارد این پیام با صلابت نشان دهنده بینش فوق العاده بالای سیاسی و اجتماعی و شجاعت معظم له است که از او در یک چنین موقعیتی صادر می‌شود.

لذا در کنار غم و اندوه فراوان مصیبت شهادت پدر خدا را شاکریم که فرزند صالح با این ویژگی‌ها در جای پدر شهید خود نشست است و انشاءالله خط نجات جامعه بشری و انسانی و مسلمین را که پدر ترسیم کرده بود انشاءالله به خوبی ادامه خواهند داد. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته



به رغم اقبال گسترده
از درس خارج ایشان
به یاد داریم که حضرت
آیت الله سید مجتبی
خامنه‌ای حفظ الله
تعالی درس خارج خود
را تعطیل کرد چرا که
استقبال گسترده از
درس خارج ایشان باعث
شده بود که درس خارج
سایر فقها تحت شعاع
قرار بگیرد و خلوت شود



خوانشی راهبردی از معماری امنیت ملی در نخستین پیام رهبر جدید انقلاب اسلامی



سعید سپاهی

تحلیلگر امنیت شناختی

نخستین پیام یک رهبر درگرم‌گرم‌ترین تبادلات آتش و در بحبوحه‌ی یک جنگ تمام‌عیار، هرگز یک مرثیه‌نامه یا صرفاً یک بیانیه برای تسلای خاطر عمومی نیست؛ بلکه یک «مانیفست عملیاتی» و کالیبره کردن مجدد دستگاه محاسباتی نظام برای ورود به یک فاز جدید از تخاصم است. پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، درست در نقطه‌ای صادر شد که ماشین جنگی غرب، با توهم اجرای موفقیت‌آمیز پروژه حذف فیزیکی رهبری پیشین و بخش وسیعی از ساختار تصمیم‌گیر، منتظر فروپاشی دومینوی اراده‌ی ملی در ایران بود. اما واگوی متن این پیام در محور «جنگ، مقاومت و امنیت ملی»، نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم شگرف در دکترین نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی است. این یادداشت تلاش می‌کند سه رکن اصلی این دکترین جدید را از دل کلمات پیام استخراج و تحلیل کند.

شکست استراتژی «حذف رهبر معظم انقلاب» و تغییر گرانگه‌گاه استراتژیک

۱

در ادبیات کلاسیک نظامی، مفهومی به نام «مرکز ثقل» یا گرانگه‌گاه وجود دارد؛ نقطه‌ای که اگر منهدم شود، کل سیستم فرو می‌پاشد. دشمن در محاسبات خطی خود، رهبری



و ساختار حاکمیت را گرانبگاه نظام فرض کرده بود. اما حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای در همان سطور آغازین پیام، با عبور سریع از اندوه شخصی (شهادت پدر و اعضای خانواده)، یک پاتک شناختی سنگین به این محاسبه می زند. ایشان با معرفی «مردم» به عنوان صاحبان اصلی انقلاب و نیروی محرکه جبران خلأها، رسماً اعلام می کند که جمهوری اسلامی یک سیستم «فردمحور» نیست، بلکه یک ساختار «خودترمیم شبکه ای» است.

در این منطق، معادله ی بقای سیستم این گونه بازنویسی شده است:
قدرت ملی = (دارایی های ژئوپلیتیک + تجهیزات نظامی) × اراده مردم
پیام رهبری به وضوح نشان می دهد که «اراده مردم»، همان متغیر مستقلى است که در صورت حفظ و تقویت، می تواند نابودی فیزیکی بخش هایی از حاکمیت یا زیرساخت ها را جبران کند. دشمن نمی تواند ۸۵ میلیون نفر را بمباران کند؛ بنابراین، با انتقال مرکز ثقل قدرت از «ساختار» به «مردم»، پروژه حذف رهبری عملاً در سطح راهبردی خنثی و بلا موضوع اعلام می شود.

دکترین «محاسبه ی جبری»؛ از پاسخ متقارن تا تحمیل هزینه بازسازی

۲

شاید انقلابی ترین و بی سابقه ترین بخش پیام در حوزه امنیت ملی، تغییر ادبیات «انتقام» به ادبیات «جبران خسارت» است. تا پیش از این، دکترین بازدارندگی غالباً بر محور «پاسخ متقابل و متقارن» استوار بود. اما حضرت آقا سید مجتبی خامنه ای یک سطح جدید از جنگ اقتصادی-زیرساختی را به معادله اضافه می کند. ایشان در پیام خود تأکید می کنند که دشمن باید هزینه ی تمام خرابی ها، از زیرساخت های انرژی تا خانه های مردم را بپردازد.



جمهوری اسلامی یک
سیستم «فردمحور»
نیست، بلکه یک ساختار
«خودترمیم شبکه ای»
است.

این دیگر یک شعار حماسی نیست؛ این اعلام رسمی «دکترین ماشین حساب جنگی» است. منطق نهفته در این پیام به دشمن می‌گوید: از این پس، هدف بانک اهداف موشکی و سایبری ما، صرفاً انهدام پرتابگرهای شما نیست، بلکه هدف قرار دادن شریان‌های اقتصادی، زیرساخت‌های انرژی و منافع سرمایه‌داری شما در سراسر جهان است، تا جایی که معادله‌ی زیر محقق شود:

هزینه تحمیلی به دشمن و هزینه بازسازی ایران

این رویکرد، جنگ را از یک تقابل صرفاً نظامی کلاسیک، به یک «فرسایش اقتصادی غیرقابل تحمل» برای بلوک غرب تبدیل می‌کند. رهبری که تمام تعلقات شخصی و خانوادگی خود را از دست داده، اکنون به بازیگری با «آسیب‌پذیری صفر» تبدیل شده است و در بالاترین سطح از «اعتبار اراده»، ماشین جنگی دشمن را به پرداخت غرامت اجباری تهدید می‌کند.

پایان دوران «منطقه خاکستری»؛ اولتیماتوم قطعی به همسایگان

۳

سومین رکن راهبردی این پیام، تعیین تکلیف قطعی با ژئوپلیتیک منطقه است. در دهه‌های گذشته، بسیاری از کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکایی در منطقه (مانند بحرین، امارات، قطر و...) سعی می‌کردند در یک «منطقه خاکستری» بازی کنند؛ یعنی همزمان هم شریک اقتصادی ایران باشند و هم زمین بازی را در اختیار ماشین ترور فرماندهی مرکزی آمریکا قرار دهند. پیام جدید، خط بطلانی بر این سیاست دوگانه می‌کشد. رهبر انقلاب با تفکیک صریح مفهوم «همسایگی» از «پایگاه متخاصم»، یک منطق صفر و یک را بر منطقه حاکم می‌کند:

حالت صفر: همسایه‌ایی که آسمان و زمینش را به روی دشمن می‌بندد (مشمول سیاست حسن همجواری و امنیت مشترک).

حالت یک: همسایه‌ایی که پایگاه، رادار یا مسیر پروازی در اختیار دشمن می‌گذارد.

پیام مستتر در این بخش این است که در دکترین جدید، موشک‌های ایران تفاوتی بین «جنگنده آمریکایی» و «باند فرودکشور میزبان» قائل نخواهند شد. این اولتیماتوم، هزینه میزبانی از آمریکا را برای شیوخ منطقه به شدت بالا برده و آن‌ها را مجبور می‌کند بین امنیت اقتصادی خود و حفظ پایگاه‌های خارجی، یکی را انتخاب کنند. این اقدام، هوشمندانه‌ترین روش برای خلع سلاح پشتیبانی و تدارکاتی آمریکا در خاورمیانه، بدون نیاز به درگیری مستقیم اولیه با خود آن‌هاست.

نتیجه‌گیری

نخستین پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، صرفاً آغاز یک دوره‌ی جدید تقویمی نیست، بلکه استقرار یک «نرم‌افزار امنیتی جدید» در سخت‌افزار جمهوری اسلامی است. این پیام نشان می‌دهد که رهبری جدید، با درک دقیق از نقاط کور ماشین جنگی غرب، قصد دارد زمین بازی را از تقابل نقطه‌ایی نظامی، به سمت «تنگنای اقتصادی-زیرساختی» و «بحران تدارکاتی منطقه‌ایی» برای دشمن تغییر دهد. مردمی که در این پیام مورد خطاب قرار گرفته‌اند، دیگر صرفاً نظاره‌گران میدان نبرد نیستند، بلکه خود، اصلی‌ترین مؤلفه‌ی تولید قدرت در فرمول بقای ایران به شمار می‌آیند. در این خوانش، جمهوری اسلامی نه تنها از بحران تروریسم دولتی دشمن جان سالم به در برده، بلکه اکنون در حال تحمیل قواعد بازی خود برای یک تسویه حساب تاریخی است.



عقلانیت انقلابی در اندیشه امام خامنه‌ای رحمة الله علیه

چارچوبی جامع برای تفکر و عمل انقلابی

عقلانیت انقلابی، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه سیاسی-اجتماعی امام خامنه‌ای، نه تنها به عنوان ابزاری برای مدیریت امور کشور عمل می‌کند، بلکه به عنوان ارزشی بنیادین و اخلاقی، جان بخشی به تمامی اقدامات و فعالیت‌های نظام اسلامی است. این مفهوم در چارچوب انقلاب اسلامی ایران، که با تقدیم خون هزاران شهید در انقلاب اسلامی و در هشت سال دفاع مقدس به ثمر نشست است، معنایی فراتر از سادگی و عملیاتی بودن دارد. عقلانیت انقلابی، در دیدگاه امام شهید، عقلی است که در مسیر آرمان‌های انقلاب، به ویژه مردم‌گرایی، ظلم‌ستیزی و استقلال، با واقع‌نگری، دوراندیشی و امیدواری، عمل می‌کند.

در اندیشه امام خامنه‌ای رحمة الله علیه، عقلانیت انقلابی، شرایط علی اثرگذار بر تحقق آرمان‌های مقدس انقلاب است. ارزش‌ها و باورهای اساسی مانند مردم‌گرایی و ظلم‌ستیزی نباید در گذر زمان کمرنگ یا فراموش شوند؛ بلکه باید به عنوان پایه‌ای محکم، هدایت‌کننده عقلانیت عملی در تمام عرصه‌ها باشند. این عقلانیت، جز با تلاش خستگی‌ناپذیر، دانش‌بنیان و اتکا به نیروی درونی اسلام و کشور، محقق نخواهد شد.

استقلال و عدم وابستگی، در این دیدگاه، محور و هسته مرکزی تمامی اقدامات و فعالیت‌های کشور به شمار می‌آید. اتکا بر توانمندی‌های داخلی و تلاش برای پیشرفت روزافزون این توانمندی‌ها، امری ضروری است. معنویت نیز، به عنوان بسترو زمینه‌ساز

نقیسه محمدی

پژوهشگر حوزه علوم انسانی

تمامی اقدامات قابل توجه، نقشی محوری دارد. بدون آن، عقلانیت به ابزارگرایی خالص تبدیل می‌شود و از ماهیت انقلابی خود فاصله می‌گیرد.

در نهایت، عقلانیت انقلابی با مواردی چون مردم‌محوری، ظلم‌ستیزی، رویکرد اجرایی، قانون‌مداری، انتقادپذیری و آزاداندیشی، روحیه و اخلاق انقلابی، ایستادگی و ثبات قدم، هویت اسلامی و رسیدن به جامعه تراز انقلاب اسلامی مشخص می‌گردد. این مختصات، علاوه بر اهداف راهبردی، مبنای سنجش عملکرد نظام را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز ترسیم می‌کند.

■ تعریف مفهومی عقلانیت انقلابی

عقلانیت انقلابی در اندیشه امام شهید، مفهومی پویا و چندبعدی است که نه تنها از منطق فلسفی و اخلاقی اسلام استخراج شده است، بلکه با توجه به شرایط تاریخی و نیازهای انقلاب اسلامی، به صورت عملی و راهبردی صورت‌بندی می‌شود. این مفهوم، از یک سو، از مفاهیم عمومی «عقلانیت نظری» و «عقلانیت ابزاری» متمایز است و از سوی دیگر، با «عقلانیت ارزش‌شناختی» و «عقلانیت عملی» در ارتباط نزدیک قرار دارد. در واقع، عقلانیت انقلابی، ترکیبی از عقلانیت نظری، ارزش‌شناختی و عملی است که در خدمت آرمان‌های انقلاب، مانند مردم‌گرایی، ظلم‌ستیزی و استقلال، قرار می‌گیرد.

در این دیدگاه، عقلانیت انقلابی به معنای عقلانیتی است که به واقع‌نگری و شناخت دقیق شرایط می‌انجامد، همچنین با اتکا بر آرمان‌های انقلاب، جهت‌دهی و هدایت می‌کند. امام خامنه‌ای در بیانیه‌های متعدد، بر این نکته تأکید کرده‌اند که انقلاب اسلامی، انقلابی است «نه از روی هیجان و افکار نادرست بلکه از روی عقل و حقیقت» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۴/۳۶۵، ص ۱۱۳). این جمله، ماهیت عقلانیت انقلابی را به خوبی بیان می‌کند: انقلابی که بر پایه عقل و حقیقت بنا شده است، نه بر پایه هیجان، سوءتفاهم یا افکار غلط.

از این رو، عقلانیت انقلابی، صرفاً به معنای سازمان‌دهی و مدیریت صحیح امور نیست، بلکه یک ارزش اخلاقی و روحی نیز محسوب می‌شود. در این راستا، امام خامنه‌ای در دیدار کارگران (۱۳۹۶/۲/۱۰)، به وضوح اظهار کردند: «انقلابی بودن به معنای بی‌نظمی نیست. انقلابی بودن به معنای نظم عاقلانه و مدبرانه است» (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). این بیان، تضاد عقلانیت انقلابی با هیجان‌زدگی، بی‌تفاوتی و اقدامات ناپخته را به خوبی نشان می‌دهد.

همچنین، عقلانیت انقلابی در اندیشه امام، به عنوان یک «عقلانیت عملی» تعریف می‌شود که در مسیر آرمان‌های انقلاب، با واقع‌نگری، دوراندیشی و امیدواری، عمل می‌کند. این عقلانیت، به دنبال راه‌هایی است برای تحقق آرمان‌ها در شرایط واقعی. در اینجا، عقلانیت انقلابی، از یک سو، نیازمند آگاهی واقعی از شرایط داخلی و خارجی است و از سوی دیگر، نیازمند اتکا به توانمندی‌های داخلی و پیشرفت روزافزون آن‌هاست.

از دیدگاه امام، عقلانیت انقلابی، هم در سطح تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کلان، هم در سطح عملیات روزمره و فرهنگ جامعه نیز باید حاکم باشد. در این راستا، در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، تأکید شده است که «عقلانیت انقلابی، با مردم‌محوری، ظلم‌ستیزی، رویکرد اجرایی، قانون‌مداری، انتقادپذیری و آزاداندیشی، روحیه و اخلاق انقلابی، ایستادگی و ثبات قدم، هویت اسلامی مشخص می‌گردد» (مطهری‌نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این موارد، معیارهایی برای سنجش عقلانیت در تصمیمات و اقدامات مختلف محسوب می‌شوند.

در نهایت، عقلانیت انقلابی، به عنوان یک مفهوم کلیدی در اندیشه امام خامنه‌ای، همچون ابزاری برای مدیریت

امور کشور عمل می‌کند که ارزشی بنیادین و اخلاقی، جان بخشی به تمامی اقدامات و فعالیت‌های نظام اسلامی نیز هست. این مفهوم، در چارچوب انقلاب اسلامی ایران معنایی فراتر از سادگی و عملیاتی بودن دارد.

ابعاد و جنبه‌های عقلانیت انقلابی در اندیشه امام خامنه‌ای

عقلانیت انقلابی در اندیشه امام خامنه‌ای، یک مفهوم پویا و چندبعدی است که در چارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی، با واقع‌نگری، دوراندیشی و امیدواری، صورت‌بندی می‌شود. در این بخش، به صورت تحلیلی، به شرح ابعاد و جنبه‌های اصلی این مفهوم پرداخته می‌شود.

۱-۳. استقلال و عدم وابستگی به عنوان هسته مرکزی

استقلال و عدم وابستگی، در اندیشه امام خامنه‌ای، محور و هسته مرکزی تمامی اقدامات و فعالیت‌های کشور به‌شمار می‌آید. این استقلال، نه تنها سیاسی و نظامی بلکه اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی است. در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، به وضوح بیان شده است: «استقلال و عدم وابستگی، محور و هسته مرکزی تمامی اقدامات و فعالیت‌های کشور است» (مطهری‌نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این استقلال، در دیدگاه امام، به عنوان یک ارزش اخلاقی و روحی نیز محسوب می‌شود، چراکه بدون آن، امکان تحقق آرمان‌های انقلاب، مانند مردم‌گرایی و ظلم‌ستیزی، فراهم نخواهد شد.

استناد به بیانات امام در دیدار کارگران (۱۳۹۶/۲/۱۰)، نشان می‌دهد که «استقلال و عزت ملی»، نتیجه تلاش خستگی‌ناپذیر، دانش‌بنیان و اتکا به نیروی درونی اسلام و کشور است (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). این بیان، ارتباط نزدیک بین استقلال و عقلانیت انقلابی را به خوبی نشان می‌دهد: استقلال، شرط لازم عقلانیت است، و عقلانیت، راهگشای تحقق استقلال.

۲-۳. اتکا بر توانمندی‌های داخلی و پیشرفت روزافزون آن‌ها

اتکا بر توانمندی‌های داخلی، یکی دیگر از ابعاد مهم عقلانیت انقلابی است. در اندیشه امام، این اتکا، شکلی از عقلانیت عملی است که براساس آگاهی واقعی از شرایط داخلی صورت می‌گیرد. در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، تأکید شده است که «پیشرفت روزافزون توانمندی‌های داخلی»، امری ضروری است (مطهری‌نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این پیشرفت، فراتر از حوزه علم و فناوری، در حوزه اقتصاد، فرهنگ و اخلاق نیز اهمیت دارد.

استناد به تأکید امام بر «علم و معنویت» در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نشان می‌دهد که این دو جنبه، بدون یکدیگر، به صورت کامل عمل نمی‌کنند (مطهری‌نسب و بیدهندی،



در سند الگوی اسلامی-
ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)،
به وضوح بیان شده
است: «استقلال و
عدم وابستگی، محور
و هسته مرکزی تمامی
اقدامات و فعالیت‌های
کشور است»

۱۴۰۱، ص ۱۵). اتکاب بر توانمندی‌های داخلی، بدون علم، ناکارآمد است؛ و علم، بدون معنویت، به ابزارگرایی خالص تبدیل می‌شود.

۳-۳. معنویت به عنوان بستر و زمینه ساز

معنویت، در اندیشه امام خامنه‌ای، بستر و زمینه ساز تمامی اقدامات قابل توجه است. در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، به وضوح بیان شده است: «معنویت، بستر و زمینه ساز تمامی اقدامات قابل توجه است» (مطهری نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این معنویت، علاوه بر ارزشی اخلاقی، عاملی در تقویت ایستادگی و ثبات قدم در برابر فشارها محسوب می‌شود. استناد به تأکید امام بر «روحیه و اخلاق انقلابی»، نشان می‌دهد که بدون معنویت، عقلانیت به ابزارگرایی و محاسبه‌گری خالص تبدیل می‌شود (مطهری نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). در اینجا، عقلانیت انقلابی، به عنوان یک ارزش اخلاقی و روحی، نیازمند معنویت است.

۳-۴. آینده‌نگری، دوراندیشی و امیدواری

آینده‌نگری، دوراندیشی و امیدواری، ابعاد مهم دیگری از عقلانیت انقلابی هستند. در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، تأکید شده است که «آینده‌نگری» و «امیدواری»، از استراتژی‌های اصلی عقلانیت انقلابی هستند (مطهری نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این امیدواری، به عنوان مؤلفه‌ای عمل‌گرا تعریف می‌شود. استناد به بیانات امام در دیدار فرماندهان نیروی هوایی (۱۳۹۲/۱۱/۱۹)، نشان می‌دهد که «واقع‌نگری بدون امیدواری، تسلیم‌آمیز است؛ امیدواری بدون واقع‌نگری، سرگردانی است» (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). این بیان، ارتباط نزدیک بین واقع‌نگری و امیدواری را به خوبی نشان می‌دهد: واقع‌نگری، شرط لازم امیدواری است، و امیدواری، هدایت‌کننده واقع‌نگری.

۳-۵. نگاه راهبردی و تحول در سازوکارها

نگاه راهبردی و تحول در سازوکارها، ابعاد مهم دیگری از عقلانیت انقلابی هستند. در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، به وضوح بیان شده است: «ثبات در آرمان‌ها و تحول در سازوکارها»، امری ضروری است (مطهری نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این تحول، نه تنها در سطح سیاست‌گذاری، بلکه در سطح عملیات روزمره نیز اهمیت دارد.

استناد به بیانات امام در دیدار فرماندهان نیروی هوایی (۱۳۹۲/۱۱/۱۹)، نشان می‌دهد که «تکتیک‌ها را می‌توانید عوض کنید، اما اصول مستحکم باید بمانند» (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). این بیان، ارتباط نزدیک بین ثبات در آرمان‌ها و تحول در سازوکارها را به خوبی نشان می‌دهد: ثبات در آرمان‌ها، شرط لازم تحول در سازوکارها است، و تحول در سازوکارها، راهگشای تحقق آرمان‌ها.

۳-۶. وحدت‌افزایی، جهت‌گیری و هدف‌گذاری انقلابی

وحدت‌افزایی، جهت‌گیری و هدف‌گذاری انقلابی، ابعاد مهم دیگری از عقلانیت انقلابی هستند. در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، تأکید شده است که «مردم‌گرایی» و «مردم‌محوری»، ماهیت انقلاب است



(مطهری نسب و بیدهدندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این مردم‌گرایی، نه تنها به عنوان ارزشی اخلاقی، بلکه به عنوان عاملی در تقویت وحدت افزایی محسوب می‌شود. استناد به تأکید امام بر «قانون‌مداری» و «انتقادپذیری»، نشان می‌دهد که انتقاد سازنده، برای تقویت نظام، نه تضعیف آن، ضروری است (مطهری نسب و بیدهدندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این انتقاد، در سطح سیاست‌گذاری و در سطح عملیات روزمره اهمیت دارد.

۳-۷. جوان‌گرایی، همت بلند و اعتمادسازی

جوان‌گرایی، همت بلند و اعتمادسازی، ابعاد مهم دیگری از عقلانیت انقلابی هستند. در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، تأکید شده است که «اعتمادسازی»، از استراتژی‌های اصلی عقلانیت انقلابی است (مطهری نسب و بیدهدندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این اعتماد، عاملی در تقویت همت بلند و جوان‌گرایی محسوب می‌شود. استناد به تأکید امام بر «اعتماد به توان خود» و «پرهیز از ملاحظه‌کاری»، نشان می‌دهد که بدون این اعتماد، عقلانیت به ابزارگرایی و محاسبه‌گری خالص تبدیل می‌شود (مطهری نسب و بیدهدندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵).

۳-۸. نظم، ساده‌زیستی، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی

نظم، ساده‌زیستی، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، ابعاد مهم دیگری از عقلانیت انقلابی هستند. در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، تأکید شده است که «ساده‌زیستی»، از ویژگی‌های اصلی عقلانیت انقلابی است (مطهری نسب و بیدهدندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این ساده‌زیستی، نه یک ارزشی اخلاقی، بلکه عاملی در تقویت نظم و مبارزه با فساد



نظم، ساده‌زیستی،
مبارزه با فساد و
بی‌عدالتی، ابعاد مهم
دیگری از عقلانیت
انقلابی هستند. در
سند الگوی اسلامی-
ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)،
تأکید شده است که
«ساده‌زیستی»، از
ویژگی‌های اصلی
عقلانیت انقلابی است

و بی‌عدالتی است. استناد به تأکید امام بر «ظلم‌ستیزی»، نشان می‌دهد که مبارزه با ظلم، عملی عقلانی و انقلابی است (مطهری نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵).

■ صورت‌بندی عقلانیت انقلابی در نظام اسلامی

عقلانیت انقلابی، در سطح اندیشه و نظری محدود نمی‌شود؛ در نظام اسلامی، از طریق مکانیسم‌های ساختاری، فرهنگی و عملیاتی، به صورت ملموس و پویا تجلی می‌یابد. در اندیشه امام خامنه‌ای، این صورت‌بندی، محصول سیستم‌گرایی عقلانی و نظام‌مند تلقی می‌شود. در این بخش، به شرح این مکانیسم‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱. قانون‌مداری، بسترجاری عقلانیت

قانون‌مداری، از جمله مواردی است که در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) به عنوان یکی از ویژگی‌های عقلانیت انقلابی ذکر شده است (مطهری نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این مورد، نه تنها به عنوان رعایت قوانین مدنی و نظامی، بلکه به عنوان رعایت قوانین شرعی و اسلامی محسوب می‌شود. در اندیشه امام، قانون‌مداری، شرط لازم برای جلوگیری از تبدیل عقلانیت به ابزارگرایی و سودجویی است. استناد به بیانات امام در دیدار کارگران (۱۳۹۶/۲/۱۰)، نشان می‌دهد که «انقلابی بودن به معنای نظم عاقلانه و مدبرانه است» (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). این نظم، هم در سطح اداری و اجرایی، هم در سطح قانون‌گذاری و قضایی نیز حاکم است. در اینجا، قانون‌مداری، به عنوان یک ارزش اخلاقی و عملی، عقلانیت را از تبدیل شدن به ابزار سود فردی یا گروهی باز می‌دارد.

۴-۲. انتقادپذیری و آزاداندیشی به عنوان عامل به‌روزرسانی سیستم

انتقادپذیری و آزاداندیشی، از جمله ویژگی‌هایی است که در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) به عنوان بخشی از عقلانیت انقلابی شناخته شده است (مطهری نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این مورد، به عنوان آزادی در ارائه راهکارهای سازنده برای بهبود نظام تلقی می‌شود. استناد به تأکید امام بر «انتقاد سازنده»، نشان می‌دهد که این انتقاد، برای تقویت نظام، نه تضعیف آن، ضروری است (مطهری نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). در اینجا، انتقادپذیری، به عنوان یک مکانیسم سیستمی، اجازه می‌دهد تا عقلانیت انقلابی، در برابر تبدیل شدن به سنت و رسم، به‌روز بماند.

۴-۳. نظم و سازمان‌دهی عاقلانه در سطح کلان و میکرو

نظم و سازمان‌دهی عاقلانه، از جمله مواردی است که در بیانات امام به صورت صریح به عنوان شاخص عقلانیت انقلابی مطرح شده است. در دیدار کارگران (۱۳۹۶/۲/۱۰)، امام خامنه‌ای تأکید کردند: «انقلابی بودن به معنای نظم عاقلانه و مدبرانه است» (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). استناد به تأکید امام بر «مدبرانه» بودن اقدامات، نشان می‌دهد که عقلانیت انقلابی، نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، تحلیل ریسک، ارزیابی اثرگذاری و نظارت پیوسته است (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). این مکانیسم، عقلانیت را از تبدیل شدن به اقدامات لحظه‌ای و بی‌هدف باز می‌دارد.

۴-۴. هویت اسلامی، چارچوب ارزشی و هویتی

هویت اسلامی، از جمله مواردی است که در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) به عنوان یکی از ویژگی‌های عقلانیت انقلابی ذکر شده است (مطهری نسب و بیدهدی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این هویت، نه تنها به عنوان هویت مذهبی، بلکه به عنوان هویت فرهنگی، اخلاقی و سیاسی است. استناد به بیانات امام در دیدار فرماندهان نیروی هوایی (۱۳۹۲/۱۱/۱۹)، نشان می‌دهد که «اصول مستحکم باید بمانند» (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). این اصول، شامل هویت اسلامی، مردم‌گرایی و استقلال است. در اینجا، هویت اسلامی، به عنوان یک چارچوب ارزشی، عقلانیت را از تبدیل شدن به مقلد غرب یا تکرار مدل‌های ناکارآمد باز می‌دارد.

منابع

- مطهری، محمد. (۱۳۸۵). مجموعه مقالات و سخنرانی‌های امام خمینی رضی الله عنه (جلد ۴/۳۶۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه
- مطهری نسب، سید محمد و حسین بیدهدی. (۱۴۰۱). الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مهاجرنیا، سید علی. (۱۳۹۶). دیدار کارگران [سخنرانی]. تاریخ: ۱۰ اسفند ۱۳۹۶. در: سایت رسمی رهبری. در دسترس: <https://www.leader.ir/fa/news/45211> (بازیابی شده در اردیبهشت ۱۴۰۳)
- مهاجرنیا، سید علی. (۱۳۹۶). دیدار فرماندهان نیروی هوایی [سخنرانی]. تاریخ: ۱۹ آبان ۱۳۹۲. در: سایت رسمی رهبری. در دسترس: <https://www.leader.ir/fa/news/2892> (بازیابی شده در اردیبهشت ۱۴۰۳)
- سایت رسمی رهبری. (۱۳۹۶). دیدار کارگران [سخنرانی]. تاریخ انتشار: ۱۰ اسفند ۱۳۹۶. در دسترس: <https://www.leader.ir/fa/news/45211> (بازیابی شده در اردیبهشت ۱۴۰۳).

۴-۵. ثبات در آرمان‌ها و تحول در سازوکارها به عنوان استراتژی سیستمی

ثبات در آرمان‌ها و تحول در سازوکارها، از جمله استراتژی‌هایی است که در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) به عنوان بخشی از عقلانیت انقلابی شناخته شده است (مطهری نسب و بیدهدی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این استراتژی، در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت سازمان‌ها و برنامه‌ریزی عملیاتی حاکم است. استناد به بیانات امام در دیدار فرماندهان نیروی هوایی (۱۳۹۲/۱۱/۱۹)، نشان می‌دهد که «تکتیک‌ها را می‌توانید عوض کنید، اما اصول مستحکم باید بمانند» (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴). این مکانیسم، اجازه می‌دهد تا نظام، در برابر تغییرات محیطی و بین‌المللی، انعطاف‌پذیر بماند، بدون اینکه از آرمان‌های خود دست بدهد.

۴-۶. مردم‌گرایی و مردم‌محوری، مبنای ساختاری

مردم‌گرایی و مردم‌محوری، از جمله ویژگی‌هایی است که در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) به عنوان ماهیت انقلاب شناخته شده است (مطهری نسب و بیدهدی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این مورد، مبنای ساختاری نظام اسلامی تلقی می‌شود. مردم‌گرایی، به عنوان یک مکانیسم ساختاری، اجازه می‌دهد تا عقلانیت انقلابی، از تبدیل شدن به سیستم بی‌جان و بی‌روح باز بماند.

۴-۷. اعتماد به توان خود و پرهیز از ملاحظه‌کاری به عنوان استراتژی اقتصادی و فرهنگی

اعتماد به توان خود و پرهیز از ملاحظه‌کاری، از جمله استراتژی‌هایی است که در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) به عنوان بخشی از عقلانیت انقلابی شناخته شده است (مطهری نسب و بیدهدی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این مورد، نه تنها در سطح اقتصاد، بلکه در سطح فرهنگ، علم و فناوری حاکم است. استناد به تأکید امام بر «پیشرفت روزافزون توانمندی‌های داخلی»، نشان می‌دهد که این اعتماد، استراتژی عملی برای دستیابی به استقلال اقتصادی، علمی و فرهنگی است (مطهری نسب و بیدهدی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). در اینجا،

اعتماد به توان خود، به عنوان یک مکانیسم سیستمی، عقلانیت را از تبدیل شدن به وابستگی و تقلید باز می‌دارد.

۴-۸. ساده‌زیستی و مبارزه با فساد به عنوان استراتژی اخلاقی و اجتماعی

ساده‌زیستی و مبارزه با فساد، از جمله ویژگی‌هایی است که در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) به عنوان بخشی از عقلانیت انقلابی مطرح شده (مطهری‌نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵) و این مورد، یک استراتژی عملی برای تقویت عدالت اجتماعی و حذف نابرابری‌ها است. استناد به تأکید امام بر «ظلم‌ستیزی»، نشان می‌دهد که مبارزه با ظلم، عملی عقلانی و انقلابی است (مطهری‌نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این مبارزه، نه تنها در سطح قضایی و نهادهای نظارتی، بلکه در سطح فرهنگ و رفتارهای روزمره نیز حاکم است. در اینجا، ساده‌زیستی و مبارزه با فساد، به عنوان یک مکانیسم اجتماعی، عقلانیت را از تبدیل شدن به ابزار سودجویی و بی‌عدالتی باز می‌دارد.

کلام پایانی و پیشنهاد

عقلانیت انقلابی، در اندیشه امام خامنه‌ای علیه السلام، مفهومی جامع، پویا و عملی است که هم در سطح نظری تعریف می‌شود، هم در نظام اسلامی، از طریق مکانیسم‌های ساختاری، فرهنگی و عملیاتی نمود می‌یابد. این مفهوم، نه تنها شرط لازم برای تحقق آرمان‌های انقلاب بلکه یکی از آن آرمان‌های اصلی است. عقلانیت انقلابی، ترکیبی از عقلانیت نظری، ارزش‌شناختی و عملی است که در خدمت آرمان‌های انقلاب قرار می‌گیرد. در این دیدگاه، عقلانیت نه تنها به واقع‌نگری و شناخت دقیق شرایط می‌انجامد، بلکه با اتکا بر آرمان‌های انقلاب، جهت‌دهی و هدایت می‌کند. امام خامنه‌ای در بیانیه‌های متعدد، بر این نکته تأکید کرده‌اند که انقلاب اسلامی، انقلابی است «نه از روی هیجان و افکار نادرست بلکه از روی عقل و حقیقت» (استناد به مطهری، ۱۳۸۵، ج ۴/۳۶۵، ص ۱۱۳). از سوی دیگر، عقلانیت انقلابی، نه تنها همچون ابزاری برای مدیریت امور کشور عمل می‌کند، بلکه ارزشی بنیادین و اخلاقی، جان بخشی به تمامی اقدامات و فعالیت‌های نظام اسلامی است. در این راستا، در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، تأکید شده است که «معنویت، بستر و زمینه‌ساز تمامی اقدامات قابل توجه است» (مطهری‌نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این معنویت، به عنوان عاملی در تقویت ایستادگی و ثبات قدم در برابر فشارها عمل می‌کند. در مورد صورت‌بندی این مفهوم در نظام اسلامی، نتیجه‌گیری می‌شود که عقلانیت انقلابی، از طریق مکانیسم‌هایی مانند قانون‌مداری، انتقادپذیری، نظم عاقلانه، هویت اسلامی، ثبات در آرمان‌ها و تحول در سازوکارها، مردم‌گرایی، اعتماد به توان خود و ساده‌زیستی، به صورت ملموس و پویا صورت می‌گیرد. در اینجا، هر یک از این مکانیسم‌ها، به عنوان یک عامل سیستمی، اجازه می‌دهد تا عقلانیت انقلابی، از تبدیل شدن به ابزارگرایی، سودجویی یا تقلید باز بماند. بر این اساس، پیشنهاد اصلی این است که برای تقویت عقلانیت انقلابی، باید بر این مکانیسم‌ها تمرکز شود. در این راستا، تأکید بر «علم و معنویت» به عنوان دو جنبه تکمیل‌کننده یکدیگر، ضروری است (مطهری‌نسب و بیدهندی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). این دو جنبه، بدون یکدیگر، به صورت کامل عمل نمی‌کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که در سطح نهادهای آموزشی و پژوهشی، برنامه‌هایی طراحی شود که به صورت عملیاتی، عقلانیت انقلابی را در دانشجویان و جامعه ترویج دهد. این برنامه‌ها، نه تنها به عنوان آموزش نظری، بلکه به عنوان تقویت ارزش‌ها و رفتارهای انقلابی تلقی شوند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که در سطح رسانه و فرهنگ، برنامه‌هایی طراحی شود که به صورت پویا و جذاب، عقلانیت انقلابی را در جامعه ترویج دهد. این برنامه‌ها، نه تنها به عنوان انتقال مفاهیم، بلکه به عنوان تقویت ایستادگی، همت بلند و اعتماد به توان خود تلقی شوند.



طلوع دوره جدید انقلاب اسلامی و هندسه نوین قدرت

تجلیل از دو پیشوای بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی، به عنوان معماران استقلال، آزادی، عزت و پیشرفت ایران اسلامی، از آن جهت حائز اهمیت است که با پی‌ریزی و تثبیت الگوی مترقی ولایت فقیه و همراهی آگاهانه مردم، هویتی نوین به این خطه تاریخی بخشیدند و کشور را از دو قرن استعمار، انزوا، سرخوردگی، ارتجاع و رکود رهانیدند. اکنون و در امتداد این صراط مستقیم، مردم ایران در یک نقطه عطف و گردنه‌ای تاریخی، در حال بازخوانی درس‌هایی هستند که این دو امام عظیم‌الشأن در طول دوران زعامت خویش به آنها آموختند. در بحبوحه یکی از پیچیده‌ترین طوفان‌های تاریخ معاصر، معرفی حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (مد ظله العالی) به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی از سوی مجلس خبرگان و انتشار نخستین پیام ایشان، فراتر از یک ابراز همدردی یا بیانیه سیاسی، قوت قلب مؤمنین و آزادگان جهان شد. در همان سطور مختصر پیام اول ایشان، نقشه راه تمدنی و دکترین



محمد مهدی خیرجو

مدیرعامل خبرگزاری دانشگاه
آزاد اسلامی (آنا)

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



آیت الله سید
حسن عاملی

اقدام دقیق و به موقع

اقدام دقیق،

شایسته و به موقع

مجلس خبرگان

رهبری را در انتخاب

حضرتعالی به عنوان

زعیم و قائد ملت و

امت، از طرف خودم

و اهالی ولایتی

استان اردبیل به

محضر عالی تبریک

عرض می‌کنم.

بقای ملی در عصر جدید رومنایی شد. شناسایی خلف صالح رهبر شهید انقلاب اسلامی توسط اعضای خبرگان رهبری و نیز اولین پیام ایشان را باید آغاز دوره‌ای جدید در ایران، منطقه و جهان و نیز مانیفست استقامت هوشمندانه ملت ایران نامید. اینکه ظرف مدت کوتاهی قلوب همه‌ی مردم ایران متوجه خامنه‌ای جوان شد و نوری از امید بر دل همگان تابید و دشمنان مأیوس شدند، نشان می‌دهد که موضوع ولایت فقیه، فراتر از یک سمت ساختاری و عنوان حکومتی، امری الهی و تعبدی است و ولایت به عنوان ستون خیمه ایران، انسجام بخش مردم در لحظات خطیر است. جامعه‌ای که در جنگ ۱۲ روزه، جنگ رمضان و تمام این سال‌ها نشان داده، معارف اسلامی و مهدوی در تاروپودش تنیده شده و فرهنگ عاشورایی استقامت و ظلم‌ستیزی را در نهاد خود دارد.

عبور از شخص محوری به خدامحوری

در حالی که جبهه استکبار با ترور قائد عظیم‌الشأن و فرماندهان نظامی به دنبال عملیات روانی بی‌سابقه و القای بن‌بست، ایجاد خلأ قدرت و ترس همگانی و فروپاشی کشور بود، انتخاب رهبر جدید انقلاب اسلامی، بیعت بی‌درنگ آحاد مردم ایران و آرام گرفتن جامعه، تصویری روشن از نگاه بلند معمار کبیر انقلاب، امام خمینی رحمته‌الله، به مسئله ولایت فقیه پیش روی ما می‌گذارد؛ همچنین این وقایع نشان داد که چگونه امام شهید خامنه‌ای رضوان‌الله‌علیه در کوران حوادث پس از امام رحمته‌الله، با آگاهی بخشی عمیق و پافشاری بر این اصل، این تکیه‌گاه اساسی را در دل‌های مردم زنده، پویا و محل امید نگه داشتند.

همچنین رهبری شهید انقلاب بارها و بارها بر اصل ذلت‌ناپذیری و استقلال ایران تاکید کردند و حال می‌بینیم در این دکترین مترقی منبعث از معارف اسلام ناب محمدی، شهادت رهبر پیشین نه به عنوان یک ضایعه فلج‌کننده، بلکه به مثابه پیشران انقلاب، تعالی جمعی و بیدارکننده قلوب درک می‌شود. شهادت عاشورایی این مرد خدا، درست در هنگامه‌ای که دشمن تمام تلاش خود را برای ترور شخصیت والای ایشان به کار گرفته بود، همچون شکستن شیشه عطری شد که شمیم حقانیت و مظلومیت ولایت را به سرتاسر عالم رساند. و حالا نشانه‌های قوت و تداوم مکتب امامین سرافراز انقلاب در جای جای ایران، مانند کوهی از الماس می‌درخشد. انتخاب رهبر جدید نیز نشان داد که در مکتب تشیع، پرچم هرگز بر زمین نمی‌ماند؛ زیرا این مکتب شخص محور نیست، بلکه خدامحور است و تا خدا هست، امید و پیروزی هست. ولایت فقیه در این ساختار، ستون خیمه‌ای است که در طوفان‌ها، ثبات و امنیت را برای ساکنان خیمه تضمین می‌کند و مردم دور این ستون حلقه زده‌اند.

هندسه نوین قدرت و پیوند ناگسستنی امام و امت

هندسه قدرت در این دوره جدید نیز همچون دوره امامین انقلاب، بر یک ارتباط

ناگسستی استوار است. در تحلیل مفهومی این ساختار، رهبری نقطه پرگار وحدت است، اما قدرت ملی نه صرفاً در موشک‌ها و تجهیزات نظامی، بلکه در لایه‌های زیرین باورهای مردمی و حضور آنان در میدان به عنوان پشتیبانان ولایت فقیه می‌جوشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در عهدنامه تاریخی خود به مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج البلاغه) پرده از مهم‌ترین راز قدرت در حکمرانی اسلامی برداشته و می‌فرماید: «وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ، فَلْيَكُنْ صِعُوكَ لَهُمْ وَ مَيْلُكَ مَعَهُمْ.» (همانا ستون استوار دین، جمعیت یکپارچه مسلمانان و سپر دفاعی در برابر دشمنان، توده مردم هستند؛ پس باید توجه و میل تو همواره به سوی آنان باشد.)

این کلام درخشان، دقیقاً در پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای نیز بازتولید شده است؛ آنجا که با صراحت خطاب به ملت شریف ایران می‌فرماید: «این شما مردم بودید که کشور را رهبری کردید و اقتدار آن را ضمانت کردید.» این بیان، قوام ماندگاری کشور را بر شانه‌های استوار مردم می‌بیند.

■ از حکمرانی تا خادمی

یکی از مترقی‌ترین مفاهیمی که در انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد، شکستن تصویر سنتی و غربی از قدرت حاکمه و دولتمردان است. رهبری در نظریه ولایت فقیه، در برج عاج ننشسته تا صرفاً فرمان براند، بلکه بر مبنای حدیث شریف نبوی «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» (سرور و رهبر یک قوم، خدمتگزار آنان است)، در خط مقدم خدمتگزاری و ایثار ایستاده است. رهبری در نگاه شیعی، برای سعادت جامعه خود را فدا می‌کند؛ امام جامعه از خود می‌گذرد تا مردم بیدار و آگاه شوند و این ویژگی در گفتار، رفتار، حیات و ممات ائمه معصومین علیهم السلام شاخص و متمایز از هر نوع منش و مکتب حکمرانی است. این نگاه متعالی و انسانی به قدرت، یک فلسفه حکمرانی مترقی است که جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است. در زمانه‌ای که حاکمان، منافع خود را بر منافع مردمشان ترجیح می‌دهند، به زیردستان خود ستم می‌کنند و با اولین تهدید از سوی قدرتمندتر از خود، عقب‌نشینی کرده و می‌گریزند، این مکتب ولایت فقیه است که چون نگینی می‌درخشد. با مردم خود رحیم، مهربان و صبور است و مقابل قلدرهای عالم می‌ایستد تا حق مردمشان را بستاند، ولو جانانش را در این راه پرنور فدا کند.

همین نگاه برتر بود که امامین انقلاب اسلامی همواره سعی داشتند آن را در فرهنگ مدیریت کشور و حرکت به سوی تمدن‌سازی نهادینه کنند و این راه پرفروغ ادامه دارد. وقتی هدف غایی ارکان نظام، جلب رضایت الهی و خدمت به توده‌های مردم باشد، قدرت تطهیر می‌شود. مشارکت دادن بی‌قید و شرط مردم و وارد کردن آنان در همه‌ی عرصه‌ها، فرمول تولید اقتدار و بازدارندگی است. این نگاه، مردم را ولی نعمت و صاحبان اصلی انقلاب می‌نامد.



در زمانه‌ای که

حاکمان، منافع خود

را بر منافع مردمشان

ترجیح می‌دهند، به

زیردستان خود ستم

می‌کنند و با اولین تهدید

از سوی قدرتمندتر

از خود، عقب‌نشینی

کرده و می‌گریزند، این

مکتب ولایت فقیه

است که چون نگینی

می‌درخشد.

جنگ اراده‌ها، صبر فعال و امید به مثابه تکلیف

در بخش راهبردی، قائد شهید امام خامنه‌ای علیه السلام، جنگ کنونی را فراتر از تبادل آتش، «جنگ اراده‌ها» و «جنگ وجودی» توصیف کردند. راهبرد ایشان بر بازدارندگی همه‌جانبه نظامی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی استوار بود. در این مسیر، عمیق‌ترین لایه انسانی پیام امام شهید در سال‌های آخر عمر شریف و پربرکتشان، امید، خودباوری و حرکت بود؛ دعوت به نشاط حرکتی، صبر فعال، آمادگی کامل و کنش مدبرانه، همان راهکاری است که حلال مشکلات است. در منطق قرآن، صبر به معنای نشستن و منتظر ماندن نیست؛ بلکه پایداری در مسیر حرکت است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...» (آل عمران: ۲۰۰). بر همین اساس، رهبران انقلاب اسلامی از مردم می‌خواهند که امید را نه به عنوان یک احساس و امری نمایشی، بلکه به عنوان یک وظیفه و تکلیف حقیقی پاس و برپا بدارند و با روحیه استوار، این امید واقع‌بینانه را به سایرین نیز منتقل کنند. حضور در میدان نیز تنها حضور فیزیکی نیست، بلکه حضور ذهن، قلب و تخصص در تمام عرصه‌هاست. تحقق این انسجام، ضامن نصرت الهی است؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (سوره محمد صلى الله عليه وآله وسلم: ۷).

لذا در پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای نیز همین الگوی ایمانی امامین انقلاب مشاهده می‌شود، آنجا که علی‌رغم تمام رنج‌ها و مصیبت‌های عارض شده؛ می‌فرمایند: «باید صبر کرد و به لطف و دستگیری حضرت حق (جل و علا) امید و اعتماد داشت.»

در مجموع، انتخاب رهبری جدید و نخستین پیام ایشان، در تاریخ سیاسی ایران به عنوان نقطه پیوند خون (شور) و خرد ثبت خواهد شد. این معرفی پربهجت و پیام استوار و روحیه‌بخش، توانست شوک ناشی از فقدان رهبری شهید علیه السلام را به یک انرژی بی‌کران برای تلاش مضاعف و ظفر تبدیل کند.

و در آخر، آینده‌ی ایران در آینده‌ی این آغاز شکوهمند، تنها یک امتداد ساده نیست؛ بلکه طلوع خورشیدی است که از پس غبار غم شهادت رهبر و مقتدای پیشین، با تلالؤی انتخاب رهبری جدید، نویدبخش دورانی مقتدر، خوداتکا و الهام‌بخش برای تمام آزادگان جهان است.

تاریخ گواه است که همان‌گونه که کوره‌گدازان دفاع مقدس هشت‌ساله، از ایران نوپای آن روز، یک قدرت بزرگ منطقه‌ای ساخت، این جنگ اراده‌ها و طوفان سهمگین کنونی نیز، جوهر پولادین این ملت را صیقل داده و ایران را بر قله‌ی یک قدرت بلامنازع جهانی خواهد نشانند. در نظم نوین برآمده از این مقاومت، دوران باج‌خواهی به سر آمده و از این پس، هیچ قدرتی بر پهنه‌ی گیتی یاری آن را نخواهد داشت که با زبان تهدید، زور و استکبار با ملت سترگ ایران سخن بگوید.

بیان شیوا، صلابت علوی، نگاه مهدوی و پیام قاطع حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای در همین نخستین گام، تجلی‌گر و گویای همین اصل تخلف‌ناپذیر بود. ایشان با درایتی برآمده از مکتب امامین انقلاب، اکنون معمار اقتدار و طراح هندسه‌ی ایران باشکوه، قوی و تسخیرناپذیر آینده‌اند؛ رهبری که با تکیه بر حضور پرشور مردم، کشتی این تمدن را از دل امواج متلاطم به ساحل ثبات و سرآمدی هدایت خواهد کرد.

آری، به برکت روح مطهر و پرفتوح معماران این نهضت و حماسه‌ی شهیدانی که جان خویش را فدای اعتلای این خاک پاک کردند، مسیر پیش‌رو از هر زمان دیگری روشن‌تر است. پرچم عزت از دستی به دست دیگر سپرده شده و اکنون، در این صراط مستقیم، تنها باید با سلاح ایمان و جوشن امید، استوارتر از همیشه قدم برداشت و فتح قله‌ها را به نظاره نشست.



فرا تر از خون: مشروعیت رهبری در اسلام

یکی از چالش‌های نظری در فهم اندیشه سیاسی اسلام، نسبت میان «امامت» و «رهبری» از سویی، و «سلطنت» و «دیکتاتوری» از سوی دیگر است، در حالی که در نظام‌های سلطنتی اساس قدرت بر پیوند خونی میان حاکم و وارث سامان می‌گیرد، در فلسفه سیاسی اسلام، امامت و رهبری مقامی است که تنها و تنها با وجود ملاک و معیاری که خداوند تعیین کرده است، به افراد تعلق می‌گیرد. مثلاً قرآن کریم درباره امامت حضرت ابراهیم علیه السلام تصریح می‌کند: «لَا يَتَّأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». با توجه به این آیه شریفه یکی از ملاک‌های امامت عدالت عنوان می‌شود. در واقع این تعبیر، دلالتی آشکار دارد که امامت و رهبری، نه عقدی اجتماعی بر پایه وراثت، بلکه عهدی الهی مبتنی بر فضیلت و شایستگی‌هایی است که خداوند تعیین می‌کند.

تفاوت امامت و سلطنت

در اندیشه اسلامی معیار اصلی برای امامت و رهبری، ملاک‌ها و معیارهایی است که خداوند تعیین کرده است؛ از این رو، حواشی پیرامونی و غیر مرتبط نقشی در تعیین آن

مهدیه محمدی عراقی

دکترای حقوق خصوصی و
پژوهشگر پژوهشگاه علوم و
معارف انقلاب اسلامی

ندارد. به این معنا که این حواشی نه علت آن است که کسی امام شود و نه مانع آن. در مقابل، می‌توان گفت تاریخ سلطنت‌ها، در غالب موارد، دست‌کم در ایران از دوران باستان تا معاصر، نمایی از استمرار قدرت را بر اساس نسب و پیوند خونی به تصویر می‌کشد؛ بدون آنکه شایستگی و رضایت مردم نقشی را در مشروعیت آن ایفا کند. به نظر می‌رسد برای تمایز دقیق میان امامت و سلطنت، باید از خاستگاه و منشأ قدرت در هر دو نظام پرسید. نسب، در نظام سلطنتی، خاستگاه قدرت است. شاه قدرت‌ش را وام‌دار میراث خونی است، شایستگی او یا رضایت مردم در این میان نقشی ندارند. تاریخ پادشاهی خود بهترین گواه بر این ادعاست. جالب آنجاست که هرگاه پادشاه بدون فرزند پسر بود، برای حفظ تداوم سلسله، دست به ازدواج‌های مکرر می‌زد تا وارثی پسر داشته باشد. نزدیک‌ترین نمونه آن از حیث زمانی، ازدواج‌های متعدد محمدرضا پهلوی است. در چنین منطقی، شایستگی و صلاحیت فردی و نیز اراده مردم مطلقاً ارزشی ندارد.

دو شرط بنیادین برای تحقق امامت و رهبری

در مقابل، اندیشه اسلامی، دو شرط بنیادین را برای تحقق امامت و رهبری قائل است: ۱. صلاحیت و شایستگی مدیریتی و سیاسی؛ ۲. اجتهاد و صلاحیت افتا؛ علاوه بر آن بیعت و پذیرش مردمی نیز شرط فعلیت بخشیدن به آن است. بنابراین در تفکر شیعی امامت در همه شئون آن و از جمله حکومت، زمانی بالفعل می‌شود، که مردم پذیرای امام و رهبر باشند. امام علی علیه‌السلام تا هنگامی که مردم از او نخواستند و با او بیعت نکردند، حکومت را به دست نگرفت، با این‌که از نظر الهی امام بود. این مهم، تمایزی دقیق و روشن میان مفهوم «امامت» و «سلطنت» را به تصویر می‌کشد. اساساً سلطنت غالباً مبتنی بر اراده شخص شاه است و عقل جمعی در ساختار آن نقشی را ایفا نمی‌کند، مگر آنجا که شاه یا سلطان بخواهد. بر خلاف امامت و رهبری که امام و رهبر نماینده وحی در ساحت عقلانیت بشری است، نه فرمانروایی صرف.

آیا قرابت نسبی می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در انتخاب امام و رهبر باشد؟

با توجه به این مطالب، این پرسش مطرح می‌شود که آیا در اندیشه اسلامی، قرابت نسبی می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در انتخاب امام و رهبر باشد؟ در پاسخ، توجه به این مهم ضروری است که در فلسفه سیاسی اسلام، امامت و رهبری افزون بر مقام و جایگاه حکومتی، استمرار رسالت در حوزه هدایت انسان‌هاست. از این رو، این جایگاه رفیع مستلزم شرایط ویژه‌ای برای امام یا رهبر است؛ مانند علم و عدالت. پر واضح است که این شرایط با وراثت منتقل نمی‌شود. ممکن است فردی عادل باشد، اما فرزند او فاقد این ویژگی باشد؛ چنان‌که فرزند نوح چنین بود. بنابراین، در تفکر اسلامی وراثت نقش تعیین‌کننده برای امامت و رهبری ندارد و آنچه معیار و ملاک است، شایستگی و صلاحیت خود فرد است. در این میان باید توجه داشت که در تفکر شیعی افزون بر تبیین معیارها و ملاک‌های امامت از جانب خداوند، فرد امام هم توسط خداوند متعال تعیین می‌گردد. اما درباره رهبران یا نایبان عام آن تنها به بیان ملاک اکتفا می‌شود و احراز مصداق آن به خود مردم واگذار شده که خود به طور مستقیم، اگر متخصص باشند یا با واسطه متخصصان بدان برسند.

آیا قرابت نسبی می‌تواند مانع در انتخاب امام و رهبر باشد؟



اما از سوی دیگر، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا قرابت نسبی می‌تواند مانع در انتخاب امام و رهبر باشد؟ درباره امام این پرسش مطرح نمی‌شود. زیرا همانگونه که دانستیم، مصداق آن نیز از جانب خداوند تعیین می‌شود. اما درباره رهبر یا نائب‌الامام این پرسش مطرح است. به این معنا که اگر فردی شایستگی را داشت و همه شرایط را دارا بود، به صرف اینکه فرزند کسی است، آیا این امر مانع برای رهبری او می‌شود؟ به عنوان مثال اگر کسی فرزند کسی از طبقه محروم جامعه باشد، آیا این مانع محسوب می‌شود؟ برای اینکه بحث با واقعیت عینی هم مرتبط باشد و صرفاً انتزاعی نباشد، می‌توان این پرسش را چنین مطرح کرد: آیا فرزند رهبر یا ولی فقیه بودن، می‌تواند به مثابه مانعی برای رهبری و ولایت فرد تلقی شود؟

به این پرسش از جهت‌های مختلفی می‌توان پاسخ داد. از حیث عقلی، به نظر می‌رسد همین که فرد، ویژگی‌هایی را که برای رهبری و ولایت ضروری است، دارا باشد کافی است. امور پیرامونی مانند اینکه پدرش چه جایگاهی داشته و از چه طبقه‌ای بوده، نمی‌تواند عقلاً مانعی ایجاد کند.

از حیث تاریخی، تاریخ تشیع نیز گواهی بر عدم مانعیت است. به عنوان مثال امکان دارد امام، فرزند یا برادر امام پیشین یا حتی نوه پیامبر باشد، چنانکه در امامت امام حسین علیه‌السلام واقع شد. یا اساساً سلسله امامت بر اساس رابطه پدر و فرزندی سامان گرفت. شاید این اشکال مطرح شود که در امامت، تعیین مصداق هم بر عهده خداوند است. از این رو جای طرح آن در این بحث نیست. افزون بر این پاسخ که بحث بر سر مانعیت قرابت نسبی در تعیین رهبر از حیث تاریخی است و این مهم در تاریخ واقع شده

بهرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم

است، می‌توان نواب خاص حضرت حجت علیه السلام را به عنوان شاهد مطرح کرد. توضیح آنکه در غیبت صغرا (۲۶۰ تا ۳۲۹ ق)، رهبری جامعه شیعی به واسطه چهار نایب خاص سامان گرفت. حضرت حجت علیه السلام پس از عثمان بن سعید عمری، فرزندش محمد بن عثمان عمری را به سبب ویژگی‌هایی که داشت به نیابت برگزید. نکته مهم تاریخی آن است که هیچ‌یک از شیعیان، نیابت محمد بن عثمان را به وراثت و موروثی بودن نیابت تعبیر نکردند، بلکه این گزینش را ناشی از شایستگی فردی محمد بن عثمان می‌دانستند.

نمونه های تاریخی در انقلاب اسلامی

از سوی دیگر فرزندان دو نایب دیگر برای نیابت انتخاب نشدند. از این دست، در انقلاب اسلامی هم می‌توان به دو مثال روشن اشاره کرد. اول، بعد از رحلت امام کبیر انقلاب ره، فرزند ایشان سید احمد خمینی که از مبارزان قبل از انقلاب و امین و رازدار امام خمینی، بود برای تصدی این جایگاه انتخاب نشد. زیرا برخی از ویژگی‌های رهبری درباره ایشان از سوی خبرگان مردم احراز نشد. ۲. بعد شهادت امام خامنه‌ای، فرزند بزرگ ایشان برای تصدی مقام رهبری انتخاب نشد، با اینکه اگر ملاک وراثت بود، فرزند بزرگ‌تر به نظر ارجح می‌رسد.

شرایط و صفات رهبر طبق قانون اساسی

باید توجه داشت رهبر و ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران، بر اساس مبانی فقه سیاسی شیعه صورت بندی می‌شود. در تفکر شیعی، ولایت فقیه در واقع استمرار همان ولایت امام معصوم در عصر غیبت است. اصل ۱۰۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت بیان می‌کند: «شرایط و صفات رهبر: ۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛ ۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ ۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است». توجه به این مهم ضروری است که در هیچ جای این اصل، ایجاباً یا سلباً سخنی از نسب یا وراثت نیست. به این معنا که در نظام اسلامی، فرد به صرف داشتن قرابت نسبی شایسته این مقام نمی‌شود و از طرفی فرد شایسته رهبری صرفاً به دلیل قرابت نسبی، از این منصب الهی منع نمی‌شود. می‌توان گفت نقش قرابت نسبی برای تصدی امامت و رهبری در اندیشه اسلامی، تا حدی شبیه به نقش خویشاوندی در تصدی ریاست در نظام دموکراسی است؛ در نظام دموکراسی هم سلباً و ایجاباً این قرابت نقشی ندارد. مثلاً کسی به صرف اینکه پدرش رئیس جمهور بوده است، رئیس جمهور نمی‌شود یا رئیس جمهور بودن پدر مانعی بر سر راه رئیس جمهور شدن فرزند نمی‌شود.



اساساً سلطنت غالباً
مبتنی بر اراده شخص
شاه است و عقل جمعی
در ساختار آن نقشی
رایفانمی‌کند، مگر
آنجا که شاه یا سلطان
بخواند. برخلاف امامت
و رهبری که امام و رهبر
نماینده وحی در ساحت
عقلانیت بشری است، نه
فرمانروایی صرف.

منظومه‌ی سیاستی امام شهید خامنه‌ای مبتنی بر بیانیه‌ی گام دوم انقلاب و نقش آن در انضباط حرکت عمومی جامعه

حلقه‌های میانی کشور برای پیشبرد جامعه به سوی تمدن اسلامی نیازمند ابتنا بر چهار عنصر آرمان‌های انقلاب اسلامی، منافع ملی، اهداف ملی و سیاست‌های کلی نظام در اسناد بالادستی هستند تا حرکت عمومی جامعه بطور منضبط و در راستای رهنمودهای امامین راحل و شهید انقلاب حفظ شود. در عناصر مزبور، منافع و اهداف ملی عرصه مناقشات شناختی است که موجب بی‌انضباطی در حرکت عمومی جامعه می‌شود. برای مثال رویکردهای متفاوتی مبنای تعریف منافع ملی در محافل اجرائی کشور بوده است.

لذا با استفاده از بیانات امام شهید تعریفی از منافع ملی ارائه می‌شود که طبق رهنمودهای معظم‌له مبتنی بر سه محور اسلام، انقلاب اسلامی و تاریخ ملت ایران تبیین شده است. همچنین در عناصر چهارگانه فوق‌الذکر، تعیین مقادیر اهداف ملی مستلزم شناخت از شرایط محیطی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که شاید نیل به چنین شناختی در دسترس همه حلقه‌های میانی نباشد. این مقاله روش علمی و تجربه‌شده فرآیند سیاست‌گذاری کلی که در تدوین راهبرد ملی کشورها کاربرد دارد، را بکار گرفته، و تلاش دارد با روش اخیر، رهنمودهای معظم‌له را در قالب یک منظومه سیاستی منسجم، نظام مند و جامع ارائه نماید. البته به عنوان یک مطالعه موردی و مقدماتی، سیاست‌گذاری کلی مزبور عمدتاً مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب انجام شده تا پس از تکمیل در مطالعات آتی، دسترسی حلقه‌های میانی در سطوح عملیاتی به منظومه‌ای مجسم از رهنمودهای تعیین‌کننده آن حضرت را امکان‌پذیر و تحرکات ناسازگار را آشکار سازد.

کلیدواژه‌ها: منظومه سیاستی، بیانیه‌ی گام دوم، منافع ملی، بی‌انضباطی، حلقه‌های میانی.

احمد رضا انصاری

دانش‌آموخته‌ی دکتری علوم
دفاعی استراتژیک (مدیریت
استراتژیک) دانشگاه عالی
دفاع ملی.

در فتنه سال ۱۳۸۸ برخی شخصیت‌ها ضمن ابراز تعلق سیاسی به حضرت امام راحل (ره)، از یک جریان سیاسی که اصل نظام جمهوری اسلامی را هدف تحرکات خصمانه خود قرار داده بود، برائت نجستند. سکوت شخصیت‌های مذکور موجب سردرگمی بخشی از مردم و به ویژه جوانان در تشخیص دوست و دشمن انقلاب در اوایل فتنه گردید. این در حالی بود که ما علاوه بر رهنمودهای حضرات امامین راحل و شهید و قانون اساسی، سابقه ابلاغ سیاست‌های کلی نظام را از تاریخ ۱۳۶۷/۷/۱۱ داشته ایم. البته سیاست‌های مزبور به دلیل کلی بودن می‌تواند قابل تفسیر باشد. لذا برای کاهش تهدید فتنه‌های مشابه بعدی، فکر تدوین منظومه فکری امامین انقلاب در سال ۱۳۸۹ در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری مطرح شد تا جریانات فکری مختلف در مقاطع حساس و نیز برای برداشت روایت صحیح از ارزش‌ها و سیاست‌های کلی نظام بتوانند بر منظومه فکری امامین انقلاب مبتنا نمایند. پس از تصویب موضوع در مرکز یاد شده، منظومه‌های فکری مذکور از طریق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین خسروپناه و همکاران فاضل ایشان تحقیق، تدوین و منتشر شد.

تجربه تحقیق بنیادی منظومه فکری امامین انقلاب که در طول زمان و در سطح نخبگان، مرجع پژوهش‌های فراوانی می‌شود، نشان داد در سطح عملیاتی، حرکت عمومی جامعه نیازمند گزارشی از یک تحقیق کاربردی است که رهنمودهای راهبردی امام شهید خامنه‌ای را در یک مجموعه‌ی کاربردی برای دسترسی آسان عموم مردم گردآوری و تنظیم نماید. موضوع چنین تحقیق کاربردی در ادبیات دانشگاهی به مباحث برنامه ریزی و یا طرحریزی راهبردی در رشته مدیریت راهبردی مربوط می‌شود. البته اکثر دانشگاه‌ها رشته اخیر را برای آموزش روش برنامه ریزی راهبردی امور شرکت‌ها، موسسات و دستگاه‌های قوای مختلف تدریس می‌نمایند. در حالی که نیاز تحقیقاتی مورد بحث ما یک طرحریزی جامع و سیاستگذاری کلی در سطح راهبردی ملی از رهنمودهای معظم‌له است که عمدتاً در سطح فراقوه ای و کلان ملی صادر می‌شود. هدف از طرحریزی اخیر این است که رهنمودهای رهبر شهید انقلاب برای هدایت و هماهنگی حلقه‌های میانی و در نتیجه حرکت منضبط جامعه، به صورت یک منظومه سیاستی نظام‌مند و کاربردی ارائه شود. در این راستا فرآیند سیاستگذاری کلی که در دانشگاه عالی دفاع ملی (امیر سرتیپ بیات، ۱۳۷۵) تدریس شده و در تدوین راهبرد ملی کشورها کاربرد دارد، در ادامه مقاله به کار گرفته می‌شود. به بیان کلی، فرآیند سیاستگذاری کلی یا طرح ریزی جامع فرآیندی نظام‌مند است که طی مراحل مختلف آن، سیاست‌های کلی و رهنمودهای نظام سیاسی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف مبتنی بر منافع ملی تبیین می‌شود. به این منظور یک ارتباط اصولی و عقلانی میان ظرفیت‌ها، قابلیت‌های بالقوه و توانایی‌های بالفعل ملی و همچنین بین فشارها و فرصت‌های محیط بین‌المللی با اهداف منافع ملی و تکالیف دستگاه‌ها و عموم مردم ایجاد می‌گردد. در مراحل پنجگانه فرآیند مذکور، با عناوین زیر، که فرآیند تنظیم منظومه‌ی سیاستی نیز می‌تواند در نظر گرفته شود؛ علاوه بر توضیحات مفهومی، مصادیقی نیز عمدتاً از بیانیه‌ی گام دوم انقلاب و رهنمودهای رهبر شهید انقلاب آورده می‌شود:

مرحله اول: تبیین آرمان‌های ملی، مرحله دوم: تبیین منافع ملی، مرحله سوم: مطالعات محیطی و تبیین اهداف ملی، مرحله چهارم: تبیین سیاست‌های (کلی نظام) ملی، مرحله پنجم: تدوین راهبرد ملی و صدور راهنمای سیاسی طرحریزی، نمودار پیوست تصویری از مراحل مختلف سیاستگذاری کلی را به نمایش می‌گذارد.

■ مرحله اول سیاستگذاری کلی: تبیین آرمان‌های ملی

آرمان‌های ملی عبارتست از ارزش‌ها و علایق عالی یک ملت که توسط رهبران عالی سیاسی با در نظر گرفتن عقاید، ایدئولوژی، مصالح ملی و قانون اساسی کشور تشخیص و تبیین می‌گردد. برای تبیین مصادیق آرمان‌های انقلاب و

نظام جمهوری اسلامی می توان به عنوان مثال به اصل ۱۵۴ قانون اساسی اشاره نمود: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.»

علاوه بر این طبق بیانیه امام شهید به مناسبت گام چهل ساله ی دوم انقلاب اسلامی: «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح فدا) آرمان بزرگ انقلاب اسلامی است.» آرمان ایجاد تمدن نوین اسلامی را معظم له در تبیین نقش حلقه های میانی جامعه به عنوان یکی از چهار عنصر لازم برای حرکت منضبط و عقلانی در جامعه پردازی، تحت عنوان «جهت گیری منطقی و مشخص»، تاکید مکرر فرموده اند (رهبر شهید انقلاب، ۱۳۹۸/۳/۱). به عبارت دیگر مرحله اول سیاستگذاری کلی مبتنی بر رهنمودهای امام شهید به منظور تنظیم منظومه ی سیاستی معظم له منجر به تبیین عنصر «جهت گیری منطقی و مشخص» برای جامعه پردازی اسلامی توسط حلقه های میانی می شود. همچنین عبارت «عدالت، کلمه ای مقدس در همه زمان ها و سرزمین ها است. عدالت، در صدر هدف های اولیه ی همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است.» در بیانیه گام دوم، آرمان دیگر نظام سیاسی کشور ایران را نشان می دهد. معمولا جریان های سیاسی مختلف در مورد آرمان های انقلاب و نظام با یکدیگر چالشی پیدا نمی کنند، لذا نیازی به بررسی و توضیح بیشتر در خصوص مصادیق آرمان های ملی در مرحله اول سیاستگذاری به نظر نمی رسد.

مرحله دوم سیاستگذاری کلی: تبیین منافع ملی

برای منافع ملی تعاریف مختلفی می توان یافت. اصولا تنظیم راهبرد ملی کشورها و به عبارتی تعیین اهداف ملی و نیز تدوین سیاست های کلی نظام، بایستی به منظور تامین منافع ملی انجام شود. این امر حاکی از نقش راهبردی تعریف و مصادیق منافع ملی در سیاستگذاری کلی یا تنظیم منظومه ی سیاستی و در نتیجه حرکت عمومی هماهنگ جامعه به سوی ایجاد تمدن اسلامی است. با توجه به نقش تعیین کننده تعریف منافع ملی، می توان به ضرورت حیاتی ابتنا به یک تعریف مصوب و رسمی از آن در تصمیمات کلان نهادهایی نظیر مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مجمع تشخیص مصلحت نظام و حتی دستگاه های سیاستگذار اجرائی پی برد. در سند الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت که توسط مرکز اخیر در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۲ به عنوان سند بالادستی سیاست های کلی نظام برای نظر خواهی عمومی منتشر شد و هنوز به جمع بندی و تصویب نهائی نرسیده است، علیرغم تحقیقات ارزشمند برای بخش های مختلف سند، تعریفی از منافع ملی ارائه نشده است. همچنین با رجوع به قسمت مصوبات تارنمای مجمع تشخیص مصلحت نظام، به عنوان نهاد تدوین و پیشنهاد سیاست های کلی نظام، تعریفی از منافع ملی نظام جمهوری اسلامی ایران مشاهده نشد.



«جمهوری اسلامی

ایران سعادت انسان

در کل جامعه بشری

را آرمان خود می داند

و استقلال و آزادی و

حکومت حق و عدل را

حق همه مردم جهان

می شناسد. بنابراین در

عین خودداری کامل از

هر گونه دخالت در امور

داخلی ملت های دیگر،

از مبارزه حق طلبانه

مستضعفین در برابر

مستکبرین در هر نقطه

از جهان حمایت می

کند.»



از نظر امام شهید انقلاب
نه تنها در مورد اهداف
ملی و سیاست‌های کلی
نظام، بلکه ملاک صحت
تصمیم‌گیری‌های
کلان عموم مسئولین
کشور تامین منافع ملی
است. تعریف فوق به
ویژه در عصر حاضر که
جنگ‌های شناختی و
ترکیبی در عرصه تقابل
برخی قدرت‌ها با اسلام
و ایران و انقلاب نقش
تعیین کننده‌ای یافته
است، اهمیت بمراتب
بیشتری دارد.

تعریف منافع ملی مبتنی بر ویژگی‌های مدنظر امام شهید خامنه‌ای:

به منظور هماهنگی و هم‌افزایی در فعالیت‌های اجتماعی حلقه‌های میانی و بطور کلی رفع تعارضات فکری و سیاسی در خصوص مفهوم منافع ملی، در این مقاله تعریفی از منافع ملی مبتنی بر بیانات راهگشا، دقیق، مبسوط، جامع و مبتکرانه رهبر شهید انقلاب (۱۳۹۶/۳/۲۲) و (۱۳۹۳/۵/۲۲) به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

«ملاک صحت تصمیم‌گیری‌ها برای دولت‌ها تامین منافع ملی است. منفعت ملی نمی‌تواند ذیل تلقین یا تحمیل سیاست‌های خارجی تعریف شود. همچنین منفعت ملی با هویت ملت ایران هیچ‌گونه معارضه‌ای نمی‌تواند داشته باشد. منفعت ملت ایران برخاسته‌ی از هویت ملت ایران است. هویت ملت ما از سه عنصر اسلام، انقلاب اسلامی و تاریخ ملت ایران تشکیل شده است. رعایت منافع ملی ایجاب می‌کند که مسئولینی که تصمیم‌های کلان را برای کشور می‌گیرند، اعم از قوای مجریه، قضائیه و مقننه، نتوانند تصمیماتی که شائبه ضدیت یا حتی تفاوت با اسلام، یا با انقلاب و یا با ریشه‌های تاریخی ملت ایران دارد، را اتخاذ نمایند. همچنین استقلال برآمده از انقلاب اسلامی، ملت مومن، جوانان انقلابی، دانشمندان، نخبگان، فعالیت‌های علمی و موضع‌گیری‌های قاطع در مقابل زیاده‌خواهان از جمله عناصر سرمایه ملی هستند که باید در عرصه حکومتداری حفظ شود تا منافع ملی را تامین نماید.»

ملاحظه می‌شود از نظر امام شهید انقلاب نه تنها در مورد اهداف ملی و سیاست‌های کلی نظام، بلکه ملاک صحت تصمیم‌گیری‌های کلان عموم مسئولین کشور تامین منافع ملی است. تعریف فوق به ویژه در عصر حاضر که جنگ‌های شناختی و ترکیبی در عرصه تقابل برخی قدرت‌ها با اسلام و ایران و انقلاب نقش تعیین کننده‌ای یافته است، اهمیت بمراتب بیشتری دارد.

مصادیق منافع ملی:

قبل از اشاره به مواردی از مصادیق منافع ملی در بیانیه گام دوم، نمونه‌هایی از انواع مصادیق منافع ملی در ادبیات علمی با دسته‌بندی‌های مرتبط آورده می‌شود:

- منافع اولیه مثل تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، نهادهای اساسی جامعه، عقاید و ایدئولوژی مردم و افتخارات ملی؛
- منافع ثانویه نظیر روابط مطلوب با سایر کشورها، سرمایه‌های یک کشور در خارج از کشور، حمایت از شهروندان در خارج از کشور و مصونیت سیاسی دیپلمات‌های کشور؛
- منافع مستمر مثل آزادی عبور و مرور و امنیت آب‌های سرزمینی و جزایر؛
- منافع خاص مثل رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، پیشرفت‌های علمی و فناوریانه، پیشرفت اقتصادی، بالا بودن بهداشت عمومی، فرهنگ و عقاید ملی؛
- منافع مشترک فی مابین کشورهای یک منطقه در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی

و عقیدتی.

بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به نظر می‌رسد مصادیق زیر را می‌توان از نظر رهبر شهید انقلاب برای منافع ملی پیشنهاد نمود:

- استقلال ملی (به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان)؛

- آزادی اجتماعی (به معنی حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه)؛

- اسلام؛

- عدالت (این ارزش والا، باید گوهری هم‌تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست؛ ... دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد)؛

- پیشرفت؛

- عقلانیت؛

- عزت ملی؛

- اراده ملی و مدیریت جهادی (به عنوان عامل عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها)؛

- معنویت (به معنی برجسته‌کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه)؛

- اخلاق (به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو)؛

- برادری.

نقش تعارضات سیاسی در ناهماهنگی حلقه‌های میانی:

همانگونه که ملاحظه شد طبق ادبیات دانشگاهی استقلال یک نمونه مسلم از منافع ملی اولیه هر کشوری به شمار می‌رود. اما در عین حال تصریح بر استقلال در اصول انقلاب اسلامی و تأکید بر همین مفهوم در شعارهای بیانیه گام دوم مانع از این نمی‌شود که برخی مقامات ارشد اجرایی تحت عناوینی نظیر «مدیریت تعارضات با قدرت‌های بزرگ جهانی» و یا «پذیرش و رعایت الزامات و هنجارهای مورد نیاز برای تعامل در جامعه جهانی» وابستگی به قدرت‌های خارجی در حد تأمین آب آشامیدنی کشور را احتمالاً به زعم خود به عنوان تأمین منافع ملی موجه و مجاز بدانند. کارشناسان حامی جریان فکری اخیر در محافل اجرائی اظهار می‌دارند مهم‌ترین چالش نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نداشتن اجماع در سیاست خارجی و نقطه کانونی اجماع در سیاست خارجی، منافع ملی است. از نظر کارشناسان مذکور قرائت‌ها، گرایش‌ها و حتی جهان‌بینی‌ها نسبت به منافع ملی در کشور متفاوت است. حالی که طبق رهنمودهای راه‌گشای امام شهید خامنه‌ای مبنای تعریف منافع ملی شکل گرفته و در دسترس است. بدیهی است چنین تعارضات سیاسی موجب ناهماهنگی در بین حلقه‌های میانی و بی‌انضباطی در حرکت عمومی جامعه به سوی آرمان ایجاد تمدن اسلامی می‌شود. مثال‌های دیگری از تعارضات جریان‌های سیاسی در خصوص مفهوم و مصادیق منافع ملی که مسیر جامعه‌پردازی انقلاب اسلامی را ناهموار می‌سازد، می‌توان یادآوری نمود. در حالی که با تعریف و ترویج یک مفهوم واحد از منافع ملی مبتنی بر رهنمودهای رهبر شهید انقلاب در شرایط جنگ شناختی، مفهوم واحد مذکور به عنوان مبنای تشخیص برنامه‌ها و راهکارهای حلقه‌های میانی متعهد به انقلاب نصب‌العین قرار گرفته و همراه با عموم جامعه از خط معارضین در امتداد دشمن خارجی فاصله خواهند گرفت. این امر موجب انسجام و اتحاد ملی شده و جامعه‌پردازی اسلامی را تسهیل می‌نماید. این موضوع علاوه بر بیانات معظم له



از نکات کلیدی برای
ترسیم منظومه سیاستی
امام شهید خامنه‌ای
توجه به مفهوم واژه‌ی
پیشرفت با منطق
اسلامی و تفاوت‌های
آن با واژه‌ی توسعه غربی
است. همانگونه که در
تعریف پیشنهادی منافع
ملی اشاره شد معظم‌له
عناصری از سرمایه ملی
را نام می‌برد که حفظ
آنها موجب تامین منافع
ملی می‌شود

در باب انسجام و اتحاد ملی (رهبر شهید انقلاب، ۱۳۹۶/۳/۲۲)، در بخش توصیه‌های بیانیه گام دوم در قالب «مرزبندی با دشمن» و به عنوان یکی از شاخه‌های اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین الملل جمهوری اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر هم ارتقا انسجام ملی در سیاست داخلی و هم عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی نیازمند مرزبندی با دشمن است که در مرحله تدوین سیاست‌های (کلی نظام) ملی به آن پرداخته می‌شود.

پیشرفت اسلامی و توسعه غربی:

از نکات کلیدی برای ترسیم منظومه سیاستی امام شهید خامنه‌ای توجه به مفهوم واژه‌ی پیشرفت با منطق اسلامی و تفاوت‌های آن با واژه‌ی توسعه غربی است. همانگونه که در تعریف پیشنهادی منافع ملی اشاره شد معظم‌له عناصری از سرمایه ملی را نام می‌برد که حفظ آنها موجب تامین منافع ملی می‌شود؛ عناصری مثل استقلال برآمده از انقلاب اسلامی، ملت مومن، جوانان انقلابی، دانشمندان، نخبگان، فعالیت‌های علمی و موضع‌گیری‌های قاطع در مقابل زیاده‌خواهان. با توجه به اینکه عناصر مذکور جزئی از سرمایه ملی بوده و موجب پیشرفت می‌گردد، پیشنهاد می‌شود پیشرفت نیز از مصادیق مورد نظر معظم‌له در منافع ملی تلقی گردد. واژه پیشرفت هم در بیانیه گام دوم و هم در عنوان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بکار رفته است. معظم‌له در خصوص وجوه افتراق و اشتراک پیشرفت و توسعه (رهبر شهید انقلاب، ۱۳۸۶/۲/۲۵) بیانات دقیقی داشته‌اند. در موارد افتراق از جمله اینکه عدالت همراه و در ذات پیشرفت است، در حالی که برعکس در توسعه آنها می‌گویند اگر رعایت مسائل عدالتی را بکنیم توسعه به دست نخواهد آمد؛ بنابراین عدالت را می‌گذاریم بعد از آنکه توسعه را حاصل کردیم. آن وقت با روش‌های جبرانی مثل همین بیمه‌ها و کمک‌ها، تا آن حدی که بشود - که غالباً هم نمی‌شود - جبران می‌کنیم. دوم اینکه توسعه یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش‌گذاری همراه خودش دارد: کشور توسعه یافته یعنی کشور غربی! با همه خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ لذا ما توسعه یافته‌ی به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. بالاخره سوم اینکه پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است. پیشرفت وقتی مادی شد، اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است. (همان)

مرحله سوم سیاست‌گذاری کلی: مطالعات محیطی و تبیین اهداف ملی

اهداف (مبتنی بر منافع) ملی بیان‌کننده خواسته‌ها و منافع ملی در یک محیط و فضای راهبردی است که حصول آنها و یا ناکامی در نیل به آن اهداف کمی می‌تواند تاثیر عمیقی

بر سرنوشت ملت بگذارد. طبق یک تقسیم بندی (ارگانسکی، ۱۳۴۴) اهداف ملی در قالب ۴ دسته می تواند مطرح شود: قدرت (سیاسی)، ثروت (اقتصادی)، صلح و امنیت (دفاعی-امنیتی) و ترقی و بسط فرهنگ (فرهنگی-اجتماعی). البته تقسیم بندی هایی از این قبیل نیاستی به عنوان عدم ارتباط و یا نبود وابستگی مفهومی میان ارزش ها یا منافع و یا اهداف ملی در دسته های مذکور تلقی شود. مثلا کاربرد رایج مفاهیمی نظیر عدالت اجتماعی، آزادی های اجتماعی، اقتصاد سیاسی، استقلال سیاسی و یا استقلال اقتصادی در ادبیات مربوطه، حاکی از تاثیر مؤلفه های فرهنگی بر مؤلفه های سیاسی و تاثیر هر دو دسته مؤلفه های مذکور بر مؤلفه های اقتصادی است.

رهنمود به رئیس جمهور و هیئت دولت (رهبر شهید انقلاب، ۱۴۰۲/۶/۸) نمونه ی بارزی از رویکرد معظم له در زمینه ی لزوم اثرپذیری اهداف ملی اقتصادی و حتی سیاست های اجرائی اقتصادی از اهداف ملی فرهنگی- اجتماعی (مثل ارتقاء عدالت و کاهش فاصله طبقاتی) و اهداف ملی سیاسی است:

«هر تصمیمی می خواهید در زمینه اقتصاد بگیرید، ببینید تأثیرش بر نکات برجسته ای مانند عدالت و کاهش فاصله طبقاتی، ... چگونه است. تأثیرش را محاسبه کنید. این ها کمی و قابل اندازه گیری است. ببینید چه تأثیری بر روی این شاخص (ها) می گذارد، با توجه به آن تأثیری که می گذارد، تصمیم بگیرید، یا نگیرید.»

همانگونه که اشاره شد، اهداف ملی بیان کمی خواسته ها و منافع ملی یک کشور است. کمیت های مذکور با توجه به شرایط محیطی ملی، منطقه ای و بین المللی تعیین می شود. به این منظور از یک سو توانایی ها و محدودیت های کشور در ابعاد مختلفی نظیر اوضاع ژئوپولیتیکی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی، در شرائط موجود و آینده ی قابل پیش بینی مطالعه می شود. از سوی دیگر فرصت ها و تهدیدهای منطقه ای و بین المللی موجود و آتی مورد مطالعه و تعمیق قرار می گیرد، تا با یک ارزیابی صحیح و جامع از مؤلفه های قدرت ملی و مقایسه آنها با کشورهای رقیب، میزان امکان حرکت در جهت تأمین منافع ملی و به عبارت دیگر کمیت اهداف ملی تعیین گردد (نمودار پیوست).

نقش مطالعات محیطی ضعیف در ایجاد مانع برای پیشرفت جامعه اسلامی:

انجام مطالعات لازم و کمی در این زمینه از چارچوب مقاله حاضر خارج است. اما مطالعات مذکور به هیچ وجه نیاستی یک امر صرفا فنی متعارف تلقی شود؛ بلکه در شرایط جنگ شناختی و روایت ها از اهمیت راهبردی برخوردار بوده و بایستی توسط مقامات متخصصی که متکفل و شایسته جایگاه هایی در سطوح راهبردی هستند تحت نظارت مستمر و دقیق قرار گیرند، تا تحت تاثیر القاءات مستقیم یا با واسطه دشمن، نقاط ضعف داخلی و تهدیدهای خارجی بزرگنمائی نشده و نقاط قوت داخلی و فرصت های خارجی در گزارشات خروجی مطالعات مزبور کم اهمیت ارزیابی نشود. ارزیابی اشتباه از شرایط محیطی موجود و یا پیش بینی نادرست از شرایط آتی و یا حتی شناخت درست از عناصر موجود در صحنه ولی شناخت ناکافی از ظرفیت های بالای کشور در عرصه های داخلی، منطقه ای و بین المللی موجب (۱) خطای محاسباتی و تصمیم سازی ها و سیاست گذاری های اشتباه خواهد شد. در کنار اشتباهات و نقائص مذکور در شناخت محیطی، تبلیغات گمراه کننده رسانه های دشمن موجب برخی آسیب ها و ایجاد موانع در نقش آفرینی حلقه های میانی و حرکت عمومی جامعه خواهد شد: مثل (۲) ناامیدی و کاهش انگیزه فعالیت در بخشی از عموم مردم و یا مناقشه ی بین حلقه های میانی در خصوص مقادیر کمی اهداف ملی و در نتیجه بی انضباطی در حرکت عمومی جامعه و یا آسیب سوم مثلا (۳) تعیین مقادیر اهداف ملی پائین تر از اهدافی که ظرفیت ها و امکانات ملی در دسترس قرار می دهد. سه مورد آسیب های مذکور از مصادیق موانع شکل دهی و ارتقای نقش حلقه های میانی در مسیر پیشرفت جامعه می تواند در نظر گرفته شود.

نقش بیانیه گام دوم انقلاب در ارتقای غنای مطالعات محیطی:

دشمن به منظور وارونه‌نمایی و بی‌اعتبار کردن گزارشات مطالعات محیطی، از انواع روش‌ها و از آن جمله ترور شخصیت کارشناسان شایسته و دلسوز که نقش تعیین‌کننده‌ای در انجام مطالعات قابل‌اتکای محیطی دارند، ابایی نخواهد داشت. لذا حفظ شخصیت دانشمندان و نخبگان ذیصلاح به عنوان سرمایه‌های ملی به فرمایش رهبر شهید انقلاب برای تامین منافع ملی اهمیت بالایی خواهد یافت. اصولاً رسانه‌های دشمن در پی آن هستند که ما تصور کنیم ظرفیت‌هایمان بسیار محدود و مشکلات و ناترازی‌هایمان بسیار زیاد بوده و در بن بست هستیم و برای خروج از این شرایط ناگزیر از پذیرش خواسته‌های تحمیلی استکبار و در راس آن آمریکا هستیم. البته چنین تجویزی همان زیر پا گذاشتن منافع ملی مثل استقلال خواهد بود.

برای مقابله با وارونه‌نمایی‌های رسانه‌های دشمن نیز می‌توان از بیانیه گام دوم استفاده کرد. توضیح اینکه بخش قابل توجهی از بیانیه به گزاره‌های تبیین راهبردی واقعیات و شرایط گذشته، حال و آینده‌ی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی اختصاص دارد. برای کارشناسان مطالعات محیطی که در جزئیات فنی مطالعات خود اصطلاحاً غرق می‌شوند، گزاره‌های راهبردی مذکور بیانیه، علائم راهنمایی بسیار ارزشمندی خواهد بود. این گزاره‌ها ضمن بصیرت‌افزایی، امکان مقایسه تطبیقی مطالعه محیطی را با دورنما و چشم‌انداز واقعیات راهبردی طول دهه‌های اخیر و آینده قابل پیش‌بینی برای کارشناسان مزبور فراهم می‌سازد.

در این زمینه لازم است توجه شود که اشاره به شرایط محیطی، اغلب ذهن را به اطلاعات مرتبط با مولفه‌های فیزیکی و سخت‌افزاری نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سوق می‌دهد. در صورتی که در دنیای جنگ شناختی، فضای مجازی و رسانه‌های فراگیر جهانی که مرزهای جغرافیایی-سیاسی مانعی در برابر آنها ایجاد نمی‌کند؛ فضا سازی‌های رسانه‌ای تهدیدات نرمی به مراتب خطرناک‌تر از تهدیدات متعارف سخت ایجاد می‌کند. معمولاً این تهدیدات نرم در مطالعات محیطی مغفول مانده و یا در بهترین شرایط کم‌اهمیت تلقی می‌شود. برای مثال رهبر شهید انقلاب در طول سالیان متمادی در سه دهه گذشته در خصوص تهاجم فرهنگی و متعاقباً شبیخون فرهنگی هشدار می‌دادند؛ بی‌آنکه حساسیت لازم در میان حتی نخبگان فرهنگی نسبت به چنین هشدارهای جدی برانگیخته شود. تردیدی نیست چنین غفلت‌هایی موجب خطای محاسباتی و سیاست‌گذاری می‌شود. در اینجا به یک گزاره‌ی توصیف راهبردی واقعیت‌ها از بخش توصیه‌های بیانیه گام دوم اشاره می‌شود:

«در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ،



حفظ شخصیت

دانشمندان و نخبگان

ذیصلاح به عنوان

سرمایه‌های ملی به

فرمایش رهبر شهید

انقلاب برای تامین

منافع ملی اهمیت

بالایی خواهد یافت.

برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند.»

لزوم تبیین عمومی نتایج مطالعات محیطی تنظیم منظومه‌سیاستی:

این موضوع حائز اهمیت حیاتی است که نتایج مطالعات محیطی و ارزیابی‌های مزبور علاوه بر استفاده در محافل تصمیم‌سازی و سیاستگذاری راهبردی به نحوی مناسب برای عموم جامعه تبیین شود. رهبر شهید انقلاب برای حرکت عمومی منضبط و عقلانی به سمت چشم‌انداز، لزوم چهار عنصر را تذکر داده‌اند که دو مورد آن از طریق همین مطالعات محیطی مرحله سوم سیاستگذاری بدست می‌آید. اول، شناخت صحنه و دوم، عامل امید بخش یا نقطه روشن (رهبر شهید انقلاب، ۱۳۹۸/۳/۱). در توضیح نقطه روشن، معظم‌له ظرفیت‌های ملی را مطرح می‌فرماید و اینکه امروز حتی جوان‌ها ظرفیت‌های ملت را شناخته‌اند (همان). به عبارت دیگر اطلاع‌رسانی مناسب یافته‌های مطالعات محیطی برای تنظیم منظومه‌سیاستی امام شهید، در خصوص ظرفیت‌های ملی، موجب تبیین بیشتر عوامل امیدبخش و ترسیم بهتر نقطه روشن چشم‌انداز در مسیر پیشرفت جامعه خواهد شد. لذا اطلاع‌رسانی مزبور، از ایجاد موانع سه‌گانه ارتقای نقش حلقه‌های میانی در مسیر پیشرفت جامعه پیشگیری خواهد نمود. موانع سه‌گانه‌ای که در بخش "نقش مطالعات محیطی ضعیف در ایجاد مانع برای پیشرفت جامعه اسلامی" فوق مطرح شد. بدین ترتیب حلقه‌های میانی و عموم جامعه در مسیر حرکت به سوی اهداف ملی واقعی، در قبال تبلیغات مغرضانه رسانه‌های دشمن - که اهدافی جعلی را برای تامین منافع نامشروع خود بر اذهان عمومی تحمیل می‌نمایند - مصونیت یافته و برنامه‌ها و راهکارهای پیشرفت جامعه را بدون خطای محاسباتی و متناسب با امکانات موجود جامعه ارائه و اجرا خواهند نمود.

مرحله چهارم سیاستگذاری کلی: تبیین سیاست‌های (کلی نظام) ملی

سیاست‌های کلی نظام یا سیاست‌های ملی دربرگیرنده‌ی طیف وسیعی از خط‌مشی‌ها و رهنمودهایی است که در سطح ملی توسط نظام‌های سیاسی و یا دولت‌ها مبتنی بر آرمان‌های نظام، منطبق بر منافع ملی و به منظور تحقق اهداف ملی در برخورد با شرایط و مسائل متفاوت ارائه می‌شود. سیاست کلی اثربخش نخواهد بود، مگر اینکه اجرا و پیروی از آن، موجب حرکت در جهت آرمان‌ها، تحقق اهداف و تامین منافع ملی گردد. همچنین سیاست‌های کلی را می‌توان بیان نسبتاً تشریحی و کاربردی اسناد بالادستی برای تصمیم‌گیری حلقه‌های میانی در خصوص برنامه‌ها و راهکارهای خود و جهت‌گیری عملیاتی حرکت عموم مردم در مسیر جامعه‌پردازی اسلامی در نظر گرفت. لذا اجرای سیاست‌های کلی توسط دستگاه‌های اجرائی و انطباق برنامه‌های نهاد‌های عمومی با سیاست‌های مزبور، موجب هم‌افزایی و حرکت منضبط در جهت ایجاد دولت اسلامی و جامعه اسلامی شده و در نقطه‌ی مقابل عدم اجرا و یا تبلیغ غیرقابل اجرا بودن سیاست‌ها و به اصطلاح «مانمی‌توانیم»، موجب گسترش نومیدی، بی‌انضباطی در حرکت جامعه و عدم پیشرفت حتی اقتصادی می‌شود. سیاست‌های کلی، حاکم بر راهبردها، قوانین عادی، آئین‌نامه‌های دولت، خط‌مشی‌های اجرائی و برنامه‌های عملیاتی بوده و اصول راهنمای تدوین آنها است. (نمودار پیوست)

نقش رویکرد فعال منظومه‌سیاستی در ارتقاء اثربخشی سیاست‌های کلی نظام:

تنظیم منظومه‌سیاستی در این مقاله که با استفاده‌ی محتوایی از بیانیه‌ی گام دوم و با بکارگیری روش سیاستگذاری

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
ومعرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم



هر چه از مراحل ابتدائی

به مراحل انتهائی

فرآیند سیاستگذاری

نزدیک می شویم،

تلاش بیشتری در ابعاد

مختلف، اعم از نظارتی

و یا غیر آن، برای تطبیق

حرکت دستگاه‌های به

ویژه اجرائی با منظومه

سیاستی ضروری به نظر

می‌رسد. افزایش تلاش

مذکور در مرحله‌ی

اعمال سیاست‌های

کلی نیز ضرورت

داشته و بایستی پس

از ریشه‌یابی عوامل

انحراف عملکردها،

حرکت دستگاه‌ها به

صورتی هدفمند با

منظومه تطبیق داده

شود.

کلی انجام می‌شود، برخلاف یک حالت انفعالی و نظاره‌گری صرف، دارای رویکردی فعال (pro-active) می‌باشد. همانگونه که در مرحله سوم مقاله ملاحظه شد، مقادیر اهداف ملی در منظومه، متناسب با شرایط محیطی تعیین می‌گردد. علاوه بر این، در طول دوره زمانی مدیریت راهبردی ملی با این روش، ضمن نظارت بر شاخص‌های کلان، عملکردها با اهداف ملی کمی و سیاست‌های کلی عمدتاً کیفی منظومه تطبیق داده می‌شود. در صورت انحراف شاخص‌ها از مقادیر کمی اهداف ملی، علل انحراف ریشه‌یابی و توصیه‌های نظارتی لازم به دستگاه‌های ذیربط صادر می‌شود. بدین ترتیب سیاست‌های کلی نظام که در صورت تدوین به منظور نیل به آرمان‌ها و اهداف و تأمین منافع ملی بطور بالقوه اثربخش ارزیابی می‌شود، با رویکرد فعال و روش‌های نظارتی مذکور در اجرا، بطور بالفعل اثربخش می‌گردد. همانگونه که در مراحل قبلی فرآیند تنظیم منظومه سیاستی ملاحظه شد، در مرحله‌ی تبیین آرمان‌های نظام تعارض‌چندانی میان جریان‌ات فکری-سیاسی پیش نمی‌آید. اما در مرحله‌ی بعد که به منافع ملی مربوط می‌شود، تفاوت آرا جدی بوده که با رهنمودهای راهگشای رهبر شهید انقلاب زمینه‌ی اختلافات محدود شده، هرچند که هنوز تعریف رسمی از منافع ملی نداریم. در مرحله سوم یا تعیین کمیت اهداف ملی هر از چندی بحث‌ها پیرامون مقادیر کمی تعیین شده‌ی اهداف ملی نظیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی شدت می‌گیرد. در این زمینه هم معمولاً اشارات رهبر شهید انقلاب نرخ رشد تعیین شده‌ی ۸ درصدی را تثبیت نموده است، اگر چه در اجرا عوامل مختلفی مانع از نیل به نرخ مذکور می‌گردد. به عبارت دیگر هر چه از مراحل ابتدائی به مراحل انتهائی فرآیند سیاستگذاری نزدیک می‌شویم، تلاش بیشتری در ابعاد مختلف، اعم از نظارتی و یا غیر آن، برای تطبیق حرکت دستگاه‌های به ویژه اجرائی با منظومه سیاستی ضروری به نظر می‌رسد. افزایش تلاش مذکور در مرحله‌ی اعمال سیاست‌های کلی نیز ضرورت داشته و بایستی پس از ریشه‌یابی عوامل انحراف عملکردها، حرکت دستگاه‌ها به صورتی هدفمند با منظومه تطبیق داده شود.

عوامل انحراف عملکردها از اهداف ملی و سیاست‌های کلی:

در میان عوامل مختلف انحراف عملکردها، آسیب‌آسایی شاید ناشی از «کلی» بودن این سیاست‌ها به نظر برسد، بطوری که برخی کارشناسان و حتی مقامات اظهار می‌دارند که سیاست‌های کلی قابل تفسیر هستند. اولاً جایگاه فراقوه‌ای سیاست‌های کلی ایجاد می‌نماید که به صورت کلی تدوین شود. ثانیاً علت سوء برداشت در این است که کارشناسان و مقامات ذیربط، سیاست‌های کلی را بدون توجه به جایگاه آن در طول مجموعه‌ی مراحل به هم پیوسته‌ی منظومه‌ی سیاستی و همچنین مستقل از سایر سیاست‌های کلی نظام در نظر می‌گیرند. به همین دلیل در این مقاله و به ویژه در تعریف سیاست‌ها در ابتدای مرحله‌ی چهارم، به ارتباط سیاست‌ها با آرمان‌ها، منافع و اهداف ملی بطور مکرر اشاره شده است.

به عبارت دقیق‌تر اگر سیاست‌های کلی نظام به تنهایی و خارج از مجموعه‌ی منظومه‌ی سیاستی ملاحظه و اجرا شود، به همان اندازه که سیاست‌های اجرائی دولت‌های مختلف متنوع و گاه متناقض است، سیاست‌های ملی نیز در زمان صدارت مسئولین اجرائی مختلف، عملاً مفاهیم متفاوتی پیدا خواهد کرد. حتی روایت‌های متفاوتی از مفاهیم کلیدی مثل عدالت، استقلال، آزادی، پیشرفت و توسعه در اجرا تولید خواهد شد. در صورتی که غرض از تدوین سیاست‌های کلی نظام، کاهش برخی حرکت‌های اجرائی متناقض در طول زمان و حفظ حرکت پیوسته و منظم نظام برای تامین منافع ملی و زمینه‌سازی برای حرکت منضبط جامعه در راستای آرمان‌های اسلامی بوده است. بنابراین مقامات دولت‌های مختلف که عملکردهای متنوع خود را تحت عنوان اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری توجیه می‌نمایند، بایستی در خصوص تامین منافع ملی با ویژگی‌های مورد نظر رهبر شهید انقلاب - که در این مقاله به ویژگی‌های مورد نظر اشاره شد - و تحقق اهداف ملی نیز، از طریق عملکردشان پاسخگو باشند. در این صورت دامنه‌ی تنوع تفسیرها و انحراف عملکردها محدود شده و شرایط تطبیق بهتر با منظومه‌ی سیاستی و اثربخشی بیشتر سیاست‌ها فراهم می‌آید. عامل دیگر انحراف عملکردها از منظومه‌ی سیاستی و یا تحقق ناقص اهداف ملی، اجرای گزینشی سیاست‌های کلی نظام و عدم اجرای بخشی از این سیاست‌هاست. به عنوان نمونه در بند اول سیاست‌های کلی برنامه پنجساله هفتم پیشرفت آمده است:

«هدف کلی و اولویت اصلی برنامه هفتم با رعایت سیاست‌های کلی مصوب، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت با نرخ رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد در طول برنامه تعیین می‌شود، با تأکید بر افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید (منابع انسانی، سرمایه، فناوری و مدیریت)».

همانگونه که ملاحظه می‌شود رشد مذکور همراه با رعایت مجموعه‌ی سیاست‌های کلی ابلاغی، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت و افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید آمده است. لذا با اقدام به افزایش سریع نرخ ارز که منجر به افزایش نرخ تورم شده، قابلیت پیش‌بینی و فعالیت اقتصادی را برای فعالان مرتبط محدود و بر خلاف عدالت عمل می‌کند، مسئولین ذیربط نمی‌توانند ادعا کنند که در راستای تحقق رشد ۸ درصدی می‌خواستند عمل کنند. همچنین ارتقاء بهره‌وری که در بند فوق‌الذکر سیاست‌های کلی برنامه هفتم برای نیل به رشد ۸ درصدی مورد تأکید قرار گرفته، از موضوعاتی است که در مجموعه‌ی سیاست‌های کلی نظام بیشترین تکرار و تأکید را داشته است. لذا چنانچه مجموعه‌ی سیاست‌های کلی مرتبط با ارتقاء بهره‌وری اعمال شده و از اجرای گزینشی آنها اجتناب شود، رشد اقتصادی بمراتب تسهیل شده و اقتصاد رونق خواهد گرفت. برای نشان دادن ارتباط گسترده‌ی بهره‌وری در مجموعه‌ی سیاست‌ها با رشد اقتصادی، قسمت‌هایی از برخی از سیاست‌های کلی نظام که واژه‌ی بهره‌وری در آنها تصریح و طی حدود یک دهه ابلاغ شده، در زیر اشاره می‌شود:

«سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ... (بند ۳)»

«سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی: بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره‌وری عوامل تولید با ... (بند ۱)، توانمندسازی و ارتقاء بهره‌وری نیروی کار با ... (بند ۱۲)»

«سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری: افزایش بهره‌وری اقتصاد کشور با اصلاحات و اقدامات لازم بویژه اصلاحات ساختاری و مدیریتی و کاهش هزینه‌ی مبادله و رفع موانع (بند ۴)»

«سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف: صرفه‌جویی در مصرف انرژی با اعمال مجموعه‌ای متعادل از اقدامات قیمتی و غیرقیمتی به منظور کاهش مستمر شاخص شدت انرژی کشور به حداقل دوسوم میزان کنونی تا پایان برنامه‌ی



علاوه بر سیاست‌هایی

که واژه‌ی بهره‌وری بطور

صریح در آنها آمده

است، سیاست‌های

کلی دیگری نیز هست

که مفاهیم مرتبط و با

حتی مترادف بهره‌وری

را مطالبه می‌نماید.

تردیدی نیست اجرا

یا عدم اجرای کامل

سیاست‌های اخیر

نیز همان پیامدهای

پیش گفته در خصوص

سیاست‌های کلی

بهره‌وری را در پی خواهد

داشت.

پنجم توسعه و به حداقل یک دوم میزان کنونی تا پایان برنامه‌ی ششم توسعه با تاکید بر سیاست‌های زیر:

- اولویت دادن به افزایش بهره‌وری در تولید، انتقال و مصرف انرژی... (بند ۷)،

- ارتقاء بهره‌وری و نهادینه شدن مصرف بهینه‌ی آب در تمام بخش‌ها بویژه بخش کشاورزی در چارچوب... (بند ۸)

- ارتقاء بهره‌وری در چارچوب سیاست‌های زیر:

-- افزایش بهره‌وری با تاکید بر استقرار نظام تسهیم منافع حاصل از بهره‌وری از طریق... (بند ۱۰)

«بند ۴ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: الزامات واگذاری: به منظور اصلاح مدیریت و افزایش بهره‌وری بنگاه‌های مشمول واگذاری با استفاده از ظرفیت‌های مدیریتی کشور اقدامات لازم جهت جذب مدیران با تجربه، متخصص و کارآمد انجام پذیرد. (بند ۵)»

«ارتقاء کارائی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری به عنوان یکی از اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

علاوه بر سیاست‌هایی که واژه‌ی بهره‌وری بطور صریح در آنها آمده است، سیاست‌های کلی دیگری نیز هست که مفاهیم مرتبط و یا حتی مترادف بهره‌وری را مطالبه می‌نماید. تردیدی نیست اجرا یا عدم اجرای کامل سیاست‌های اخیر نیز همان پیامدهای پیش گفته در خصوص سیاست‌های کلی بهره‌وری را در پی خواهد داشت. به عنوان نمونه ۳ بند از ۲۶ بند سیاست‌های کلی نظام اداری یادآوری می‌شود:

«بند ۱۰: چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز.»

«بند ۱۲: توجه به اثربخشی و کارایی در فرآیندها و روش‌های اداری به منظور تسریع و تسهیل در ارائه خدمات کشوری.»

«بند ۱۴: کل‌نگری، همسوسازی، هماهنگی و تعامل اثربخش دستگاه‌های اداری به منظور تحقق اهداف فرابخشی و چشم‌انداز.»

ملاحظه می‌شود که بندهای فوق‌الذکر از سال ۱۳۸۹ اصلاحات فرآیندها، روش‌ها و بطور کلی نظام اداری کشور را با ویژگی‌هایی نظیر چابک‌سازی، متناسب‌سازی، منطقی ساختن، اثربخشی و کارایی، کل‌نگری، همسوسازی، هماهنگی و تعامل اثربخش مطالبه می‌کند. در همین شرایط ما سه وزارتخانه در زمینه‌ی امور فرهنگی داریم: فرهنگ و ارشاد اسلامی، ورزش و جوانان و بالاخره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. در حالی که در ساختار تشکیلاتی دولت کره جنوبی، امور فرهنگی کشور در وزارت فرهنگ، ورزش و گردشگری گردآوری شده، (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳) و تمام محصولات و فرآورده‌های کره‌ای، اعم از فرهنگی و حتی غیر فرهنگی، توسط همان یک وزارت بازاریابی می‌شود (همان).

تقسیم‌بندی سیاست‌های کلی:

از آنجا که سیاست‌های کلی فراگیر بوده و تمام جهات داخلی و امور خارجی کشور را در برمی‌گیرد، سیاست‌های مذکور در قالب سه مؤلفه زیر می‌تواند تفکیک شود:

سیاست‌های کلی داخلی:

سیاست‌های داخلی، چارچوب حرکت دولت‌ها را در داخل کشور و در حیطه‌ی مرزهای شناخته شده‌ی آن، برای نیل به اهداف ملی تعیین می‌نماید. ابزار قدرت دولت‌ها در اعمال سیاست‌های کلی داخلی همان چهار دسته مؤلفه‌های قدرت مذکور در اهداف ملی یعنی سیاسی، اقتصادی، نظامی یا دفاعی-امنیتی و اجتماعی-فرهنگی می‌باشد.

بخش اعظم سیاست‌های کلی نظام که از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام پیشنهاد و از سوی رهبر شهید انقلاب تاکنون ابلاغ شده است، در قالب سیاست‌های کلی داخلی می‌تواند در نظر گرفته شود. با این حال با استفاده از بخشی از توصیه‌های بنیانه گام دوم انقلاب مثال‌هایی برای سیاست‌های کلی داخلی آورده می‌شود:

«ما به سوء استفاده از دانش ماوند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم.»؛

«حکومت‌ها باید منش و رفتار اخلاقی داشته باشند، زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند و با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند.»؛

«تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت و توزیع عدالت محور و مصرف به اندازه و بی اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است، در سال‌های اخیر از سوی این جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده است، ... راه حل این مشکلات (اقتصادی)، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود.»؛

«اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است، پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطائی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط هر چندگاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشاء آن، کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.»؛

«باید دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد (اقتصادی و اخلاقی و سیاسی) مبارزه کند، به ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.»؛

«عدالت به صورت نسبی همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان است.»؛
«همه مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی موظف به حراست از استقلال و آزادی با همه وجودند.»؛

«آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.»؛

«مقابله با تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران که زیان‌های بی‌جران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت مازده است، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد.»

همچنین در امتداد رهنمود فوق‌الذکر مورخ ۱۴۰۲/۶/۸ در خصوص جایگاه عدالت و کاهش فاصله طبقاتی در مرحله‌ی تبیین اهداف ملی برای منظومه سیاسی، رهنمود (رهبر شهید انقلاب، ۱۴۰۰/۶/۶) معظم له - در زمینه پیوست عدالت در اولین دیدار دولت سیزدهم. می‌تواند یک سیاست کلی داخلی با اثربخشی بالا که همسو با آرمان‌ها، منافع و اهداف



سیاست خارجی خط

مشی‌های کلی دولت‌ها

برای برقراری مناسبات

وروابط با سایر کشورها

برای تحقق اهداف

ملی می‌باشد. برعکس

سیاست‌های داخلی که

دولت‌ها از ابتکار عمل

و آزادی لازم برخوردارند،

در سیاست‌های خارجی

طرف مقابل هر دولت،

واحد‌های سیاسی

مستقل دیگر هستند.

نظام و انقلاب است، را به نمایش بگذارد و البته به دلیل دستاوردهای بالا و کم هزینه یک سیاست کلی کارآمد و پایدار خواهد بود:

« هر مصوبه‌ای که تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر می‌کنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد، باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزنند، طبقات مظلوم را پایمال نکنند، این مراقبت باید همیشه باشد، حالا یا با یک پیوست مکتوب یا بالاخره از لحاظ نوع تنظیم جوری باشد که این طور باشد.»

سیاست‌های کلی خارجی:

سیاست خارجی خط مشی‌های کلی دولت‌ها برای برقراری مناسبات و روابط با سایر کشورها برای تحقق اهداف ملی می‌باشد. برعکس سیاست‌های داخلی که دولت‌ها از ابتکار عمل و آزادی لازم برخوردارند، در سیاست‌های خارجی طرف مقابل هر دولت، واحدهای سیاسی مستقل دیگر هستند. در عین حال ابزار قدرت دولت‌ها در اعمال سیاست‌های خارجی همان چهار دسته مؤلفه‌های قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی-فرهنگی می‌باشد.

فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به سیاست خارجی اختصاص دارد. از اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی، اینجا به عنوان مصادیقی از سیاست‌های کلی خارجی می‌توان استفاده نمود.

طبق اصل ۱۵۲: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جوئی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.»

طبق اصل ۱۵۳: «هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد، ممنوع است.»

در مجموعه‌ی سیاست‌های کلی پیشنهادی مجمع تشخیص مصلحت نظام و ابلاغی از سوی رهبر شهید انقلاب، موارد معدودی به سیاست‌های کلی خارجی مربوط می‌شود. اما با استفاده از بیانیه گام دوم می‌توان مثال‌هایی برای سیاست‌های کلی خارجی آورد: «استقلال نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود تعریف شود.»

«امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپائی را نیز خدعه‌گرو غیرقابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی ایران، باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛

از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و

در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.»

همچنین با توجه به ارتباط خط مشی «تسلیم نشدن در برابر دشمن» با سیاست های کلی خارجی، رهنمود زیر برای تکمیل منظومه سیاستی ولی امر مسلمین در این بخش نیز تکرار می شود: «اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفا ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است، پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطائی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط هر چندگاه از زبان و قلم برخی غفلت زدگان داخلی صادر می شود، اما منشاء آن، کانون های فکر و توطئه ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم سازان و تصمیم گیران و افکار عمومی داخلی القاء می شود.»

سیاست های کلی دفاعی و امنیتی:

سیاست های دفاعی و امنیتی برای دفع تهدیدات و حفظ امنیت ملی یک کشور مورد استفاده قرار می گیرد. سیاست های کلی اخیر بیشتر پشتوانه ی سیاست خارجی کشورها بوده، اما برای رفع تهدیدات داخلی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. ابزار قدرت دولت ها در اعمال سیاست های دفاعی و امنیتی همان ابزاری است که در سیاست های داخلی و خارجی مورد استفاده قرار می گیرد، ولی با توجه به حساسیت و اهمیت امنیت ملی برای کشورها تدوین سیاست های دفاعی و امنیتی از ارجحیت و ویژگی های خاصی برخوردار است و مسئولیت تدوین این سیاست ها در اکثر کشورها به شوراهای امنیت ملی واگذار شده است.

با توجه به طبقه بندی سیاست های دفاعی و امنیتی، سیاست های مذکور منتشر نمی شود، اما با استفاده از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می توان سیاست های مشابهی را در نظر گرفت:

«استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی... را با تأویل و توجیه های ساده لوحانه و بعضا مغرضانه، نمی توان در خطر قرار داد. همه. مخصوصا دولت جمهوری اسلامی. موظف به حراست از آن با همه وجودند.»

نظر به تهدیدات نرم که در بخش «نقش بیانیه گام دوم انقلاب در ارتقای غنای مطالعات محیطی» مرحله ی سوم سیاست گذاری کلی به آن اشاره شد، برخی رهنمودهای سیاستی دفاعی-امنیتی ولی امر شهید مسلمین برای مقابله با تهدیدات نرم، از قسمت توصیه های بیانیه مذکور آورده می شود:

«نخستین توصیه ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است.»

«شما جوانان باید پیش گام در شکستن این محاصره ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران



سیاست های دفاعی
و امنیتی برای دفع
تهدیدات و حفظ امنیت
ملی یک کشور مورد
استفاده قرار می گیرد.
سیاست های کلی
اخیر بیشتر پشتوانه ی
سیاست خارجی
کشورها بوده، اما برای
رفع تهدیدات داخلی
نیز مورد استفاده قرار
می گیرد.

نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیادی را از خود و دیگران برانید. این نخستین وریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»

اگر رهنمودهای اخیر از نظر برخی مخاطبین، کلی‌گوئی‌هایی شعارگونه و فاقد جنبه‌های عملیاتی ملموس به نظر برسد، احتمالاً مخاطبین محترم مذکور هدف حمله نرم موفق قرار گرفته‌اند! برای توضیح مصداقی، یک مثال مطرح می‌شود:

طراحی دشمن برای اغتشاشات پائیز سال ۱۴۰۱ ابعاد پیچیده‌ی مختلفی داشت. در عین حال، به نظر می‌رسد تاکتیک عملیاتی فرماندهان میدانی دشمن، عملیات فریب در جنگ شناختی و موتور پیش‌برنده اغتشاشگران در صحنه عملیات، وارونه نمائی‌های برخی چهره‌های مشهور در رسانه‌های دشمن و فضای مجازی بوده است. چهره‌های مذکور با تکرار گزاره‌های فریب دشمن در رسانه‌های فراگیر، اقدام به سربازگیری برای طراحان اغتشاشات می‌کردند. مواضعی نظیر:

«هیچ جای دنیا مردم مثل ایران بدبخت نیستند.»

«همه جای دنیا مردم خوشبخت و دارای یک زندگی نرمال هستند.»

«... خانه از پای بست و بران است.»

«رژیم تافلان تاریخ رفتنی است.»

«مسئولین رژیم، خانواده‌ها و پول‌هایشان را به ونزوئلا فرستادند.» ...

در حالی که برخی جوانان و نوجوانان سهم بالائی از وقت مفید خود را، بویژه پس از همه‌گیری کرونا، در فضای مجازی صرف و از فضای حقیقی اطراف خود غفلت می‌کردند و گزاره‌های فوق توسط چهره‌های فضای مجازی در ذهن آنها تکرار مکرر می‌شد، بعید نبود که دروغ‌های بزرگ فوق بتدریج تبدیل به باور شود. به همین دلیل سهم نوجوانان در اغتشاشات پائیز ۱۴۰۱ قابل توجه بود. همچنین خیلی از دستگیرشدگان اغتشاشگر برای فرافکنی و یا توجیه رفتار خود می‌گفتند: «جوگیر شدیم!»

حقیقت این است که دشمن می‌خواهد نه تنها جوانان، بلکه تصمیم‌سازان و سیاستگذاران کشور نیز در فضای ذهنی فریب و نومیادی و ترسی که او می‌سازد، گرفتار شده و طبق منطق و محاسبات چنین فضائی رفتار کنند؛ فضائی پوشالی که هر از چندی در برخورد با فضای حقیقی فرومی‌پاشد و موجب عبرت گروهی کثیر می‌شود. اما دشمن همچنان برای تکرار همین طرح در زمانی دیگر که تجربه‌ی قبلی تاحدی فراموش شده باشد، طراحی می‌کند.

مرحله پنجم سیاستگذاری کلی: تدوین راهبرد ملی و صدور راهنمای سیاسی طرحریزی

فرآیند سیاستگذاری کلی در سطح ملی به منظور ارائه‌ی راهنمایی‌های لازم و هماهنگی میان مجریان مختلف، در مرحله پنجم، اقدام به تدوین راهبرد ملی و صدور راهنمای سیاسی طرحریزی می‌نماید (نمودار پیوست). راهنمای مزبور می‌تواند به منظور تبیین منظومه‌ی



حقیقت این است که

دشمن می‌خواهد

نه تنها جوانان، بلکه

تصمیم‌سازان و

سیاستگذاران کشور نیز

در فضای ذهنی فریب

و نومیادی و ترسی که او

می‌سازد، گرفتار شده و

طبق منطق و محاسبات

چنین فضائی رفتار کنند

سیاستی امام شهید، علاوه بر دستگاه‌های اجرائی، برای فعالیت‌های حلقه‌های میانی و مشارکت عمومی در پیشرفت جامعه نیز تکمیل شود. برای توضیح بیشتر، ابتدا تعریف واژگان مذکور ضروری است.

تعریف راهبردملی:

راهبرد یا استراتژی ملی عبارت از علم و هنر بکارگیری و راهبری هماهنگ کلیه مؤلفه‌های قدرت ملی (شامل نیروهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی)، با استفاده از روش‌های علمی، تحت هر شرایطی، برای بیشترین پشتیبانی از سیاست‌های کلی نظام و نیل به اهداف ملی می‌باشد. راهبرد ملی از نظر جایگاه در سطح فراقوه‌ای بوده و در برگیرنده راهبردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و دفاعی- امنیتی می‌باشد.

تدوین راهبرد ملی برای تبیین چگونگی حرکت در جهت سیاست‌های (ملی) کلی نظام است. راهنمای سیاسی طرحریزی که برای دستگاه‌های اجرائی و شوراهای سیاستگذاری صادر می‌شود، در واقع تبیین‌کننده‌ی راهبرد ملی کشور بوده و چارچوب مشخصی را ارائه می‌نماید که مبنای تدوین راهبردهای چهارگانه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و دفاعی- امنیتی) خواهد بود. راهنمای سیاسی مزبور همچنین قوای سه‌گانه و ستاد کل نیروهای مسلح را برای تبیین سیاست‌های اجرائی مورد نیاز خود هدایت و یاری خواهد نمود. به عبارت دیگر راهبردهای چهارگانه اخیر از سطح فراقوه‌ای تنزل نموده و پس از ابلاغ راهنمای سیاسی مذکور، توسط قوای سه‌گانه و ستاد کل نیروهای مسلح تدوین می‌شود. راهنمای سیاسی طرحریزی پس از تأیید رهبری در کشور رسمیت یافته و سپس به سازمان‌های مسئول ابلاغ می‌گردد و علی‌الاصول حاوی رهنمودها و اطلاعاتی در قالب مفاد زیر است:

اهداف کلی؛

مأموریت‌های مختلف؛

ماهیت و شدت و دامنه تهدیدات و احتمال وقوع آنها در ابعاد متفاوت مؤلفه‌های قدرت ملی؛

مفروضات پیش‌بینی اوضاع جاری و آتی؛

تدابیر کلی نیل به اهداف ملی که جداگانه به نهادهای مربوطه ابلاغ شده و مسیرهای اصلی حرکت آنها را در راستای نیل به اهداف ملی مشخص می‌سازد؛

تعیین سهم هر یک از بخش‌ها و یا وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها از تولید ناخالص ملی، با توجه به اهداف و مأموریت‌های ارجاع شده به آنها، به منظور ترسیم منطقی و مبتنی بر واقعیت حدود و چارچوب حرکت خود.

همانگونه که ملاحظه شد، راهبرد ملی، هم‌چگونگی حرکت در جهت سیاست‌های کلی نظام و هم‌چگونگی نیل به اهداف ملی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر هم‌مسیر حرکت و هم‌هدف حرکت از طریق راهبرد ملی تبیین و مشخص می‌شود. همچنین راهبرد ملی که در سطح فراقوه‌ای می‌باشد، از طریق راهنمای سیاسی طرحریزی برای دستگاه‌های ذیل قوا و ستاد کل تشریح شده و چارچوب هدایت و کمک به تدوین راهبردهای چهارگانه ذیل سه قوه و ستاد کل و سیاست‌های اجرائی مربوط را ارائه می‌نماید. در عین حال، مفاد راهنمای سیاسی طرحریزی حاوی رهنمودها و اطلاعات با ارزشی است که حلقه‌های میانی جامعه می‌توانند در تدوین راهکارها و برنامه‌های خود، به عنوان عنصر چهارم ضروری از نظر امام شهید برای حرکت منضبط جامعه به سمت چشم‌انداز مورد استفاده قرار دهند (رهبر شهید انقلاب، ۱۳۹۸/۳/۱).

مفاد بندهای ۱، ۲، ۵ و ۶ یادشده‌ی راهنمای سیاسی برای عموم حلقه‌های میانی قابل استفاده خواهد بود. به بیان دقیق‌تر، مفاد چهار بند اخیر، مأموریت هر نهاد و مسیر اصلی حرکت آن نهاد برای نیل به اهداف ملی را می‌تواند برای

بیرکت

به مناسبت شهادت قاندامت
و معرفی رهبر جدید انقلاب

فصل سوم

حلقه‌های میانی مشخص کند. همچنین در حرکت جامعه به سمت چشم‌انداز، با توجه به سهم هر نهاد از تولید ناخالص ملی، معلوم می‌شود، چه نقشی باید داشته باشد. لذا مشخص خواهد شد، از هر نهادی به عنوان تکالیف رسمی آن نهاد، چه مطالباتی می‌توان داشت. بنابراین، ماهیت متمرکز و منسجم منظومه‌ی سیاستی و نگارش مناسب راهنمای سیاسی طرح‌ریزی مبتنی بر آن، حلقه‌های میانی را علاوه بر مطالعات محیطی مرحله سوم سیاست‌گذاری، با اطلاعات مفاد بندهای فوق‌الذکر، توانمند و هدایت می‌نماید. علاوه بر این، پیگیری و نظارت متمرکز عمومی بر عملکرد دستگاه‌های مختلف در مسیر پیشرفت را تسهیل و تقویت و حرکت جامعه را منضبط و تسریع می‌نماید. بدین ترتیب، یک چنین توانمندسازی، ظرفیت‌های بالقوه‌ی حلقه‌های میانی را بالفعل نموده، آنها را برای ایفای نقش‌های اساسی در مسیر جامعه‌پردازی قادر خواهد ساخت. البته، مفاد بندهای ۳ و ۴ نیز توسط حلقه‌هایی که توان کارشناسی بالاتری دارند، می‌تواند بهره‌بردار شود.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی از نگارش این مقاله، ارائه‌ی منظومه‌ی سیاستی امام شهید، به منظور زمینه‌سازی برای ابتدای حلقه‌های میانی به رهنمودهای ولی‌امر مسلمین بوده است تا حرکت منضبط جامعه برای ایجاد تمدن نوین اسلامی تسهیل شود. بیانیه گام دوم انقلاب، خلاصه‌ی مواضع و جمع‌بندی شده توسط آن امام شهید، به عنوان منبع ابتدا به رهنمودهای ولی‌امر مسلمین انتخاب شد. با توجه به نقش راهبردی منافع ملی در حرکت عمومی هماهنگ و منضبط جامعه، تعریفی از منافع ملی برای منظومه‌ی سیاستی، مبتنی بر رهنمودهای ولی‌امر مسلمین ارائه شد، تا منظومه ضمن زمینه‌سازی برای هماهنگی و هم‌افزایی برنامه‌ها و راهکارهای حلقه‌های میانی، مرزبندی عموم جامعه با دشمنان خارجی و امتداد آن دشمنان در داخل را تسهیل نموده و موجب اتحاد و انسجام ملی شود. موارد افتراق مورد نظر رهبر شهید انقلاب از واژه‌ی پیشرفت با توسعه‌ی غربی به دلیل لزوم مرزبندی منظومه با راهبرد توسعه‌ی غربی مطرح شد. با توجه به جایگاه سیاست‌های (کلی نظام) ملی در بیان تشریحی و نسبتاً کاربردی آرمان‌ها، منافع و اهداف ملی برای حلقه‌های میانی و عموم جامعه، سیاست‌های مذکور حول محور جهت‌گیری‌های بیانیه، تا حدودی توضیح داده شد. رهبر شهید انقلاب برای محوریت جوان متعهد در حرکت منضبط و عقلانی جامعه به سوی چشم‌انداز، چهار مورد را ضروری دانسته‌اند. محتوای این چهار مورد در چارچوب مراحل مختلف فرآیند سیاست‌گذاری کلی برای ارائه‌ی منظومه‌ی سیاستی، در این مقاله مکانیابی، تنظیم و بطور منسجم (فرموله و) ارائه شد. جایگاه محتوای مورد اول (شناخت صحنه) و مورد سوم (عامل امیدبخش یا نقطه روشن) ضروری برای جامعه‌پردازی اسلامی، در مرحله‌ی سوم فرآیند سیاست‌گذاری کلی (مطالعات محیطی) تعیین گردید. همچنین محتوای مورد دوم ضروری (جهت‌گیری منطقی و مشخص)، در مرحله‌ی اول فرآیند تنظیم منظومه (تبیین آرمان‌های ملی) مکانیابی شد. بالاخره محتوای مورد چهارم



هدف اصلی از نگارش

این مقاله، ارائه‌ی

منظومه‌ی سیاستی

امام شهید، به منظور

زمینه‌سازی برای ابتدای

حلقه‌های میانی به

رهنمودهای ولی‌امر

مسلمین بوده است تا

حرکت منضبط جامعه

برای ایجاد تمدن نوین

اسلامی تسهیل شود.

(راهکارهای عملی و هدایت، تمرکز و پیگیری آنها)، در مرحله‌ی پنجم فرآیند تنظیم منظومه (صدور راهنمای سیاسی طرحریزی) قرار گرفت. به این ترتیب، اولاً، مصادیق محتوایی سه مورد اول ضروری برای حرکت منضبط جامعه، از بیانیه‌ی گام دوم تأمین شد؛ ثانیاً، جایگاه هدایت حلقه‌های میانی برای طراحی راهکارهای عملی و تمرکز فعالیت‌های خود (مورد چهارم ضروری مد نظر رهبر شهید انقلاب)، در راهنمای سیاسی طرحریزی (مرحله‌ی پنجم فرآیند سیاست‌گذاری برای تنظیم منظومه‌ی سیاستی) - که پس از تأیید ولی امر مسلمین رسمیت می‌یابد - قرار گرفت. ثالثاً، ماهیت متمرکز و منسجم (فرموله شده‌ی) منظومه‌ی سیاستی امکان پیگیری و نظارت عمومی هدفمند بر عملکرد دستگاه‌ها و حرکت جامعه در مسیر پیشرفت را فراهم می‌آورد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی در این زمینه، از سایر رهنمودهای امام شهید بویژه در حوزه‌ی سبک زندگی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت استفاده شود. همچنین تکمیل و بروزرسانی منظومه، نیازمند انجام مستمر پژوهش‌های کارگروه‌های ذیصلاح در زمینه‌ی مطالعات کمی محیطی مرحله‌ی سوم و تدوین و تنظیم راهنمای سیاسی طرحریزی مرحله‌ی پنجم در آینده می‌باشد. پنده می‌آی

منابع:

بیانیه رهبر شهید انقلاب خطاب به ملت ایران به مناسبت گام دوم انقلاب اسلامی،
۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار کارگزاران نظام در تاریخ‌های ۹۳/۵/۲۲ و ۹۶/۳/۲۲.

بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱.

بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت در تاریخ‌های ۱۴۰۰/۶/۶ و
۱۴۰۲/۶/۸.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری ۱۳۶۸. تهران: روزنامه رسمی
جمهوری اسلامی ایران.

بیات، امیر سرتیپ محمد حسن (۱۳۷۵). منابع درسی کلاس «قدرت، منافع، اهداف،
سیاست‌ها و استراتژی». دانشگاه عالی دفاع ملی.

ارگانسکی، آی. اف. کی. (۱۳۴۴). سیاست جهان. ترجمه و نشر کتاب، تهران.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۳). تبارشناسی سیاست‌های فرهنگی در
کره‌ی جنوبی (۲): موج کره‌ای به مثابه برند (ویژند) ملی کره. شماره مسلسل ۱۹۸۳۸.



پیشنهاد می‌شود

در مطالعات آتی در

این زمینه، از سایر

رهنمودهای امام شهید

بویژه در حوزه‌ی سبک

زندگی و الگوی اسلامی-

ایرانی پیشرفت استفاده

شود.